

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (١٠) تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (١١) قرآن کریم سورة الصفّ

سایت های شمه ای از قرآن و سنت

1-www.booksasgari.ir

2-www.i-g-s.blogfa.com

3-www.shamme-goran-sonnat.blokfa.com

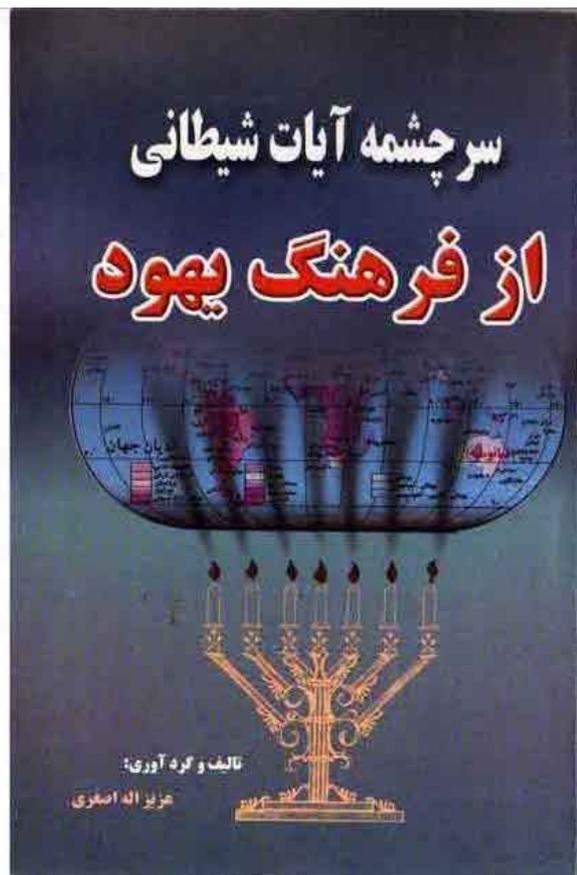
سایت های فارسی

1- عزیزاله اصغری

2- شمه ای از قرآن و سنت

3- عزیزاله اصغری تبریزی

ها ن قرآن حاصل رنج خلیل اله است
زحمت عمر محمد که جیب اله است
خون یحیی و حسین راه کلیم اله است
نور و آگاهی دوران قرآن می آید



سرچشہ آیات شیطانی از فرهنگ یہود

تألیف وگرد آوری:

عزیزالہ اصغری

@ نام کتاب: سرچشمه آیات شیطانی از فرهنگ یهود

@ تألیف و گرد آوری: عزیزاله اصغری

@ ناشر: مؤلف

@ تیراژ: 1000 جلد

@ نوبت چاپ: چاپ اول

@ قیمت: 4500 تومان

@ شابک 9789640402481

964064224 X

تهران - ایران

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۲	یهودیان گوشت و خون انسانهای غیریهودی را میخورند
۳	دعا بصورت اشعار توحیدی
۷	فصل اول: تطبیق ادیان سه گانه؛ یهودیت؛ مسیحیت؛ اسلام
۹	بند اول خدایان دوازده گانه یهودیت صهیون نیزم
۹	هَللویاه یکی از خدایان یهودیت
۹	خداوند الواهی خدای دیگر یهودیت میباشد
۱۰	داوود هم خداوند اسرائیل است؛ که همان یَهُوَه میباشد
۱۱	سموئیل هم خدای دیگر یهودیت است
۱۱	خداوند یهودیت خدای دیگر هم دارد
۱۲	در کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب تورات فعلی خدایان زیاد هستند
۱۴	تمام جماعت بنی اسرائیل خدایان هستند؛ زیرا فرزندان خداوند هستند
۱۵	در کتاب مقدس عهد عتیق خداوند یکی است که آنهم یَهُوَه میباشد
۱۶	خداوند؛ کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی زائیده است
۱۶	خداوند کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی هنوز نیامده است
۱۶	سلیمان هم خداوند یهودیت است
۱۷	عملکرد خدایان یهودیت صهیون نیست
۱۸	خداوند تورات فعلی آدم را بصورت خود آفریده است
۱۸	خداوند تورات فعلی خوابیده است
۲۰	پسران خداوند تورات فعلی از دختران انسان زن اختیار کرده است
۲۱	زنان خداوند تورات فعلی زنا کرده اند
۲۲	خداوند تورات فعلی شوهر زنان و مردان و پسران است
۲۷	خداوند تورات فعلی هم مذکر و هم مؤنث و هم همجنس باز است
۲۸	اسرائیل از خدای خود زنا کرده است
۲۹	خداوند تورات فعلی به مادر اسرائیل طلاق داده است
۳۰	موسی بحضور خداوند داخل شد و نشست و گفتگو کرد

- ۳۱ خداوند تورات فعلی به ارا به آتشین سوار شده است
- ۳۱ خداوند تورات فعلی گفت: اسرائیل قوم فتنه انگیزی هستند
- ۳۱ خداوند تورات فعلی پشیمان شده است که انسان خلق کرده است
- ۳۶ خداوند تورات فعلی بر ابرسوار شده است
- ۳۷ انسان خداوند را گول زده است
- ۳۷ یعقوب با خداوند تورات فعلی کشتی گرفته و نصرت یافت
- ۳۹ هر کسی که در روز شنبه کار کند باید کشته شود
- ۴۰ گوشت خون غیر یهودی؛ برای بنی اسرائیل مباح و حلال است
- ۴۱ خداوند تورات فعلی به ابراهیم مهمان آمده بود
- ۴۱ غذای خداوند تورات فعلی؛ پیه و خون میباشد
- ۴۲ بنی اسرائیل بتها را پرستش میکردند
- ۴۶ حضور خداوند تورات فعلی در آخرت وجود ندارد
- ۴۶ مکان خداوند تورات فعلی در آسمان هفتم جای دارد
- ۴۶ انسانیت را بسوی الوهیت بالا میبرند
- ۴۶ کاهنان خداوند نا میده میشوند
- ۵۰ مریم مادر عیسی مسیح رسول الله در قرآن کریم خاتم هر دو جهان است
- ۵۳ در اناجیل خداوند یکتا و واحد است
- ۵۵ در اناجیل خداوند؛ خدای دیگری هم دارد
- ۵۵ عیسی مسیح ابن مریم در اناجیل است
- ۵۵ در اناجیل خداوند کلمه ای است
- ۵۷ در اناجیل نوشته است که خداوند پسر ندارد
- ۵۸ عیسی گفت: من و پدرم یکی هستیم
- ۵۹ در اناجیل نوشته است؛ که گوشت و خون نمیتواند وارث خداوند شوند
- ۵۹ بند سوّم خداوند اسلام در قرآن کریم وحی منزل
- ۶۰ خداوند قرآن کریم؛ واحد و یکتا و تنها است
- ۶۰ هیچ کسی و هیچ شیئی ما نند خداوند قرآن کریم نیست
- ۶۰ بروز قیامت بطرف خداوند قرآن کریم برگردانیده میشود
- ۶۶ در آسمانها و در زمین جز خداوند قرآن کریم هیچ کسی علم غیب را نمیداند
- ۶۹ خداوند گفت محمد هم مثل شما بشر و یک انسان است

- ۷۰ محمدگفت: من هم از عذاب روز قیامت میترسم
- ۷۲ خداوند قرآن کریم گفت: آیا اولین بار خلقت را چه کسی آفریده است؟
- خداوند قرآن کریم در قیامت به عیسی مسیح رسول الله ابن مریم خواهدگفت
- ۷۳: آیاتوگفتی که من و مادرم را سوای الله بخدایی بگیری؟!؟
- ۷۵ خداوند قرآن کریم به موسی گفت: اصلاً مرا نمیتوانی ببینی
- ۷۵ عده از بنی اسرائیل گفتند: که عیسی ابن مریم خداوند بوده است
- خداوند در قرآن گفت: این قرآن کتابهای انبیای پیشین بوده است؛ کتابهای ابراهیم
- و موسی و غیره بوده است
- ۷۵
- ۷۶ خداوند ابراهیم را برای خود دوست گرفته است
- ۷۶ خداوند در قرآن کریم گفت: ابراهیم شما را مسلمان نام گذاری کرده است
- خداوندگفت: ای محمد جز خداوند کسی را مخوان و طلب حاجت مکن زیرا که
- ۷۷ کفرو شرک میباشد
- خداوند گفت: از آن گمراه ترکیست که؟ از جز خداوند کسی را بخواند و حاجت و
- ۷۸ کمک بخواهد و صدا بزند و امیدوار بشود؟!؟
- ۷۹ فقط و تنها خداوند صاحب اختیار کلّ شما است
- ۸۰ توبه را فقط خداوند قبول میکند
- ۸۴ معنی کلمه الله؛ حیران و متحیر گزارنده است
- ۸۵ فصل دوم: تطبیق خلقت آدم در آدیان سه گانه
- ۸۹ بند اول خلقت آدم در کتاب تورات فعلی
- ۹۲ پسر آدم برادرش را کشت
- ۹۳ آدم در کتاب تورات فعلی بصورت خداوند آفریده شد
- ۹۴ در کتاب تورات فعلی پسران خداوند از دختران آدم زن اختیار کرده اند
- ۹۶ خلقت آدم در کتاب تورات فعلی
- ۹۷ خلقت آدم در اناجیل
- ۹۷ خلقت آدم در انجیل
- ۹۸ در اناجیل آدم ابن الله است
- ۹۸ بند سوم خلقت آدم در قرآن کریم
- ۹۹ شیطان آدم و زانش را فریب داده از بهشت خارج کرد
- ۱۰۰ مثل خلقت عیسی مسیح رسول الله ابن مریم مثل آدم بدون پدر است

- ۱۰۱ فصل سوّم عملکرد نوح درتورات فعلی
- ۱۰۳ بنداوّل خلقت نوح درتورات فعلی
- ۱۰۹ طوفان نوح درتورات فعلی
- ۱۱۲ بند دوّم زندگی نوح دراناجیل
- ۱۱۲ بند سوّم زندگی عملکرد نوح درقرآن کریم
- نوح گفت: از شما برای رسالتم اجر و مزدی نمیخواهم؛ زیرا که اجر و مزد من
- ۱۱۴ بر عهده خداوند ازلی و ابدی و غنی است
- ۱۱۷ قوم نوح گفتند: اگر بس نکنی سنگسار خواهیم کرد
- ۱۱۹ خداوند دینی را که بنوخ سفارش کرده بود؛ بشما سفارش کرده است
- ۱۲۳ فصل چهارم: زندگی و عملکرد؛ ابراهیم درتورات فعلی
- ۱۲۴ زن ابراهیم ساره زن فرعون هم شد
- ۱۳۰ خداوند تورات فعلی به ابراهیم مهمان شد
- ۱۳۲ ابراهیم با خداوند تورات فعلی گفتگو کرد
- ۱۳۴ لوط با دخترانش زنا کرده و دو پسر زنا زاده تولد یافت
- ۱۳۵ ساره زن ابراهیم خواهر واقعی او بوده است
- ۱۳۶ ابراهیم و هاجر و اسماعیل بجای کعبه وارد شدند
- ۱۳۷ ابراهیم پسر خود اسماعیل را قربانی میکرد
- ۱۴۱ در جهان آخرت ابراهیم یهودیان را ببهشت خواهد فرستاد
- ۱۴۵ بند دوّم زندگی ابراهیم دراناجیل
- ۱۴۷ بند سوّم زندگی ابراهیم درقرآن کریم وحی منزل
- ۱۴۸ ابراهیم بتها را شکست
- ۱۵۳ درقرآن کریم دین و آئین ابراهیم اسلام بوده است
- ۱۵۴ اگر یکی از کفارتاممی اموالش را بدهد گناه او بخشیده نمیشود
- ابراهیم گفت: ای کافران از خدایان شما نمیترسم زیرا که هیچ اختیار را ندارند
- ۱۵۶ که کاری را انجام بدهند
- خداوند گفت: ای محمد بگو: زندگی و مردن و نماز و زکات و ممانت من برای
- ۱۵۷ خداوند است؛ و دین من دین ابراهیم او از مشرکین نبوده است
- ۱۵۹ خداوند گفت: ابراهیم یک امتی بوده است

- فصل پنجم تطبیقی زندگی و عملکرد اسماعیل پسر بزرگ ابراهیم در ایان سه گانه؛ یهودیت و مسیحیت و اسلام
- ۱۶۳
- بند اوّل زندگی اسماعیل پسر بزرگ ابراهیم در تورات فعلی
- ۱۶۵
- بند دوّم زندگی اسماعیل در اناجیل
- ۱۶۶
- بند سوّم زندگی اسماعیل پسر بزرگ ابراهیم در قرآن کریم وحی منزل ابراهیم؛ اسماعیل را بجبین افکند که تا برای قربانی ذبح کند
- ۱۶۸
- فصل ششم: عملکرد اسحق پسر کوچک ابراهیم
- ۱۷۲
- بند اوّل زندگی اسحق در تورات فعلی
- ۱۷۳
- بند دوّم زندگی و عملکرد اسحق در اناجیل
- ۱۸۱
- بند سوّم زندگی و عملکرد اسحق پسر کوچک ابراهیم در قرآن کریم
- ۱۸۱
- فصل هفتم: عملکرد یعقوب فرزند اسحق
- ۱۸۴
- بند اوّل زندگی عملکرد یعقوب در تورات فعلی
- ۱۸۵
- خداوند تورات فعلی میخواست؛ موسی را بکشد؛ زن موسی نگذاشت
- ۱۸۷
- یهودیان بخاطریک زنا یک شهر را قتل عام کردند
- ۱۸۸
- بند سوّم عملکرد یعقوب رسول اللّه در قرآن کریم وحی منزل
- ۲۰۳
- فصل هشتم؛ درباره داود
- ۲۰۵
- بند اوّل زندگی عملکرد داود در کتاب تورات فعلی
- ۲۰۷
- داود در حضور خداوند تورات فعلی رقص میکرد
- ۲۰۸
- داود بحضور خداوند تورات فعلی داخل شده و نشست؛ گفتگو کرد
- ۲۱۲
- داود گفت: مادرم در گناه بمن آبتن گردید
- ۲۱۲
- داود هم زنای محصنه کرد و هم مؤمن اوریای حتی را عمداً کشت
- ۲۱۴
- جنگ داود با پسرش آبشالوم بیست هزار کشته داشت
- ۲۲۵
- خداوند تورات فعلی در آسمان نشسته میخندد
- ۲۲۷
- بند دوّم زندگی داود در اناجیل
- ۲۳۱
- بند سوّم زندگی داود پیغمبر در قرآن کریم وحی منزل
- ۲۳۱
- فصل نهم؛ درباره عملکرد سلیمان
- ۲۳۲
- بند اوّل زندگی سلیمان در کتاب تورات فعلی
- ۲۳۹
- خداوند کتاب تورات فعلی بسلیمان ظاهر شده است
- ۲۴۰
- سلیمان بت پرستی کرده و هزار زن داشت
- ۲۴۱

- ۲۵۱ زنان سلیمان دل اورابه بُت پرستی وادار کرده بودند
- ۲۵۲ بند دوّم زندگی سلیمان دراناجیل
- ۲۵۳ بند سوّم زندگی سلیمان درقرآن کریم وحی منزل
- ۲۵۵ فصل دهم: عملکرد یهودیان بنی اسرائیل
- ۲۵۹ بند اوّل زندگی عملکرد یهودیان بنی اسرائیل درتورات فعلی
- ۲۶۲ یهودا باعروس خود زنا کرده؛ دو پسرزنا زاده بدنیا آورده است
- ۲۶۲ خداوند کتاب تورات فعلی خداوند دیگری هم دارد
- ۲۶۴ لوروحامه زن خداوند کتاب تورات فعلی؛ زنا کرده است
- ۲۶۶ بنی اسرائیل بُت پرست و زنا کار بودند
- ۲۶۷ زنان و عروسان و دختران بنی اسرائیل زنا کار بودند
- ۲۷۰ بنی اسرائیل گوشت و خون غیر یهودی را میخوردند
- ۲۷۲ زندگی بنی اسرائیل درکتاب تلمود
- ۲۹۶ بند دوّم زندگی و عملکرد یهودیان درکتاب مقدّس عهد جدید؛ اناجیل
- ۲۹۸ بنی اسرائیل پیغمبران خداوند را عمداً بقتل رسانیده اند
- ۳۰۱ یهودیان حیلّه کردند که عیسی مسیح رسول الله را بقتل برسانند
- ۳۰۶ عیسی مسیح رسول الله پسرمریم را به صلیب کشیده اند
- ۳۱۰ درکتاب مقدّس عهد جدید؛ اناجیل حدّ زنا سنگسار است
- ۳۱۳ یهودیان میخواستند عیسی مسیح رسول الله را سنگسارکنند
- ۳۱۴ هرکسیکه بدار آویخته شود ملعون خداوند است
- ۳۱۵ بند سوّم زندگی و عملکرد یهودیان درقرآن کریم وحی منزل
- ۳۱۵ یهودیان پیغمبران خداوند متعال راناحق و به عمد میکشتند
- ۳۱۷ یهودیان گوساله را بُت کرده ! و بُت پرست بودند
- ۳۱۸ یهودیان پیغمبران خداوند خلاق جهان هستی را عمداً بقتل رسانیدند
- ۳۲۳ موسی گفت: خداوند او صاحب اختیار من؛ من از بنی اسرائیل بیزار هستم
- ۳۲۴ یهودیان خود را فرزندان خداوند میدانند
- ۳۲۵ خاتمه کتاب جلد دوّم سرچشمه ایات شیطانی از فرهنگ یهود

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پیشگفتار

در جلد اوّل؛ شمه نا چیزی از فرهنگ و دین و مذهب عالم یهودیت را نوشته ایم و برشته تحریر در آوریم!!! و با کتابهای سلمان رشدی ملعون تطبیق نموده ایم! که روشن و شفاف شده! که اهانت! و تهمت! و افتراءات سلمان رشدی ملعون بخداوند! و به انبیاء عظام خداوندتازگی ندارد! حدوداً سه هزار سال پیش این اهانت! و افتراءات!!! و حرف های زننده!!! و سکسی!!! در کتاب مقدس عهد عتیق! و در کتاب تورات فعلی! برای تمامی انبیاء بزرگ! و ذریّه ابراهیم نسبت داده شده که خوانده خواهید خواند!!! که اگر کسی قرآن کریم وحی منزل را نخواند!!! خیال میکند که چنین افعال ناشایسته! کفر و شرک! و سکسی! از آن پیغمبران عظام و مردان پاک خداوند متعال سرزده است! در حالیکه جز تهمت! و افتراء چیزی ننوشته اند! که اهل کتاب های آسمانی و توحیدی باید آگاه و هوشیار باشند!!! که چنین اهانت! و افتراءات را قبول نکنند!!! و جواب دندان شکن چنین شیطنت ها را باید با دلیل و برهان ارائه نمایند! و نباید افراد توحیدی و یکتاپرست در مقابل شیاطین کوتاه بیایند! که دین و خدای!!! و پیغمبرانشان را بازیچه ملعبه قرار بدهند!!! برای آگاهی کامل و بیشتر! تطبیقی را از ادیان سه گانه! یهودیت! و مسیحیت! و اسلام! لازم و واجب! و ضروری است!!! زیرا که اگر ادیان را خوب ندانیم! و نشناسیم نمیتوانیم قضاوت کنیم!!! و بر راه راست خداوند خلاق جهان هستی هدایت بشویم!!! باید اوّل ادیان را خوب شناخت بعد از آن قضاوت کرد! بنابراین ادیان سه گانه جهان را یعنی یهودیت! و مسیحیت! و اسلام را خواهیم نوشت! برای اینکه این ادیان را در جهان! ادیان توحیدی یکتا پرستی میشناسند!!! تا اینکه حق! و حقایق کتابهای این سه ادیان روشن! شفاف بشوند! بعد از روشن! شفاف شدن حقایق که کدام کتاب را وحی آسمانی بشناسیم

تا کتاب اصلی وحی آسمانی! بر جهان و جهانیان معلوم و روشن و شفاف و آشکار بشود!!! و تا ریشه اصل بنیاد توحیدی بدست نیامده باشد!!! نمیتوان حقایق را شناخت و قضاوت کرد بعد از آن تطبیق کتابهای سلمان رشدی ملعون! باید معلوم و شفاف شود که با کدام کتاب دینی موجود تطبیق دارد!!! تا آسان تر و آشکارتر شفافتر شود!!! حق را از باطل جدا نماید! اول باید ادیان سه گانه را با برهان و دلیل آگاهانه مطالعه نماییم!!! بعد از آن آگاهانه قضاوت بنماییم! چون که بدون مطالعه حقیقی! و آگاهانه نمیتوانیم قضاوت کنیم و حق را از باطل جدا نماییم تمیز بدهیم!!! که باید با سند و برهان و دلیل!!! حق را از باطل جدا کرد!!! تا دین حقیقی خداوند خلاق جهان هستی ربّ العالمین برای ما آشکار و شفاف روشن شود!!!

موضوعات جالب توجه عجیبی در آئین یهودیت صهیون نیست

ملعون باد کسیکه شمشیر خود را از خون باز دارد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبی باب؛ چهل و هشتم آی ۱۱)

اما تو ای پسرانسان!!! خداوند یهوه چنین میفرماید: که بهرجنس مرغان و بهیمة حیوانات صحراء بگو: جمع شوید و بیایید و نزد قربانی من!!! که آن را برای شما ذبح مینمایم فراهم آید!!! قربانی عظیمی بر کوههای اسرائیل! تا گوشت بخورید و خون بنوشید!!! گوشت جباران را خواهید خورد!!! و خون رؤسای جهان را!!! خواهید نوشید!!! از قوجها و برّه ها و بزها و گاوها!!! که همه آنها پرواری های باشند باشد؛ و از قربانی های من که برای شما ذبح مینمایم!!! پیه خواهید خورد تا سیر شوید!!! و خون خواهید نوشید تا مست شوید!!! و خداوند یهوه میگوید: که برسفره من از اسبان و سواران و جباران!!! و همه مردان جنگی سیر خواهید شد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال بنی؛ باب سی و نهم آیات از ۱۷ تا ۲۱)

دعا بصورت اشعار توحیدی

الهی یا الهی یا الهی یا الهی

که جز تو من نمی یابم پناهی

تو ما را یار کن یا ربّ براهت

که از جز تو نمی خواهم هدایت

الهی رحم کن که درد مندم

که غرقم در گناه در دام بندم

شیاطین چیره است بر روزگارم

الهی جز تو مولائی ندارم

دلّم را شعله ور کن جان ببازم

که جز تو از همه کس بی نیازم

الهی فکر و عقلم را تو باز کن

ببخش این بنده ات را سرفراز کن

به امید تو از همه بریدم

هدایت کن الهی من ضلّیلم

همه قدرت بدست توست الهی

همه کس را تو می بخشی الهی

الهی گر عذابت را فرستی
بجز تو یاورم کس چیزی نیستی
همه کس را رحیم و مهربانی
به جز تو کس نمی یابد پناهی
پناهم ده زشرّ هر شیاطین
زشرّ هر فساد و هر سلاطین
دعایم را اجابت کن الهی
که در روز قیامت ده پناهی
همه کس را تو مولائی و شاهی
برای کس زجز تو نیست پناهی
همه جا حاضر و ناظر تو هستی
امید انبیاء تنها تو هستی
تو ربّ کلّ انس و جنّ و جانی
تو مالیک زمین و آسمانی
ائمہ انبیاء را تو پناهی
گناهان را تو می بخشی الهی
جهنّم هم بهشت مال تو هستی
تو کس را هر کجا خواهی فرستی

شفاعت مال توست هر دو جهان را
و مال توست بهشت و حوریان را
همه کس پیش تو چون یک گدائی
غنیّ تو همه چیز بر تو مانی
تو مولائی خلیل و نوح و عیسی
تو مولائی محمد خضر و موسی
که کلّ انبیاء خواند الهی
مرا جز تو نمی باشد پناهی
تویی اولّ تویی آخر الهی
تویی ظاهر تویی باطن الهی
فقط پنهان و ظاهر را تو دانی
که جز تو همه خلق است؛ هست فانی
تو را هر کس که داری ای الهی
همه چیز را شده صاحب الهی
تو را هر کس ندارد مفلس است بس
عذابت را رهائی نیست از کس
تویی شافع تو باقی تویی حقّ
تویی مواء تویی اعلی تویی حقّ

همه کس را اگر کردی مجازات

که هیچ کس نیست کند بر اعتراضات
فقط صاحب تویی همه غلامند

که پیش تو همه کس ناتوانند
تویی بخشنده؛ کلّ انبیاء را

تویی بخشنده؛ سلطان و گدا را
تو می بخشی محمد مصطفی را

تو می بخشی علی مرتضی را
که جز تو کس نمی بخشد کسی را

برای کس نبود فریاد رسی را
اگر دادی بهشت و یا جهنم

برای کس نباشد یار و همدم
فقط امید من بر توست الهی

که جز تو کس نمی بخشد گناهی
ببخش یارب گناهی اصغری را

که جز تو بر گناهم نیست شفیع را

تطبیق ادیان سه گانه؛ یعنی یهودیت از کتاب مقدس عهد عتیق
و از کتاب تورات فعلی؛ و مسیحیت از کتاب مقدس عهد جدید؛ و از
اناجیل! اسلامیت از قرآن کریم مسلمانان که وحی منزل میباشد

فصل اوّل

تطبیق خداوند یهودیت؛ و خداوند مسیحیت؛ و خداوند اسلام؛ را
از کتابهای آسمانی آن ادیان سه گانه شروع میکنیم

بنداول: خدایان دوازده گانه یهودیت از کتاب مقدس عهد عتیق! و از کتاب تورات تحریف شده فعلی!!!

۱- **یَهُوَه صَبایوت اولین خدای یهودیت صهیون نیزم! اسرائیل است! که در هزاران جای کتاب مقدس عهد عتیق! و کتاب تورات فعلی! نامش نوشته شده!!!**

۲- **هَللویاه خداوند را حمد بگوئید!!! (از مقدس عتیق مزامیر؛ مزمور صد و ششم آیه ۱) و تمام قوم بگویند: آمین هَللویاه!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور صد و ششم آیه ۴۸)

هَللویاه خداوند را بتمام دل حمد خواهیم گفت!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور صد و یازدهم آیه ۱)

هَللویاه! خوشابحال کسیکه از خداوند میترسد! و در وصایای او بسیار رغبت دارد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور صد و دوازدهم آیه ۱)

هَللویاه! ای بندگان خداوند تسبیح بخواند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور صد و سیزدهم آیه ۱)

نذرهای خود را بخداوند ادا خواهیم کرد؛ بحضور تمامی قوم وی؛ در صحن های خانه

خانه خداوند؛ در اندرون توای اورشلیم هَللویاه!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور صد و شانزدهم آیه ۱۹)

ای جمیع امتهای خداوند را تسبیح بخوانید!!! ای تمامی قبایل اوراحمد گوئید: زیرا که

رحمت او بر ما عظیم است! و راستی و خداوند تا ابد الابد هَللویاه!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور صد و هفدهم آیه ۲۰ و ۲۱)

هَللویاه نام خداوند را تسبیح بخوانید! ای بندگان خداوند را تسبیح بخوانید! ای شما

که در خانه خداوند می ایستید! در صحن های خانه خدای ما! هَللویاه زیرا که خداوند

نیکو است!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور صد و پنجم آیه ۱ تا ۴)

خداوند را متبارک خوانید: ای خاندان هارون خداوند را متبارک خوانید: ای ترسندگان

خداوند! خداوند را متبارک خوانید: خداوند از صهیون متبارک باد!!! که در اورشلیم

ساکن است هَللویاه!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور صد و پنجم آیه ۲۰ و ۲۱)

هَلْیَیاه! ای جان من خداوند را تسبیح بخوان! تازنده هستم خداوند را حمد خواهم گفت
 (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور صد و چهل و ششم آیات ۱ و ۲)
هَلْیَیاه! زیرا که خدای ما را سرانیدن نیکو است! و دل پسند و تسبیح خواندن شایسته
است! خداوند اورشلیم را بناء میکند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور صد و چهل و هفتم آیه ۱)
کلام خداوند را بیعقوب بیان کرده! و فرایض و داوریهای خویش را با اسرائیل با هیچ
امتی چنین نکرده است! داوریهای او را ندانسته اند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور صد و چهل و هفتم آیات ۹ و ۱۰ و ۲۰)
هَلْیَیاه! خداوند را از آسمان تسبیح بخوانید! در اعلی علّین او را تسبیح بخواهید!!!
 (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور صد و چهل و هشتم آیه ۱)

و جلا و افق و زمین و آسمان!!! او شاخی برای قوم خود بر افراشته است! تا فخر باشد
برای همه مقدّسان او! یعنی برای بنی اسرائیل که قوم مقرب او میباشد!!!
 (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور صد و چهل و هشتم آیه ۱۴)

هَلْیَیاه! خداوند را سرود تازه بسراوید! و تسبیح او را در جماعت مقدّسان! اسرائیل در
آفریننده خود شادی کند! و پسران صهیون در پادشاه خویش وجد بنمایند نام او را
بارقص تسبیح بخوانید!!!
 (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور صد و چهل و نهم آیات ۱ و ۲)

و داوری راکه مکتوب برایشان اجراء دارند این کرامت است! برای همه مقدّسان
او هَلْیَیاه!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور صد و چهل و نهم؛ آیه ۹)
هَلْیَیاه خدا را در قدس او تسبیح بخوانید! در فلک قوت او را تسبیح بخوانید!!!
 (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور صد و پنجاهم آیه ۱)

هر که روح دارد خدا را تسبیح بخواند هَلْیَیاه!!!
 (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور صد و پنجاهم؛ آیه ۶)

۳- خداوند الواهی خدای دیگر یهودیت است!!! یعقوب و مذبحی در آنجا بناء نمود
و آن را ایل الواهی اسرائیل نامید!!!
 (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش؛ باب سی و سوم آیه ۲۰)

نکاتی از مؤلف: و تلمودیک کتاب مهم یهودیان صهیون نیزم است! که دو قرن پیش از میلاد عیسی مسیح ابن مریم رسول الله شروع بنوشتن کردند!!! بعد از دو قرن میلاد عیسی مسیح رسول الله بن مریم! تلمود را تمام کردند!!! که در آن کتاب به عیسی مسیح رسول الله ابن مریم! و بخود مریم مقدس اهانت و توهین و افتراء نوشته و روا داشتند (تلمود یعنی آئین یهود! که تلمود را از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! بالاتر و گرامی تر میدانند) که این کتاب در سال ۱۳۵۰ شمسی در آمریکا بزبان فارسی ترجمه شده است! که اینجانب آن را از آمریکا آورده ام! که در صفحه ۴۲ و ۴۵ تلمود کلمه الواهی را خدای! خدایان نوشته اند! پس در این صورت الواهی یکی از خدایان یهودیت صهیون نیز می باشد! و خدای! خدایان است

۴- داود خداوند بنی اسرائیل است! که همان یهوه می باشد!!! یوناتان بداد گفت: بیاب صحراء برویم و هردوی ایشان بصحراء رفتند! و یوناتان بداد گفت: ای یهوه خدای اسرائیل! چون فردا یاروسوم پدر خود را مثل این وقت آزمودم!!!
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول سموئیل باب بیستم آیه ۱۲)

نکاتی از مؤلف: به موجب این آیه داود هم یکی از خدایان اسرائیل است!!!

۵- سموئیل هم خدای یهودیت بود! و سموئیل وفات نموده بود و جمیع اسرائیل به جهت او نوحه گری نموده! او را در شهرش رامه دفن کرده بودند!!! و شاول تمام اصحاب اجنه و فالگیران را از زمین بیرون کرده بود! و فلسطینیان جمع شده آمدند! در شولیم اردو زدند! شاول تمام اسرائیل را جمع کرده! در جلبوع اردو زدند! و چون شاول لشکر فلسطینیان را دید بترسید بسیار مضطرب شد! و شاول از خداوند سؤال نمود! و خداوند او را جواب نداد! نه بخوابها و نه به اوریم و نه به انبیاء و شاول به خادمان خود گفت: زنی را که صاحب اجنه باشد برای من بطلبید تا نزد او رفته از او مسئلت بنمایم!!! خادمانش وی را گفتند: اینک زنی صاحب اجنه در عین دور است

و شاول صورت خویش را تبدیل نموده لباس دیگر پوشید!!! و دو نفر همراه خود برداشته رفت و شبانگاه نزد آن زن آمده گفت: تمنا اینکه بواسطه جن برای من فالگیری نمائی!!! و کسی را که بتوبگویم: از برای من برآوری! آن زن وی را گفت: اینک آنچه شاول کردی میدانی؟! که چگونه اصحاب اجنه و فالگیران را از زمین منقطع نموده است؟! پس تو چرا برای جانم دام میگذاری؟! تا مرا بقتل برسانی؟! و شاول برای وی به یهوه قسم خورد!!! گفت: بحیات یهوه قسم از این امر بتوهیچ بدی نخواهد رسید!!! آن زن گفت: از برایت چکسی را برآورم؟! او گفت: سموئیل را را برای من برآور! و چون آن زن سموئیل را دید! با آواز بلند صدا زد!!! و زن شاول را خطاب کرده گفت: برای چه مرا فریب دادی؟! زیرا که تو شاول هستی! پادشاه وی را گفت: مترس چه دیدی؟! آن زن در جواب شاول گفت: **خدائی را می بینم که از زمین برمی آید!!!** او وی را گفت: صورت او چگونه است؟! زن گفت: مردی پیر برمی آید و بردائی ملبس است!!! **پس شاول دانست که سموئیل است! و روبزمین خم شده تعظیم کرد؛ و سموئیل گفت: چرا مرا برآوردی مضطرب ساختی؟** (۱) شاول گفت: در شدت تنگی هستم!!! چونکه فلسطینیان با من جنگ مینمایند!!! و خدا از من دور شده نه مرا بواسطه انبیاء و نه بخوابها دیگر جواب نمیدهد! لهذا تورا خواندم تا مرا اعلام نمائیکه چه باید بکنم!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول سموئیل باب بیست هشتم آیات از ۳ تا ۱۶)

۱- نکاتی از مؤلف: آیا واقعاً در یهودیت صهیون نیست! زنان صاحب اجنه پیدامی شوند که اجنه در اختیار داشته باشند؟! که مردگان را از جهان آخرت بیاورند؟! و از جهان آخرت خبر داشته باشد؟! حتی آنقدر قدرتی داشته باشد که خدای مرده را هم؟! از آخرت بیاورد؟! پس زن جادوگر خبر آخرت را میداند؟! پس چرا قبل آمدن سموئیل!!! زن ارباب و صاحب اجنه؛ شاول را نشناخت؟! آیا در کتاب به اصطلاح آسمانی این مطلب دروغ اندر دروغ درست میباشد؟! کذب!!! دروغ عوام فریبی هم اندزه دارد؟؟؟؟!!! قضاوت بر عهده خوانندگان گرامی میباشد!!!

خدای یهودیت خدای دیگری هم دارد! ونزد خدای خود دعا کردم! و اعتراف نموده گفتم: ای خداوند! خدای عظیم و مهیب! که عهده رحمت را بامحبتان خویش! و آنانیکه **فرايض تو را حفظ مینمایند نگاه میداری!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دانیال نبی باب نهم آیه ۴)

خداوند! خدای ما را! رحمت ها مغفرت ها است! هر چند بدو گناه ورزیده ایم!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دانیال نبی باب نهم آیه ۹)

پس الآن ای خداوند! خدای ما! قوم خود را بدست قوی! از زمین مصر بیرون آورده اسمی برای خود پیدا کرده!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق کتاب دانیال نبی باب نهم آیه ۱۵)

اما خداوند! خدای لشگرهاست! و یادگار او یهوه است!!! اما توبسوی خدای خود باز

گشت نما!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی باب؛ دوازدهم آیه ۶)

خداوند! رحمت او تا ابد الابد است! رحمت او تا ابد الابد است! خدایان را

حمد گوئید: زیرا که رحمت او تا ابد الابد است!!!

(از کتاب مقدس هند عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور صد و سی و ششم آیات از ۳ تا ۱)

بعوض ایامیکه ما را مبتلا ساختی! و سالهای که بدی رادیده ایم! اعمال تو بر بندگانت ظاهر شود! و کبریائی تو بر فرزندان ایشان! **جمال خداوند! خدای ما بر ما باد!!!** و عمل

دست های ما را بر ما استوار ساز! عمل دست های ما را استوار گردان!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور؛ نود م آیه ۱۸)

پس غفله دل های خود را مختون سازید! و دیگر گردن کشی منمائید! **زیرا که یهوه خدای شما! خدای خدایان! رب الارباب و خدای عظیم و جبار و مهیب است! که طرداری**

ندارد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر تثنیه باب دهم آیه ۱۷)

و ما از همه حیوانات صحراء که خداوند!!! خدا ساخته بود هوشیار تر بود!!! و بزن

گفت: آیا خدا حقیقتاً گفته است که از همه درختان نخورید!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب سوم آیه ۱۴)

و آواز خداوند! خدا را شنیدند! که در هنگام وزیدن نسیم بهار در باغ میخرامید! و آدم و زنش خویشان را از حضور خداوند! خدا در میان درختان باغ پنهان کردند! خداوند!

خدا آدم را ندا در داد و گفت: کجا هستی؟! گفت: چون آوازت را در باغ شنیدم ترسان

گشتم! زیرا که عریانم خود را پنهان کردم!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش؛ باب سوم آیه ۹)

خداوند!!! خدا بمار گفت: چونکه این کار را کرده ای! از جمیع بهایم!!! و از همه حیوانات صحراء ملعون تر هستی بر شکمت راه خواهی رفت! و تمام ایام عمرت خاک خواهی خورد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی سفر پیدایش باب سوم آیه ۱۴)

خداوند! خدایس آدم را از خاک زمین بسرشت! و در بینی وی روح حیات دمید و آدم زنده شد! و خداوند! خدا باغی در عدن بطرف مشرق غرس نمود!!! و آن آدم را که سرشته بود در آنجا گذاشت! و خداوند! خدا هر درخت خوشنما و خوراک را در زمین رویانید! و درخت حیات را در وسط باغ و درخت نیک و بد را!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب دوم آیات از ۷ تا ۹)

نکاتی از مؤلف: از این کتاب مقدس عهد عتیق!!! و از کتاب تورات فعلی!!! ثابت میشود که خداوند! خدای دیگری هم دارد! یعنی چه؟! خدایریک جایهوه خداوند ازلی است؟! **و دریک جایهوه یادگار خداوند ازلی است؟؟؟؟!!!** ماکه در این باره چیزی درک نکردیم فقط خداوند خلاق جهان هستی؛ رب العالمین ازلی و ابدی میدانند!!!

۷- در کتاب مقدس عهد عتیق!!! و در کتاب تورات فعلی! خدایان زیادهستند!!! الان دانستیم که یهوه از جمیع خدایان بزرگتر است! خصوصاً در همان امری که برایشان ایشان تکبر میکرد!!! (کتاب مقدس عهد عتیق؛ کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب هجدهم؛ آیه ۱)

زیرا میدانیم که خداوند بزرگ!!! و خداوند ما برتر است از جمیع خدایان! هر آنچه خود خداوند آن را کرد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از مزامیر؛ مزمور صدوسی و پنجم آیه ۶)

تورا بتمامی دل خود حمد خواهیم گفت: بحضور خدایان تورا حمد خواهیم گفت!!!

بسوی هیکل قدس تو عبادت خواهیم کرد! و نام تورا حمد خواهیم گفت!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور صدوسی و هشتم آیه ۱)

نکاتی از مؤلف: بموجب این کتاب مقدس عهد عتیق! و از کتاب مزامیر!!! خدایان فراوان زیاد هستند!!!

۸- در کتاب مقدس عهد عتیق! و از کتاب مزامیر! و از کتاب تواریخ ایام!!! و در کتاب تورات فعلی! تمامی جماعت اسرائیل خداوند هستند! پس الان در نظر تمامی اسرائیل که خداوند هستند! و بسمع خدای ما متوجه شده!!! تمامی اوامر یهوه خدای خود

خدای خود را بطلبید! تازمین نیکورا بتصرف آورید! آن را بعد از خودتان بیسران خویش تا ابدالآباد به ارثیت واگذارید!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول تواریخ ایام باب بیست هشتم آیه ۸)
**من گفتم: که شما خدایانید! فرزندان حضرت اعلی! لیکن مثل آدمیان خواهید مُرد!
 چون یکی از سروران خواهید افتاد!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزور هشتاد و دوم مزور آساف آیه ۷)

نکاتی از مؤلف: بموجب این کتاب مقدس عهد عتیق! و از کتاب مزامیر! و از کتاب کتاب تورات فعلی! تمامی نژاد بنی اسرائیل خداوند هستند! زیرا که فرزندان خداوند هستند!!! و بموجب این آیات کتاب مقدس عهد عتیق! و از کتاب تورات فعلی!!! نژاد بنی اسرائیل خداوند هستند! زیرا که فرزندان حضرت اعلی بوده اند! و از خود او تولد یافته اند!!! پدرانشان چه کسی بود؟؟؟؟! یعنی شوهر خداوند چه کسی بودند! می دانم؟؟؟؟! ولی از خداوند تولد یافته اند!!! و نژادهای دیگر بنده و مخلوق آنها میباشند!!! زیرا که فرزندان آدم و حوا هستند!!!

۹- در کتاب مقدس عهد عتیق! و در کتاب تورات فعلی! خداوند یکی است! که آن هم یهوه میباشد!!! خداوند بمسیح خویش گفت: یعنی بکورش که دست راست تورا گرفتم! تا بحضور تو امتها را مغلوب سازم!!! و کمرهای پادشاهان را بگشایم! تا درها را بحضور تو مفتوح نمایم! و دروازه ها دیگر بسته نشود!!! خداوند چنین میگوید: که پیش روی تو خواهم خرامید! و جاهای ناهموار را هموار خواهم ساخت و درهای برنجین را شکسته! پشت بندهای آهنین را خواهم برید!!! و گنج های ظلمت و خزاین مخفی را بتو خواهم بخشید! تا بدانیکه من یهوه که تورا به اسمت خوانده ام خدای اسرائیل میباشم! بخاطر بنده خود یعقوب! و برگزیده خویش اسرائیل!!! هنگامیکه مرا نشناختی تورا به اسمت خوانده ام! ملقب ساختم! من یهوه هستم! و دیگری نیست! و غیر از من خدای نی!!! من کمر تورا بستم هنگامیکه مرا نشناختی!!! تا مشرق آفتاب و مغرب آن بدانند!!! که سوای من احدی نیست من یهوه هستم دیگری نی! پدید آورنده نور و آفریننده ظلمت! صانع سلامتی و آفریننده بدی من یهوه صانع همه این چیزها هستم!!!

۱۰- خداوند در کتاب مقدس عهد عتیق! و در کتاب مزامیر!!! و در کتاب تورات فعلی زائیده است! **آواز خداوند است که بردشمنان خود مکافات میرساند!!! قبل از آنکه درد زه بکشد زائید! پیش آنکه درد او را فروگیرد! اولاد نرینه آورد!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اشعیاء؛ نبیّ باب شصت و ششم آیات از ۸ تا ۸)

فرمان را اعلام میکنم که خداوند بمن گفته است: تو پسر من هستی امروز تورا

تولید کردم!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ یعنی مزمو داود مزمو اول آیه ۸)

خداوند او (داود) مرا خواهد خواند! که تو پدر من هستی! خدای من صخره نجات من!
من نیز او را نخست زاده خود خواهم ساخت!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمو؛ هشتاد و نهم قصیده یتان از راحی؛ آیه ۳۶ و ۳۷)

خداوند به افرایم گفت: من پدر اسرائیل هستم! و افرایم نخست زاده من است!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبی؛ باب سی و یکم؛ آیه ۹)

به فرعون بگو: خداوند چنین میگوید: اسرائیل پسر من نخست زاده من است بتو! میگویم: پسر مرا رها کن تا مرا عبادت نماید! و اگر از رها کردنش ابانمائی! همانا پسر تو یعنی نخست زاده تورا میکشم!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج؛ باب؛ چهارم؛ آیه ۲۳)

نکاتی از مؤلف: از این کتاب مقدس عهد عتیق!!! و از کتاب اشعیاء نبی!!! و از کتاب ارمیاء نبی!!! و از کتاب مزامیر! و از کتاب تورات فعلی!!! به اصطلاح کتابهای آسمانی!!! یهودیت صهیون نیزم چنین معلوم میشود! خداوند بنی اسرائیل زائیده است!!! که زاییدنش و فرزندانش را از کتابهای خودشان شاهد آورده ایم!!! ولی شوهر خداوند چه کسی بود معلوم نشده؟! و پیدان کردیم؟! چه گونه باردار شده جفت گیری کرده؟! برای ما روشن نشده است؟؟؟؟!!!

۱۱- **خداوند کتاب مقدس عهد عتیق! و کتاب اشعیاء نبی هنوز نیامده است! زیرا که زیرا که برای ما ولدی زائیده و پسر بمابخشیده شد!!! و سلطنت بردوش او خواهد بود! و اسم او عجیب! و مشی! و خدای قدی! و پدر سرمدی! و سرور و سلامتی خوانده خواهد شد!!! سلطنت ترقی و سلامتی او بر کرسی داود! بر مملکت وی انتها خواهد بود! تا آن را با انصاف و عدالت از الان تا ابد الابد ثابت! و استوار نماید!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اشعیاء نبی؛ باب؛ نهم آیات ۶ و ۷)

نکاتی از مؤلف: در آیات کتاب مقدس عهد عتیق!!! خداوند زائیده خواهد شد!!!
 که هنوز زائیده نشده! و نیامده است! خداوند کتاب مقدس عهد عتیق را چکسی خواهد
 زائید! و کی خواهد آمد معلوم نیست!!! خداوند کتاب مقدس عهد عتیق! و کتاب تورات
 فعلی! هم مذكر! و هم مؤنث است!!! که در جایش بشفاف و روشن خواهیم نوشت!

۱۲- سلیمان گفته است من از ازل بودم! گفته سلیمان! خداوند مراد ای طریق خود
 داشت!!! قبل از اعمال خویش از ازل! من از ازل برقرار بودم!!! از ابتدای پیش از بودن
 جهان! هنگامیکه لجه ها نبود من مولود شدم! وقتیکه چشمه های پر از آب وجود
 نداشت! قبل از آنکه کوهها برپا شود! پیش از تلها مولود گردیدم!!!
 (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب امثال سلیمان نبی؛ باب؛ هشتم آیات از ۲۲ تا ۲۶)

نکاتی از مؤلف: از این کتاب مقدس عهد عتیق! دیگر نفهمیدم که آیا سلیمان خداوند
 ازلی است؟! یا مخلوق پسر داود؟! پس اگر سلیمان ازلی بوده باشد؟! همان خداوند
 ازلی! و خالق جهان هستی است! که هنوز وفات نکرده است!!! زیرا که خداوند ازلی
 و ابدی باقی است!!! پس اگر ازلی نباشد؟! و مخلوق ازلی است یعنی چه؟! این قدر
 قدر فراوان ضد و نقیض برای چه است؟؟؟؟ آیا در کتاب آسمانی هم باید این همه
 ضد و نقیض بوده باشد برای چه است؟؟؟ و پس اگر چنین بوده باشد؟! پس خداوند
 هم اشتباه کار و فراموش کار می باشد؟! یعنی چه؟؟؟؟ پس آیا خداوند فراموش کار
 میتواند چنین جهان و موجودات پیچیده را خلق کند اداره و مدبر نماید؟؟؟؟ و با این
 دوازه گانه خدایان کتاب مقدس عهد عتیق!!! و کتاب تورات فعلی!!! که کتابهای به
 اصطلاح آسمانی یهودیت صهیون نیزم!!! خون خوار!!! و جهان خوار می باشد!!!
 که ثابت میشود کتابهای مقدس عهد عتیق و تورات فعلی!!! تحریف شده از بین رفته
 است!!! زیرا که سر تا پای کذب!!! دروغ!!! و تهمت!!! و اهانت!!! و رکیک! و سگسی ضد
 و نقیض!!! و افتراء بهمة مقدسات خداوند خلاق جهان هستی رب العالمین میباشد
 !!! برای اینکه تا بحال ما نتوانستیم!!! خداوند و مخلوق را از هم فصل و جدا بنمائیم
 !!! نتهاکه ما نتوانستیم!!! و برای هیچکس! و هیچگونه امکان شناخت فهم وجود

ندارد!!! که نمیدانیم علماء! خاخمهای یهودیت آیا این کتاب را نخوانده اند؟؟؟؟!! ویا خداوند!!! و مخلوق چنین عوام فریبی مینمایند؟؟!! و دریک جاخدایکی است؟؟؟؟!! و در جای دیگر همه بنی اسرائیل خدا هستند!! پس خدا!!! و مخلوق کیست و چیست؟! که هیچ کسی نمیتواند!! در این کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب تورات فعلی!!! خداوند!!! و مخلوق را از هم جدا نماید! و در فصل های دیگر هم تمامی ضد و نقیض های گوناگون این کتابهای!! به اصطلاح آسمانی را خواهیم نوشت!! تا کاملا روشنتر شود!! که در این کتابهای به اصطلاح آسمانی خداوند!!! و مخلوق چنین قاطی شده است!!! که جدا کردن برای هیچکسی امکان پذیر نیست!!! این یهودیت صهیون نیستی چقدر پررویی مینمایند؟؟!! که ادعای یکتاپرستی میکنند؟؟؟؟!! و یهودیان صهیون نیزم یهوه را خداوند!!! اصلی و ازلی و خودشان میدانند!!! در حالیکه در کتاب تورات فعلی!!! خداوند اصلی و ازلی دیگری است! و یهوه یادگار خداوند اصلی و ازلی میباشد!!! که در متن کتاب تورات فعلی! مطالعه فرموده اید! که نمیدانیم آیا خداوند اصلی و ازلی؟؟؟؟!! که یهوه یادگار اوست چه شده است؟! آیا مُرده؟! و یا فرار کرده؟! و یا پنهان شده است؟! و یا ترور؟! و یا زندانی؟! و یا نابود شده است؟! که یهوه یادگار؟! و یا جانشین آن خداوند قبلی؟! و اصلی؟! و ازلی شده است؟؟؟؟!! که احوالات خدای قبلی؟! و اصلی؟! و ازلی کتاب تورات فعلی؟؟؟؟!! برای ما معلوم و روشن نشده است؟؟؟؟!! خلاصه در کتاب تورات فعلی؟! یهوه خداوند اصلی و ازلی نمیباشد؟! زیرا که یهوه یادگار خداوند قبلی! و اصلی! و ازلی میباشد!!! که سرگذشت خداوند قبلی؟! و اصلی؟! و ازلی در کتاب تورات فعلی؟! چه بوده است؟! برای مؤلف: معلوم و روشن نشده است؟؟؟؟!!

یهودیان صهیون نیزم یکتاپرستی را از کجای کتابهایشان در می آوردند؟؟؟؟!! ما نمیدانیم؟؟؟؟!! و در طریقه یکتا پرستی در این فصل تطبیقی!!! خداشناسی بخوبی نوشته شده است!!! شاید این قوم لجوج خجالت کشیده!!! و بطرف خداوند خلاق توبه و بازگشت نمایند!!! و در پیشگاه خداوند واحد و یکتا!!! خلاق جهان هستی!!! و در جهان آخرت روی سفیدورستگار شده باشند!!! انشاالله تعالی رب العالمین!!!

صفات و عملکرد خدایان یهودیت صهیون نیزم از کتاب
مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات تحریف شده فعلی

عملکرد خدایان یهودیت در کتاب تورات فعلی

۱- خداگفت: آدم را بصورت ما موافق شبیه ما بسازیم!!! تا بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بهایم!!! و بر تمامی زمین!!! و همه حشراتی که در زمین میخزند حکومت نمایند! پس خدا آدم را بصورت خود آفرید! او را بصورت خدا آفرید! ایشان را نرو ماده آفرید!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب اول آیه ۲۶)

خداگفت: همانا انسان مثل یکی از ما شده است!!! عارف نیک و بد گردیده!!! اینک مبادا دست خود را دراز کند!!! و از درخت حیات نیز گرفته بخورد!!! و تا به ابد زنده ماند!!! پس خداوند! خدا او را از باغ عدن بیرون کرد!!! تا کارزمینی را که از آن گرفته شده بود بکند!!! پس آدم را بیرون کرد!!! بطرف شرق باغ عدن گروبیان را مسکن داد!!! و شمشیر آتشی را که بر هر سو گردش میکرد خلق نمود!!! تا از درخت حیات محافظت کند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب سوم آیات از ۲۲ تا آخر باب)

و ما از همه حیوانات صحراء که خداوند!!! خدا ساخته بود هوشیار تر بود!!! و بزنی گفت: آیا حقیقتاً خدا گفته است که از همه درختان باغ نخورید؟؟؟؟!! زن بمار گفت: از همه درختان باغ میخوریم!!! لکن از میوه درختی که در وسط باغ است!!! خدا گفت: از آن نخورید و آن را لمس نکنید!!! که مبادا بمیرید!!! ما بزنی گفت: هر آینه نخواهید مرد!!! بلکه خدا میداند در روزی که از آن بخورید!!! چشمان شما بازمی شود!!! مانند خدا عارف نیک و بد خواهید بود!!! و چون زن دید که آن درخت!!! برای خوراک نیکوست!!! و بنظر خوشنما و درختی دلپذیر دانش افزا است!!! پس از میوه اش گرفته بخورد!!! و بشوهر خود نیز داد و او هم خورد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات سفر پیدایش باب سوم آیات از ۱ تا ۶)

نکاتی از مؤلف: از این کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی!!! استفاده میشود!!! که خدامانند آدم است! و آدم هم مانند خدا است! پس در این صورت خداهم جسم میشود!!! و هر جسمی هم بزمان و زمان نیازمند است!!! پس خدای که جسم بوده باشد؟؟؟؟ قبل از خلقت جهان هستی و عالم امکان؟؟؟؟ این خدای جسمی کجا بود؟! و چطور زندگی میکرد؟؟؟؟ که جهان و مکان و زمان وجود نداشته است؟؟؟؟ یعنی چه؟؟؟؟ آیا موجود جسمی بدون مکان و زمان و هوا و زمین و آب و غذایمیتواند زندگی کند؟؟؟؟ و ادامه حیات بنماید؟؟؟؟!!!

۲- وحی کلام خداوند بر زمین حدراخ نازل میشود!!! و دمشق محل آن میباشد!!! زیرا که نظر انسان و نظر تمامی اسباط اسرائیل بسوی خداوند است! و من گردا کرد!!! خانه خود بصد لشگر آرد و خواهم زد!!! زیرا که حال بچشمان خود مشاهده نموده ام!!! ای دختر صهیون بسیار وجد بنما!!! و ای دختر اورشلیم آواز شادمانی بده!!! اینک پادشاه تو نزد تو میآید!!! او عادل و صاحب نجات و حلیم میباشد!!! **وبر الاغ و بر کره بچه الاغ سوار است!!!** و من ارا به را از افرای!!! و اسب را از اورشلیم منقطع خواهم ساخت!!! و کماتی جنگی شکسته خواهد شد!!! و او با امتهای بسلامتی تکلم خواهد کرد!!! و سلطنت او از دریا و از نهر تا اقصای زمین خواهد بود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب زکریا نبی باب نهم؛ آیه از اتا ۱۱)

۳- داود گفت: نام خدای خود را هرگز فراموش نکردیم!!! و دست خود را بخدای!!! غیر بر نیفر داشتیم!!! آیا خدا این را غورسی نخواهد کرد؟؟؟؟ زیرا که او خفایای قلب را میداند! هر آینه بخاطر تو تمامی روزگشته میشویم! مثل گوسفندان ذبح شمرده میشویم! **ای خداوند بیدار شو چرا خوابیده ای؟؟؟** بر خیز و ما را تابه ابد دور مینداز! **چرا وی خود را پوشانیدی؟؟؟؟ و ذلت و تنگی ما را فراموش کردی؟؟؟؟!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور؛ جهل و چهارم آیات از ۲۰ الی ۲۵)

او نخواهد گذاشت که پای تو لغزش خورد؛ **او حافظ تو است** **مخا خواهد خوابید!** **اینک او حافظ اسرائیل است نمیخوابد!** **و بخواب نمیرود!!!** خداوند حافظ تو میباشد! خداوند

بدست راستت سایه تو است!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر مزمور؛ صد و بیست

ویکم آیات از ۳ تا ۶)

نکاتی از مؤلف: خداوند کتاب مقدس عهد عتیق! و کتاب مزامیر و کتاب تورات تحریف شده فعلی! هم میخوابد!!! و هم نمیخوابد!!! که باز هم ضدونقیض فراوان میباشد!!! یعنی چه؟؟؟؟!!!

۴- و واقع شد که چون آدمیان شروع کردند بزیاد شدن بر روی زمین!!! و دختران برای ایشان متولد گردید!!! پسران خدا دختران آدمیان را دیدند!!! که نیکو منظرند! هر کدام خواستند زنان برای خویشان می گرفتند! و خداوند گفت: روح من در ایشان دائماً داوری نخواهد کرد!!! زیرا که اونیز بشر است! لیکن ایام وی صدوبیست سال خواهد بود!!! و در آن ایام مردان تنومند در زمین بودند! و بعد از هنگامیکه پسران خداوند به دختران آدمیان درآمدند!!! و آنها برای ایشان اولادی زائیدند که ایشان **جبارانی بودند!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش؛ باب ششم آیات از ۱ تا ۵)

نکاتی از مؤلف: از این کتاب مقدس عهد عتیق! و از کتاب تورات فعلی!!! برای ما روشن و معلوم نشد؟! که این پسران را خداوند خودش زائیده بود؟؟؟؟!!! و یا زنان خداوند زائیده اند؟؟؟؟!!! زیرا که خداوند خودش هم زائیده است!!! و زنان خداوند هم زائیده اند!!! که زنان خداوند هم از زنان بودند! و هم از پسران و مردان بودند!!! و یا اینکه زنان خداوند پسران را زائیده بود؟؟؟؟!!! برای ما مبهم میباشد!!! باید خوانندگان محترم خودشان معلوم و روشن فرمایند!!! و بموجب این آیات کتاب مقدس عهد عتیق!!! و کتاب تورات فعلی!!! جباران روی زمین از نسل خداوند هستند!!! زیرا که عروسهای خداوند جباران را زائیده بودند!!! که پدران!!! جباران! فرزندان خداوند بودند! که در متن کتاب تورات فعلی! خوانده اید!!! پناه بر خداوند از این توهین!!! و تهمت!!! و افتراء!!! بخداوند خلاق جهان هستی ربّ العالمین پناه میبریم!!!

۵- ای عاقره که زائیده بسرا!!! ای که درد زه نکشیده!!! با آواز بلند ترنم نماو فریاد بر آور!!! زیرا که خداوند میگوید: پسران زن بیکس!!! از پسران زن منکوحه زیاده اند! مترس زیرا خجل خواهی شد!!! و مشوشی مشوزیرا که رسوا خواهی

گردید!!! چونکه خجالت جوانی خویش را فراموش خواهی کرد!!! و عاریبوی خود را دیگر بیاد نخواهی آورد!!! زیرا که **آفریننده تو که اسمش یهوه صباوت است!!! شوهرتواست!!! و قدوس اسرائیل که به خدای تمام جهان مسمی است!!! ولی تو میباشد!!!** زیرا که خداوند تورا مثل زن مهجور ورنجیده دل خوانده است!!! و مانند زوجه جوانی که ترک شده باشد!!! خدای تو این را میگوید: زیرا که به اندک لحظه تورا ترک کردم!!! اما برحمت های عظیم تورا جمع خواهم نمود!!! و خداوند ولی تو میگوید: بجوشش غضبی خود را از تو برای لحظه پوشانیدم!!! اما بر احسانی جاودانی بر تو رحمت خواهم فرمود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اشعیا نبی باب پنجاه و چهارم آیات از ۹ تا ۱)

کلام خداوند بر هوش بن بئیری نازل شد! ببرادران خود نوحی بگوئید: و بخواهران خویش نوحی و حمامه محابه نمائید!!! با مادر خود محابه نمائید!!! زیرا که او زن من نیست!!! و من شوهر او نیستم!!! لهذا زناي خود را از پیش رویش!!! فاحشگی خویش را از میان پستانهایش رفع نماید!!! مبادا رخت او را کنده وی را!!! برهنه نمایم و او را مثل روز ولادتش گردانیده مانند!!! بیابان و اگذارم!!! مثل زمین خشک گردانیده بتشنگی بکشم!!! و بر پسرانش رحمت نخواهم کرد!!! چونکه فرزندان زنا میباشند!!! زیرا که مادر ایشان زنا نموده! و والده ایشان بیشتر میکرده است!!! که گفت: در عقب عاشقان خود که نان و آب و پشم و کتان و روغن و شربت بمن!!! داده اند خواهم رفت!!! بنابراین راه تو را بخارها خواهم بست!!! و گرد او دیوار بنام خواهم نمود!!! تاراهای خود را نیابد!!! و هر چند عاشقان خود را تعاقب نماید!!! بایشان نخواهد رسید!!! و هر چه ایشان را بطلبید نخواهد یافت!!! پس خواهد گفت: میروم نزد شوهر نخستین خود بر میگردم! زیرا که در آن وقت از اکنون مرا خوشتر میگذشت!!! اما او نمیدانست که من بودم!!! که گندم و شیره روغن را!!! به او میدادم!!! و نقره و طلای را که برای بعل صرف میکرد!!! برایش می افزودم!!! پس من گندم خود را در فصلش و شیره خود را در موسمش باز خواهم گرفت!!! و پشم و کتان خود را که میبایست برهنگی بدن او را بپوشاند بر خواهم داشت!!! و الان

قباحت اورا بنظر عاشقانش!!! منکشف خواهم ساخت!!! واحدی اورا از دست من نخواهد رهانید!!! و تمامی شادی او و عیدها و هلالها و سبتها و جمیع مواسمش را موقوف خواهم ساخت!!! مؤها و انجیرها یش را که گفته بود!!! اینها اجرت من می باشد که عاشقانم بمن داده اند! ویران خواهم ساخت و آنها را جنگل خواهم گردانید!!! تا حیوانات صحراء آنها را بخورند!!! خداوند میگوید: که انتقام روزهای بعلم را از او خواهم کشید!!! که برای آنها بخورم میسوزانید!!! و خویشتن را بگو شواره ها و زیورهای خود آرایش داده!!! از عقب عاشقان خود میرفت و مرا!!! فراموش کرده بود!!! بنابراین که اورا فریفته بیابان خواهم آورد! و سخنان دلاویز به او خواهم گفت: و تا کستانهایش را!!! از آنجا بوی خواهم داد!!! و وادئی عخور بدروازه امید مبدل خواهم ساخت!!! و در آنجا مانند ایام جوانیش! و مثل روز بیرون آمدنش از زمین مصر خواهد سرانید!!! و خداوند؛ خدا میگوید: که در آن روز مرا ایشی (یعنی شوهر من) خواهد خواند!!! و دیگر مرا بعلی نخواهد گفت: زیرا که نام های بعلم را از دهانش دور خواهم کرد! که بار دیگر بنامهای خود مذکور نشوند!!! و در آن روز بجهت ایشان با حیوانات صحراء و مرغان هوا و حشرات زمین عهد خواهم بست!!! و کمان و شمشیر و جنگ را از زمین خواهم شکست!!! و ایشان را به امنیت خواهم خوابانید!!! و تورا تا به ابد نامزد خود خواهم ساخت!!! و تورا بعدالت و انصاف و رأفت و رحمانیت نامزد خود خواهم گردانید!!! و من چون تورا به امانت نامزد خود ساختم!!! آنگاه یهوه را خواهی شناخت!!! و خداوند میگوید: من خطاب خواهم کرد!!! آسمانها را خطاب خواهم کرد!!! و آنها زمین گندم و شیره روغن را خطاب خواهد کرد!!! آنها یزرعیل را خطاب خواهند کرد!!! و او را برای خود در زمین خواهم گشت!!! و بر لئور و حامه رحمت خواهم فرمود!!! و به لوعمی خواهم گفت: توفقم من هستی! و او جواب خواهد داد تو خدای میباشی!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی تمامی باب دوم)

۶- وکلام خداوند بر من نازل شدگفت: ای پسرانسان دو دختریک مادر بودند!!! وایشان در مصرزنا کرده! در جوانی خود زناکار شدند!!! در آنجا سینه های ایشان را مالیدند!!! و پستانهای بکارت ایشان را افشردند!!! نامهای ایشان بزرگتر اهُولَه و خواهر او اهُولِیبه بوده اند!!! ایشان از آن من بوده اند!!! پسران و دختران زائیدند و اما نامهای ایشان اهُولَه سامره میباشد!!! و اهُولِیبه اورشلیم!!! اهُولَه از من رو تافته زنا نمود!!! و بر محبان خود یعنی بر آشوریان که مجاور او بودند!!! عاشق گردید!!! کسانیکه به آسمانی جونی ملّس بودند!!! حاکمان و سرداران که همه ایشان جوانان دلپسند!!! و فارسان اسب سوارن بودند!!! و با ایشان یعنی بجمع برگزیدگان!!! بنی آشور فاحشگی خود را بذل نموده!!! و خود را از جمیع بُتهای آنانیکه بر ایشان عاشق میبودند نجس میساخت!!! و فاحشگی خود را که در مصر مینمود! ترک نکرد!!! زیرا که ایشان در ایام جوانیش با او همخواب می شدند!!! و پستانهای بکارت او را افشردند!!! زناکاری خود را بروی میریختند!!! لَهذا من او را بدست عاشقانش!!! یعنی بدست آشور که او برایشان عشق میورزید!!! تسلیم نمودم که ایشان عورت او را منکشف ساخته!!! پسران و دخترانش را گرفتند!!! و او را بشمشیر کشتند!!! که در میان زنان عبرت گردید! و بروی داوری نمودند!!! و چون خواهرش اهُولِیبه این را دید!!! عشقبازی خویش را از او زیاد تر فاسد گردید!!! و بیشتر از زناکاری خواهرش زنا نمود!!! و بر بنی آشور عاشق گردید! که جمیع ایشان حاکمان و سروران مجاور او بودند!!! و ملّس به آسمانی جونی!!! و فارسان اسب سوار و جوانان دلپسند بودند!!! و دیدم که او نیز نجس گردیده!!! و طریق هر دوی ایشان یکی بوده است!!! پس زناکاری خود را زیاد نمود!!! زیرا که صورتهای مردان که بر دیوارها نقش شده بود!!! یعنی تصویرهای گلدانیان را که بشنجرف کشیده شده بود دید!!! که کمرهای ایشان بکمر بندها بسته! و عمامه های رنگارنگ بر سرایشان پیچیده بود!!! و جمیع آنها مانند سرداران!!! و شبیه اهل بابل که موّلد ایشان زمین گلدانیان است بودند!!! و چون چشم او بر آنها افتاد! عاشق ایشان گردید!!! و رسولان نزد ایشان بزمین گلدانیان فرستاد بر رسوایی!!!

پسران بابل نزد وی!!! در بستر عشقبازی درآمده!!! او را از زناکاری خود نجس ساختند! پس چون خود را از ایشان نجس یافت! طبع وی از ایشان متنفر گردید!!! و چونکه زناکاری را آشکار کردید!!! و عورت خود را منکشف ساخت!!! جان من از او متنفر گردید!!! چنانکه جانم از خواهرش متنفر شده بود!!! اما او ایام جوانی خود را که در آنها!!! در زمین مصر زنا کرده بود بید آورده! باز زناکاری خود را زیاد نمود!!! و بر معشوقه های ایشان عشق ورزیده!!! که گوشت ایشان مثل گوشت الاغان و نطفه ایشان چون نطفه اسبان میباشد!!! و قباحت جوانی خود را!!! حینیکه مصریان پستانها را بخاطر سینه های!!! جوانیت افشردند بیاد آوردی!!! بنابراین ای اهل یبیه خداوند یهوه میفرماید: اینک من عاشقانت را که جانت از ایشان!!! متنفر شده است! بضد تو بر انگیزانیده!!! ایشان را از هر طرف بر تو خواهم آورد! یعنی پسران بابل و همه گلدانیان را از فقوم و شرع!!! و وقوع و همه پسران آشور را همراه ایشان!!! که جمیع ایشان جوانان دلپسند و حاکمان و والیان و سرداران و نامداران هستند! و تمامی ایشان اسب سوارند و با اسلحه ها!!! و کالسکه ها!!! و گروه عظیمی بر تو خواهند آمد! و بامجن ها و سپرها و خودها! تورا احاطه خواهند نمود!!! و من داوری تورا به ایشان خواهم سپرد!!! تا تورا بر حسب احکام خود داوری نمایند!!! و من غیرت خود را بضد تو خواهم برانگیخت!!! تا با تو بغضب عمل! و بینی و گوشهای تورا خواهند برید!!! و بقیه توبا شمشیر خواهند افتاد!!! و پسران و دختران تورا خواهند گرفت! و بقیه توبا آتش سوخته خواهد شد! و لباس تورا از توکنده!!! زیورهای زیبائی تورا خواهند برد!!! پس قباحت تو و زنا کاری تورا که از زمین مصر آورده! از تونا بود خواهم ساخت!!! و چشمان خود را بسوی ایشان بر نخواهی افراشت و دیگر مصر را بیاد نخواهی آورد!!! زیرا که خداوند یهوه چنین میگوید: اینک تورا بدست آنائیکه از ایشان نفرت داری!!! و بدست آنائیکه جانت از ایشان متنفر است! تسلیم خواهم نمود!!! و باتواز راه بغض رفتار نموده!!! تمامی حاصل تورا خواهند گرفت! و تورا عریان برهنه و خواهند گذاشت! تا آنکه برهنگی زناکاری تو!!! و قباحت و فاحشه گری تو ظاهر شود!!! و این کارها

را بتو خواهم کرد!!! از این جهت که در عقب امتها زنا نموده!!! و خویشتن را از بُتهای ایشان نجس ساخته! و چونکه بطریق خواهر خود سلوک نموده!!! جام او را بدستت خواهم داد!!! و خداوند یهوه چنین میفرماید: جام عمیق و بزرگ خواهر خود را خواهی نوشیدی!!! و محلّ سخریه و استهزاء خواهی شد که متحمل آن نتوانی شد!!! و از مستی و حزن پُر خواهی شد!!! از جام حیرت و خرابی یعنی از جام خواهرت سامره!!! و آن را خواهی نوشید و تا ته خواهی آشامید!!! و خورده های آن را خواهی خائید!!! و پستانهای خود را خواهی کند!!! زیرا که خداوند یهوه میگوید: که من این را گفته ام!!! بنابراین خداوند یهوه چنین میفرماید: چونکه مرا فراموش کردی و مرا پشت سر خود انداختی لهذا! تو نیز متحمل قباحت و زنا کاری خود خواهی شد!!! و خداوند مرا گفت: ای پسرانسان آیا بر اهلوه و اهلویه داوری خواهی نمود؟؟؟! بلکه ایشان را از رجاسات ایشان آگاه سازی! زیرا که زنا نموده اند!!! و دست ایشان خون آلود است! و با بُتهای خویش مرتکب زنا شده اند!!! و پسران خود را نیز که برای من زائیده بودند!!! بجهت آنها از آتش گذرانیدند تا سوخته شوند!!! و علاوه بر آن این راهم بمن کردند!!! که در همان روز مقدّس مرا بی عصمت کرده!!! سبتهای مرا بی حرمت نمودند!!! زیرا که چون پسران خود را برای بُتهای خویش ذبح نموده بودند!!! و در همان روز بمقدّس من داخل شده آن را بی عصمت نمودند!!! و هان این عمل را در خانه من بجا آوردند!!! بلکه نزد مردانی که از دور آمدند!!! فرستادید که نزد ایشان قاصدی فرستاده شد!!! و چون ایشان رسیدند خویشتن را برای ایشان غسل دادی! و سرمه بچشمات کشیدی!!! و خود را بزیورهای آرایش دادی!!! و بر بستر فاخری سفره پیش آن آماده بود نشسته!!! بخور و روغن مرا بر آن نهادی! و در آن آواز گروه عیاشان مسموع شده!!! و همراه آن گروه عظیم صابیان از بیابان آورده شدند که دستبندها بردستها و تاجهای فاخر بر سر هر دوی آنها گذاشتند!!! من درباره آن زنی که در زنا کاری فرسوده شده بود گفتم: آیا ایشان الآن با اوزنا خواهند کرد؟؟؟! و با ایشان و با او درآمدند؟؟؟! بنهجیکه نزد فاحشه هادرمی آیند؟؟؟! و همچنان با آن دوزن قباحت پیشه یعنی اهلوه و اهلویه درآمدند؟! پس مردان عادل برایشان!!! قصاص زنان

وزناکاری و خون ریزی را خواهند رسانید!!! زیرا که ایشان زانیه میباشند!!! و دست ایشان خون آلود است!!! زیرا که خداوند یهوه چنین میفرماید: من گروهی را بضد ایشان خواهم برانگیخت! و ایشان را مشوش ساخته بتراج تسلیم خواهم نمود و آن گروه ایشان را!!! با سنگها سنگسار نموده!!! و با شمشیرهای خود پاره خواهند کرد!!! و پسران و دختران ایشان را کشته!!! خانه های ایشان را با آتش خواهند سوزانید!!! و قباحت را از زمین نا بود خواهم ساخت!!! پس جمیع زنان متنبه خواهند شد!!! که مثل شما مرتکب قباحت نشوند!!! و سزای قباحت شما را بر شما خواهند رسانید!!! و متحمل گناهان بتهای خویش خواهید شد!!! و خواهید دانست که من خداوند یهوه میباشم!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبی؛ تما می باب بیست و سوم)

فقط بگناهات اعتراف بنما که بر یهوه خدای خویش عاصی شدی!!! و راههای خود را زیر هر درخت سبز!!! برای بیگانگان منسحق ساختی!!! و خداوند میگوید: که شما آواز مرا نشنیدید!!! پس خداوند میگوید: ای پسران مرتد رجوع نمائید!!! زیرا که من شوهر شما هستم!!! و از شما یک نفر از شهری!!! و دو نفر از قبیله گرفته شما را بصهیون خواهم آورد!!! و بشما شبانان موافق دل خود خواهم داد!!! که شما را بمعرفت و حکمت خواهند چرانید!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبی سوم آیات از ۱۴ تا ۱۶)

و خداوند در ایام یوشیا پادشاه بمن گفت: آیا ملاحظه کردی که اسرائیل مرتد چه کرده است؟! چگونه بفراز هر کوه بلند؟! و زیر هر درخت سبز رفته در آنجا زنا کرده است؟! و بعد از آنکه همه این کارها را کرده بود!!! من گفتم: نزد من رجوع نما اما رجوع نکرد! و خواهر خائن او یهودا این را بدید!!! و من هم دیدم با آنکه اسرائیل مرتد زنا کرد!!! و از همه جهات او را بیرون کردم!!! و طلاق نامه بوی دادم!!! لکن خواهر خائن او یهودا نترسید!!! بلکه او نیز رفته مرتکب زنا شده!!! و واقع شد که

بسبب سهل انکاری اودر زناکاریش!!! زمین ملوث گردید!!! و اوباسنکها و چوبها زانمود!!! و نیز خداوند میگوید: باوجود این همه خواهرخائن او یهودا نزد من!!! با تمامی دل خود رجوع نکرد بلکه با ریاکاری!!! پس خداوند مرا گفت: اسرائیل مرتدّ خویشان را از یهودای خائن عادلتر نموده است!!! لهذا برو این سخنان را بسوی شمال ندا کرده بگو: خداوند میگوید: ای اسرائیل مرتدّ رجوع نما!!!

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبیّ باب سوّم آیات از ۲ تا ۶)

خداوند میگوید: اینک ایام می آید که با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا!!! عهد تازه خواهم بست!!! نمثل آن عهدی که با پدران ایشان بستم!!! در روزی که ایشان را دستگیری نمودم! تا از زمین مصر بیرون آورم! زیرا که ایشان عهد مرا شکستند!!! و با آنکه خداوند میگوید: من شوهر ایشان بودم!!! اما خداوند میگوید: این است عهدی که بعد از این ایام با خاندان اسرائیل خواهم بست!!! شریعت خود را در باطن ایشان خواهم نهاد!!! و آن را بردل ایشان خواهم نوشت!!! و من خدای ایشان خواهم بود!!! و ایشان قوم من خواهند بود!!!

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبیّ باب سی و یکم آیات از ۳ تا ۴)

نکاتی از مؤلف: از این آیات کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی!!! چنین استفاده میشود که خود اسرائیل زن خداوند بود! زیرا که خداوند طلاق نامه بوی داده است!!! و از این کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی!!! ثابت میشود!!! که اسرائیل زناکار و مرتدّ و بُت پرست بوده است!!! و از این کتاب مقدّس عهد عتیق!!! و از کتاب تورات فعلی!!! استفاده میشود که خداوند کتاب مقدّس عهد عتیق! و کتاب تورات فعلی! هم مذکر است! و هم مؤنث است!!! زیرا که اگر مذکر بوده است! از زنان!!! و هم پسران و مردان برای خود زن گرفته بوده است!!! و خداوند کتاب مقدّس عهد عتیق! و خداوند کتاب تورات فعلی!!! مؤنث میباشد! برای اینکه خودش زانیده است!!! و کسیکه میزاید باید شوهر داشته باشد!!! ولی اما شوهر خداوند را در کتاب مقدّس! و در کتاب تورات فعلی! پیدا نکردیم!!! و یا اینکه نداشته است! که چگونه باردار شده! و زانیده برای ما معلوم؟! روشن نشده است!؟! بخاطر این کار از دواج! و زاد ولد!!! خداوند کتاب مقدّس!!! و کتاب تورات فعلی!!! و خداوند کتاب مقدّس! و کتاب تورات فعلی! را همجنس باز شناخته ایم!!! زیرا که اگر خداوند

کتاب مقدس! و کتاب تورات فعلی! مرد بوده باشد! همجنس باز است!!! برای اینکه از پسران و از مردان برای خود زن گرفته است!!! و شوهر ایشان میباشد!!! و اگر خداوند کتاب مقدس!!! کتاب تورات فعلی! زن بوده باشد! باز هم همجنس باز است! زیرا که از زنان برای خود زن گرفته است!!! و این کتاب مقدس!!! و کتاب تورات فعلی! نشانگر آن است! که خداوند هم مذکر است! و هم مؤنث است!!! و هم همجنس باز میباشد! که این کلمات در متن کتاب مقدس! و هم در کتاب تورات فعلی!!! موجود میباشد که خوانده اید!!! شاید مردان!!! و زنان شهوت ران!!! و هوس باز همجنس باز! همجنس بازی را از خداوند کتاب مقدس! و از کتاب تورات فعلی آموخته اند!

۷- اسرائیل از خدای کتاب مقدس عهد عتیق زنا کرده است! ای اسرائیل مثل قوم هاشادی و وجد منما!!! زیرا که از خدای خود زنا نمودی! و در همه خرمن ها اجرت را دوست داشتی!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی باب نهم آیه ۱)

کیست برای من در آسمان! و غیر از تو هیچ چیزی را در زمین نمیخواهم!!! اگر چه جسد و دل من زائل گردد!!! لکن صخره دلم و حصه من خدا است! تا ابد آباد!!! زیرا آنایکه از تو دورند هلاک خواهند شد!!! و آنانی را که از تو زنا میکنند نابود خواهی ساخت!!! اما مرا نیکوست که بخداوند تقرب جویم! پر خداوند یهوه توکل کرده ام تا همه کارهای تو را بیان کنم!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور هفتاد و سوم قصیده آساف؛ آیات از ۲۵ تا ۲۸)

۸- خداوند چنین میگوید: **طلاق نامه مادر شما که او را طلاق دادم کجاست؟؟؟!** یا کیست از طلبکاران من که شمارا به او فروختم؟؟؟ اینک شما بسبب گناهان خود فروخته شدید!!! و مادر شما بجهت تقصیرهای شما طلاق داده شد!!! چون آدمم چرا کسی نبود؟؟؟ و چون ندا کردم چرا کسی جواب نداد؟؟؟ آیا دست من بهیچ وجه کوتاه شده؟! که نتواند نجات دهد؟! یا در من قدرتی نیست که رهائی دهم؟؟؟!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اشعیا نبی باب پنجاهم آیات ۱ تا ۳)

**پس روحهای خود باحذر باشید! و زنهاری احدی بزوجه جوانی خود خیانت نوزد!
 زیرا که یهوه خدای اسرائیل میگوید: که از طلاق نفرت دارم!!! و نیز از اینکه کسی
 ظلم را بلباس خود بپوشاند!!! قول یهوه صباوت این است!!! پس از روحهای خود
 باحذر بوده زنهاری خیانت نوزید!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ملاکی نبی باب دوم آیه ۱۶)

**نکاتی از مؤلف: خداوند کتاب مقدس عهد عتیق! خودش طلاق داده است!!!
 و خودش هم از طلاق نفرت دارد!!! باز هم ضدونقیض فراوان میباشد!!!**

۹- اما من از زمین مصر تا حال یهوه خدای تو هستم!!! و غیر از من خدای دیگری
 را نمی شناسی و سوای من نجات دهنده نیست!!! من تو را در بیابان در زمین
 بسیار خشک شناختم!!! چون چریدند سیر شدند!!! دل ایشان مغرور گردید!!! و از این
 جهت مرا فرموش کردند!!! پس من برای ایشان مثل شیر خواهم بود!!! و مانند
 پلنگ سر راه کمین خواهم نشست!!! و مثل خرسی که بچه هایش را از وی ربوده
 باشد!!! برایشان حمله خواهم آورد!!! و پرده دل ایشان را خواهم درید!!! و مثل
 شیرایشان را در آنجا خواهم خورد!!! و حیوانات صحراء ایشان را خواهند درید!!!
 (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی باب سیزدهم آیات از ۹ تا ۴)

۱۰- خداوند بموسی گفت: این کار را نیز که گفته خواهم کرد!!! زیرا که در نظر من
 فیضی یافته و تو را بنام میشناسم!!! عرض کردم استدعی آنکه!!! جلال خود را بمن
 بنمائی!!! گفت: من تمامی احسان خود را پیش روی تو میگذارم!!! و نام یهوه را
 پیش روی تو ندا میکنم!!! و رأفت میکنم بر هر که رئوف هستم!!! و رحمت خواهم
 کرد! بر هر که رحیم هستم! و گفت: روی مرا نمیتوانی دید!!! زیرا که انسان نمیتواند
 مرا ببیند و زنده بماند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از تورات فعلی؛ سفر خروج باب سی و سوم آیات از ۱۸ تا ۲۱)

**چون موسی بحضور خداوند داخل میشد که با وی گفتگو کند!!! نقاب را بر میداشت
 تا بیرون آمدن او!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب سی و چهارم؛ آیه ۳۴)

خداوند اسرائیل را دیدند!!! وزیر پایهایش مثل صنعتی از یاقوت کبود شفاف!!! مانند ذات آسمان درصفا!!! ویر سروران بنی اسرائیل دست خود را نگذارد!!! پس خدا را دیدند و خوردند و آشامیدند!!! و خداوند به موسی گفت: نزد من بکوه بالا بیا و آنجا باش تالوهای سنگی!!! و تورات و احکام را که نوشته ام!!! تا ایشان را تعلیم نمائی بتو بدهم!!! پس موسی با خادم خود یوشع برخاست!!! و موسی بکوه بالا آمد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر جروج باب بیست و چهارم آیات ۱۰ تا ۱۴)

نکاتی از مؤلف: از این آیات کتاب مقدس عهد عتیق!!! و از کتاب تورات فعلی!!! چنین استفاده میشود!!! که خداوند یکتاست!!! و انسان نمیتواند خداوند را ببیند که بخاطر داشته باشید!!! و اما هم خداوند دیده میشود!!! و وهم دیده نمیشود!!! که از این ضد و نقیض هادر کتاب مقدس عهد عتیق!!! و در کتاب تورات فعلی!!! فراوان وجود دارد!!! که همه جای کتاب مقدس عهد عتیق! و کتاب تورات فعلی! ضد و نقیض می باشد؛ و در اینجا خدا یکی است!!! ولی خداوندان دوازده گانه را چه کنیم؟؟؟؟!!!

۱۱- و در روز پنجم ماه چهارم سال سی ام!!! چون من در میان اسیران نزد نهر خابور بودم! واقع شده آسمان گشوده گردید!!! و رویاهای خدارا دیدم!!! در پنجم آن ماه که سال پنجم اسیری یهوه یاکین پادشاه بود!!! کلام یهوه بر حزقیال بن بوزی کاهن نزد خابور!!! در زمین کلدانیان نازل شد دست خداوند در آنجا بر او بود!!! پس نگرستم و اینک باد شدیدی!!! از طرف شمال برمی آید! و ابر عظیمی و آتش جهنده و درخشندگی گرداگردش!!! و از میانش یعنی از میان آتش مثل منظر برنج تابان بوده!!! و از میانش شبیه چهار حیوان پدید آمد!!! و نمایش ایشان این بود که شبیه انسان بتوندند!!! و هریکی از آنها چهار رو داشت!!! و هریکی از آنها چهار بال داشت!!! و پایهای آنها پایهای مستقیم!!! و کف پای آنها مانند کف گوساله بود!!! و مثل منظر برنج صیقلی درخشان بود! وزیر بالها از چهار طرف آنها دست های انسان بود!!! و آن چهار رویها و بالهای خود را چنین داشتند!!! و بالهای آنها بیکدیگر پیوسته بود!!! و چون میرفتند!!! بلکه هریک راه مستقیم می رفتند!!!

واما شباهت رویهای آنها این بود!!! که آنها روی انسان داشتند! و آن چهار روی شیربطرف راست داشتند!!! و آن چها روی گاو بطرف چپ داشتند!!! و آن چهار روی عقاب داشتند!!! و رویها و بالها آنها از طرف بالا از یکدیگر جدا بود!!! و دو بال هریک بهم دیگر پیوسته!!! و دو بال دیگر بدن آنها را میپوشانید!!! و هریکی از آنها براه مستقیم میرفتند!!! و بهر جائیکه روح میرفت آنها میرفتند!!! و در حین رفتن رو نمیتافتند!!! و اما شباهت این حیوانات این بود!!! که صورت آنها مانند شعله های اخگرهای آتش افروخته شده!!! مثل صورت مشعل ها بود!!! و آن آتش در میان آن حیوانات گردش میکرد و درخشان میبود!!! و از میان آتش برق میجهید!!! و آن حیوانات مثل سرعت برق میدویدند و بر میگشتند!!! و چون آن حیوانات را ملاحظه میکردم!!! اینک چرخ پهلوی آن حیوانات!!! برای هر روی هر کدام از آن چهار بر زمین بود! و صورت چرخها و صنعت آنها مثل منظر زبرجد بود!!! و آن چهار یک شباهت داشتند!!! و صورت و صنعت آنها مثل چرخ در میان چرخ بود!!! و چون آنها میرفتند بر چهار جانب خود میرفتند!!! و در حین رفتن بهیچ طرف میل نمیکردند!!! و فلکه های آنها بلند و مهیب بود!!! و فلکه های آن چهار از هر طرف از چشمها پُربود!!! حیوانات میرفتند!!! چرخها در پهلوی آنها میرفت و چون آن حیوانات از زمین بلند میشدند چرخها بلند میشد!!! و هر جائیکه!!! و چرخهایش روی!!! روح میرفت آنها میرفتند!!! بهر جائیکه روح سیر میکرد آنها بلند میشد!!! زیرا که روح حیوانات در چرخها بود!!! و چون آنها میرفتند اینها میرفت!!! و چون آنها ایستاد!!! و چون آنها از زمین بلند میشدند!!! چرخهایش روی آنها از زمین بلند میشدند!!! زیرا که روح حیوانات در چرخها بود!!! مثل منظر بلور مهیب بود!!! بالای سر آنها پهن شده بود!!! و بالهای آنها زیر فلکی بسوی یکدیگر مستقیم بود! و دو بال هریک از این طرف میپوشانید!!! و دو بال هر یک از آن طرف بدن های آنها را میپوشانید!!! و چون میرفتند من صدای بالها را مانند!!! صدای آبهای بسیار مثل آواز حضرت اعلی!!! و صدای هنگامه را مثل صدای فوج شنیدم!!! زیرا که چون می ایستادند بالهای خویش را فرو میهشتند

و چون در حین ایستادن بالهای خود را فرو میهشتند!!! صدایی از فلکی که بالای سر آنها بود مسموع میشدم!!! و بالای فلکی که بر سر آنها بود! شباهت تخت مثل صورت یاقوت کبود بود!!! و بر آن شباهت تخت شباهتی!!! مثل صورت انسان بر فوق آن بود!!! و از منظر کمر او بطرف بالامثل منظر برنج تابان! مانند نمایش آتش در اندرون آن و گرداگردش را دیدم!!! و از منظر کمر او بطرف پائین!!! مثل نمایش آتشی که از هر طرف درخشان بود دیدم!!! مانند نمایش قوس قزح که در روز باران در ابر میباشد!!! همچنین آن درخشندگی گرداگرد آن بود!!! این منظر شباهت جلال یهوه بود!!! و چون آن را دیدم بر روی خود در افتادم و آواز قائلی راشنیدم!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبی تمتی باب اول)

که مرا گفت: ای پسرانسان بر پایهای خود بایست تا باتوسخن گویم: و چون این را بمن گفت: روح داخل من شده!!! مرا بر پایهایم برپا نمود!!! و او را با من تکلم نمود شنیدم!!! که مرا گفت: ای پسرانسان من تورا نزد بنی اسرائیل میفرستم!!! یعنی نزد امت فتنه انگیزی که بمن فتنه انگیزته اند!!! ایشان و پدران ایشان تا امروز بر من عصیان ورزیده اند!!! و پسران ایشان سخت رو و قسی القلب هستند! و من تورا نزد ایشان میفرستم!!! تا به ایشان بگوئی: خداوند یهوه چنین میفرماید: و ایشان خواه بشنوند و خواه نشنوند!!! زیرا که خاندان فتنه انگیز میباشدند!!! خواهند دانست که در میان ایشان نبی هست!!! و اما تو ای پسرانسان از ایشان!!! مترس و از سخنان ایشان بیم مکن!!! اگر چه خارها و شوکها باتو باشند! و در میان عقرب ها ساکن باشی!!! اما از سخنان ایشان مترس!!! و از روی های ایشان!!! هر اسان مشو!!! زیرا که ایشان خاندان فتنه انگیز میباشدند!!! پس کلام مرا به ایشان بگو: خواه بشنوند و خواه نشنوند!!! چونکه فتنه انگیز هستند!!! و تو ای پسر انسان آنچه را که من بتو میگویم: بشنو و مثل این خاندان فتنه انگیز!!! عاصی مشو!!! بلکه دهان خود را گشوده! آنچه را که من بتو میدهم بخور! پس نگریستم

واینک دستی بسوی من درازشد ودرآن طوماری بود وآن را پیش من بگشود!
 که روی وپشتش هردو نوشته بود!!! و نوحه و ماتم و وای برآن مکتوب بود!!!
 (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبیّ تمامی باب دوم)

پس مرا گفت: ای پسرانسان آنچه راکه میابی بخور!!! این طومار را بخور ورفته
 با خاندان اسرائیل متکلم شو!!! آنگاه دهان خود را گشودم!!! و آن طومار را بمن
 خورانید!!! و مرا گفت: ای پسرانسان شکم خود را بخوران و احشای خویش را از
 این طوماری که من بتومید هم پُرکن!!! پس آن را خوردم و در دهانم مثل عسل
 شیرین بود!!! و مرا گفت: ای پسرانسان بیا بنزد خاندان اسرائیل رفته!!! کلام مرا
 برای ایشان بیان کن!!! زیرا که نزد غامض زبان و ثقیل لسان فرستاده نشدی!!!
 بلکه نزد خاندان اسرائیل!!! ننزد قوم های بسیار غامض زبان و ثقیل لسان!!! که
 سخنان ایشان را نتوانی فهمید!!! یقیناً اگر تورا نزد آنها میفرستادم!!! بتو گوش
 می گرفتند!!! اما خاندان اسرائیل نمیخواهند تورا بشنوند!!! زیرا که نمیخواهند مرا
 بشنوند!!! چونکه تمامی خاندان اسرائیل سخت پیشانی و قسیّ القلب هستند!!! هان
 من روی تورا!!! در مقابل ایشان سخت خواهم ساخت!!! و پیشانی تورا در مقابل
 پیشانی ایشان سخت خواهم گردانید!!! بلکه پیشانی تورا مثل الماس!!! از سنگ
 خارا سخت تر گردانیدم!!! پس از ایشان مترس و از ایشان هراسان مباش! زیرا که
 خاندان فتنه انگیز میباشند!!! و مرا گفت: ای پسرانسان تمام کلام مرا که بتومید گویم
 : در دل خود جای بده!!! و بگوشهای خود استماع نما!!! و بیا بنزد اسیرانی که
 از پسران قوم تو میباشند رفته!!! ایشان را خطاب کن خواه بشنوند و خواه نشنوند
 به ایشان بگو: خداوند یهوه چنین میفرماید: آنگاه روح مرا برداشت!!! و از عقب
 صدای گلبانگ عظیمی شنیدم!!! که جلال یهوه از مقام او متبارک باد!!! و صدای
 بالهای آن حیوانات راکه بهم دیگر بر میخورند!!! و صدای چرخهاراکه پیش روی
 آنها بود!!! و صدای گلبانگ عظیمی را شنیدم!!! آنگاه روح مرا برداشت و بردوبا

تلخی در حرارت روح خود رفتم!!! و دست خداوند بر من سنگین میبود!!! پس بتل آیبب نزد اسیرانی که نزد نهر خابور ساکن بودند رسیدم!!! و در مکانی که ایشان نشسته بودند در آنجا در میان ایشان هفت روز متحیر نشستم!!! و بعد از انقضای هفت روز واقع شد که کلام خداوند بر من نازل شد!!! گفت: ای پسرانسان تورا برای خاندان اسرائیل دیده بان ساختم! پس کلام مرا از دهان من بشنو!!! و ایشان را از جانب من تهدید کن!!! و حینیکه من بمرد شیرگفته باشم!!! که البته خواهی مُرد!!! اگر تو او را تهدید نکنی!!! و سخن نگوئی تا آن شیریرا از طریق زشت او تهدید نموده!!! او را زنده سازی! آنگاه آن شیریر در گناهِش خواهد مُرد!!! اما خون او را از دست تو خواهم طلبید!!! لیکن اگر تو مرد شیریرا تهدید کنی و او از شرارت خود و طریق بد خویش بازگشت نکند!!! او در گناه خود مُرد!!! اما توجان خود را نجات داده!!! و اگر مرد عادل از عدالت خود بر گردد و گناه ورزد!!! و من سنگی مصادم پیش وی بنهم تا بمیرد!!! چونکه تو او را تهدید بنمودی او در گناه خود خواهد مُرد!!! و عدالتی که بعمل آورده بود!!! بیاد آورده نخواهد شد!!! لیکن خون او را از تو خواهم طلبید!!! و اگر تو مرد عادل را تهدید کنی که آن مرد عادل گناه نکند!!! و از خطاء نورزد البته زنده ماند!!! چونکه تهدید را پذیرفته است!!! و توجان خود را نجات داده!!! و دست خداوند در آنجا بر من نهاده شد! و او مرا گفت: برخیز و بهامون بیرون شو!!! که در آنج» با تو سخن خواهم گفت: پس برخاسته بهامون بیرون رفتم!!! و اینک جلال خداوند مثل جلالی که نزد نهر خابور دیده بودم در آنجا برپا شد!!! و بروی خود در افتادم! و روح داخل من شده مرا برپایه‌ایم برپا داشت!!! و او مرا خطاب کرده گفت: برو و خویشتن را در خانه خود ببند!!! و اماتوای پسرانسان اینک بندها بر تو خواهند نهاد!!! و تورا به آنها خواهند بست!!! اما در میان ایشان بیرون مرو!!! و من زبان تو را بکامت خواهم چسبانید!!! تا گنگ شده برای ایشان ناصح نباشی!!! زیرا که ایشان خاندان فتنه انگیز میباشند!!! اما وقتیکه من باتو تکلم بنمایم آنگاه دهان تورا خواهم گشود!!! و به ایشان خواهی گفت: خداوند یهوه چنین میفرماید: آنگاه آنکه شنوا باشد بشنود و آنکه ابانماید ابانکند!!! زیرا که ایشان خاندان فتنه انگیز میباشند!!!

نکاتی از مؤلف: کتاب حزقیال نبیّ چهل و هشت باب میباشد!!! از خوانندگان محترم تقاضا میشود که تا بقیه باب هارا خودشان!!! از کتاب مقدس عهد عتیق به خوانند و نتیجه گیری نمایند!!! تا اینجا که ما نوشتیم سه مطلب بدست ما آمده است!!! یکی اینکه خداوند به ارابه سوار شده که ارابه از آتش است!!! و حیوانات عجیب و غریب بالدار آن ارابه را بجای میبرد!!! دوّم اینکه خداوند تمامی بنی اسرائیل را فتنه انگیز و شرور و عصیانگر خوانده است!!! سوّم اینکه خداوند طومارش را به حزقیال نبیّ خورا نیده و بنزد بنی اسرائیل فرستاده!!! خوانندگان گرامی باید خودشان درباره این کتاب به اصطلاح آسمانی قضاوت نمایند!!! که آیا این کتاب میتواند کتاب آسمانی وحی منزل خداوند بوده باشد؟؟؟؟!!!

۱۲- و خداوند دید که شرارت انسان در زمین بسیار است!!! و هر تصوّر از خیالهای دل وی دائماً محض شرارت است!!! و خداوند پشیمان شد که انسان را بر زمین ساخته بود!!! و در دل خود محزون گشت!!! و خداوند گفت: انسان را که آفریده ام از روی زمین محوسازم!!! انسان و بهایم و حشرات و پرندگان هوا!!! را چونکه متأسف شدم از ساختن ایشان!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب ششم آیات ۵ تا ۸)

و چون خداوند برای ایشان داوران برمی انگیخت خداوند با داور میبود!!! و ایشان را در تمام ایام آن داوران دست دشمنان ایشان نجات میداد!!! زیرا که خداوند بخاطر ناله که ایشان از دست ظالمان و ستم کنندگان خود بر میآورد!!! پشیمان میشد!!! و واقع میشد چون داور وفات یافت که ایشان بر میگشتند!!! و از پدران خود بیشتر فتنه انگیز شده!!! خدایان غیر راپیروی میکردند!!! و آنها را عبادت نموده و سجده میکردند! و از اعمال بدو راههای سرکشی خود! چیزی باقی نمیگذاشتند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر داوران باب دوّم آیه ۹)

کلام خداوند بر سموئیل نازل شده گفت: پشیمان شدم که شاول را پادشاه ساختم!!!
زیرا که از پیروی من برگشته کلام مرا بجا نیاورده است!!!
 (کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول سموئیل باب پانزدهم آیه ۱۰)

وسموئیل برای دیدن شاول تاروزوفاتش دیگر نیامد! اما سموئیل برای شاول ماتم
میگرفت! و خداوند پشیمان شده بود که شاول را بر اسرائیل پادشاه ساخته بود!!!
 (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول سموئیل باب پانزدهم آیه ۳۵)
و چون فرشته دست خود را بر اورشلیم دراز کرد! تا آن را هلاک سازد!!! خداوند
از آن بلا پشیمان شد!!! و بفرشته که قوم را که هلاک میساخت گفت: کافی است!!!
حال دست خود را بازدار!!! و فرشته خداوند نزد خرمنگاه ارونه یبوسی بود!!!
 (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم سموئیل باب بیست چهارم آیه ۱۶)

خداوند گفت: چون غضب من به اتمام رسیده باشد! وحدت خشم خویش را بر ایشان
ریخته باشم! آنگاه پشیمان خواهم شد! و چون حدت خشم خویش را بر ایشان به
اتمام رسانیده باشم!!! آنگاه خواهند دانست که من یهوه این را در غیرت خود
گفته ام!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبی باب پنجم آیه ۱۳)

نکاتی از مؤلف: از این کتاب مقدس عهد عتیق!!! و از کتاب تورات فعلی!!! و از
کتاب حزقیال نبی!!! و از کتابهای اول و دوم سموئیل!!! چنین استفاده میشود!!! که
خداوند این کتابهای به اصطلاح آسمانی!!! کارهایی را ندانسته انجام میدهد!!! بعد
پشیمان میشود! و چنین استفاده میشود که خداوند این کتابهای به اصطلاح آسمانی
!!! علم غیب را نمیداند! بدین جهت از نتیجه کارهایش پشیمان میشود!!!

۱۳- خداوند بر ابر تیزرو سوار شده است! اینک خداوند بر ابر تیزرو سوار شده!
به مصر میآید! و بت های مصر از حضور وی خواهند لرزید!!! و دل های مصریان در
اندرون ایشان گداخته شد!!! و مصریان را بر مصریان خواهم برانگیخت!!! برادر
با برادر!!! و همسایه با همسایه خویش!!! و شهر باشهر!!! و کشور با کشور!!! جنگ
خواهند نمود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اشعیا نبی باب نوزدهم آیات از ۱ تا ۴)

۱۴- انسان خداوند را گول زده است!!! شما از ایام پدران خود از فرایض من تجاوز نموده آنها را نگاه نداشته اید!!! اما یهوه صباوت میگوید: بسوی من بازگشت نمائید!!! و من بسوی شما بازگشت خواهم کرد!!! اما شما میگوئید: بچه چیز بازگشت نمائیم!!! آیا انسان خدا را گول زند؟! اما شما مرا گول زده اید!!! و می گوئید: درچه چیزتورا گول زده ایم؟! در عشرها و هدایا! شما سخت ملعون شده اید زیرا که شما یعنی تمامی این امت مرا گول زده اید!!! تمامی عشرها را بخانه من بیاورید!!! تادرخانه من خوراک باشد!!! و یهوه صباوت میگوید: مرابه این طور امتحان نمائید؟! که آیا روزنه های آسمان را برای شما نخواهیم گشود؟! و چنان برکتی بر شما خواهیم ریخت که گنجایشی برای آن نخواهد بود!!!؟؟؟!!

(از کتاب مقدس عندعتیق و از کتاب ملاکی نبی باب سوم آیات از ۷ تا ۱۱)

۱۵- از تخم های افعی بچه برمی آورند! و پرده عنکبوت میبافند! هرکسی از تخم های ایشان بخورد میمیرد! و چون آن شکسته گردد افعی بیرون می آید!!!

(از کتاب مقدس عهدعتیق و از کتاب اشعیا نبی باب پنجاه و نهم آیات ۶ و ۷)

۱۶- یعقوب با خداوند کشتی گرفت و نصرت یافت!!! و یعقوب تنها ماند و مردی با وی تا طلوع فجر کشتی میگرفت!!! و چون او دید که بروی غلبه نمی یابد!!! کف ران یعقوب را لمس کرد!!! و کف ران یعقوب در کشتی گرفتن با او فشرده شد!!! پس گفت: مرا رها کن زیرا که فجر میشکافد!!! گفت: تا مرا برکت ندهی تورا رها نمیکنم! بوی گفت: نام تو چیست؟! گفت: یعقوب؛ گفت: از این پس نام تو یعقوب خوانده نشود! بلکه اسرائیل! زیرا که با خدا و با انسان مجاهده کردی و نصرت یافتی یعقوب از او سؤال کرده گفت: مرا از نام خود آگاه ساز؟؟؟!! گفت: چرا اسم مرا میپرسی؟؟؟!! و او را در آنجا برکت داد!!! و یعقوب آن مکان را فنوئیل نامیده گفت: زیرا که خدا را رو برودیدم و جانم رستگار شد!!! و چون از فنوئیل گذشت آفتاب بروی طلوع کرد کرد!!! و بر ران خود می لنگید! از این سبب بنی اسرائیل تا امروز عرقالنساء راکه کف ران است نمیخورند!!! زیرا که کف ران یعقوب را در عرقالنساء لمس کرد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب سی و دوم آیات از ۲۴ تا ۳۲)

نکاتی از مؤلف: یعقوب با خداوند کتاب مقدس عهد عتیق!!! و با کتاب تورات فعلی! کشتی گرفته!!! و به خداوند نصرت یافت و پیروز شد!!! و خداوند کتاب مقدس مرد قابل رؤیت است! یعنی با چشم معمولی دیده میشود!!! که در مقابل بنده خود یعقوب در کشتی شکست خورده است!!! و خداوند کتاب مقدس عهد عتیق!!! و کتاب تورات فعلی!!! در چند جا دیده میشود!!! و در چند جا دیده نمی شود!!! باز هم ضد و نقیض های فراوان در کتاب مقدس عهد عتیق!!! و در کتاب تورات فعلی!!! که خداوند مانند یعقوب یک انسان! و جسم! و یک مرد است! که دارای زن! از زنان و از پسران و از مردان است!!! و خودش هم پسران زیادی زائیده است!!! پس در این صورت!!! هم مدگر است!!! و هم مؤنث میباشد!!! دلایلش را قبلاً خوانده اید!!!

۱۷ - خداوند میگوید: که الآن برمیخیزم و حال خود را برمی افرازم!!! و اکنون متعال خواهم گردید!!! و شما از گاه حامله شده خس خواهید زائید!!! و نفس شما آتشی است که شمارا خواهد سوزانید!!! و قوم ها مثل آهک سوخته! و مانند خار های قطع شده که از آتش مشتعل گردیده خواهند شد!!!
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اشعیائ نبی سی و سوم آیه ۱)

نکاتی از مؤلف: خوانندگان محترم باید خودشان این آیه را معنی و تفسیر کنند! که یعنی چه؟ و یعنی خداوند کتاب مقدس عهد عتیق!!! و کتاب تورات فعلی!!! چه میگوید؟؟؟؟!!!

۱۸ - خداوند بموسی گفت: ببین تورا بر فرعون خدا ساخته ام!!! و برادرت هارون نبی تو خواهد بود!!! و هر آنچه بتو امر بنمایم!!! تو آن را بگو: و برادرت آن را به فرعون باز گوید: تا بنی اسرائیل را از زمین خود رهائی بدهد!!!
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب هفتم آیات از ۱ تا ۳)

۱۹- و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: و تو بنی اسرائیل را مخاطب ساخته بگو: البتّه سبت های مرا نگاه دارید! زیرا که این در میان من و شما!!! در نسل های شما آیتی خواهد بود!!! تا بدانید که من یهوه هستم که شما را تقدیس میکنم!!! پس سبت را نگاه دارید!!! زیرا که برای شما مقدّس است!!! هر کسی که آن رابی حرمت کند هر آینه کشته شود!!! و هر کسی که در آن کار کند آن شخص از میان قوم خود منقطع شود!!! شش روز کار کرده شود و در روز هفتم سبت آرام!!! و مقدّس خداوند است!!! هر کسی که در روز سبت کار کند هر آینه کشته شود!!! (روز سبت یعنی روز شنبه) پس بنی اسرائیل سبت را نگاه بدارد!!! نسلأ بعد نسل سبت را به عهد ابدی بدارند!!! این در میان من و بنی اسرائیل آیتی ابدی است!!! زیرا که در شش روز خداوند آسمان و زمین را ساخت! و در روز هفتم آرام فرمود استراحت یافت!!! و چون گفتگورا باموسی در کوه سینا پایان برد!!! دو لوح شهادت یعنی دو لوح سنگی مرقوم با انگشت خداوند را بوی داد!!!

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب سی و یکم آیات از ۱۲ تا ۱۸)

نکاتی از مؤلف: روز سبت یعنی روز شنبه که هر کسی که در آن روز کار علمی و اقتصادی و پخت پزی!!! خلاصه جز عبادت هرکاری را انجام بدهد باید کشته شود!!! یعنی سر بریده!!! و ذبح شود!!! زیرا که فقط دستور خود خداوند کتاب مقدّس عهد عتیق!!! و دستور خداوند کتاب تورات فعلی!!! میباشد!!! که در متن این کتابها مطالعه فرموده اید!!!

۲۰- و اما تو ای پسرانسان!!! خداوند یهوه چنین میفرماید: که بهرجنس مرغان و بهیمة حیوانات صحراء را بگو: جمع شوید و بیایید و نزد قربانی من!!! که آن را برای شما ذبح بنمایم! فراهم آئید!!! قربانی عظیمی بر کوه های اسرائیل تا گوشت بخورید!!! و خون بنوشید! گوشت جباران را خواهید خورد!!! و خون رؤسای جهان را خواهید نوشید!!! از قوچ ها و بره ها و بزها و گاوها که همه آنها از پرورای های باشان میباشدند! و از قربانی من که برای شما ذبح مینمایم!!! پیه خواهید خورد تا سیر شوید!!! و خون خواهید نوشید تا مست شوید!!! و خداوند یهوه میگوید: که بر سفره من از اسبان و سواران! و جباران و همه مردان جنگی سیر خواهید شد!!!

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر جروج باب سی و یکم آیات از ۱۲ تا ۱۸)

نکاتی از مؤلّ: خداوند کتاب مقدّس عهد عتیق!!! خداوند تورات فعلی!!! خوردن گوشت!!! و نوشیدن خون انسانهای غیر یهودی را! برای قوم یهود! بنی اسرائیل رانتهای حلال و مباح میدانند!!! و بلکه دستورو بشارت هم میدهد!!! و سفارش هم میکند!!! و بنی اسرائیل را هم بخون خوری و خون آشامی!!! غیر یهودی را سوق میدهد!!! و امر هم میفرماید!!! که تابحال یهودیت صهیون نیست ها!!! خونهای و گوشتهای غیر یهودی خوردند!!! و در عید فصیح خون غیر یهودی را!!! با فطیر درست کردند و خوردند!!! که با امر خداوند کتاب مقدّس عهد عتیق!!! و خداوند کتاب تورات فعلی! عمل کردند! و چنین خون خوری و خون آشامی را انجام داده اند! که در لابلای کتابهای تاریخ موجود میباشد و پُر است!!! که در جایش بامستند بخوبی عید فصیح را نوشتیم! و جنایتکاری! و خون آشامی ملت یهودیت را ثابت کردیم!!!

۲۱- خداوند در بلوطستان ممری بروی (ابراهیم) ظاهر شد!!! و او در گرمای روز بر درخیمه نشسته بود!!! ناگاه چشمان خود را بلند کرده دید که اینک سه نفر مرد در مقابل او ایستاده اند!!! و چون ایشان را دید از درخیمه به استقبال ایشان شتافت!!! و رو بر زمین نهاد و گفت: ای مولی اکنون اگر منظور تو شدم از نزد بنده خود مگذر!!! اندکی آبی بیاورند تا پای خود را شسته در زیر درخت بیارمید!!! و لقمه نانی بیاورم تا دلهای خود را تقویت دهید! و پس از آن روانه شوید!!! زیرا که برای همین شما را بر بنده خود گذری افتاده است! گفتند: آنچه را گفتی بکن!!! پس ابراهیم بخیمه نزد ساره شتافت!!! و گفت: سه گیل از آرد میده!!! بزودی حاضر کن!!! آن را خمیر کرده کرده ها بساز!!! و ابراهیم بسوی رمه شتافت!!! و گوساله نازک گرفته به غلام خود داد تا بزودی آن را طبخ نماید پس کره و شیر و گوساله را که ساخته بود!!! گرفته پیش روی ایشان گذاشت!!! و خود در مقابل ایشان زیر درخت ایستاد تا خوردند!!! بوی گفتند: زوجه ات ساره کجاست؟؟ گفت: اینک در خیمه است!!! گفت: البته موافق زمان حیات نزد تو خواهم برگشت!!! و زوجه ات را پسری خواهد شد!!! و ساره بدرخیمه که در عقب او بود شنید! و ابراهیم و ساره پیرو سالخورده بودند!!! و عادت زنان از ساره منقطع شده بود!!! پس ساره در دل خود بخندید؛ و گفت: آیا بعد از فرسودگی مرا شادی خواهد بود؟! و آقایم نیز پیر شده

است؟؟؟! و خداوند به ابراهیم گفت: ساره برای چه خندید؟! و گفت: آیا فی الحقیقت خواهم زانید؟؟؟! و حال آنکه پیر هستم! گفت: مگر هیچ امری نزد خدامشکل است؟! وقت موعود موافق زمان حیات نزد تو خواهم برگشت!!؟! و ساره را پسری خواهد شد!!؟! آنگاه ساره انکار کرده گفت: نخندیدم چونکه ترسیده! گفت: نئی بلکه خندیدی! پس آن مردان از آنجا برخاسته متوجه سدوم شدند!!؟! و ابراهیم ایشان را مشایعت نمود!!؟! و خداوند گفت: آیا آنچه من میکنم از ابراهیم مخفی بدارم؟؟؟؟!!
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب هجدهم آیات از ۱ تا ۱۸)

و به این متمرّدین!!؟! یعنی بخاندان اسرائیل بگو: خداوند یهوه چنین میفرماید: ای خاندان اسرائیل از تمامی رجاسات خویش بازایستید!!؟! زیرا که شما اجنبیان!!؟! نامختون دل!!؟! و نامختون گوشت را داخل ساختید!!؟! تا در مقدس من بوده خانه مرا ملوث سازند!!؟! و چون شما غذای من یعنی پیه و خون را گذرانیدید!!؟! شما علاوه بر همه رجاسات عهد مرا شکستید!!؟! و شما ودیعت اقداس مرا نگاه نداشتید!!؟! بلکه کسانی را جهت خویشتن تعیین نمودید!!؟! تا ودیعت مرا در مقدس من نگاه دارند!!؟! خداوند یهوه چنین میفرماید: هیچ شخص غریب نامختون دل و نامختون گوشت!!؟! از همه غریبانی که در میان بنی اسرائیل باشند!!؟! بمقدس من داخل نخواهند شد!!؟! بلکه آن لاویان نیز که در حین آواره شدن!!؟! بنی اسرائیل از من دوری ورزیده! از عقب بُتهای خویش آواره گردیدند! متحمل گناه خود خواهند شد! زیرا که خادمان مقدس من و مستحفظان دروازه های خانه و ملازمان خانه هستند!!؟! و ایشان قربانی های سوختنی و ذبایح قوم را ذبح مینمایند!!؟! و بحضور ایشان برای خدمت ایشان می ایستند!!؟! و از این جهت که بحضور بُتهای خویش ایشان را!!؟! خدمت نمودند! و برای خاندان اسرائیل سنگ مصادم گناه شدند!!؟! بنابراین خداوند یهوه میگوید: دست خود را بضدّ ایشان برافروشم!!؟! که متحمل گناه خود خواهند شد!!؟! و بمن نزدیک نخواهند آمد!!؟! و بکھانت من نخواهند پرداخت!!؟! و بهیچ چیز مقدس من در قدس الاقداس نزدیک نخواهند آمد!!؟! بلکه خجالت و رجاسات خود

را که بعمل آوردند!!! متحمل خواهند شد!!! لیکن ایشان را بجهت تمامی خدمت خانه!!! و برای هرکاری که در آن کرده میشود!!! مستحفظان ودیعت آن خواهم ساخت!!! لیکن لاویان گهّنه از بنی صادوق!!! که درحینیکه بنی اسرائیل از من آواره شدند! ودیعت مرانگاه داشتند!!! **خداوند یهوه میگوید: که ایشان بجهت من نزدیک خواهند آمد! و بحضور من ایستاده!!! پیه و خون را برای من خواهند گذرانید!!! و ایشان بمقدس من داخل خواهند شد!!! و بجهت خدمت من بخوان من نزدیک خواهند آمد!!! و ودیعت مرانگاه خواهند داشت!!!**

(از کتاب مقدس عهدعتیق و از کتاب حزقیال نبیّ باب چهل و چهارم آیات از ۱۶ تا ۱۷)

نکاتی از مؤلف: از این آیات کتاب مقدس عهدعتیق! و از کتاب تورات فعلی!!! ثابت میشود که بخداوند غذا و طعامهای دیگری مانند خون!!! و پیه!!! و گوشت تقدیم میکنند و میخورد!!! و خداوند کتاب مقدس عهدعتیق! و کتاب تورات فعلی!!! مانند یک انسان معمولی به غذا و طعام غیره نیازمند است!!! اصلاً خداوند این کتابهای فعلی!!! یک انسان است!!! زیرا که آدم را بصورت خود آفریده است!!! بهمین جهت خداوند کتاب مقدس!!! و کتاب تورات فعلی!!! از زنان و پسران مردان برای خود زن گرفته است! و خودش هم پسران زیادی زائیده است!!! پس در این صورت خدای این کتابها هم مذکر و هم مؤنث! و هم جسم! گوشت! خون میباشد!!! ۲۲ - خداوند یهوه میگوید: آیا من خدای نزدیک و خدای درونی نیستم؟؟؟ و خداوند میگوید: آیا کسی خویشتن را در جای میتواند پنهان کند؟! که من او را نبینم مگر من آسمان و زمین را مملو نمیسازم؟؟؟!! کلام خداوند این است؟؟؟؟!!!

(از کتاب مقدس عهدعتیق و از کتاب ارمیاء نبیّ باب بیست و سوم آیه ۲۴)

آنانیکه در پی خباثت میروند نزدیک می آیند!!! و از شریعت تو دور میباشند!!! ای خداوند تو نزدیک هستی! و جمیع او امرتور است است!!!

(از کتاب مقدس عهدعتیق و از مزامیر؛ مز مور؛ صد و نوزدهم آیه ۱۵۱)

سخنان تکبرآمیز دیگر مگوید: و غرور از دهان شما صادر نشود!!! زیرا که یهوه خداوند علام است! و با او اعمال سنجیده میشود کمان جباران را شکسته است!!!

(از کتاب مقدس عهدعتیق و از اول سموئیل باب دوم آیه ۴)

از حضور تو بکجا بگریزم؟! اگر به آسمان صعود کنم تو آنجا هستی؟! و اگر در هاویه بستر بگسترانم تو آنجا هستی؟! و اگر بالهای سحر را بگیرم و در اقصای دریا ساکن شوم؟! در آنجا نیز دست تو مرا رهبری خواهد نمود؟! و دست راست تو مرا خواهد گرفت؟؟؟؟!! (کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور صد و سی و نهم آیات از ۸ تا ۱۰)

و آواز خداوند!!! خدارا شنیدند!!! که در هنگام وزیدن نسیم بهار در باغ میخرامید!!! و آدم و زنش خوشتن را از حضور خداوند!!! خدا در میان درختان باغ پنهان کردند و خداوند! خدا!!! آدم را ندا در داد و گفت: کجا هستی؟؟؟؟!! گفت: چون آواز تو را در باغ شنیدم ترسان گشتم!!! که عریانم پس خود را پنهان کردم!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب سوم آیات از ۸ تا ۱۲)

چون بخانه خدا بروی پای خود را نگاه دار!!! زیرا که تقرب جستن به جهت استماع!!! از گذراندن قربانیهای احمقان بهتر است!!! چونکه ایشان نمیدانند که عمل بدمیکنند!!! بادهان خود تعجیل منما!!! و دلت برای گفتن سخن بحضور خدا نشتابد!!! زیرا که خدا در آسمان است!!! و تو بر زمین هستی! پس سخنان کم باشد زیرا که خواب از کثرت مشقت پیدا میشود!!! و آواز احمق از کثرت سخنان!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب جا معه سلیمان؛ باب؛ چنجم؛ آیات از ۱ الی ۴)

اسرائیل نیکویی را ترک کرده است!!! پس دشمن او را تعاقب خواهند نمود!!! ایشان پادشادهان نصب نمودند!!! امانه از جانب من!!! سروران تعیین کردند اما ایشان را شناختم! از نقره و طلای خویش بُتهای برای خود ساختند تا منقطع بشوند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی باب هشتم آیات از ۳۶)

بگناه خود نزد تو اعتراف کردم و جرم خود را مخفی نداشتم!!! گفتم: عصیان خود را نزد خداوند اقرار میکنم!!! پس تو آرایش گناهم را عفو کردی سلاه!!! از این رو هر مقدسی در وقت اجابت نزد تو دعا خواهم کرد!!! و وقتی که ابرهای بسیار بسیلان آید هرگز بد و نخواهد رسید!!! تو ملجای من هستی مرا از تنگی حفظ خواهی کرد مرا بسرودهای نجات احاطه خواهی نمود سلاه!!! تو را حکمت خواهم آموخت!!! و براهی که باید رفت ارشاد خواهم نمود!!! و تو را بچشم خود برتست نصیحت خواهم فرمود!!! مثل اسب و قاطر بی فهم مباشید! که آنها را برای بستن بدهند!!! لگام زینت میدهند و الا نزدیک تو نخواهد آمد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور؛ سی و دوم قصیده داود آیات از ۵ تا ۹)

نکاتی از مؤلف: هرکسیکه کتاب مقدس عهد عتیق! و کتاب تورات فعلی!!! را هرچه قدر بیشتر مطالعه بنماید ضدّ و نقیض های بسیار متوجّه میشود!!! که برای یک انسان آگاه و خداشناس!!! حقیقت جو روشنترو ثابت میشود!!! که این کتاب از جانب خداوند متعال خلاق جهان هستی نمیباشد!!! زیرا که حرفهای ضدّ و نقیض گوناگون!!! و حرفهای زنده! و رکیک! و سگسی!!! و کفر و شرک گمراهی در این کتابها فراوان و بسیار بچشم میخورد!!! مثلاً خداوند همه جاهست!!! و از همه چیز خبیر و آگاه است!!! و در یک جاز هیچ چیزی خبری ندارد! و اشتباه کار هم هست!!! و در یک جا بهمه بندگان خود علم و حکمت میآموزد!!! و در یک جا انسانها بخداوند علم و حکمت یاد میدهند!!! و جایی دیگر خدا را گول میزنند!!! و خداوند غذا و خون پیه غیر را میخورد!!! و از زنان و پسران و مردان زن اختیار میکند!!! و خداهم خودش میزاید!!! پس در این صورت خداهم مذکر! و هم مؤنث! و جسم مانند انسان و یا خود انسان میباشد! و خون!!! و پیه! و گوشت غیر را میخورد!!! و به اربه و ابر سوار میشود!!! و هم دیده میشود! و هم دیده نمیشود!!! و خسته میشود و استراحت میکند! و جان دارد راه میرود! و زائیده میشود! در یکجا خدا هنوز زائیده نشده است!!! یعنی زائیده خواهد شد!!! پس اگر خدا هنوز زائیده نشده باشد!!! در این صورت خدای وجود ندارد!!! زیرا که هنوز زائیده نشده است!!! خدا را چه کسی و یا چه چیزی خواهد زائید؟! معلوم و روشن نیست؟؟؟؟! و اگر هم خدا بوده باشد مانند یک انسان است!!! بیشتر از انسان قدرت علم تفکری ندارد!!! و در یکجا هم همه خدا هستند!!! در یکجا هم همه بنی اسرائیل خدا هستند!!! پس در این صورت مخلوق وجود نداد زیرا که همه خدا هستند!!! و در یکجا مثل داود که خدا بوده مُرده است! و سموئیل هم خدا بوده مُرده است! غیره؟! و در این کتاب مقدس عهد عتیق!!! و کتاب

تورات فعلی!!! به ضد و نقیض های بسیار و متعددی برمیخوریم!!! که اصلاً بیک انسان آگاه و یکتاپرست بهیچ گونه قابل قبول نیست!!! که خداوند خلاق جهان هستی چنین صفاتی!!! و خصوصیتی داشته باشد!!! که همه این نوشتجات ضد و نقیض در کتاب مقدس عهد عتیق! و از کتاب تورات فعلی!!! وجود دارد!!! که جاهای دقیقش را نوشته ام!!! که خوانندگان محترم میتوانند خودشان به اصل کتاب مقدس عهد عتیق!!! و به کتاب تورات فعلی! فارسی!!! که در انگلیستان ترجمه و چاپ شده است!!! مراجعه فرمایند و بخوانند! تا به ایشان ثابت شود که اینجانب یک کلمه کم و زیاد نکرده ام!!! اگر یک کلمه کم و زیاد نوشته باشم!!! بخیانت بزرگ مرتکب شده ام!!! بناشر نوشته شود تا جواب گو بوده باشم!!! که حتماً در نوشته ها یمان اصلاً کم و زیادی!!! بدون مدارک و مرجع وجود ندارد!!! و روحاً خیلی ناراحت هستم! که در این کتابها خداوند متعال!!! انبیاء عظام و رسولان او این قدر اهانت!!! و توهین!!! و تهمت دروغ نوشته شده است!!! که در این کتاب مقدس عهد عتیق! و در کتاب تورات فعلی! این طور خدایان متعدد!!! و صفات گوناگون برای خداوند خلاق هستی وجود دارد!!! و با همه نقایص فراوان باز هم عالم یهودیت صهیون نیزم!!! چه ادعایی پرروی مینمایند؟؟؟؟! چطور ادعایی یکتاپرستی میکنند؟؟؟؟! که جای خیلی تعجب است؟! زیرا که یا از کتابشان بی اطلاع هستند؟؟؟؟! و یا خیلی خیلی پرروی و عوام فریبی مینمایند؟؟؟؟! که مکتب خودشان را مکتب یکتاپرستی اعلام مینمایند؟! و ادعایی دین توحیدی میکنند؟؟؟؟! که خدای واحدی را پرستش مینمایند؟؟؟؟! که بسیار بسیار پرروی میخواهد و دارند؟؟؟؟! زیرا که در کتاب به اصطلاح آسمانی که کتاب مقدس عهد عتیق! و کتاب تورات فعلی! میباشد!!! خدای یکتا و یکتاپرستی وجود ندارد؟؟؟؟! که قبلاً دلایلش را که خدایان متعددی!!! صفات گوناگون خدایان را؟؟؟؟! از متن کتاب مقدس عهد عتیق!!! و از کتاب تورات فعلی! نوشته ایم!!! و باز هم قضاوت را به عهده خود خوانندگان گرامی و امید داریم!!!

!!! تقاضا داریم بسیار دقت فرمایند!!!

خدایان یهودیت در فرهنگ کتاب تلمود (یعنی آئین یهود)

- ۱- اعتقاد به وحدانیت خداوند!!! و تفهیم و تعلیم این ((او)) تعالی تجسم پذیر نیست بهم آمیخته است!!! (از کتاب تلمود ص ۳۲)
- همچنانکه ذات قدوس متبارک میبیند! و خود دیده نمیشود!!! (از کتاب تلمود ص ۳۲)
- علی رغم تأکید که شده است! که خداوند بری از جسم دانسته شود!!! (از کتاب تلمود ص ۳۳)
- معدالک نمیتوانیم قائل شویم! که گویندگان آن اعتقاد بر این داشته اند که خداوند وجودی مادی جسمانی است!!! (از کتاب تلمود ص ۳۳)
- اصل تجسم ناپذیر بودن خداوند و قدوسیّت! او پیوسته مورد تأکید قرار میگرفت!!! (از کتاب تلمود ص ۵۱)
- حضور خداوند در دنیا است!!! بدون آنکه جسمانیّتی برای او قائل گردند!!! (از کتاب تلمود ص ۶۳)

نکاتی از مؤلف: از جملات کتاب تلمود چنین استفاده میشود! که خداوند یهودیت مادی و جسمانی نیست و دیده نمیشود!!! و حضور خداوند در دنیا است!!! و خداوند در آخرت وجودی ندارد!!! و در کتاب مقدس عهد عتیق!!! و در کتاب تورات فعلی!!! اصلاً روز قیامت! و آخرت بعد از مرگ زنده شدن وجود ندارد!!! اصلاً روز قیامت!!! و آخرت!!! و حساب! و کتاب!!! و نتیجه اعمال!!! و بهشت!!! و جهنم در کار نیست!!!

- ۲- وجود خدا وحدانیت و نداشتن جسم! و ماده حضور در همه جا و قدرت مطلق علم نامتناهی!!! ابدیت و عدالت و رحمت! قدوسیّت!!! کمال نامی بیرون از حد و بیان!!! (از کتاب تلمود ص ۲۴ ص ۲۹ ص ۳۲ ص ۴۵ ص ۶۳ ص ۸۱ ص ۱۰۲ ص ۱۰۴ ص ۱۱۱ ص ۱۱۲ ص ۱۳۱ ص ۱۵۰ ص ۱۵۶ ص ۱۹۹ ص ۲۲۱ ص ۲۸۹ ص ۳۰۰)
- ۳- بمظور مبارزه با دو اعتقادات!!! و مسلکی متداول در آن زمان!!! و وحدانیت خداوند مورد تأکید قرار گرفته است!!! (از کتاب تلمود ص ۳۰ ص ۳۱ ص ۳۲ ص ۴۷ ص ۵۰ ص ۸۰ ص ۹۷ ص ۱۰۹ ص ۱۱۸)

- ۴- خداوند! خدا! (ص ۳۱) خداوند! خدا زمین و آسمان را ساخت!!! (ص ۴۲)
 روزی که خداوند! خدا! زمین و آسمان را بساخت!!! (ص ۵۹)
 یکی از دانشمندان یهود این درخواست را بنمازهای روزانه خود میافزود!!! ای
 خداوند! خدای ما؟! و اراده تو برای تعلق گیرد!!! صلح و صفا را در میان ملازمان
 بارگاه خود!!! در آسمان و در بین ملازمان بارگاهت در زمین (دانشمندان) برقرار
 سازی!!! (ص ۴۷)
- بشنوای اسرائیل خداوند! خدای ما!!! خدای یکتاست!!! (از کتاب تلمود) ص ۸۰
 ص ۸۲ ص ۸۳ ص ۸۵ ص ۹۵ ص ۱۰۱ ص ۱۰۲ ص ۱۰۵ ص ۱۰۶ ص ۱۰۷ ص
 ۱۱۷ ص ۱۲۳ ص ۱۲۸ ص ۱۵۷ ص ۱۷۰ ص ۱۷۳ ص ۳۲۰
- نکاتی از مؤلف: از این مطالب کتاب تلمود استفاده و ثابت میشود!!! که خداوند
 یهودیت صهیون نیزم خدای دیگری هم دارد!!! که در کتاب مقدس عهد عتیق! و در
 کتاب تورات فعلی!!! خداوند! خدای! دیگر هم دارد!!! که نام و نشان از خداوند! خدا
 در کتابها نیست! یکی از خداوند دوازده گانه این کتابهای به اصطلاح آسمانی میباشد!
- ۵- خداوند به مطالعه تورات می پردازد!!! (از کتاب تلمود ص ۳۳ و ص ۵۶)
 نکاتی از مؤلف: حتماً خداوند کتاب تورات را نمیداند که مطالعه میکند؟؟؟؟!!!
- ۶- این کلام تورات است! که خداوند همه چیز را میداند!!! یعنی خداوند عالم الغیب
 است!!! (از کتاب تلمود ص ۳۸ و ص ۴۰)
- ۷- خداوند میگوید: من سازنده صلح و سلامتی!!! و آفریننده بدی هستم! (ص ۵۵)
- ۸- خداوند تاریکی را مخفی گاه خود! خیمه گرداگرد خویش را قرارداد! (ص ۵۷)
- ۹- روح خداوند بر روی آبها پرواز می کرد!!! (از کتاب تلمود ص ۵۹)
- ۱۰- خداوند گفته است! افسوس بحال فرزندانم!!! که بخاطر گناهان آنها خانه ام
 را ویران کردم! و معبدم را سوزاندم!!! و ایشان را در میان ملت ها تبعید و پراکنده
 ساختم!!! (از کتاب تلمود ص ۶۷)

-
- ۱۱- مکان خداوند در آسمان هفتم جای دارد! (از کتاب تلمود ص ۳۳ ص ۳۴ ص ۴۵ ص ۶۳ ص ۶۵ ص ۶۶ ص ۸۸ ص ۱۰۲ ص ۳۸۹)
- ۱۲- درباره خداوند گفته شده است او بخود دعا میکند! (از کتاب تلمود ص ۴۴)
- ۱۳- خداوند نماز میخواند!!! (از کتاب تلمود ص ۳۳ و ص ۴۴)
- ۱۴- خداوند مغلوب میگردد!!! (از کتاب تلمود ص ۴۴)
- ۱۵- خداوند پیروز میشود!!! (از کتاب تلمود ص ۵۴)
- ۱۶- خداوند جهان را از روی نقشه تورات آفریده است! (از کتاب تلمود ص ۵۴)
- نکاتی از مؤلف: مهندس و طراح نقشه تورات چکسی بود معلوم نیست؟؟؟؟!!!
- ۱۷- فرشتگان که مأمور دعا و نماز است!!! کلیه دعا و نمازهایی را که در تمامی کنیسه ها خوانده شده است!!! جمع میکنند و از آنها تاجهایی میسازند!!! و آن تاجهارا بر سر ذات قدوس متبارک می نهد!!! (از کتاب تلمود ص ۷۰)
- ۱۸- بهمین گونه خداوند با انبیاء اسرائیل بدون پرده! و آشکارا متکلم میشود! (از کتاب تلمود ص ۱۴۰)
- ۱۹- زیرا که خداوند! خدای تو! آتش سوزنده! و خدای غیور است!!! (از کتاب تلمود ص ۳۸۶)
- ۲۰- وانسانیت را بسوی الوهیت بالا میبرد!!! (از کتاب تلمود ص ۵۱)
- نکته که در ادبیات تلمود! بسیار بدان اهمیت میدهد! عقیده بحضور الهی! در سراسر جهان و نزدیکی او به انسان! عبارت ذیل بخوبی نشان میدهد! علمای یهود چگونه!!! در ترکیب این دو جنبه الوهیت موافق شده اند!!! (از کتاب تلمود ص ۶۲)
- ۲۱- و شما کاهنان خداوند نامیده خواهید شد!!! (از کتاب تلمود ص ۸۳)

نکاتی از مؤلف: از این دو جمله تلمود معلوم میشود!!! که علمای و خاخامهای یهودیت بدرجه خدای رسیده اند!!! و در تورات هم همه بنی اسرائیل خدا هستند!!! بیست و دو قرن پیش علمای!!! و خاخامهای یهودیت صهیون نیزم متوجه شده اند!!! که کتاب مقدس عهد عتیق! و کتاب تورات فعلی!!! را نمیتوانند به عنوان!!! کتاب آسمانی بجهانیان! تورات موسی معرفی بنمایند!!! زیرا که قبل از آن کتاب موسی که تورات میباشد تحریف شد!!! از بین رفته بود به این خاطر علمای یهودیت خواستند!!! که فرهنگ و مکتب جدید بوجود آورند!!! که مکتب یکتاپرستی بوده باشد!!! اما نتوانستند!!!

دو قرن قبل از میلاد عیسی مسیح رسول الله ابن مریم مقدس شروع کردند بنگارش کتابی بنام تلمود (یعنی آئین یهود) این کتاب چهار قرن طول کشید!!! حتی در کتاب تلمود به عیسی مسیح رسول الله ابن مریم مقدس! توهین! و تهمت! و افتراء زدند!!! و مادر گرامی عیسی مسیح را بی نصیب از تهمت! و توهین و افتراء نگذاشتند!!! در حالیکه قرآن کریم مسلمانان!!! مریم مقدس را پاک و خاتم عالمیان معرفی مینماید! که در قرآن کریم تنها زنی است! که خانم عالمیان معرفی شده است!!! به آن خانم مقدس و پاک و باکره عالمیان تهمت!!! و اهانت!!! و افتراء و بی عفتی را زده اند! و روا داشتند!!! برای اینکه بخودشان مکتب و فرهنگ آسمانی!!! و یکتا پرستی درست کنند! نشد!!! و مکمل اصل آیات شیطانی تلمود را برشته تحریر و نگارش در آورده اند!!! که چنین شد!!! زیرا که پایه!!! اساس قابل قبولی توحیدی و یکتاپرستی نداشتند!!! و خدایان تلمود با خدایان کتاب مقدس عهد عتیق! و کتاب تورات فعلی! چندان فرقی ندارند!!! که مابا مدرک خود کتاب تلمود نوشته ایم!!! بانوشتن کتاب تلمود یعنی دین و آئین یهودیت صهیون نیست!!! ثابت کردند که خودیهویان صهیون نیزم! کتاب مقدس عهد عتیق! و کتاب تورات فعلی!!! را قبول نداشتند؟! زیرا که اگر کتاب مقدس عهد عتیق! و کتاب تورات فعلی!!! را قابل قبول داشتند؟؟؟؟ چه لزوم میداشت؟! اصل آیات شیطانی تلمود را؟؟؟؟ در مدت چهار قرن بنویسند؟! و کتاب مقدس ایشان راقانع نمیکرد! که اصل آیات شیطانی را نوشته اند!

که تا برای خودشان مکتب!!! و فرهنگ آبرومند درست کنند که نشد!!! رسوا و رسواتر هم شده اند!!! زیرا که در خود تلمود ضدّ و نقیض های فراوان بچشم میخورد!!! و حرفهای رسواکننده!!! و زننده! و شرک! و کفر و رکیک! و سکسی! اهانت!!! و افتراء و تهمت بسیار وجود دارد! و بخداوند خلاق جهان هستی ربّ العالمین!!! و به انبیاء عظام! و به پیام آوران! و رسولان حقیقی خداوند! در آن کتاب نوشته اند!!! و نسبت دادند!!! که در فصل های آینده خواهیم نوشت!!! و توضیح مفصلّ خواهیم داد!!! بنظر اینجانب تورات موسی را یهودیت تحریف نکردند!!! زیرا که یهودیان سه هزار سال پیش خداپرست خالص و کامل بودند! که نمیتوانستند! به خدای خودشان!!! و به انبیاء عظامی که اجداد!!! و پدران خودشان میباشند!!! این طور اهانت!!! و توهین!!! و افتراء بنویسند! و رسوا بنمایند!!! بلکه بنظر ما بت پرستان آن زمان که تورات موسی را از بین بردند!!! و نابود کردند!!! و نتوانستند قوم یهود یکتاپرست را کاملاً از بین ببرند!!! این کتاب مقدّس عهد عتیق! و کتاب تورات فعلی را!!! بعوض کتاب آسمانی موسی را تحریف کردند!!! و نوشتند!!! تا نسل یهودیان یکتاپرست را گمراه و منحرف بنمایند که کردند!!! و حالامی بینیم که بعوض تورات موسی چنین کتابهای سرتاپا ضدّ و نقیض را بدست ایشان داده اند!!! و چون ایشان هم دست خالی بودند قبول کردند! زیرا که تورات موسی را ندیده بودند! که ایشان را قانع کردند!!! و بهمه چیزی دین! و توحیدی موسی توهین! و اهانت! و افتراء کذب! و تهمت! و بی غیرتی! و سکسی را روا داشتند!!! که امروز یهودیت صهیون نیزم بی فرهنگ الهی موسی شده اند!!! نمیتواند گم شده خودشان را!!! که تورات موسی میباشد پیدا کنند! زیرا که از بین رفته! و نابود شده است!!! و از روی لجاجت حسد و جهل و نادانی هم!!! به قرآن کریم که وحی منزل خداوند خلاق جهان هستی ربّ العالمین میباشد!!! ایمان نمی آورند!!! تا خداوند واحد و یکتا و بیهمتار را پیدا کرده پرستش بکنند!!! و یکتاپرست بشوند!!! و از چند خدایی و بی خدائی و شرک و کفر و گمراهی نجات پیدا کنند!!! که راه حقیقت خداوند ازلی و ابدی و خلاق جهان هستی ربّ العالمین رهنمایان بوده باشد!!! انشاء الله تعالی!!!

بند دوم: خدایان هشت گانه مسیحیت از کتاب مقدس عهد جدید؛ اناجیل

۱- امّادرباره قیامت مردگان!!! آیا نخوانده اید کلامی را که خدا بشما گفته است؟!
من خدای ابراهیم و خدای اسحق و خدای یعقوب هستم؟؟؟؟!!!
 (از کتاب مقدّس عهد جدید؛ انجیل متی باب بیست و دوم آیه ۳۱)

عیسی در جواب ایشان گفت: بسبب سنگدلی شما این حکم را برای شما نوشتم!!!
لیکن ابتدای خلقت خدا ایشان را مردوزن آفرید!!! از آن جهت باید مرد پدر و مادر
 خود را ترک کرده بازن خویش پیوندند!!!
 (از کتاب مقدّس عهد جدید؛ انجیل مرقس باب دهم آیه ۷)

و آنانیکه پیش و پس میرفتند فریادکنان میگفتند: هوشیعا نام مبارک باد کسیکه!!!
بنام خداوند میآید!!! (از کتاب مقدّس عهد جدید؛ انجیل متی باب بیست دوم آیه ۳۱)

امّادرباب مردگان که برمیخیزند! در کتاب موسی در ذکر بوده نخوانده اید؟! چگونه
 خدا او را خطاب کرده گفت: **منم خدای ابراهیم و خدای اسحق و خدای یعقوب!!!** و او
خدای مردگان نیست بلکه زندگان است پس شما بسیار گمراه شده اید!!! کتاب وی
را گفت: آفرین ای استاد نیکوگفتی: زیرا که خدا! واحد است و سوای او دیگری نیست!
 (از کتاب مقدّس عهد جدید؛ انجیل مرقس باب دوازدهم آیه ۲۹ تا ۳۳)

همسایگان و خویشان او شنیدند! **که خداوند رحمت عظیمی بروی کرده!** با او شادی
 کردند! واقع شد در روز هشتم چون برای ختنه طفل آمدند! که نام پدرش زکریا را بر
 اومی نهادند!!! امّامادرش ملتفت شده گفت: نی بلکه به او یحیی نامیده میشود!!!
 (از کتاب مقدّس عهد جدید؛ انجیل لوقا باب اول آیات ۵۸ تا ۶۱)

نکات از مؤلف: در کتاب مقدّس عهد جدید؛ اناجیل حدوداً در ۱۴۴ بار نام خدای واحد
 ؛ویکتا ذکر شده و آمده است! که خدای خالق جهان آفرینش؛ خدای واحد و یکتاست
 که جز او خدای دیگر وجود ندارد! که این چند نمونه را نوشتیم!!!

- ۲- عیسی وی را گفت: **این که خداوند!!! خدای خود را!!!** بهمه دل و تمامی نفس فکر محبت نما!!! (از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل متی باب بیست و دوم آیه ۳۷)
- چون فریسیان جمع بودند! عیسی از ایشان پرسیده؟! گفت: درباره مسیح چه گمان میبیرید او پسر کیست؟! گفتند: پسر داود! ایشان را گفت: چطور داود را خداوند میخواند! چنانکه میگوید: **خداوند به خداوند من گفت: بدست راست من بنشین!** تا دشمنان تو را پای اندازت و سازم! **پس هرگاه داود را خداوند میخواند چگونه پسرش میباشد؟! (کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل متی باب بیست و دوم آیات از ۴۱ تا ۴۴)**
- عیسی او را جواب داد! که اول همه احکام این است که بشنوای اسرائیل! **خداوند ما خداوند؛ واحد است! و خداوند! خدای خود را!** بتمام دل و تمامی جان و تمامی خاطر و تمامی قوت خود محبت نما که اول از احکام این است!!! (از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل مرقس باب دوازدهم آیات از ۲۹ تا ۳۱)
- خداوند! خدا! نخست پدرش داود را بدو عطاء خواهد فرمود!!!** (از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل لوقا باب اول آیه ۳۲)
- خداوند! خدای اسرائیل متبارک باد!!!** (از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل لوقا باب اول آیه ۶۸)
- عیسی در جواب او گفت: ای شیطان مکتوب است! **خداوند! خدای خود را پرستش کن!!!** و غیر او را عبادت نما!!! (از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل لوقا باب چهارم آیه ۹)
- عیسی در جواب گفت: که گفته شده است؛ **خداوند!!! خدای خود را تجربه مکن!!!** (از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل لوقا باب چهارم آیه ۱۲)
- جواب داد گفت: **اینکه خداوند! خدای خود را!!!** بتمام دل و تمامی نفس و تمامی توانایی و تمامی فکر خود محبت نما! و همسایه خود را مثل نفس خود!!! (از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل لوقا باب دهم آیه ۷۲)
- که داوود به آسمان صعود نکرد!!! لیکن خود میگوید: **خداوند به خداوند من گفت: بردست راست من بنشین!!!** (از کتاب مقدس عهد جدید؛ کتاب اعمال رسولان باب دوم آیه ۳۴)
- زیرا که این وعده است برای شما و فرزندان شما و همه آنانیکه دورند!!! **یعنی هر که خداوند!!! خدای ما را بخواند!!!** (از کتاب مقدس عهد جدید؛ کتاب اعمال رسولان باب دوم آیه ۳۹)

زیرا که موسی به اجداد گفت: **که خداوند! خدای شما! نبی مثل من از میان برادران
!!! شما برای شما برخواهدانگیخت!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ از کتاب اعمال رسولان باب سوم آیه ۲۲)

نکاتی از مؤلف: و حدوداً در ۹۰ جای دیگری کتاب مقدس عهد جدید یعنی در اناجیل
آمده است! **خداوند! خدای دیگر هم دارد!** و این چند نمونه را از متن کتاب مقدس عهد
جدید! اناجیل است که نوشته ایم! از جای دیگری نیاوردیم! تنها از متن کتاب مقدس
عهد جدید! اناجیل میباشد! که استفاده شده است!!!

۳- عیسی ایشان را گفت: آیا همه این امور را فهمیده اید؟! گفتند: **بلی خداوند!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل متی باب سیزدهم آیه ۳۵)

پس عیسی با ایشان روانه شد و چون نزدیک بخانه یوزباشی رسید!!! چند نفر از
دوستان خود را نزد او فرستاد! بدو گفت: **خداوند!!!** زحمت مکش زیرا که لایق آن
نیستم که زیر سقف من در آئی!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل لوقا باب هفتم آیه ۶)

با آواز بلند گفتند: ای عیسی خداوند بر ما ترحم فرما!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل لوقا باب هفدهم آیه ۱۴)

پس به عیسی گفت: **ای خداوند! مرا بیاد آور هنگامیکه بملکوت خود آئی!!! عیسی
بوی گفت: هر آینه بتو میگویم: امروز بامن در فردوس خواهی بود!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل لوقا باب بیست سوم آیه ۳۴)

و سنگ دراز سر قبر غلطانیده دیدند! **چون داخل شدند جسد عیسی خداوند!!! را**

نیافتند!!! (از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل لوقا باب چهارم آیه ۳)

زیرا که نان خدا آن است که از آسمان نازل شده!!! بجهان حیات می بخشد!!! آنگاه
بدو گفتند: **ای خداوند!!! این نان را پیوسته بما بده!!! عیسی بدیشان گفت: من نان
حیات هستم! خدا آن است که از آسمان نازل شده!!! بجهان حیات می بخشد!!! نان
حیات هستم! کسیکه نزد من آید هرگز گرسنه نمیشود!!! و هر کس بمن ایمان آورد
هرگز تشنه نمیگردد!** (از کتاب مقدس عهد جدید؛ از انجیل یوحنا باب دهم آیات از ۳۲ تا ۳۵)

نان حیات هستم!!! کسیکه نزد من آید هرگز گرسنه نمیشود!!! و هر کس بمن ایمان آورد هرگز تشنه نمیگردد (از کتاب مقدس عهد جدید؛ از انجیل یوحنا باب دهم آیات از ۳۲ تا ۳۵)
عیسی بدو گفت: تونیز اورا دیده و آنکه با تو تکلم میکند همان است! گفت: ای خداوند!
ایمان آوردم!!! پس اورا پرستش نمود!!! آنگاه عیسی گفت: من در این جهان
بجهت داوری آمدم!!! تا کوران بینا و بینایان کور شوند!!!
 (از کتاب مقدس عهد جدید؛ از انجیل یوحنا باب نهم آیات از ۳۳ تا ۳۸)

یهودیان در جواب گفتند: بسبب عمل نیک تورا!!! **سنگسار نمیکنیم!!! بلکه بسبب**
کفر! زیرا که تو انسان هستی!!! خود را خدا میخوانی! عیسی در جواب ایشان گفت:
آیدرتورات شما نوشته شده است؟!؟! که من گفتم!!! شما خدایان هستید!!! پس اگر
آنانی راکه کلام خدا بدیشان نازل شد!!! خدایان خواند!!! و ممکن نیست که تا از
کتاب محوگردد!!! (از کتاب مقدس عهد جدید؛ از انجیل یوحنا باب دهم آیه ۳۴)
پس پطرس اورا دید به عیسی گفت: ای خداوند! او چه میشود!!! عیسی بدو گفت:
اگر بخواهم که او بماند تا باز آیم تورا چه؟! تو از عقب من بیا!!!
 (از کتاب مقدس عهد جدید؛ از انجیل یوحنا باب بیست و یکم آیه ۲۲)

الحال میباید از آن مردمانی که همراه ما بودند! در تمام آن مدتی که عیسی خداوند!
با ما آمده و رفت میکرد!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ از کتاب اعمال رسولان باب اول آیه ۲۲)
و رسولان بقوت عظیم! به قیامت عیسی خداوند!!! شهادت میدانند!!! و فیض عظیم
بر همگی ایشان بود!!! (از کتاب مقدس عهد جدید؛ از کتاب اعمال رسولان باب پنجم آیه ۳۳)
چون استیفان را سنگسار میکردند!!! او دعانموده گفت: عیسی خداوند!!! روح مرا
بپذیر!!! (از کتاب مقدس عهد جدید؛ از کتاب اعمال رسولان باب هفتم آیه ۶۰)
زیرا که هنوز کسی از ایشان نازل شده بود! که بنام خداوند!!! عیسی!!! تعمید یافته
بودند!!! (از کتاب مقدس عهد جدید؛ از کتاب اعمال رسولان باب هشتم آیه ۱۷)

گفت: خداوند تو کیستی؟! خداوند گفت: من آن عیسی هستم که بدو جفا میکنی!!!
 (از کتاب مقدس عهد جدید؛ از کتاب اعمال رسولان باب نهم آیه ۵)

و در اورشلیم با ایشان آمدورفت میکرد!!! و بنام خداوند!!! عیسی بدلیری موعظه

مینمود!!! (از کتاب مقدس عهد جدید؛ از کتاب اعمال رسولان باب نهم آیه 28)

لیکن بعضی از ایشان که اهل قیوس و قیرون بودند!!! چون به انطاکیه رسیدند!!!

بایونانیان تکلم کردند!!! و به خداوند!!! عیسی بشارت میدادند!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ از کتاب اعمال رسولان باب یازدهم آیه ۲۱)

چون این را شنید بنام خداوند!!! عیسی تعمد گرفتند!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ از کتاب اعمال رسولان باب نوزدهم آیه ۵)

زیرا که من از خداوندیافتم! آنچه بشما نیز سپردم!!! که عیسی خداوند!!! در شبی که

اورا تسلیم کردند! نان را گرفت!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ از رساله اول پولس رسول بقرنتیان باب یازدهم آیه ۲۳)

پیوسته قتل عیسی خداوند را!!! در جسد خود حمل میکنیم!!! تاحیات عیسی در بدن

مظاهر شود!!! (از کتاب مقدس عهد جدید؛ از رساله دوم پولس رسول بقرنتیان باب چهارم آیه ۱۰)

نکاتی از مؤلف: حدوداً در ۱۴۶ جای کتاب مقدس عهد جدید! یعنی اناجیل!!! عیسی

مسیح پسر مریم را خداوند نوشته است! که چند نمونه را از کتاب مقدس عهد جدید

انجیل!!! نوشته ایم!!! پس در این صورت عیسی مسیح ابن مریم خدای مسیحیان

است!!!

۴- و هنگامیکه در هیکل تعلیم میداد!!! متوجه شده گفت: چگونه کاتبان میگویند:

که مسیح پسر داود است! و حال آنکه خود داود در روح القدس میگوید: که خداوند

به خداوند من گفت: بر طرف راست بنشین! تا دشمنان تو را پای انداز تو سازم!!! خود

داود اورا خداوند میخواند!!! پس چگونه اورا پسر میباشد؟؟؟؟!!! و عوام الناس کلام

اورا بخشنودی می شنیدند!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ از انجیل مرقس باب دوازدهم آیات از ۳۵ تا ۳۸)

نکاتی از مؤلف: در این آیات و جای دیگر کتاب مقدس عهد جدید! اناجیل! نوشته

شده است که خداوند پسر ندارد!!! که ضد و نقیض فراوان میباشد!!!

۵- درابتداء کلمه بود!!! کلمه نزد خدا بود! و کلمه خدا بود!!! همان درابتداء نزد خداوند بود!!! همه چیز بواسطه او آفریده شد!!! و به غیر او از موجودات وجود نیافتند!!! او حیات بود و حیات نور انسان بود!!! و نور در تاریکی می درخشید!!! و تاریکی آن را در نیافت!!! شخصی از جانب خدا آفرستاده شد!!! که اسمش یحیی بود!!! او برای شهادت آمد! تا بر نور شهادت دهد!!! تا همه بوسیله او ایمان آورد!!! او آن نور نبود! بلکه آمد بر نور شهادت دهد!!! آن نور حقیقی بود!!! که انسان را متور میگردانید!!! و در جهان آمدنی بود! **او در جهان بود! و جهان بواسطه او آفریده شد!** و جهان او را نشناخت بنزد خاصان خود آمد!!! و خاصان او را نپذیرفتند!!! و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد!!! **تا فرزندان خدا گردند!!!** هر که به اسم او ایمان آورد!!! نه از خون نه از خواهش جسد!!! و نه از خواهش مردم!!! **بلکه از خدا تولد یافتند!!! کلمه جسم گردید!!! و در میان ماساکن شد!!!** پُر از فیضی و راستی! جلال او را دیدیم!!! جلالی شایسته پسر یگانه پدر!!! و یحیی بر او شهادت داد!!! و ندا کرده می گفت: این است آنکه در باره او گفتم: آنکه بعد از من می آید!!! بهتر از من شده است!!! زیرا که بر من مقدم بود!!! و از پُرئی او جمیع ما بهره یافتیم!!! و فیض به عوض فیض!!! زیرا که شریعت بوسیله موسی عطاء شد!!! اما فیض و راستی بوسیله عیسی مسیح رسیده!!! **خدارا هرگز کسی ندیده است!!! پسر یگانه که در آغوش پدر است!!! همان او را ظاهر کرد!** و این شهادت یحیی در وقتیکه از اورشلیم! کاهنان و لایویان را فرستادند! تا از او سؤال کنند! که تو کیستی؟! که معترف شد!!! و انکار ننمود!!! بلکه اقرار کرد که من مسیح نیستم!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ و از انجیل یوحنا باب اول آیات از ۱ تا ۲۱)

نکاتی از مؤلف: ۱- ابداء کلمه بود!!! و کلمه همان خدا بود!!! و همه چیز بواسطه او آفریده شد!!! یعنی بواسطه کلمه آفریده شد!!! ۲- همه چیز از خدا تولد یافته!!! یعنی همه چیز را خدا زائیده است! که همان وحدت وجودی میباشد!!! ۳- و کلمه جسم گردید!!! و در میان ماساکن شد!!! یعنی خداوند مانند انسان جسم شد!!! او در جهان بود!!! و جهان بواسطه او آفریده شد!!! که ما نتوانستیم بدانیم!!! در کتاب

مقدس عهد جدید؛ اناجیل! جهان اول بود؟! و یا خدا اول بوده؟! و خداوند هرگز دیده نشده!!! پس این همه کسیکه خداوند را دیده اند؟! یعنی چه؟! این همه ضد و نقیض گویی کتاب مقدس عهد جدید!!! یعنی اناجیل را!!! آیا میتوان انجیل عیسی مسیح رسول الله؟! و کتاب آسمانی او دانست؟! ماکه از این آیات کتاب مقدس عهد جدید!!! اناجیل! در این باره چیزی نفهمیده ایم!!! و اگر کسی چیزی فهمیده باشد بماهم تعلیم بدهد از او متشکر میشویم!!!

۶- خدا روح است!!! و هر که او را پرستش کند! میباید بروح و راستی را پرستد!!!
(از کتاب مقدس عهد جدید؛ و از انجیل یوحنا باب چهارم آیه ۲۴)

لیکن هرگاه بسوی خداوند رجوع کند! نقاب برداشته میشود! **اما خداوند روح است!**
و جانی که روح خداوند است! آنجا آزادی است! لیکن همه ما چون با چهره بینقاب!
جلال خداوند را در آینه مینگریم!!! از جلال بهمان صورت متبدل میشویم! چنانکه
از خداوند که روح است!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ از رساله دوم پولس رسول بقرنتیان باب سوم آیه ۱۷)

نکاتی از مؤلف: در این آیه کتاب مقدس عهد جدید! جلال خداوند را در آینه مینگریم!
و یا از جلال بهمان صورت متبدل میشویم! دیوان شاه نعمت الله ولی! از این مطالب سرچشمه گرفته!!! که خودشان را خدا میدانند!!! میگویند: وقتی که عکس خود را در آینه مبینی آن خدایی است! که مبینی!!! که خود تو!!! خدایی هستی که مبینی!!!

آینه بردار خود را مینگر ص ۳۲۴
در خود نگریم؛ خدائیم؛ خدائیم
والله بخدا که ما خدائیم ص ۳۹۱
صورت ذوالجلال مبینم ص ۴۳۰
در چهره سیدم نظر کن ص ۴۷۴
خلوت خاص نعمت الله است ص ۶۶۲

گرتو میخواهی که بینی روی او
سید چه کند از نهان فاش بکنیم
سید ز خودی خود فنا شد
نعمت الله را چو می نگریم
خواهی که خدای را ببینی
دل تو بارگاه الله است

مشت نمونه خروار است

نکاتی از مؤلف: در این آیات کتاب مقدس عهد جدید! اناجیل خداوند را روح دانسته و نوشته است! که یعنی خداوند روح مییابد! این همه ضدونقیض برای چه است؟! آیدر کتاب آسمانی این همه دروغ برای خداوند! و بر انبیاء عظام خداوند خلاق جهان؟! چرا و برای چه است!?!?! اصلاً روح چیست؟! آیا پها و کار دینالها! و کسی از دانشمندان جهان میدانند روح چیست!?!?!

۷- عیسی گفت: من و پدرم یکی هستیم!!! (کتاب مقدس جدید؛ از انجیل یوحنا باب دهم آیه ۱۴)

و عیسی گفت: و یقین کنید که پدر در من است! و من در او! (از کتاب مقدس عهد جدید؛ و از انجیل یوحنا باب دهم آیه ۶۳)

پولس رسول گفت: عیسی مسیح بحکم نجات دهنده ما خدا! و مسیح عیسی خداوند!
که امید ما است! بفرزند حقیقی خود در ایمان تیموتاوش! فیض و حکم و سلامتی از
از جانب خدای! پدر خداوند! ما مسیح بر تو باد!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ و از رساله اول پولس رسول به تیموتاوش باب اول آیات از ۱ تا ۳)

نکاتی از مؤلف: بنا بر نوشته کتاب مقدس عهد جدید! یعنی اناجیل! هم خداوند عیسی است!!! و هم عیسی خداوند است! یعنی هر دو یکی هستند! که هم خداوند! و هم عیسی! هر دو یکی هستند! که هر دو! یعنی خداوند واحد هستند! مانند درختان میوه کشاورزی بیکدیگر پیوند زده شدند!
؟! میوه واحد و اعلا! خداوند را بوجود آورده شده اند!?!?! یک خدای واحد پیوندی میباشند!?

۸- اگر جسم نفسانی هست!?!?! هر آینه روحانی نیز هست!!! و همچنین نیز مکتوب است که انسان اول یعنی آدم زنده گشت!!! **اما آدم آخر روح حیات بخش شد!!!** لیکن روحانی مقدم نبود!! بلکه نفسانی و بعد از آن روحانی!!! **انسان اول از زمین است خاکی! انسان دوم خداوند است از آسمان!!!** چنانکه خاکبست خاکیان نیز چنان هستند! و چنانکه آسمانی ها همچنان می باشد! و چنانکه صورت خاکی را گرفتیم! صورت آسمانی را خواهیم گرفت! لیکن ای برادران این را میگویم: که گوشت! و خون نمیتواند! وارث ملکوت خدا شوند! و فاسدوارث بی فسادی!!! نیز نمیشود!!! **همانا بشما سر میگویم: که همه ما نخواهیم خوابید!!!** لیکن همه متبدل خواهیم شد!!! (از کتاب مقدس عهد جدید؛ و از رساله اول پولس رسول بقرنتیان باب پانزدهم آیات از ۴۴ و ۴۵)

نکاتی از مؤلف: بنا بر نوشته این آیات کتاب مقدس عهد جدید! اناجیل! خداوند انسان است! و هم خداوند انسان نیست! که از متن خود کتاب نوشته ایم! خدایان هشت گانه را از متن کتاب مقدس عهد جدید!!! اناجیل! نگارش کردیم و خوانده اید!!!

مطالب خیلی بسیار مهمّ از انجیل لوقا باب سوم! درباره ذات خدا!!!
 و خود عیسی وقتیکه که شروع کرد* قریب بسی ساله بود* و بر حسب گمان خلق
 پسر یوسف* بن هالی* بن متاب* بن لاوی* بن ملکى* بن یئا* بن یوسف* بن متا*
 بن آموس* بن ناحوم* بن حسلی* بن نحى* بن مات* بن متاتیا* بن شمعى* بن یوسف
 * بن یهودا* بن یوحنا* بن ريسا* بن زروبابل* بن سالتیئیل* بن نیرری* بن ملکى
 * بن ادی* بن قوسام* بن المودام* بن عیر* بن یوسى* بن ایلعادر* بن یوریم* بن
 متات* بن لاوی* بن شمعون* بن یهودا* بن یوسف* بن یونان* بن ایلیاقیم* بن ملیا
 * بن مینان* بن ناتان* بن داود* بن یسی* بن عبید* بن بو عز* بن شلمون* بن نجشون*
 بن عمیناداب* بن آرام* بن حصرون* **بن فارص* بن یهودا*** بن یعقوب* بن اسحق
 * بن ابراهیم* بن تارح* بن ناحور* بن سروج* بن رعوبن* بن فالج* بن عابر* بن
 صالح* بن قینان* بن آرفکشاد* بن سام* بن نوح* بن لامک* بن متوشالح* بن خنوخ
 بن یارد* بن مهلتئیل* بن قینان* بن آنوش* بن شیث* بن آدم* بن الله***

نکاتی از مؤلف: بنابه نوشته انجیل لوقا! آدم ابن الله است! آیا الله این کیست؟! کتاب مقدس
 عهد جد ید! اناجیل نوشته است که! عیسی خداوند است!!! اگر عیسی فرزند مریم بوده؟! مریم
 شوهری نداشت که! بگوییم: شوهر مریم فلان کس بوده است؟؟؟؟! در آن وقت میگفتیم: پدر
 عیسی و شوهر مریم خداوند بوده است! که عیسی از نسل خداوند است!!! که خداوندی را از
 پدرش خداوند ارث برده است! زیرا که خداوند مرده! و خداوندی! بیسرش میراث مانده است!
 بگفته انجیل لوقا اگر آدم ابن الله بوده باشد؟؟؟! در این صورت آدم ابن عیسی است! زیرا که
 عیسی را خداوند میدانند!! عیسی که زنی نداشته است؟! که فرزندی بزاید؟! چه کسی آدم را
 زانیده است؟! ناچار باید بگوییم: که آدم را عیسی خودش زانیده بود! زیرا که عیسی خداوند
 بود! وزنی هم نداشت بزاید؟! در حالیکه مریم دختر عمران بوده! و شوهری هم نداشت؟؟؟!
 و در تورات نوشته شده است! که دختر باکره حامله خواهد شد! و یهودیان این آیه انکار کرده
 اند! و عیسی مانند آدم! از فرمان و امر و دستور خداوند خلاق تمامی هستی! جهان موجود! الله
 ابراهیم و اسحاق و یعقوب خلق شده است! که در اصل پدر عیسی! امر و دستور و روح و فرمان
 الله ربّ العالمین میباشد!!! نه خود الله خالق خلاق و السلام و بس!!! و در کتاب مقدس عهد
 جد ید! اناجیل! تنها عیسی خداوند نیست! در کتاب مقدس عهد جدید! اناجیل هشت خداوند وجود
 دارد! که جایه‌هایش را دقیقاً نوشته ایم و خوانده اید! شاید آدم فرزند! خداوندان دیگر بوده باشد
 ؟! که مؤلف: به آن کفر و شرک و کذب و دروغ و خرافات! ضد انجیل عیسی علم ندارد!!!

بند سوم: خداوند اسلام از قرآن کریم؛ کتاب آسمانی وحی منزل

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱- ای محمدبگو: او خداوند! تک و تنها و یگانه است! او خداوند بی نیاز است! و همه کس و همه چیز به او نیاز دارد! نه زائیده؛ و زائیده نشده!!! (یعنی نه فرزندی دارد و نه فرزند کسی است) برای او همتا مانند او مثل نیست! واحد و یکتا و تنهاست!!!
(از قرآن کریم سوره الاخلاص)

نکاتی از مؤلف: این سوره شناسنامه خداوند کتاب قرآن کریم و اسلامیت است!!! که مشخصات خالق تمامی موجودات جهان هستی را معرفی مینماید! که خالق جهان هستی مانند او مثل ندارد!!! و خداوند خالق جهان هستی بهیچ چیزی و بهیچ کسی شبیه نیست!!! هیچ چیزی و شیئی به او شبیه نیست!!! هیچگونه مانند و شبیه و مثالی ندارد!!! که ازلی و ابدی است!!! یعنی زمان نبود خداوند نبود!!! و مکان نبود خدا بود!!! پس در این صورت خداوند قرآن کریم خالق جهان هستی ازلی و ابدی!!! واجب الوجود است!!! که خداوند قرآن کریم بمکان و زمان و غذای از منذبوده نیست!!! پس بنابراین نمیتواند جسم و شبیه جسم بوده باشد!!! زیرا که جسم به مکان؛ زمان نیاز منداست!!! که خداوند قرآن کریم نه روح است!!! و نه نور است! و نه جسم است! که ازل؛ از لهاست! و ابد؛ ابدهاست! که باید خداوند و خالق و مدبر و صاحب اختیار کلّ خلاق هستی!!! چنین صفاتی را داشته باشد!!! که ازلی و ابدی و همیشه زنده و پاینده بوده باشد! که تولد و مرگ بخداوند قرآن کریم راهی ندارد! که اصلاً هوا نبود خدا بود!!! خاک نبود خدا بود!!! آب نبود خدا بود!!! آسمانها و زمین نبود خدا بود!!! خلاصه قبل از خداوند متعال قرآن کریم هیچ چیزی و هیچ کسی و هیچ موجودی و هیچ جنبنده نبود! که همه چیز و همه کس و همه موجودات و همه را!!! خداوند متعال قرآن کریم از عدم و نیستی آفریده!!! و از عدم و نیستی بوجود آورده است!!! و تمامی مخلوقات خود را هدایت و راهنمایی فرموده است!!! که نظم گردش جهان هستی! بکار این خداوند واحد جهان هستی شهادت و گواهی میدهند!

۲- هیچ شیئی! و چیزی مانند او شبیه خداوند نیست!!! و او خداوندی است همه صدا هارا میشنود و همه چیز را می بیند و میداند!!! (قرآن کریم سوره الشوری آیه ۱۱)

نکاتی از مؤلف: خداوند متعال قرآن کریم! در این آیه بمخلوقات عقلای خود هشدار میفرماید: که هیچ کسی و هیچ چیزی و شیئی مانند او مثل خداوند وجود ندارد! و هیچ کسی و چیزی و شیئی را بخداوند تشبیه نکنند! و اگر کسی و چیزی و شیئی را بخداوند متعال تشبیه بکنند! بکفر و شرک و گمراهی و بخداناشناسی گرفتار خواهند شد! باید جدأ کسی! چیزی و شیئی را تشبیه خداوند متعال قرار دادن خودداری کنیم!!! تا بخدا نانشناسی گرفتار نشویم!!! حتی افعال و صفات خداوند را!!! بکسی و چیزی و بشیئی نسبت ندهیم!!! زیرا که گمراهی و خداناشناسی است!!! که در همه احوال و افعال و خلاق تدبیر تفکر خداوند تک و تنها و یگانه و بی مثال میباشد!!!

۳- خداوند میفرماید: ای محمد!!! وقتیکه بندگانم دوری و نزدیکی مرا از تو میپرسند؟! پس من بر بندگانم نزدیکتر هستم! و مرا بخوانند و حاجت و کمک بخواهند من جواب میدهم! پس باید بندگانم بمن جواب بدهند! (یعنی بمن ایمان بیاورند) باشد که بر شد و تکامل برسند!!! (از قرآن کریم از سوره البقرة آیه ۱۸۶)

خداوند صاحب اختیار کلّ شما گفت: فقط مرا بخوانید! و صدا بزنید! و از من حاجت!!! و کمک بخواهید!!! و فقط من میتوانم برای شما جواب بدهم!!! حاجت شما را بر آورده مینمایم و کمک بکنم!!! (از قرآن کریم از سوره الغافرا آیه ۶۰)

خداوند میفرماید: و حقیقت این است که انسان را آفریدم!!! و میدانم آنچه در نفس او است او را و سوسه میکند!!! و من به انسان از رگ گردن او نزدیکتر هستم!!! من به انسان از خود انسان نزدیکتر هستم! بلکه شما انسانها نمیبینید!!! (از قرآن کریم از سوره الواقعة آیه ۸۵)

آیا کیست که جواب میدهد مضطرب و بیچاره را؟ وقتیکه او را برای کمک بخواند؟ و صدا بزند؟ و بدی را از او دفع بکند؟ (جز خداوند متعال چه کسی دفع کننده میتواند باشد؟! (از قرآن کریم از سوره النمل آیه ۶۲)

خداوند میفرماید: پس نماز را برپا بدارید!!! و زکات بدهید را! و بریسمان خداوند چنگ بزنید! و متوسل شوید!!! او خداوند مولای شما است! پس چه خوب خداوند مولای است!!! و چه خوب یار و یاور است!!! (پس باید بخدای خوب و بخشنده و مهربان چنگ زد!!! و متوسل شده غیر از این راه!!! همه راهها باطل و گمراهی میباشد!!! و السلام)!!! (از قرآن کریم از سوره الحج آیه ۷۸)

۴- هر کسی که در آسمانها و زمین موجود عقلائی مخلوق است!!! فانی خواهد شد از بین خواهد رفت! فقط ذات اقدس خداوند صاحب اختیار کلّ تو!! باقی خواهد ماند!!! که صاحب عظمت و ارجمند است!!! (از قرآن کریم از سوره الرّحمان آیات ۲۶ و ۲۷)

خداوند بهترین! و همیشه ترین! و باقی! و پاینده ترین است! (از قرآن از سوره طه آیه ۷۳)

تمامی کسانی که در آسمانها و در زمین است!!! از خداوند سؤال میکنند؟! خداوند هر روز در کار است!!! (یعنی در ذات و صفات خداوند تعطیل و بیکاری وجود ندارد که همیشه بیدار است! و هر روز کار جدید انجام میدهد!) (از قرآن کریم سوره الرّحمان آیه ۳۹)

خداوند الهی نیست!!! مگر خداوند حقیقی! و خلاق که همیشه زنده و جاوید و پاینده!!! که خواب سبک او را نگیرد! و خواب گران هم در ذات او وجود ندارد! و هر چه در آسمانها است! و هر چه در زمین است! ملک! و مال آن خداوند زنده و پاینده است!!! (از قرآن کریم و از سوره البقره آیه ۲۵۵)

خداوند الهی نیست! مگر خداوند حقیقی خلاق جهان هستی!!! که همیشه زنده و پاینده و پابرجا است!!! (از قرآن کریم از سوره آل عمران آیه ۲)

روز قیامت در پیشگاه خداوند زنده و پاینده و همیشه پابرجا! رویهای ظالمان خوار و ذلیل خواهد شد!!! (از قرآن کریم از سوره طه آی ۱۱۱)

و توکل کن امیدوار بر خداوندی که همیشه زنده و جاوید است!!! که هیچ وقت نمیرد!!! (از قرآن کریم از سوره الفرقان آیه ۵۸)

او خداوندی است که همیشه زنده!!! که خدائی الهی نیست!!! مگر خداوند ربّ العالمین!!! پس او را بخوان! و صدا بزن! و حاجت را از او طلب کن!!! و دین خود را برای خداوند حقیقی خالص بگردان!!! و ستایش و حمد و ثنا مختصّ بر خداوند صاحب اختیار کلّ جهانیان میباشد!!! (از قرآن کریم از سوره الغافر آیه ۶۵)

نکاتی از مؤلف ۱- از این آیات قرآن کریم ثابت میشود که همه موجودات مردنی! وفانی! و از بین رفتنی هستند! تنها ذات اقدس خداوند متعال است که همیشه زنده و پاینده و جاوید باقی خواهد ماند!!! زیرا که ازلی و ابدی است!!! زائیده و خلق نشده که بمیرد! موجودی میمیرد که زاد و ولد داشته باشد!!! برای خداوند قرآن کریم زاد و لدراهی ندارد که بمیرد!!! خداوند قرآن کریم خداوندی است!!! که واجب الوجود میباشد! پس خداوند خالق تمامی جهان هستی موجودات میباشد! که همیشه زنده و پاینده و جاوید باقی است!!!

۲- خداوند قرآن کریم همیشه در کار است! زیرا که جهان و جهانیان را خلق کرده!!! و کرات و مخلوق جدید را نیز خلق میکند! ورها نکرده و راهنمایی و هدایت مینماید! و همیشه نگهبان و ناظر مخلوقات خود! و شاهد اعمال مخلوقاتش میباشد!!!

۳- خداوند قرآن کریم نمیخوابد!!! و در ذات اقدس او خواب سبک و سنگین به هیچ وجه وجود ندارد!!! و اگر برای خداوند خالق هستی خوابی بوده باشد؟! و اگر بخوابد نظم و گردش جهان بهم میخورد و از بین میرود!!! پس خداوند متعال و خالق جهان هستی نمیتواند جسم باشد!!! زیرا که خواب برای جسم لازم میباشد! و تمامی جهان هستی یک لحظه از نظر و دید او غایب نیست!!! و زاد و ولد هم برای جسم است! نبرای خداوندی که ازلی و ابدی است!!! یعنی در ذات اقدس خداوند قرآن کریم ابتداء! و! و شروع! و انتها! و فانی! وجود ندارد!!! ازلی! و ابدی!!!

۴- رب العالمین است یعنی صاحب اختیار کل! مدبر! و معلم!!! و گرداننده!!! جهان و جهانیان است!!! و همه مخلوقاتش را!!! همیشه در زیر نظر خود دارد!!! که تمامی مخلوقات کوچک و بزرگ و هیچ ذره ای و چیزی از نظر خداوند قرآن کریم!!! پنهان و پوشیده نیست و نمیمانند!!! و تمامی احوالات خصوصیات و مشخصات! موجودات تمامی جهان هستی را بخوبی و آسانی میداند!!! خداوند قرآن کریم در همه جا حاضر و ناظر است!!! و تمامی تفکرات! و اسرار!!! و آینده!!! بیش از هفت میلیارد انسان را بخوبی و آسانی میداند!!! حتی یک برگ از درخت بزمین می افتد او را میداند!!! و با آسانی میداند!!! و شمارش سلولهای تمامی انسانها را بخوبی و آسانی میداند!!! و اگر اینهارا ندانسته باشد؟؟؟؟ نمیتواند خالق و مدبر جهان هستی بوده باشد! و حتی خصوصیات و مشخصات نسل آخریک انسان و تمامی انسانها را بخوبی میداند!!!

و هیچ چیزی گذشته و آینده تا بروز قیامت!!! و بعد از آن از خداوند قرآن کریم پوشیده و پنهان نمیباشد! باید بدانیم که صفات و اعمال و دانایی و علم و خصوصیات خداوند قرآن کریم چنین میباشد!!! که خلقت و نگهداری این جهان پیچیده شاهد عرایض میباشد!!!

۵- این است جزاین نیست خداوند! خدای است! که یکتا؛ تنها؛ واحد و از هر عیب و ایراد پاک و پاکیزه است! که او فرزند و ولد داشته باشد!!! (برای خداوند متعال عیب و ایراد است! که ولد فرزند داشته باشد)!!! (از قرآن کریم سوره النساء آیه ۱۷۱)

خداوند زمین و آسمانها را! از عدم بوجود آورد! و ابداع کرده است!!! برای او چگونه فرزند و ولد میباشد؟؟؟؟! در حالی که خداوند هرگز زن نداشته و ندارد!!! و همه چیز را او آفریده! و همه چیز مخلوقاتش را دانا! و عالم است!!! که خداوند صاحب اختیار کلّ شما چنین است!!! هیچ خدایی دیگری نیست!!! جز خداوند خلاق حقیقی جهان هستی!!! (از قرآن کریم سوره الانعام آیه ۱۰۱)

بر خداوند سزاوار نیست که فرزند اختیار کند!!! و از داشتن فرزند و اولادی پاک و پاکیزه است!!! و هر وقتیکه حکمی و یا امری را اراده کند!!! بچیزی و شئی بگوید: بشو و موجود باش! پس موجود میشود!!! (از قرآن کریم سوره مریم آیه ۳۵)

هرگز خداوند فرزند و ولدی اختیار نکرد! و هیچ خدای معبودی با خداوند حقیقی نبوده و نیست!!! (از قرآن کریم سوره المؤمنون آیه ۹۱)

ای محمد بگو: اگر برای خداوند رحمان فرزند و ولدی بوده؟! اولین کسی من بودم! که برای فرزند خداوند عبادت! و پرستش می کردم!!! (قرآن کریم سوره الزخرف آیه ۸۱)

گفتند: خداوند برای خود فرزند گرفته! و اختیار کرده!!! خداوند از این عیب و ایرادی فرزند داشتن پاک و پاکیزه است!!! بلکه هر چه در آسمانها و زمین است!!! ملک و مال خداوند است! همگی آنها برای خداوند گردن می نهند! و فرمان بردار و فروتنان هستند!!! (از قرآن کریم سوره البقره آیه ۱۱۶)

گفتند: خداوند برای خود فرزند گرفته!!! و اختیار کرده!!! خداوند از این عیب و ایراد پاک و پاکیزه است!!! که برای خود فرزند و ولدی اختیار کرده باشد!!! خداوند از همه چیز و از همه کس غنی و بی نیاز است!!! و هر چه در آسمانها و در زمین است! ملک و مال خداوند است!!! (از قرآن کریم سوره یونس آیه ۶۸)

ای محمدبگو: حمد و ثنا و تعریف و ستایش و عبادت فقط برای خداوند است!!! که برای خودفرزندی و ولدی نگرفته!!! و اختیارنکرده است!!! و تمامی ملک جهان و جهانیان ملک! و مال خداوند است! و برای او شریک وجود ندارد و نیست!!!
(از قرآن کریم سوره بنی اسرائیل آیه ۱۱۱)

ای محمدبترسان آنانی را که گفتند: خداوند فرزند و ولد دارد! اختیار کرده است!!!
(از قرآن کریم از سوره الکهف آیه ۴)

و گفتند: خداوند رحمان برای خود فرزند گرفته است!!! حقیقت این است که گفتید: چیزی ناحق و گران و سنگین را که نزدیک بود! که آسمانها منفجر و پاشیده شوند! که از آن حرف ناحق که زمین شکاف برداشته و کوهها فروریزد!!! برای خداوند رحمان سزاوار نیست! که فرزند گرفته باشد و اختیار کند!!!
(از قرآن کریم سوره مریم آیات ۸۸ تا ۹۲)

گفتند: خداوند رحمان فرزند و ولد گرفته!!! و اختیار کرد!!! و خداوند از گرفتن ولد و فرزند پاک و پاکیزه است!!! (از قرآن کریم سوره الانبیاء آیه ۲۶)

بابرکت و کثیر الخیر است!!! آن خداوندی که بر بنده خود محمد فرقان را فرستاد!!! تا برای جهانیان بیم دهنده و ترساننده باشد!!! ملک و مالکیت آسمانها و زمین مال اوست!!! و برای خود فرزند نگرفته!!! و در ملک او برای او شریک وجود ندارد! همه چیز را خداوند آفریده!!! و هر شیئی را که آفریده!!! برای آن اندازه داده اش و اندازه تعیین کرده!!! که اندازه دادنی باشد!!! که هیچ چیزی را بدون اندازه خلق نکرده است!!! (فرقان یکی از نامهای قرآن کریم است! معنی فرقان یعنی حق را از باطل جدا میکند!!! و حلال را از حرام جدا میکند!!!) (از قرآن کریم از سوره الفرقان آیه ۱ و ۲)

اگر خداوند اراده میکرد که برای خود فرزند بگیرد!!! بدون شک آنچه را که می خواست از مخلوقاتش برمیگزید!!! و خداوند پاک و پاکیزه و بالاتر از آن است!!! که فرزند اختیار کند!!! و خداوندی است که واحد و یکتا و تنهاست!!!
(از قرآن کریم از سوره الزمر آیه ۴)

بدرستی که خداوند صاحب اختیار کلّ شما!!! از آن برتر و بالاتر و با عظمت تر است! که زن و همسر و فرزند گرفته باشد!!! (از قرآن کریم سوره الانعام آیه ۷۳)

۶- برای خداوند سزاوار نیست شمار از علم غیب و پنهانیها آگاه سازد! بلکه خداوند انتخاب میکند! از فرستادگان و پیغمبران و کسی را که بخواهد! پس اگر به خداوند و به فرستادگانش ایمان آورید و پرهیزکاری کنید! پس برای شما اجر و پاداشی بزرگ در نزد خداوند وجود دارد!!! (از قرآن کریم سوره آل عمران آیه ۱۸۹)

ای محمد بگو: برای شما نمی‌گوییم: که خزائن و گنج های خداوند در نزد من است!!! و من علم غیب و پنهانیها را نمی‌دانم! و من بشما نمی‌گویم: فرشته هستم! پیروی نمی‌کنم مگر آنچه را که بر من از طرف خداوند وحی میشود!!! و بگو: آیا کور و بینای کسان است؟؟؟؟!!! آیا پس تفکر و اندیشه نمی‌کنید؟؟؟؟!!! (علم غیب را جز خداوند متعال هیچ کسی در آسمانها و زمین نمی‌داند!!! فقط غیب و پنهانیها را خداوند میداند!!!)
(از قرآن کریم سوره الانعام آیه ۵۰)

کلیدهای علم غیب! پنهانیها! نزد خداوند است! هیچ کسی آنها را نمی‌داند!!! مگر خود خداوند میداند! و خداوند میداند! آنچه در خشکی و دریا است! و میداند یکی از برگه‌ای که از درخت می‌افتد! و میداند دانه که در تاریکی های زمین است! و همه تری و خشکی را میداند! و چیزی نمی‌داند که مگر در کتاب روشن و آشکار وجود دارد! (یعنی هیچ چیزی کوچک و بزرگ از نظر خداوند!!! غایب و پنهان نیست!!!)
(از قرآن کریم سوره الانعام آیه ۵۹)

او خداوندی است که آسمانها و زمین را بحق خلق کرده روزیکه می‌گوید: بشو پس میشود!!! و گفتار: خداوند بحق است!!! و تمامی ملک از آن خداوند است!!! و در روز قیامت که بصورت میده شود! خداوند عالم غیب و پنهانیها است! و در همه جا حاضر و ناظر و شاهد است!!! او حکیم و درستکار و آگاه و دانا است!!!
(از قرآن کریم سوره الانعام آیه ۷۳)

در روز قیامت شما بسوی خداوند عالم غیب! پنهانیها! و شاهد و آشکار!!! برگردانیده میشوید!!! سپس خداوند اعمال و کردار و افکار شما را بشما خبر خواهد داد!!! (هیچ چیزی از خداوند پنهان نمی‌ماند!!!)
(از قرآن کریم سوره التوبه آیه ۶۴)

وقتی که روز قیامت که برپا شود بسوی خداوند عالم غیب و شاهد و حاضر! برگردانیده
 میشوید!!! سپس اعمال و افکار و کارهای شما را بشما خداوند خبر خواهد داد! که در
 دنیاچه کارهایی را انجام دادید!!!

(از قرآن کریم سوره التوبه آیه ۱۰۵)

**ای محمدبگو: این است جزاین نیست! علم غیب! و عالم پنهانیها فقط از آن خداست
 !!! پس منتظر باشید و من هم باشما از منتظران هستم!!!** (قرآن سوره یونس آیه ۲۰)

خداوند میفرماید: ای محمد این قرآن از خبرهای غیبی و پنهانی است! که بتو وحی
 میکنم! و می آموزم و یاد میدهم! ای محمد تو! و قوم تو قرآن را پیش از این نمیدانستید
 !!! پس صبر کن بدرستی که فرجام و عاقبت کار برای راستگاران!!! و پرهیزکاران
 ! و از خدا ترسان است!!! (از قرآن کریم سوره هود آیه ۴۹)

علم غیب و پنهانی آسمانها و زمین فقط از آن خداوند است! و تمامی نتیجه کارها و امر
 ها پیشگاه او باز میگردد! پس به خداوند عبادت و بندگی کنید! و بر خداوند توکل کنید!
 که ربّ و صاحب اختیار کلّ شما است!!! و هرکاری را که انجام میدهد خداوند از آن
 غافل و بی خبر نیست!!! (از قرآن کریم سوره هود آیه ۱۲۳)

**علم غیب و پنهانی را فقط خداوند میداند! و در همه جا شاهد و حاضر و ناظر است!!! و
 خداوند کبیر! و بسیار بزرگ است!!! و جایگاه عالی و بلند مرتبه دارد!!!**

(از قرآن کریم سوره الرعد آیه ۹)

**علم غیب و پنهانیها را فقط خداوند میداند! و در همه جا شاهد آشکار فقط خداوند است
 !!! و خداوند بالاتر و عالیتر از آن است!!! که به او شریک قرار میدهند!!!**

(از قرآن کریم سوره المؤمنون آیه ۹۲)

ای محمد بگو: هر کسی که در آسمانها و در زمین است علم غیب را نمیداند!!! جز
 خداوند! که فقط علم غیب و پنهانی را خداوند میداند! حتی نمیداند چه وقتی از قبور
 برپا و برانگخته میشوند!!! (از قرآن کریم سوره النمل آیه ۶۵)

**بدرستی که علم غیب و پنهانیهای آسمانها و زمین را فقط خداوند میداند!!! و حتی
 خداوند عالم و داناتر است! به اسرار و تفکرات که در سینه های شما است!!!**

(از قرآن کریم سوره فاطر آیه ۳۸)

بدرستیکه علم غیب و پنهانیهای آسمانهاوزمین را فقط خداوند میداند! و هر عملی و کاری را که انجام میدهید!!! خداوند بصیر و بیناست!!!
(از قرآن کریم سوره الحجرات آیه ۱۸)

خداوند حقیقی او است علم غیب و پنهانیها را میداند! که جز خداوند خلاق الهی نیست!!! و خداوند خلاق حقیقی در همه جا شاهد و ناظر و آشکار است!!! و او خداوند است با مهربانی بخشنده است!!! (از قرآن کریم سوره الحشر آیه ۲۲)

ای محمد بگو: ای آن کسانی که شما از مرگ فرار میکنید!!! بدرستیکه مرگ باشما ملاقات خواهد کرد!!! و شمار ابر میگرداند! بطرف خداوند عالم غیب و دانای نهانیها! آن خداوند در همه جا شاهد و حاضر و ناظر آشکار است!!! و خداوند بشما خبر خواهد داد آن کارهای بدی را که قبل از مرگ بودید انجام میدادید!!! یعنی از مرگ فراری نیست و مرگ مأمور خداوند است) (از قرآن کریم سوره الجمعة آیات از ۸ تا ۱۶)

فقط خداوند عالم غیب و پنهانیها را میداند!!! و احدی را به علم غیب خود مطلع و آگاهی نمیگرداند! مگر آن پیغمبر و رسولی را که بپسندد! و راضی باشد! بدرستیکه از جلو و عقب او کمین میگرداند! تا بدانکه آن رسالت صاحب اختیار خودشان را ابلاغ کرده اند! و او به آنچه نزد رسولان است احاطه دارد!!! و هر چیزی را با عدد شمارش کرده است!!! (از قرآن کریم سوره الجن آیات از ۲۶ تا ۲۸)

در روز قیامت خداوند تمامی پیغمبران را جمع میکند!!! بعد از آن میگوید: چقدر به شما جواب دادند؟! و آیا ایمان آورده اند؟! رسولان میگویند: ما تمیدانیم برای اینکه علم غیب نداریم! زیرا که فقط تودانای غیب ها و پنهانیها هستی!!! و علم غیب فقط از آن تو است!!! (از قرآن کریم سوره المائده آیه ۱۰۹)

آیا تمیدانیکه خداوند تمام اسرار و پنهانیهای ایشان را میداند؟؟؟؟ بدرستیکه فقط خداوند دانای غیبها و پنهانیها است!!! (از قرآن کریم سوره التوبه آیه ۷۸)

نکاتی از مؤلف: علم غیب آن است!!! که کسی بدون کمک و آگاهی دیگران!!! تمام پنهانیهای عالم جهان خلقت را بخودی خود بداند! که جز خداوند خلاق هیچ مخلوق نمی تواند چنین علمی را داشته باشد!!! زیرا که مخلوق است و چنین علمی هم از

طرف خداوند به هیچ مخلوق داده نشده است!!! و وحی آن است که بکسی چیزی را آموخته و یاد داده شود! و کسی که خلق شده عمر محدودی دارد!!! چطور میتواند علم تمامی پنهانیهای جهان خلقت را داشته باشد؟؟؟؟!! که در این صورت انبیاء و رسولان و تمامی ملائکه خداوند از این امر استثناء نمیباشند!!! پس تمامی مخلوقات عقلای و غیر عقلای علم غیب را میدانند!!! کتابهای که خداوند به انبیاء فرستاده است! از علم غیب خداوند بوده است! و به انبیاء و رسولان بوسیله تکلم و یا بوسیله ملائکه وحی کرده یاد داده و آموخته شده است! و بموجب قرآن کریم هیچ پیام آور و رسولی و ملائکه علم غیب را میدانست!!! فقط به آنها از علم غیب خداوند وحی فرستاده شده بود!!! که از این راه او امر خداوند متعال را با وحی دریافت میکردند! و مردم میرسانیدند و میگفتند!!!

۷- ای محمد بگو: این است جزاین نیست! که من هم مانند مثل شما انسان و بشر هستم! فقط بمن وحی فرستاده میشود!!! و این است جزاین نیست! که خدای شما الله واحد و تنها و یکتا است!!! (از قرآن کریم سوره الکهف آیه ۱۱۰)

ای محمد بگو: بدرستی که من هم اگر از الله نافرمانی کنم!!! از عذاب روز قیامت!!! و از الله صاحب اختیار کلّ خودم میترسم!!! ای محمد بگو: من فقط به الله بندگی و عبادت میکنم! و دینم را برای خداوند خالص مینمایم!!! (از قرآن کریم و سوره الزمر آیه ۱۳)

و قتیکه آیات روشن و آشکار خداوند را به ایشان میخوانید!!! آنانیکه امید بملاقات الله در روز قیامت ندارند! گفتند: غیر از این قرآن! قرآن دیگری بیاور!!! و یا این قرآن را راعوض کن! ای محمد بگو: قرآن از طرف و جانب من که نیست!!! که من قرآن را عوض بکنم!!! بگو: که پیروی نمیکنم مگر از آنچه بمن وحی و یاد داده میشود! و بگو: بدرستی که من هم اگر از الله صاحب اختیار کلّ خودم نافرمانی و عصیان بکنم!!! از عذاب روز قیامت میترسم!!!

پس آیا درباره قرآن تدبّر! و تفکر! و بررسی نمیکنند؟! و اگر از غیر از خداوند بوده؟! بودن شکّ و اختلاف و ضدّ و نقیض بسیاری در قرآن پیدا میکردند!!! (از قرآن کریم سوره النساء آیه ۸۲)

خداوند میفرماید: ای محمد؛ ما میخوانیم بر تو بهترین حکایت و قصص هارا که بتو وحی کردیم و می آموزیم! و تو قبل از این از قرآن بدون شک از غافلان! و بی خبران بودی!!! (از قرآن کریم سوره یوسف آیه ۳)

خداوند میفرماید: حقیقت این است! ما برای مردمان از هر مثلی در قرآن مثلی زدیم!!! که شاید پند و نصیحت قبول کنند! که قرآن در زبان عربی فرستاده شده است!!! و در آن کجی و انحرافی! و باطل وجود ندارد!!! که شاید ایشان پر هیزکاری بکنند!!! خداوند مثل یک مردی را زده که او غلام شریکانی مختلف و ستیزه جو بوده است! و یک مردی را که غلام مخصوص یک مردی بوده است! آیا مردی که ارباب مختلف گوناگون دارد؟! و مردی که یک ارباب دارد؟! آیا این دو نفر در مثل یکسان است؟! (یعنی کسیکه چند خدا دارد! و کسیکه یک خدا دارد! آیا این دو یکسان هستند؟! آیا چند خدا را راضی کردن آسان است؟! و آیا یک خدا را؟! در حالی که حمد و ثناء و ستایش تعریف و کرنش مخصوص خداوند حقیقی و یکتا است!!! بلکه اکثر مردم نمیدانند!!!

(از قرآن کریم از سوره الزمر آیات از ۲۷ تا ۲۹)

نکاتی از مؤلف: ۱- در این آیات قرآن کریم الله متعال به محمد رسول الله دستور میفرماید: که بگو: من هم مثل و مانند شما بشروانسان هستم!!! هیچ فرق و تفاوت بین من و شما وجود ندارد! جز اینکه الله متعال بوسیله جبرئیل بمن وحی میفرستد! و قرآن را بمن یاد میدهد! و می آموزد!!! که باید بدانید که الله من و الله شما یکی است!!! که الله!!! واحد! و بی همتا! و یکتا! و بی مثال!!! و خالق تمامی جهان هستی میباشد! که جز او خالق و خلاق و رب العالمین!!! الله دیگر وجود ندارد؛ و نیست! که من هم بنده و مخلوق او هستم!!!

۲- خداوند متعال به محمد؛ دستور میدهد که بگو: اگر من هم از دستورات خداوند متعال! سرپیچی کنم! و نافرمانی نمایم! خداوند متعال مرا هم عذاب و مجازات خواهد کرد! که من محمد از عذاب بزرگ روز قیامت میترسم! و دینم را فقط به خداوند متعال خالص میکنم!!! که من از دین خداوند متعال بهیچ وجه کم و زیاد نمیکنم!!! و فقط بدستورات خداوند عمل مینمایم! و از جانب خودم هیچ دستور و قانون و دینی ندارم!!! فقط راه و روش و دین من دستور خداوند متعال است؛ و بس! که تمام دستورات

خداوند متعال قرآن کریم وسنت او است!!! که بمن فرستاده و یاد میدهد! که جز این راه و روش دیگری ندارم! که راه روش دیگری اصلاً! و ابداً! وجود ندارد!!! و اگر هم راه دوم هم باشد باطل و کفر و شرک و الحادی گمراهی است!!!

۳- خداوند متعال به محمد دستور میدهد که بگو: قرآن از طرف و جانب من نیست که عوض نمایم! قرآن دیگر بیاورم! و قرآن کلام و فرمان و هدایت خداوند خالق و خلاق جهان هستی است!!! که بوسیله آن انسانها را هدایت و راهنمایی بکند! هر کسی که راه و روش و دین خالص خداوند را میخواهد پیدا کند!!!

۴- خداوند متعال میفرماید: آیا در باره قرآن تدبیر و تفکر و تعقل نمیکنید؟؟؟! که اگر از از جانب و طرف غیر از خداوند نبود؟؟؟! اختلاف و ضد و نقیض و حرفهای بیهوده و ناشایسته فراوان و گوناگون پیدا میکردید؟؟؟! که در قرآن کریم یک کلمه ضد و نقیض تا بحال کسی پیدا نکرده است!!! و اگر از جانب غیر از خداوند نبوده حتماً ضد و نقیض های فراوان پیدا میشد!!! چنانکه در کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات تحریف شده فعلی! و از کتاب مقدس عهد جدید اناجیل تحریف شده فعلی!!! این جانب ضد و نقیض های بسیار فراوان پیدا کردم و نوشته ام!!! که در کتاب عهد عتیق و از کتاب تورات تحریف شده فعلی! دوازده گانه خدا وجود دارد!!! و در کتاب مقدس عهد جدید اناجیل! هشت گانه خدا وجود دارد!!! و ضد و نقیض های فراوان دیگر در عهدین وجود دارد که نوشته ایم!!! اما در قرآن کریم اصلاً! و ابداً ضد و نقیض وجود ندارد!!! یکی از معجزات قرآن کریم همین است!!! الله قرآن کریم!!! واحد! و یکتا! و تنها! و بیهمتا است! و خالق تمامی موجودات جهان هستی میباشد! و خداوند دیگری هم در قرآن کریم اصلاً! و ابداً وجود ندارد! که الله قرآن کریم خالق و خلاق مدبر! و رب کل جهان هستی میباشد!!! که نه فرزند کسی است! و نه از او فرزند خواهد شد!!! و همه موجودات جهان هستی مخلوقات بندگان خداوند قرآن کریم است! که از عدم بوجود آورده و ابداع فرموده است!!! و همه انبیاء عظام و پاک و مطهر بنده و فرستاده الله قرآن کریم است!!! و محمد هم یکی از پیام آوران و فرستادگان خداوند خالق و خلاق جهان هستی و مخلوق و بنده او است!!! که آخرین پیام آور و رسول خداوند است! و بعد از محمد رسول الله! پیام آور و رسول الله نخواهد آمد!!! که خود قرآن کریم شاهد عرایض میباشد! که هر از و چهار صد سال است که قرآن کریم!!! از دست شیاطین و

جنّ و انس! و کفار! و گمراهان! و منافقین سالم! و مصون مانده است!!! که این امر خود ثابت میکند! که خود قرآن کریم معجزه بزرگ محمّد رسول الله بوده و هست!!! که بعد از رسول الله کسی نتوانسته! از قرآن کریم یک حرف! و یا کلمه کم! و زیاد کند!!! این امر و روح خود شاهد و حقیقت قرآن کریم است! که بعد از محمّد رسول الله وحی قطع شده است!!! زیرا که قرآن کریم برای هدایت تمامی انسانهای الله پرست و خداشناس کافی بوده و بس است! برای اینکه تمامی کتابهای آسمانی همین قرآن کریم بوده و هست! زیرا که خداوند یکی است! باید قانون خدا هم یکی باشد! کتابهای آسمانی نوح! و ابراهیم! و موسی! و عیسی! و انبیاء غیره قرآن بوده! و هست! که در نشریه ۳ ثابت کردیم! و بانامهای گوناگون خداوند خلاق جهان هستی فرستاده است!!!

۸- خداوند سؤال میفرماید: آیا کیست که اولین بار جهان هستی را؟؟؟؟! از عدم آغاز! و ابداع کرده؟! و بوجود آورده؟! و خلق کرد؟! سپس آن خلقت را در روز قیامت دوباره عودت میدهد! و دوباره خلق میکند! و آیا کیست که شمار از آسمان؟! و از زمین روزی میدهد؟؟؟؟! آیا چنین الله؟! الهی دیگری هم هست؟؟؟؟! ای محمد بگو: اگر راست

میگوئید: دلیل و برهان خودتان را بیاورید!!! (از قرآن کریم سوره التمل آیه ۶۴)

آهای مردم جهان بیدار! و آوری نعمت های خداوند را؟! که بر شما داده است!!! آیا خالق و آفریننده ای غیر از خداوند خلاق هستی وجود دارد؟؟؟؟! خداوند از آسمانها و از زمین بشمار روزی میدهد! الله نیست جز الله خلاق جهان هستی!!! پس به کجا برگردانیده میشوید؟؟؟؟!!! (از قرآن کریم سوره فاطر آیه ۳)

والله خلاق جهان هستی او است! الله دیگری نیست!!! جز خداوند خالق و خلاق و مدبر جهان هستی نیست!!! که حمد و ستایش و عبادت و ثنا و کرنش؛ در این دنیا؛ و در آخرت فقط برای خلاق حقیقی است! و تمامی قانون و حکم از آن الله علام است!!! (جز قانون و حکم خداوند متعال هیچ حکم و قانون قابل قبول نیست) و تمامی شما انسانها بسوی خداوند قهار در روز قیامت برگردانیده میشوید!!!

(از قرآن کریم سوره القصص آیه ۷۰)

الله آن است که شب را برای شما وقت آسایش قرار داده است!!! تادر آن آرام شوید و استراحت کنید! و روز را برای روشنائی و وقت تلاش قرار داده است!!! بدرستی که خداوند برای انسانها صاحب فضل و رحمت است!!! ولیکن اکثر مردم شکر نمیکنند! و خداوند صاحب اختیار کلّ شما همین طور میباشد!!! که همه چیز را؛ او آفریده و خلق کرده است!!! که خداوندی نیست جز او!!! پس بکجا برگردانیده میشوید؟؟؟؟!!!
(از قرآن کریم از سوره غافر آیات ۶۰ و ۶۱)

این بسبب آن است! که قرآن کریم علم و حکمت و خداشناسی است! که از طرف صاحب اختیار کلّ تو! ای محمد بتو وحی فرستاده میشود! و با خدای خلاق هستی؛ خدای دیگری قرار مده! (یعنی صفات و کارهای عملهای خداوند را بکسی و یا شیئی قرار و نسبت مده)! پس در این صورت ملامت شده!!! و روانه شده!!! بدوزخ افکنده میشوی!!! (از قرآن کریم از سوره الاسراء آیه ۳۹)

نیست الله جزا و که زنده میکند! و میمیراند!!! که صاحب اختیار کلّ شما است!!! و صاحب اختیار کلّ پدران اولین شما بوده است!!! (از قرآن کریم سوره الدخان آیه ۸)

خداوند! اهل یهودیت را مخاطب قرار داده میفرماید: که یعقوب در حال مرگ بود آیا شما شاهد بودید؟! و وقتی که پسرانش گفت: بعد از من چه چیزی را بندگی! و پرستش خواهید کرد؟! پسرانش گفتند: بندگی میکنیم و میپرستیم الله تورا!!! و الله پدران را ابراهیم! و اسماعیل! و اسحق را! که خداوند! واحد! و یکتا است! و ما مییم برای الله! واحد! و یکتا اسلام آوردگان! و تسلیم شدگان!!! (از قرآن کریم از سوره البقره آیه ۱۳۳)

و هنگامیکه خداوند در روز قیامت خواهد؟؟؟؟ گفت: ای عیسی فرزند مریم؟! آیاتو ب مردم گفته بودی؟! من؟! و مادرم را دو الله؟! غیر از خداوند؟! بخدایی بگیری؟! عیسی خواهد گفت: ای خداوند من تو خالق خلاق کلّ جهان هستی! ای خداوند پدایک و پاکیزه هستی!!! و برای من هم سزاوار نیست! که چنین حرف بگویم: و آنچه برای من هم حقّ نیست!!! که بگویم: که اگر گفته بودم حقیقت این است!!! تو آن را دانسته بودی!!! خدایاتو میدانی آنچه در ذات و نهران من است!!! آنچه در ذات اقدس و نهران و پنهان تو است من نمیدانم! بدرستی که فقط تو بسیار دانا!!! و آگاه هستی! و تمامی علم غیب و پنهانی را فقط تو میدانی!!! (از قرآن کریم از سوره المائده آیه ۱۱۶)

واگر در آسمانها و در زمین خدایان غیر از؟؟؟! خداوند حقیقی خلاق جهان هستی بودند؟! بدون شک آسمانها و زمین فاسد شده بودند! (اگر خدایان زیاد بودند هر کدام در کار و در خلقت و غیره مخالف یکدیگر عمل میکردند! که نظم و گردش جهان بهم میخورد از بین میرفت!!؟! و یاهمیشه خدایان مانند اهل زمین جنگ میکردند) پس خداوند از هر عیب و ایرادی پاک و پاکیزه است!!؟! از آنچه وصف و تعریف مینمایند! و خداوند صاحب اختیار کل موجودات جهان خلقت هستی می باشد!!!

(از قرآن کریم از سوره الانبیاء آیه ۲۲)

خداوند میفرماید: هنگامیکه موسی بو عده گاه ما آمد! صاحب اختیار کلش با او سخن گفت: موسی گفت: ای خداوند صاحب اختیار کل من! خود را برای من بنمای و نشان بده که بسوی تو بنگرم!!؟! خداوند گفت: هرگز اصلاً! و ابداً نمیتوانی مراببینی!!؟! بلکه بسوی کوه بنگر! اگر کوه در جایش قرار بگیرد!!؟! مرا هم خواهی دید!!؟! پس وقتیکه صاحب اختیار کل او در کوه تجلی کرد!!؟! کوه راریزه ریزه نمود!!؟! و موسی بیهوش افتاد سپس بیهوش آمد!!؟! گفت: ای صاحب اختیار کل من تو ای که از هر عیب و ایرادی پاک و پاکیزه هستی!!؟! من بسوی تو بازگشت و توبه کردم! و اولین مؤمن هستم!!!

(اللّٰه قرآن کریم هرگز! و اصلاً! و ابداً دیده نمیشود! زیرا که جسم نمیشود!!!) (از قرآن کریم و از سوره الاعراف آیه ۱۴۳)

خداوند میفرماید: ای محمد خداوند صاحب اختیار کل تو فراموش کار نیست!!!

(در ذات اللّٰه قرآن کریم فراموش کاری و نسیان وجود ندارد)

(از قرآن کریم از سوره مریم آیه ۶۴)

حقیقت این است! آنانیکه کافر شدند! گفتند: بدرستی که خداوند! همان مسیح فرزند مریم است!!؟! و حال آنکه عیسی فرزند مریم گفت: ای بنی اسرائیل اللّٰه را پرستش! و بندگی کنید! که صاحب اختیار کل من! و صاحب اختیار کل شما است!!؟! بدرستی که هر آن کسیکه به خداوند شریک قرار بدهد!!؟! حقیقت این است! که خداوند بهشت را برای او حرام کرده است! و جایگاه او آتش است! و برای ظالمین و ستمکاران هیچ کمک! و یاریاوری نیست وجود ندارد!!!

(از قرآن کریم از سوره المائده آیه ۷۲)

عیسی ابن مریم گفت: ای خداوندا و صاحب اختیار کلّ ما! برای ما! از آسمان سفره طعامی نازل بفرما! که برای ما روز عیدی بوده باشد! و اوّل برای ما و برای آیندگان ما!!! از تو معجزه بوده باشد!!! و برای ما روزی بده که توبهترین روزی دهندگان هستی! خداوند گفت: بدرستی که من آن را برای شما نازل میکنم! پس هر کسی از شما پس از آن کافر شود! بدرستی که من او را عذاب میکنم! که احدی از جهانیان را چنین عذابی نکرده باشم!!! (از قرآن کریم از سوره المانده آیات ۱۱۴ و ۱۱۵)

و کیست که از دین ابراهیم روی بگرداند؟؟؟! مگر آن کسی که برای خودش سفیه و دیوانه بوده باشد؟! و خداوند میفرماید: حقیقت این است که ابراهیم را در این دنیا برای پیام آوری برگزیدم!!! بدرستی که او در آخرت از صالحین و شایستگان است! و قتی که صاحب اختیار کلّش به او گفت: اسلام آور و تسلیم شو! ابراهیم گفت: من بر اللّٰه صاحب اختیار کلّ جهانیان اسلام آورده ام!!! و تسلیم شدم!!!

(از قرآن کریم از سوره البقره آیات ۱۳۰ و ۱۳۱)

ای محمد بگو: بدرستی که خداوند و صاحب اختیار کلّ من! مرا براه راست!!! درست هدایت کرده است!!! راهی که دین محکم و استوار است!!! که به آئین ابراهیم که یکتاپرست بوده! و ابراهیم از مشرکین نبوده است!!! (قرآن کریم سوره الانعام آیه ۱۶۱)

خداوند میفرماید: بدرستی که این قرآن بدون شک و تردید!!! در کتابها و صحیفه های اوّلین بوده است! و در لابلای صحیفه ها! و کتابهای ابراهیم! و موسی بوده است!!! (این قرآن همان کتاب نوح! و کتاب ابراهیم! و موسی! و داود! و سلیمان! و عیسی!!! و غیره! و کتابهای دیگر و وحی آسمانی بوده است!!!) (قرآن کریم از سوره الاعلی آیات ۱۸ و ۱۹)

خداوند میفرماید: بدرستی که این قرآن بدون شک و تردید!!! فرستاده شده از طرف خداوند صاحب اختیار کلّ جهانیان!!! ای محمد قرآن را روح الامین جبرئیل بر قلب تو نازل کرده است!!! تا که با قرآن از ترسانندگان باشی!!! که بزبان عربی آشکار نازل کرده است! و بدرستی که قرآن بدون شک و تردید! در کتابهای انبیاء و پیام آوران عظام اوّلین بوده است!!! (این قرآن همان کتابهای انبیاء پیشین! نوح و ابراهیم و موسی و داود و سلیمان عیسی! و غیره انبیاء بوده است!!! اللّٰه یکتا و احد و تنها و بی همتا است!!! و کتاب و قانون اللّٰه هم باید یکتا و یکی بوده باشد! و در کلام اللّٰه هم نباید ضد و نقیض وجود داشته باشد!!!) (از قرآن کریم از سوره الشعراء آیات ۱۹۶ و ۱۹۷)

کسیکه خود را تسلیم به خداوند خلاق جهان هستی بکند؟! و کیست که دین او از آن نیکوتر بوده باشد؟! و آن کسیکه اسلام آورده و تسلیم خداوند شده! دین او نیکوتر میباشد! زیرا که از آئین یکتاپرستی ابراهیم پیروی کرده است!!! و خداوند ابراهیم را برای خود دوست گرفته است!!! (از قرآن کریم از سوره النساء آیه ۱۲۵)

ای محمد! بتوحی کردیم و یاد دادیم! که از دین ابراهیم پیروی کن که یکتاپرستی بوده است!!! و ابراهیم از مشرکین نبوده است!!! (قرآن کریم سوره النحل آیه ۱۲۳)
پدر دینی شما مسلمانان ابراهیم بوده است! که او (الله) شمارا مسلمان نامگذاری کرده است!!! (از قرآن کریم سوره الحج آیه ۷۸)

وقتی که ابراهیم بر قوم خود گفت: برای خداوند خلاق جهان هستی پرستش و بندگی کنید!!! و از عذاب او پرهیز کنید!!! و این عبادت و بندگی برای شما بهتر است! اگر چه بدانید!!! (از قرآن کریم از سوره العنکبوت آیه ۱۶)

حقیقت این است!!! که ابراهیم و کسانی که با او بوده اند! برای شما مقتدا! و الگویی نیکویی هستند!!! (از قرآن کریم از سوره الممتحنه آیه ۴)

ای محمد! بگو: این قرآن راه هدایت من است!!! و از همه میخوام بطرف الله خالق جهان هستی بروند! هر کسی که بصیرت و بینائی دارد! و من و کسی که از من پیروی میکند!!! راه هدایت ما بطرف خداوند خالق خلاق جهان هستی و رب العالمین است! که پاک و پاکیزه منزّه میباشد! و ما از مشرکین نیستیم!!! (قرآن کریم از سوره یوسف آیه ۱۰۸)
آی محمد! جز الله هیچ کسی را مخوان! و صدامزن! و حاجت خواه! و که برای تونه سودی!!! و نه ضرری دارند!!! پس اگر این عمل را انجام بدهی بدرتیکه در آن هنگام از ظالمین و ستمکاران میشوی!!! (از قرآن کریم از سوره یونس آیه ۱۰۶)

ای محمد! بگو: بدرتیکه من نهی شده ام!!! (یعنی خداوند منان مرا نهی فرموده است) پرستش و عبادت نکنم! آنهایی را که غیر از خداوند را میخوانید! حاجت میطلبید! و کمک میخواهید! و بگو: از خواسته های شما پیروی نمیکنم! حقیقت این است!!! که اگر غیر از خداوند را بخوانم و صدا بزنم!!! و از خواسته های شما پیروی بکنم!!! آن وقت است که از گمراهان میشوم! و از هدایت شدگان نمیباشم!!!
 (از قرآن کریم از سوره الانعام آیه ۵۶)

بدرستیکه ای کسانیکه غیر از خداوند را میخوانید؟؟؟؟!!! که آنها مانند و امثال شما
بندگان هستند! اگر راست میگوید: بخوانید! و کمک طلبید! و باید بشما جواب حاجت
بدهند!!! (از قرآن کریم از سوره الاعراف آیه ۱۹۴)

غیر از خداوند آنکسانی را که میخوانید حاجت میخواهید! که برای شما کمک و یاری
بکنند؟؟؟؟!!! و نمیتوانند برای شما یاری و کمک بنمایند!!! و نمیتوانند برای خودشان
هم کمک و یاری بکنند!!! (از قرآن کریم از سوره الاعراف آیه ۱۹۷)

ای مردم مثلی زده شده که به آن گوش بدهید!!! بدرستیکه کسانی را میخوانید و
حاجت می طلبید غیر از خداوند را!!! هرگز مگسی را نمیتواند خلق بکنند!!! اگر چه
برای خلق کردن او اجتماع و جمع بشوند! اگر مگسی چیزی را از ایشان برباید! آن
چیز را نمیتواند از او برهانند؛ و پس بگیرند!!! که طالب! و مطلوب! خواننده و خوانده
شده! هر دو عاجزند! و آنچه سزاوار حقّ عظمت خداوند است که نشناختند! بدرستیکه
خداوند غالب!!! و توانا و قدرتمند میباشد!!! (قرآن کریم سوره الحج آیات ۷۳ و ۷۴)

اللّه او است که شب را بر روز و روز را به شب داخل میکند! و آفتاب و ماه را آرام کرده
است!!! که هر یکی برای مدت معینی سیر و حرکت میکنند!!! و در گردش هستند!!!
اللّه صاحب اختیار کلّ شمالینطور میباشد!!! و ملک و پادشاهی مخصوص از آن او
است!!! و ای آن کسانیکه غیر از خداوند!!! کسی! یا چیزی را می خوانید! حاجت می
طلبید! آنها مالک پوست هسته خرمائی نیستند! اگر هم بخوانیدشان صدای و دعای
شمارا نمیشنوند!!! و اگر هم می شنیدند برای شما جواب نمی دادند!!! و در روز قیامت
شکر شمارا انکار میکنند و قبول ندارند!!! و هیچ کسی مانند خداوند برای تو آگاهی
را خبر نمیدهد!!! (از قرآن کریم از سوره فاطر آیات ۱۳ و ۱۴)

ای محمد بگو: آن کسانیکه شریکان شما هستند؟! که غیر از خداوند را که میخوانید
! و حاجت می طلبید!!! و توجه دارید!!! بمن نشان و خبر بدهید!!! که چه چیز را خلق
کرده اند؟؟؟؟!!! و آیا آنها شرکتی در خلقت آسمانها دارند؟؟؟؟!!! و آیا کتابی برای ایشان
داده ایم؟؟؟؟!!! که برای ایشان برهان؟؟؟؟!!! و دلیلی از کتاب ایشان بوده باشد؟؟؟؟!!!
بلکه ظالمین ستمگران یکدیگر را و عده مکر و وعده فریب و غرور آمیز میدهند!!!
(از قرآن کریم از سوره فاطر آیه ۴۰)

ای آن کسانی که غیر از خداوند آن چیزها را که میخوانید؟؟؟؟!! نه به شما ضرر روزیان میرسانند! و نسودی میدهند! آن راه گمراهی است! که از راه خداوند خلی دور است!
(از قرآن کریم از سوره الحج آیه ۱۲)

از آن گمراهتر کیست؟؟؟؟!! که غیر از خداوند را؟ میخواند؟ و صدامیزند؟! و حاجت؟! و کمک میخواهد؟؟؟؟!! آن کسی را میخواند که او تا روز قیامت بر خواننده خود جواب نمیتواند بدهد!! و آنها از خواندن! و صدا زدن ایشان کاملاً بی خبر! و غافل! و ناآگاه هستند!! و وقتی که روز قیامت برای مردمان برپا میشود!! آنها را که میخواندند!! و حاجت!! و کمک میخواستند! برای خوانندگان خود دشمن میشوند! و آنها پرستش و عبادت خوانندگان خود را انکار میکنند!! (از قرآن کریم از سوره الاحقاف آیات ۵ و ۶)

و آن کسانی که غیر از خداوند را میخوانند!! و صدامیزند آنها چیزی را خلق نکرده اند!! بلکه خود ایشان خلق شده اند! و آنها از مردگان هستند! و از زندگان نیستند! و نمی دانند که از قبوری برانگیخته میشوند!! (از قرآن کریم از سوره النحل آیات ۲۰ و ۲۱)
بدرستی که الله آن است که اوحقّ است!! و آنچه را که غیر از خداوند را میخوانند!! اوباطل و گمراهی است!! و بدرستی که خداوند اوست!! که عالیترو برتر و بزرگتر و کبیر است!! (از قرآن کریم از سوره الحج آیه ۶۲)

نکاتی از مؤلف: از این آیات قرآن کریم استفاده میشود! که اگر کسی غیر از خداوند متعال! که غائب و مرده باشد!! و یا چیزی! و یا شیئی را بخواند! و صدا بزند! و حاجت! و کمک! و شفاء! و شفاعت بخواد! بشرک! و کفر آلوده و مبتلا میشود! حتی اگر کسی انبیاء عظام! و ائمه اطهار! و یا قبور مردگان را بخواند! و حاجت! و کمک بطلبد! باز هم بشرک آلوده و مبتلا میشود!! و این آیات قرآن ثابت میکند! که فقط باید تنها الله و ربّ العالمین را بخوانیم! و از او حاجت! و کمک! و شفاء! و شفاعت بطلبیم!! زیرا که در همه جا حاضر! و ناظر فقط خداوند متعال است! و خداوند همیشه زنده! و جاوید! و ابدی! و ازلی است!! و همه کس و همه چیز و شیئی فانی میباشد!! جز غیر از ذات اقدس خداوند! که همیشه زنده و حیات دارد!! و همه چیز و شیئی و همه کس ملک و مال خداوند متعال است!! و هیچ کس بذره چیزی و یا جسم! اندام خودش مالکیت ندارد! و تمامی قدرت! عزت! و ثروت و علم! و علم غیب! و توانائی از آن خداوند خلاق است

!!! و اگر کسی از غیر از خداوند خلاق متعال! از کسی مرده! و یا از شیئی! و چیزی حاجت! و کمک! و شفاء بخواهد! و یا صدا بزند! یا باید خداشناس باشد!!! و یا احمق! و نادان! و دیوانه بوده باشد!!! زیرا که انسان عاقل و خداشناس بخوبی میداند! که خداوند از همه قدرتمندتر! و ثروتمندتر! و عالمتر است! و در همه جا حاضر! و ناظر! و شاهد فقط خداوند متعال است!!! که جز او هیچ کسی! و هیچ چیزی! و شیئی در همه جا حاضر و ناظر نمیتواند باشد!!! زیرا که همه موجودات جسم هستند!!! که جسم نمیتواند جزئیکی جابوده باشد! فقط الله در همه جا حاضر و ناظر است! زیرا که جسم نیست!!! که تمامی انبیاء عظام! و پیام آوران!!! و ائمه اطهار هم جسم بودند!!! آمدند که عالم بشریت و انسانیت را براه و روش هدایت الله سوق بدهند و خداشناس نمایند! و انسانهای مؤمن و پاک را وارث ملک عالی بهشت خداوند متعال نمایند!!! که همان بهشت جاویدان است! که فقط مال و ملک انسانهای مؤمن و پاک خداشناس میباشد!!!

۹- پس هر کسی که بعد از ظلم و ستمگری توبه کند!!! خودش را اصلاح و شایسته نماید! پس بدرستی که خداوند توبه! بازگشت! و پشیمانی او را بامهربانی قبول میفرماید! بدرستی که خداوند بامهربانی بخشنده میباشد!!! (از قرآن کریم از سوره المائده آیه ۹۳)

ای محمد و قتی که آن کسانی که نزد تو بیایند! و به آیات خداوند ایمان میآورند!!! پس بگو: سلام و سلامتی بر شما باد!!! که صاحب اختیار کلّ شمار حمتش را بر خودش واجب کرده که رحمت کند! و رحمتش را جب نوشته است!!! که هر کسی از شما عمل سوء و بدی را بنادانی انجام بدهد! سپس بعد از آن توبه و بازگشت نماید و خودش را اصلاح کند! و اصلاحگری نماید! پس بدرستی که خداوند بامهربانی بخشنده است!!! (از قرآن کریم سوره الانعام آیه ۵۴)

بدرستی که آن کسانی که آیات روشن! و هدایت مارا که نازل کردیم میپوشانند! و کتمان میکنند! بعد از بیان ما!!! که برای مردم در این کتاب آسمانی قرآن بیان کردیم!!! لعنت خداوند بر ایشان است! و لعنت تمامی لعنت کنندگان بر ایشان است! مگر آن کسانی که بعد از ظلم و بدی کردند!!! توبه و بازگشت کنند!!! و خودشان را اصلاح کنند! و قرآن را برای مردم بیان نمایند! سپس خداوند توبه ایشان را بامهربانی قبول میکند!!! و خداوند بامهربانی توبه او را میپذیرد!!! (از قرآن کریم از سوره البقره آیات ۵۹ و ۱۶۰)

آیا مردم غیر از دین خداوند؟! دین دیگری میجویند؟! و حال آنکه کسانی که در آسمانها و زمین هستند! برای خداوند تسلیم هستند؟! و چه بامیل و چه باکراهت و جبر!!! در روز قیامت بطرف خداوند برگردانیده!!! و رجوع داده میشوند!!! ای محمدبگو: به الله و علام و خلاق جهان هستی ایمان آوردیم! و آنچه بر ما فرستاده شده قرآن! و آن چه بر ابراهیم! و اسماعیل! و اسحق! و یعقوب! و اسباط فرزندان شان نازل شده! و آنچه بموسی!!! و عیسی! و پیام آوران از طرف صاحب اختیار کلّ شان داده شده ایمان آوردیم! بین احدی از پیام آوران و رسولان جدائی نمی افکنیم! و ما برای خداوند تسلیم شده! مسلمانیم! و هر کسی که دینی غیر از اسلام بجوید از او پذیرفته قبول نخواهد شد! و او در عالم آخرت از زیانکاران است!!! الله چطور قومی را که بعد از ایمان آوردنشان کافر شده اند هدایت کند؟! و حال آنکه گواهی دادند که این محمّد رسول الله حقّ است! و دلیل های روشن در قرآن برای ایشان آمده است!!! زیرا خداوند قومهای ظالمان و ستمگران را هدایت نمیکند!!! آن کافران مردمانی هستند که جزای ایشان همین است!!! که لعنت خداوند و ملائکه و تمامی مردم برای ایشان است!!! و در آن لعنت همیشه و جاوید خواهد ماند!!! و از عذاب ایشان تخفیف داده نمیشود! و برای ایشان هم مهلتی داده نخواهد شد!!! مگر کسانی که بعد از آن کفر و بی ایمانی!!! بطرف الله توبه و بازگشت نمایند!!! و خودشان و هم دیگران را اصلاح نمایند! بدرستی که الله بامهربانی بخشنده است (دین و قانون خداوند از اول خلقت! و تمامی دین پیام آوران و رسولان اسلام بوده و هست خداوند علامّ! جز دین اسلام قانون دیگری را ندارد! و آن هم این قرآن میباشد!!! زیرا که آخرین کتاب وحی منزل آسمانی؛ و کتاب خاتم النبیین میباشد!!! و تمامی کتابهای پیام آوران و رسولان و انبیاء عظام پیشین همین قرآن کریم بوده است و بس)!!! (از قرآن کریم از سوره آل عمران آیات از ۸۳ تا ۸۹)

خداوند فرمود: هرگز برای منافقان یار و یاور نمی یافت!!! (منافق یعنی کافر مسلمان نماورد دین اسلام دو چهره) مگر آن کسانی که بسوی خداوند توبه و بازگشت نمایند!!! خودشان و هم دیگران را هم اصلاح بکنند! و فقط به خداوند متوسّل شوند! و توسّل بکنند و چنگ بزنند!!! و خودشان را برای دین خداوند خالص و صاف نمایند! سپس ایشان بامؤمنان هستند!!! و بهمین زودی خداوند بر مؤمنین جزاء و پاداش

خواهد داد!!! (از قرآن کریم و از سوره النساء آیات ۱۴۵ و ۱۴۶)

آنانیکه کارهای سوءویدی را انجام داده اند!!! سپس بعد از آن توبه و بازگشت کردند
 و ایمان آورده اند! بدرستیکه صاحب اختیار کَلّ تو! ای محمد بدون شک پس از آن
 توبه را با مهربانی بخشنده است!!! (از قرآن کریم و از سوره الاعراف آیه ۱۵۳)

پس حقیقت این است!!! که خداوند صاحب اختیار کَلّ تو! ای محمد نسبت به آنانیکه
 کاربندی را بجهالتی و نادانی انجام داده اند!!! و بعد از آن توبه کردند خودشان و
 دیگران را اصلاح نمودند!!! بدون شک خداوند صاحب اختیار کَلّ تو! با مهربانی
 بخشنده است!!! (از قرآن کریم از سوره النحل آیه ۱۱۹)

اللّه فرمود: این است جزاین نیست! قبول کردن توبه بر عهده خداوند است!!! برای
 آنانیکه کاربندی را بجهالتی و نادانی انجام میدهند! بزودی توبه و بازگشت میکنند
 !!! پس خداوند توبه ایشان را با مهربانی می پذیرد!!! و خداوند بسیار دانا و حکیم
 است!!! (از قرآن کریم و از سوره النساء آیه ۱۷)

خداوند می خواهد دینش را برای شما بیان کند!!! و شمار ابروش های آنانیکه پیش از
 شما بودند هدایت نماید! و از شما توبه بپذیرد!!! و خداوند بسیار دانا و حکیم است!!! و
 خداوند می خواهد از شما توبه قبول فرماید و رحمت کند!!! (قرآن و سوره النساء آیه ۲۶)

هر کسیکه بعد از ظلم و ستم گریش توبه کند!!! و پیشمان شود! خودش و دیگران را
 اصلاح نماید!!! پس حقیقت این است که خداوند توبه او را قبول میکند! بدرستیکه
 خداوند با مهربانی بخشنده است!!! (از قرآن کریم و از المائده آیه ۳۹)

**خداوند فرمود: آیا بطرف خداوند بر نمی گردید؟! و از او آمرزش و بخشش نمی خواهید؟!
 و حال آنکه خداوند با مهربانی بخشنده است!!! (از قرآن کریم و از سوره المائده آیه ۷۴)**

خداوند فرمود: باید خداوند مردان منافق و زنان منافق! و مردان مشرک و زنان مشرک
 را عذاب کند! و مؤمنین و مؤمنات را میبخشد! و خداوند با مهربانی بخشنده است!!!
 (از قرآن کریم و از سوره الاحزاب آیه ۷۳)

خداوند فرمود: وعده دیگری بگناه خود اعتراف نمودند! و دیگران عمل صالح را با
 عمل بدی آمیختند!!! بدرستیکه خداوند توبه آنان را می پذیرد و قبول می فرماید!!!
 بدرستیکه خداوند با مهربانی بخشنده است!!! (از قرآن کریم و از سوره التوبه آیه ۱۰۲)

خداوند فرمود: ای مردم از الله صاحب اختیار کلّ خودتان طلب آمرزش و بخشش بکنید!!! پس بسوی او برگردید!!! بدرستی که خداوند صاحب اختیار کلّ من! بسیار مهربان و دوستدار است!!! (از قرآن کریم و از سوره هود آیه ۹۰)

ای کسانی که ایمان آورده اید! بسوی خداوند توبه کنید! و بازگشت نمائید! توبه کنید که خالص و صمیمانه باشد!!! (از قرآن کریم و از سوره التحريم آیه ۸)

این قرآن از طرف خداوند کامل الذات نیرومند فرستاده شده است! که غالب و دانا است! خداوندی که بخشنده گناه و قبول کننده توبه است!!! و عذاب او شدید و صاحب ممت و فضل و رحمت است!!! معبود و ملجای جز خداوند نیست!!! و همه بسوی او بازگشت کننده هستند!!! (از قرآن کریم و از سوره غافر آیات ۲ و ۳)

آیند انستند خداوند اوست که از بندگانش توبه؟! و بازگشت را قبول میکند؟؟؟!!! بدرستی که خداوند اوست!!! که بامهربانی توبه را از بندگانش قبول میفرماید!!! (از قرآن کریم و از سوره التوبه آیه ۱۰۴)

خداوند اوست که توبه را از بندگانش قبول میفرماید: و گناهان بندگانش را عفو میکند! و هر کاری و عملی را بندگانش انجام میدهد میداند!!! (از قرآن کریم و از سوره الشوری آیه ۲۵)

بدرستی که خداوند دوست میدارد توبه کنندگان را!!! و دوست میدارد کسانی را که خودشان را پاک و تطهیر بکنند!!! (از قرآن کریم و از سوره البقره آیه ۲۲۲)

و کسی که توبه کند و از کار و عمل بدش پشیمان شود!!! و کار و عمل صالح انجام بدهد!!! پس بدرستی که او بسوی خداوند باز میگردد!!! که بازگشت خوبی است!!! (از قرآن کریم و از سوره الفرقان آیه ۷۱)

نکاتی از مؤلف: ۱- شمه ناچیزی از علم و قدرت و کار و مشخصات و صفات الله را از قرآن کریم وحی منزل نوشته ایم! و معتقدیم که هیچکسی نمیتواند علم و توانایی و قدرت و صفات کامل ذات اقدس! خداوند خالق جهان هستی را بخوبی درک کند! و بنویسد! که مادر این کتاب تطبیقی خداوندی الله ادیان سه گانه توحیدی را نوشته ایم! که از خداشناسان محترم تقاضا داریم که خودشان کتابهای ادیان یهودیت و مسیحیت و اسلام را مطالعه بکنند!!! و تفکر! و تعقل! و تدبّر بنمایند!!! که تا خداوند خلاق جهان هستی ربّ العالمین را!!! و آفرینش جهان را بشناسند!!! و نظر بدهند که خداوند کدام

یکی از کتاب آسمانی قابل قبول میباشد! آیا خداوندان دوازده گانه کتاب مقدس عهد عتیق! و کتاب تورات تحریف شده فعلی! یهودیت قابل قبول است؟؟؟؟!! و یا خدایان هشت گانه کتاب مقدس عهد جدید اناجیل تحریف شده عیسی قابل قبول است؟؟؟؟!! و یا الله! یگانه؛ و یکتای؛ و واحد! قرآن کریم وحی منزل الهی قابل قبول است؟؟؟؟!! امیدوارم آنقدر بابت تلاش کنیم! که تا حداقل خداوند را که چندگانه است!! و یا خداوند یک و یگانه است بشناسیم قضاوت بکنیم! تا در اصل خداشناسی گمراه نشویم!! که فصل و تمیز بر عهده تعقل و تدبیر و تفکر خوانندگان محترم میباشد!!

۲ خداوند قرآن کریم! واحد! و یکتا! و تنها! و بی همتا است!! یعنی هیچ کسی و هیچ چیزی و هیچ شیئی شبیه او نیست! و او شبیه هیچ کسی و هیچ چیزی و هیچ شیئی نیست و مانند او مثل ندارد!! زیرا که جسم نیست! و علم و قدرت او لایتناهی میباشد! و در همه جا حاضر و ناظر و شاهد است! زیرا که جسم نبوده و نیست! و اگر جسم بوده باشد نمیتوانست جز در یک جا باشد!! و ازلی و ابدی میباشد!! به این جهت که قبل از الله هیچ کسی و هیچ چیزی و هیچ ذره نبوده است! و فقط ذات اقدس! الله واحد خالق خلّاق هستی ربّ العالمین بوده است و بس!! که نامهای گوناگونی دارد!! هر نام الله مدبّر جهان هستی! معنی خاصی را بر خود را میبندد! که بعضی از نامهای الله قرآن کریم را مینویسیم!! الله! یعنی بسیار بسیار بسیار حیران و متحیر گزارنده است! و رحمان! بسیار بسیار بسیار بخشنده گناه و خطا است! و این دو نام علم است! و رحیم! بسیار مهربان است! و خالق و فاطر از عدم بوجود آورنده است! و ستار! بسیار پنهان کننده عیب و ایراد است! و صمد! بی نیاز و فرجام کار همه چیز و همه کس بطرف او پایان دارد! و غفور! بسیار بخشنده گناه است! و هاب! بسیار بخشنده مال! ثروت و مقام و روزی است! و دود! بسیار دوستدار! و رزاق! بسیار روزی دهنده است!! رب! صاحب اختیار کل! یعنی همه کس و همه چیز را مالک است! و مالکیت همه کس و همه چیز از آن اوست!! باقی! همیشه زنده و پاینده بوده و هست! حلیم! نرم و بردبار و صبور است! قهار! بسیار قهر و غلبه کننده! اعلی! بالاتر و بلند مرتبه تر! به هر خلقت الله خالق و خالق ربّ العالمین هستی!! خوب نگاه بکنیم حیران و متحیر و سرگردان خواهیم ماند!! یک مثال خیلی کوچک اگر انسان بیک تخم مرغ با تفکر نگاه بکند حیران

وسرگران! متحیر خواهد ماند!!! زیرا که در بیست و چهار ساعته! تخم دان مرغ یک تخم درست میکند! پوست بیرونیش از آهک است!!! و توی آن پوست!!! یک پرده نازکی وجود دارد!!! که سفیده تخم را احاطه کرده است! و در داخل سفیده! باز هم یک پرده خیلی نازک وجود دارد! که زرده تخم را احاطه کرده است! و مرغ تخمی را که از خروس گرفته نصفش در زرده تخم!!! و نصفش در سفیده قرار گرفته است!!! آیا دانشمندان خیلی بزرگ نام دار جهان میتوانند بدون مرغ؟؟؟؟!! و تخمدان مرغ یک دانه تخم مرغ را بوجود آورند؟؟؟؟!! حتماً جواب منفی است!!! و اگر یک تخم مرغ را بشکنیم؟؟؟؟!! آیا دانشمندان جهان میتوانند؟؟؟؟!! دوباره آن تخم مرغ را درست و صاف بکنند؟؟؟؟!! باز هم جواب منفی است!!! پس قدرت دانشمندان بزرگ جهان از قدرت تخم دان یک مرغ خیلی بسیار ضعیف و کمتر میباشد!!! آیا معنی کلمه الله حیران و متحیر گزارنده نیست؟؟؟؟!! که باید تخم مرغ را مرغ درست کند که هیچ راه چاره نیست! و هیچ کسی و هیچ مخلوقی و حتی انبیاء عظام و رسولان و پیام آوران و ائمه اطهار هم چنین قدرت را ندارد!!! جز تخم دان مرغ!!! و شیر را باید گاو و گوسفند درست کنند و بدهند و پالایش نمایند!!! که جز این راه!!! راهی دیگر وجود ندارد!!! آیا معنی کلمه الله بسیار بسیار بسیار حیران؟! و متحیر گزارنده نیست؟؟؟؟!! این یک مورد ناچیز خلقت و ابداع الله است!!! و اگر کسی آگاهانه در ذات اقدس!!! و خلأ قیّت الله هر چه زیادتر تلاش!!! تدبّر! و تفکر! و تعقل نماید خیلی زیادتر و فراوان تر حیران و متحیر و سرگشته و سرگردان خواهد ماند!!! که وجود ذات اقدس الله را با خلقت و خلأ قیّتش لمس میکند!!! آیا معنی الله بسیار بسیار بسیار متحیر و حیران گزارنده؟؟؟؟!! مخلوق و آگاهی و دانای و عالم خداشناس جهان هستی نمیباشد؟؟؟؟!! و اگر خدایان دو یا چندگانه بود جهان کلاً ویران میشد! و جنگ و خون ریزی و کشت و کشتار و تخریب ویرانی جنبه در دنیا باقی نمیگذاشت! نتیجه کار و عمل و عمل کرد خدایان چندگانه چنین بوده است!!! آیاتام الله واحد و تکتاوتنها! حیران و سرگردان و متحیر و سرگشته گزارنده نیست؟؟؟؟!!

یاالله

ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم
وز هر چه گفته اند؛ شنیده ایم و خوانده ایم
مجلس تمام گشت و به آخر رسیده عمر
ما همچنان در اول وصف؛ تو مانده ایم

۳- از مسلمانان جهان تقاضا دارم که این پنج جلد کتاب سرچشمه آیات شیطانی از فرهنگ یهود را تا جهان هست چاپ و منتشر نمایند! وزنده نگه دارند! و همه ناشرین جهان از طرف اینجانب مؤلف: عزیزاله اصغری مجوز و اجازه دارند! که عین این کتابها را چاپ و منتشر نمایند!!! این یک هدیه برجها و جهانیان میباشد!!! زیرا که اساس و بنیان!!! ادیان توحیدی سه گانه یعنی یهودیت! و مسیحیت! و اسلام در این کتابها نوشته شده است!!! و حقایق و برتری قرآن کریم وحی منزل الهی و اسلامی که کتاب آسمانی میباشد ثابت شده است! که اصل راه هدایت خداوند خالق و خلاق جهان هستی رب العالمین را شفاف و روشن مینماید! که شاهد به عرایض گرایش اهل جهان بدین مبین قرآن کریم و اسلام میباشد!!! که راه هدایت کلیه انبیاء عظام و رسولان و پیام آوران بزرگوارن میباشد که ثابت شده است! مخصوصاً اهالی مؤمن و آگاه اروپا و امریکا چشم گیر و فراوان میباشد! دعاگوی شما عزیزاله اصغری!!!

فصل دوّم

تطبیق خلقت آدم در ادیان سه گانه یعنی

یهودیت و مسیحیت و اسلام

بند اول خلقت آدم از کتاب مقدس عهد عتیق! و از کتاب تورات فعلی!

۱- و خدا گفت: آدم را بصورت ما و موافق شبیه ما بسازیم!!! تا بر ماهیان در دریا و پرندگان آسمان و بهایم و بر تمامی زمین! و همه حشراتیکه بر زمین میخزند حکومت بنماید! پس خدا آدم را بصورت خود آفرید!!! او را بصورت خدا آفرید!!! ایشان را نر و ماده آفرید! و خدا ایشان را برکت داد! و خدا بر ایشان گفت: بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید!!! و در آن تسلط بنمائید و بر ماهیان دریا و بر پرندگان آسمان!!! و همه حیواناتی که بر زمین میخزند حکومت کنید!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورت فعلی؛ سفر پیدایش؛ باب اول آیات از ۲۶ تا ۲۹)

خداوند! خدا! پس آدم را از خاک زمین بسرشت! و در بینی وی روح حیات دمید!!! و آدم زنده شد!!! خداوند! خدا! باغی در عدن بطرف مشرق غرس نمود!!! و آن آدم را که سرشته بود در آنجا گذاشت! و خداوند! خدا! هر درخت خوشنما و خوشخوراک را از زمین رویانید! و درخت حیات را در وسط باغ!!! و درخت معرفت نیک و بد را و نهر از عدن بیرون آمد تا باغ را سیراب کند! و از آنجا منقسم گشته چهار شعبه شد! نام اول فیشون است!!! که تمام زمین حویله را که در آنجا طلاست احاطه میکند!!! و طلالی آن زمین نیکوست!!! و در آنجا مروارید و سنگ جزع است!!! و نام نهر دوم جیحون که تمام زمین گوش را احاطه میکند! و نام نهر سوم حدّاقل که بطرف شرقی آشور جاریست!!! و نهر چهارم فرات!!! پس خداوند! خدا!!! آدم را گرفت و او را در باغ عدن گذاشت تا کار آن را بکند و آن را محافظت بنماید!!! و خداوند! خدا!!! آدم را امر فرمود گفت: از همه درختان باغ بی ممانعت بخور! اما درخت معرفت نیک و بد زنهار نخوری زیرا که روزی که از آن بخوری هر آینه خواهی مُرد!!! و خداوند! گفت: خوب نیست که آدم تنها باشد پس برایش معاونی موافق وی بسازم!!! و خداوند! خدا! هر حیوان صحراء و هر پرنده آسمان را از زمین سرشت!!! و نزد آدم آورد تا ببیند!!! که چه نام خواهند نهاد آنچه آدم هر ذی حیات را خواند!!! همان نام او شد!!! پس آدم همه بهایم و پرندگان آسمان!!! و همه حیوانات صحراء را نام نهاد! لیکن برای آدم معاونی وی یافت نشد!!! و خداوند خوابی گران بروی مستولی گردانید تا بخفت!!! و یکی از

دنده هایش را گرفت!!! وگوشت جایش را پر کرد!!! خداوند! خدا! آن دنده را که از آدم گرفته بود زنی بناء کرد! ووی را بنزد آدم آورد! و آدم گفت: همانا این است استخوانی از استخوانهایم! وگوشتی از گوشتم از این سبب نساء نامیده شود!!! زیرا که از انسان گرفته شد! از این سبب مرد پدر و مادر خود را ترک کرده! بازن خویش خواهد پیوست ویک تن خواهند بود و آدم و زنش هر دو برهنه بودند و خجلت نداشتند!!!

(کتاب قدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب دوم آیات از ۷ تا ۲۵)

و ما از همه حیوانات صحراء که خداوند! خدا! ساخته بود هوشیار تر بود! و بزنی گفت: آیا خدا حقیقتاً گفته که از همه درختان باغ نخورید؟؟!! زن بمار گفت: از میوه درختان باغ میخوریم!!! لکن از میوه درختی که در وسط باغ است! خدا گفت: از آن مخورید و آن را لمس مکنید که مبادا بمیرید!!! ما بزنی گفت: هر آینه نخواهید مرد!!! بلکه خدا میدانند روزی که از آن بخورید چشمان شما باز میشود!!! و مانند خدا عارف نیک و بد خواهید بود!!! و چون زن دید!!! که آن درخت برای خوراک نیکوست!!! و بنظر خوشنما دانش افزا است!!! پس از میوه اش گرفته بخورد!!! و بشوهر خود داد و او هم خورد!!! آنگاه چشمان هر دو ی ایشان باز شد!!! و فهمیدند که عریانند!!! پس برگهای انجیر را بهم دوخته سترهای برای خویشان ساختند!!! و آواز خداوند! خدا! را شنیدند که هنگام وزیدن نسیم بهار در باغ میخرامید! و آدم و زنش خویشان را!!! از حضور خداوند!!! خدا در میان باغ پنهان کردند! و خداوند! خدا!!! آدم را نداد و داد و گفت: کجا هستی؟؟!! گفت: آواز تو را در باغ شنیدم ترسان گشتم!!! زیرا که عریانم پس خود را پنهان کردم!!! گفت: که تو را آگاهانید که عریانی؟؟!! آیا از آن درختیکه تو را قدغن کردم که از آن نخوری خوردی؟؟!! آدم گفت: این زنی که قرین من ساختی!!! ووی از میوه درخت بمن داد که خوردم!!! پس خداوند! خدا! بزنی گفت:

(نکاتی از مؤلف: دو پسر دو قلوی زنازاده محرمی یهود او تمار! بنامهای! فارض و زارح! که اصل اجداد یهودیت صهیون نیزم بین المللی میباشند! که یهودیت صهیون نیزم بین المللی!!! برای الله؛ علام؛ خالق خلاق؛ رب العالمین جهان هستی! و انبیاء عظام و رسولان بزرگواران و پیام آوران الهی را! به همه اتهامات اخلاقی و فسادی نسبت دادند!!! ولی ابلیس و شیطان را!!! از همه فساد اخلاقی و ام الفسادی تبرئه و میرادانستند!!! برای اینکه ابلیس و شیطان ولی و مولای و رهبر و ائمه الکفر این

زنزادگان یهودیت صهیون نیزم بین المللی بوده وهست! که نخواستند آبروی امام ورهبر خود را ببرند! به همین خاطر فریب و گمراه کردن!!! آدم ابوالبشر را در بهشت! به گردن مار بیچاره انداختند که مار را به عوض ابلیس ملعون رسوا و خوار نمایند! و نخواستند که رهبر ام الفساد؛ ولی و مولای خودشان را از خود ناراضی بکنند و کفر و گمراهی و الحادی ابلیس شیطان را بپوشانند! حتی برای شیطان قربانی هم کردند) این چه کاری است که کردی؟؟؟؟!! زن گفت: ما مرا اغوا نمود که خوردم!!! پس خداوند! خدا بمار گفت: چونکه این کار را کردی از جمیع بهایم!!! و از همه حیوانات صحراء ملعون تر هستی! بر شکمت راه خواهی رفت! و تمام ایام عمرت خاک خواهی خورد!!! و عداوت در میان تو و زن!!! و در میان ذریت تو و ذریت وی میگذارم!!!!! او سرتورا خواهد کوبید!!! و تو پاشنه وی را خواهی کوبید!!! و بزنی گفت: آلم و حمل تورا بسیار افزون گردانم!!! و به آلم فرزندان را خواهی زائید!!! و اشتیاق تو بشوهرت خواهد بود! و او بر تو حکمرانی خواهد کرد!!! و به آدم گفت: چونکه سخن روزجه ات را شنیدی!!! و از آن خوردی که امر فرموده!!! گفتیم: از آن نخوری پس بسبب تو زمین ملعون شده!!! و تمام ایام عمرت از آن بارنج خواهی خورد!!! خار و خس نیز برایت خواهد رویانید!!! و سبزه های صحراء را خواهی خورد!!! و به عرق پیشانیات نان خواهی خورد!!! تا حینیکه بخاک راجع گردی! که از آن گرفته شدی زیرا که تو از خاک هستی!!! و به خاک خواهی برگشت!!! و آدم زن خود را حوا نام نهاد! زیرا که او مادر جمیع زندگان است!!! و خداوند! خدا! رختهای برای آدم و زنش از پوست بساخت و ایشان را بپوشانید!!! و خداوند! خدا! گفت: همانا انسان مثل یکی از ما شده است!!! که عارف نیک و بد گردیده! اینک مبدا دست خود را دراز کند!!! و از درخت حیات نیز گرفته بخورد! و تا بدزنده بماند!!! پس خداوند! خدا! او را از باغ عدن بیرون کرد! تا کارزمینی را که از آن گرفته شده بود بکند!!! پس خداوند! خدا! آدم را بیرون کرد!!! و بطرف شرقی باغ عدن کرّوبیان را مسکن داد!!! و شمشیر آتشباری را که به رسوگردش میکرد خلق نمود! تا از طریق درخت حیات را محافظت

کند!!! (از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمامی باب سوم)

و آدم زن خود حوا را بشناخت و او حامله شده قائن را زائید! و گفت: مردی از یهوه حاصل نمودم!!! و بار دیگر برادر او هابیل را زائید!!! و هابیل گله دار بود!!! قائن

کارکن زمین بود!!! و بعد از مروریام واقع شد!!! که قائن از محصول زمین برای خداوند آورد!!! و هابیل نیز از نخست زادگان گله خویش!!! و پیه آنها هدیه آورد!!! و خداوند هابیل و هدیه او را منظور داشت! اما قائن و هدیه او را منظور نداشت!!! پس خشم قائن بشدت افروخته شده!!! سر خود را بزیر افکند!!! آنگاه خداوند به قائن گفت: چرا خشمناک شدی؟! و چرا سر خود را بزیر افکندی؟؟؟؟!!! اگر نیکویی می کردی آیا قبول نمیشدی؟؟؟؟!!! و اگر نیکویی نکردی گناه برادر تو در کمین است!!! و اشتیاق تو را دارد!!! تو بروی مسلط میشوی!!! و قائن با برادر خود هابیل سخن گفت: و واقع شد چون در صحراء بودند!!! قائن بر برادر خود بر خاسته او را کشت!!! پس خداوند به قائن گفت: برادرت هابیل کجا است؟؟؟؟!!! گفت: نمیدانم مگر پاسبان برادرم هستم!!! گفت: چه کردی خون برادرت!!! از زمین نزد من فریاد برمی آورد؟؟؟؟!!! و اکنون تو ملعون هستی زمین دهان خود را باز کرد!!! تا خون برادرت تو را از دستت فروبرد!!! هرگاه کار زمین کنی همانا قوت خود را دیگر بتو نمیدهد!!! و پیریشان و آواره در جهان خواهی بود!!! قائن بخداوند گفت: عقوبتم از تحمل زیاد است!!! اینک مرا امروز بر روی زمین مطرود ساختی!!! و از روی تو پنهان خواهم بود!!! و پیریشان و آواره در جهان خواهم بود!!! و واقع میشود هر کسی مرا یابد خواهد کشت!!! آن زمان خداوند به وی گفت: پس هر کسی قائن را بکشد! هفت چندان انتقام گرفته بشود!!! و خداوند به قائن نشانی داد!!! که هر کسی او را یابد وی را نکشد! پس قائن از حضور خداوند بیرون رفت!!! و در زمین نود بطرف شرقی عدن ساکن شد!!! و قائن زوجه خود را شناخت پس حامله شد خنوخ را زانید!!! و شهر بناء میکرد!!! و آن شهر را به اسم پسر خود خنوخ نام نهاد!!! و برای خنوخ عیراد متولد شد!!! و عیراد مَحْوِیائیل را آورد!!! مَحْوِیائیل متوشائیل را آورد!!! لَمک دوزن برای خود گرفت!!! یکی را عاده نام بود!!! و دیگری را ظلّه! و عاده یابال را زانید! وی پدر خیمه نشینان!!! و صاحبان مواشی بود!!! و نام برادرش یوبال بود!!! وی پدر همه نوازندگان بربط و نی بود!!! و ظلّه تو بیل قائن را زانید!!! که صانع هر آلت مس و آهن بود!!! و خواهر یوبال قائن نَعْمَه بود!!! و لَمک بزنان خود گفت: ای عاده وظلّه قول مرا بشنوید! ای زنان لَمک سخن مرا گوش گیرید!!! زیرا که مردی را کشتم

بسبب جراحت خود! جوانی را بسبب ضرب خویش!!! اگر برای قائن هفت چندان انتقام گرفته بشود!!! هرآینه برای لَمک هفتاد چندان!!! پس آدم بار دیگر زن خود را شناخت و او پسری بزاد و او را شیث نام نهاد!!! زیرا که گفت: خدا تسلی دیگری بمن قرارداد!!! بعوض هابیل که قائن او را کشت!!! و برای شیث نیز پسری متولد شد!!! و او را انوش نامید!!! در آن وقت بخواندن اسم یهوه شروع کردند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمامی باب چهارم)

اینست کتاب پیدایش آدم؛ در روزیکه خدا آدم را آفرید بشبیه خدا! او را ساخت!!! و نرو ماده ایشان را آفرید!!! و ایشان را برکت داد!!! ایشان را آدم نام نهاد!!! در روز آفرینش ایشان!!! و آدم صدوسی سال بزیست!!! پس پسری بشبیه و بصورت خود آورد و او را شیث نامید!!! و ایام آدم بعد از آوردن شیث هشتصد سال بود!!! که!!! پسران و دختران آورد!!! پس تمام ایام آدم که زیست نهصد و سی سال بود که مُرد!!! و شیث صد و پنج سال بزیست و انوش را آورد!!! و شیث بعد از آوردن انوش هشت صد و هفت سال بزیست!!! پسران و دختران آورد!!! و جمله ایام شیث نهصد و دوازده سال بود که مُرد!!! و انوش نود سال بزیست و قینان را آورد!!! و انوش بعد از آوردن قینان هشتصد و پانزده سال زندگانی کرد!!! و پسران و دختران آورد!!! پس ایام انوش هفتصد و پنج سال بود که مُرد!!! و قینان هفتاد سال بزیست! مهلائیل را آورد!!! و قینان بعد از آوردن مهلائیل هشتصد و چهل سال زندگانی کرد!!! پسران و دختران آورد!!! و تمامی ایام قینان نهصد و ده سال بود! مُرد!!! مهلائیل شصت و پنج سال بزیست و یارد را آورد!!! و مهلائیل بعد از آوردن یارد هشتصد و سی سال زندگانی کرد!!! پسران و دختران آورد!!! پس همه ایام مهلائیل هشتصد و نود و پنج سال بود که مُرد!!! و یارد صد و شصت و دو سال بزیست و خنوخ را آورد!!! و یارد بعد از آوردن خنوخ هشتصد سال زندگانی کرد!!! و پسران و دختران آورد!!! و تمامی ایام یارد نهصد و شصت و دو سال بود که مُرد!!! و خنوخ شصت و پنج سال بزیست!!! و متوشالِح را آورد!!! و خنوخ بعد از آوردن متوشالِح سیصد سال باخداراه میرفت!!! و پسران و دختران آورد!!! و همه ایام خنوخ سیصد و شصت و پنج سال بود!!! و خنوخ با خدا راه میرفت و نایاب شد زیرا خدا او را برگرفت!!!

وَمَتَوْشَالِحِ صَدُوْهُشْتَادُوْهُفْتِ سَالِ بְزِيْسْت!!! وَاَلْمَكِ رَا اَوْرَد!!! وَاَمَتَوْشَالِحِ بَعْدَازِ
 اَوْرَدِنِ لَمَكِ هَفْتَصَدِ وَهَشْتَادِ وَدُوْسَالِ زَنْدِگَانِي كَرْد!!! وَاِپْسِرَانِ وَدَخْتِرَانِ اَوْرَد!!!
 پَسِ جَمْلَهٗ اَيَّامِ مَتَوْشَالِحِ نَهْصَدُوْشَصْتِ وَنَهٗ سَالِ بُوْدَكِهٗ مُرْد!!! وَاَلْمَكِ صَدُوْهُشْتَادِ
 وَدُوْسَالِ بְزِيْسْتِ وَاِپْسِرِي اَوْرَد! وَاوِي رَا نُوحِ نَامِ نِهَادَهٗ كَفْت: اَيْنِ مَارَاتْسَلِي خَوَاهَدِ
 دَاد!!! اَزَاَعْمَالِ مَا وَاَزْمَحْنَتِ دَسْتَهَائِ مَا!!! اَزْزَمِيْنِي كِهٗ خَدَاوَنْدَانِ رَا مَلْعُوْنَ كَرْد!!!
 وَاَلْمَكِ بَعْدَازِ اَوْرَدِ نُوحِ پَانَصْدِ نُوْدِ وَ پَنْجِ سَالِ زَنْدِگَانِي كَرْد!!! وَاِپْسِرَانِ وَدَخْتِرَانِ
 اَوْرَد!!! پَسِ تَمَامِ اَيَّامِ لَمَكِ هَفْتَصَدِ وَهَفْتَادِ سَالِ بُوْدِ كِهٗ مُرْد!!! وَاِ نُوْحِ پَانَصْدِ سَالَهٗ
 بُوْدِ پَسِ نُوحِ سَامِ وَحَامِ وَاِيَاْفْتِ رَا اَوْرَد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمامی باب پنجم)

وَوَاقِعِ شَدَكِهٗ چُونِ اَدْمِيَانِ شُرُوْعِ كَرْدَنْدِ بְزِيَادِشْدَنْ!!! بَرْرُوِي زَمِيْنِ!!! وَاِ دَخْتِرَانِ
 بَرَايِ اَيْشَانِ مَتَوْلَدِ كَرْدِيْدَنْدِ! پَسِرَانِ خَدَا! دَخْتِرَانِ اَدْمِيَانِ رَا دِيْدَنْد!!! كِهٗ نِيكُوْمَنْظَرَنْدِ
 وَازْهَرَكْدَامِ خَوَاسْتَنْد!!! زَنَانِ بَرَايِ خَوِيْشْتَنْ مِيْگَرَفْتَنْد!!! خَدَاوَنْدِ كَفْت: رُوْحِ مَنْ دَرِ
 اَنْسَانِ دَائِمًا دَاوَرِي نَخَوَاهَدِ كَرْد!!! زِيْرَاكِهٗ اَوْنِيْزِ بَشْرَاْسْت!!! لِيكِنْ اَيَّامِ وِي صَدُو
 بِيْسْتِ سَالِ خَوَاهَدِ بُوْد!!! وَاِ دَرَانِ اَيَّامِ مَرْدَانِ تَنْوَمَنْدِ دَرْرُوِي زَمِيْنِ بُوْدَنْد!!! وَاِ بَعْدِ
 اَزْهَنْگَامِيكِهٗ پَسِرَانِ خَدَا! بَرْدَخْتِرَانِ اَدْمِيَانِ دَرَاْمَدَنْدِ! اَنُهَابَرَايِ اَيْشَانِ اَوْلَادِ زَانِيْدَنْد!
 كِهٗ اَيْشَانِ جِبَّارَانِي بُوْدَنْد كِهٗ دَرْزَمَانِ سَلْفِ مَرْدَانِ نَامُوْرَشْدَنْد!!! وَاِ خَدَاوَنْدِ دِيْدِ كِهٗ
 شَرَارَتِ اَنْسَانِ دَرْزَمِيْنِ بَسِيَارَاْسْت!!! وَاِ هَرْتَصَوُّرَاَزْخِيَالِهَائِي دَلِ وِي دَائِمًا مَحْضِ
 شَرَارَتِ اَسْت!!! وَاِ خَدَاوَنْدِ پَشِيْمَانِ شَدِ كِهٗ اَنْسَانِ رَا بَرْزَمِيْنِ سَاخْتَهٗ بُوْد!!! وَاِ دَرْدَلِ
خود محزون گشت!!! وَاِ خَدَاوَنْدِ كَفْت: اَنْسَانِ رَا اَفْرِيْدَهٗ اَمِ اَزْ رُوِي زَمِيْنِ مَحْوِ سَازَمِ
 !!! اَنْسَانِ وَبِهَائِمِ وَحَشْرَاتِ وَ پَرَنْدِگَانِ هَوَا رَا!!! چُوْنَكِهٗ مَتَأْسَفِ شَدَمِ اَزْ سَاخْتَنْ
 اَيْشَانِ!!! اَمَّا نُوحِ دَرْ نَظَرِ خَدَاوَنْدِ اَلْتَفَاتِ يَافْتِ اَيْنِ اَسْتِ پِيْدَايِش!!! نُوحِ مَرْدِيْ عَادِلِ
 بُوْدِ وَدَرِ عَصْرِ خَوْذِ كَامِلِ!!! وَنُوْحِ بَا خَدَا رَا هٗ مِيْرَفْت!!! وَنُوْحِ سَهٗ پَسِرَاوْرَدِ وَسَامِ
وَ حَامِ وَاِيَاْفْت!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات سفر پیدایش باب ششم آیات از ۱ تا ۱۰)

نکاتی از مؤلف: از این آیات کتاب مقدس عهد عتیق! و از کتاب تورات تحریف شده فعلی!!! چنین استفاده میشود! که خداوند آدم را بصورت خدا! آفریده!!! پس در این صورت خداهم جسم و مانند آدم است!!! آدم هم بصورت خدا است!!! پس خداوند! خدا! کتاب مقدس عهد عتیق!!! و کتاب تورات فعلی! ماده و جسم میشود!!! زیرا که مانند آدم است!!! و پسران خداهم که زائیده شده وجود دارد!!! و جسم و انسان بودن خدارا ثابت میکند!!! خداوند این کتابها جسم است!!! و اماماتوانستیم بدانیم!!! که پسران را!!! خود خداوند زائیده است!!! و خداوند پسران خدارا!!! خود زائیده بود!!! که این زاد و ولد برای ما معلوم شده است!!! پسران را! خداوند خودش زائیده است زیرا که خداوند کتاب مقدس عهد عتیق! و خداوند کتاب تورات فعلی! خودش گفته است! پسران را من خودم زائیدم!!! انسانهایی که در این دنیازندگی میکنند!!! آیا از نژاد نسل خداوند هستند؟؟؟؟!! و یا از نژاد بشر هستند؟؟؟؟!! این مطلب نژادی هم برای ما روشن و معلوم نشده است!!! ولی این مسئله پیش میآید بشر امروز؟؟؟؟!! که هستند؟! هم از نژاد نسل خداوند هستند! و هم نژاد نسل بشر! برای اینکه اولاً خود خداوند مانند آدم بوده است!!! دوام پسران خداوند از نسل انسان!!! زن اختیار کرده اند!!! که برای پسران خدا!!! پسران و دختران زائیده اند!!! پس در این صورت انسان امروزی از دو نژاد تشکیل شده است!!! یکی از نژاد خداوند!!! و دیگری از نژاد انسان است!!! پس بشر امروز نوادگان و ذریه خداوند هستند!!! و بخاطر این بوده که خداوند از کارهایش پشیمان و متأسف شده است! و خداوند به آدم گفت: از این درخت نخورید! زیرا که خواهید مرد! و ما هم گفت: اگر از این درخت بخورید چشمان شما باز خواهد شد! در این مسئله حرف خدا دروغ از آب درآمد!!! و حرف ما راست شد! برای چه خداوند نمیدانست؟! و ما میدانست؟؟؟؟!! این همه تهمت! و اهانت! و دروغ برای الله خالق خلاق و رب العالمین جهان هستی؟؟؟؟!! و به انبیاء عظام و رسولان و پیام آوران الله و علام و علیم و منان او برای چیست؟؟؟؟!! و این همه ضد و نقیض های برای کتابهای انبیاء و تورات حقیقی موسی چیست؟؟؟؟!! این همه دروغ و تهمت و افتراء و گمراهی و کفر و شرک و الحادی یهودیت صهیون نیزم برای چیست؟؟؟؟!!

آدم: و خلقت آدم در کتاب تلمود (آئین یهود)

خداوند! خدا! آدم را از خاک زمین بسرشت آفرید!!! (از کتاب تلمود ص ۱۰۷)

انسان عزیز است!!! زیرا که بصورت خدا آفریده شده است!!! محبت بیشتری که نسبت به او شده این است! که بخود او نیز معلوم گشته است!!! که بصورت خدا خلق شده است! زیرا که گفته شده است! چونکه خداوند انسان را! بصورت خود ساخته است!!! (از کتاب تلمود ص ۴۷)

او پدري است بخشنده و مهربان! که خانواده زمینی خود را دوست دارد! و خواستار خوشبختی و سعادت ایشان است! اگرچه او بخاطر عظمت بی پایان! و کمال مطلقش بالضرورة از مخلوقات خود جدا و دور است! مع هذا یک رابطه محکم و مطمئن بین وی و آفریدگانش همواره برقرار است! زیرا که او انسان را بصورت خود آفریده است!!! این عقیده و اصل بینهایت فهم بشر را از سایر موجودات!!! زنده ممتاز ساخته!!! و انسانیت را بسوی الوهیت بالا میبرد!!! هر چند که حد فاصل بین خداوند!!! انسان هرگز از میان برداشته نخواهد شد!!! (از کتاب تلمود ص ۵۱)

این اصل که انسان شبیه خدا آفریده شده است!!! اساس تعلیمات دانشمندان یهود درباره وجود انسانی است!!! از این لحاظ بر همه مخلوقات جهان فضیلت دارد!!! و خود نشان میدهد!!! عالی ترین نقطه در کار آفرینش است!!! انسان محبوب است! زیرا که در شبیه خدا آفریده شده است!!! محبت بیشتری این بود که بخود او اطلاع داده شد!!! که شبیه خدا آفریده شده است!!! زیرا که خدا انسان را بصورت خود ساخته است! و توهین و بی حرمتی بیک انسان! در واقع توهین و بی حرمتی بخداوند است!

(از کتاب تلمود ص ۸۷ ص ۹۷ ص ۱۱۷ ص ۲۳۳ ص ۲۶۰ ص ۳۳۳ ص ۳۹۰)

بند دوم: خلقت آدم در کتاب مقدس عهد جدید! اناجیل! دین مسیحیت

بهمین نهج است نیز در قیامت مردگان! در فساد کاشته میشود! و در بی فسادی برمی خیزد! در ذلت کاشته میگردد! و در جلال برمیخیزد! در ضعف کاشته میشود! و در قوت برمیخیزد! جسم نفسانی کاشته میشود! و جسم روحانی برمیخیزد! اگر جسم نفسانی هست! هر آینه روحانی نیز هست! و همچنین نیز مکتوب است که **انسان اول یعنی آدم نفس زنده گشت! اما آدم آخر روح حیات بخش شد!!! لیکن روحانی مقدم نبود بلکه نفسانی!!! و بعد از آن روحانی!!! انسان اول از زمین است خاکی!!! انسان دوم خداوند است از آسمان! چنانکه خاکیان نیز چنان هستند! و چنانکه آسمانی است!!! آسمانیها همچنان میباشند!!! و چنانکه صورت خاکی را گرفتیم! صورت آسمانی را نیز خواهیم گرفت! لیکن ای برادران این را میگویم: که گوشت و خون نمیتواند وارث ملکوت خدا شود! و ارث بی فسادی نیز نمیشود! همانا بشما سرّی میگویم: که همه نخواهیم خوابید! لیکن همه مبدل خواهیم شد! در لحظه در طرفه العین بمجرد نواختن صور راخیر! زیرا که کرنا صد خواهد داد! و مردگان بی فساد خواهند برخاست و مامتبدل خواهیم شد!!! (از کتاب مقدس عهد جدید؛ و از رساله اول پولس رسول بقرنتیان باب پانزدهم آیات از ۲ تا ۵۳)**

خدائیکه جهان و آنچه در آنست آفرید!!! چونکه او مالک آسمان و زمین است!!! در هیكل های ساخته شده بدستها ساکن نمیشد!!! و از دست مردم خدمت کرده نمی شود! که گویا محتاج چیزی باشد! بلکه خود به همگان حیات و نفس و جمیع چیزها را میبخشد! و هرامت انسان را از یک خون ساخت!!! تا بر تمامی روی زمین مسکن گیرند! و زمانهای معین! و حدود مسکن های ایشان را مقدر فرمود! تا خدا را طلب کند! که شاید او را تفحص کرده بیابند! با آنکه از هیچ یکی از ما دور نیست! زیرا که در او زندگی و حرکت و وجود داریم!!! چنانکه بعضی از شعرا ی شمانیز گفته اند که از نسل او میباشیم! پس چون از نسل خدایم باشیم! شاید گمان برد که الوهیت شباهت دارد!!! بطلایا نقره یا سنگ منقوش بصنعت یا مهارت انسان!!! پس خدا از زمانهای جهان چشم پوشیده! الآن تمام خلق را در هر جا حکم میفرماید توبه کنند!!!

(کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اعمال رسولان باب هفدهم آیات از ۲۶ تا ۳۱)

خدا؛ و پدر را به آن متبارک می‌خواهیم! و بهمان مردمانی را که بصورت خدا آفریده اند!
لعن میکنیم!!! (از کتاب مقدس عهد جدید رساله یعقوب باب سوم آیه ۹)
 نکاتی از مؤلف: بنا بر نوشته این آیات کتاب مقدس عهد جدید! **اناجیل!!!** خداوندانسان
 است! و هم خداوندانسان نیست! که از متن خود کتاب نوشته ایم! **خدایان هشت گانه**
 را از متن کتاب مقدس عهد جدید! **اناجیل!!!** نگارش کردیم و خوانده اید!!!

مطالب خیلی بسیار مهم از انجیل لوقا باب سوم

و خود عیسی وقتیکه شروع کرد قریب بسی ساله بود* و بر حسب گمان خلق پسر
 یوسف* بن هالی* بن متاب* بن لاوی* بن ملک* بن یثا* بن یوسف* بن متا* بن
 آموس* بن ناحوم* بن حسلی* بن نحی* بن مات* بن متاتیا* بن شمعی* بن یوسف
 * بن یهودا* بن یوحنا* بن ريسا* بن زروبابل* بن سالتیئیل* بن نیرری* بن ملک
 * بن ادی* بن قوسام* بن المودام* بن عیر* بن یوسی* بن ایلعادر* بن یوریم* بن
 متات* بن لاوی* بن شمعون* بن یهودا* بن یوسف* بن یونان* بن ایلیا قیم* بن ملیا
 * بن مینان* بن ناتان* بن داود* بن یسی* بن عبید* بن بو عز* بن شلمون* بن نحشون
 * بن عمیناداب* بن آرام* بن حصرون* **بن فارص بن یهودا*** بن یعقوب* بن اسحق
 * بن ابراهیم* بن تارح* بن ناحور* بن سروج* بن رعوبن* بن فالج* بن عابر* بن
 صالح* بن قینان* بن آرفکشاد* بن سام* بن نوح* بن لامک* بن متوشالچ* بن خنوخ
 * بن یارد* بن مهلائیل* بن قینان* بن آنوش* بن شیث* بن آدم* بن الله***

نکاتی از مؤلف: بنا بر نوشته انجیل لوقا! آدم ابن الله است!!! آیا الله ابن کیست؟؟؟؟!!!
 و در اناجیل نوشته است که!!! عیسی خداوند است!!! اگر عیسی خداوند باشد؟؟؟؟!!!
 فرزند مریم بوده است! و مریم شوهری نداشت که! بگوییم: شوهر مریم فلان کسی
 و یا الله بوده است؟؟؟؟!!! و اگر شوهر مریم خداوند بوده باشد؟؟؟؟!!! در آن وقت می‌گفتیم:
 که پدر عیسی و شوهر مریم خداوند بوده است!!! پس عیسی از نسل خداوند است! که
 خداوندی را از پدرش خداوند ارث برده است!!! زیرا که خداوند مرده!!! و خداوندی
 !پسرش عیسی میراث مانده است!!! عیسی بعد از پدرش الله! الله شده است!!!
 بگفته انجیل لوقا! اگر آدم ابن الله بوده باشد؟؟؟؟!!! پس در این صورت آدم ابن عیسی
 است!!! زیرا که عیسی بن مریم را! در کتاب مقدس عهد جدید اناجیل! الله نوشته اند

و میدانند!!! عیسی که زنی نداشته است؟! که فرزندی بزاید؟؟؟! چه کسی آدم را زائیده است؟؟؟! ناچار باید بگوییم: که آدم را عیسی خودش زائیده بود؟؟؟! زیرا که عیسی خداوند بوده است!!! و زنی هم نداشت که آدم را بزاید؟؟؟! و در حالیکه مریم دختر عمران باکره بوده است! و شوهری هم نداشته که از او باردار بشود!!! پس در این صورت بنا بنوشته قرآن وحی منزل الله علام و علیم ورب العالمین!!! عیسی! مانند آدم! از روح و فرمان و امر و دستور خداوند خالق خلاق تمامی کاینات!!! و جهان موجود خلق شده است!!! یعنی پدر عیسی ابن مریم مقدس خانم عالمین؛ امر و فرمان و روح و دستور؛ الله جهان هستی بوده است و بس!!! یعنی پدر عیسی ابن مریم مقدس خانم عالمین امر و فرمان و روح؛ الله بوده است!!! نه خود الله!!! و در اناجیل! تنها عیسی خداوند نیست! و در اناجیل هشت خداوند وجود دارد! که جایها یش را دقیقاً نوشته ایم و خوانده اید! شاید آدم فرزند! خداوندان دیگر بوده باشد!!! مؤلف: به آن کفر و شرک و کذب و گمراهی! که ضد انجیل عیسی است علم ندارد!!!

بند سوّم: خلقت آدم در قرآن کریم؛ کتاب آسمانی وحی منزل؛ از الله علام

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الله فرمود: ای محمد؛ وقتیکه صاحب اختیار کلّ تو! به فرشتگان گفت: بدرستی که در زمین خلیفه قرار خواهیم داد! گفتند: آید از زمین خلیفه قرار خواهی داد؟! که در زمین فساد کند؟! و خونریزی نماید؟؟؟! و حال آنکه ما برای تو ستایش و حمد و ثنای میگوییم: و تو را مقدس میدانیم! خداوند گفت: آنچه را که من میدانم که شما میدانید!

(از قرآن کریم و از سوره البقره آیه ۳۰)

الله فرمود: ای محمد؛ هنگامیکه صاحب اختیار کلّ تو! به فرشتگان گفت: که من

آفریننده بشری! هستم که از گل میباشد!!! (از قرآن کریم و از سوره ص آیه ۷۱)

الله فرمود: حقیقت این است! پیش از این با آدم پیمانی و قراری گذاشتم که فراموش کرد! او را شکیبیا! و صبور نیافتم! و آنگاه به فرشتگان گفتم: که برای آدم سجده کنید! همه سجده کردند! جز ابلیس که از سجده کردن خودداری کرد! پس گفتیم: ای آدم بدرستی که این ابلیس برای تو! و هم برزن تو دشمن است!!! پس مواظب باشید که

شمار از بهشت خارج نکند! که بزحمت و مشقت خواهید افتاد!!! برای تو زندگی در بهشت مقرر شده! که نه گرسنه میشوی و نه برهنه! تو در آن نه تشنه میشوی و نه در آفتاب میمانی!!! پس شیطان آدم را وسوسه کرد و فریب داد! گفت: ای آدم آیاتورا؟! راهنمایی بکنم؟! بدرختی که جاویدان میکند؟! که همیشه پادشاه شوی و کهنه و پیرنشوی؟! پس از آن درخت خوردند پس لباسهایشان ریخته شد! و عورت هایشان آشکار شده! و شروع کردند به چسبانیدن برای عورت های خودشان از برگ درختان بهشت را! و آدم به خداوند صاحب اختیار کلّ خودنافرمانی کرد! پس گمراه شده!!! سپس خداوند صاحب اختیار گلش! توبه او را قبول فرمود! و او را هدایت فرمود برای پیام آوری برگزید! الله گفت: همگی از آنجا پابین بروید و دشمنان یکدیگر خواهید شد! پس اگر چه از جانب من برای شما راهنمایی آمد! و هر کسی از آن راهنمایی و هدایت متابعت و پیروی کند!!! نه گمراه میشود و نه بدبخت میباشد!!!

(از قرآن کریم و از سوره طه آیات از ۱۵ تا ۱۲۲)

الله فرمود: ای محمد! و هنگامیکه الله صاحب اختیار کلّ تو! به فرشتگان گفت: من در زمین خلیفه می آفرینم گفتند: آیا کسی را می آفرینی که در آنجا فساد کند؟! و خونها بریزد؟! و حال آنکه ما بستایش تو تسبیح میگویم: و تو را تقدیس میکنیم! الله گفت: من آن را میدانم که شما تمیدانید! و الله تمامی اسمها را به آدم آموخت و یاد داد!!! سپس آن اسمها را بر فرشتگان عرضه و نشان داد! گفت: اگر راست میگویند: مرا به اسمهای ایشان خبر دهید؟! گفتند: تو پاک و پاکیزه و منزّه هستی!!! آنچه را با ما موختی جز آن علمی نداریم فقط دانا و حکیم تو هستی! الله گفت: ای آدم برای ایشان نامها را خبر بده! و وقتی که آدم ایشان را بنامهای آنان خبر داد! خداوند فرمود: آیا نگفتم: آنچه را که من میدانم نمیدانید؟! و من غیب و پنهانی آسمانها و زمین را میدانم! و آنچه را آشکار و پنهان نمائید میدانم! خداوند گفت: هنگامیکه به ملائکه گفتم: برای آدم سجده کنید! پس همه سجده کردند! جز ابلیس! و او از سجده کردن خودداری و تکبر کرد! زیرا که او از گروه کافران بود!!! گفتیم: ای آدم تو با زنت در بهشت ساکن باش از همه میوه و طعام های آن بخورید و بخوشی و فراوانی و آنچه میخواهید بخورید!!! اما به این درخت نزدیک نشوید! زیرا که از ستمگران میشوید!!! شیطان ایشان را فریب داد بلغزش افکند! و آن دور از بهشت خارج کرد!!! و بیرون شان نمود!!! و گفتیم: فرود

آئیدبه پایین رویدکه برخی از شما دشمن برخی دیگر خواهید شد!!! و برای شما در زمین تا روز قیامت جایگاهی و قرارگاهی و بهره مندی است!!! پس آدم از الله صاحب اختیار کل خودش! کلمات آموخت و دریافت کرد!!! که سبب پذیرش توبه و پشیمانی او گردید!!! زیرا که خداوند توبه را با مهربانی قبول میفرماید: همه شما از بهشت فرود آئید و پایین بروید! پس وقتیکه از طرف من هدایتی برای شما آمد!!! و هر کسی که از هدایت من پیروی کرد!!! برای آنها نه غم و غصه وجود دارد! و آنانیکه کافر شدند و آیات مرا تکذیب کردند!!! آنها اهل آتش هستند و در آنجا همیشگی و جاویدان میباشند!!! (از قرآن کریم و از سوره البقره آیات ۳۰ تا ۳۸)

مثل عیسی در نزد خداوند!!! چون مثل آدم است!!! که او را از خاک بیافرید و به او گفت: موجود شو! پس موجود شده!!! (از قرآن کریم و از سوره آل عمران آیه ۵۹)

الله فرمود: ای فرزندان آدم مواظب باشید که شیطان شمار افریب ندهد!!! چنانکه پدر و مادر شمار از بهشت خارج کرد!!! و از ایشان رخت های ایشان را از تنشان کند! تا عورت های ایشان آشکار شد!!! بدرستیکه شیطان و قبيله او شما را میبینند!!! از آنجائیکه شما آنها را نمی بینید!!! بدرستیکه آن کسانی که ایمان نیاوردند!!! شیاطین را برای ایشان دوستان و یاوران قرار دادیم!!! (از قرآن کریم و از سوره الاعراف آیه ۲۷)

الله فرمود: بدرستیکه خداوند برگزید! آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان!!! فرزندان او را بر خیشان از برخی برتری فرمود: و خداوند شنوا و دانا است!!! (از قرآن کریم و از سوره آل عمران آیات ۳۳ و ۳۴)

الله فرمود: ای محمد! و بخوان برای ایشان خبر دو پسر آدم را!!! که حقیقت دارد!!! وقتیکه قربانی کردند! که قربانی یکیشان پذیرفته شد! و دیگری پذیرفته نشد! گفت: بدون شک تو را خواهم کشت! گفت: این است جزاین نیست! که خداوند عمل خوب را از پرهیزکاران میپذیرد! اگر تو دوستت را بسوی من بگشائی که مرا بکشی! من دستم را بسوی تو نمیگشایم! بدرستیکه من از خداوند صاحب اختیار کل جهانیان میترسم! بدرستیکه من میخواهم بگناه من و بگناه خود بازگردی! پس از اهل آتش بشوی و آن پاداش ستمکاران است! پس برای او نفسش کشتن برادرش را آسان گردانید!!! پس او را کشت از زیانکاران گردید!!! پس خداوند کلاخی را برانگیزانید که در زمین کاوش میکرد!!! تا بنماید او را که چگونه جسد برادرش را بپوشاند!!! گفت:

ای وای بر من آیا عاجز شدم که مانند این کلاغ باشم! پس بیوشانم جسد برادرم را پس از آن پشیمان گردید! این از برای آنست که برای بنی اسرائیل نوشتیم که هر کسی که نفسی را بکشت!!! بدون آنکه او نفسی را کشته!! یا در زمین فساد کرده باشد!!! پس گویا اینکه همه مردم را کشته است!!! و هر کسی که زنده گرداند کسی را!!! گویا که همه مردم را زنده کرده است!!! و حقیقت این است که رسولان مابا معجزات برای ایشان آمد!!! پس بدرستی که بسیاری از ایشان! پس از آن در زمین اسراف کنندگان شده اند!!! (از قرآن کریم و از سوره المائده آیات از ۲۷ تا ۳۲)

نکاتی از مؤلف: خداوند خالق خلاق اولین بار انسان را از خاک! انسان آفرید؛ خلق کرد!!! که آدم و حوا میباشند!!! همه انسانها از نطفه آن دو بوجود آمدند! و تولد یافته اند! انسانهای اولین و انسانهای امروزی تا آخر!!! انسان زاده بودند و هستند! که اندام و شکل بشر هیچ گونه تغییر نیافته است که انسان زاده بودند و هستند!!! میمون! میمون زاده! و پرنده! پرنده زاده! و شیر! شیر زاده بودند و هستند! که همه موجودات را اولین بار خداوند خالق خلاق خلق کرده که بوسیله نطفه تولد یافته اند! و به وجود آمده اند! و پراکنده شده اند! خداوند اولین بار پرنده را خلق کرده! تخم از مرغ بوجود آمده است! و بس! و جز این نظریه خلقت الله خالق خلاق! همه نظریه های بشری دیگر باطل و بی اعتبار میباشد!!! و هر کسی یک آدم بیگناه را بکشت مثل اینکه تمامی مردم جهان را کشته است!!! زیرا که عدالت و قانون الله خالق جهان هستی رب العالمین را زیر پا گذاشته است! برای اینکه بنده خداوند را بناحق کشته است! و بجهنم رفتن او کافی است!!! و هر کسی که یک آدم بیگناه را از مرگ نجات داده باشد!!! مثل اینکه تمامی مردم جهان را!!! از مرگ نجات داده است!!! زیرا که عدالت الله خالق جهان هستی را به عمل آورده است! که عدالت الهی را به عمل آورده است!!! که عدالت الهی را زنده و پایبر جا کرده است! و راه انسانیت را هموار نموده!!! خودش را برحمت الهی بیمه کرده است! آن وقت است که روی زمین برای انسانیت بهشت خواهد شد! که تمام پیام آوران و رسولان و انبیاء عظام را برای معرفت این عدالت فرستاده شده اند که انسان و انسانیت را به راه خداوند رحمان هدایت بکنند!!!

خداوند فرمود: بدرستی که تمامی پیام آوران و رسولان را با آیات و معجزات و با کتاب و میزان عدالت فرستادیم! تا مردم را بعدل و عدالت قیام بنمایند! و برپا بدارانند!!!
(از قرآن کریم و از سوره الحديد آیه ۲۵)

خداوند فرمود: آهای آن کسانی که ایمان آورده اید! فرمانروایان بعدالت باشید!!! و شهادت را برای خداوند بدهید! و اگر چه بضرر خود هایتان یا پدر و مادر و خویشاوندان خودتان باشد! و اگر توانگریا فقیر باشد! شهادت را برای خداوند بدهید و برپا دارید!!! پس خداوند سزاوارتر به آن دواست! از هوای نفس خودتان پیروی نکنید!!! و اگر زبانتان را بیچنانید و یا اغراض کنید!!! بدرستی که به آنچه عمل میکنید الله باخبر و آگاه است!!!
(از قرآن کریم و از سوره النساء آیه ۱۳۵)

الله فرمود: آهای آن کسانی که ایمان آورده اید! شهادت و بعدالت الله فرمانروایان باشید! از روی عدالت گواهی بدهید! مبادا که دشمنی با قومی شمارا مجبور بکند! که عدالت را نکنید!!! پس عدالت کنید! که عدالت به پرهیزکاری نزدیکتر است! و از الله بترسید! بدرستی که به آنچه عمل میکنید! الله باخبر و آگاه است!!!
(از قرآن کریم و از سوره المائده آیه ۸)

الله فرمود: آهای مردم جهان! بدرستی که ما شمارا از یک مردوزن آفریده ایم! و شما را طایفه ها و قبیله ها قرار دادیم! تا یکدیگر را بشناسید و آشنا بشوید! گرامی ترین شما در نزد الله با تقواترین و پرهیزکارترین شماست! الله به همه چیز دان و آگاه است!
(از قرآن کریم و از سوره الحجرات آیه ۱۳)

نکاتی از مؤلف: الله قرآن کریم وحی منزل؛ خالق؛ خلاق؛ رب العالمین جهان هستی میباشد! که جسم و ماده و مخلوق و انسان نیست! و مانند مثل و شبیه ندارد!!! ازلی و ابدی است! نه زائیده شده و نه میزاید! و فرزند کسی نیست؛ و فرزندى ندارد! و شبیه و مثل الله علام فقط ذات اقدس او میباشد! ولی و شریکی و زنی ندارد! جسم و مذکر و مؤنث نیست! و احد و یکتا و تنها و تکتا و تک میباشد! و در همه جا حاضر و ناظر است! به همه چیز و همه جا دان و آگاه و خبیر میباشد! و به تمامی خلقت و هستی کاینات و جهان و جهانیان تسلط و توانائی و قدرت و فرمانروائی دارد! و بیماری و بی حالی و ضعف و سستی و نسیان و فراموشی و مرگ و نیستی به ذات اقدس و پاک و منزّه الله؛ خالق و خلاق و رب العالمین جهان هستی راه نفوذ ندارد و نیست!!!

فصل سوّم

تطبیق پیدایش و زندگی نوح در ادیان

سه گانه یعنی یهودیت و مسیحیت و اسلام

بنداول: خلقت نوح از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی

امّا نوح در نظر خداوند التّفات یافت!!! این است پیدایش نوح! نوح مرد عادل بود در عصر خود کامل!!! و نوح با خدای راه میرفت!!! و نوح سه پسر آورد سام و حام و یافت!!! و زمین نیز بنظر خدا فاسد گردیده!!! و زمین از ظلم پر شده بود!!! و خداوند زمین را دید که اینک فاسد شده است!!! زیرا که تمامی بشر راه خود را!!! بر زمین فاسد کرده بودند!!! و خدای نوح گفت: انتهای تمامی بشر بحضور رسیده است!!! زیرا که زمین بسبب ایشان پر از ظلم و ستم شده است!!! و اینک من ایشان را با زمین هلاک خواهم کرد!!! پس برای خود کشتی از چوب کوفربساز!!! و حجرات در کشتی بنام کن و درون و بیرونش را به قیر ببند!!! و آن را بدین ترکیب بساز!!! که طول کشتی سیصد ذراع باشد!!! و عرضش پنجاه ذراع!!! و ارتفاع آن سی ذراع!!! و روشنی برای کشتی بساز!!! و آن را بذراع از بالا تمام کن! و در کشتی را در جنب آن بگذار!!! و طبقات تحتانی و وسطی و فوقانی بساز!!! زیرا که اینک من طوفان آب را!!! بر زمین می آورم!!! تا هر ذی جسدی را که روح حیات در آن باشد!!! از زیر آسمان هلاک بگردانم!!! و هر چه بر زمین است خواهد مرد!!! لکن عهد خود را با تو استوار میسازم و بکشتی در خواهی آمد!!! تو و پسرانت و زوجه ات!!! و ازواج پسرانت با تو!!! و از جمیع حیوانات از هر ذی جسدی جفتی!!! از همه بکشتی در خواهی آورد!!! تا با خویشتن زنده نگاه داری نروماده باشند! از پرندگان باجناس آنها! و از بهایم باجناس آنها!!! و از همه حشرات زمین باجناس آنها! دو تو در آیند!!! تا زنده نگاه داری!!! از آذوقه که خورده میشود بگیری و نزد خود ذخیره بنما!!! تا برای تو و آنها خوراک باشد! پس نوح چنین کرد!!! و بهره خداوند او را فرموده: بود

عمل نمود!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش بقاب ششم)

و خداوند بنوح گفت: تو و تمامی اهل خانه ات بکشتی در آید!!! زیرا که تور در این عصر به حضور خود عادل دیدم!!! و از همه بهایم پاک هفت هفت نر و ماده با خود بگیر!!! و از همه بهایم ناپاک دو؛ و نروماده!!! و از پرندگان آسمانی نیز هفت هفت نروماده را نسلی بر روی تمام زمین نگاه داری!!! زیرا که من بعد از روز دیگر چهل روز و چهل شب باران می بارانم!!! و هر موجودی را که ساخته ام!!! از روی

زمین محومیسازم!!! پس نوح آنچه خداوند او را امر فرموده بود: عمل نمود!!! نوح ششصدساله بود!!! چون طوفان بر زمین آمده!!! و نوح و پسرانش و زنش و زنان پسرانش با وی طوفان آب بکشتی درآمدند!!! از بهایم پاک و بهایم نا پاک!!! و از پرندگان و از همه حشرات زمین!!! دود و نرو ماده نزد نوح بکشتی درآمدند!!! چنان که خدا نوح را امر کرده بود!!! و واقع شد بعد از هفت روز که آب طوفان بر زمین آمد!!! و در سال ششصد از زندگانی نوح در روز هفتم از ماه دوم!!! در همان روز جمیع چشمه های لجه عظیم شکافته شد و روزنه های آسمان گشوده!!! و باران چهل روز و چهل شب بر روی زمین میبارید!!! در همان روز نوح و پسرانش سام و حام و یافت!!! و زوجه و سه زوجه پسرانش با ایشان!!! و همه حیوانات باجناس آنها!!! و همه بهایم باجناس آنها!!! و همه حشراتی که بر زمین میخزند باجناس آنها!!! و همه مرغان و همه بالداران!!! دود و از هر ذی جسدی! که روح حیات دارد نزد نوح بکشتی درآمدند!!! و آنهایی که آمدند نر و ماده از هر ذی جسد آمدند!!! چنانکه خدا وی را امر فرموده بود!!! و خداوند در را از عقب اوبست! و طوفان چهل روز بر زمین می آمد!!! و آب همی افزود و کشتی را برداشت که از زمین بلند شد!!! و آب غلبه یافت بر زمین همی افزود و کشتی بر سطح آب می رفت!!! و آب بر زمین زیاد و زیاد غلبه یافت!!! تا آنکه همه کوههای بلند که زیر تمامی!!! آسمانها بود مستور شد!!! پانزده ذراع بالا تر آب غلبه یافت و کوهها مستور گردید! و هر ذی جسدی که بر زمین حرکت میکرد! از پرندگان و بهایم و حیوانات!!! و کل حشرات خزنده بر زمین!!! و جمیع آدمیان مُردند!!! هر آدمی که روح در بینی او بود! از هر که در خشکی بود مُرد! و خدا محو کرد! هر موجودی ذی راکه بر روی زمین بود! از آدمان و بهایم و حشرات و پرندگان آسمان! پس از زمین محو شدند! و نوح با آنچه همراه وی در کشتی بودند فقط باقی مانده! و آب بر زمین صد و پنجاه روز غلبه مییافت!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی سفر پیدایش تمامی باب هفتم)

و خداوند نوح را و همه حیوانات و همه بهایمی راکه با وی بودند!!! در کشتی بیاد آورد! و خدا بادی بر زمین و رزانید و آب ساکن گردید!!! و چشمه های لجه و روزنه های آسمان بسته شد؛ و باران از آسمان باز ایستاد!!! و آب رفته رفته از روی زمین

برگشت!!! بعد از انقضای صد و پنجاه روز آب کم شد!!! و روز هفدهم از ماه هفتم کشتی برکوههای آرات قرار گرفت!!! و تا ماه دهم آب رفته رفته کمتر میشد!!! و در روز اول از ماه دهم!!! قلّه های کوهها ظاهر گردید! واقع شد بعد از چهل روز که!!! نوح دریچه کشتی را که ساخته بود باز کرد!!! و زاغ رارها کرد او بیرون رفته در ترددمی بود!!! تا از زمین خشک شد!!! پس کبوتر را از نزد خود رها کرد! و تابیند که آیا از روی زمین آب کم شده است!!! اما کبوتر نسیبی برای کف پای خود نیافت!!! زیرا که آب در زمین بود!!! نزد وی بکشتی برگشت پس دست خود را دراز کرد!!! و آن را گرفته نزد خود بکشتی در آورد!!! و هفت روز دیگر نیز درنگ کرده باز کبوتر رارها کرد!!! و در وقت عصر کبوتر نزد وی برگشت!!! و اینک برگ زیتون تازه در منقار وی بوده است!!! پس نوح دانست که آب از روی زمین!!! کم شده است!!! و هفت روز دیگر نیز توقف نموده کبوتر رارها کرد!!! و او دیگر نزد وی برگشت!!! و در سال ششصد و یکم در روز اول از ماه اول!!! آب از روی زمین خشک شد!!! پس نوح پوشش را برداشته نگریست!!! و اینک روی زمین خشک بود!!! و در روز بیست و هفتم از ماه دوم زمین خشک شده! آنگاه خدا او را مخاطب ساخته گفت: از کشتی بیرون شو!!! تو و زوجه ات و پسرانت و ازواج پسرانت با تو!!! و همه حیوانات را که نزد خود داری هر ذی جسدی را از پرندگان و بهایم!!! و کلّ حشرات خزنده بر زمین با خود بیرون آور!!! تا بر زمین منتشر شده! در جهان بارور و کثیر شوند!!! پس نوح و پسران او و زنانش!!! و زنان پسرانش با وی بیرون آمدند!!! و همه حیوانات و همه حشرات و همه پرندگان!!! و هر چه بر زمین حرکت میکند!!! با جناس آنها از کشتی بدر شدند! و نوح مذبحی برای خداوند بنا کرد!!! و از هر بهیمه پاک و از هر پرنده پاک گرفته قربانیهای سوختنی بر مذبح گذرانید!!! و خداوند بوی خوش را بونید!!! خداوند در دل خود گفت: بعد از این دیگر زمین را بسبب انسان لعنت نمیکنم زیرا که خیال دل انسان از طفولیت بد است!!! باز همه حیوانات را هلاک نمیکنم چنانکه کردم!!! مادامیکه جهان باقیست زرع و حصاد و سرماوز مستان و تابستان و روز و شب موقوف نخواهد شد!!!

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمامی باب هشتم)

خداوند! نوح!!! پسرانش را برکت داد و بدیشان گفت: بارور و کثیر شوید!!! زمین را
 پرسیازید!!! و خوف شما و هیبت بر همه حیوانات زمین!!! بر همه پرندگان آسمان
 و بر هر چه بر زمین میخزند!!! و بر همه ماهیان دریا خواهد بود!!! بدست شما تسلیم
 شده اند!!! و هر جنبنده زندگی دارد برای شما طعام باشد!!! همه را چون علف سبز
 بشماداده ام!!! مگر گوشت را با جانش که خون او باشد مخورید!!! و هر آینه انتقام
 خون شما را! برای جان شما خواهم گرفت! از دست هر حیوان آن را خواهم گرفت
 !!! و از دست انسان انتقام جان انسان را!!! از دست برادرش خواهم گرفت!!! هر
 کسی خون انسان را بریزد خون وی بدست انسان ریخته میشود!!! زیرا که خدا
 انسان را بصورت خود ساخته!!! و شما بارور و کثیر بشوید و در زمین منتشر شده
 در آن بیفزائید!!! و خداوند! نوح و پسرانش را با وی خطاب کرده!!! گفت: اینک من
 عهد خود را با شما و بعد از شما با ذریت استوار میسازم!!! و با همه جانورانی که با
 شما باشند!!! از پرندگان و بهایم و همه حیوانات!!! زمین با هر چه از کشتی
 بیرون آمد!!! حتی جمیع حیوانات زمین عهد خود را با شما استوار میگردانم!!! که
 بار دیگر هر ذی جسدی از آب طوفان هلاک نمیشود!!! و طوفان بعد از این نمیباشد
 تا زمین را خراب کند!!! و خدا گفت: این است نشان عهدی که من میبندم در میان
 خود شما!!! و همه جانورانی که با شما باشند!!! نسل بعد نسل تا به ابد!!! قوس
 خود را در ابر میگذارم!!! و نشان آن عهدی که در میان من و جهان است خواهد
 بود!!! و هنگامیکه ابر را بالای زمین بگسترانم! و قوس در ابر ظاهر بشود! آنگاه
 عهد خود را که در میان من و شما!!! و همه جانوران ذی جسد میباید آید! آورد!!!
 و آب طوفان دیگر نخواهد بود!!! تا هر ذی جسدی را هلاک نکند!!! و قوس در ابر
 خواهد بود!!! و آن خواهد بود!!! و آن را خواهم نگریست تا بیاید آورم!!! آن عهد
 جاودانی را که در میان خدا و همه جانوران است!!! از هر ذی جسدی که بر زمین
 است!!! و خدا بنوح گفت: این است نشان عهدی که استوار ساختم در میان خود!!!
 هر ذی جسدیکه بر زمین است!!! و پسران نوح که از کشتی بیرون آمدند!!! سام
 و حام و یافت بودند!!! و حام پدر کنعان است!!! اینانند سه پسر نوح!!! و از ایشان
 تمامی جهان منشعب شد!!! و نوح بفلاحه زمین شروع کرد!!! و تاکستانی غرس
 نمود!!! و شراب نوشید مست شد!!! و در خیمه خود عریان گردید!!! و حام پدر کنعان

برهنگی پدر خود را دید!!! و دو برادر خود را در بیرون خبر داد!!! و سام و یافث را ی اورا گرفت!!! برکتف خود را و انداختند!!! و پس!!! پس رفته برهنگی پدر خود را پوشا نیدند!!! و روی ایشان باز پس بود!!! که برهنگی پدر خود را ندیدند! و نوح از مستی خود بهوش آمده!!! دریافت که پسر کهترش با وی چه کرده بود!!! پس گفت: کنعان ملعون باد!!! برادران خود را بندگان بوده باشد!!! و گفت: متبارک بادیهوه خدای سام و کنعان بنده او باشد!!! خدایافت را وسعت بدهد!!! و درخیمه های سام ساکن بشود! و کنعان بنده او باشد! و نوح بعد از طوفان سیصد و پنجاه سال زندگانی کرد!!! پس جمله ایام نوح نصد و پنجاه سال بود که مُرد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمامی باب نهم)

بند دوم! زندگی نوح در دین مسیحیت از کتاب مقدس عهد جدید! اناجیل

لیکن بدون ایمان تحصیل رضامندی او محال است!! زیرا هر که تقرب به خدا جوید لازمست که ایمان آورد!!! برای که او هست و بجویندگان خود جزاء میدهد!!! به ایمان نوح چون درباره اموری که تا آن وقت دیده نشده الهام یافته بود! خدا ترس شده!!! کشتی را بجهت اهل خانه خود ساخت!!! و به آن دنیا را ملزم ساخته و ارث عدالتی که از ایمان است گردید!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید و از رساله بعیرانیان باب یازدهم آیات از ۶ تا ۸)

زیرا هرگاه بر فرشتگانیکه گناه کردند شفقت نمود! بلکه ایشان را بجهنم انداخته بزنجیرهای ظلمت سپرد!!! برای داوری نگاه داشته شوند! و بر عالم قدیم شفقت نفرمود!!! بلکه نوح و اعظ عدالت را با هفت نفر دیگر محفوظ داشته!!! طوفان را بر عالم بی دینان آورد! و شهرهای سدوم و عموره را خاکستر نمود! حکم بواژگون شدن آنها فرمود: و آنها را برای آنانیکه بعد از این بیدینی خواهند گروید!!! عبرتی ساخت!!! (کتاب مقدس عهد جدید رساله دوم پطور رسول باب دوم آیات از ۵ تا ۷)

نکاتی از مؤلف: در کتاب مقدس عهد جدید؛ اناجیل؛ فقط در این دو آیه از نوح نام برده و نوشته شده است که نوشته ایم!!!

بندسوم: زندگی نوح از قرآن کریم؛ کتاب آسمانی وحی منزل اسلامیت

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خداوند گفت: بدرستیکه نوح را بطرف قومش فرستادیم!! که قومت را پیش از آنکه عذاب دردناک برایشان بیاید بترسان!! نوح گفت: ای قوم من بدرستیکه من برای شما آشکارا ترساننده ام!! که بخداوند عبادت و بندگی کنید از او بترسید و تقوی نمایید!! و از من هم اطاعت کنید!! تا خداوند گناهان شما را ببخشد و برای شما عمر مدّت معینی بدهد!! بدرستیکه وقتیکه اجل الهی آید!! مؤخر نمیشود که اگر بدانید!! نوح گفت: ای خداوند صاحب اختیار کلّ من!! بدرستیکه من قوم را شب و روز دعوت کردم!! دعوت من جز فرارشان چیزی نیافزود!! بدرستیکه دعوت کردم که ایشان را ببخشی!! و ایشان انگشتهای خود را در گوش هایشان گذاشته اند!! و لباس هایشان را بسرکشیدند!! و بکفر خودشان اصرار ورزیدند!! و تکبر کردند که تکبر شدیدی!! سپس من آشکارا دعوتشان کردم!! من دعوت را علنی کردم و دعوت را نهان داشتم نهان داشتنی!! پس گفتم: از صاحب اختیار کلّ خودتان!! طلب بخشش کنید زیرا که او بخشنده است!! تا بر شما از آسمان باران پی در پی بریزد!! و شما را بمال هافرزدان مدد بکند!! و برای شما باغها و نهرها قرار بدهد! برای شما چه شده است که ببندگی خداوند امیدوار نیستید؟! و حال آنکه

شماره ادراحوالات گوناگون خلق کرد!!! آیات دیده اید خداوند چگونه هفت آسمان را در بالای سر شما هم آفریده؟؟؟! و در آنها ماه را روشنی داده است؟؟؟! و خورشید را چراغی قرار داده است؟! و خداوندی است که برای شما از زمین روئیدی گوناگون رویانیده! سپس در روز قیامت شما را بزمین برمیگرداند!!! و شما را از زمین خارج میکند خارج کردنی!!! که برای نتیجه حساب اعمال شما! و خداوند زمین را برای شما مانند فرش گسترش قرار داده است! تا در آن راههای گشاده که رهسپار شوید! نوح گفت: ای خداوند صاحب اختیار کلّ من! بدرستی که ایشان از من نافرمانی کردند!!! از رئیس خود پیروی کردند که مال و فرزندی برای ایشان زیاد نکرد!!! و برای ایشان زیاد نکرد مگر خسارتی را!!! و گفتند: بدرستی که خدایان خود را رها نکنید!!! نه و داونه سواعاً و نه یغوث و یعوق و نسرأرا!!! رها نکنید!!! (این پنج نامها بابت های و خدایان قوم نوح بود که قوم نوح آنها را پرستش میکردند!!! و حاجت می خواستند) و حقیقت است که بسیاری مردم را همراه کردند!!! نوح گفت: خدایا برای ظالمان و ستمگران نیافر مگر گمراهی را!!! آنچه گناهان و خطایات ایشان باعث شده که داخل آتش جهنّم شدند!!! زیرا که در گناه و خطاء غرق شده بودند!!! پس غیر از خداوند برای خودشان یار و کمک پیدا نکردند!!! و نوح گفت: ای خداوند صاحب اختیار کلّ من! دیاری کافران را در زمین مگذار! بدرستی که اگر تو ایشان را زنده بگذاری بندگان را همراه میکنند!!! و فرزندان نمی آورند مگر فاجر و فاسد و کفار!!! ای خداوند صاحب اختیار کلّ من! مرا و والدین مرا و هر کسی که داخل منزل من در حال ایمان بشود!!! و مؤمنین و مؤمنات را ببخش و رحمت بفرما و بیامرز! و برای ستمگران و ظالمان زیاد مکن مگر هلاکت و نابودی را!!!

(از قرآن کریم تمامی سوره نوح)

وای محمد! خبر نوح را برایشان بخوان و قتی که بقوم خود گفت: ای قوم من اگر بر شماگران و بزرگ می آید بودن من!! و یاد و تبلیغ کردن من آیات خداوند را!!! پس بدانید که توکل و امید من فقط بر خداوند است!!! پس شما مکره مت و شریکان خودتان را جمع کنید!!! سپس کار شما بر شما پوشیده نماند!!! سپس بر من هر حکمی را روادارید انجام دهید! و برای من هم مهلت ندهید! و نوح گفت: پس اگر از من روی بگردانید و قبول نکنید!!! من از شما اجری و مزدی نمیخواهم؛ زیرا که اجر و مزد من بر عهده خداوند متعال است!!! و او بمن امر فرموده که اولین مسلمان بوده باشم! پس نوح را تکذیب کردند!!! پس نوح و کسانی که با او بودند در کشتی نجاتشان دادیم!!! و ایشان را برای غرق شدگان جانشینان قرار دادیم!!! و آن کسانی که آیات ما را تکذیب کرده بودند غرق کردیم! بنگر که چگونه بود عاقبت بیم داده شدگان؟! (از قرآن کریم سوره یونس آیات از ۷۱ تا ۷۳)

حقیقت این است که نوح را بطرف قومش فرستادیم که!!! بگوید: بدرستی که من بیم دهنده و ترساننده آشکار!!! از طرف خداوند برای شما هستم!!! که نپرستید و عبادت نکنید مگر!!! خدای واحد و یکتا و بیهمتار! بدرستی که من بر شما میترسم از عذاب روزی که دردناک است! پس آن جماعتی که از قوم او اشراف و کافر بودند!!! گفتند: مگر نمی بینیم که تو مانند خود ما بشر هستی؟! و مگر نمی بینیم که مردمان پست و فرومایه تو را پیروی میکنند!!! ما در ظاهر نمی بینیم که شما برای ما از خود مان برتری داشته باشید! بلکه گمان میکنیم که شما از دروغگویان هستی!!! نوح گفت: ای قوم من آیا دیده بصیرت دیده اید؟! که اگر من بر دلیل و برهانی از خداوند صاحب اختیار کلاً خودم باشم! و او بر من رحمتی داده باشد؟! که از نزد خود کاری کرده بودم بر شما پوشیده باشد؟! آیا شما را بقبولی آن ملزم و مجبور ساخته ایم؟! و در حالی که شما نمیخواهید؟! نوح گفت: ای قوم من دینی را که آورده ام برای آن از شما مالی و مزد و جزای نمیخواهم!!! و مزد و اجر من جز بر عهده خداوند کسی

نیست! که بدانیدمزد و پاداش من بر عهده خداوند متعال است!!! و آن کسانی که بمن ایمان آورده اند! من آنها را طرد نمیکنم!!! بدرستی که ایشان خداوند صاحب اختیار کلّ خودشان را! ملاقات خواهند کرد! ولیکن من شمارا قوم نادان و جاهل می بینم و ای قوم من اگر ایشان را طرد کنم؟! از طرف خداوند مرا چکسی یاری میکند؟! پس آیات صحیح قبول نمیکنید؟! و نوح گفت: بر شما نمیگویم: که من فرشته هستم! و برای کسانی که چشم شما ایشان را کوچک شمرده!!! نمیگویم: که خداوند برای ایشان خیر نخواهد داد که خداوند انا تراست!!! به آنچه در جان نفس ایشان است! پس اگر دروغ گفته باشم: بدرستی که در این صورت من ازستمگران خواهم بود! گفتند: ای نوح بامجادله کردی!!! او جدال ما را بسیار نمودی!!! پس بیاور بر ما غرق شدن را که بما وعده دادی که اگر از راستگویان هستی؟! نوح گفت: بدرستی که اگر آن عذاب را بخواهید آوردن ده آن خداوند است!!! و شما عاجز کننده!!! خداوند مانع او نیستید!!! و اگر خواسته باشم برای شما نصیحت میکنم!!! که نصیحت من بر شما بهره نخواهد داد!!! و اگر خداوند گمراهی شماها را خواسته باشد!!! او ست صاحب اختیار کلّ شما! بسوی او برگشت داده میشود! خداوند گفت: آیامیگویند: که رسالت را بخدا افتراء بسته ای؟! بگو: اگر آن را افتراء بسته باشم وبال و گناه من برای من است! و من بیزارم از گناهایی که شما مرتکب میشوید!!! و بسوی نوح وحی شده! بدرستی که قوم تو هرگز ایمان نخواهد آورد!!! مگر آن کسانی که ایمان آورده اند!!! پس آنچه را که عمل بد میکنند افسرده مباش!!! و کشتی را بواسطه وحی دیدگان مابساژ!!! و در باره آن کسانی که ظلم و ستم کرده اند با من سخنی مگو: بدرستی که ایشان غرق خواهند شد!!! و نوح کشتی را میساخت و هر زمانی که!!! گروهی از قومش از اطراف او میگذشتند نوح را مسخره میکردند!!! نوح گفت: اگر چه شما ما را مسخره میکنید!!! پس بدرستی که ما هم شما را استهزاء خواهیم کرد!!! پس چنانکه شما استهزاء میکنید!!! پس بزودی خواهید دانست که برای چکسی عذاب خوار کننده خواهد آمد!!! و برای او عذاب دائمی فرو خواهد آمد!!! خداوند میفرماید:

تا وقتی که فرمان و دستور ما آمد و تنور فوران کرد!!! و گفتیم: از هر جفتی از حیوانات دوتن بکشتی حمل کن و بکشتی آوروکسانت راکه بتو ایمان دارند!!! مگر آن کسی که سخن عذاب درباره او گذشت که باید عذاب بشود!!! و هر کسی که ایمان آورده بکشتی سوار کن! و بنوح ایمان نیاوردند مگر کمی!!! نوح گفت: بنام خداوند بکشتی سوار شوید! که حرکت کردند و ایستادند! نوح گفت: بدرستی که صاحب اختیار کل من! بدون شک بامهربانی بخشنده است! و آن کشتی ایشان را در میان موجهای مانند کوهها میبرد!!! پس نوح در کناری بود نوح ندا کرد!!! و گفت: ای پسرک من بیاباما بشو که با کافران مباش!!! پس نوح گفت: بزودی بکوهی که مرا از آب حفظ میکند پناه میبرم و جای میگیرم!!! نوح گفت: ای پسر من امروز از فرمان خداوند نگهدارنده نیست! مگر آن کسی که خداوند به او رحم کند!!! و موج در میان پدر و پسر حائل شد! پس پس نوح از غرق شدگان گردید!!! و خداوند گفت: ای زمین آب خود را فروبرو ای آسمان باران را بازدار! و آب فروبرده شد! فرمان اجراء انجام شده!!! و کشتی بر جودی قرار گرفت!!! و گفته شد!!! نابودی باد بر قوم ستمگران!!! و نوح صاحب اختیار کل خود را! ندا کرد گفت: ای خداوند صاحب اختیار کل من! بدرستی که پسر من از اهل من بود!!! و وعده تو حق است و تو بهترین حکم کنندگانی!!! خداوند گفت: ای نوح بدرستی که او از اهل تو نبود! زیرا که عمل او ناصالح بود! پس آنچه راکه برای توبه آن علمی نداری از من سؤال مکن!!! بدرستی که من تورا پند و نصیحت می دهم!!! تا مبادا از گروه جاهلین باشی! نوح گفت: ای خداوند صاحب اختیار کل من! بدرستی که من بتو پناه آوردم از اینکه سؤال بکنم!!! آنچه راکه به آن علمی ندارم و اگر مرا نبخشی و رحم نکنی از گروه زیانکاران خواهم شد! خداوند گفت: ای نوح از کشتی فرود آی بسلامتی!!! از طرف ما بر کاتی بر تو و امتت هائی که بتوانند!!! و که بزودی بهره میدهم ایشان را! سپس برای بدکاران ایشان از جانب ما عذاب دردناک خواهد رسید!!! الله علام و مئان فرمود: ای محمد! این حکایت از اخبار غیبی است!!! که بتو وحی میکنم و یاد میدهم! که پیش از اینکه قرآنی که به تو وحی میشود!!! آن حکایت را نه تو میدانستی و نه قوم تو میدانستند!!! پس در راه الله صبر کن بدرستی که عاقبت رستگاری برای متقین میباشد!!!

الله گفت: وچه بسا بسیار از مردم را در قرنهای پس از نوح را بهلاکت رسانیده ایم!!!
ای محمد بر خداوند صاحب اختیار کلّ تو بس است! که بگناهان بندگان آگاه و بینا
میباشد!!!

(از قرآن کریم و از سوره الاسراء آیه ۱۷)

الله فرمود: ای محمد! بیاد آور قوم نوح را هنگامیکه رسولان الله را تکذیب کردند
!!! که ایشان را غرق نمودیم!!! و آن عذاب را برای مردم آیتی قرار دادیم!!! و برای
و ظالمین و ستمگران عذاب دردناک مهیا و آماده کرده ایم!!!

(از قرآن کریم و از سوره الفرقان آیه ۳۷)

وقتیکه برادرشان نوح به آنان گفت: چرا از گناه پرهیز نمیکنید؟! و از خداوند نمی
ترسید؟! بدرستی که من برای شما پیام آور امین هستم!!! پس از خداوند بترسید و از
من هم اطاعت نمایید! و برای رسالت و تبلیغ دین خداوند از شما مزدی نمیخواهم
زیرا که مزد من بر عهده خداوند صاحب اختیار کلّ جهانیان است!!! بر عهده کسی
نیست!!! پس از خداوند بترسید و از من هم اطاعت کنید و فرمان بپذیرید!!! قوم گفتند:
ایما بتو ایمان بیاوریم و اطاعت کنیم؟؟؟! نوح گفت: من علمی و دانائی به آنچه بد کرده اید ندارم!!!
بدرستی که حساب بر عهده صاحب اختیار کلّ من است! و بر عهده کسی نیست! که
اگر شعور داشته باشید و بفهمید! و من این مؤمنان را از خود نمیتوانم طرد کنم!!! من
نیستم مگر آشکارا ترساننده!!! قوم نوح گفتند: ای نوح اگر بس نکنی و از تبلیغ
خود دست نکشی از سنگسار شدگان خواهی شد!!! نوح گفت: ای خداوند صاحب
اختیار کلّ من! بدرستی که قوم من مرا تکذیب کردند!!! پس بین من و ایشان حکمی
کن!!! و مرا با مؤمنان که همراه من هستند نجات ببخش!!! خداوند گفت: ما نوح را
و هر کسی که به او ایمان آورده بودند در کشتی پر شده بودند نجات دادیم!!! آنگاه
تمامی باقی ماندگان را غرق کردیم! بدرستی که در این عذاب آیتی! عبرتی هست
که اکثر ایشان مؤمن نبودند!!! ای محمد بدرستی که فقط خداوند صاحب اختیار کلّ
تو! بدون شک با قدرت غالب و مهربان است!!!

(از قرآن کریم و از سوره الشعراء آیات از ۱۰۵ تا ۱۲۲)

ای محمد از ایشان اعراض کن روی بگردان! زیرا که روز قیامت خواننده ای ایشان را میخواند بسوی عذاب جهنمی که ناخوش آیند و ناپسند است! که از قبرها بیرون می آیند گویا که ایشان ملخهای پراکنده هستند!!! در حالیکه چشمهای ایشان ذلیل و خاشع است! شتابان بسوی خواننده و صداکننده میروند!!! کافران میگویند: این روز قیامت خیلی سخت میباشد!!! ای محمد پیش از قوم تو!! قوم نوح بنده صالح را تکذیب کردند و دروغگو خوانند! و گفت: ای خداوند! من مغلوبم مرایاری کن! پس درهای آسمان را بآبی که تند میریخت گشودیم! و چشمه های زمین را شکافتیم!!! پس آبها بهم پیوست شدند!!! برای امری که مقرر و معین شده بود!!! نوح را بر کشتی که دارای تخته ها و میخها بود حمل نمودیم!!! که کشتی در پیش دیده ماروان شد!!! پس غرق شدن برای کافران و دروغگویان پاداشی بود!!! و آن را برای آیندگان آیاتی گذاشتیم!!! پس آیا پذیر و نصیحت گیرنده ای است؟؟ پس چگونه بود عذاب من برای ترساندن من بر بندگانم را؟؟!! و حقیقت این است که قرآن را برای یاد گرفتن و نصیحت آسان قرار دادیم!!! پس آیا هیچ یاد گیرنده ای و نصیحت قبول کننده ای هست!!!

(از قرآن کریم و از سوره القمر آیات از ۶ تا ۱۷)

و خداوند برای کفار مثلی زده!!! زن نوح وزن لوط را که در فرمان دو بنده از بندگان صالح خداوند بودند!!! به آن دو خیانت کردند!!! پس آن دو بنده صالح از طرف خداوند هیچ کاری برای آن دو زن نکردند!!! و بی نیازشان ننمودند و گفته شده (خداوند امر فرمود که داخل آتش بشوند) داخل آتش بشوید با داخل شوندگان به آتش!!!

(از قرآن کریم و از سوره التحریم آیه ۱۰)

خداوند گفت: حقیقت این است که نوح را بسوی قومش فرستادیم! پس نوح گفت:
ای قوم من برای خداوند عبادت و بندگی کنید!!! که برای شما غیر از خداوند هیچ
الهی و ملجائی نیست! بدرستیکه من بر شما از عذاب روز بزرگ قیامت میترسم!!!
از بزرگان و اشراف قوم نوح!!! گفتند: بدرستیکه ما تو را آشکارا در گمراهی می
بینیم!!! نوح گفت: من گمراه نیستم! ولیکن من پیام آوری از طرف خداوند صاحب
اختیار کلّ و مالک جهانیان هستم! پیغامهای الله صاحب اختیار کلّ! و مالک خودم
را برای شما میرسانم که میدانید!!! و آیات عجب کرده آید که مردی آمده است که
شمارا؛ راهنمایی کند؟!؟! و تذکرو نصیحت الله صاحب اختیار کلّ! و مالک شما را
بیان نماید؟! مردی که از خود شما باشد بهتر رساند شمارا؟!؟! تا بپر هیزید و تا شاید رحم
کرده شوید؟! پس نوح را تکذیب کردند!!! پس نوح و کسانی که با او بودند در کشتی
نجات دادیم!!! و آن کسانی که آیات ما را تکذیب کرده بودند غرق نمودیم!!! زیرا که
ایشان قومی کوردلان بودند!!!

(از قرآن کریم و از سوره الاعراف آیات از ۵۹ تا ۶۴)

الله فرمود: ای محمد! بیاد آور نوح را هنگامیکه ندا و صدا کرد الله را!!! پس برای
نوح پیش از همه انبیاء جواب دادیم!!! نوح و اهل نوح را از غم و اندوه بزرگ نجات
دادیم! نوح را از شرّ آن قومی که آیات ما را تکذیب کرده بودند یاری و کمک نمودیم
!!! زیرا که آنان قوم بدی بودند! پس تمامی کافران را غرق کردیم!!!

(از قرآن کریم و از سوره الانبیاء آیات ۷۶ و ۷۷)

الله فرمود: و حقیقت این است که نوح را بطرف قومش فرستادیم! و نه صد و پنجاه
سال در میان ایشان درنگ کرده بود!!! پس طوفان ایشان را بگرفت زیرا که قوم
ظالم و ستمگر بودند!!! پس نوح و اهل کشتی نشینان را نجات دادیم!!! آن طوفان
را برای جهانیان نصیحت و عبرت قرار دادیم!!!

(از قرآن کریم و از سوره العنکبوت آیات ۱۴ و ۱۵)

الله فرمود: ای محمد! وای مسلمانان! الله دینی که بنوح سفارش و وصیت کرده
بود!!! همان دین و آئین را برای شما سفارش و وصیت فرموده است:!!! آن همان
دین و آئینی است که بسوی تو ای محمد! وحی کردیم! و آن همان دینی است که به

ابراهیم و موسی و عیسی را به آن دین وصیت و سفارش کردیم!!! که آن دین را قبول کنید! و آن را برپا دارید و در آن تفرقه نکنید! فرقه فرقه نشوید!!! تحمل آن دین که بدان دعوت میکنید! بر مشرکان دشوار و گران است!!! و الله هر کسی را میخواهد انتخاب میکند!!! و بخود اختصاص میدهد!!! و هر کسی را که بخواد بر رسالت خود تعیین مینماید!!! و بطرف خود هدایت میکند! و هر کسی که بطرف خداوند بازگشت

!!! نماید راهنمایی میکند!!!

(از قرآن کریم و از سوره الشوری آیه ۱۳)

الله فرمود: حقیقت این است!!! که نوح ما را ندا و صدا کرد!!! و چه جواب خوبی بنوح دادیم!!! و نوح و پیروانش را از غم و غصه بزرگ نجات دادیم!!! و فقط ذریه او را باقی گذاشتیم! و ذکر خیری او را در میان آیندگان است باقی گذاشتم! الله فرمود: در میان جهانیان سلام بر نوح باد! بدرستی که ما نیکوکاران را بدین گونه جزاء و پاداش میدهیم!!! بدرستی که نوح از بندگان باایمان مابود!!! سپس ما دیگر کافران را غرق کردیم!!!

(از قرآن کریم و از سوره الصافات آیات از ۷۵ تا ۸۲)

نکاتی از مؤلف: در عالم خلقت بزرگترین افتخار عالم انسانیت این است!!! که الله عالم و علیم و منان و رب العالمین جهان هستی! اول او را دوست داشته باشد!!! و رحمت کند! و سلام بفرماید! و بس!!! پس افتخار نوح همین بس است! که الله تعالی او را دوست دارد!!! و سلام میدهد!!! که از این سلام معلوم میشود!!! که الله تعالی در جهان آخرت به نوح چه خواهد داد!!! که نعمت بزرگ خداوند متعال!!! که در جهان آخرت آینده همان بهشت جاویدانی است!!! که یکی از وارثان آن بهشت جاویدان الله نوح میباشد!!! که الله بهشت را برای همه انسانها خلق کرده است!!! بشرط اینکه انسانها بفرمان الله؛ و بدین الله رحمان و رحیم گردن بنهد و قبول کنند!!! و عمل صالح و خیر بنمایند!!! از فرمان خداوند خالق و خلاق جهان هستی خارج نشوند! و کافر و گمراه نباشند!!!

فصل چهارم

تطبیق زندگی و عملکرد ابراهیم در ادیان سه گانه
یعنی از کتاب مقدس عهد عتیق؛ از کتاب تورات فعلی
و از کتاب مقدس عهد جدید؛ اناجیل؛ و از قرآن کریم
وحی منزل خداوند متعال خلاق جهان هستی میباشد

بند اول: زندگی و عملکرد ابراهیم در کتاب مقدس عهد عتیق و تورات فعلی

و خداوند به ابرام گفت: از ولایت خود و از مولد خویش و از خانه پدر بسوی زمینی که بتو نشان بدهم بیرون بشو!!! و از تو امّتی عظیمی پیداکنم و تو را برکت بدهم و نام تو را بزرگ سازم! و تو پر برکت خواهی بود!!! و برکت بدهم به آنانیکه تو را مبارک خوانند!!! و لعنت بکنم به آنکسانیکه تو را ملعون بخوانند!!! و از تو جمیع قبایل جهان برکت خواهند یافت!!! پس ابرام چنانکه خداوند! بدو فرموده بود روانه شد!!! و لوط همراه وی رفت!!! و ابرام هفتاد و پنج سال بود هنگامیکه از حرّان بیرون آمد!!! و ابرام زن خود سارای و برادرزاده خود لوط!!! و همه اموال اندوخته خود را شدند!!! و بزمین کنعان داخل شدند!!! و ابرام در زمین گشت!!! تا مکان شگیم تا بلوطستان مورّه!!! در آن وقت کنعانیان در آن زمین بودند!!! و **خداوند بر ابرام ظاهر شده گفت: بذریّت تو این زمین را میبخشم!!! و در آنجا مذبحی برای خداوندی که بر وی ظاهر شده بناء نمود!!!** پس از آنجا بکوهی که بشرقی بیت نیل است کوچ کرد!!! خیمه خود را بر پانمود!!! و بیت نیل بطرف غربی و عایدی بطرف شرقی آن بود!!! و در آنجا مذبحی برای خداوند بناء نمود! و نام یهوه را خواند!!! و ابرام طیّ مراحل و منازل کرده بسمت جنوب کوچید! و قحطی در آن زمین شد و ابرام بمصر فرود آمد تا در آنجا بسر برد!!! زیرا که قحط در زمین شدّت میکرد!!! و واقع شد که چون نزدیک بورود مصر شده!!! بزّن خود سارای گفت: اینک میدانم که تو زن نیکو منظر هستی!!! همانا چون اهل مصر تو را ببینند بگویند: این زوجه اوست پس مرا بکشند و تو را زنده نگاه دارند!!! پس بگو که تو خواهر من هستی!!! تا بخاطر تو برای من خیریت بشود!!! و جانم بسبب تو زنده بماند!!! و بمجرد ورود ابرام بمصر آن زن را دیدند که بسیار خوش منظر است!!! و امرای فرعون او را دیدند و او را در حضور فرعون ستودند!!! پس وی را بخانه فرعون در آوردند!!! و بخاطروى به ابرام احسان نمودند!!! و او صاحب میشها و گاو و حماران و غلامان و کنیزان و ماده الاغان شتران شد!!!

و خداوند فرعون و اهل خانه او را بسبب سارای!! زوجه آبرام بیلاهای سخت مبتلا ساخت!! و فرعون آبرام را خوانده گفت: این چیست که بمن کردی؟؟؟! چرا مرا خبر ندادی که از زوجه تو ست؟؟؟! چرا گفתי: او خواهر من است؟؟؟! که او را بزنی گرفتم؟؟؟! و الان اینک زوجه تو او را برداشته روانه بشو!! آنگاه فرعون در خصوص وی کسان خود را امر فرمود: تا او را بازوجه اش و تمام مایملکش روانه نمود!!!

(از کتاب قدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب تمامی دوازده)

و آبرام بازن خود و تمام اموال خویش و لوط از مصر بجنوب آمدند!! و آبرام مواشی و نقره و طلا بسیار دولت مند بود!! پس از جنوب طی منازل کرده به بیت نیل و عایدی!! بمقام آن مذبحی که اول بنائنهاده بود!! و در آنجا آبرام نام یهوه خداوند خواند!! لوط رانیز که همراه آبرام بود گله ورمه و خیمه هابود!! و زمین گنجایش ایشان را که در یکجا ساکن شوند!! زیرا که اندوخته‌های و ثروت ایشان بسیار بود!! و نتوانستند! در یکجا سکونت کنند!! و در میان شبانان مواشی آبرام و لوط نزاع افتاد!! و در آن هنگام کنعانیان و فرزندان ساکن زمین بودند!! پس آبرام به لوط گفت: زنهار در میان من و تو و در میان شبانان من و شبانان تو نزاعی نباشد!! زیرا که ما برادریم!! مگر تمام زمین پیش روی تو نیست؟! ملتمس اینکه از من جدا شوی!! اگر بجانب چپ روی من بسوی راست خواهم رفت!! و اگر بطرف راست روی من بجانب چپ خواهم رفت!! آنگاه لوط چشمان خود را بر آفراشت!! و تمام وادی اردن را دید!! که همه اش مانند باغ خداوند!! و زمین مصر بطرف صوغر سیراب بود!! قبل از آنکه خداوند سدوم و عموره را خراب سازد!! پس لوط تمام وادی اردن را برای خود اختیار کرد!! و لوط بطرف شرقی کوچ کرد!! و از یکدیگر جدا شدند بر زمین دیگر! آبرام در زمین کنعان بماند!! و لوط در بلاد وادی ساکن شد و خیمه را تا سدوم نقل کرد! لکن مردمان سدوم بسیار شریر و بخداوند خدای کار بودند! و بعد از جدا شدن لوط از وی! خداوند به آبرام گفت: اکنون تو چشمان خود را بر افراز

از مکانیکه در آن هستی!!! بسوی شمال و جنوب مشرق و مغرب بنگر!!! زیرا که تمام این زمین را که می بینی بتو!!! و ذریّت تو تا به ابد خواهم بخشید!!! و ذریّت تو را مانند غبار زمین گردانم!!! چنانکه اگر کسی غبار زمین را تواند شمرد!!! ذریّت تو نیز شمرده میشود!!! برخیز و در طول عرض زمین را گردش کن زیرا که آن را به تو خواهم داد!!! و ابرام خیمه خود را نقل کرده روانه شد!!! و در بلوطستان ممری که در حبرون است ساکن گردید!!! و در آنجا مذبحی برای یهوه بنا نهاد!!!
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمام باب سیزدهم)

و واقع شد در ایام امرافل ملک شنعار و آریوک ملک آلاسار و گذر لا عمر ملک عیلام و تدعال ملک امت ها! که ایشان با بارع ملک سدوم و برشاع ملک عموره و گذر گذر لاشناب ملک آدمه و شمیر ملک صبوئیم و ملک بالع که صوغرب باشد!!! جنگ کردند!!! این همه در وادی سدیم که بحر الملح باشد با هم پیوستند!!! دوازده سال گذر لا عمر را بندگی کردند!!! و در سال سیزدهم بر وی شوریدند! و در سال چهاردهم گذر لا عمر با ملوکیکه با وی بودند آمده!!! و رفائیان را در عشتروت قرنس و زوزیان را!!! در هام و ایمان را در شاهه قریتین شکست دادند!!! و حوریان را در کوه ایشان سعیر!!! تا ایل فاران که متصل ب صحراء است!!! پس برگشته به عین مشفای که قادش باشد آمدند!!! و تمام مرزو بوم عمالقه!!! و آموریان را نیز که در حصون!!! تارما ساکن بودند شکست دادند!!! آنگاه ملک سدوم و ملک عموره و ملک آدمه ملک صبوئیم!!! و ملک بالع که صوغرب باشد بیرون آمده!!! با ایشان در وادی سدیم صف آراییی نمودند!!! با گذر لا عمر ملک عیلام و تدعال ملک امت ها!!! و امرافل شنعار و آریوک ملک آلاسار!!! و چهار ملک باپنج و وادی سدیم!!! پراز چاههای قیر بود!!! پس ملوک سدوم و عموره گریخته!!! و در آنجا افتادند!!! و باقیات بکوه فرار کردند!!! و جمیع اموال سدوم!!! و عموره را با تمامی مآکولات آنها!!! گرفته برفتند!!! و لوط برادر زاده ابرام را!!! که در سدوم ساکن بود!!! با آنچه داشت برداشته رفتند!!! و یکی که نجات یافته بود آمده!!! ابرام عبرانی را خبر داد!!! و او در بلوطستان ممری اموری که برادر اشگول و عاتر بود ساکن بود!!! و ایشان

باآبرام هم عهد بودند!!! چون آبرام از اسیری برادر خود آگاهی یافت!!! سیصد و هجده تن از خانه زادن!!! کارآموده خود را بیرون آورده!!! در عقب ایشان تادان بتاخت!!! شبانگاه او و ملازمانش برایشان فرقه فرقه شده ایشان را شکست داده تابه حوبه که بشمال دمشق واقع است تعاقب نمودند!!! و همه اموال را بازگرفت و برادر خود!!! لوط و اموال او را بازنان و مردان باز آوردند!!! بعد از مراجعت وی از شکست دادن!!! گذر لا عمر و ملوکانیکه باوی بودند!!! ملک سدوم تابوادی شاوله وادی الملک باشد!!! با استقبال وی بیرون آمد!!! ملک صق! ملک سالی! باو شراب بیرون آورد و او کاهن خدای تعالی بود!!! و او را مبارک خوانده گفت: مبارک باد آبرام از جانب خدای تعالی مالک آسمان و زمین و متبارک باد!!! خدای تعالی که دشمنانت را بدستت تسلیم کرد!!! و او را از هر چیزی ده یک داد!!! و ملک سدوم به آبرام گفت: مردم را بمن واگذار!!! و اموال را برای خود نگاه دار!!! آبرام بملک سدوم گفت: دست خود را به یهوه خدای تعالی مالک آسمان و زمین برافراشتم!!! که از اموال تورشته یادوال نعلینی برنگیرم! مبادا گویی من آبرام را دولت مند ساختم!!! مگر فقط جوانان خوردند!!! و بهره عاير و اشکول و ممری که همراه من رفتند ایشان بهره خود را بردارند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمام باب چهاردهم)

بعد از این وقایع کلام خداوند!!! در رویا به آبرام رسیده! گفت: ای آبرام مترس من سپرتو هستم!!! و اجر بسیار عظیم تو!!! آبرام گفت: ای خداوند یهوه مرا چه خواهی داد؟! و من بی اولاد میروم و مختارخانه ام این العاذر دمشقی است!!! و آبرام گفت: اینک من نسلی ندارم!!! و خانه زادم وارث من است؟! در این ساعت کلام خداوند بوی در رسید! گفت: این وارث تو نخواهد بود!!! بلکه کسیکه از صلب تو در آید وارث تو خواهد بود!!! و او را بیرون آورده گفت: اکنون بسوی آسمان بنگرو ستارگان را بشمار هرگاه آنها را توانی شمرد!!! پس بوی گفت: ذریت تو چنین خواهد بود! و بخداوند ایمان آورد! و او این را برای وی عدالت محسوب کرد!!! پس وی را گفت:

من يَهُوَه هستم!!! که تو را از اورکلدانیان بیرون آوردم!!! تا زمین را به ارثیت بتو بخشم! گفت: ای خداوند یَهُوَه بچه نشانی بدانم؟! وارث آن خواهم بود بوی!!! گفت: گوساله ماده سه ساله! و بز ماده سه ساله! و قوچی سه ساله! و قمری!!! و کبوتری برای من بگیر!!! پس این همه را بگرفت و آنها را از میان دوپاره کرد!!! و هرپاره را مقابل جفتش گذاشت!!! لکن مرغان را پاره نکرد!!! و چون لاشخورها بر لاشها فرود آمدند!!! آبرام آنها را راند!!! و چون آفتاب غروب میکرد خوابی گران بر آبرام مستولی شد!!! و اینک تاریکی ترسناک سخت او را فرو گرفت!!! پس به آبرام گفت: یقین بر آنکه ذریت تو!!! در زمینی که از آن نباشد غریب خواهند بود!!! و آنها را ببندگی خواهند کرد!!! و آنها چهار صد سال ایشان را مظلوم خواهند داشت!!! و بر آن امتی که ایشان بندگان آنها خواهند بود!!! من داوری خواهم کرد!!! و بعد از آن با اموال بسیار بیرون خواهند آمد!!! و تونزد پدران خود بسلامتی خواهی رفت!!! و در پیری نیکو مدفون خواهی شد!!! و در پشت چهارم بدینجا خواهند برگشت!!! زیرا که گناه اموران هنوز تمام نشده است!!! و واقع شد که چون آفتاب غروب کرده بود!!! تاریک شد تنوری پردود!!! و چراغی مشتعل از میان آن آپارها گذر نمود!!! در آن روز خداوند به ابرام عهد بست و گفت: این زمین را از نهر مصر تا بنهر عظیم یعنی نهر فرات بنسل تو بخشیده ام!!! یعنی قینیان و قنزیان و حیتان و فررتان و رفاویان و کنعانیان و جرجاشیان و بیوسیان را!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمامی باب دهم)

و سارای زوجه آبرام!!! برای وی فرزندی نیاورد!!! و او را کنیز مصری هاجر نام بود!!! پس سارای به آبرام گفت: اینک خداوند مرا از زائیدن باز داشت!!! پس بکنیز من در آی شاید از او ببناء شوم!!! آبرام سخن سارای را قبول کرد!!! چون ده سال از اقامت آبرام در زمین کنعان سپری شد!!! و سارای زوجه آبرام و کنیز خود هاجر مصری را برداشت!!! و او را بشوهر خود آبرام بزنی داد! پس به هاجر در آمد و او حامله شد!!! و چون دید که حامله است خاتونش بنظروی حقیر شد!!! و سارای به آبرام

گفت: **ظلم من بتوباد!!! من کبیز خود را به آغوش تو دادم! چون آثار حمل در خود دید
در نظر او حقیر شدم!!! خداوند در میان من! تو داوری کند!!!** ابرام بسارای گفت: **اینک
کنیز تو بدست تو است آنچه پسند نظرتو باشد با وی بکن!!!** پس چون سارای با
وی بنای سختی نهاد او از نزد وی **بگریخت!!! و فرشته خداوند او را!!! نزد چشمه
آب در بیابان یعنی چشمه که براه شور است یافت!!!** و گفت: **ای هاجر کنیز سارای
از کجا آمدی و بکجا میروی؟؟؟!!!** گفت: **من از حضور خاتون خود سارای گریخته ام
!!!** فرشته خداوند بوی گفت: **نزد خاتون خود برگرد و زیر دست او مطیع بشو!!!** و
فرشته خداوند بوی گفت: **ذریّت تو را بسیار افزون گردانم!!!** بحدّی که از کثرت
شماره نیاید!!! و فرشته خداوند وی را گفت: **اینک حامله هستی و پسری خواهی
زائید!!!** و او را اسمعیل نام خواهی نهاد!!! زیرا که خداوند تظلم تو را شنیده است! و
او مردی وحشی خواهد بود!!! دست وی ضدّ کسی!!! و دست هر کسی بضدّ او!!!
وحشی روی همه برادران خود ساکن خواهد بود!!! و او نام خداوند را که با وی تکلم
کرد آنت ایل رنی خواند!!! زیرا که گفت: **آیا اینجا نیز بعقب او که مرا می بیند؟؟؟!!!
نگریستم!!!** از این سبب آن چاه را بئر لحي رنی نامیدند!!! اینک در میان قادیس و
بارداست!!! و هاجر از ابرام پسری زائید!!! و ابرام پسر خود را که هاجر زائیده بود
اسمعیل نام نهاد! و ابرام هشتاد و شش ساله بود هاجر اسمعیل را برای ابرام بزاد!!!
(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمام باب شانزدهم)

و چون ابرام نود و نه ساله بود!!! خداوند بر ابرام ظاهر شده!!! گفت: **من هستم خدای
قادر مطلق!!!** پیش روی من بخرام و کامل شو!!! و عهد خویش را در میان خود و
تو خواهم بست!!! و تو را بسیار کثیر خواهم گردانیده!!! آنگاه ابرام بر روی در افتاد
و خدا بوی خطاب کرده گفت: **اما اینک عهد من با تست!!!** و تو پدر امتهای بسیار
خواهی بود!!! و نام تو بعد از این ابرام خوانده نشود!!! بلکه نام تو ابراهیم خواهد
بود!!! زیرا که تو را پدر امتهای بسیار گردانم!!! و تو را بسیار بارور بنمایم و امتهای
تو پدید می آورم!!! و پادشاهان از تو بوجود آیند!!! و عهد خویش را در میان خود و
تو و ذریّت بعد از تو استوار بگردانم!!! که نسل بعد نسل عهد جاویدانی باشد!!! تا تو

را و بعد از تو ذریت تو را خدا باشم!!! و زمین غریب تو یعنی تمام زمین کنعان را!!! بتو بعد از بذریت تو بملکیت ابدی بدهم!!! و خدای ایشان خواهم بود! پس خدای ابراهیم گفت: و اما تو عهد مرا نگاه دار!!! تو بعد از تو ذریت تو در نسل های ایشان!!! این است عهد من که نگاه خواهید داشت!!! در میان من و شما و ذریت تو بعد از تو هر ذکوری از شما مختون شود! و گوشت غلفه خود را مختون سازید!!! تا نشان آن عهد باشد که در میان من و شماست!!! هر پسر هشت روزه شما مختون شود!!! هر ذکوری نسلهای شما!!! خواه خانه زاد خواه زر خرید!!! از اولاد هر اجنبی که از ذریت تو نباشد!!! هر خانه زاد تو و هر زر خرید تو!!! البته مختون شود!!! **تا عهد من در گوشت شما عهد جاودانی باشد!!!** اما هر ذکوری نا مختون که گوشت غلفه او ختنه نشود!!! آنکسی از قوم خود منقطع بشود!!! زیرا که عهد مرا شکسته است!!! و خدا به ابراهیم گفت: اما زوجه تو سارای نام او را!!! سارای مخوان!!! بلکه نام او ساره باشد!!! و او را برکت خواهم داد!!! و پسری نیز از وی بتو خواهم بخشید!!! او را برکت خواهم داد!!! و امت ها از وی بوجود خواهند آمد!!! و ملوک امت ها از وی پدید خواهند شد!!! آنگاه ابراهیم بر روی در افتاد بخندید! و در دل خود گفت: آیا برای مرد صدساله پسری متولد میشود؟! و ساره در نود سالگی بزاید؟!؟! و ابراهیم بخدا گفت: کاش اسمعیل در حضور تو زیست بکند!!! خدا گفت: بتحقیق زوجه ات ساره برای تو پسر خواهد زانید!!! و او را اسحق نام بنه!!! و عهد خود را با وی استوار خواهم داشت!!! تا با ذریت او بعد از او عهد ابدی باشد!!! **و اما در خصوص اسمعیل تو را اجابت فرمودم!!! اینک او را برکت داده بارور بگردانم!!! و او را بسیار کثیر بگردانم!!! دوازده رئیس از وی پدید می آیند و امتی عظیمی از وی بوجود آورم!!!** (از نسل اسمعیل هیچ اثر و خبری!!! در کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی!!! نبوده نیست!!! مثل اینکه دوازده پسر اسمعیل نژاد پرست و ریاست طلب و دنیا پرست نبودند) و لکن عهد خود را با اسحق استوار خواهم ساخت!!! که ساره او را بدین وقت در سال آینده برای تو خواهد زانید!!! **و چون خدا از سخن گفتن با وی فارغ شد!!! از نزد ابراهیم صعود فرمود!!! و ابراهیم پسر خود اسمعیل**

و همه خانه زادن و زرخردان خودرا!!! یعنی هرذکوری که درخانه ابراهیم بود گرفته گوشت غلفه ایشان را در همان روز ختنه کرد! چنانکه خدابوی امر فرموده بود!!! و ابراهیم نود و نه ساله بود و قتیکه گوشت غلفه اش مختون شد!!! و پسر اسمعیل سیزده ساله بوده نگامیکه گوشت غلفه اش مختون شد!!! در همان روز ابراهیم و پسرش اسمعیل مختون گشتند!!! و همه مردان خانه اش خواه خانه زاد!!! خواه زرخرد!!! از اولاد اجنبی با وی مختون شدند!!!

(زکتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمامی باب هفدهم)

و خداوند در بلویستان ممری بروی (ابراهیم) ظاهر شد!!! او او در گرمای روز بدر خیمه نشسته بود!!! ناگاه چشمان خود را بلند کرده دید!!! که سه مرد در مقابل او ایستاده اند!!! و چون ایشان را دید از درخیمه به استقبال ایشان شتافت!!! و روی بزمین نهاد!!! و گفت: ای مولی آنگون که منظور نظر تو شدم!!! از نزد بنده خود مگذر! اندک آبی بیاورند تا پای خود را شسته در زیر درخت بیار امید!!! و بلقمه نانی بیاورند تا دلهای خود را تقویت دهید!!! و پس از آن روانه شوید!!! زیرا که برای همین شمارا بر بنده خود گذر افتاده است!!! گفتند: آنچه گفتی بکن!!! پس ابراهیم به خیمه نزد ساره شتافت و گفت: سه کیل از آرد میده بزودی حاضر کن!!! و آن را خمیر کرده گرد ها بساز و ابراهیم بسوی رمه شتافت!!! و گوساله نازک خوب گرفته به غلام خود داد تا بزودی آن را طبخ نماید!!! پس کره و شیرو گوساله را که ساخته بود گرفته!!! پیش روی ایشان گذاشت و در مقابل در زیر درخت ایستاد تا خوردند!!! بوی گفتند: زوجه ات ساره کجاست؟؟؟؟ گفت: اینک درخیمه است! گفت: البته موافق زمان حیات نزد تو خواهم برگشت!!! زوجه ات ساره را پسری خواهد شد!!! و ساره بدرخیمه که در عقب او بود شنیده!!! و ابراهیم و ساره پیرو سالخورده بودند!!! و عادت زنان از ساره منقطع شده بود! پس ساره!!! در دل خود بخندید! و گفت: آیا بعد از فرسودگیم مرآشادی خواهد بود؟؟؟! و آقایم نیز پیر شده است

و خداوند به ابراهیم گفت: ساره برای چه خندید؟! گفت: فی الحقیقت خواهم زانید؟ و حال آنکه پیر هستم؟! گفت: مگر هیچ امری نزد خداوند مشکل است؟؟؟؟!!! در وقت موعود موافق زمان حیات نزد تو خواهم برگشت!!! و ساره را پسری خواهد شد!!! آنگاه ساره انکار کرده!!! گفت: نخندیدم چونکه ترسید گفت: نئی خندیدی! پس آن مردان از آنجا برخاسته متوجه سدوم شدند!!! و ابراهیم ایشان را مشایعت نمود!!! و خداوند گفت: آیا آنچه من میکنم از ابراهیم مخفی ندارم؟؟؟! و حال آنکه از ابراهیم هر آینه امتی بزرگ و زور آورید خواه آمد؟؟؟؟!!! و جمیع امتهای جهان از او برکت خواهند یافت!!! زیرا که او را میشناسم!!! که فرزندان و اهل خانه خود را!!! بعد از خود امر خواهد فرمود!!! تا طریق خداوند را حفظ نمایند و عدالت و انصاف را بجا آورد!!! تا آنچه به ابراهیم گفته است بوی برساند! پس فریاد سدوم و عموره زیاد شده است! و خطائیان ایشان بسیار هستند! اکنون نازل میشوم! تا ببینم موافق این فریادی بمن رسیده یا تمام کرده اند!!! و الا خواهم دانست!!! آنگاه آن مردان از آنجا بسوی سدوم متوجه شده برفتند!!! و ابراهیم در حضور خداوند ایستاده بود!!! و ابراهیم نزدیک آمده گفت: آیا عادل را با شریر هلاک خواهی کرد؟؟؟؟!!! شاید در شهر پنجاه عادل باشد؟! آیا آن راهلاک خواهی کرد؟؟؟! و آن مکان را بخاطر آن پنجاه عادل که در آن باشند نجات خواهی داد؟؟؟؟!!! حاشا از تو که مثل این کاری را بکنی که عادلان را با شریران هلاک سازی؟! و عادل و شریر مساوی باشند؟! حاشا از تو آید او تمام جهان انصاف نخواهد کرد؟! خداوند گفت: اگر پنجاه عادل در شهر سدوم یابم هر آینه تمام آن مکان را بخاطر ایشان رهائی بدهم!!! ابراهیم در جواب گفت: اینک من که خاک و خاکستر هستم جرأت کردم که به خداوند سخن گویم: شاید پنجاه عادل پنج کم باشد؟؟؟! آیاتمام شهر را بسبب پنج هلاک خواهی کرد؟؟؟! گفت: اگر چهل و پنج در آنجا یابم آن راهلاک نمیکنم!!! با دیگری بدو عرض کرده!!! گفت: هرگاه در آنجا چهل یافته شود؟؟؟؟!!! گفت بخاطر چهل آن را نکنم!!! گفت: زنهار غضب خداوند افروخته نشود؟؟؟؟!!! تا سخن گویم: شاید در آنجا سی پیدا شوند؟؟؟؟!!! گفت: اگر بیست نفر در آنجا پیدا بشود!!! من به خاطر آنها آن شهر را هلاک و نابود نخواهم کرد

گفت: خشم خداوند افرخته نشود!!! تا این دفعه را فقط عرض کنم؟؟؟؟!! شاید در آنجا یافته شوند؟؟؟؟!! گفت: بخاطر ده آن راهلای نخواهم ساخت!!! پس خداوند چون گفتگو: را با ابراهیم به اتمام رسانید برفت و ابراهیم بمکان خویش مراجعت کرد!!!
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمامی باب هجدهم)

و وقت عصر آن دو فرشته وارد سدوم شدند!! و لوط در درازه سدوم نشسته بود!!! چون لوط ایشان را دید به استقبال ایشان برخاسته و بر زمین نهاد!! گفت: اینک اکنون ای آقایان من بخانه بنده خود بیایید!! و شب را بسر برید!! و پاهای خود را بشوئید!! و بامدادان برخاسته راه خود را پیش گیرید!! گفتند: نی بلکه شب را در کوچه بسر میبریم!! اما چون ایشان را الحاج بسیار نمود با او آمده!! بخانه او داخل شدند!! و برای ایشان ضیافتی نمود! و نان فطیر پخت پس تناول کردند!! و بخواب هنوز نرفته بودند که مردان شهر یعنی مردم سدوم!! از جوان و پیر تمام قوم!! از هر جانب خانه وی را احاطه کردند!! و بلوط نداد داده گفتند: آن دو مرد که امشب بنزد تو آمدند کجاست؟؟؟؟!! آنها را نزد ما بیرون آور تا ایشان را بشناسیم! آنگاه لوط نزد ایشان بدرگاه بیرون آمد!! و در را از عقب خود بست!! و گفت: ای برادران من ز نهار بدی مکنید!! اینک من دو دختر دارم که مرد را نشناخته اند ایشان را الان نزد شما بیرون آورم!! و آنچه در نظر شما پسند آید با ایشان بکنید!! لکن کاری بدین دو مرد نداشته باشید!! زیرا که برای همین زیر سایه سقف من آمده اند!! گفتند: دور شو و گفتند: این یکی آمد تا تنزل ما شود و پیوسته داور می کند!! الان با تو از ایشان بدتر می کنیم!! پس آن مرد یعنی لوط بشدت هجوم آورده!! نزدیک آمدند!! تا در را بشکنند!! آنگاه آن دو مرد دست خود را پیش آورده!! لوط را نزد خود بخانه در آوردند و در را بستند!! اما آن اشخاص را که بدر خانه بودند!! از خرد و بزرگ بکوری مبتلا کردند!! که از جستن را خسته ساختند!! و آن دو مرد بلوط گفتند آیا کسی در اینجا داری؟؟؟؟!! اما دان و پسران و دختران خود و هر که را در شهر

داری از این مکان بیرون آور!!! زیرا که ما این مکان را هلاک خواهیم ساخت!!!
چونکه فریادش دیدایشان بحضور خداوند رسیده!!! و خداوند ما را فرستاده است!!!
تا آن را هلاک بکنیم!!! پس لوط بیرون رفته با دامادان خود!!! که دختران او را
گرفتند!!! مکالمه کرده گفت: برخیزید و از مکان بیرون شوید!!! زیرا که خداوند این
شهر را هلاک میکند! اما بنظر دامادان مسخره آمد! و هنگام طلوع فجر آن دو فرشته
لوط را شتابانیده!!! و گفتند: برخیز و زن خود را با این دو دختر که حاضرند!!! بردار
مبادا در گناه شهر هلاک شوی!!! و چون تأخیر مینمود آن مردان دست او!!! و دست
زنش و دست هر دو دخترش را گرفتند!!! چونکه خداوند بروی شفقت نمود!!! و او
را بیرون آورده در خارج از شهر گذاشتند!!! و واقع شد چون ایشان را بیرون!!!
آورده بودند!!! که یکی بوی گفت: جان خود را دریاب و از عقب خود منگر!!! و در
تمام وادی نیست!!! بلکه بکوه بگریزم مبادا هلاک شوی!!! لوط بدیشان گفت: ای
آقا چنین مبادا همانا بنده ات در نظرت التفات یافته است!!! و احسانی عظیم!!! بمن
کردی که جانم را رستگار ساختی! و من قدرت آن ندارم که بکوه فرار کنم!!! مبادا
این بلا مرا فرو گیرد و بمیرم!!! اینک این شهر نزدیک است!!! تا بر آن فرار کنم و
نیز صغیر است!!! اذن بده تا بدان فرار کنم آیا صغیر نیست تا جانم زنده بماند؟؟؟! بدو
گفت: اینک در این امر نیز تورا اجابت فرمودم!!! تا شهر را که سفارش آن را!!!
نمودی و از گون نسازم!!! بر آنجا بزودی فرار کن!!! زیرا که تا بدانجا نرسی هیچ
کاری نمیتوانم کرد!!! از این سبب آن شهر مسمی بصوغر شد!!! و چون آفتاب بر
زمین طلوع کرد لوط بصوغر داخل شد!!! آنگاه خداوند بر سدوم و عموره کو کرد
و آتش از حضور خداوند از آسمان بارانید!!! و آن شهرها و تمامی وادی!!! و جمیع
سکنه شهرها! و نباتات زمین را و از گون ساخت! اما زن او به عقب خود نگریسته
!!! ستونی از نمک گردیده!!! با مدادان ابراهیم برخاست!!! بسوی آن مکانیکه
در آن بحضور خداوند ایستاده بود رفت!!! و چون بسوی سدوم و عموره و تمام!!!
زمین وادی نظر انداخت!!! دید که اینک دود در آن زمین چون دود کوره بالا می
رود و هنگامیکه خداوند شهرهای وادی را هلاک کرد!!! خدا ابراهیم را بیاد آورد!!!
و لوط را از آن انقلاب بیرون آورد!!! چون آن شهرهایی را لوط در آنها ساکن بود

واژگون ساخت!!! و لوط از صوغر برآمد و پاد و دختر خود در کوه ساکن شد!!! زیرا که
 ترسید که در صوغر بماند!!! پس با دو دختر خود در مغاره سکنی گرفت!!! و دختر
 بزرگ بکوچک گفت: پدر ما پیر شده!!! و مردی بر روی زمین نیست که بر حسب
 عادت کلّ جهان بما در آید!!! بیا تا پدر خود را شراب بنوشانیم!!! و با او هم بستر
 شویم! تانسلی از پدر خود نگاهداریم! پس در همان شب پدر خود را شراب نوشانیدند
 !!! و دختر بزرگ آمده با پدر خویش هم خواب شد!!! و او از خوابیدن و برخاستن وی
 آگاه نشد!!! و واقع شد که روز دیگر!!! بزرگ بکوچک گفت: اینک دوش با پدرم
 هم خواب شدم!!! امشب نیز او را شراب بنوشانیم!!! تو بیابا وی هم خواب شو!!!
 تانسلی از پدر خود نگاهداریم!!! آن شب نیز پدر خود را شراب نوشانیدند!!! و دختر
 کوچک هم خواب وی شد!!! و او از خوابیدن و از برخاستن وی آگاه نشد!!! پس هر
 دو دختر لوط از پدر خود حامله شدند!!! و آن بزرگ پسری زائیده!!! و او را مواب نام
 نهاد!!! و او تا امروز پدر موابیان است!!! و کوچک نیز پسری بزاد او را بنی عمّی
 نام نهاد!!! وی تا بحال پدر بنی عمّی است!!!

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمام باب نوزدهم)

پس ابراهیم از انجابسوی ارض جنوبی کوچ کرد!!! و در میان قادش و شور ساکن
 شد و در جرار منزل گرفت!!! و ابراهیم در خصوص زن خود ساره!!! گفت: که او
 خواهر من است!!! و ابی ملک جرار فرستاده ساره را گرفت!!! و خدا در رویای شب
 بر ملک!!! ابی ملک ظاهر شده!!! بوی گفت: اینک تو مرده ای!!! بسبب این زن که
 گرفتی!!! زیرا که زوجه دیگری میباشد!!! و ابی ملک به او هنوز نزدیکی نکرده
 بود پس گفت: ای خداوند آیامتی عادل راهلک خواهی کرد؟؟؟؟!!! مگر او بمن نگفت:
 که او خواهر من است و او نیز خود گفت: او برادر من است!!! بساده دلی و پاک
 دستی این را کردم!!! خداوند وی را در رویا گفت: من نیز میدانم که این را بساده
 دلی خود کردی!!! و من نیز تو را نگاه داشتم که بمن خطاء نورزی!!! و از این سبب

نگذاشتم که اورالمس نمائی!!! پس الان زوجه این مرد را رد کن!!! زیرا که اونبی است!!! و برای تو دعا خواهد کرد!!! تا زنده بمانی!!! و اگر او را رد نکنی بدان که تو!!! و هر که از آن تو باشد هر آینه خواهی مرد! بامدادان برخاسته!!! جمیع خادمان خود را طلبیده!!! همه این امور را بسمع ایشان رسانید! و ایشان بسیار ترسان شدند!!! پس ابی ملک ابراهیم را خوانده!!! بدو گفت: بما چه کردی؟! و بتوجه گناه کرده بودم؟؟؟! که بر من و بر مملکت من گناهی عظیم آوردی؟؟؟! و کارهای ناکردنی بمن کردی؟؟؟! و ابی ملک به ابراهیم گفت: چه دیدی که این کار را کردی؟؟؟! ابراهیم گفت: زیرا که گمان بردم که خداترسی در این مکان نباشد!!! و مرا بجهت زوجه ام خواهند کشت!!! فی الواقع نیز او خواهر من است!!! دختر پدرم امانه دختر مادرم!!! و زوجه من شد!!! و هنگامیکه خدام را از خانه پدرم آواره کرد!!! او را گفتم: احسانی که بمن باید کرد!!! این است که هر جا برویم در باره من بگویی: که او برادر من است!!! پس ابی ملک گوسفندان و گاو و غلامان و کنیزان گرفته!!! به ابراهیم بخشید!!! و زوجه اش ساره را بوی رد کرد!!! و ابی ملک گفت: اینک زمین من پیش روی تو است هر جا که پسند نظرت افتد ساکن شو!!! و بساره گفت: اینک هزار مثقال نقره ببرادرت دادم!!! همانا او برای تو پرده چشم است!!! نزد همه کسانی که باتو هستند!!! و نزد همه دیگران پس انصاف تو داده شده! و ابراهیم نزد خدا دعا کرد و خدا ابی ملک و زوجه او و کنیزانش را شفاء بخشید تا اولاد بهم رسانیدند!!! زیرا که خداوند رحم های تمام اهل بیت ابی ملک را بخاطر ساره زوجه ابراهیم بسته بود!!! (از کتاب مقدس عند عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمام باب بیستم)

و خداوند بر حسب وعده خود بساره تفقد نمود!!! و خداوند آنچه بساره گفته بود بجا آورد!!! و ساره حامله شد از ابراهیم در پیریش پسر زانید!!! در وقتیکه خدا بوی گفته بود!!! و ابراهیم پسر مولود خود را که ساره از وی زانید اسحق نام نهاد!!! و ابراهیم پسر خود اسحق را چون هشت روزه بود مختون ساخت!!! چنانکه خداوند او را امر فرموده بود!!! و ابراهیم در هنگام ولادت پسرش اسحق صدساله بود!!!

وساره گفت: خدا خنده را بمن ساخت!!! و هر که بشنود بامن خواهد خندید!!! و گفت: که بود که به ابراهیم؟! بگوید: ساره اولاد را شیر خواهد داد؟؟؟! زیرا که پسر وی در پیریش زائیدم؟؟؟! و آن پسر نمو کرد تا او را از شیر باز گرفت!!! و در روزیکه اسحق را از شیر باز داشتند!!! ابراهیم ضیافتی عظیم کرد!!! آنگاه ساره پسر هاجر مصری را که از ابراهیم زائیده بود دید که خنده میکند!!! پس به ابراهیم گفت: این کنیز را با پسرش بیرون کن!!! زیرا که پسر کنیز با پسر من اسحق وارث نخواهد بود!!! اما این امر بنظر ابراهیم در باره پسرش سخت آمد!!! خداوند به ابراهیم گفت: در باره پسر خود و کنیزت بنظرت سخت نیاید!!! بلکه هر آنچه ساره بتو گفته است سخن او را بشنو!!! زیرا که ذریت تو از اسحق خوانده خواهد شد!!! و از پسر کنیز نیز امتی بوجود آورم زیرا که او نسل تو است! بامدادان ابراهیم برخوایسته نان و مشکی از اب گرفته به هاجر داد!!! و آنها را بردوش وی نهاد!!! و او را با پسر روانه کرد!!! پس رفت و در بیابان بئر شبع می‌گشت!!! چون آب مشک تمام شد!!! پسر را زیر پوته گذاشت!!! و بمسافت تیر پرتابی رفته در مقابل وی بنشست!!! زیرا گفت: موت پسر را ببینم!!! و در مقابل او نشسته آواز خود را بلند کرد بگریست!!! و خداوند آواز پسر را بشنید و فرشته!!! خدا از آسمان هاجر را ندا کرده!!! و وی را گفت: ای هاجر تو را چه شد؟؟؟! ترسان مباش زیرا که خداوند آواز پسر را در آنجائی که اوست شنیده است؟؟؟! برخیز و پسر را برداشته (۱) او را بدست خود بگیر! زیرا که از او امتی عظیم بوجود خواهم آورد!!! و خداوند چشمان او را باز کرد تا چاه آبی را دید!!! پس رفته مشک را از آب پر کرده بیسرنوشانید!!! و خدا با آن پسر میبود!!! و او نمو کرده ساکن صحراء شد!!! و تیر اندازی بزرگ گردید! و در صحرای فاران ساکن شد!!! و مادرش زنی از زمین مصر برایش گرفت!!! و واقع شد در آن زمان!!! ابی ملک فیکول که سپهسالار او بود!!! ابراهیم را عرض کرده گفتند: که خدا در آنچه میکنی باتوست!!! اکنون برای در اینجا به خدا سوگند بخور! که بامن و نسل من و ذریت من خیانت نخواهی کرد!!! بلکه بر حسب احسانی که باتو کردم!!! با من و باز مینی (۱) اسمعیل در این زمان بچه نبود بلکه ۱۶ ساله بود شده بود؛ زیرا که از اسحق ۱۴ سال بزرگتر بوده است)

که در آن غریب پذیرفتی عمل خواهی بود!!! ابراهیم گفت: من سوگند میخورم!!! و ابراهیم ابی ملک را تنبیه کرد!!! بسبب چاه آبیکه خادمان ابی ملک!!! از او بزور گرفته بودند!!! ابی ملک گفت: نمیدانم کیست که این کار را کرده است؟؟؟! و تونیز مرا خبر ندادی و من هم تا امروز نشنیده بودم!!! و ابراهیم گوسفندان و گاوان گرفته به ابی ملک داد و با یکدیگر عهد بستند!!! ابراهیم هفت برّه از گله جدا ساخت!!! و ابی ملک به ابراهیم گفت: این هفت برّه ماده که جدا ساختی چیست؟؟؟! گفت: که این هفت برّه ماده را از دست من قبول فرمای شهادت باشد!!! که این چاه را من حفر نمودم!!! از این سبب آن مکان را بنرشبع نامید!!! زیرا که در آنجا بایکد یگر قسم خوردند!!! و چون آن عهد را در بنرشبع بسته بودند!!! ابی ملک با سپه سالار خود فیکول!!! برخاسته بزمین فلسطینیان مراجعت کردند!!! و ابراهیم در بنرشبع شوره کزی غرس نمود!!! و در آنجا بنام یهوه خدای سرمدی دعانمود!!! پس ابراهیم در زمین فلسطینیان ایام بسیاری بسر برد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمام بیست و یکم)

و واقع شد بعد از این وقایع که خدا ابراهیم را امتحان کرده!!! بدو گفت: ای ابراهیم عرض کرد لبیک!!! گفت: اکنون پسر خود را که یگانه توست و او را دوست میداری یعنی اسحق را بردار!!! و بزمین موریاب برو و او را در آنجا!!! بر یکی از کوههایی که بتونشان میدهم!!! برای قربانی سوختنی بگذارانی!!! با مادان ابراهیم برخاسته الاغ خود را بیار است!!! و دو نفر از نوکران را با پسر خویش اسحق برداشته!!! و هیزم برای قربانی سوختنی شکسته روانه شد!!! و بسوی آن مکانیکه خدا او را امر فرموده بود رفت!!! در روز سوّم ابراهیم چشمان خود را بلند کرده آن مکان را از دور دید! آنگاه ابراهیم بخادمان خود گفت: شما در اینجا نزد الاغ بمانید!!! تا من با پسرم بدانجا رویم!!! و عبادت کرده نزد شما باز آیم! پس ابراهیم هیزم قربانی سوختنی را گرفته بر پسر خود اسحق نهاد!!! و آتش کار در دست خود گرفت!!! و

هردو باهم میرفتند!!! واسحق پدر خود ابراهیم را خطاب کرده!!! گفت: ای پدر من
 گفت: ای پسر من لبیک گفت: اینک آتش وهیزم لیکن بره قربانی کجاست؟؟؟؟!!!
 ابراهیم گفت: ای پسر من خدا بره قربانی را برای خود مهیا خواهد ساخت!!! وهر
 هردو باهم رفتند!!! چون بدان مکانیکه خدابدو فرموده بود رسیدند!!! ابراهیم در
 آنجا مزبح بناء نمود!!! وهیزم را برهم نهاد!!! و پسر خود اسحق را بسته بالای
 هیزم برمذبح گذاشت!!! و ابراهیم دست خود را دراز کرده کارد را گرفت تا!!! پسر
 خود را ذبح نماید!!! در این حال فرشته خداوند از آسمان وی راندا در داد!!! و گفت:
 ای ابراهیم عرض کرد لبیک! گفت: دست خود را بر پسر دراز مکن و بدو هیچ کاری
 مکن!!! زیرا که الان دانستم که تو از خدا میترسی!!! چونکه پسریگانه خود را از
 من دریغ نداشتی!!! آنگاه ابراهیم چشمان خود را بلند کرده دید!!! که اینک قوچی
 را گرفته در عقب وی در بیشه بشاخهایش گرفتار شده!!! پس ابراهیم رفت و قوچ
 آن را در عوض!!! پسر خود قربانی سوختنی گذرانید!!! و ابراهیم آن موضع را
 یهوه یرئ نامید!!! چنانکه تا امروز گفته میشود در کوه یهوه دیده خواهد شد
 !!! بار دیگر فرشته خداوند!!! به ابراهیم از آسمان ندا در داد!!! و گفت: خداوند
 میگوید: بذات خود قسم میخورم چونکه این کار را کردی!!! یگانه خود را دریغ
 نداشتی!!! هرآینه تو را برکت میدهم و ذریت تو را کثیر میسازم!!! مانند ستارگان
 آسمان!!! و مثل ریگهای که برکناره دریاست!!! و ذریت تو دروازه های دشمنان
 خود را متصرف خواهند شد!!! و از ذریت تو جمیع امتهای زمین برکت خواهند
 یافت!!! پس ابراهیم نزد نوکران خود برگشت!!! و ایشان برخاسته ببشر شعب باهم
 آمدند و ابراهیم در بشر شعب ساکن شد!!! و واقع شد بعد از این امور که به ابراهیم
 خبر داده گفتند: اینک ملکه نیز برای برادرت ناحور پسران زائیده است!!! یعنی
 نخست زاده او عوض و برادرش بوز؛ و قوموئیل پدر آرام!!! و کاسد و حزو و فلداش
 ویدلاف ویتوئیل رفقه را آورده است! این هشت را ملکه برای ناحور برادر ابراهیم
 زانید! و کنیز اورومه نام داشت او نیز طابح! و جاحم و تاحش و مهکه را زانید!!!
 (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمام باب بیست و دوم)

وایام زندگانی ساره صدوبیست و هفت سال بوده است سالهای عمر ساره! و ساره در قریه اربع که حبرون باشد در زمین کنعان مُرد! و ابراهیم آمد تا براو ماتم و گریه کند! و ابراهیم از نزد میت خود برخاسته و بنی حِتّ را خطاب کرده گفت: من نزد شما غریب و تنزیل هستم قبری از نزد خود بملکیت من بدهید! تا میت خود را از پیش روی خود دفن کنم!!! پس بنی حِتّ در جواب ابراهیم گفتند: ای مولای من سخن ما را بشنو تو در میان ما رئیس خداهستی! در بهترین مقبره های ما میت خود را دفن کن هیچ کدام از ما قبر خویش را!!! از تو دریغ نخواهد داشت که میت خود را دفن کنی!!! پس ابراهیم برخاست و نزد اهل آن زمین یعنی بنی حِتّ تعظیم نموده! و ایشان را خطاب کرده گفت: اگر مرض ما باشد که میت خود را از نزد خود دفن کنم!!! سخن مرا بشنوید و بعفرون بن صوحار برای من سفارش کنید!!! تا مغاره مکفيله را که از املاک او در کنار زمینش واقع است بمن بدهد بقیمت تمام درشما برای قبر بملکیت من بسپارد!!! و عفرون در میان بنی حِتّ یعنی همه که بدروازه شهر!!! او داخل میشدند!!! در جواب ابراهیم!!! گفت: ای مولای من نئی سخن مرا بشنو!!! آن زمین را بتو میبخشم!!! و مغاره را که در آن است میدهم بحضور ابنایی قوم خود!!! آن را به تو میبخشم میت خود را دفن کن!!! پس ابراهیم نزد اهل آن زمین تعظیم نمود!!! و عفرون را بمسامع اهل زمین خطاب کرده!!! گفت: اگر تو راضی هستی التماس دارم!!! عرض مرا اجابت کنی قیمت زمین را بتو میدهم!!! از من قبول فرمایی تا در آنجا!!! میت خود را دفن کنم!!! عفرون در جواب ابراهیم گفت: ای مولای من از من بشنو!!! قیمت زمین چهار صد مثقال نقره است! این در میان من و تو چیست!!! میت خود را دفن کن!!! پس ابراهیم سخن عفرون را قبول و اجابت نمود! و آن مبلغی را!!! در مسامع بنی حِتّ گفته بود یعنی چهار صد مثقال نقره رایج معامله بنزد عفرون وزن کرد!!! پس زمین عفرون که در مکفيله برابر ممری واقع است

یعنی زمین و مغاره که در آن است!!! با همه درختانی که در آن زمین!!! و در تمامی حدود و حوالی آن بود مقرر شد!!! بملکیت ابراهیم بحضور بنی حِتّ!!! یعنی همه بدروازه شهرش داخل میشدند!!! از آن پس ابراهیم زوجه خودساره را!!! از مغاره صحراء مکفيله در مقابل ممری که حبرون باشد!!! در زمین کنعان دفن کرد و آن صحراء با مغاره که در آن است!!! از جانب بنی حِتّ بملکیت ابراهیم بجهت قبر مقرر شد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمامی باب بیست و سوم)

و ابراهیم دیگر بار زنی گرفته که قطوره نام داشت!!! و او زمران و یقشان و مدان و مدیان و یثباق و شوچار را برای اوزانید! میفشام!!! و شباو ددان را آورد!!! و بنی ددان اشوریم و لامیم بودند!!! و پسران مدیان عیفاو عیقرو و خنوک! و ابیداع! الراءه بودند! جمله اینها و اولاد قطوره بودند!!! و ابراهیم تمام مایملک خود را!!! به اسحق بخشید!!! اما پسران کنیزانی که ابراهیم داشت! ابراهیم عطائای داد!!! و ایشان را در حین حیات خود!!! از نزد پسر خویش اسحق!!! بجانب مشرق بزمین شرقی فرستاد!!! این است ایام سالهای عمر ابراهیم!!! که زندگانی نمود!!! صد و هفتاد و پنج سال!!! و ابراهیم جان بداد و در کمال شیخوخت پیر و سیر شده بود!!! و بقوم خود ملحق شد!!! و پسران اسحق و اسمعیل او را در مغاره مکفيله!!! در صحرای عفرونیائی صوحار حتی!!! در مقابل ممری دفن کردند!!! آن صحرائی که ابراهیم از بنی حِتّ خریده بود!!! در آنجا ابراهیم و زوجه اش ساره مدفون شدند!!! و واقع شد بعد از وفات ابراهیم که خدا پسرش اسحق را برکت داد!!! و اسحق نزد بنرلحی رئی ساکن بود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمامی باب بیست و پنجم)

درباره ابراهیم در کتاب تلمود؛ یعنی آئین یهود

ابراهیم بفرشتگانی که بشکل آدمیان درآمده!!! و مهمان او شده بودند!!! گفت: لقمه نانی بیاورم تا دل‌های خود را تقویت کنید!!! و ابراهیم بفرشتگان گفت: اجازه دهید کمی آب آورده شود و پاهای خود را بشوید!!! (از کتاب تلمود ص ۱۳۰ و ۱۳۱)
در جهان آینده ابراهیم خلیل در مدخل جهنم می نشیند! و نمی‌گذارد که هیچ فرد یهودی ختنه شده ای بدانجا فرود آید!!! (از کتاب تلمود ص ۳۸۵)

نکاتی از مؤلف: اولاً اشخاصی که سه نفر بودند و بنزد ابراهیم آمده بودند!!! شهر سدوم را هلاک کنند؟؟؟؟ یکی از آن سه نفر در کتاب مقدس عهد عتیق!!! و کتاب تورات تحریف شده فعلی! خداوند تورات فعلی بوده است!!! که کتاب تلمود وجود خداوند را آنجا انکار کرده و فرشته نوشته است! این عمل جعل تلمود خود ثابت میکند که نویسندگان کتاب تلمود! کتاب مقدس عهد عتیق!!! و کتاب تورات فعلی! را در مهمانی گوساله ابراهیم را قبول نداشته و ندارند! در کتاب تلمود بر عکس کتاب مقدس عهد عتیق! و کتاب تورات فعلی را نوشته اند!!! این عمل خود ثابت میکند که دانشمندان سی قرن پیش یهودیت صهیون نیزم! کتاب مقدس عهد عتیق!!! و کتاب تورات فعلی را!!! قبول نکرده بودند که چنین نوشته اند!!!

و در کتاب تلمود نوشته اند! در قیامت ابراهیم خلیل الله مرادن ختنه شده یهودیت را با ذکرش می‌شناسد! ببهشت می‌فرستد! آیاراه هدایت توحیدی این است؟؟؟؟ یعنی چه؟؟؟؟ آیا اهانت و توهین از این بالاتر و بزرگتر هم میباشد؟؟؟؟ که پیام آور خداوند را؟؟؟؟ تخصصش ذکر شناسی مردان را نسبت داده اند؟؟؟؟ که در قیامت بذکران مردان نگاه میکند! و ببهشت می‌فرستد؟؟؟؟! آخر اگر این کار هم درست بوده باشد؟! پس زنان را با چه مشخصات معلوم میکند؟! ببهشت می‌فرستد؟؟؟؟! و می‌گویند: قوم یهود اهل بهشت هستند!!! و اهل جهنم نیستند!!! کلمه جهان آخرت و قیامت! در کتاب مقدس عهد عتیق! و در کتاب تورات فعلی وجود ندارد!!! آخرت و بهشت و جهنم و قیامت را از کجا آورده اند؟؟؟؟! و از کجا نوشته اند؟؟؟؟! به اصطلاح در کتابهای آسمانی ایشان اصلاً جهان آخرت!!! و قیامت و بهشت! و جهنم وجود ندارد!!! و حتی از جهان آخرت!!! و قیامت در یک جا هم در کتابهای!!! به اصطلاح آسمانی شان نام

برده نشده است! جهان آخرت و قیامت و بهشت و جهنم را! از کجا آورده اند معلوم نیست
 ؟؟؟!! شمار ابخدا دین انبیاء عظام توحیدی یکتاپرستی از این راه است؟؟؟! که دین
 توحیدی همه انسانهای پاک و مقدس انبیاء عظام خداوند خلاق جهان هستی را چنین
 چنین مسخره کرده و میکنند؟؟؟! از قلم خود پناه میبرم بر خداوند خلاق جهان
 هستی و رب العالمین و از او آمرزش و بخشش را مسئلت مینمایم!! و از خوانندگان
 محترم تقاضا دارم که خودشان هم قضاوت بنمایند!!!

۲- بنا بنوشته! کتاب مقدس عهد عتیق! و کتاب تورات تحریف شده فعلی! وقتیکه
 دختران لوط با پدر خودشان همخوابگی و یا بهتر بگوییم: زنا می کردند!!!
 نوشته است که گفته اند که مردی در روی زمین نیست که نسل بماند! در حالیکه
 بعد از هلاک شدن اهل سدوم! ابراهیم و مردان ابراهیم زنده بودند!!! که ابراهیم با
 مردانش بجنوب کوچ کردند! و در زمین قادش ساکن شدند! و ملک قادش و مردانش
 زنده و حاضر بودند!!! پس چطور نوشته است؟؟؟! که دختران لوط گفته اند؟! که
 در روی زمین مردی نیست که نسل بماند؟؟؟! این یکی از ضدونقیض های فراوان
 آشکار!!! کتاب مقدس عهد عتیق!!! و کتاب تورات فعلی میباشد؟؟؟! ثانیاً دختران
 لوط هر یکی! یک پسر زنازاده و حرام زاده زائیده بودند!!! که زن و یا مردی دیگری
 وجود نداشت که دختران لوط ازدواج کند؟؟؟! پس لابد و ناچار آبپسران خودشان
 که از نطفه پدرانشان بودند!!! ازدواج و یا بهتر بگوییم! زنا و مقاربت کرده اند!!! که
 امروز در جهان بیش از هفت میلیارد انسان وجود دارد!!! که از نسل چنین زنازاده
 و حرام زاده هستند!!! که اصل مسئله ملات زنازادگی و حرام زادگی!!! کتاب آیات
 شیطانی سلمان رشدی ملعون همین میباشد!!! که اصل و ناب آیات شیطانی!!!
 کتاب مقدس عهد عتیق!!! و از کتاب تورات فعلی! سرچشمه گرفته است!!! باز هم
 ضد و نقیض گویی به اصطلاح کتابهای آسمانی میباشد!!! آیا چنین کاری شدنی
 است؟؟؟! که به انبیاء عظام مقدس خداوند خلاق جهان هستی چنین نسبتی داده اند
 ؟؟؟!! آیا چنین عملی از مردان پاک و مقدس و مطهر بعمل می آید؟؟؟! و آیا میتوان
 گفت: که چنین کتاب؟؟؟! کتاب آسمانی تورات موسی است؟؟؟! باز هم قضاوت
 بر عهده خوانندگان گرامی است!!!

۳- کتاب مقدس عهد عتیق! و کتاب تورات فعلی! ابراهیم قهرمان توحید! و بت شکن جهان را ترسو!! و دنیا پرست! و بی غیرت! و بی ناموس معرفی مینماید!! زیرا که زنش و خواهرش ساره که هم زنش بود!! و هم خواهر واقعی ابراهیم بوده است!! بهر کجا میرود بیادشاهان!! و فرمانروایان پیشکش میکند!! و کتاب تورات فعلی!! ساره را که زن و خواهر واقعی ابراهیم معرفی مینماید!! و برای فرعون پادشاه مصر بزنی داده است!! و به ابی ملک پادشاه قادیس هم بزنی داده بود!! و زمانی که ابراهیم بعد از هلاک سدوم!! و جنوب کوچ کرده! ساره نودساله بود و خیلی پیر بوده است!! پادشاه قادیس برای چه به او عاشق شده بود!! و او را بزنی گرفته بود!! که مسخره و خنده آور است!! و بخاطر اینکه برای ابراهیم سود آور باشد! و هم برایش خطر جانی نداشته باشد! و هم بخاطر ساره! به او احترام بگذارند!! و با دید احترام نگاه کنند!! و زنش را پیشکش شاهان! و فرعونیان میکرد!! و از خداوند! کتاب تورات فعلی! تعجب آور است! که گناه را ابراهیم و ساره انجام میدهند!! و میگویند: خواهر و برادر هستیم!! و حقایق را از ترس! و طمع بمال پنهان میکنند!! در حالی که فرعون از هیچ چیزی خبری نداشت!! خداوند! تورات فعلی فرعون را مجازات مینماید! چرا او را برای چه؟؟؟؟ فرعون که از همه بیخبر بوده است!! از طرف دیگر خداوند! تورات فعلی! بخواب ابی ملک پادشاه قادیس میرود!! و او را میترساند و آگاه میکند! و میگوید: که ساره زوجه ابراهیم است!! و پادشاه منصرف میشود! پس چرا بخواب فرعون نمی رود که او را آگاه کند؟؟؟؟ و بگوید: که ساره خواهر ابراهیم! وزن او است! و مجازات میکند؟؟؟؟ و از طرف دیگر که ابراهیم میگوید: ساره خواهر واقعی من است!! که از پدر خواهر و برادر هستیم؟؟؟؟ چطور خواهرش را بزنی گرفته بود؟؟؟؟ که جای تعجب است؟؟؟؟ آیا این زناشویی در دین خداوند! و شریعت ابراهیم حرام نبود؟؟؟؟ پناه بر خداوند خلاق جهان هستی ربّ العالمین! چنین نبوده است! که گناه و حرام بزرگی را به ابراهیم و ساره و اسحق روا میدارند!! پس در این صورت اسحق هم خواهر زاده ابراهیم میشود!! و هم پسر ابراهیم میشود!! و در حقیقت اسحق حلال زاده!! و پاک مقدس و مطهر!! و یکی از انبیاء رسول بزرگ خداوند! خلاق جهان هستی! و صاحب اختیار کلّ جهانیان

بوده است! در تورات فعلی! نوشته است هر کسی که خواهر خود را خواه دختر پدرش!
خواه دختر مادرش باشد! بگیرد و عورت او را ببیند!!! و او عورت وی را ببیند!!!
 رسوائی است!!! در پیش چشمان پسران قوم خود منقطع شود (یعنی سر بریده شود)
 چونکه عورت خواهر خود! را کشف کرده است!!! و متحمل گناه خود خواهد بود!!!
 (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورت فعلی؛ سفر لاویان باب بیستم آیه ۱۷)
**و باز در تورات نوشته است!!! ملعون باد کسی که با خواهر خود! چه دختر پدر خود!!!
 و چه دختر مادر خویش بخوابد!!! و تمام قوم بگوید آمین!!!**
 (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر تثنیه باب بیست و هفتم آیه ۲۲)

آیا واقعاً کتاب آسمانی تورات؟ و شریعت موسی چنین بوده است؟! حتماً چنین نبوده
 است!!! این قدر توهینات! و افتراءات! و دروغ ها! و ضد و نقیض های فراوانی که در
 این!!! کتاب مقدس عهد عتیق!!! و کتاب تورات تحریف شده فعلی! وجود دارد!!!
 نشانگر آن است! که تورات موسی را تحریف کرده اند!!! به این روز انداخته اند!!!
 زیرا که هم بخداوند عالم و خالق خلاق جهان هستی ربّ العالمین؛ و هم پیام آوران
 بزرگ و رسولان بزرگواران و انبیاء عظام! و هم بقدّیسین! هم بعالم انسانیت! چنین
 توهینات؛ و افتراءات؛ و حرفهای رکیک؛ و سکسی؛ و کفر؛ و شرک؛ و فراوان را روا
 داشته اند!!! که بنظر خداشناس و یکتاپرست و بعقل سالم!!! بهیچ وجه قابل قبول
 نیست!!! چنین کتابها! کتاب آسمانی و تورات موسی بوده باشد؟؟؟؟!! **آیا میتوانیم
 قبول کنیم که ابراهیم آن مرد بزرگ و بُت شکن و قهرمان توحید تاریخ جهان و پدر
 کلّ ادیان توحیدی!!! که در مقابل ترس و طمع بمال دنیا و یا به احترام بُت پرستان
 ؟! از ناموس و شریعت دینش صرف نظر کند؟؟؟؟!! و ناموس و دینش را بابتی غیرتی
 و بی ناموسی معاوضه نماید؟؟؟؟!! این توهین و تهمت! برای قهرمان توحیدی و بُت
 شکن تاریخ جهان برابر ابراهیم خلیل الله! خیلی افتراء و تهمت و اهانت بزرگی میباشد!!!**
 ۴- کتاب آیات شیطانی سلمان رشدی ملعون!!! از این کتابهای اصل و ناب آیات
 شیطانی! کتاب مقدس عهد عتیق! و از کتاب تورات فعلی!!! سرچشمه گرفته است!!! که شاهد
 اینجانب خود آیات شیطانی کتاب مقدس عهد عتیق! و تورات فعلی!!! میباشد!!! که
 به خداوند خلاق جهان هستی ربّ العالمین! و به انبیاء عظام! پیام آوران بزرگ!!!

وقدیسین او و بتمام انسانیت! و بر بشریت جهان هستی چنین توهین! و تهمت! و کذب!!! و افتراء راروا داشته! و برشته تحریر در آورده است!!! و تمامی بشریت جهان هستی را مثل خودش!!! و پسرش! و اربابانش زنازاده!!! و حرام زاده معرفی کرده است! لعنت خداوند! و ملائکه! و تمامی انسانیت جهان! و جهانیان بر سلمان رشدی ملعون! و اربابانش بوده باشد!!! دال بر این مدارک موجود و مستندات!!! اینجانب مؤلف: عزیزاله اصغری! اعلام میکنم!!! که اصل و اصل و اصل و ناب و ناب و ناب آیات شیطانی کتاب مقدس عهد عتیق! و کتاب تورات تحریف شده فعلی میباشد!!! و السلام وبس!!!

بند دوم: زندگی عملکرد ابراهیم از کتاب مقدس عهد جدید! اناجیل

به ایمان ابراهیم چون خوانده شد! اطاعت نمود و بیرون رفت! بسمت آن مکانیکه میبایست بمیراث یابد! پس بیرون آمد و نمیدانست بکجا میرود!!! به ایمان در زمین و عده مثل زمین بیگانه غریب پذیرفت!!! درخیمه ها با اسحق و یعقوب که در میراث همین و عده شریک بودند مسکن نمود!!! از آن روز که مترقب شهری را بنیاد بود! که معمار و سازنده آن خداست به ایمان خود ساره نیز قوت قبول نسل یافت و بعد از انقضای وقت زائید! چونکه و عده دهنده را امین دانست!!! و از این سبب از یک نفر و آنهم مرده مثل ستارگان آسمان کثیر! و مانند ریگهای کنار دریا بشمار زائیده شدند! در ایمان همه ایشان فوت شدند! در حالیکه و عده هارا نیافته بودند! بلکه آنها را از دور دیده تحیت گفتند: اقرار کردند! که بر روی زمین بیگانه و غریب بودند!!! زیرا کسانیکه همچنین میگویند: ظاهر میسازند! که در جستجوی وطنی هستند! و اگر جایی را که از آن بیرون آمدند بخاطر می آورند!!! هراینه فرصت می داشتند که بر آن جای برگردند!!! لکن الحال مشتاق وطنی نیکوتر یعنی (وطنی) سماوی هستند! و از این رو خدا از ایشان عار ندارد! که خدای ایشان را خوانده شود! چونکه برای ایشان شهری مهیا ساخته است! به ایمان ابراهیم چون اسحق را گذارید!!! و آنکه و عده هارا پذیرفته بود! پس ریگانه خود را قربانی میکرد!!! به او گفته شده بود که نسل توبه اسحق خوانده خواهد شد!!! چونکه یقین دانست که خدا قادر بر انگیزاننده اموات است! و همچنین او را در مثلی از اموات نیز باز یافت!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید رساله بعبرانیان باب یازدهم آیات ۸ تا ۲۰)

تو ایمان داری که خدا و احد است! نیکو می کنی شیاطین را نیز ایمان دارند و می لرزند ولیکن ای مرد باطلا می خواهی دانست؟؟؟؟!! که ایمان بدون اعمال باطل است! آیا پدر ما ابراهیم به اعمال عادل شمرده نشد؟؟!! و قتی که پسر خود اسحق را بقربان گاه گذرانید؟ می بینی که ایمان با اعمال او عمل کرد؟ و ایمان از عمل کامل گردید؟ و آن نوشته تمام گشت که می گوید: ابراهیم به خدا ایمان آورد و برای او به عدالت محسوب گردید! و دوست خدا نامیده شد!!! پس می بینی که انسان از اعمال عادل شمرده می شود! نه از ایمان تنها!!! و همچنین آیا راحب فاحشه نیز از اعمال عادل شمرده نشد؟ و قتی که قاصدان را پذیرفته برای دیگری روانه نمود! زیرا چنانکه بدن بدون روح مرده است! همچنین ایمان بدون اعمال نیز مرده است!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید رساله یعقوب دوم پطرس رسول باب دوم آیات از ۱۸ تا ۲۶)

و لوط عادل را که از رفتار فاجرانه بی دینان رنجیده بود رها کنید!!! زیرا که آن مرد عادل در میانشان ساکن بوده!!! از آنچه میدید و میشنید دل صالح خود را!!! بکارهای قبیح ایشان هر روز رنجیده میداشت!!! پس خداوند میدانده که عادلان را از تجربه رهایی دهد! و ظالمان را تا روز جزاء در عذاب نگاه دارد! خصوصاً آنانی که در شهوات نجاست جسم می روند!!! و خداوند را حقیر میدانند!!! اینها جسور و متکبرند و از تهمت زدن بر بزرگان نمی لرزند! و حال آنکه فرشتگانی که در قدرت و قوت افضل هستند پیش خداوند برایشان حکم افتراء نمی زنند!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید و از رساله دوم پطرس رسول باب دوم آیات از ۵ تا ۱۲)

نکاتی از مؤلف: درباره ابراهیم خلیل الله بُت شکن و قهرمان توحید!!! در کتاب مقدس عهد جدید؛ اناجیل؛ فقط این چند جملات نوشته؛ وجود داشت که نوشته ایم!

بندسوم: زندگی و اعمال ابراهیم خلیل الله در قرآن کریم وحی منزل الهی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الله فرمود: ای محمد؛ برای ایشان خبر ابراهیم را بخوان! وقتی که پدرش و قومش را گفت: چه چیزی را میپرستید؟ و عبادت میکنید؟ گفتند: که بت‌هایی را میپرستیم و بر آنها پی در پی عبادت کننده و معتکفیم! گفت: آیا وقتی که آنها را میخوانید؟! صدای شمارا میشنوند؟! و آیا بر شما سود و زیانی میرسانند؟! گفتند: نه بلکه پدران خود را دیده ایم که چنین میکردند! گفت: آیا خبر دارید که چه چیزی را میپرستید؟! و عبادت میکنید؟! شما و پدران گذشته شما؟! پس بدرستی که این بت‌ها برای من دشمن است! مگر خداوند صاحب اختیار کلّ من! که صاحب اختیار کلّ تمامی جهانیان میباشد! آن خداوندی که مرا آفریده و هدایت فرموده است!!! و آن خداوندی که او مرا طعام میدهد و آب مینوشاند!!! و وقتی که بیمار میشوم او مرا شفاء میدهد!!! و آن خداوندی که مرا میمیراند! سپس در روز قیامت مرا زنده خواهد کرد!!! و آن خداوندی که طمع دارم در روز قیامت خطاء های مرا برای من ببخشد!!! و گفت: ای خداوند صاحب اختیار کلّ من! مرا حکمی عطاء فرما! قرین شایستگان و صالحان قرار بده! و در نزد آیندگان راستگو و نیک نام بگردان!!! ای خداوند من مرا از وارثان بهشت پر نعمت قرار بده! و پدر مرا بیا مرز که بدرستی که او از گمراهان بوده!!! و روز قیامت مرا خوار مکن! روزی که مال و ثروت و فرزندان ماسودی نمیدهد!!! مگر آن کسی که با قلب سالم بسوی خداوند آمده باشد!!! و در آن روز بهشت برای پرهیزگاران و نیکوکاران نزدیک میشود! و دورخ برای گمراهان آشکار میگردد! و به ایشان گفته میشود آن چیزهای را که میپرستید کجایند؟! غیر از خداوند آیا آنها شمارا یاری و کمک میکنند؟! و یا خودشان نصرت مییابند؟؟؟؟ ایشان و گمراهانشان بدوزخ افکنده میشوند!!! و با سپاهیان ابلیس همه یکجا بدوزخ افکنده میشوند!!! و ایشان در حالیکه در آن جهنم بایکدیگر خصومت میکنند!!! و میگویند: بخدا قسم که ما آشکارا در گمراهی

بودیم!!! و بزرگان خود میگویند: که شمار ابا خداوند صاحب اختیار کلّ جهانیان!!! برابر میگردیم! و میگویند: ما را گمراه نکرده مگر بدکاران! پس امروز برای ماهیچ شفیع نمیباشد! و امروز برای ماهیچ دوست صمیمی وجود ندارد! پس اگر برای ما بدنیاب رگشتی بود از مؤمنین میباشیم!!! خداوند میفرماید: در این عذاب عبرتی است زیرا که بیشترشان از مؤمنین نبودند!!! ای محمد بدرستی که خداوند صاحب اختیار کلّ تو! بدون شک اوست! که با قدرت و غلبه مهربان است!!!

(از قرآن کریم و از سوره الشعرا آیات از ۶۹ تا ۱۰۴)

خداوند میفرماید: و حقیقت این است! که به ابراهیم رشدور هبری دادیم!!! زیرا که قبلاً بکار دانی او دانا و عالم بودیم!!! و وقتی که بپدر و قوم خودش گفت: این مجسمه ها چیست؟؟!! که شما برای پرستش آنها عتکاف میدارید؟؟!! گفتند: ما پدران خود را چنین یافتیم که به آنها عبادت میکردند!!! گفت: حقیقت این است! که شما و پدران شما آشکارا در گمراهی بودید! بلکه خداوند صاحب اختیار کلّ شما! صاحب اختیار کلّ آسمانها و زمین است!!! آن خداوندی که آنها را از عدم و نیستی بوجود آورده است! و من برای گمراهی شما از شاهدین هستم!!! و ابراهیم گفت: بخدا قسم بدون شک بعد از رفتن شما من بتهای شما را نبوده خواهم کرد!!! پس آن بُت‌ها را پاره پاره کرد جز بُت بزرگ را!!! پس بُت پرستان برگشتند بتها را قطعه قطعه شده دیدند!!! گفتند: هر کسی که باخدایان ما چنین کاری کرده است!!! بدرستی که او از ستمکاران است! گفتند: جوانی راشنیده ایم!!! که خدایان ما را بیدی یاد میگرد!!! به او ابراهیم میگفتند: و گفتند: ابراهیم را بیاورید!!! در جلو چشمان مردم!!! تا شاید برای ابراهیم گواهی بدهند! که خدایان ما را پاره پاره کرده است! گفتند: ای ابراهیم آیا تو خدایان ما را پاره پاره کرده ای؟! ابراهیم گفت: بلکه بزرگ این بُت‌ها این کار را کرده است! که از بُت‌های کوچک بپرسید؟ که اگر بتوانند سخن بگویند؟! پس بُت پرستان بخود آمدند! و گفتند: بدرستی که خود تو بُت‌های ما را پاره پاره کرده اید!!! که تو از ستمگران هستی!!! پس بُت پرستان سرافکنده شدند!!! و گفتند: که تو خود میدانی که این بُت‌ها

نمیواند سخن بگویند: ابراهیم گفت: آیا غیر از خداوند خلاق حقیقی را؟؟!! میپرستید و عبادت میکنید؟؟!! آنچه را که برای شما هیچ نفعی و هیچ ضرری ندارند؟! وای بر شما برای آنچه غیر از خداوند!! علام حقیقی را پرستش میکنید؟؟!! آیاس شما عقلی ندارید؟؟!! گفتند: ابراهیم را بسوزانید!!! و بخدایان خود کمک و یاری کنید که اگر کار دان بوده باشید! خداوند میفرماید: که به آتش گفتیم: که برای ابراهیم سرد و سلامت باشد!!! و اگر برای ابراهیم مکر و حیله کرده باشند!!! پس ما ایشان را از زیانکاران خواهیم کرد!!! ابراهیم و لوط رانجات دادیم! و بردیم بسوی زمینی که در آن برای جهانیان برکت داده بودیم!!! و براو اسحق و یعقوب را بخشیدیم! و هر یکی را صالح و شایسته قرار دادیم!!! و ایشان را پیشوایانی قرار دادیم!!! که مردم را بطرف امر و قانون خداوند هدایت کنند! و کارهای خیری را انجام بدهند! و نماز برپا دارند! و زکات را بدهند!!! که برای ایشان وحی نمودیم!!! و آنها بر خداوند خلاق حقیقی عبادت! و بندگی میکردند! و لوط را علم و حکمت دادیم! و او را از آبادی! که عادت به عمل های بدی داشتند نجات دادیم!!! زیرا که ایشان مردم بدکار و فاسقی بودند!!! و لوط را به رحمت خودمان داخل کردیم!!! بدرستی که او از شایستگان و صالحان بود!!!

(از قرآن کریم و از سوره الانبیاء از آیات ۷۵ تا ۵۱)

ای محمد بیاد آور در کتاب ابراهیم را! بدرستی که او پیام آور و راستگو و صدیق بوده! و قتی که پدرش گفت: ای پدر من چرا چیزی را میپرستیدنه میشنوندونه میبینند؟؟!! و نه از تو چیزی کفایت و غنی میکنند؟؟!! ای پدر من! بدرستی که برای من از طرف خداوند علم و دانش آمده است!!! که بر تو نیامده!!! پس مرا پیروی کن که تو را براه راست خداوند هدایت کنم!!! ای پدر من شیطان را پرستش مکن!!! زیرا که شیطان برای خداوند رحمان نافرمانی!!! و عصیان کرده است!!! ای پدر من بدرستی که من برای تو میترسم!!! که از طرف خداوند برای تو عذابی برسد!!! پس برای شیطان دوست و ولی نباش!!! آزر پدر ابراهیم گفت: آیا از خدایان من اعراض کرده ای؟؟!! حقیقت این است! که اگر از عقیده خود برنگردی و خود داری نکنی!!! بدون شک تو را میرانم و سنگسارت میکنم!!! که از من مدّتی بسیاری دوری کن! ابراهیم گفت

سلام بر تو! بزودی از خداوند صاحب اختیار کلمه برای تو آمرزش میطلبم!!! زیرا که او بمن مهربان است! و شما که غیر از خداوند را که میخوانید و حاجت کمک میطلبید که از شما کناره گیری میکنم!!! و خداوند صاحب اختیار کلمه خودم را! میخوانم از او حاجت! و کمک میطلبم!!! و امیدوارم که بخواندن صاحب اختیار کلمه خودم! بدبخت و پشیمان نباشم!!! پس وقتیکه ایشان غیر از خداوند را میخواندند و حاجت!!! و کمک میخواستند! که ابراهیم از ایشان کناره گیری کرد! و اسحق و یعقوب رابه او عطاء کردیم! و همه ایشان را پیام آورانی قراردادیم! و برای ایشان از رحمت عطاء نمودیم! و برای ایشان زبان راستگوی! و صدقی! و مقام بلندی قراردادیم!!!

(از قرآن کریم و از سوره مریم آیات از ۴۱ تا ۵۰)

و هنگامیکه خداوند صاحب اختیار کلمه!!! ابراهیم را با فرمانها و دستورات آزمایش کرد!!! و ابراهیم آن دستورات را به انجام رسانید!!! خداوند متعال فرمود: من تو را برای مردم امام قراردادده ام!!! ابراهیم گفت: و بعضی از فرزندانم نیز خواهد بود؟! خداوند فرمود: عهد! و پیمان من بستمگران نمیرسد!!! ای محمد و بیاد آور هنگامی که خانه کعبه را برای بهره مردم! و برای امن مرجع قراردادیم!!! و دستور دادیم! که محل اقامت جای نماز ابراهیم را!!! جای نماز بگیرید!!! و پیمان ما با ابراهیم و اسماعیل این بود! که خانه مرا برای طواف کنندگان! و اعتکاف داران! و نماز گزاران! و رکوع و سجده مینمایند پایک نماید! و هنگامیکه ابراهیم گفت: ای صاحب اختیار کلمه من! این شهر را!!! برای هر کسی از اهل آن بخداوند و بروز قیامت ایمان آورده محل امن قرار بده!!! و اهل آن را از میوه جات روزی بده خداوند متعال فرمود: هر کسی که کافر شود! او را هم بهره کمی میدهم!!! سپس او را بناچار بسوی عذاب آتش جهنم میکشیم!!! که جهنم برای واردین بدجائی است! و بیاد آور وقتیکه ابراهیم و اسماعیل پایه های کعبه را برافراشتند!!! و گفتند: ای خداوند صاحب اختیار کلمه ما! از ما قبول فرما و بپذیر! بدرستی که فقط شنو او داناتویی!!! و گفتند: ای صاحب اختیار

کلّ ما! مادو نفر را تسلیم شونده! و مسلم برای خود قرار بده!!! و از فرزندان ما امتی
را مسلم برای خودت قرار بده! و راه عبادت! و بندگی! و طاعت هارا بمانشان بده!!!
و برمانشان بده! و بر مادو نفر لطف بفرما! و توبه مارا بپذیر که تو! توبه رابامهربانی
میپذیری! ای خداوند صاحب اختیار کلّ ما!!! برانگیز در میان اولاد مارا سولی را از
خودشان! که آیات تور را برایشان بخوانند!!! و کتاب حکمت خداشناسی رابه ایشان
بیاموزد و یاد بدهد! و ایشان را پاک سازد! زیرا که فقط تویی عزیز و حکیم!!! خداوند
گفت: و کیست که از دین و آئین ابراهیم اعراض کند؟! مگر آنکه خود اوسفیه شده
باشد؟! و خداوند متعال میفرماید: حقیقت این است که ما ابراهیم را در دنیا برگزیده ایم
و بدرستی که او در آخرت از شایستگان است!!! و وقتی که خداوند صاحب اختیار کلّ
ابراهیم! به او گفت: مسلمان شو!!! ابراهیم گفت: اسلام آورده ام! بر خداوند صاحب
اختیار کلّ جهانیان!!! و ابراهیم فرزندان را!!! از اطاعت بخداوند و تسلیم بدین او
سفارش کرد! و یعقوب نیز بدین خداوند سفارش کرد! و گفت: ای فرزندان من خداوند
برای شما این دین را انتخاب کرده است! بدون شک نمی میرید مگر آنکه در حال
مرگی هم مسلمان بوده باشید!!! و تسلیم امر خداوند شوید!!! خداوند فرمود: آیشما
حاضر بودید هنگامیکه برای یعقوب مرگی رسید!!! و وقتی که به فرزندان خود گفت:
بعد از من چه چیزی را میپرسید؟؟! گفتند: خدای تور او خدای پدران تور ابراهیم و
اسماعیل و اسحق را!!! که خدای واحد و یکتا و بیهمتاست که او را میپرستیم!!! و ما
مأمطیع فرمان او هستیم!!! خداوند میفرماید: آنان امتی بودند که در گذشتند! هر چه
کردند متعلق برای خودشان بوده است! و آنچه شما عمل میکنید متعلق بشما است!
و اعمال آنها از شما پرسیده نخواهد شد که بودند چه کار میکردند! و گفتند: یهودی و
یانصاری باشید تا هدایت یابید!!! ای محمد بگو: دین و آئین ابراهیم راه حق خداوند
بود! و ابراهیم از مشرکین نبود و در راه حق گرائی خداوند بود!!! بگو: بخداوند قسم
و سوگند!!! آنچه قرآن بما و آنچه به ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و اسباط
و فرزندان آنان نازل شد! و آنچه به موسی و عیسی داده شده! آنچه به پیام آوران

از طرف خداوند صاحب اختیار کلّ شان! داده شده ایمان آوردیم!!! و بین احدی از پیام آوران فرق نمیگذاریم! و همه ما برای خداوند خلاق جهان هستی! ربّ العالمین مسلمان و تسلیم شدگان هستیم!!! پس اگر ایشان بمانند آنچه شما به آن دین ایمان آورده اید!!! ایمان آورده باشند پس حقیقت این است که هدایت یافته اند!!! و راه صحیح الله را شناخته اند!!! و اگر اعراض کرده اند پس بدستیکه ایشان قصد اختلاف دارند!!! ای محمد! بهمین زودی خداوند تورا از شرّ ایشان خلاص و کفایت خواهد کرد! زیرا که او شنوا و دانا است!!! بگوئید: رنگ خداوند را داریم (فطرت ایمان و اسلام و تسلیم خداوند) و کیست نیکوتر از خداوند رنگ گردن؟! و ما بر او بندگانیم! ای محمد بگو: آیا درباره خداوند! واحد! و یکتا و بیهمتا؟؟؟؟!!! با ما مجادله و مخاصمه میکنید؟؟؟؟ در حالیکه خداوند متعال! هم صاحب اختیار کلّ ما است؟؟؟؟!!! و هم خداوند صاحب اختیار کلّ شما است! و هم اعمال و کردار ما! مال ما است! و هم اعمال و کردار شما مال شما است!!! و بگو: ما بخداوند مدبّر خلاق جهان هستی ایمان تمام و خالص داریم! آیا میگوئید: که ابراهیم و اسماعیل و اسحق اسباط! یهودی یا نصرانی بودند؟؟؟؟ ای محمد بگو! شما داناترید و یا خداوند؟! و کیست که ظالم تر از آنکه شهادت خداوند در نزد او است؟! که از خداوند کتمان میکند؟؟؟؟!!! و از آنچه میکند خداوند از آن غافل نیست! و ایشان امتی بودند که در گذشته و هر چه کردند مال خودشان است!!! و آنچه شما میکنید متعلق بشما است!!! و اعمال آنها از شما پرسیده نمیشود! که آنان چه اعمال و کردار انجام داده اند و چه کرده اند!!!

(از قرآن کریم و از سوره البقره آیات از ۱۲۴ تا ۱۴۱)

آیا آنکسی را ندیده ای (نمرود را) که خداوند به او پادشاهی داده بود!!! که درباره صاحب اختیار کلّ ابراهیم! با او مجادله و ستیز میکرد؟! و وقتی که ابراهیم به او گفت: صاحب اختیار کلّ من! آن است!!! که زنده میکند و میمیراند (نمرود) گفت: من هم زنده میکنم و میمیرانم!!! (نمرود) دستور داد و نفرزندان را آوردند یکی را کشت و دیگری را آزاد کرد!!! پس ابراهیم گفت: بدستیکه خداوند صاحب اختیار کلّ من! خورشید را از مشرق می آورد (ای نمرود) تو آن خورشید را از مغرب بیآور؟؟؟؟!!! آن

(نمرود) که کافر شده بود مبهوت ماند و حیران شد؟!؟! که چه بگوید: و خداوند قوم ستمکران و ظالمان را؛ راهنمایی و هدایت نمیکند!!!

(از قرآن کریم از سوره البقره آیه ۲۵۸)

و قتی که ابراهیم گفت: ای خداوند صاحب اختیار کلّ من!!! بمن نشان بده که چگونه مردگان رازنده میکنند؟! خداوند گفت: آیا ایمان نداری؟!؟! ابراهیم گفت: آری ایمان دارم!!! ولیکن برای آنکه آرامش دلم که بیار آمد!!! خداوند فرمود: چهار عدد را از پرنندگان بگیر و بطرف خود آور پاره پاره و بهم مخلوط کن! سپس بر هر کوهی جزئی از آنها قرار بده سپس بانامهایشان بخوانشان!!! و با عجه شتاب بسوی تو خواهند آمد! و بدان بدرستی که خداوند تعالی عزیز و حکیم است!!!

(از قرآن کریم از سوره البقره آیه ۲۶۰)

ای محمد بگو: ای اهل کتاب بیایید بسوی کلمه ای که بین ما و شما مساوی است! که در این کلمه نپرستیم مگر خداوند را! و چیزی را به او شریک قرار ندهیم! و بعضی از ما بعضی را به معبود و آریابی نگیریم! مگر خداوند را پس اگر عرض کردند: پس بگوئید: که شاهد باشید که بدرستی که ما به امر خداوند مسلمان و تسلیم هستیم!!! ای محمد بگو: ای اهل کتاب چرا؟!؟! در باره ابراهیم مخاصمه و محاجّه میکنید!!! و حال آنکه تورات و انجیل بعد از ابراهیم نازل شده است!!! آیا عقل خود را بکار نمی اندازید؟!؟! و شما همان هستید که مخاصمه و محاجّه کردید!!! در آن چه عالم و دانا بودید؟! پس چرا در آنچه به آن علم و دانائی ندارید؟! مخاصمه و محاجّه میکنید؟! و خداوند میدانند و شما نمیدانید!!! ابراهیم یهودی و نصرانی نبود!!! بلکه در راه حقّ و مسلمان و تسلیم خداوند بود! و ابراهیم از مشرکین نبود!!! بدرستی که سزاوارترین مردم به ابراهیم کسانی هستند! که پیرو این پیام آور محمد رسول الله بوده باشند! که به این پیام آور ایمان آورده باشند!!! و خداوند ولی و سرپرست مؤمنین است!

(از قرآن کریم از سوره آل عمران آیات ۶۴ تا ۶۸)

ای محمد! بگو: بخداوند ایمان آوردیم!!! و آنچه برمانازل شده! و آنچه به ابراهیم! و اسماعیل! و اسحق! و یعقوب! و اسباط نازل شده! و آنچه بموسی! و عیسی! و پیام آوران!!! از طرف خداوند صاحب اختیار گلشان! داده شده ایمان آوردیم!!! بین احدی از پیام آوران جدائی نمی افکنیم! و ما برای خداوند! خلاق جهان هستی و ربّ العالمین تسلیم شدگان و مسلمان هستیم! و هر کسی دینی غیر از اسلام بجوید! و بخواهد از او پذیرفته نخواهد شد! و او در عالم آخرت از زیانکاران است!!! خداوند چگونه قومی را که بعد از ایمان آوردنشان کافر شده اند؟؟!! هدایت کند؟؟!! و حال آنکه قبلاً گواهی دادند که این محمد رسول الله حقّ است!!! و دلیل های روشن برای ایشان آمده است! و خداوند قوم ستمگر را هدایت نمینماید! جزای این گونه مردم همین است!!! که لعنت خداوند و ملائکه و تمامی مردم!!! برای ایشان است!!! در آن لعنت جاوید میباشند!!! و از عذاب ایشان تخفیف داده نمیشود و برای ایشان مهلتی نمیباشد!!! بد رستیکه آنانیکه پس از ایمان کافر شده اند! سپس کفر خودشان را زیاد کرده اند که از ایشان توبه پذیرفته نمیباشد!!! و خودشان گمراه هستند! بد رستیکه آنانیکه کافر شده اند! و در حال کفر مردند! و زمین مملو از ظالمان یکی از ایشان باشد! در برابر عذاب بدهند پذیرفته نخواهد شد!!! و اگر چه آن طلاها را عوض بدهند و برای ایشان عذاب دردناک است! و برای ایشان هیچ کمک و یاورانی نیست! ای کافران هر چه دوست دارید انفاق کنید! هرگز بنیکی نائل نمیشوید!!! و هر چه داشته باشید انفاق نمایند قبول نمیشود! بد رستیکه خداوند بعمل شما دانا و عالم است!!! هر طعامی برای بنی اسرائیل حلال بود! مگر آنچه اسرائیل که قبل از نزول تورات بر خودش حرام کرده بود!!! ای محمد! بگو: اگر راست میگویند: تورات را بیاورید و تلاوت کنید!!! پس آن کسیکه بعد از نزول قرآن!!! بر خداوند دروغی و افتراء را ببندد!!! خود آن کس از ظالمان و ستمگران است!!! ای محمد! بگو: خداوند راست گفته است: دین ابراهیم حقّ گرائی!!! و یکتا پرستی بوده است! و او را پیروی کنید!!! که ابراهیم از

مشرکین!!! و بُت پرستان نبوده است!!! بدرستیکه اولین خانه ای که برای بهره مردم! بنیاده شده! که آن کعبه میباشد!!! که برای جهانیان بابرکت و راه هدایت است! و در آن کعبه آیات روشنی مقام ابراهیم است!!! و کسیکه توان داشته باشد برای حج آن خانه برود! و هرکسیکه کافر شود!!! پس بدرستیکه خداوند از جهانیان بی نیاز است!!! ای محمد بگو: ای اهل کتاب چرا؟! به آیات خداوند کافر میشوید؟؟؟! در حالیکه آن کارها را که انجام میدهد خداوند بر آنها شاهد است؟؟؟! ای محمد بگو: ای اهل کتاب چرا؟! کسی را که ایمان آورده از راه خداوند باز میدارید! و صدم میکنید! و در راه خداوند کجی و انحرافی میجوید؟؟؟! و حال آنکه خود شما شاهد! و گواهیده که هر کاری را که میکند خداوند غافل و بی خبر نیست؟؟?!

(از قرآن کریم و از سوره آل عمران آیات از ۸۴ تا ۹۹)

اللّٰهُ متعال میفرماید: ای محمد! بدرستیکه ما بسوی تو!!! وحی کردیم!!! چنانکه بسوی نوح وحی کردیم! و بسوی پیام آوران وحی کردیم! سپس بسوی ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و اسباط؛ موسی و عیسی و ایوب و یونس و سلیمان را وحی کردیم! و بدو از زبور دادیم و وحی کردیم! حقیقت این است! که حکایت و قصه های رسولانی که بر تونازل کریم! پیش از عده رسولانی بود که قصه ایشان را بر تونازل نکردیم!!! و خداوند باموسی سخن گفت و تکلم کرد: و رسولانی که فرستاده شده که بشارت دهنده و ترساننده بودند!!! برای این که پس از آن رسولان برای مردم بر خداوند حجّتی و دلیلی نداشته باشند!!! که برای خداوند حجّتی آورده باشند! و خداوند عزیز و حکیم است! لیکن خداوند! گواهی و شهادت میدهد به آن قرآنی را که بتو نازل کرده است! که آن را به علم خود فرستاده است!!! و فرشتگان هم به نازل قرآن شهادت میدهند! ولی تنها خداوند برای شهادت کافی است!!!

(از قرآن کریم و از سوره النساء آیات از ۱۶۳ تا ۱۶۶)

و قتیکه ابراهیم پدرش آزر! گفت: آیات هارا ملجاء خود گرفته ای؟؟?! بدرستیکه من تو را و قوم تو را آشکارا در ضلالت و گمراهی میبینم!!! خداوند گفت: بدین گونه

ملکوت آسمانها وزمین را به ابراهیم نمایان کردیم! و نشان دادیم!!! تا بنظر عقلی بنگرد! و از یقین کنندگان باشد!!! پس وقتیکه برابر ابراهیم تاریک شد ستاره ای دید گفت: این صاحب اختیار کلّ من است! پس وقتیکه ستاره غروب کرد گفت: دوست ندارم افول کننده و پنهان شدگان را!!! پس وقتیکه ماه را دید گفت: این ماه صاحب اختیار کلّ من است!!! پس وقتیکه ماه غروب و افول کرد گفت: اگر خداوند صاحب اختیار کلّ من! مرا هدایت نکند!!! بدون شک از گروه گمراهان میشوم!!! پس وقتیکه خورشید برآمده اورا دید!!! گفت: صاحب اختیار کلّ من! این خورشید است!!! که این بزرگتر است!!! پس وقتیکه خورشید به غروب رفت و افول کرد! ابراهیم گفت: ای قوم من بدرستی که از آنچه به خداوند شریک قرار میدهید!!! من بیزار هستم!!! بدرستی که من روی خود را! متوجه میدارم و برمیگردانم بسوی آن کسیکه آسمانها وزمین را از عدم و نیستی!!! بوجود آورده است!!! و من از مشرکین نیستم!!! و قوم ابراهیم با او محاجّه و مخاصمه کردند!!! و ابراهیم گفت: آیا در باره خداوند متعال با من محاجّه و مخاصمه میکنید؟! و حال آنکه او مرا هدایت فرموده است! و من نمیترسم از آنچه بخداوند شریک قرار داده اید!!! مگر آنکه خداوند صاحب اختیار کلّ من! بخواهد و قبول کند!!! و خداوند صاحب اختیار کلّ من! از جهت علم و دانش بر همه چیزی احاطه دارد! آیا متذکر نمیشوید؟! و نصیحت قبول نمیکنید؟! و چگونه از چیزهای راکه شما به خداوند شریک قرار داده اید بترسم؟؟؟؟ و برای چه بترسم؟؟؟؟ و حال آنکه شما برای خداوند شریک قرار داده اید؟! نمیترسید؟؟؟؟ و چیزهای راکه برای خداوند شریک قرار داده اید! برای شما هیچ دلیل و مدرک نازل نشده است؟؟؟؟ پس کدامیک از دو گروه بین ما سزاوارتر به ایمن و امنیت دارد؟؟؟؟ که اگر شما مشرکین دانسته باشید؟! و آنانیکه بخداوند ایمان آورده اند! و ایمانشان را با ظلم نپوشانیده اند و بظلم نیامیختند!!! ایمنی و امان و امنیت برای ایشان است!!! و آنان از هدایت شدگان هستند!!! خداوند گفت: حجّتی که ما برای ابراهیم داده ایم!!! این است که در

مقابل قوم او!!! ابراهیم را بالا بردیم! و هر کسی را بخوایم بالا میبریم!!! ای محمد! بدستیکه خداوند صاحب اختیار کلّ تو!!! حکیم و دانا است!!! و برای ابراهیم اسحق و یعقوب را بخشیدیم! و هر یکی آنان را هدایت نمودیم! نوح را از پیش هدایت کردیم و از ذریّه او! داود و سلیمان و ایوب و یوسف موسی و هارون را هدایت کردیم!!! که نیکوکاران را این گونه جزاء و پاداش می‌دهیم! و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس هر یکی از شایستگان و صالحان بودند!!! و اسماعیل و الیسع و یونس و لوط را!!! بر جهانیان برتری دادیم!!! و بعضی از پدران ایشان و برادران ایشان و فرزندان ایشان را!!! برتری دادیم و برگزیدیم!!! و ایشان را براه راست و توحیدی هدایتشان کردیم!!! هدایت خداوند این است!!! که هر کسی را که از بندگانش بخواهد براه توحیدی راه نمائی و هدایت میکند! و اگر شرک آورده بودند بدو نشکّ عملهای خیرایشان از بین رفته و نابود شده بود!!! (از قرآن کریم و از سوره الانعام آیات از ۷۴ تا ۸۸)

هر کسی که کار نیکی را انجام بدهد در روز قیامت جزای و پاداش او ده برابر خواهد شد!!! و هر کسی که کار بدی را انجام بدهد جزاء داده نمیشود مگر مانند آن!!! و برای ایشان ستمی کرده نمیشود!!! ای محمد بگو: بدستیکه خداوند صاحب اختیار کلّ من! مرا براه راست! و بدین استوار پابرجا که دین ابراهیم است هدایت و راهنمایی کرده است!!! که این دین او حقّ بوده! و خودش حقّ جو بوده است!!! و ابراهیم از مشرکین نبوده است! ای محمد بگو: که نماز من! آداب زندگی من! و آداب حجّ من! و مرگ و ممات من!!! برای خداوند خلاق جهانی هستی و ربّ العالمین میباشد!!! خداوندیکه صاحب اختیار کلّ جهانیان و من است! که هرگز بر خداوند خلاق جهان هستی شریک وجود ندارد!!! که بمن امر فرمود: که من اولین مسلمان و تسلیم بوده باشم!!! و خداوند فرمود: حقیقت این است!!! که فرستادگان ما بابشارت بنزد ابراهیم آمدند! و گفتند: سلام بر تو ای ابراهیم گفت: سلام بر شما پس ابراهیم درنگ نکرد که گوساله بریانی را آورد!!! پس وقتی که ابراهیم دید دستهای ایشان به آن

گوساله نمیرسد! و از گوشت آن نمیخورند که ایشان را شناخت و از ایشان ترسید! گفتند: مترس!!! بدرستیکه ما بسوی قوم لوط فرستاده شده ایم!!! و اسحق را به ابراهیم مژده دادیم! و از نسل اسحاق یعقوب را مژده دادیم!! وزن ابراهیم ایستاده بود که خندید! و گفت: ای وای بر من آیمن فرزندی می آورم؟! و حال آنکه من پیرزن هستم!!! و این شوهر من پیرمردی است!!! بدرستیکه این کار بدونشک!!! چیزی عجیبی است! گفتند: آیا از فرمان خداوند تعجب میکنی؟؟!! رحمت خداوند و برکات او بر خانواده شماست؟؟!! بدرستیکه او خداوند ستوده و بزرگوار است!!! پس وقتیکه دلهره از ابراهیم بر طرف شد! و بشارت فرزندیکه بر او آمده بود! درباره قوم لوط با ما مجادله میکرد!!! بدرستیکه ابراهیم بر دبار دلسوز!!! و بر خداوند بازگشت کننده بود!!! ملائکه گفتند: ای ابراهیم از این مجادله اعراض کن و حقیقت این است که فرمان خداوند صاحب اختیار کلّ تو! آماده شده است!!! بدرستیکه عذابی که برای ایشان خواهد آمد که برگشتی ندارد!!! و وقتیکه فرستادگان خداوند نزل لوط آمدند!!! لوط بواسطه ایشان بد حال شد!!! و حوصله اش تنگ شد! و لوط گفت: این روزی سختی است! قوم لوط در حالیکه شتاب میکردند بسوی او آمدند!!! و قبل از آن کارهای بدی را انجام میدادند!!! لوط گفت: ای قوم پس از خداوند بترسید و مراد رپیش مهمانانم رسوا کنید! آیدر میان شما مرد رشیدی نیست؟! ای قوم من! اینان دختران من هستند!!! که برای شما پاکیزه ترند!!! گفتند: این راست است که میدانی برای ما در دختران توحقی نیست! و بدرستیکه تو میدانی که چه میخواهیم؟! لوط گفت: اگر من قدرتی داشتم قصد شما را دفع میکردم!!! و یاپناه میبردم بپناهگاه محکمی در آن زمان فرشتگان گفتند: ای لوط بدرستیکه ما فرستادگان!!! خداوند صاحب اختیار کلّ تو هستیم!!! که دست ایشان بتو هرگز نخواهد رسید!!! پس پیروانت را در پاره ای در شب سیربده و هیچ یکی از شما بعقب توجه نکند!!! مگر زنت زیرا که عذابی که به ایشان خواهد رسید و به او هم میرسد!!! بدرستیکه وعده گاه عذاب

ایشان صبح است آیا صبح نزدیک نیست؟؟؟؟!!! پس وقتیکه فرمان خداوند آمد آن شهر را سرنگون کردیم! وزیر آن را بروی آوردیم و بر آن سنگ بارانیدیم! آن سنگی که از گل پخته آماده شده بود که پی در پی بارانیدیم!!! ای محمد! سنگهایی در نزد خداوند صاحب اختیار کلّ تو! نشاندار شده بود! بدرستی که این عذاب از ستمکاران و ظالمان دور نیست!!! (از قرآن کریم و از سوره هود آیات از ۶۹ تا ۸۳)

ای محمد! بیاد آور هنگامیکه ابراهیم گفت: ای خداوند صاحب اختیار کلّ من! این شهر مکه را محلّ امن قرار بده! و مرا و فرزندانم را از بت پرستی دور نگاه بدار! و ای الله صاحب اختیار کلّ من! بدرستی که این بت ها بسیاری از مردم را گمراه کرده اند! پس آن کسیکه از من پیروی کند او از من است! و آن کسیکه از پیروی من عصیان کند! پس بدرستی که تو با مهربانی بخشنده هستی!!! ابراهیم گفت: ای خداوند صاحب اختیار کلّ من! بعضی از ذریّه خود را بوادی! در دامن کوهی ساکن نمودم (اسماعیل بود) که بدون زراعت در نزد خانه محترم تو میباشد! تا نماز را برپا دارند! پس دل‌های برخی از مردم را بسوی ایشان متمایل کن!!! و از میوه ها برایشان روزی بده باشد که ایشان برای تو شکرگزاری کنند!!! (از قرآن کریم و از سوره ابراهیم آیات از ۳۵ تا ۳۷)

نکات از مؤلف: ابراهیم فرزند خود را که در کنار کعبه مکه گذارده بود! پسر بزرگش اسماعیل بود!!! که اسماعیل جدّ محمد رسول الله میباشد!!! قیداری که در تورات آمده پسر دوّم اسماعیل است! که محمد رسول الله از طایفه قیدار است که در فصل محمد رسول الله مفصلاً خواهیم نوشت!!!

خداوند گفت: بدرستی که ابراهیم خود امتی بود!!! که برای خداوند واحد و یکتا مطیع و مسلمان بوده است!!! و ابراهیم حقّ گرا و یکتا پرست بود!!! و ابراهیم از مشرکین نبوده! که برای نعمتهای خداوندش شکر گزار بوده است! خداوند او را برگزید و او را پسر راست خودش هدایت کرد! و برای ابراهیم در دنیای یکی عطاء کردیم!!! بدرستی که او در آخرت بدون شکّ از شایستگان و صالحان است! ای محمد پس بسوی تو وحی نمودیم! که از دین ابراهیم پیروی کن!!! زیرا که دین ابراهیم! دین یکتا پرستی بود! و ابراهیم از مشرکین نبوده است!!! (از قرآن کریم و از سوره النحل آیات از ۱۲۰ تا ۱۲۳)

خداوند گفت: هنگامیکه ابراهیم را! راهنمایی کردیم! و برای ابراهیم خانه کعبه را مکان قرار دادیم و گفتیم: چیزی را برای من شریک قرار نده!!! و خانه مرا برای طواف کنندگان و نمازگزاران و رکوع و سجده کنندگان پاک بنما!!! و در میان مردم اعلان به حج کن!!! بسوی تو پیادگان و سواران بر هرشتر لاغری از هر راه دوری بیایند! تا منافع خودشان را مشاهده کنند! و نام خداوند را در روزهای که معلوم شده ذکر کنند!!! و بر آنچه راکه از چهارپایان و زبان بسته هاروزیشان کردیم یاد کنند!!! پس از آنها بخورند بسختی کشیده و فقیران اطعام کنند! سپس کثافات خود را از آله کنند و بنذرهای خود فنامیند!!! و خانه کعبه را طواف کنند! که مناسک و آداب حج این است!!! برای آن کسیکه محرمات خداوند را بزرگ بشمارد!!! و برای او و برای شما چهارپایان که حلال شده خوبست!!! مگر آنچه بر شما تلاوت میشود اجتناب کنید!!! و از گفتن قول بیجا و زوردوری نماید!!! و برای خداوند متعال خالص باشید و به خداوند شریک قرار ندهید!!! و آن کسیکه به خداوند شریک قرار بدهد!!! پس گویا از آسمان سقوط کرده است که مرغان!!! لا شخورها اورا بر بایند و پاره پاره کرده اند!!! و بیاباد اورا دروادی سرازیر بسازد! و بدوری افکنده نابود شده است!!! آن کسیکه شعائر خداوند را بزرگ بشمارد بد رستیکه دل آن از پرهیزکاران است!!! (از قرآن کریم و از سوره الحج آیات از ۲۶ تا ۳۲)

خداوند گفت: بد رستیکه ابراهیم از پیروان نوح بوده است! هنگامیکه ابراهیم با قلب سالم به خداوند صاحب اختیار کلّ خود! توجه کرد!!! بی پدر و قوم خود گفت: این چیست که می پرسیتید؟! آیا غیر از خداوند حقیقی! خدایان دروغین را می خواهید؟! پس بگمان شما خداوند صاحب اختیار کلّ جهانیان! چیست؟؟؟؟!!! پس ابراهیم نظر دقیقی بستارگان کرد و گفت: بد رستیکه من بیمارم (روز عید قوم نمرود بود که میخواستند! بصره بروند! و میخواستند ابراهیم را بنزد خود ببرند که گفت: من بیمارم که نرفت تا کار بُت هارا تمام کند و بعد از آن پاره کرد) پس از ابراهیم اعراض کردند! و وقتیکه

بصحراء!!! روی گردانیدند! پس ابراهیم درپنهانی روی کردبه خدایان دروغین بُت پرستان وگفت: چرا نمیخورید؟! و برای شماچه شده که سخن نمیگوئید؟! پس با دست راست با تبربه بُت هاحمله کرد!!! برای زدن بُت ها و باکمال قوت زد و بُت ها را پاره پاره کرد! پس مردم درحالیکه میشتافتند! بسوی ابراهیم روی آوردند! ابراهیم گفت: آیا آنچه را که خودتان میتراشید؟؟!! و آن رامیپرستید؟؟!! و حال آنکه خداوند هم شمارا! و هم ساخته شمارا آفریده! خلق کرده است! بُت پرستان گفتند: برای ابراهیم آتشی بناءکنید!!! پس او را زنده زنده به آتش بیندازید و در آتش بسوزانید پس بُت پرستان به او مگری ارده کردند!!! که بُت پرستان را پست تر و خوارتر قراردادیم! و آتش ابراهیم را بسوزانید! و ابراهیم گفت: بدرستی که من بسوی خداوند صاحب اختیار کُلّ خودم! میروم!!! پس بزودی او مرا هدایت خواهد کرد!!! **ابراهیم گفت: ای خداوند صاحب اختیار کُلّ من! برای من از فرزندان شایسته و صالح عطاء کن!!! پس برای ابراهیم پسر بردبار و حلیم را مژده دادیم!** (این پسر اسماعیل بود) پس وقتی که اوبه حدّ رشد رسید که بتواند با وسعی کند! ابراهیم گفت: ای پسر من بدرستی که من در خواب دیدم! که تورا ذبح میکنم! پس بنگر نظر ورای تو چیست؟ (اسماعیل) گفت: ای پدر من آنچه مأمور شده! ای بجا آور که اگر خداوند بخواد مرا از صابرین خواهی یافت! پس وقتی که هر دوبه امر خداوند تسلیم شدند! ابراهیم پسرش را بجنبین افکند!!! تا او را ذبح نماید!!! خداوند گفت: او را ندا کردیم گفتیم: ای ابراهیم حقیقت این است! که خوابت را درست دیده ای!!! بدرستی که ما بنیکوکاران چنین جزاء و پاداش میدهیم!!! بدرستی که این همان آزمایش آشکار است!!! و به عوض اسماعیل ذبح بزرگ را عطاء کردیم!!! (در عوض اسماعیل خداوند متعال! پروار و قوچی بزرگی فرستاده که ابراهیم آن قوچ و پروار را ذبح و قربانی کرده است) و این آداب ذبح پروار را برای آیندگان عمل خیری گذاشتیم! خداوند فرمود: سلام بر ابراهیم!!! که برای نیکوکاران چنین جزاء و پاداش میدهیم! بدرستی که ابراهیم از بندگان مؤمن با ایمان خداوند بود!!! و اسحق را برای ابراهیم مژده دادیم!!! در حالی که اسحق هم از پیام آوران و صالحان خواهد بود!!!

و کیست که دین او نیکوتر و بهتر بوده باشد؟! از دین آن کسی که خود را برای خداوند متعال تسلیم نماید و اسلام آورد؟! در حالیکه او از نیکوکاران میباشد! و از آئین یکتا پرستی ابراهیم پیروی کند!!! خداوند ابراهیم را برای خود دوست گرفته و دوست انتخاب کرده است!!! (از قرآن کریم و از سوره النساء آیه ۱۲۵)

نکاتی از مؤلف: در عالم بشریت برای ابراهیم بُت شکن تاریخ جهان و قهرمان توحید!!! از این افتخار و ثمن بالا تر و بهتر افتخار و ارج و شرف پیدا نمیشود و وجود ندارد!!! زیرا که خداوند حقیقی خلاق جهان هستی و ربّ العالمین قرآن کریم!!! و خداوند صاحب اختیار کلّ جهانیان! برابر ابراهیم سلام بفرستد!!! و بگوید: که ابراهیم دوست و برگزیده من است! سلام و آفرین برابر ابراهیم بُت شکن تاریخ جهان و قهرمان توحید!!! و سلام و درود خداوند متعال! و پیام آوران!!! و تمامی مسلمانان! و ملائکه برابر ابراهیم بُت شکن و قهرمان توحید و یکتا پرست! و تمامی ذریّه و خاندان او باد!!!

فصل پنجم

زندگی و عملکرد اسماعیل پسر بزرگ ابراهیم در
ادیان سه گانه یعنی یهودیت؛ و مسیحیت؛ و اسلام

بنداول: در باره زندگی اسمعیل در کتاب مقدس عهدعتیق و در تورات تحریف شده فعلی این است!!! پیدایش اسمعیل بن ابراهیم!!! که هاجر مصری کنیز ساره برای ابراهیم زائیده! و این است نامهای پسران اسمعیل موافق اسم های ایشان بحسب پیدایش ایشان!!! نخست زاده اسمعیل؛ نَبایوت؛ وقیدار؛ و آدبیل؛ و مِبسام؛ و مشماع؛ و دومه؛ و مسأ؛ و حدار؛ و تیما؛ و یطور؛ و نَافیش؛ و قِدَمَه؛ اینانند پسران اسمعیل و این است نامهای ایشان در بلدان و حله های ایشان دوازده امیر! حسب قبایل ایشان! و مدت زندگانی اسمعیل صدوسی و هفت سال که جان راسپرده بمرد!!! و بقوم خود ملحق گشت!!! و ایشان از حویله تاشور!!! که مقابل مصر بسمت آشور واقع است ساکن بودند!!! و نصیب او در مقابل همه برادران او افتاد!!!!

(از کتاب مقدس عهدعتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش؛ باب؛ بیست و پنجم آیات از ۲ تا ۱۸)

نکاتی از مؤلف: بنظرمی آید که کتاب مقدس عهدعتیق و کتاب تورات تحریف شده فعلی!!! بعد از نزول قرآن کریم نوشته شده است! زیرا که در قرآن کریم! برای اسماعیل ارزش فراوان گذاشته شده است! و قربانی پسر ابراهیم را اسماعیل نوشته!!! و او را پیام آور خداوند و صاحب کتاب دانسته است!!! فکر میکنم بخاطر این ارزش خیلی بسیار! و فراوان که قرآن کریم به اسماعیل قائل شده است! که کتاب مقدس عهدعتیق و کتاب تورات فعلی!!! فقط از اسماعیل نام برده و مرد وحشی دانسته است! و این نوشته خود ثابت میکند! که نویسندگان کتاب مقدس عهدعتیق و کتاب تورات فعلی! اسماعیل را دشمن دانسته! و خواست که نژاد پرستی یهودیت صهیون نیزم ثابت کند که نشده است! پناه بر خداوند ببینید که چقدر نادان و بیفهم بوده اند! اسحق را خواهرزاده ابراهیم! و برادرزاده ساره نوشته اند!!! پس در این صورت نژاد و نسل اسحق حلال زاده چه میشود؟؟؟؟ این نسل اسحق رسول الله یعنی چه؟؟؟؟ پناه بر خداوند پس در این صورت اسحق هم خواهرزاده!!! و هم فرزند!!! هم پسر ابراهیم میشود؟؟؟؟ و هم برادرزاده ساره و هم فرزند! و پسر او میشود؟؟؟؟!!! از این نوشتجات کتاب تورات فعلی!!! ثابت میشود!!! تمام یهودیان صهیون نیزم جهان از یک خواهر برادر متولد شده اند؟؟؟؟ که اصل ملات کتاب مقدس عهدعتیق و اصل ملات کتاب تورات تحریف فعلی! همین زنا زادگی و حرام زادگی میباشد!!! و بهمین جهت اصل و اصل و اصل و ناب و ناب و ناب آیات شیطانی! همین کتابهای

!کتاب مقدس عهد عتیق! و کتاب تورات تحریف شده فعلی! میباشند!!! زیرا که هم به خداوند خالق خلاق جهان هستی ربّ العالمین! و پیام آوران و رسولان و انبیاء عظام او!!! و بهمه انسانهای پاک و مقدس و مطهرو حلال زادگان!!! تمام تهمت‌ها و اهانت‌ها و کذب و دروغ و افتراءات و حرفهای رکیک و سگسی را رواداشتند!!! پناه بر خداوند متعال! خدایا این بنده گناهکارت را ببخش که چنین حرف‌ها را نوشته ام!!!
و این نکته را بیاد داشته باشید! که قیدار پسر دوّم اسمعیل است! که جدّمحمد رسول الله میباشند!!! که در فصل محمد (ص) رسول الله تماماً خواهیم نوشت!!!

و پسران اسمعیل که دوازده نفر بودند!!! در کتابها و یا در تاریخ درباره آنها چیزی نوشته نشده است!!! مثل اینکه چنین انسانهایی در روی زمین وجود نداشتند!!! و در صورتیکه پدر ایشان اسمعیل در قرآن کریم وحی منزل خداوند برای مسلمانان! از پیام آوران بزرگ خداوند خالق خلاق هستی جهان ربّ العالمین! صاحب کتاب آسمانی میباشند!!! که در همه جای قرآن کریم نامهای ابراهیم و اسماعیل و اسحق باهم آمده است! و خانه اسماعیل باخانه خداوند کعبه دیوار بدوار و همسایه میباشند! که خانه اسمعیل را باخانه خداوند حجّاج مسلمانان باهم طواف مینمایند!!! و قبر اسمعیل و مادر گرامیش خانم هاجر در همان خانه مدفون هستند!!! و اسمعیل تنها مردی و پیام آوری است! و مادرش تنه‌زنی است!!! طواف قبرشان را باخانه کعبه خداوند متعال دستور فرموده است! که از پسران دوازده گانه چنین اسمعیل هیچ خبر و نوشته در تاریخ وجود ندارد!!! و در قرآن کریم عده زیادی نام از پیام آوران مانند یونس و الیاس و ادريس! الیاسین و غیر! آمده است!!! که شاید از نسل همان اسمعیل بوده باشند!!! که در این باره شک بسیار بزرگی وجود دارد! زیرا که عالم یهودیت صهیون نیست کتابهای آسمانی خودشان را تحریف کردند!!! و تاریخ انبیاء عظام خداوند ربّ العالمین جهان هستی را نیز تحریف کردند! و تاریخ جهان را هم تحریف کردند! و انبیاء عظام خداوند را عمدآکشتند و بقتل رسانیده اند!!! و تولید مذاهب فراوان را به انجام رسانیده اند و بوجود آوردند! و اکنون اهل جهان گرفتار این مسئله مذهب سازی میباشند!!! و اکثر کشت و کشتار از راه مذهب آمده است!!! کسیکه با مادرش زنا کند با دیگران چه کار میکند؟؟؟؟ لعنت الله قهار بر اینها باد!!!

در همین فصل کتاب تورات فعلی!!! آدرس پسران اسمعیل را چنین نوشته است و ایشان از حویله تاشور که مقابل مصر سمت آشور واقع است ساکن بودند باید بدانیم! که این نشانه امروز عربستان سعودی میباشد! که به نقشه جهان نگاه فرمایید!!!

بند دوم:

نکاتی از مؤلف: در کتاب مقدس عهد جدید و یواناجیل! که کتاب آسمانی دین مسیحیت میباشد! درباره اسماعیل فرزند ابراهیم و مطلبی و چیزی نوشته نشده است!!!

بند سوم: زندگی اسماعیل پسر بزرگ ابراهیم در قرآن کریم وحی منزل

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الله فرمود: ای محمد! و بیاد آورد کتاب قرآن اسماعیل را!!! بدرستی که او در وعده خود صادق و راستگو بود!!! و پیام آور بلند مرتبه و بالاشان بود!!! و اهل خود را بنماز و زکات امر میکرد!!! و در نزد خداوند صاحب اختیار کلّ خودش! پسندیده بود!!!
(قرآن کریم و سوره مریم آیه ۴ و ۵)

الله فرمود: وای محمد! بیاد آور اسماعیل و ادريس و ذوالکفل را که هریکی اینها از صبرکنندگان بودند! و ایشان را برحمت خود داخل نمودیم! زیرا که ایشان از شایستگان و صالحان بودند!!! (از قرآن کریم و از سوره الانبیاء آیات ۸۵ و ۸۶)

الله فرمود: وای محمد! بیاد آور اسماعیل و الیسع و ذوالکفل را که هریکی از ایشان از نیکان بودند!!! (از قرآن کریم و از سوره ص آیه ۴۸)

الله فرمود: وای محمد! بیاد آور زمانیکه ماخانه کعبه را برای بهره مردم و برای امن و آمان مرجع قرار دادیم!!! و دستور دادیم که محلّ اقامه جای نماز ابراهیم را جای نماز بگیرد!!! و پیمان ما با ابراهیم و اسماعیل این بود! که خانه ما را برای طواف کنندگان و اعتکاف!!! داران و نمازگزاران و رکوع و سجودکنندگان پاک و مطهر نماید!!! (از قرآن کریم و سوره البقره آیه ۱۲۵)

الله فرمود: وای محمد! بیاد آور وقتیکه ابراهیم و اسماعیل ستونهای کعبه را بلند کردند و گفتند: ای الله صاحب اختیار کلّ ما! از ما قبول بفرما!!! بدرستیکه شنواودانا تویی!!! (از قرآن کریم و از سوره البقره آیه ۱۲۷)

الله فرمود: ای بنی اسرائیل هنگامیکه برای یعقوب مرگ رسیده بود آیا شما حاضر بودید؟؟؟؟!!! و وقتیکه بفرزندان خود گفت: پس از من چه چیز را میپرسید؟؟؟؟!!!؟؟؟؟ گفتند: خدای تو و خدای پدران تو را ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را که خدای واحد است!!! که الله خالق خلاق را میپرسیم! و بفرمان او مطیع هستیم!!! و برای او مسلمان و تسلیم شدگانیم!!! (از قرآن کریم و از سوره البقره آیه ۱۳۳)

خداوند گفت: اسماعیل و الیسع و لوط راهریکی اینهار ابرجهانیان برتری دادیم!!! (از قرآن کریم و از سوره الانعام آیه ۸۶)

ابراهیم گفت: ای خداوند صاحب اختیار کلّ من! برای من از فرزندان شایسته!!! و صالح عطاء فرما! پس برای ابراهیم پسر بردبار و حلیم را مرده دادیم (که اسماعیل بود) پس وقتیکه پسر او به حدّ رشدرسیده بود!!! که بتواند با او سعی کند!!! ابراهیم گفت: ای پسر من بدرستیکه در خواب دیدم که تو را ذبح میکنم!!! پس بنگر نظرو رأی تو چیست؟! اسماعیل گفت: ای پدر من به آنچه مأمور شده ای بجا آور! که اگر خداوند بخواهد!!! مرا از صابرین خواهی یافت!!! پس وقتیکه هر دو به امر خداوند تسلیم شده اند! ابراهیم پسرش اسماعیل را بجنبین افکند تا ذبح نماید! خداوند گفت: اوراندا کردیم و گفتیم: ای ابراهیم! حقیقت این است!! که خواب را درست دیده ای بدرستیکه ما بنیکوکاران چنین جزاء و پاداش میدهیم!!! بدرستیکه این آزمایش آشکار است!!! و خداوند فرمود: به عوض اسماعیل ذبح بزرگ را قرار دادیم!!! این ذبح قوچی و پرواری را برای آیندگان عمل خیری گذاشتیم!!! سلام بر ابراهیم!!! (از قرآن کریم و از سوره الصّفات آیات از ۱۰۰ تا ۱۰۸)

نکاتی از مؤلف: از این آیات قرآن کریم آشکارا استفاده میشود که اسماعیل پسر بزرگ ابراهیم! که از هاجر کنیز ابراهیم زائیده بود و از هاجر متولد شد!!! که یکی از پیام آوران بزرگ و شایسته خداوند متعال بوده است! و صاحب کتاب آسمانی بود! و یکی از افتخار اسماعیل و مادر گرامیش ها جر این است!!! که با خانه خداوند کعبه همسایه دیوار بدیوار است!!! که در همان خانه خودشان مدفون شده اند!!! که الآن تمامی حجاج مسلمانان جهان!!! خانه آنها را با خانه خداوند کعبه را با هم طواف میکنند!!! که این طواف دستور خود خداوند متعال بوده است!!! که اسماعیل جدّ محمد رسول میباشد!!! که هیچ پیام آور چنین افتخاری را ندارند!!! که با خانه الله همسایه بوده باشد!!! که همین اسماعیل رسول الله!!! جدّ خاتم پیام آوران محمد رسول الله میباشد که در کتاب مقدس عهد عتیق! و از کتاب تورات فعلی! آمده است **! که قیدار پسر دوّم اسماعیل است!!!** و محمد رسول الله از ذریّه قیدار میباشد!!! که در فصل محمد رسول الله مفصلاً خواهیم نوشت!!!

فصل ششم

تطبیق زندگی و عملکرد اسحاق پسر کوچک ابراهیم
در ادیان سه گانه یعنی؛ یهودیت؛ و مسیحیت؛ و اسلام

بنداول درباره زندگی اسحق از کتاب مقدس عهدعتیق؛ از تورات فعلی

و این است پیدایش اسحق بن ابراهیم! که ابراهیم اسحق را آورده!!! و چون اسحق
 چهل ساله شد! رفقه دختر بتوئیل ارامی! و خواهر لابان ارامی را از فدّان ارام بزنی
 گرفت! و اسحق برای زوجه خود چونکه نازا بود نزد خداوند دعا کرد و خداوند او را
 مستجاب فرمود زوجه اش رفقه حامله شد!!! و دوظفل در رحم او منازعت کردند!
 او گفت: اگر چنین باشد! من چرا چنین هستم؟! پس رفت تا از خداوند پرسید؟! خداوند
 بوی گفت: دو امت در بطن تو هستند!!! و دو قوم از رحم تو جدا شوند! و قومی بر قومی
 تسلط خواهد یافت!!! و بزرگ کوچک را بندگی خواهد نمود چون وقت وضع حملش
 رسید!!! اینک تو امان در رحم او بودند!!! و نخستین سرخ فام بیرون آمد!!! و تمامی
 بدنش مانند پوستین پشمین بود!!! او را عیسونام نهادند و بعد از آن برادرش بیرون
 آمد! و پاشنه عیسورا بدست خود گرفته بود! و او را یعقوب نام نهادند! و در حین
 ولادت ایشان اسحق شصت ساله بود! و آن دو پسر نمود کردند! و عیسو صیادی ماهر
 و مرد صحرایی بود! و امایعقوب مرد ساده دل و چادر نشین! و اسحق عیسور دوست
 داشت! زیرا که صید او را میخورد! اما رفقه یعقوب را محبت نمودی!!! روزی یعقوب
 آش میپخت! و عیسو و امانده از صحراء آمد!!! و عیسو بیعقوب گفت: از این آش آدم
 (یعنی سرخ) مرا بخوران زیرا که وا مانده ام از این سبب او را آدم نامیدند! یعقوب
 گفت: امروز نخست زادگی خود را بمن بفروش عیسو گفت: اینک من بحالت موت
 رسیده ام پس مرا از نخست زادگی چه فائده!!! یعقوب گفت: امروز برای من قسم
 بخور!!! پس برای او قسم خورد و نخست زادگی خود را بیعقوب فروخت!!! و یعقوب
 نان و آش عدس رابه عیسو داد که خورد!!! و نوشید و بر خاسته بر رفت!!! پس عیسو
 نخست زادگی خود خوار نمود!!!

(از کتاب مقدس عهدعتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب بیست و پنجم)

قحطی در آن زمین حادث شد! غیر آن قحط اول که در ایام ابراهیم بود! واسحق نزد ابی ملک پادشاه فلسطینیان بجرار رفت!!! **خداوند بروی ظاهر شده گفت: به مصر فرود آیی! بلکه بزیمینی که میگویم: ساکن شو!** در این زمین توقف نماوبا توخواهم بود و تو را خواهم داد!!! زیرا که بتو و ذریّت تو تمام این زمین را میدهم!!! و سوگندی راکه با پدرت ابراهیم خوردم استوار خواهم داشت! و ذریّت تو را مانند ستارگان آسمان کثیر گردانم! و تمام این زمین ها را بذریّت تو بخشم!!! و از ذریّت تو جمیع امتهای جهان برکت خواهند یافت!!! زیرا که ابراهیم قول مرا شنید و وصایا!!! و او امر و فرایض و احکام مرا نگاه داشت! پس اسحق در جرار اقامت نمود! و مردان آن مکان درباره زنش از او جويا شدند!!! **گفت: او خواهر من است!!! زیرا که ترسید که بگوید: زوجه من است!!! مبادا اهل آنجا او را بخاطر رفقه که نیکو منظر بود بکشند!!! و چون در آنجامدتی توقف نمود!!! چنان افتاد که ابی ملک پادشاه فلسطینیان از دریچه نظاره کرد!!! و دید که اینک اسحق باز و زوجه خود رفقه مزاح میکند!!! پس ابی ملک اسحق را خوانده!!! و گفت: همانا این زوجه توست! پس چرا گفتی که خواهر من است؟؟؟!!! اسحق بدو گفت: زیرا گفتم: که مبادا برای وی بمیرم!!! ابی گفت: این چه کار است که با ما کردی؟؟؟؟!!! نزدیک بود یکی از اقوام من باز و زوجه ات هم خواب شود؟! و برای ما جرمی آورده باشی؟؟؟! و ابی ملک تمام قوم را قدغن فرموده گفت: کسیکه متعرض این مرد و زوجه اش شود هراینه خواهد مرد!!! و اسحق در آن زمین زراعت کرد و در آن سال صدچندان پیدا نمود!!! و خداوند او را برکت داد!!! و آن مرد بزرگ شده انافاتاً ترقی مینمود تا بسیار بزرگ گردید! و او را گله گوسفندان و مواشی گاوان و غلامان کثیر بود!!! و فلسطینیان بر او حسد بردند! و همه چاههایی که نوکران پدرش در ایام ابراهیم کنده بودند!!! فلسطینیان آنها را بستند و از خاک پر کردند!!! و ابی ملک به اسحق گفت: از نزد ما برو زیرا که از ما بسیار بزرگتر شده!!! پس اسحق از آنجا بر رفت و در وادی جرار فرود آمده در آن جاساکن شد! و چاههای آب را در ایام پدرش ابراهیم کنده بودند!!! و فلسطینیان آنها را بعد از فوت ابراهیم بسته بودند!!! اسحق از سرنو**

کند! و آنها را مسمی نمود بنامهایی که پدرش آنها را نامیده بود!!! و نوکران اسحق در آن وادی حفره زدند و چاه آب زنده در آنجا یافتند؛ و شبانان جرار با شبانان اسحق منازعه کرده گفتند این آب از آن ماست پس آن چاه را عسق نامید! زیرا که با وی منازعه کردند! و چاهی دیگر کردند و همچنان برای آن جنگ کردند و آن را سِطنه نامید و از آنجا کوچ کرده چاهی دیگر کردند و برای آن جنگ نکردند!!! پس آن را رَحوبوت نامیده گفت: که اکنون خداوند ما را وسعت داده است و در زمین بارور خواهم شد!!! پس از آنجا بئر شَبَع آمد! و در همان شب خداوند بروی ظاهر شده!!! گفت: من خدای پدرت ابراهیم هستم ترسان مباش!!! زیرا که من با تو هستم و تورا برکت میدهم! و ذریت تورا بخاطر بنده خود ابراهیم فراوان خواهم ساخت!!! و مذبحی در آنجا بنا نهاد و نام یَهُوه را خواند! و خیمه خود را برپا نمود و نوکران اسحق چاهی در آنجا کردند! و ابی ملک به اتفاق یکی از اصحاب خود آحزات نام و فیگل که سپه سالار او بود از جرار بنزاد آمدند!!! و اسحق بدیشان گفت: چرا نزد من آمدید؟! با آنکه با من عداوت نمودید؟!؟! و مرا از نزد خود رانیدید؟! گفتند: بتحقیق فهمیده ایم که خداوند با تو است!!! پس گفتیم: سوگندی در میان ما و تو باشد و عهدی با تو ببندیم!!! تا بمابدی نکنی چنانکه بتوضیری نرساندیم بلکه غیر از نیکی بتو نکردیم! و تورا بسلامتی روانه نمودیم و اکنون مبارک خداوند هستی! آنگاه برای ایشان ضیافتی برپا نمود و خوردند و آشامیدند!!! با مدادن برخاسته بایکدیگر قسم خوردند!!! و اسحق ایشان را وداع نمود!!! پس از نزد وی بسلامتی رفتند!!! و در آنروز چنان افتاد که نوکران اسحق آمده او را!!! از چاهی که میکنند خبر داده گفتند: آب یافتیم! پس آن را شَبَعه نامید!!! از این سبب آن شهرتا امروز بئر شَبَع نام دارد و چون عیسو چهل ساله بود یهودیه دختر بیرئی حتی و بَشَمَه دختر ایلون حتی را بزنی گرفت!!! و ایشان باعث تلخی جان اسحق و رفقه شدند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب بیست و ششم)

و چون اسحق پیرشد و چشمانش از دیدن تارگشته بود!!! پسر بزرگ خود عیسورا طلبیده بوی گفت: ای پسر من گفت: لبیک!!! گفت: اینک پیر شده ام و وقت اجل خود را نمیدانم! پس اکنون سلاح خود یعنی ترکش و کمان خویش را گرفته!!! بصحراء برو!!! و نخجیری برای من بگیر!!! و خورشی برای من چنانکه دوست میدارم ساخته!!! نزد من حاضر کن تا بخورم و جانم قبل از مردنم تو را برکت دهد!!! و چون اسحق بیسر خود عیسو سخن میگفت: رفقه بشنید و عیسو بصحراء رفت تا نخجیری صید کرده بیاورد!!! آنگاه رفقه پسر خود یعقوب را خوانده!!! گفت: اینک پدرتورا شنیدم که برادرت عیسورا خطاب کرده!!! میگفت: برای من شکاری آور خورشی بساز تا آن را بخورم!!! و قبل از مردنم تو را در حضور خداوند برکت دهم پس ای پسر من الآن سخن مرا بشنو و آنچه من بتو امر میکنم!!! بسوی گله بشتاب و دویز غاله خوب از بزاها نزد من بیاور!!! تا از آنها غذایی برای پدرت بطوری که دوست می دارد بسازم!!! و آن را نزد پدرت ببر تا بخورد و تو را قبل از وفاتش برکت بدهد!!! یعقوب بمادر خود رفقه گفت: اینک برادرم عیسو مردی مویدار است!!! و من مردی بی موی هستم! شاید که پدرم مرا لمس نماید و در نظرش مثل مسخره بشوم و لعنت بعوض برکت بر خود آورم!!! مادرش بوی گفت: ای پسر من لعنت تو بر من باد!!! فقط سخن مرا بشنو و رفته آن را بر من بگیر! پس رفت و گرفته نزد مادر خود آورد! و مادرش خورشی ساخت بطوریکه پدرش دوست میداشت!!! و رفقه جامعه فاخر پسر بزرگ خود عیسورا که نزد او در خانه بود بیسر کهتر خود یعقوب پوشانید!!! و پوست بز غاله هارا بردستها و نرمه کردن او بست و خورش و نانی که ساخته بود بدست پسر خود یعقوب سپرد!!! پس نزد پدر خود آمده گفت: ای پدر من گفت: لبیک تو کیستی ای پسر من؟؟؟؟!! یعقوب به پدر خود گفت: من نخست زاده تو عیسو هستم! آنچه بمن فرمودی کردم الآن برخیز بنشین! و از شکار من بخور تا اجانت مرا برکت بدهد!!! اسحق به پسر خود گفت: ای پسر من چگونه بدین زودی یافتی؟؟؟؟!! گفت: یهوه خدای تو بمن رسانید اسحق بی یعقوب گفت: ای پسر من نزدیک بیا تا تو را لمس کنم! که آیا تو پسر من عیسویی یانه؟؟؟؟!! یعقوب نزد پدر اسحق آمد و او را لمس کرد

گفت: آواز!!! آواز یعقوب است لیکن دستها!!! دستهای عیسواست! او را شناخت زیرا که دستهایش مثل دستهای برادرش عیسوموی دار بود پس او را برکت داد!!! و گفت: آیاتو همان پسر من عیسوهستی؟! گفت: من هستم! پس گفت: نزدیک بیاورتا از شکار پسر خود! بخورم و جانم تو را برکت دهد!!! پس نزدوی آورد و بخورد و شراب برایش آورد و نوشید! و پدرش اسحق بوی گفت: ای پسر من نزدیک بیا و مرا ببوس! پس نزدیک آمد او را بوسید و رایحه لباس او را بوئید و او را برکت داد! و گفت: همانا رایحه پسر من مانند رایحه صحرائی است؛ که خداوند آن را برکت داده باشد!!! پس خداوند از شب نام آسمان و از فربهی زمین!!! و از فراونی غله و شیر و عطاء فرماید!!! قومها تو را بندگی نمایند و طوایف تو را تعظیم کنند بر برادران خود سرور شوی!!! و پسران مادرت تو را تعظیم نمایند؛ ملعون باد هر که تو را لعنت کند!!! و هر که تو را مبارک خواند مبارک باد!!! و واقع شد چون اسحق از برکت دادن به یعقوب فارغ شد!!! بمجرد بیرون رفتن!!! یعقوب از حضور پدر خود اسحق که برادرش عیسواز شکار باز آمد! و او نیز خورشی ساخت و نزد پدر خود آورد!!! پسر خود گفت: پدر من بر بر خیز و از شکار پسر خود بخور تا جانت مرا برکت بدهد!!! پدرش اسحق بوی گفت: تو کیستی؟؟؟؟! گفت: من پسر نخستین تو عیسوهستم!!! آنگاه لرزه شدید بر اسحق مستولی شده گفت: پس آنکه بود؟! که نخجیری صید کرده برایم آورد و قبل آمدن تو از همه خوردم؟! و فی الواقع او مبارک خواهد بود؟! عیسو چون سخنان پدر خود را شنید نعره عظیم و بی نهایت تلخ بر آورده پسر گفت: ای پدرم بمن! بمن نیز برکت بده! گفت: برادرت بحیله آمد و برکت تو را گرفت گفت: نام او را یعقوب بخوبی نهادند زیرا که دو مرتبه مرا از پادر آورد!!! اوّل نخست زادگی مرا گرفت و اکنون برکت مرا گرفته است!!! پس گفت: آیا برای من نیز برکتی نگاه داشتی؟؟؟؟! اسحق در جواب

عیسو گفت: اینک اورا برتوسرور ساختم و همه بردارانش را غلام او گردانیدم؛ و غله و شیره رارزق او دادم!! پس الان ای پسر من برای توجه کنم؟؟؟! عیسو بپدر خود گفت: ای پدر من آیاهمین یک برکت راداشتی بمن! نیزای پدرم برکت بده! و عیسو با او از بلندبگریست! و پدرش اسحق در جواب او گفت: اینک مسکن تو دور از فربهی زمین و شبنم آسمان از بالا خواهد بود!! و به شمشیرت خواهی زیست و برادر خود را بندگی خواهی کرد! و واقع خواهد شد که چون سرباززدی یوغ اورا از گردن خود خواهی انداخت!! و عیسو بسبب آن برکتیکه پدرش به یعقوب داده بود بر او بغض ورزید!! عیسو در دل خود گفت: ایام نوحه گری برای پدرم نزدیک است!! آنگاه برادر خود یعقوب را خواهم کشت! رفقه از سخنان پسر بزرگ خود عیسو آگاهی یافت!! پس فرستاده پسر کوچک خود!! یعقوب را خوانده بدو!! گفت: اینک برادرت عیسو در باره تو خود را تسلی میدهد به اینکه تو را بکشد!! پس الان ای پسر من سخن مرا بشنو!! و بر خاسته نزد برادرم لابان بحران فرار کن!! و چند روز نزد وی بمان تا خشم برادرت بر گردد؛ تا غضب برادرت از تو بر گردد! و آنچه بدو کردی فراموش کند!! آنگاه میفرستم و تو را از آنجا بازی آورم!! چرا باید از شما هر دو در یک روز محروم شوم؟؟؟! و رفقه با سخنی گفت: سبب دختران حِتّ از جان خود بیزار شده ام!! اگر یعقوب زنی از دختران حِتّ مثل اینانی که دختران این زمین اند بگیرد!!

مرا از حیات چه فائده خواهد بود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب بیست و هفتم)

نکاتی از مؤلف: بنا بر نوشته کتاب مقدس عهد عتیق!! و از کتاب تورات فعلی یعنی به اصطلاح شریعت ابراهیم! و شریعت موسی! ابراهیم با خواهر خودش ساره ازدواج کرده! پس در این صورت اسحق هم پسر و هم خواهرزاده ابراهیم میشود! و اسحق هم پسر و هم برادرزاده ساره میشود! و هم ابراهیم دانی اسحق میشود!! و هم ساره عمه اسحق میشود؛ که قوم خویش عجیب و غریب حرام

زاده محرمی میشوند! وهم زنازاده محرمی میشوند؟؟؟! که پناه بر خداوند خالق
 خلاق جهان هستی ربّ العالمین؛ از نوشتجات قلم خود که چنین جسارت میکنم! که
 از خداوند واحد و یکتا و رحمان و رحیم!! طلب آمرزش و بخشش را مسئلت مینمایم!
 خداوند! شاهد باش که ما تمامی مسلمانان جهان!!! ابراهیم و ساره را پاک و پاکیزه
 !!! ببری از گناه دانسته ایم و میدانیم! واسحق ابن ابراهیم خلیل الله را!!! حلال زاده
 پاک و مطهر و مقدّس پیام آور و رسول بزرگ تو میدانیم! **و این ازدواج کذب و دروغ**
و محض!!! کتاب مقدّس عهد عتیق! و کتاب تورات تحریف شده فعلی را!!! که اصل
و ناب آیات شیطانی هستند!!! شدیداً محکوم مینماییم! خداوند! سلام و صلواة خود
را!!! برای خاندان وحی و نبوت!!! و بُت شکن و قهرمانان توحید بفرست!!! آمین
 ؛ آمین یا الله ربّ العالمین جهان هستی!!!

بند دوم: زندگی اسحق در دین مسیحیت؛ از کتاب مقدس عهد جدید؛ اناجیل

به ایمان ابراهیم چون امتحان اسحق را گذرانید!!! و آنکه وعده ها پرفتنه بود پسر یگانه خود را قربانی میکرد!!! به او گفته شده بود که نسل تو! به اسحق خوانده خواهد شد! چونکه یقین دانست که خدا قادر به برانگیزانیدن از اموات است!!! و هم چنین او را در مثلی از اموات نیز بازیافت!!! به ایمان اسحق نیز یعقوب و عیسورا در آینده برکت داد!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید و از رساله بعبرانیان باب یازدهم آیات از ۱۷ تا ۲۱)

آیا پدر ما ابراهیم به ایمان عادل شمرده نشد؟! و قتیکه پسر خود اسحق را به قربان گاه گذرانید؟! میبینی که ایمان با اعمال او عمل نکرد! و ایمان با عمل او عمل کرد!!! و ایمان از اعمال کامل گردید!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید و از رساله یعقوب باب دوم آیات از ۲۱ تا ۲۳)

و نسل ابراهیم تماماً فرزندان اسحق هستند!!! بلکه نسل تو در اسحق خوانده!!! خواهند شد! یعنی فرزندان جسم فرزندان خدانیستند!!! بلکه فرزندان وعده از نسل محسوب میشود! زیرا که کلام وعده این است که موافق چنین وقت خواهم آمد! و ساره راپسری خواهد بود!!! و نه این فقط بلکه رفقه نیز چون از یک شخص!!! یعنی از پدر ما اسحق حامله شد!!! زیرا که هنگامیکه هنوز تولد نیافته بودند و عملی نیک باید نکرده! تا اراده خدا بر حسب اختیار ثابت شود! نه از اعمال بلکه از دعوت کننده! بدو گفته شد که بزرگتر کوچکتر را بندگی خواهد کرد!!! چنانکه مکتوب است یعقوب را دوست داشتم اما عیسور دشمن!!! پس چه گوئیم: آیا نزد خدای انصافی است؟؟؟!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید و از رساله پولس رسول برومیان باب نهم آیات از ۷ تا ۱۵)

نکاتی از مؤلف: در کتاب مقدس عهد جدید! اناجیل! غیر از این نوشته کوچک مطلب دیگر درباره اسحق فرزند ابراهیم وجود ندارد!!!

بندسوم: زندگی و عملکرد اسحق فرزند ابراهیم در قرآن کریم وحی منزل

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خداوند گفت: ای محمد! بد رستیکه ما بسوی تو وحی کردیم چنانکه بسوی نوح! وحی کردیم!!! پیام آوران بعد از او وحی کردیم!!! و بسوی ابراهیم!!!
و اسماعیل! و اسحاق! و یعقوب! و اسباط! و موسی! و هارون! و عیسی! و ایوب!
و یونس! و سلیمان! وحی کردیم! و زبور را داود دادیم!!!
(از قرآن کریم و از سوره النساء آیه ۱۶۳)

خداوند فرمود: ای محمد! بگو: ایمان آوردیم به خداوند! و قرآنی که بر ما نازل شده!
و آنچه بر ابراهیم! و اسماعیل! و اسحاق! و یعقوب! و اسباط نازل شده! و آنچه بموسی
و عیسی!!! و پیام آورانی که از طرف خداوند صاحب اختیار کل ایشان!!! داده شده
ایمان آوردیم!!! و بین احدی از پیام آوران جدائی نمی افکنیم!!! همه ما پیام آوران
برای خداوند متعال مسلمان و تسلیم شدگان هستیم!!! و هر کسیکه دینی جز دین
اسلام بجوید و بخواهد! از او پذیرفته نخواهد شد و او در آخرت از زیانکاران است!!!
(از قرآن کریم و از سوره ال عمران آیات ۸۴ و ۸۵)

اللّٰهُ فَرَمُوْد: اهل کتاب میگویند: بد رستیکه ابراهیم! و اسماعیل! و اسحاق! و یعقوب
و اسباط یهودی یا نصرانی بودند!!! ای محمد! بگو: آیا شما میدانید و یا خداوند دانایتر
میباشد؟؟؟؟ و از آن ظالمتر کیست که شهادت خداوند در نزد او ست؟؟؟؟ که از اللّٰه
کتمان و پنهان میکند؟؟؟؟ و هر عملی را که انجام میدهد!!! خداوند از آن غافل و
و بی خبر نیست!!!
(از قرآن کریم و از سوره البقره آیه ۱۴۰)

نکاتی از مؤلف: چندین جای دیگر قرآن کریم!!! نام اسحق پسر کوچک ابراهیم بُت شکن و قهرمان توحیدآمده است! که نشانگر آن است که اسحاق یکی از پیام آوران بزرگ! خداوند خالق خلاق جهان هستی وربّ العالمین!!! واحدویکتا بوده و صاحب کتاب آسمانی است! واسحق حلال و حلال زاده و یکتاپرست و شایسته!!! و با ایمان و تسلیم بخداوند صاحب اختیار کلّ! خلاق جهان هستی بوده است!!! که قرآن کریم کتاب آسمانی وحی منزل دین اسلام!!! به اسحق مهر تأیید گذاشته است!!! که پسر کوچک ابراهیم اسحق را یکی از پیام آوران و تسلیم و مسلمان به خداوند خلاق و ربّ العالمین دانسته است!!! که حلال زاده و یکتاپرست بدنیآمده است!!! که در راه خداوند واحدویکتا تلاش و جهاد!!! زندگی کرد! و یکتاپرست با ایمان خالص به خداوند از دنیا رحلت فرموده است!!! که اسحق پسر کوچک ابراهیم و مادر گرامیش ساره در قرآن کریم چنین خصوصیتی دارد! واسحق رسول الله برای مامسلمانان مانند محمد رسول الله مقدّس با احترام و جایگاهی عالی!!! و برتری دارد!!! زیرا که پیام آور! و برگزیده خداوند خلاق جهان هستی وربّ العالمین بوده و میباشد!!!

معنی اسلام! تسلیم شدن است! که همه پیام آوران و رسولان و انبیاء عظام! دینی را که آورده بودند! دین همه آنها اسلام بوده است! زیرا که همه انبیاء عظام! در برابر خداوند و امر خداوند تسلیم شده بودند!!! که جمیع پیام آوران! و رسولان!!! تسلیم خداوند متعال و مسلمان بودند! تسلیم شدن به خداوند در هر دو جهان سلامتی!!! و آسودگی! و آزادی است! و بندگی خداوند خلاق جهان هستی وربّ العالمین گردن نهادن! در هر دو جهان راحت و آسوده! مطمئن! خاطر جمع زندگی کردن میباشد!!!

اسلام به ذات خود ندارد عیبی = هر عیب که هست در مسلمانی ماست

فصل هفتم

تطبیق زندگی و عملکرد؛ یعقوب بن اسحق در ادیان
سه گانه یعنی یهودیت؛ و مسیحیت؛ و اسلام

بند اول: زندگی؛ عملکرد یعقوب در کتاب تورات فعلی

و یعقوب تنهاماند و مردی باوی طلوع فجر کشتی میگرفت!!! و او دید که بروی غلبه نمیآید کف ران یعقوب را لمس کرد!!! و کف ران یعقوب در کشتی گرفتن با او فشرده شد!!! پس گفت: مرا رها کن زیرا که فجر میشکافت!!! گفت: تا مرا برکت ندهی تورا رها نمیکنم! بوی گفت: نام تو چیست؟؟؟؟ گفت: یعقوب!!! گفت: از این پس نام تو یعقوب خوانده نشود!!! بلکه اسرائیل زیرا که با خدا وبا انسان مجاهده کردی!!! و نصرت یافتی! از او سؤال کرده گفت: مرا از نام خود آگاه ساز؟؟؟؟ گفت: چرا اسم مرا میپرسی؟؟؟؟ و او را در آنجا برکت داد!!! و یعقوب آن مکان را فنوئیل نامیده (گفت) زیرا که خدا را رو برودیدم و جانم رستگار شد!!! چون از فنوئیل گذشت آفتاب بروی طلوع کرد و بر ران خود میلنگید! از این سبب بنی اسرائیل تا امروز عرق النساء را که در کف رانست نمیخورند! زیرا که کف ران یعقوب را در عرق النساء لمس کرد!!!
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب سی و دوم آیات از ۲۲ تا آخر باب)

خداوند چنین میگوید: بسبب سه و چهار تقصیر اسرائیل عقوبتش را نخواهم برگردانید! زیرا که مرد عادل را بنقره! و مسکین را بزوج نعلین فروختند! و بغبار زمین که بر سر مسکینان است حرص دارند! و راه حلیمان را منحرف میسازند و پسر و پدر بیک دختر درآمده!!! اسم قدّوس مرا بی حرمت میکنند!!! زنا کرده اند!!!
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب عاموس نبیّ باب دوم آیات از ۸ تا ۱۶)

خداوند یهوه بذات خود قسم خورده!!! و یهوه خدای لشگرها فرموده است! که من از حشمت یعقوب نفرت دارم! و قصر هایش نزد من مکروه است! پس شهر را باهر چه در آن است تسلیم خواهم نمود!!!
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب عاموس نبیّ؛ باب ششم آیه ۸)

خداوند بجلال یعقوب قسم خورده است!!! که هیچکدام از اعمال ایشان راه رگز فراموش نخواهم کرد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب عاموس نبیّ باب هشتم آیه ۷)

اماتوای اسرائیل بنده من وای یعقوب که تورا برگزیده ام! وای ذریت دوست من ابراهیم! که تورا از اقصای زمین گرفته تورا از کرانه هایش خوانده ام!!! وبتو گفته ام تو بنده من هستی تورا برگزیده ام و ترک ننموده ام!!!
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اشعاع بنی باب چهل و یکم آیه ۹)

و این است سخنان آخر داود!!! و وحی داود بن یئسا وحی مردیکه بر مقام بلند ممتاز گردید مسیح خدای یعقوب!!! و مغنی شیرین اسرائیل!!! روح خداوند بوسیله من متکلم شد! و کلام او بر زبانم جاری گردید!!! خدای اسرائیل متکلم شد!!!
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم سموئیل باب بیست و سوم آیات از ۱ تا ۳)

و خداوند در ایام یوشیا پادشاه بمن گفت: آیاملاحظه کردی که اسرائیل مرتد چه کرده است؟؟؟؟ چگونه بفراز هر کوه بلند و زیر هر درخت سبز رفته؟؟؟؟ در آنجا ناکرده است؟؟؟؟ و بعد از آنکه همه این کارها را کرده بود؟؟؟؟ من گفتم: رجوع نما اما رجوع نکرد!!! و خواهر خائن او یهودا این را دید!!! و من دیدم با آنکه اسرائیل مرتد زنا کرد!!! و از همه جهات او را بیرون کردم!!! و طلاق نامه بوی دادم!!! لکن خواهر خائن او یهودا نترسید!!! بلکه او نیز رفته مرتکب زنا شد!!! و واقع شد که سبب سهل انکاری او در زناکاریش زمین ملوث گردید!!! و او با سنگها و چوبها زنا نمود!!! و نیز خداوند!!! میگوید: با وجود این همه خواهر خائن او یهودا!!! نزد من با تمام دل خود رجوع نکرد!!! بلکه باریاکاری! پس خداوند مرا! گفت: اسرائیل مرتد خویشتن را از یهودای خائن عادلتر نموده است! لهذا برو این سخنان را بسوی شمال ندا کرده!!! بگو: خداوند میگوید: ای اسرائیل مرتد رجوع نما! و بر تو غضب نخواهم نمود زیرا که خداوند میگوید: من رئوف هستم!!! و تا به ابد خشم خود را نگاه نخواهم داشت! فقط بگناهانت اعتراف نما که بریهوه خدای خویش عاصی شدی!!! و راه های خود را زیر هر درخت سبز برای بیگانگان منشعب ساختی!!! و خداوند میگوید:

که شما آواز مرا نشنیدید! پس خداوند میگوید: ای پسران مرتد رجوع نمایید! زیرا که من شوهر شما هستم!!! و از شما یک نفر از شهری!!! و دو نفر از قبیله گرفته!!! شمارا بصهیون خواهم آورد!!! (کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبی باب سوم آیت از ۵ تا ۱)

خداوند چنین میگوید: طلاق نامه مادر شما که اورا طلاق دادم کجاست؟؟؟! یا کیست از طلب کاران من که شمارا به او فروختم؟؟؟! اینک شما بسبب گناه خود فروخته شدید!!! و مادر شما بجهت تقصیرهای شما طلاق داده شد!!! چون آدم چرا کسی نبود؟! و چون ندا کردم چرا کسی جواب نداد؟؟؟! آیدست من بهیچ وجه کوتاه شده؟! که نتواند نجات بدهد؟! یا در من قدرتی نیست که رهائی بدهم؟؟?! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اشعیا نبی باب پنجاهم آیه ۱)

و خداوند بموسی گفت: چون روانه شده بمصر مراجعت کردی!!! آگاه باش که همه علاماتی را که بدستت سپرده ام!!! بحضور فرعون ظاهر سازی!!! و من دل اورا سخت خواهم ساخت تا قوم را رها نکند!!! و به فرعون بگو: خداوند چنین میگوید: گوید: اسرائیل پسر من و نخست زاده من است!!! و بتو میگویم: پسر مرا رها کن تا مرا عبادت نماید!!! و اگر از رها کردنش ابانمائی همانا پسر تو یعنی نخست زاده تورا میکشم!!! و واقع شد در بین راه که خداوند در منزل بدو (موسی) برخورد! قصد قتل وی نمود!!! آنگاه صفوره سنگی تیز گرفته غلفه پسر خود را ختنه کرد!!! و نزد پای وی انداخته!!! گفت: تو مرا شوهر خون هستی!!! پس او (خدا) وی را رها کرد!!! آنگاه صفوره گفت: شوهر خون هستی بسبب ختنه!!! و خداوند بهارون گفت: بسوی صحراء به استقبال موسی برو!!! پس روانه شد و اورا در جبل الله ملاقات کرده اورا بوسید!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ باب چهارم آیات از ۲۱ تا ۲۷)

و خدا به یعقوب گفت: برخاسته ببیت ایل برای و در آنجا ساکن شو!!! و آنجا برای خدائی که بر تو ظاهر شد!!! و وقتی که از حضور برادرت عیسو!!! فرار کردی مذبحی بساز!!! پس یعقوب باهل خانه و همه کسانی که با وی بودند گفت: خدایان بیگانه را که در میان شما است دور کنید!!! و خویشان را طاهر سازید و رختهای خود را

عوض کنید!!! تا برخاسته ببیت ایل برویم!!! و در آنجا برای آن خدائی که در روز تنگی من مرا اجابت فرمود!!! و در راهی که رفتم بامن میبود مذبحی بسازید!!!
(زکتاب مقدس عهد هتیک و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب سی و پنجم آیات از ۴ تا ۹)

ای خداوند برای داوید بیاد آور همه مذلت های او را! چگونه برای خداوند قسم خورد!!! و برای قادر مطلق یعقوب نذر نمود! خواب بچشمان خود نخواهم داد!!! و پنینکی بمژگان خویش! تا مکانی برای خداوند پیدا کنم!!! و مسکنی برای قادر مطلق یعقوب! اینک ذکر آن در افراشته شنیدیم!!! و آن را در صحرای جنگل یافتیم!!! بمسکن های اوداخل شویم!!! و نزد قدمگاه وی پرستش نمایم! ای خداوند از آرامگاه خود برخیز و بیای! تو و تابوت قوت تو! کاهنان توبه عدالت ملّبس شوند! و مقدّسات ترنم نمایند! بخاطر بنده خود داوود!!! روی مسیح خود را برگردان!!! خداوند برای داود بر راستی قسم خورد! و از آن بر نخواهد گشت که از ثمره صلب تو بر تخت تو خواهم گذاشت!!!
(از کتاب مقدس عهد هتیک و از کتاب تورات فعلی؛ باب سی و پنجم آیات از ۹ تا ۱۰)

پس دینه دختر لیه که او را برای یعقوب زانیده بود!!! برای دیدن دختران آن ملک بیرون رفت!!! و چون شکیم بن حمور حوی که رئیس آن زمین بود!!! او را دید!!! او را بگرفت و با او هم خواب شده وی رابی عصمت ساخت!!! و دلش بدینه دختر یعقوب!!! بسته شده عاشق آن دختر گشت!!! و سخنان دل آویز به آن دختر گفت: و شکیم پدر خود حمور خطاب کرده گفت: این دختر را برای من بزنی بگیر!!! و یعقوب شنید که دخترش دینه رابی عصمت کرده است!!! و چون پسرانش با مواشی او!!! در صحراء بودند یعقوب سکوت کرد تا ایشان بیایند!!! و حمور پدر شکیم نزد یعقوب بیرون آمد!!! تا بوی سخن بگوید: و چون پسران یعقوب این را شنیدند! از صحراء آمدند و غضبناک شده!!! خشم ایشان بشدت افروخته شد زیرا که با دختر یعقوب هم خواب شده!!! قباحتی در اسرائیل نموده بود!!! و این عمل نا کردنی بود!!! پس حمور ایشان را خطاب کرده گفت: دل پسر شکیم شیفته دختر شما است!!! او را بوی بزنی بدهید!!! و با مصاهرت نموده دختران خود را بما بدهد!!! و دختران ما را برای خود بگیرد!!! و با ساکن شوید و زمین از آن شما باشد در آن بمانید!!!

و تجارت نمائید و در آن تصرف کنید!!! و شکیم پیدر و برادران آن دختر گفت: در نظر خود مرا منظور بدارید!!! و آنچه بمن بگوئید خواهم داد!!! مهر و پیشکش هر قدر زیاده از من بخواهید!!! آنچه بگوئید خواهم داد!!! فقط دختر را بزنی بمن بسپارید! اما پسران یعقوب در جواب شکیم پدرش حمور بمکر سخن گفتند: زیرا که خواهر ایشان!!! دینه را بی عصمت کرده بود!!! پس بدیشان گفتند: این کار را نمیتوانیم کرد!!! که خواهر خود را بشخص نامختون بدهیم!!! چونکه این برای مانگ است!!! بدین شرط با شما همداستان میشویم!!! اگر چون ما بشوید!!! که هر ذکوری از شما مختون گردد!!! آنگاه دختران خود را بشما بدهیم!!! و دختران شمارا برای خود بگیریم!!! و با شما ساکن شده یک قوم بشویم!!! اما اگر سخن ما را اجابت نکنید و مختون نشوید!!! دختر خود را برداشته از این جاکوچ خواهم کرد!!! و سخنان ایشان بنظر حمور و بنظر شکیم!!! بن حمور پسند افتاد!!! و آن جوان در کردن این کار تأخیر ننمود!!! زیرا که شیفته دختر یعقوب بود!!! و او را از همه اهل خانه پدرش گرامتر بود!!! پس حمور و پسرش شکیم!!! بدر و از شهر خود آمده!!! مردمان شهر خود را خطاب کرده گفتند: این مردمان با ما صلاح اندیش هستند!!! پس در این زمین ساکن شوند و در آن تجارت کنند!!! اینک زمین از هر طرف برای ایشان وسیع است!!! دختران ایشان را بزنی بگیریم!!! و دختران خود را بدیشان بدهیم!!! فقط بدین شرط ایشان با ما متفق خواهند شد!!! تا با ما ساکن شده یک قوم شویم! که هر ذکوری از ما مختون شود!!! چنانکه ایشان مختونند!!! آیا مواسی ایشان و اموال ایشان و هر حیوانی که دارند از آن مانمیشود؟؟؟؟ فقط با ایشان هم داستان شویم!!! تا با ما ساکن شوند!!! پس همه کسانی که بدر و از شهر او درآمدند!!! بسخن حمور و پسرش شکیم رضا دادند!!! و هر ذکوری از آنانیکه بدر و از شهر او آمدند مختون شدند!!! و در روز سوم چون دردمند بودند! دو پسر یعقوب شمعون و لاوی برداران!!! دینه هر یکی شمشیر خود را گرفته دلیرانه بر شهر آمدند!!! و همه مردان را کشتند!!! و حمور و پسرش شکیم را بدم شمشیر کشتند!!! و دینه را از خانه شکیم برداشته بیرون آمدند!!! و پسران یعقوب بر کشتگان آمده شهر را غارت کردند!!! زیرا که خواهر ایشان را بی عصمت کرده بودند!!! و گله ها و اورمه ها و الاغ ها آنچه

در شهر و آنچه در صحراء بود گرفتند!!! و تمامی اموال ایشان و همه اطفال و زنان ایشان به اسیری بردند! و آنچه در خانه هابود تاراج کردند!!! پس یعقوب بشمعون و لاوی گفت: مرا به اضطراب انداختید و مرا نزد سکنه این زمین!!! یعنی کنعانیان و فرزندان مکروه ساختید!!! و من در شماره قلیل!!! همانا بر من جمع شوند و مرا بزنند!!! و من با خانه ام هلاک شوم؛ گفتند: آیا با خواهر ما مثل فاحشه عمل کند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب سی و چهارم)

و خداوند به یعقوب گفت: برخاسته ببیت ایل برآی و در آنجا ساکن شو!!! و آنجا برای خدائی که بر تو ظاهر شد! و وقتی که در حضور برادرت عیسو فرار کردی مذبحی بساز!!! پس یعقوب به اهل خانه و همه کسانی که با وی بودند گفت: خدایان بیگانه را که در میان شماست دور کنید! و خویشان را طاهر سازید و رختهای خود را عوض کنید!

(کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب سی و پنجم آیه ۱)

او گناهی از یعقوب ندیده!!! و خطائی در اسرائیل مشاهده ننمود است!!! یهوه خدای اوبوی است!!! و نعره پادشاه در میان ایشان است!!! خدا ایشان را از مصر بیرون آورد!!! او را شاخهای مثل گاو وحشی است! بدرستی که بر یعقوب افسون نیست! و بر اسرائیل فالگیری نی!!! در باره یعقوب و درباره اسرائیل!!! در وقتش گفته خواهد شد که خدا چه کرده است!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب بیست و سوم آیه ۲۲)

وقتی آن کسیکه سخنان خدا را شنید!!! و رویای قادر مطلق را مشاهده نمود!!! آنکه که بیفتاد و چشمان او گشاده گردید!!! چه زیباست خیمه های توای یعقوب!!! و ومسکن های توای اسرائیل!!! مثل وادی های کشیده شده!!! مثل باغهای برکنار رودخانه!!! مثل درختان عود که خداوند غرس نموده باشد!!! و مثل سروهای آزاد نزد جویهای آب!!! آب از دلوهایش ریخته خواهد شد!!! و بذراورا در آبهای بسیار خواهد بود!!! و پادشاه او از اجاج بلند تر! و مملکت او بر آفرشته خواهد شد! خداوند او را از مصر بیرون آورد! او را شاخهای مثل گاو وحشی است!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب بیست و چهارم آیات ۸ تا ۱۴)

پسران رابین نخست زاده اسرائیل اینانند!! زیرا که او نخست زاده بود!!! و امابه بسبب بی عصمت ساختن بستر پدر خویش!!! حق نخست زادگی او پسران یوسف بن اسرائیل داده شد!!! از این جهت نسب نامه او بر حسب نخست زادگی ثبت نشده بود!!! زیرا که یهودا ببرادران خود برتری یافت و پادشاه از او بود اما نخست زادگی از آن یوسف بود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول تواریخ ایام باب پنجم آیات ۱ و ۲)

و یعقوب پسران خود را خوانده گفت: جمع شوید تا شما را از آنچه در ایام آخر بشما واقع خواهد شد خبر بدهم!!! ای پسران یعقوب جمع شوید!!! و بشنوید و بپدر خود اسرائیل گوش گیرید!!! ای رابین تو نخست زاده منی!! توانائی من و ابتدای قوت من فضیلت رفعت و فضیلت قدرت!!! جوشان مثل آب برتری نخواهد یافت!!! زیرا که بر بستر پدر خود بر آمدی!!! آنگاه آن رابی حرمت ساختی ببستر من آمد!!! شمعون و لاوی برادرند!!! آلات ظلم شمشیرهای ایشان است!!! ای نفس من به مشورت ایشان داخل مشو!!! و ای جلال من بمحفل ایشان متحد مباش!!! زیرا که در غضب خود مردم راکشتند!!! و در خود رائی خویش گاو را پی کردند!!! ملعون باد خشم ایشان که سخت بود و غضب ایشان زیرا که تند بود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی، سفر پیدایش باب چهل و نهم آیات از ۱ تا ۷)

کلام خداوند که بر میکاه مورثتی در ایام یوتام و آخاز و حزقیال پادشاهان یهودا نازل شد! و آن را در باره سامره و اورشلیم دید!!! ای جمیع قومها بشنوید!!! و ای زمین و هر چه در آن است گوش بدهید!!! و خداوند یهوه یعنی خداوند از هیکل قدسش بر شما شاهد باشد!!! زیرا که اینک خداوند از مکان خود بیرون میآید! و نزول نموده بر مکانهای زمین میخرامد!!! و کوهها در زیر او گداخته میشود!!! و وادیها منشق میگردد!!! مثل موم پیش آتش و مثل آب که بنشیب ریخته شود!!! این همه بسبب عصیان یعقوب!!! و گناه خاندان اسرائیل است!!! عصیان یعقوب چیست؟! آیا سامره نیست؟؟؟؟! مکانهای بلند یهودا چیست؟؟؟؟! آیا اورشلیم نمیشد؟؟؟؟!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب میکاه نبی باب اول آیات از ۱ تا ۶)

او ابتدای گناه دختر صهیون بود!!! چونکه عصیان اسرائیل در تو یافت شده است بنابراین طلاق نامه بورشّت حتّ خواهی داد!!! خانه های اکذیب چشمه فریبنده برای پادشاهان اسرائیل خواهد بود!!! ای ساکنه مریشه بار دیگر مالکی بر تو خواهم آورد!!! جلال اسرائیل تابه عدّلام خواهد آمد!!!

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب میکاه نبیّ باب اوّل آیه ۱۲)

ولیکن من از قوّت روح خداوند از انصاف و توانائی مملو شده ام!!! تا یعقوب را از عصیان او و اسرائیل را از گناهِش خبر بدهم!!! ای رؤسای خاندان یعقوب!!! وای داوران خاندان اسرائیل این را بشنوید!!! شما که از انصاف نفرت دارید!!! و تمامی راستی را منحرف میسازید!!! و صهیون را بخون! و اورشلیم را بظلم بناء مینماید!!! رؤسای ایشان برای رشوه داوری مینمایند! و کاهنان ایشان برای اجرت تعلیم میدهند! و انبیای ایشان برای نقره فال میگیرند! و برخداوند توکلّ نموده میگویند: آیا خداوند در میان ما نیست!!! پس بلا ما نخواهد رسید!!! بنابراین صهیون به سبب شما مثل مزرعه شیار خواهد شد!!! و اورشلیم بتوده های سنگ! و کوه خانه ببلندی های جنگل مبدّل خواهد گردید!!!

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب میکاه نبیّ باب سوّم آیات از ۸ تا آخر باب)

حیوانات صحراء گرگان و شتر مرغ آنها!!! مرا تمجید خواهند نمود!!! چونکه آب در بیابان و نهرها در صحراء بوجود می آورم!!! تا قوم خود و برگزیدگان خویش را سیراب نمایم!!! این قوم را برای خود ایجاد کردم تا تسبیح مرا بخوانند!!! امّاتو ای یعقوب مرا خواندی!!! و تو ای اسرائیل از من بتنگ آمدی!!! گوسفندان قربانی بهدایای بندگی بر تو نهادم و ببخورتورا بتنگ نیاوردم!!! نئی معطر را بجهت من بنقره خریدی! و بپیه ذبایح خویش مرا سیر نساختی!!! بلکه بگناهان خود بر من بندگی نهادی!!! و بخطائای خویش مرا بتنگ آوردی!!! من هستم که بخاطر خود خطائای تورا محو ساختم! و گناهان تورا بیاد نخواهم آورد!!! مرا یادده تا باهم محاکمه نمایم!!! حجتّ خود را بیاور تا تصدیق شوی!!! اجداد اوّلین تو گناه ورزیدند!!! و واسطه های تو بمن عاصی شدند!!! بنابراین من سروران قدس!!! را بی احترام خواهم ساخت! و یعقوب بلعنت!!! و اسرائیل را بدشنام تسلیم خواهم نمود!

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب اشعیا نبیّ باب چهل و سوّم آیات از ۲۰ تا آخر باب)

بنابراین خداوند یهوه چنین میگوید: الان اسیران یعقوب را باز آورده!!! بر تمامی خاندان اسرائیل را رحمت خواهم فرمود!!! و بر اسم قدوس خود غیرت خواهم نمود!!! و حینیکه ایشان در زمین خود به امنیت ساکن شوند و ترساننده نباشد!!! آنگاه خجالت خود را!!! و خیانتی را که بمن ورزیده اند متحمل خواهند شد!!! و چون ایشان را از میان امتهای برگردانم!!! و ایشان را از زمین دشمنانشان جمع نمایم!!! آنگاه در نظراتهای بسیار در ایشان تقدیس خواهم شد!!! خواهند دانست که من یهوه خدای ایشان هستم!!! از آن رو که من ایشان را!!! در میان امتهای جلالی وطن ساختم!!! و ایشان را بزمین خودشان جمع کردم!!! و بار دیگر کسی را از ایشان در آنجا باقی نخواهم گذاشت!!! و خداوند یهوه میگوید: که من بار دیگر روی خود را از ایشان نخواهم پوشانید! زیرا که روح خویش را بر خاندان اسرائیل خواهم ریخت!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبی باب سی و نهم آیات از ۲۵ تا آخر باب)

ای کاهنان این را بشنوید!!! و ای خاندان اسرائیل اصغا نمائید!!! و ای خاندان پادشاهان گوش گیرید!!! زیرا که این فتوی برای شماست! چونکه شما در مزیغه دام شدید!!! و توری گسترده شده نابود شده اید! عاصیان در کشتار مبالغه نموده اند!!! پس من همگی ایشان را تادیب خواهم نمود!!! من افرایم را می شناسم و اسرائیل از من مخفی نیست!!! زیرا که حال توای افرایم مرتکب زنا شده!!! و اسرائیل خویشتن را نجس ساخته است!!! کارهای ایشان مانع میشود که بسوی خداوند بازگشت نمایند! چونکه روح زناکاری در قلب ایشان است! و خداوند را نمیشناسند!!! و فخر اسرائیل پیش روی ایشان شهادت میدهد!!! اسرائیل و افرایم در گناه می لغزند!!! و یهودا نیز همراه ایشان خواهد لغزید!!! گوسفندان و گاوان خود را می آورند تا خداوند را بطلبند!!! اما او را نخواهند یافت!!! چونکه خود را از ایشان دور ساخته است!!! به خداوند خیانت ورزیده اند!!! زیرا که فرزندان اجنبی تولید نموده اند!!! الان هلالهای ایشان را با ملکهای ایشان خواهد بلعید!!! در جبهه کرنا و در راه سر نابنوازید!!! و در بیت آون صدابزنید!!! و در عقب توای بنیامین!!! افرایم در روز عتاب خراب خواهد شد!!! در میان اسباط اسرائیل بیقین اعلام نمودم!!! سروران اسرائیل مثل نقل کنندگان حدود میباشند!!! پس خشم خویش را مثل آب

برایشان خواهم ریخت!!! افرایم مقهور شده و در داوری کوفته گردیده است!
 زیرا که پیروی تقالید خرسند!!! بنابراین من برای افرایم مثل بید شده ام!!! برای
 خاندان یهودا مانند پوسیدگی!!! چون افرایم بیماری خود را!!! و یهودا جراح
 خویش را دیدند!!! افرایم به آشور رفته!!! و نزد پادشاهی که دشمن!!! بود فرستاده
 است!!! اما او شمارا نمیتواند شفاء دهد!!! و جراح شما را التیام نتواند!!! و من
 برای افرایم مثل شیر!!! و برای خاندان یهودا مانند شیرزیان خواهم بود!!! من
 خودم خواهم درید!!! و رفته خواهم ربود! و رهاننده نخواهد بود!!! من روانه شده
 ب مکان خود خواهم برگشت تا ایشان به عصیان خود اعتراف نموده روی مرا بطلبند
 !!! در تنگی خود صبح زود مرا خواهند طلبید!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی تمامی باب پنجم)

چون اسرائیل را شفاء میدام! آنگاه گناه افرایم!!! و شرارت سامره منکشف گردید
 !!! زیرا که مرتکب فریب شده اند!!! دزدان داخل میشوند!!! و راهزنان در بیرون
 تاراج مینمایند!!! و در دل خود تفکر نمیکنند!!! که تمامی شرارت ایشان را بیاد
 آورده ام! الآن اعمالشان ایشان را احاطه مینمایند! و آنها در نظر واقع شده است!
 پادشاه را بشرارت خویش و سروران را بدروغهای خود شادمان میسازند! جمیع
 ایشان زناکارند! مثل تنوریکه خبازان را مشتعل میسازد! که بعد از سرشتن خمیر
 تا مخمر شدنش! از برانگیختن آتش بازمی ایستند!!! در یوم پادشاه ماسروران از
 گرمی شراب خود را بیمار ساختند!!! و او دست خود را به استهزاء کنندگان دراز
 کرد!!! زیرا که دل خود را بکمک خویش مثل تنور نزدیک آورد!!! و تمامی شب خباز
 ایشان میخوابد!!! صبحگاهان آن! مثل آتش ملتهب مشتمل میشوند! جمیع ایشان
 مثل تنور گرم شده!!! داوران خویش را میبلعد و همه پادشاهان ایشان میافتادند!!!
 و در میان ایشان کسی نیست که مرا بخواند!!! افرایم با قومها مخلوط شده است!!!
 افرایم قرص نانی است که برگردانی نشده است!!! غریبان قوتش را خورده اند
 و او نمیداند سفیدی بر موهای او پاشیده شده است!!! و او نمیداند فخر اسرائیل پیش
 رویش شهادت میدهد!!! اما ایشان بیهوه خدای خود بازگشت نمی نمایند!!! و با
 وجود این همه او را نمیطلبند!!! افرایم مانند کبوتر ساده دل بیفهم است!!! و مصر

میخوانند و بسوی آشور میروند!!! و چون میروند من دام خود را برایشان می گسترانم!!! و ایشان رامتل مرغان هوا بزمیر میاندازم!!! و ایشان را بروفق اخباری که بجماعت ایشان رسیده است!!! تأدیب مینمایم!!! و ای بر ایشان زیرا که از من فرار کردند!!! هلاکت برایشان باد! زیرا که بمن عصیان ورزیدند! اگرچه من ایشان را فدیہ دادم لکن بضد من دروغ!!! گفتند: و از دل خود نزد من استغاثه نمی نمایند! بلکه بر بسترهای خود دل وله میکنند!!! برای روغن و شراب جمع شده بر من فتنه می انگیزند!!! و اگرچه من بازوهای ایشان را تعلیم دادم!!! و تقویت نمودم لیکن بامن بداندیشی نمودند!!! ایشان رجوع میکنند!!! امانه بحضرت اعلی مثل کمان خطاء کننده شده اند!!! سروران ایشان بسبب غیظ زبان خویش بشمشیر می افتند!!! و بسبب همین در زمین مصرایشان را استهزاء خواهند نمود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی تمام باب هفتم)

کرنارا بدهان خود بگذار!!! او مثل عقاب بضد خانه خداوند می آید!!! زیرا که از عهد من تجاوز نمودند!!! و بشریعت من عصیان ورزیدند!!! اسرائیل نزد من فریاد مینماید که ای خدای ماتورا میشناسیم!!! اسرائیل نیکوئی را ترک کرده است!!! پس دشمن اورا تعاقب خواهند نمود!!! ایشان پادشاهان نصب نمودند امانه از جانب من!!! سروران تعیین کردند اما ایشان را نشناختم!!! از نقره و طلا خویش بتهای برای خود ساختند تا منقطع شوند!!! ای سامره اوگوساله تورا رد نموده است!!! خشم من برایشان افروخته شد! تا یکی نمیتوانند ظاهر بشوند! زیرا که این نیز از اسرائیل است!!! و صنعتگران را ساخته است!!! لهذا خدا نیست!!! البته گوساله سامره خرد خواهد شد!!! بدرستی که با در کاشتند!!! پس گردباد را خواهند دروید!!! آن را محصول نیست و خوشه هایش آرد نخواهد داد!!! و اگر هم بدهد غریبان آن را خواهند بلعید! اسرائیل بلعیده خواهد شد و الآن در میان امته مثل ظرف نا پسندیده میباشد!!! زیرا که ایشان مثل گورخرتها و منفرد!!! به آشور رفته اند!!! و افرایم عاشقان اجیر کرده است!!! اگر چه ایشان در میان امته اجرت میدهند!!! من الآن را جمع خواهم کرد!!! و بسبب ستم پادشاه و سروران رویتها قصد خواهند نهاد!!! چونکه افرایم مذبحه بسیار برای گناه ساخت!!! پس مذبح ها برایش باعث گناه

شد!!! واحکام بسیار شریعت خود را برای او نوشتم!!! اما آنها را مثل چیز غریب شمردند!!! قربانی های سوختنی مرا ذبح کردند تا گوشت بخورند!!! و خداوند آنها را قبول نکرد!!! الان عصیان ایشان را بیاد می آورد و عقوبت گناه را برایشان میرساند!!! و ایشان بمصر خواهند برگشت!!! **اسرائیل خالق خود را فراموش کرده** **!قصرها بناء میکند و یهودا شهرهای حصاردار بسیار میسازد!!! اما من آتش بشهر** **هایش خواهم فرستاد که قصرهایش را بسوزاند!!!**
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی تمامی باب هشتم)

ای اسرائیل مثل قومهای شادی و جدمنما!!! زیرا که از خدای خود زانمودی!!! در همه خرمیها اجرت را دوست داشتی!!! خرمیها و چرخشتهای ایشان را پرورش خواهد داد!!! و شیر در آن ضایع خواهد شد!!! در زمین خداوند ساکن نخواهند شد!!! بلکه افرایم به مصر خواهد برگشت!!! و ایشان در آشور چیزهای نجس خواهند خورد!!! **برای خداوند شراب نخواهند ریخت و مقبول او نخواهد شد!!!** قربانی های ایشان مثل خوراک ماتمیان خواهد بود!!! و هر که از آنها بخورد نجس خواهد شد!!! زیرا که خوراک ایشان برای اشتهای ایشان است!!! پس از آن بخانه خداوند داخل خواهند شد!!! پس در ایام مراسم و در ایام عیدهای بر خداوند چه خواهد کرد!!! زیرا اینک از ترس هلاکت رفته اند!!! اما مصر ایشان را جمع خواهد کرد!!! و مؤف ایشان را دفن خواهد نمود!!! مکانهای نفیسه نقره ایشان را خارها بتصرف خواهد گرفت!!! و در منازل ایشان شوکها خواهد بود!!! ایام عقوبت می آید!!! مکافات میرسد!!! و اسرائیل این را نیز خواهند دانست!!! **و نبی احمق گردید! و صاحب روح دیوانه شد! بسبب کثرت گناه و فراوانی بغض تو! افرایم از جانب خدای من دیده بان بود! دام صیاد بر تمامی طریق های انبیاء گسترده شد!!! در خانه خدای ایشان عداوت است!!! مثل ایام جبهه فساد را بنهایت رسانیده اند!!! پس عصیان ایشان را بیاد می آورد!!! و گناه ایشان را مکافات خواهد داد!!!** اسرائیل را مثل انگور در بیابان یافتیم!!! پدران شمارا مثل نوبر انجیر در ابتدای موسم دیدیم!!! اما ایشان بیعل فغور رفتند!!! و خویشتن را برای رسوائی نذیره ساختند!!! و مانند معشوقه خود مکروه شدند!!! جلال افرایم مثل مرغ میپرد زانیدن و حامله شده!!! و در رحم

قرار گرفتن نخواهد شد!!! و اگر فرزندان را بپرورانند!!! ایشان را بی اولادخواهم ساخت!!! به حدیکه انسانی نخواهد ماند!!! وای برایشان حینیکه من نیز از ایشان دور شوم!!! افرایم حینیکه او را برگزیده ام مثل صور در مرتع نیکو مغروس بود!!! اما افرایم پسران خود را برای قاتل بیرون خواهد آورد!!! ای خداوند به ایشان بده! چه بدهی؟؟؟! رحم سقط کننده و پستانهای خشک به ایشان بده؟؟؟! تمامی شرارت ایشان در جلال است!!! زیرا که در آنجا از ایشان!!! نفرت داشتم!!! پس ایشان را بسبب اعمال زشت ایشان!!! از خانه خود خواهم راند!!! و ایشان را دیگر دوست نخواهم داشت!!! چونکه جمیع سروران ایشان فتنه انگیزند!!! افرایم خشک شده است و ریشه ایشان خشک گردیده میوه نمی آورد!!! و اگر نیز بزیاید نتایج مرغوب رحم ایشان را خواهم کشت!!! خدای من ایشان را ترک خواهد نمود!!! چونکه او را نشنیدند!!! پس در میان امته آواره خواهند شد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی تمامی باب نهم)

اسرائیل مؤبرومند است که میوه برای خود می آورد!!! هر چه میوه زیاد می آورد مذبح هارا زیاد می سازد!!! و هر چه زمینش نیکوتر میشود!!! تماثیل رانیکوتر بنا میکند! دل ایشان پراز نفاق است!!! الان مجرم میشوند و او مذبح هایی ایشان را خراب!!! و تماثیل ایشان را منهدم خواهند ساخت!!! زیرا که الحال میگوید: پادشاه نداریم چونکه از خداوند نمیترسیم!!! پس پادشاه برای ما چه تواند کرد!!! ایشان قسمهایی دروغ خورده!!! و عهدها بسته سخنان (باطل) میگویند: و عدالت مثل حنظل در شیارهای زمین میروید!!! ساکنان سامره برای گوساله های!!! بیت آن میترسند!!! زیرا که قومش برای آن ماتم میگیرند!!! و کاهنانش بجهت جلال او می لرزند زیرا که از آن دور شده است!!! و آن را نیز به آشور بجهت هدیه برای پادشاه دشمن خواهند بود!!! خجالت خواهند کشید!!! و اسرائیل از مشورت خود رسوا خواهد شد!!! پادشاه سامره مثل کف بر روی آب نابود میشود!!! و مکانهای بلند آن که گناه اسرائیل میباشد!!! ویران خواهد شد!!! و خار و خس بر مذبح های ایشان خواهد روئید!!! و بکوهها خواهند گفت: که ما را بپوشانید!!! و بتلها که بر ما بیفتید!!! ای اسرائیل ایام جبهه گناه کرده در آنجا ایستادند!!! و جنگ با فرزندان

شرارت در جبهه به ایشان نرسید!! هرگاه بخواهیم ایشان را تأدیب خواهم نمود و قومها بضد ایشان جمع خواهند شد!! هنگامیکه بدو گناه خود بسته شوند!! و افرایم گوساله آموخته شده است!! که کوفتن خرمن را دوست میدارد!! و من بر گردن نیکوی او گذر کردم!! و من بر افرایم یوغ میگذارم یهودا شیار خواهد کرد!! و یعقوب بازور برای خود خواهد کشید!! برای خود به عدالت بکارید و بحسب رحمت درو نمائید!! و زمین ناکاشته را برای خود خیش بزنید!! زیرا که وقت است که خداوند را بطلبید تا بیاید!! و بر شما عدالت را بباراند!! **شرارت را شیار کردید و ظلم را درو نمودید!! و ثمره دروغ را خوردید چونکه بطریق خود و بکثرت جباران خویش اعتماد نمودید!** لهذا هنگامیکه در میان قومهای تو خواهند برخاست!! تمامی قلعه هایت خراب خواهد شد!! بنهجیکه شلمان بیت اربیل را در روز جنگ خراب کرد که مادر با فرزندانش خورده شدند!! همچنین بیت نیل بسبب شدت شرارت شما بشما عمل خواهد نمود!! در وقت طلوع فجر پادشاه اسرائیل بالکل هلاک خواهد شد!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی تمامی باب دهم)

هنگامیکه اسرائیل طفل بود او را دوست داشتیم!! و پسر خود را از مصر خواندم!! هر قدر که ایشان را بیشتر دعوت کردند!! بیشتر از دور رفتند!! و برای بعلم قربانی گذرانیدند!! و بجهت بُتهای تراشیده بخور سوزانیدند!! و من راه رفتن را به افرایم تعلیم دادم!! او را به بازوها برداشتم اما ایشان ندانستند!! که من ایشان را شفاء داده ام ایشان را بریسمانهای انسان!! ببندهای محبت جذب نمودم!! بجهت ایشان مثل کسانی بودم!! که یوغ را از گردن ایشان بر میدارند!! و خوراک پیش روی ایشان نهادم!! بزمین مصر نخواهند برگشت!! اما آشور پادشاه ایشان خواهد شد!! چونکه از بازگشت نمودن ابا کردند!! شمشیر بر شهرهایش هجوم خواهد آورد! و پشت بندهایش را بسبب مشورت های ایشان معدوم و نابود خواهد ساخت!! و قوم من جازم شدند که از من مرتد گردیدند!! و هر چند ایشان را بسوی حضرت اعلی دعوت نمایند!! کسی خویشان را بر نمی افزارد!! ای افرایم چگونه تو را ترک کنم؟! و ای اسرائیل چگونه تو را تسلیم نمایم؟! چگونه تو را مثل آدمه نمایم و تو را مثل صبونیم سازم!! دل من در اندرونم منقلب شده!! و رفتهای من با هم

مشتعل شده است!!! حدت خشم خود را جاری نخواهم ساخت!!! و بار دیگر افرایم را هلاک نخواهم نمود!!! زیرا که خدا هستم و انسان نی!!! و در میان تو قدوس هستم!!! پس بغضب نخواهم آمد! ایشان خداوند را پیروی خواهند نمود!!! اما مثل شیر غرّش خواهند نمود!!! و چون غرّش نماید فرزندان از مغرب بلرزه خواهند آمد!!! مثل مرغان از مصر!!! و مانند کبوتران از زمین آشور لرزان خواهند آمد!!! خداوند میگوید: که ایشان را در خانه های ایشان ساکن خواهم گردانید!!! افرایم مرا بدورغ ها و خاندان اسرائیل بمکرها احاطه کرده اند!!! و یهودا هنوز با خدا و با قدوس امین ناپایدار است!!! (از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبیّ تمامی باب یازدهم)

افرایم باد را میخورد!!! و باد شرقی را تعقیب میکند!!! تمامی روز دروغ و خرابی را می افزاید! و ایشان با آشور عهد میبندند!!! و روغن (بجهت هدیه) بمصر برده میشود!!! خداوند را بایهودا مخاصمه است!!! و یعقوب را!!! بر حسب راههایش عقوبت رسانیده! بر وفق اعمالش او را جزا خواهد داد!!! او پاشنه برادر خود را در رحم گرفت و در حین قوتش با خدا مجاهده نمود!!! با فرشته مجاهده نمود غالب آمد!!! گریان شده نزد وی تضرّع نمود!!! در بیت نیل او را یافت و در آنجا با ماتکم نمود!!! اما خداوند لشگرهاست!!! **و یاد گاری او یهوه است!!! اما تو بسوی خدای خود باز گشت نمود!!! و رحمت و راستی رانگاه داشته دایماً منتظر خدای خود باش!!! اوسوداگری است که میزان فریب در دست او میباشد!!! و وظلم را دوست میدارد!** افرایم میگوید: بدرستی که دولت مند شده ام!!! و توانگری را برای خود تحصیل نموده ام!!! و در تمامی کسب من بی انصافی که گناه باشد در من نخواهد یافت!!! اما من از زمین مصر (تاحال) یهوه خدای تو هستم!!! و تو را بار دیگری مثل ایام مواسم درخیمه ها ساکن خواهم گردانید!!! به انبیاء نیز تگم نمودم و رویاها افزودم!!! و بواسطه انبیاء مثلها زدم!!! بدرستی که ایشان در جلعاد محض گناه و بطالت گردیدند!!! و در جلجال گاوهای قربانی کردند!!! مذبح های ایشان نیز مثل توده های سنگ! در شیارهای زمین میباشد!!! و یعقوب بزمین آرام فرار کرد!!! و اسرائیل بجهت زن خدمت نمود و برای زن شبانی کرد!!! **و خداوند اسرائیل را بواسطه نبی!!! از مصر بر آورد!!! و او بدست نبی محفوظ گردید!!! افرایم خشم بسیار تلخی بهیجان آورد!**

پس خداوندش خون او را بر سرش وا گذاشت!!! و اعمال او را بر وی رد نمود!!!
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبیّ تمامی باب دوازدهم)

نکاتی از مؤلف: این کلمات!!! و نوشتجات از متن کتاب مقدس عهد عتیق!!! و از کتاب تورات فعلی! میباشد! که ما برشته تحریر در آوردیم!!! و از نوشتجات قلم خود به خداوند متعال که تمامی هستی بوسیله قدرت اوست به او پناه میبریم!!! که به پیام آوران پاک و مقدس و مطهرو انبیاء عظام برگزیده!!! و چنین حرفها را از کتاب مقدس عهد عتیق! و از کتاب تورات فعلی! مینویسیم!!! که به الله رب العالمین پناه میبریم

- ۱- یعقوب با خدا کشتی گرفته و به خدا پیروز شده و از خدا امتیاز گرفته است!!!
- ۲- اسرائیل پدر و پسر با یک دختر زنا کرده اند!!!
- ۳- خداوند گفت: از جلال و حشمت یعقوب نفرت دارم!!!
- ۴- خداوند از جلال یعقوب راضی شده! و بجلال یعقوب قسم خورده است!!!
- ۵- یعقوب هم بنده خداست و هم برگزیده اوست و او را رها نکرده است!!!
- ۶- پس اسرائیل مرتد و زناکار بود! و خواهر خائن اسرائیل یهودا!!! نیز زناکار بود! حتی با چوب و سنگ زنا نموده است! و خداوند به اسرائیل گفت: توبه نما و اسرائیل مرتد توبه نکرد!!!
- ۷- خداوند یعقوب را فروخته و مادرش را طلاق داده است! و هم یعقوب و هم مادرش زن خداوند بودند که به هر دو رطلاق داده است!!!
- ۸- یعقوب پسر خداوند است که خودش زائیده است! که نخست زاده و پسر خداوند است!!!
- ۹- یعقوب قادر مطلق است که خداوند برای او نذر کرده! که برای یعقوب قادر مطلق مسکن پیدا کند!!!
- ۱۰- پسران یعقوب بخاطریک زنا! یک شهر را ویران کردند و تمامی مردان و زنان را کشتند! و تمامی حیوانات و اموال آن شهر را غارت و چپاول کردند! و عهد و پیمان ختنه را زیر پا گذاشتند!!!

- ۱۱- یعقوب مانند گاو وحشی شاخهای داشت!!!
- ۱۲- پسر! نخست زاده اسرائیل بزن پدرش تجاوز!!! بی عصمت ساخته است!!!
- ۱۳- یعقوب به خداوند عصیان و نافرمانی کرده است!!!
- ۱۴- خداوند یعقوب را بحاكمه دعوت کرده!!! و لعنت نموده است!!!
- ۱۵- اسرائیل و افرایم زناکار و خدا ناشناس بودند!!!
- ۱۶- خداوند بنی اسرائیل را نشناخته بود!!!
- ۱۷- اسرائیل خالق خود را فراموش کرده بود!!!
- ۱۸- اسرائیل از خدای خود زنا نمود!!!
- ۱۹- اسرائیل تمائیل و بت میساخت و دلش پر از نفاق بود!!!
- ۲۰- دل خداوند در اندرونش منقلب شده است!!!
- ۲۱- بنی اسرائیل خداوند را با مکر احاطه کرده بودند!!!
- ۲۲- فرشته خداوند در مقابل یعقوب تضرع و زاری کرده است!!!
- ۲۳- یهوه خداوند!!! یادگار خداوند اصلی است!!! و خداوند لشگرهاست!!!
- ۲۴- خداوند فریبکاری و ظلم را دوست دارد!!!
- ۲۵- یعقوب و یا اسرائیل نبی نبود! خداوند بواسطه نبی او را از مصر بیرون آورد!!!
- ۲۶- این کلمات و یانوشتجات را از متن کتاب مقدس عهد عتیق! و از کتاب تورات فعلی در آوریم! که خوانده اید! که سر تا پای ضد و نقیض میباشد!!! بخداوند متعال خلاق جهان هستی برّب العالمین پناه میبریم!!!
- ۲۷- کتاب آسمانی مسلمانان که قرآن کریم وحی منزل میباشد!!! یعقوب را بری و بیزاری از گناه و بزه و عصیان و نافرمانی از خداوند میفرماید: که در فصل تطبیقی مفصلاً خواهیم نوشت!!! که تمام خاندان ابراهیم و ذریه او پاک و بیگناه و مطهر هستند! و آنها هیچ گناه بزرگ و کوچک را بعمل نیاورده اند! و مطیع و تسلیم خداوند یکتا و واحد و تنها و خلاق تمامی موجودات جهان هستی بودند!!! و مسلمان و تسلیم به خداوند خلاق جهان هستی شده بودند!!! خداوندی که حیران و متحیر گذارنده میباشد!!!

بند دوم: نکاتی از مؤلف: درباره زندگی یعقوب!!! در کتاب مقدس عهد جدید یعنی! اناجیل! که کتاب آسمانی دین مسیحیت میباشد! درباره یعقوب مطالبی وجود ندارد!!

بند سوم: زندگی یعقوب در قرآن کریم وحی منزل

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰه فرمود: ای محمد! بگو: ایمان آوردیم به خداوند! و قرآنی که بر ما نازل شده است! و آنچه بر ابراهیم! و اسماعیل! و اسحق! و یعقوب! و اسباط نازل شده! و آنچه به موسی! و عیسی! و پیام آوران دیگر از طرف خداوند صاحب اختیار کلّ شان! داده شده است!!! ایمان آوردیم! و بین احدی از پیام آوران جدائی نمی افکنیم! و همه ما پیام آوران برای خداوند متعال! تسلیم شدگان هستیم! و هر کسی دینی جز دین اسلام بجوید!!! و بخواهد از او پذیرفته! و قبول نخواهد شد! و او در عالم آخرت از زیانکاران است!!!
(از قرآن کریم و از سوره آل عمران آیات ۸۴ و ۸۵)

اللّٰه فرمود: ای محمد! و ای مسلمانان بگوئید: به خداوند ایمان آوردیم!!! و قرآنی که بر ما نازل شده! و آنچه به ابراهیم! و اسماعیل! و اسحق! و یعقوب! و اسباط نازل شده! و آنچه به موسی! و عیسی داده شده!!! و آنچه به پیام آوران دیگر از طرف صاحب اختیار کلّ شان داده شده ایمان داریم! و بین احدی از پیام آوران جدائی نمیگذاریم! و همه ما! و پیام آوران به امر خداوند! تسلیم شدگان هستیم!!!
(از قرآن کریم و از سوره البقره آیه ۱۳۶)

خداوند گفت: کیست که از دین! و آئین ابراهیم برگردد! و اعراض کند؟! مگر آن کسی است که بر نفس خودش سفیه باشد؟! بدرستی که ما ابراهیم را در دنیا برگزیدیم!!! و حقیقت این است! او در آخرت از صالحین! شایستگان است! و وقتی که خداوند صاحب اختیار کلّ ابراهیم! با او گفت: مسلمان شو! ابراهیم گفت: مسلمان! و تسلیم شدم بر صاحب اختیار کلّ جهانیان! و ابراهیم فرزندانش را برای اطاعت!!! و تسلیم شدن بر خداوند متعال! وصیت و سفارش کرد!!! و یعقوب نیز فرزندانش را!!! و تسلیم و مسلمان شدن بر خداوند خلاق هستی وصیت و سفارش کرد و گفت: ای فرزندان من خداوند متعال

دینی را برای شما انتخاب کرده!!! پس بدون شک نمی‌رید!!! مگر آنکه حتی در حال مرگ هم باید مسلمان! و تسلیم بخداوند بوده باشید!!! آیا شما حاضر بودید هنگامی که برای یعقوب مرگ رسید؟! و زمانی که بفرزندان خود گفت: بعد از من چه چیزی را می‌پسندید؟! گفتند: خدای تورا! و خدای پدران تورا که ابراهیم! و اسماعیل! و اسحاق را که خدای! واحد! و یکتا را می‌پسندیم! که برای خداوند! واحد و بی‌همتا! یکتا مسلمان و تسلیم هستیم!!! (از قرآن کریم و از سوره البقره ایا از ۱۳۰ تا ۱۳۳)

خداوند فرمود: ای محمد! ما بسوی تو وحی کردیم! چنانکه بسوی نوح! وحی کردیم و پیام آوران بعد از او وحی کردیم! و بسوی ابراهیم! و اسماعیل اسحق! و یعقوب! و اسباط! و عیسی! و ایوب! و یونس! و موسی! و هارون! و سلیمان را وحی کردیم! و زبور را به داود دادیم!!! (از قرآن کریم و از سوره النساء ایه ۱۶۳)

الله فرمود: ای محمد! بیاد آور بندگان ما ابراهیم! و اسماعیل! و اسحق! و یعقوب را! که صاحبان قدرت دستی! و بصیرت چشمی بودند! بدرستی که ما ایشان را از خالصین شمردیم! و بیغش کردیم! بسبب صفتی که ذکر و یاد آخرت را داشتند! بدرستی که ایشان در نزد ما بدون شک از برگزیدگان بودند!!! (از قرآن کریم و از سوره ص آیات از ۴۵ تا ۴۷)

نکاتی از مؤلف: از این آیات و چندین آیات دیگر قرآن کریم!!! وحی منزل ثابت می‌شود! که یعقوب یکی پیام آوران بزرگ خداوند خلاق جهان هستی و رب العالمین بوده است! و کتاب آسمانی از طرف خداوند متعال بر او نازل شده است!!! همه جای قرآن کریم نام یعقوب بانام ابراهیم بُت شکن و قهرمان توحید با هم آمده است!!! و نشانگر آیات قرآن کریم این است! که یعقوب یکی از پیام آوران حقیقی از طرف خداوند خلاق جهان هستی و رب العالمین بوده است! که تمامی عمرش را در راه یکتاپرستی گام برداشته! و مجاهدت کرده بود!!! و برای خداوند متعال خلاق بنده یکتاپرست و شایسته و صالح و با ایمان! و فرمان بردار بوده است! و بنیانگذار یکتاپرستی جدش ابراهیم! و خودش! و فرزندانش بوده است!!! که سلام و صلوات الله رب العالمین! خلاق جهان هستی! برایشان و خاندانشان و ذریه ایشان بوده باشد!!!

فصل هشتم

تطبیق زندگی و عملکرد داوود در ادیان سه گانه
یعنی یهودیت؛ و مسیحیت؛ و اسلام

بنداول: زندگی داود از کتاب مقدس عهد عتیق! و از تورات فعلی

یوناتان بدادو دگفت: بیابصحراء برویم!!! و هر دوی ایشان بصحراء رفتند! و یوناتان بدادو دگفت: ای یهوه خدای اسرائیل!!! چون فردایا روز سوم پدر خود را مثل این وقت آزمودم!!! و اینک اگر برای داود خبری باشد!! اگر من نزد او نفرستم و وی را اطلاع ندهم! خداوند بیوناتان گفت: مثل این بلکه زیاده از این عمل نماید! و اما اگر پدرم نظر تو را صواب بیند! پس تو را اطلاع داده رها خواهم نموده! بسلامتی بروی و خداوند همراه تو باشد! چنانکه همراه پدرم بود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول سموئیل باب بیستم آیه ۱۲)

خداوند گفت: و بنده من داود پادشاه ایشان خواهد بود! و یک شبان برای جمیع ایشان خواهد بود و به احکام من سلوک نموده!!! و فرایض مرا نگاه داشته آنها را بجا خواهند آورد!!! و در زمینی که بنده خود یعقوب دادم! پدران ایشان در آن ساکن میبودند!!! ساکن خواهند شد!!! و ایشان و پسران ایشان و پسران پسران ایشان تا به ابد!!! در آن سکونت خواهند نمود!!! و بنده من داود تا ابد آباد رئیس ایشان خواهد بود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبی باب سی و هفتم آیه ۲۵)

و در آن شب واقع شد که کلام خداوند بناتان نازل شده گفت: برو ببند من داود بگو: خداوند چنین میگوید: آیات و خانه برای سکونت من بناء میکنی؟! زیرا که از روزیکه بنی اسرائیل را از مصر بیرون آوردم تا امروز در خانه ساکن نشده ام بلکه در خیمه و مسکن گردش کردم! و بهر جائیکه با جمیع بنی اسرائیل گردش کردم!! آیا با احدی از داوران اسرائیل که برای رعایت قوم خود؟! اسرائیل مأمور داشتم سخنی گفتم: که چرا خانه از سر و آزاد برای من بناء نکردید؟! و حال ببند من داود چنین بگو: که یهوه صباوت چنین میگوید: من تو را از چراگاه از عقب گوسفندان گرفتم! تا پیشوای قوم من اسرائیل باشی!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم سموئیل باب هفتم آیات از ۹ تا ۴۹)

و من پادشاه خود را نصب کردم بر کوه مقدس خود صهیون! فرمان را اعلام میکنم خداوند بمن گفته است: تو پسر من هستی امروز تو را تولید کردم!!! از من درخواست کن و امتهارا بمیراث تو خواهم داد!!! و اقصای زمین را ملک تو خواهم گردانید!!! ایشان را بعضای آهنین خواهی شکست! مثل کوزه کوزه گرانهارا خرید خواهی نمود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر یعنی زبور داود؛ مزمور دوم آیات از ۹ تا ۶۹)

وامانت و رحمت من با وی خواهد بود!!! و در نام من شاخ او مرتفع خواهد شد!!! دست او را بردریا مستولی خواهم ساخت!!! و دست راست او را بر نهرها!!! او مرا خواهد خواند که تو پدر من هستی!!! خدای من و صخره نجات من!!! **من نیز او را نخست زاده خود خواهم ساخت!!!** بلند تر از پادشاهان جهان!!! رحمت خویش را برای وی نگاه خواهم داشت! تا ابد آباد! و عهد من با او استوار خواهد بود! و ذریت وی را باقی خواهم داشت تا ابد آباد!!! و تخت او را مثل روزهای آسمان!!!
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور هشتاد و نهم آیات از ۲۴ تا ۳۰)

داود غمگین شد زیرا که خداوند بر عزه رخنه کرده بود!!! و آنمکان راتا به امروز فارص عزه نام نهاد! و در آن روز داود از خداوند ترسید! و گفت: که تابوت خداوند نزد من چگونه بیاید!!! و داود نخواست که تابوت خداوند را!!! نزد خود بشهر داود بیاورد! پس داود آن را بخانه عوبید آدوم حتی برگرداند!!! و تابوت خداوند در خانه عوبید آدوم حتی سه ماه ماند!!! و خداوند عوبید و تمامی خاندانش را برکت داد!!! و داود پادشاه را خبر داده گفتند: خداوند خانه عوبید آدوم و جمیع مایملک او را!!! بسبب تابوت خدا برکت داده است!!! پس داود رفت و تابوت خدا را از خانه عوبید آدوم بشهر داود بشادمانی آورد!!! و چون بردارندگان تابوت خداوند شش قدم رفته بودند!!! گاوان و پرواریها ذبح نمود!!! و **داود با تمامی قوت خود بحضور خداوند رقص میکرد!!!** و داود با یفود کتان ملبس بود!!! پس داود تمامی خاندان اسرائیل تابوت خداوند را با آواز شادمانی و آواز کرنا آوردند!!! چون تابوت خداوند داخل شهر داود میشد!!! میکال دختر شاول از پنجره نگریسته داود پادشاه را دید **که بحضور خداوند جست و خیز و رقص میکند!!!** پس او را در دل خود حقیر شمرد!!! و تابوت خداوند را در آورده آن را در مکانش!!! در میان خیمه که داود برایش برپا داشته بود گذاشت!!! و داود بحضور خداوند قربانی های سوختنی و ذبایح سلامتی فارغ شد قوم را به اسم یهوه صباوت برکت داد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم سموئیل باب ششم آیات از ۸ تا ۹)

و تمامی اسرائیل تابوت عهد خداوند را با آواز شادمانی! و آواز بوق و کرنا و سنج و عود و بربط مینواختند!!! و چون تابوت عهد خداوند وارد شهر داود میشد!!! میکال دختر شاول از پنجره نگر است!!! **وداود پادشاه را دید که رقص و وجد مینماید! اورا دردل خود خوار شمرد!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول تواریخ ایام باب پانزدهم آیات از ۲۸ تا آخر باب)

در آن شب واقع شد که کلام خداوند بناتان نازل شده!!! گفت: برو و ببند من داود بگو: خداوند چنین میگوید: آیاتو خانه برای سکونت من بناء میکنی؟؟؟؟! زیرا از روزیکه بنی اسرائیل را از مصر بیرون آوردم!!! تا امروز در خانه ساکن نشده ام بلکه درخیمه و مسکن گردش کرده ام! و بهرجائیکه با جمیع بنی اسرائیل گردش کردم!!! آیا به احدی از داوران اسرائیل که برای رعایت قوم خود؟؟؟؟! اسرائیل مأمور داشتم سخنی گفتم؟! که چرا خانه از سرو آزاد برای من بناء نکردند؟! و حال ببند من داود چنین بگو: که یهوه صباوت چنین میگوید: من تورا از چراگاه از عقب گوسفندان گرفتم!!! تا پیشوای قوم من باشی!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم سموئیل باب هفتم آیات از ۵ تا ۹)

بر حسب تمامی این کلمات و مطابق تمامی این رویای ناتان بداود تکلم نمود!!! **وداود پادشاه داخل شده بحضور خداوند نشست! و گفت: ای خداوند یهوه من کیستم؟؟؟؟! و خاندان من چیست؟؟؟؟! که مرا به این مقام رسانیدی و این نیز در نظرتو ای خداوند یهوه امر قلیل نمود! زیرا که درباره خانه بنده ات نیز برای زمان طویل تکلم فرمودی! و آیا این ای خداوند یهوه عادت بنی آدم است؟؟!! و داود دیگر بتوجه تواند گفت: زیرا که تو ای خداوند یهوه بنده خود را میشناسی!!! و بر حسب کلام خود و موافق دل خود تمامی!!! این کارهای عظیمی را بجا آوردی!!! تا بنده خود را تعلیم بدهی بنابراین ای یهوه خدا تو بزرگ هستی!!! زیرا که چنانکه بگوشهای خود شنیده ام مثل تو کسی نیست!!! و غیر از تو خدائی نیست!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم سموئیل باب هفتم آیه ۱۹)

و در آن شب واقع شد که کلام خداوند بناتان نازل شده!!! گفت: برو و بنده من داود بگو: خداوند چنین میفرماید: تو خانه برای سکونت من بناء خواهی کرد! زیرا که که از روزیکه بنی اسرائیل را از مصر بیرون آوردم! تا امروز در خانه ساکن نشده ام!!! بلکه از خیمه به خیمه و مسکن به مسکن گردش کرده ام!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول تواریخ ایام باب هفدهم آیه ۵)

و سلیمان شروع کرد ببناء نمودن خانه خداوند در اورشلیم!!! برکوه موریاجائیکه (خداوند) بر پدرش داود ظاهر شده بود!!! جائیکه داود از خرمنگاه آرنون بیسی تعیین کرده بود!!! و در روز دوم ماه دوم از سال چهارم سلطنت خود ببناء کردن شروع نمود!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از دوم تواریخ ایام باب سوم آیات ۱ و ۲)

و داود هنگامیکه پادشاه شد سی ساله بود!!! و چهل سال سلطنت نمود هفت سال و شش ماه در حبرون بر یهودا سلطنت نمود!!! و سی و سه سال در اورشلیم!!! بر تمامی اسرائیل و یهودا سلطنت نمود!!! و پادشاه با مردانش به اورشلیم!!! به مقابله بیوسیان که ساکن زمین بودند رفت!!! و ایشان بدادومتکلم شده به اینجا داخل خواهی شد!!! جز اینکه کوران و لنگان را بیرون کنی!!! زیرا که گمان بردند که داود به اینجا داخل خواهد شد!!! و داود قلعه صهیون را گرفت که همان شهر داود است!!! و در آن روز داود گفت: هر که بیوسیان را بزند و بقات رسیده!!! لنگان و کوران را که مبعوض جان داود هستند!!! (بزند) بنابراین میگویند! کورو لنگ بخانه داخل خواهند شد!!! و داود در قلعه ساکن شد و آن را شهر داود نامید!!! به اطراف مملو و اندرونش عمارت ساخت!!! و داود ترقی کرده بزرگ میشد!!! و یهوه صباوت با وی میبود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم سموئیل باب پنجم آیات از ۴ تا ۱۰)

پس داود بن یسی بر تمامی اسرائیل سلطنت نمود!!! و مدت سلطنت او بر اسرائیل چهل سال بود!!! اما در حبرون هفت سال سلطنت کرد و در اورشلیم سی و سه سال پادشاهی کرد!!! و در پیری نیکو از عمر و دولت و حشمت سیر شده!!! و فوات نمود!!! و پسرش سلیمان بجایش پادشاه شد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از اول تواریخ ایام باب بیست و نهم آیه ۲۸)

لهذا ای خداوند تورا در میان امت‌ها حمد خواهم!!! گفت: و بنام تو سرود خواهم خواند
 !!! که نجات عظیمی بپادشاه خود داده!!! و بمسیح خویش رحمت نموده است!!!
 یعنی بداود و ذریّت اوتا ابدالآباد!!!

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمو ر هجدهم آیه ۴۹)

خداوند تمامی مسنلت رابه انجام رسانید!!! الان دانسته ام که خداوند مسیح خود
 رامیر هاند!!! (از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمو ر بیست ونهم آیه ۶)
 ای یهوه خدای لشگرها دعای مرا بشنو!!! ای خدای یعقوب گوش خود را فراگیر
 سلاه! ای خدائیکه سپر ماهستی ببین! و بر روی مسیح خود نظر انداز!!!

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از مزامیر مزمو ر هشتاد و چهارم آیه ۹)

اما من کرم هستم! انسان نی!!! عار آدمیان هستم و حقیر شمرده شده قوم!!! هر که
 مرا ببیند بمن استهزاء میکند!!! لبهای خود را باز میکند و سرهای خود را می جنبانند
 !!! و میگویند: بر خداوند توکل کن پس او را خلاصی بدهد!!!

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از مزامیر؛ مزمو ر بیست ود وّم آیه ۷)

بفرعون بگو: خداوند چنین میگوید: اسرائیل پسر من و نخست زاده من است!!! او
 را رها کن تا بمن عبادت کند!!!

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی سفر خروج باب چهارم آیه ۲۳)

بگناه خود نزد تو اعتراف کردم!!! و جرم خود را مخفی نداشتم! گفتم: عصیان خود
 را نزد خداوند اقرار میکنم!!! پس تو الان گناهم را عفو کردی!!! بسلاّ از این رو هر
 مقدّس در وقت اجابت نزد تو دعا خواهد کرد!!! و وقتی که آبهای بسیار بسیلان آید
 هرگز بدو نخواهد رسید! تو ملجای من هستی مرا از تنگی حفظ خواهی کرد!!! مرا
 بسرودهای نجات احاطه خواهی نمود سلاّ! تو را حکمت خواهم آموخت! و برای
 که بایدرفت ارشاد خواهم نمود! و تو را بچشم خود که برتوست نصیحت خواهم فرمود
 !!! مثل اسب و قاطر بیفهم میباشد!!! که آنها را برای بستن بدنه و لگام زینت
 !!! و الا نزدیک تو نخواهند آمد!!! غمهای شریر بسیار میباشد!!!

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمو ر سی و دوّم قصده داود آیات از ۵ تا ۹)

ای خدا بحسب رحمت خود بر من رحم فرما!!! بحسب کثرت رأفت خویش گناهانم
 را محوساز!!! مرا از عصیانم بکلی شست و شوده! و از گناهم مرا پاک و ظاهر کن

زیرا که من به معصیت خود اعتراف میکنم!!! و گناه هم همیشه در نظر من است بتو و بتوتنها گناه ورزیده!!! و در نظرتو این بدی را کرده ام!!! تا در کلام خود را مصدق کردی!!! و در داوری خویش مزگی شوی!!! **اینک در معصیت سرشته شدم!!! و شدم! و مادرم در گناه بمن آبستن گردید!!!** اینک بر راستی در قلب راغب هستی پس حکمت را در باطن من بمن بیاموز!!! مرا با زوفا پاک کن تا ظاهر شوم!!! و مرا شست و شو کن تا از برف سفید تر گردم!!! شادی و خرمی را بمن بشنوان!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور پنجاه و یکم آیات از ۱ تا ۸)

و داود پادشاه پیرو سالخورده شده!!! هر چند او را بلباس میپوشانیدند لیکن گرم نمیشود!!! و خادمانش وی را گفتند: بجهت آقای ما پادشاه باکره جوان بطلبید تا بحضور پادشاه بایستد!!! او را پرستاری نماید و در آغوش او بخوابد! تا آقای پادشاه گرم بشود!!! پس در تمامی حدود اسرائیل دختری نیکو منظر طلبیدند!!! و آبیشگی شونمیه را یافته او را نزد پادشاه آوردند!!! و آن دختر بسیار نیکو منظر بود و پادشاه را پرستاری نموده!!! او را خدمت میکرد اما پادشاه او را نشناخت!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول پادشاهان باب اول آیات از ۱ تا ۵)

چونکه داود آنچه در نظر خداوند راست بود بجا آورد!!! و از هر چه او را امر فرموده تمامی روزهای عمرش تجاوز ننموده بود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول پادشاهان باب پانزدهم آیه ۵)

و در آدوم قراولان گذاشت بلکه در تمامی آدوم قراولان گذاشته!!! جمیع آدومیان بندگان داود شدند!!! و خداوند داود را در هر جاکه میرفت نصرت میداد!!! و داود بر تمامی اسرائیل سلطنت مینمود!!! و داود بر تمامی قوم داوری و انصاف را اجرا و گرامی میداشت!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم سموئیل باب هشتم آیه ۵)

پس داود پادشاه برپا ایستاده گفت: ای برادرانم و ای قوم من مرا بشنوید!!! من اراده داشتم خانه ای را که آرامگاه تابوت عهد خداوند! و پای انداز پایهای خدای ما باشد بناء نمایم!!! و برای بنای آن تدارک دیده بودم!!! لیکن خداوند مرا گفت: تو خانه بجهت اسم من بناء نخواهی نمود!!! زیرا که مرد جنگ هستی و خون ریخته! لیکن یهوه خدای اسرائیل مرا از تمامی خاندان پدرم برگزیده است!!! که

بر اسرائیل تابه ابد پادشاه بشوم!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تواریخ ایام باب بیست و هشتم آیات از ۲ تا ۴)

و واقع شد بعد از انقضای سال!!! هنگام بیرون رفتن پادشاهان!!! که داود یوآب را بایندگان!!! خویش و تمامی اسرائیل فرستاده!!! و ایشان بنی عمون را را خراب کرده ربه را محاصره نمودند!!! اما داود در اورشلیم ماند!!! واقع شد در وقت عصر که داود!!! از بسترش برخاسته بر پشت بام خانه پادشاه گردش کرد! و از پشت بام زنی را دید که خویشتن را شستشو میکند!!! آن زن بسیار نیکو منظر بود!!! پس داود فرستاده در باره زن استفسار نمود!!! او را گفتند: که ای این بتشیع دختر آلیعام زن اوریای حتی است!!! و داود قاصدان فرستاده او را گرفتند!!! و او نزد وی آمد داود با او همبستر شد!!! و او از نجاست خود ظاهر شده بخانه خود برگشت!!! و آن زن حامله شد!!! و فرستاده داود را م خبر ساخت!!! و گفت: که من حامله هستم!!! پس داود فرد را نزد یوآب فرستاد که اوریای حتی را نزد من بفرست!!! و یوآب اوریای حتی را نزد داود فرستاد!!! و چون اوریای نزد وی رسید!!! داود از سلامتی یوآب!!! و از سلامتی قوم و از سلامتی جنگ پرسید!!! و داود به اوریای حتی گفت: بخانه ات برو!!! و پایهای خود را بشور!!! پس اوریای حتی از در خانه پادشاه بیرون رفت!!! و از عقبش خانی از پادشاه فرستاده شد!!! اما اوریای حتی در خانه پادشاه با سایر بندگان آقایش خوابیده!!! بخانه خود نرفت!!! و داود را خبر داده گفتند: که اوریای حتی بخانه خود نرفته است!!! پس داود به اوریای حتی گفت: آیا تو از سفر نیامده پس چرا به خانه خود نرفته؟؟؟؟ اوریای حتی بد اود عرض کرد که تابوت و اسرائیل و یهودا در خیمه ها ساکنند و آقایم یوآب!!! و بندگان آقایم بر روی بیابان خیمه نشینند!!! و آیامن بخانه خود بروم؟؟؟؟ تا اکل و شرب بنمایم؟؟؟؟ و با زن خود بخوابم؟؟؟؟!!! بحیات تو و بحیات جان تو قسم که این کار را!!! نخواهم کرد!!! و داود به اوریای گفت: امروز نیز اینجاباش و فردا تو را روانه میکنم!!! پس اوریای حتی آن روز و فردایش را در اورشلیم ماند!!! و داود او را بخانه دعوت نمود!!! که در حضورش

خوردونوشید و اورامست کرد!!! و وقت شام بیرون رفته بر بستربانندگان آقایش خوابید!!! و بخانه خودنرفت!!! و بامدادان داودمکتوبی برای یوآب نوشته بدست اوریا فرستاد!!! و درمکتوب به این مضمون نوشت!!! که اوریا را درمقدمه جنگ سخت بگذارید!!! و از عقبش پس بروید تا زده شده بمیرد!!! پس چون یوآب شهر را محاصره کرد!!! و اوریا درمکانیکه میدانست که مردان شجاع در آنجامیباشد گذاشت!!! پس مردان از شهر بیرون آمده با یوآب جنگ کردند و بعضی از قوم از زبندگان داودافتادند!!! و اوریا حتی نیزبمُرد!!! پس یوآب فرستاده داود را از جمیع وقایع جنگ خبر داد!!! و قاصد را امر فرموده گفت: چون از تمامی وقایع جنگ بپادشاه خبر داده باشی!!! اگر خشم پادشاه افروخته شود و تورا گوید: چرا برای جنگ بشهر نزدیک شدید؟؟؟؟ و آیا نمیدانستید که از سر حصار تیرخواهند انداخت؟؟؟؟ کیست که ابی ملک بن یربوشت راکشت؟؟؟؟ آیا زنی سنگ بالاین آسیابی را از روی حصار بر او نینداخت؟؟؟؟ که در تاپاص مُرد؟؟؟؟ پس چرا بحصار نزدیک شدید؟؟؟؟ آنگاه بگو: بنده ات اوریا ی حتی نیز مُرده است!!! پس قاصد روانه شد آمد!!! و داود را از آنچه یوآب اورا پیغام داده بود مخبر ساخت!!! و قاصد به داود گفت: که مردان بر ما غالب شده در عقب ما بصحراء بیرون آمدن!!! و ما برایشان تادهنه دروازه تاختیم!!! و تیراندازان بر بندگان تواز روی حصار تیر انداختند!!! و بعضی از بندگان پادشاه مُردند!!! و بنده تو اوریا ی حتی نیز مُرده است!!! داود بقاصد گفت: به یوآب چنین بگو: این واقعه در نظر تو بد نیاید!!! زیرا که شمشیر این و آن رابی تفاوت هلاک میکند!!! پس در مقاتله باشهر باشند بسختی کوشیده آن را منهدم بساز!!! پس اورا بخاطر جمعی بده!!! و چون زن اوریا شنید که شوهرش اوریا مُرده است!!! برای شوهر خود ماتم گرفت!!! و چون ایام ماتم گذشت داود فرستاده!!! اورا به خانه خود آورد!!! و او زن وی شد!!! و برایش پسری زانید!!!

اما کاری که داود کرده بود در نظر خداوند ناپسند آمد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم سموئیل تمامی باب یازدهم)

و خداوند ناتان را نزد داود فرستاد!!! و نزد وی آمد اورا گفت: که در شهری دومرد بودند یکی دولت مند و دیگری فقیر!!! دولت مند را گوسفند و گاو بی نهایت بسیار بود و فقیر را جزیک ماده بره کوچک نبود!!! که آن را خریده و پرورش داده همراه وی!!! و پسرانش بزرگ میشد از خوراک وی می خورد و از کاسه او مینوشید!!! و در آغوشش می خوابید!!! و برایش مثل دختر می بود!!! مسافری نزد آن مرد دولت مند آمد!!! و او را حیف آمد که از گوسفندان و گاوان خود بگیرد تا جهت مسافری که نزد وی آمده بود مهیا سازد!!! و بره آن مرد فقیر را گرفته برای آن مرد که نزد وی آمده بود مهیا ساخت!!! آنگاه خشم داود بر آن شخص افروخته شده بناتان گفت: بحیات خداوند قسم!!! کسیکه این کار را کرده است مستوجب قتل است!!! و چون که این کار را کرده است!!! و هیچ ترحم ننموده بره را چهارچندان رد کند!!! بناتان بدادود گفت: آن مرد توهستی و یهوه خدای اسرائیل چنین میگوید: من تورا!!! بر اسرائیل پیادشاهی و مسیح نمودم!!! و تورا از دست شاول رهائی دادم! و خانه آقای تورا بتو دادم!!! و زنان آقای تورا به آغوش تو!!! و خاندان اسرائیل و یهودا را بتو عطاء کردم!!! و اگر این کم میبود چنین و چنان برای تو مزید می کردم!!! پس چرا کلام خداوند را خوار نموده؟؟ در نظروی عمل بد بجا آوردی؟؟ **و اورای حتی را بشمشیر زده!!! زن او را برای خود بزنی گرفتی!!! و او را بشمشیر بنی عمون بقتل رسانیدی!!!** پس حال شمشیر از خانه تو هرگز دور نخواهد شد!!! بعلت این که مرا تحقیر نموده!!! زن اورای حتی را گرفتی تازن تو باشد!!! خداوند چنین میگوید: اینک من از خانه خودت بدی را!!! بر تو عارض خواهم گردانید!!! و زنان تو را پیش چشم تو گرفته بهمسایه ات خواهم داد!!! و او در نظر این آفتاب!!! با زنان تو خواهد خوابید! زیرا که تو این کار را پنهانی کردی!!! اما من این کار را پیش تمام اسرائیل! و در نظر آفتاب خواهم نمود!!! و داود بناتان گفت: بخداوند گناه کرده ام!!! بناتان به داود گفت: خداوند نیز گناه تو را عفو نموده است!!! که نخواهی مرد!!! **لیکن چون از این امر باعث!!! کفر گفتن دشمنان خداوند شده!!! پس نیز که برای تو زائیده شده است البته خواهد مُرد!!! پس بناتان بخانه خود رفته!!! و خداوند پسری را که زن**

اوریا برای داود زائیده بود!!! مبتلا ساخت که سخت بیمار شده! پس داود از خداوند برای طفل استدعا نمود!!! و داود روزه گرفت و داخل شده!!! تمامی شب بر روی زمین خوابید!!! و مشایخ خانه اش بر او برخاستند! تا او را از زمین برخیزانند اما قبول نکرد و با ایشان نان نخورد!!! و در روز هفتم طفل بمرد!!! خادمان داود ترسیدند که از مردن طفل او را اطلاع بدهند!!! زیرا که گفتند: اینک چون طفل زنده بود باوی سخن گفتیم: و قول ما را نشنید پس اگر به او خبر دهیم!!! که طفل مُرده است چقدر زیاده رنجیده بود!!! و چون داود دید بندگانش بایکدیگر نجوی میکنند! داود فهمید که طفل مُرده است!!! و داود بخادمان خود گفت: آیا طفل مُرده است؟! گفتند: مُرده است آنگاه داود از زمین برخاسته خویشتن را شستشوداده تدهین کرد!!! و لباس خود را عوض نموده!!! بخانه خداوند رفت و عبادت نمود!!! و بخانه خود آمده خوراک خواسته!!! که پیشش گذاشتند و خورد!!! و خادمانش بوی گفتند: این چه کار است که کردی؟! و وقتی که طفل زنده بود روزه گرفته گریه نمودی و چون طفل مُرد برخاسته خوراک خوردی!!! او گفت: وقتی که طفل زنده بود روزه گرفتم و گریه نمودم زیرا که فکر کردم کیست که بداند که شاید!!! خداوند بمن ترحم نماید تا طفل زنده بماند!!! اما الان که مُرده است پس چرا من روزه ندارم!!! آیا میتوانم دیگر او را بازگردانم؟! من نیز بنزد او خواهم رفت لیکن او نزد من باز نخواهد آمد!!! و داود زن خود بتشبع راتسلی داد!!! و نزد وی در آمده با او خوابید!!! و او پسر زائید او را سلیمان نام نهاد!!! و خداوند او را دوست!!! و بدست ناتان نبی فرستاد!!! و او را بخاطر خداوند دیدی نام نهاد!!! و یوآب باربه بنی عمون جنگ کرد! شهر پادشاه نشین را گرفت!!! و یوآب قاصدان نزد داود فرستاده گفت: که باربه جنگ کردم!!! و شهر و آبهارا گرفتم!!! پس الان بقیه قوم را جمع کن!!! در برابر دروازه آن را بگیر!!! مبادا من شهر را بگیرم و به اسم من نامیده شود!!! پس داود تمامی قوم را جمع کرده!!! به ربه رفت و بآن جنگ کرده آن را گرفت!!! و تاج پادشاه ایشان را!!! از سرش گرفت که وزنش یک وزنه طلا بود!!! و سنگهای گرانبها داشت و آن را بر سرداود گذاشتند!!! و غنیمت از حد زیاده از شهر بردند!!! و خلق آنجا را بیرون آورده

ایشان را زیر ارّه ها! و چوبهای آهنین!!! و تیشه های آهنین گذاشت!!! و ایشان را از کوره آجرپزی گذرانید!!! و بهمین طوری با جمیع شهرهای بنی عمّون رفتار نمود!!! پس داود و تمامی قوم به اورشلیم برگشتند!!!

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب دوّم سموئیل تمامی باب دوازدهم)

و بعد از این واقع شد که آبشالوم بن داود را!!! خواهری نیکو صورت مسمّاء بتامار بود!!! و آمنون پسر داود او را دوست میداشت!!! و آمنون بسبب خواهر خود تamar چنان گرفتار شد!!! که بیمار گشت زیرا که او باکره بود و بنظر آمنون دشوار آمد که با وی کاری کند!!! و آمنون رفیقی داشت که مسمی یوناداب بن شمعی!!! و برادر داود بود!!! و یوناداب مردی بسیار زیرک بود!!! و او وی را گفت: ای پسر پادشاه چرا روز بروز چنین لاغر میشوی؟؟؟! و مرا خبر نمیدهی؟؟؟! **آمنون وی را گفت: که من تamar خواهر برادر خود آبشالوم را دوست میدارم!!! و یوناداب وی را گفت: بر بستر خود خوابیده تمارض نما!!! و چون پدرت برای عیادت تو بیاید وی را بگو: تمّاین که خواهر من تamar بیاید!!! و مرا خوراک بخوراند!!! و خوراک را در نظر من حاضر سازد تا ببینم!!! و از دست وی بخورم!!! پس آمنون خوابید و تمارض نمود!!! و چون پادشاه به عیادتش آمد!!! آمنون پادشاه گفت: تمّاین که خواهرم تamar بیاید!!! و دو قرص طعام پیش من بپزد تا از دست او بخورم!!! و داود فرد را نزد تamar بخانه اش فرستاده گفت: الان بخانه برادرت آمنون برو!!! و برایش طعام بساز!!! و تamar بخانه برادر خود آمنون رفت و او خوابیده بود!!! و آرد گرفته خمیر کرد و پیش او قرص ها ساخته آنها را پخت!!! و تا به را گرفته آنها را پیش او ریخت اما آمنون از خوردن ابانمود و گفت: همه کس را از نزد من بیرون کنید!!! و همگان از نزد او بیرون رفتند!!! و آمنون بتamar گفت: خوراک را به اطاق بیاور تا از دست تو بخورم!!! و تamar قرص ها را که ساخته بود!!! گرفته نزد برادر خود آمنون به اطاق آورد!!! و چون پیش او گذاشت تا بخورد!!! او وی را گرفته به او گفت: ای خواهرم بیا بامن بخواب!!! او وی را گفت: نئی ای برادم مرا ذلیل مساز!!! زیرا که چنین کار در اسرائیل کرده نشود!!! این قباحت را بعمل میاور!!! اما من ننگ**

خود را کجا ببرم!!! و اما تو مثل یکی از سفهاء در اسرائیل خواهی شد!!! پس حال
 تمنا اینکه به پادشاه بگویی!!! زیرا که مرا از تو دریغ نخواهد نمود!!! لیکن
 (نکاتی از مؤلف: تمار خواهر آمنون و دختر داود!!! ببرادرش گفت: مرا از داود
 پادشاه خواستگاری کن که از تو دریغ نخواهد کرد! آیا از دواج خواهر و برادر! در
 شریعت ابراهیم و موسی و داود؟؟؟؟! مجاز و حلال بوده است؟؟؟؟! که تمار خواهر
 آمنون این سخن را گفته بوده است؟؟؟؟! و یا کلمات و یانوشجات اصل و ناب آیات
 شیطانی؟؟؟؟! کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی میباشد!؟) او نخواست
 !!! سخن وی را بشنود!!! و بر او زور آور شده!!! او را مجبور ساخت!!! و با او خوابیده
 !!! آنگاه آمنون با شدت بر وی بغض نمود!!! و بغضی که با او ورزید از محبتی
 که با او میداشت زیاده بود!!! پس آمنون وی را گفت: برخیز و برو!!! او وی را گفت:
 چنین مکن زیرا که این ظلم عظیم در بیرون من میکنی!!! برتر است از دیگری که
 بامن کردی!!! لیکن اونه خواست وی را بشنود!!! پس خادمی را که او را خدمت
 میکرد خوانده!!! گفت: این دختر را از نزد من بیرون کن!!! و در را از عقبش ببند!!!
 و او جامه رنگارنگ در تن داشت!!! زیرا که دختران باکره پادشاه!!! به این گونه
 لباس ملبس میشدند!!! و خادمش او را بیرون کرده در را از عقبش بست!!! و تمار
 خاکستر بر سر خود ریخته!!! و جامه رنگارنگ را که در تنش بود درید!!! و دست
 خود را بر سر گذارده روانه شد!!! و چون میرفت فریاد مینمود!!! و برادرش آبشالوم
 وی را گفت: که آیا برادرت آمنون با تو بوده است؟! پس خواهر من اکنون خاموش
 باش!!! او برادرت خواست و از این امر متفکر مباش!!! پس تمار در خانه برادر خود
 آبشالوم در پریشان حالی ماند!!! و چون پادشاه تمامی این وقایع را شنید!!! بسیار
 غضبناک شد!!! آبشالوم به آمنون سخنی نیک یابدنگفت: زیرا که آبشالوم آمنون
 را بغض میداشت!!! بعلت اینکه خواهرش تمار را ذلیل ساخته بود!!! و بعد از دو
 سال تمام واقع شد که آبشالوم در بعل حاصور که نزد افرایم است!!! پیشم برندگان
 داشت تمامی پسران پادشاه را دعوت نمود!!! و آبشالوم نزد پادشاه آمده گفت:
 اینک حال بنده تو پیشم برندگان گوسفند دارد!!! تمنا اینکه پادشاه با خادمانش هم

راه بنده ات بیاید!!! پادشاه به آبشالوم نئی ای پسر همه ما نخواهیم آمد!!! مبادا برای تو بار سنگین باشیم!!! و هر چند اورا الحاج نمود لیکن نخواست که بیاید و اورا برکت داد!!! و آبشالوم گفت: پس تمنا اینکه برادرم آمنون باما بیاید!!! پادشاه اورا گفت: چرا با تو بیاید؟! اما چون آبشالوم اورا الحاج نمود!!! آمنون تمامی پسران پادشاه را با اورا روانه کرد!!! و آبشالوم خادمان خود را امر فرموده گفت: ملاحظه کنید چون دل آمنون از شراب خوش شود!!! و بشما بگویم: که آمنون بزیند آنگاه او را بکشید و مترسید!!! آیامن شمارا امر فرمودم؟! پس دلیر و شجاع باشید! و خادمان آبشالوم با آمنون بطوری که آبشالوم امر فرموده بود!!! بعمل آوردند!!! و جمیع پسران پادشاه برخاسته هر کسی بقاطر خود سوار شده گریختند!!! و چون ایشان در راه میبودند!!! خبر بد او رسانیده!!! و گفتند: که آبشالوم همه پسران پادشاه را کشته! و یکی هم از ایشان باقی نمانده است!!! پس پادشاه برخاسته جامه خود را درید!!! و بر روی زمین دراز شد!!! و جمیع بندگان با جامه دریده!!! در اطرافش ایستاده بودند!!! اما یوناتاب بن شمعی!!! برادر داود متوجه شده گفت: آقام گمان نبرد که جمیع جوانان!!! یعنی پسران پادشاه کشته شدند!!! زیرا که آمنون تنها مرده است! چونکه این در نزد آبشالوم مقرر شده بود! از روزیکه خواهرش تمار را ذلیل ساخته بود!!! و الان آقام از این امر متفکر نشود و خیال نکند!!! که تمامی پسران پادشاه مرده اند!!! زیرا که آمنون تنها مرده است! آبشالوم گریخت! جوانی که دیده بانی میکرد!!! چشمان خود را بلند کرده نگاه کرد!!! و اینک خلق بسیار از پهلوی کوه که در عقبش بود می آمدند!!! و یوناداب پادشاه گفت: اینک پسران پادشاه می آیند!!! پس بطوری که بنده ات گفت: چنان شد!!! و چون از سخن گفتن فارغ شد پسران پادشاه رسیدند!!! و آواز خود را بلند کرده گریستند!!! و پادشاه نیز و جمیع خادمانش به آواز بسیار بلند گریه کردند!!! و آبشالوم فرار کرده نزد!!! تلمای ابن عمیه و پادشاه جشور رفت! و داود برای پسر خود هر روز نوحه گری مینمود!!! و آبشالوم فرار کرده بجشور رفت و سه سال در آنجا ماند!!! و داود آرزو میداشت که نزد آبشالوم بیرون رود!!! زیرا که در باره آمنون تسلی یافته بود چونکه مرده بود!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم سموئیل تمامی بقاب سیزدهم)

و یوآب بن صرویه فهمید!!! که دل پادشاه به آبشالوم مایل است!!! پس یوآب بتفوع فرستاده زنی دانشمند!!! از آنجا آورد!!! و بوی گفت: تمنا اینکه خویشان را مثل ماتم کننده ظاهر سازی!!! و لباس تعزیت پوشی!!! و خود را با روغن تدهین نکنی!!! و مثل زنیکه روزهای بسیار بجهت مُرده ماتم گرفته باشد بشوی!!! و نزد پادشاه داخل شده اورا بدین مضمون بگویی: پس یوآب سخنان را بدهانش گذاشت!!! چون زن تقوعیه پادشاه سخن!!! گفت: بروی خود به زمین افتاده تعظیم نمود و گفت: ای پادشاه اعانت فرما!!! و پادشاه به او گفت: تو را چه شده است؟؟؟!!! عرض کرد اینک من زن بیوه هستم و شوهرم مُرده است!!! و کنیزتورا دویسربود ایشان!!! با یکدیگر در صحراء مخاصمه نمودند!!! کسی نبود که ایشان را از یکدیگر جدا کند!!! پس یکی از ایشان دیگری را زد و کشت!!! اینک تمامی قبیله بر کنیزتو برخاسته میگویند!!! قاتل برادر خود را بسیار!!! تا اورا بعوض جان برادرش!!! که کشته است!!! بقتل رسانیم و وارث را هلاک کنیم!!! و باینطور اخگر مرا که باقی مانده است!!! خاموش خواهند کرد!!! و برای شوهرم نه اسم و نه اعصاب بر روی زمین نخواهد گذاشت!!! پادشاه بزن فرمود!!! بخانه ات برو! و من درباره تو حکم خواهم نمود!!! و زن تقوعیه پادشاه عرض کرد ای آقای پادشاه تقصیر بر من و بر خاندان من میباشد!!! و پادشاه و کرسی اوبی تقصیر میباشد!!! و پادشاه گفت: هر که با تو سخن بگوید: اورا نزد من بیاورید!!! دیگر بتوضرن نخواهند رسانید! پس زن گفت: ای پادشاه یهوه خدای خود را بباد آور!!! تا ولی مقتول دیگر را هلاک نکند!!! مبادا پسر مرا تلف سازند! پادشاه گفت: بحیات خداوند قسم که موی از سر پسرت بزمین نخواهد افتاد!!! پس زن گفت: مستدعی آنکه کنیزت با آقای خود پادشاه سخن گوید؟؟؟!!! گفت: بگو: زن گفت: پس چرا درباره قوم خدامثل این تدبیر کرده؟؟؟!!! و پادشاه در گفتن: این سخن مثل اینک تقصیر کار است!!! چونکه پادشاه آواره شده خود را باز نیآورده است!!! زیرا که ما باید البته بمیریم!!! و مثل آب هستیم که بزمین ریخته شود و آن را جمع کرد! و خدا جان رانی گیرد! بلکه تدبیرها میکند تا آواره شده از او آواره نشود!!! و حال بقصد عرض کردن این سخن نزد!!!

آقای خود پادشاه آمده سبب این بود!!! که خلق مرا ترسانیدند!!! و کنیزت فکر کرد که چون به پادشاه عرض کنم احتمال دارد!!! که پادشاه عرض کنیز خود!!! را به انجام خواهد رسانید!!! زیرا که پادشاه اجابت خواهند نمود!!! که کنیز خود را از دست کسی که می خواهد مرا!!! و پسر مرا با هم از میراث خدا هلاک سازد بربانند!!! و کنیز تو فکر کرد که کلام آقام پادشاه باعث تسلی خواهد بود!!! زیرا که آقام پادشاه مثل فرشته خداست!!! تانیک و بد را تشخیص کند یهوه خدای تو همراه تو باشد!!! پس پادشاه در جواب زن فرمود!!! چیزی را که از تو سوال میکنم از من مخفی ندار؟! زن عرض کرد آقام پادشاه بفرماید!!! پادشاه گفت: آیا دست یوآب در همه اینکار باتو نیست؟! زن در جواب عرض کرد بحیات جان تو ای آقام پادشاه هیچ کس! از هر چه آقام پادشاه بفرماید!!! بطرف راست یا چپ نمی تواند انحراف و رزد!!! زیرا که بنده تویی یوآب او است!!! که مرا امر فرموده است!!! و او است که تمامی این سخنان را بدهان کنیزت گذاشته است!!! برای تبدیل صورت این امر بنده تو!!! یوآب اینکار کرده است!!! اما حکمت آقام مثل حکمت فرشته خدایم باشد!!! تا هر چه بر روی زمین است بداند!!! پس پادشاه بیوآب گفت: اینک این کار را کرده حال برو!!! و آبشالوم جوان را باز آور آنگاه یوآب بروی خود بزمین افتاده تعظیم نمود!!! و پادشاه را تحسین کرد!!! و یوآب گفت: ای آقام پادشاه امروز بنده ات میدانم که در نظر تو التفات یافتم!!! چونکه پادشاه کار بنده خود را به انجام رسانیده است!!! پس یوآب برخاسته بجشور رفت!!! و آبشالوم را به اورشلیم باز آورد!!! و پادشاه فرمود که بخانه خود برگردد و روی مرا نبیند!!! که آبشالوم بخانه خود رفت و روی پادشاه را ندید!!! و در تمامی اسرائیل کسی نیکو منظر و بسیار ممدوح مثل آبشالوم نبود!!! که از کف تا پا فرق سرش در او عیبی نبود! و هنگامیکه موی سر خود را میچید (زیرا که آن را در آخر هر سال میچید!!! چونکه بر او سنگین میشود از آن سبب آن را میچید) موی سر خود را و زن نمود دو بست مثقال بوزن شاه مییافت!!! و برای آبشالوم سه پسر و یک دختر مسماء بتامار زانیده شدند!!! و او دختر نیکو صورت بود!!! و آبشالوم دو سال تمام در اورشلیم مانده!!! روی پادشاه

را ندید!!! پس آبشالوم یوآب را طلبید تا او را نزد پادشاه بفرستد!!! اما نخواست که نزد وی بیاید!!! و باز بار دیگر فرستاد و نخواست که بیاید!!! پس بخادمان خود گفت: ببینید مزرعه یوآب نزد مزرعه من است!!! و در آنجا جودارد! بروید و آن را با آتش بسوزانیده!!! پس خادمان آبشالوم مزرعه!!! را با آتش بسوزانیدند!!! آنگاه یوآب برخاسته نزد آبشالوم بخانه اش رفت!!! وی را گفت: که چرا خادمان تو مزرعه مرا آتش زده اند؟؟؟؟!!! آبشالوم به یوآب گفت: اینک نزد تو فرستاده گفتم: اینجا بیایا تورا نزد پادشاه بفرستم!!! تا بگویی برای چه از جشور آمده ام!!! مرا بهتر میبود!!! که تا بحال در آنجا مانده بودم!!! پس حال میخوام روی پادشاه را ببینم!!! و اگر گناهی در من باشد مرا بکشد!!! پس یوآب نزد پادشاه رفته او را مخبر ساخت!!! و او آبشالوم را طلبید که پیش پادشاه آمد!!! و بحضور پادشاه روی بزمین افتاده تعظیم کرد!!! و پادشاه آبشالوم را بوسید!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم سموئیل تمامی چهاردهم)

و بعد از آن واقع شد!!! که آبشالوم اربه و اسبان و پنجاه مرد!!! که پیش او بودند مهیا نمود!!! و آبشالوم صبح زود برخاسته بکناره راه دروازه می ایستاد!!! و هر کسیکه دعوائی میداشت و نزد پادشاه بمحاکمه می آمد!!! آبشالوم او را خوانده میگفت: تو از کدام شهر هستی؟؟؟؟!!! و او میگفت: بنده ات از فلان سبط!!! از سبط اسرائیل هستم!!! و آبشالوم او را میگفت: ببین کارهای نیکو و راست است!!! لیکن از جانب پادشاه کسی نیست که تورا بشنود!!! و آبشالوم میگفت: کاش در زمین داور می شدم!!! و هر کسیکه دعوائی یا مرافعه میداشت نزد من می آمد!!! و برای او داد و انصاف مینمودم!!! و هنگامیکه کسی نزد آمده او را تعظیم مینمود!!! و دست خود را دراز کرده او را میگرفت و میبوسید!!! و آبشالوم با همه بنی اسرائیل که نزد پادشاه برای داوری میآمدند! بدین منوال عمل مینمود پس آبشالوم دل مردان اسرائیل را فریفت!!! بعد از انقضای چهل سال آبشالوم!!! پادشاه گفت: مستدعی اینکه بروم تا نذری راکه برای خداوند!!! در حبرون کرده ام وفا نمایم!!! زیرا که بنده ات وقتیکه در جشور آرام ساکن بودم نذر کرده ام گفتم!!! اگر خداوند مرا به

اورشلیم باز آورد خداوند را عبادت خواهم نمود!!! پادشاه وی را گفت: بسلامتی برو پس او برخاسته بحبرون رفت!!! و آبشالوم جاسوسانی بتمام اسباط بنی اسرائیل فرستاده گفت: بمجرد شنیدن آواز کرنا بگوئید: که آبشالوم درحبرون پادشاه شده است! و دو بیست نفر که دعوت شده بودند همراه! آبشالوم از اورشلیم رفتند!!! و اینان بصاف دلی رفته چیزی نمی دانستند!!! آبشالوم اختیوفل جیلونی را که!!! مشیر داود بود! از شهرش جیلوه وقتیکه قربانی ها میگذرانید!!! نیز طلبید و فتنه سخت شد!!! و قوم آبشالوم روز بروز زیاد میشدند! و کسی نزد داود آمده او را خبر داده گفت: که دلهای مردان بنی اسرائیل!!! در عقب آبشالوم گرویده است!!! داود بتمام خادماتی که با او در اورشلیم بودند گفت: برخاسته فرار کنیم والا ما را از آبشالوم نجات نخواهد بود! پس با تعجیل روانه شویم! مبادا او ناگهان بمابرسد و بدی بر ما عارض شود! و شهر را بدم شمشیر بزند!!! و خادمان پادشاه بپادشاه عرض کردند اینک بندگان حاضرند! برای هر چه آقای ما پادشاه اختیار کند! پس پادشاه و تمامی اهل خانه اش با وی بیرون رفتند!!! و پادشاه ده زن را که متعه او بودند!!! برای نگاه داشتن خانه وا گذاشت!!! و پادشاه و تمامی قوم با وی بیرون رفته!!! در بیت مرحق توقف نمودند!!! و تمامی خادمانش پیش او گذشتند!!! و جمیع کریتیان!!! و جمیع فلیتیان و جمیع جتّیان یعنی ششصد نفر!!! که از جتّ در عقب او آمده بودند!!! پیش روی پادشاه گذشتند!!! و پادشاه به اِثای جتّی گفت: تونیز همراه ما چرامی آیی برگرد؟؟؟! و همراه پادشاه بمان زیرا که تو غریب هستی و از مکان خود نیز جلایء وطن کرده ام!!! دیروز آمدی پس آیا امروز تو؟؟؟؟! را همراه ما آواره گردانیم؟؟؟؟! و حال آنکه من میروم بجائیکه میروم!!! پس برگرد و برادران خود را برگردان!!! و رحمت و راستی همراه تو باد! و اِثای در جواب پادشاه عرض کرد!!! بحیات خداوند!!! و بحیات آقایم پادشاه قسم!!! که هر جائیکه آقایم پادشاه خواه در موت و خواه در زندگی باشد بنده تودر آنجا خواهد بود!!! و داود به اِثای گفت: بیا و پیش رو!!! برو پس اِثای جتّی با همه مردمانش!!! جمیع اطفالی که با او بودند پیش رفتند!!! تمامی اهل زمین با آواز بلند گریه کردند! و جمیع قوم عبور کردند!!!

و پادشاه از نهر قدرون عبور کردند!!! و تمامی قوم قدم بر راه بیابان گذاشتند!!! و اینک صادق نیز و جمیع لایان با وی!!! تابوت عهد خداوند را برداشتند!!! و تابوت خدا را نهادند و تمامی قوم از شهر بیرون آمدند!!! ابیاتا قربانی میگذرانید پادشاه بصادوق گفت: تابوت خدا را بشهر برگردان!!! پس اگر در نظر خداوند التفات یابم مرا باز خواهد آورد!!! و آن را و مسکن خود را بمن نشان خواهد داد!!! و اگر چنین بگوید: از تو راضی نیستم!!! اینک حاضرم هر چه در نظرش پسند آید بمن عمل نماید! و پادشاه بصادوق کاهن گفت: آیا تو راضی نیستی پس بشهر بسلامتی برگردی؟؟؟؟!! و هر دو پسر شما یعنی اخیمص پسر تو و یوناتان پسر ابیاتا همراه شما باشند!!! بدانید که من در کنارهای بیابان درنگ خواهم کرد!!! تا پیغامی از شما رسیده مرا مخبر سازد!!! پس صادق و ابیاتا تابوت خدا را باورشلیم برگردانیده در آنجا بمانند!!! اما داود بفر از کوه زیتون برآمد!!! و چون میرفت گریه میکرد و با سر پوشیده و پای برهنه میرفت!!! و تمامی که همراهش بودند!!! هریک سر خود را پوشانیدند و گریه کنان میرفتند!!! و داود را خبر داده گفتند: که اخیتوفل یکی از فتنه انگیزان با آبشالوم شده است!!! و داود گفت: ای خداوند مشورت اخیتوفل را بحماقت گردان!!! و چون داود بفر از کوه جایی که خداوند را سجده میکنند!!! رسید!!! اینک حوشای آراکی را با جامه دریده خاک بر سر ریخته او را استقبال کرده!!! و داود وی را گفت: اگر همراه من بیایی برای من بار خواهی شد!!! اما اگر بشهر برگردی و به آبشالوم بگویی: ای پادشاه من بنده تو خواهم بود!!! که پیش تر بنده پدر تو بودم آلآن بنده تو خواهم بود!!! آنگاه مشورت اخیتوفل را برای من باطل خواهی گردانید!!! و آیا صادق و ابیاتا گهنه در همراه تو نیستند؟! پس هر چیزی را که از خانه پادشاه بشنوی آن را بصادوق!!! و ابیاتا گهنه اعلام نما!!! و اینک دو پسر ایشان اخیمص پسر صادق!!! و یوناتان!!! و پسر ابیاتا در آنجا با ایشان دو هر خبری را که میشنویید!!! بدست ایشان بنزد من خواهید فرستاد!!! پس حوشای دوست داود بشهر رفت!!! و آبشالوم وارد اورشلیم شد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم سموئیل تمامی باب پانزدهم)

و پادشاه به یوآب!!! و ابیشای و ایتای را امر فرمود گفت: بخاطر من با آبشالوم جوان برفق رفتار نما!!! و چون پادشاه و جمیع سرداران را درباره آبشالوم فرمان داد تمام قوم شنیدند!!! پس قوم بمقابله بنی اسرائیل بصحراء بیرون رفتند! و جنگ در جنگل افرایم بود!!! و قوم بنی اسرائیل در آنجا از حضور بندگان داود شکست یافتند!!! و در آن روز کشتار عظیمی در آن جاشد! بیست هزار نفر کشته شدند! و جنگ در آنجا بر روی تمامی زمین منتشر شد! و در آن روز آنانیکه از جنگل هلاک شدند!!! بیشتر بودند از آنانیکه با شمشیر کشته شدند! آبشالوم بر قاطر سوار بود!!! و قاطر زیر شاخه های پیچیده شده!!! در درخت بلوط بزرگی درآمد!!! و سر او در میان بلوط گرفتار شد!!! بطوریکه در میان آسمان آویزان گشت!!! و قاطری که در زیرش بود بگذشت! و شخصی آن را دیده بیوآب خبر رسانید!!! و گفت: اینک آبشالوم را دیدم که در میان درخت بلوط آویزان است!!! و یوآب به آن شخصی که او را خبر داد گفت: هان تو دیده پس چرا او را در آنجا زمین نزدی؟! و من ده مثقال نقره و کمر بندی بتو میدادم!!! آن شخص بیوآب گفت: اگر هزار مثقال بدست من میرسیدی دست خود را بر پسر پادشاه دراز نمی کردم!!! زیرا که پادشاه تو را و ابیشای و ایتای را بسمع ما امر فرموده!!! گفت: زنهاریکی از شما!!! در باره آبشالوم جوان با حذر باشید!!! و الا بر جان خود ظلم می کردم!!! چونکه هیچ امری از پادشاه مخفی نمی ماند!!! و خودت بصد من بر میخاستی! آنگاه یوآب گفت: نمیتوانم باتو این طور تأخیر نمایم!!! پس سه تیر بدست خود گرفته!!! آنها را ببدن آبشالوم زد!!! حینیکه او هنوز در میان بلوط زنده بود!!! و ده جوان که سلاحداران یوآب بودند!!! دور آبشالوم را گرفته او را زدند و کشتند!!! چون یوآب کرنا را نواخت قوم از تعاقب!!! بنی اسرائیل برگشتند!!! زیرا که یوآب قوم را منع نمود!!! و آبشالوم را گرفته او را در حفره بزرگ که در جنگل بود انداختند!!! و براو توده بسیار بزرگ از سنگها افراشتند!!! و جمیع بنی اسرائیل هریک بخیمه خود فرار کردند!!! اما آبشالوم در حین حیات خود بنائی را که در وادی ملک است!!! برای خود برپا کرد زیرا که گفت: پسری ندارم که از او اسم من مذکور بماند! آن بناء را به اسم خود مسمی ساخت پس تا امروز ید آبشالوم خوانده میشود!!! (از کتاب مقدس عهدتیق ع و از کتاب دوم سموئیل باب هجدهم از ۱ تا ۹)

نکاتی از مؤلف: در کتاب دوم سموئیل باب چهاردهم در آیه ۲۷ آبشالوم سه پسر و یک دختر دارد!!! باز هم ضدونقیض اشکار به اصطلاح کتاب آسمانی خدا؟! خداوند! داود را در هر جائیکه میرفت نصرت میداد! و داود بر تمامی اسرائیل سلطنت نموده انصاف! و عدالت را بر تمامی قوم خود مجرا میداشت!!!
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول تواریخ ایام باب هجدهم آیه ۱۴)

و حال توای یهوه خدا با تابوت قوت خود! بسوی آرمگاه خویش برخیز! ای یهوه خدا کاهنات تو بنجات ملبس کردند! و مقدسات بنیکوئی شادمان بشوند! ای یهوه خدا روی مسیح خود را برنگردان! و رحمت های بنده خود داود را بیاد آور!!!
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم تواریخ ایام باب ششم آیه ۴۲)

و فرقه های کاهنان را بر حسب امر پدر خود داود! بر سر خدمت ایشان معین کرد!!! و لاویان را بر سر شغل های ایشان تاتسبیح بخوانند! بحضور کاهنان لوازم خدمت هر روز را در روزش بجا آورند!!! و در باتان را بر حسب فرقه های ایشان بر هر دروازه قرارداد! زیرا که داود مرد خدا چنین امر فرموده بود!!!
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم تواریخ ایام باب هشتم آیه ۱۵)

چرا امته شورش نموده اند!!! و طوائف در باطل تفکر میکنند؟! پادشاهان از زمین برمیخیزند و سروران باهم مشورت نموده اند!!! **بضد خداوند و بضد مسیح او!!! که بندهای ایشان را بگسلیم!!! و زنجیرهای ایشان را از خود بیندازیم!** او که در آسمان نشسته است میخندد خداوند بر ایشان استهزاء میکند!!! **آنگاه در خشم خود بدیشان تکلم خواهد کرد!!! و بغضب خویش ایشان را آشفته خواهد ساخت!!! و من پادشاه خود را نصب کرده ام!!! بر کوه مقدس خود صهیون فرمان را اعلام میکنم!!! خداوند بمن گفته است!!! تو پسر من هستی امروز تورا تولید کردم از من درخواست کن!!! و امتهار ابمیراث تو خواهم داد!!! و اقصای زمین را ملک تو خواهم گردانید!!! ایشان را به عصای آهنین خواهی شکست! مثل کوزه کوزه گرانهارا خرد خواهی نمود!!!**
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزموردوم آیات از ۹ تا ۱)

ای خداوند موافق عدالتم و کمالیکه در من است مرا دادیده!!! بدی شریران نابود شود و عادل را پایدار کن!!! زیرا که امتحان کنند!!! دلها و قلوب خدای عادل است! سپر من خدامی باشد!!! که راست دلان رانجات دهنده است خدا داور عادل است!!! و هر روز خدا خشمناک میشود! اگر باز گشت نکند شمشیر خود را تیز خواهد کرد کمان خود را کشیده و آماده کرده است!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور هفتم آیات از ۹ تا ۱۳)

ای خداوند برای داود بیاد آور همه مذلت های او را!!! چگونه برای خداوند قسم خورد! و برای قادر مطلق یعقوب نذر نمود! که بخیمه خانه خود هرگز داخل نخواهد شد! و بر بستر تخت خواب خود بر نخواهم آمد! خوابی بچشمان خود نخواهم داد! و نه پینگنی بمژگان خویش!!! تا مکانی برای خداوند پیدا کنم! و مسکن برای قادر مطلق یعقوب اینک ذکر آن را در افراته شنیدم!!! و آن را در صحرای جنگل یافتم بمسکن های او داخل شویم!!! و نزد قدم گاه وی پرستش نمائیم!!! ای خداوند از آرامگاه خود!!! بر خیز و بیا تو و تابوت قوت تو!!! کاهنان تو بعدالت ملبس بشوند!!! و مقدسات ترنم بنمایند! بخاطر بنده خود داود روی مسیح خود را بر مگردان! خداوند برای داود بر راستی قسم خورد و از آن بر نخواهد گشت!!! که ثمر!!! صلب طلب تو بر تخت تو خواهم گذاشت!!! اگر پسران تو عهد مرا نگاه دارند!!! و شهادت مرا که بدیشان می آموزم! پسران ایشان نیز بر کرسی توتابه ابد خواهند نشست!!! زیرا که خداوند صهیون را برگزیده است!!! و آن را برای مسکن خویش مرغوب فرموده این است!!! آرامگاه من تا ابد آباد اینجاساکن خواهم بود!!! زیرا که به این رغبت دارم! آذوقه آن راهرینه برکت خواهم داد! و فقیرانش را بنان سیر خواهم ساخت!!! و کاهنانش را بنجات ملبس خواهم ساخت!!! مقدساتش هر آینه ترنم خواهند نمود!!! در آنجا شاخ داود را خواهم رویانید!!! چراغی برای مسیح خود آماده خواهم ساخت!!! دشمنان او را بخالت ملبس خواهم ساخت!!! و تاج او بروی!!! شکوفه خواهد آورد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ تمامی مزمور صدوسی و دوم)

وسلیمان راهفتصد بانو و سیصد متعه بود!!! و زناش دل او را برگردانیدند!!! و در وقت پیری سلیمان واقع شد!!! که زناش دل او را پیروی خدایان غریب مایل ساختند!!! و دل او مثل دل پدرش داود بایهوه خدایش کامل نبود!!! پس سلیمان در عقب عثورت خدای صیدونیان!!! و در عقب ملکوم رجس عمونیان رفت!!! سلیمان در نظر خداوند شرارت ورزیده!!! مثل پدر داود خداوند را!!! پیروی کامل نمود!!! آنگاه سلیمان در کوهی که روبروی اورشلیم است!!! مکانی بلند بجهت گموش که رجس موآبیان است!!! و بجهت مولک رجس بنی عمون بناء کرده!!! و همچنین بجهت همه زنان غریب خود! که برای خدایان خویش بخور میسوزانیدند!!! و قربانی ها میگذرانیدند عمل نمود!!! پس خشم خداوند بر سلیمان افروخته شد!!! از آن جهت دلش ازیهوه خدای اسرائیل منحرف گشت! که خداوند دو مرتبه بر او ظاهر شده!!! او را در همین باب امر فرموده بود!!! که پیروی خدایان غیر را ننماید!!! اما آنچه خداوند به او امر فرموده بود!!! بجانی آورد!!! پس خداوند بر سلیمان گفت: چونکه این عمل را نمودی!!! و عهد و فرایض مرا که بتو امر فرمودم!!! آنگاه نداشتی!!! البته سلطنت را از تو پاره کرده! آن را ببنده ات خواهم داد! لیکن در ایام تو این را!!! بخاطر پدرت داود نخواهم کرد!!! اما از دست پسر ت آن را پاره خواهم کرد!!! ولی تمامی مملکت را پاره نخواهم کرد!!! بلکه یک سبط را بخاطر بنده ام داود!!! و بخاطر اورشلیم که برگزیده ام بیسرتو خواهم داد!!! و خداوند دشمن برای سلیمان برانگزانید!!! یعنی هدد آدومی را که از ذریت پادشاهان آدوم بود!!! زیرا که هنگامی که داود در آدوم بود!!! یوآب که سردار لشکر بود!!! برای دفن کردن کشتگان رفته بود!!! و تمامی ذکوران آدوم را کشته بود!!! (زیرا یوآب و تمامی بنی اسرائیل شش ماه در آنجا ماندند!!! تا تمامی ذکوران آدوم را منقطع ساختند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول پادشاهان باب یازدهم آیات از ۱ تا ۱۷)

يَهُوهَ خدای اسرائیل چنین!!! میگوید: اینک من مملکت را از دست سلیمان پاره میکنم!!! و ده سبط بتومیدهم!!! و بخاطر بنده من داود! بخاطر اورشلیم! شهریکه از تمامی اسباط و بنی اسرائیل برگزیده ام!!! یک سبط از آن او خواهد بود!!! **چونکه ایشان مرا ترک کردند!!! و عشتورت خدای صیدونیان!!! و گموش خدای موآب و ملکوم خدای بنی عمون را سجده کردند!!! در طریق های من سلوک نمودند!!! و آنچه در نظر من راست بود! و فرایض و احکام مرا مثل پدرش داود نگاه نداشتند!!!**
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول پادشاهان؛ باب؛ یازدهم آیات از ۳۱ تا ۳۴)

نکاتی از مؤلف: کلمات زیر از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی است!!! که از متن نوشتجات این فصل بیرون آوردیم!!! و از این سخنان افتراء! و کذب! و تهمت! و اهانت را که بخداوند متعال!!! و به قهرمانان توحید و انبیاء عظام مینویسم! به خداوند خلاق جهان هستی رب العالمین پناه میبرم!!! و از او آمرزش بخشش را مسئلت مینمایم!!!

- ۱- داود خداوند اسرائیل بود که همان یهوه خداوند اسرائیل میباشد!!!
- ۲- داود هم بنده خداوند یهوه بود! و هم بفرمان خداوند اطاعت میکرد!!!
- ۳- خداوند از داود میخواهد! که برایش خانه بسازد!!!
- ۴- داود پسر خدا است! و خدا خودش او را تولید کرده است! و نخست زاده خداست!!!
- ۵- داود در پیش خدا رقص جانانه خیلی خوب باجان و دل بعمل آورده است!!!
- ۶- خداوند وقتی که بنزد بنی اسرائیل آمده بود! داود به حضور خداوند داخل شد و نشست! و گفتگو کرد!!!
- ۷- داود مسیح خداوند است! و خداوند بر مسیح خود کمک کرده است!!!
- ۸- داود گفت: من کرم هستم! و انسان نیستم!!!
- ۹- داود بخداوند حکمت آموخت! و نصیحت! و ارشاد خواهد کرد!!!
- ۱۰- مادر داود از گناه آبستن شده است!!!

- ۱۱- داوود هم قتل عمد مؤمن را انجام داده! و هم زنا می‌کند! و هم فرزند زنازاده! و حرام زاده بدنیا آورده است! و با آن زنی که زنا می‌کند را بجا آورده است! با او ازدواج کرده! و همان زن مادر سلیمان است! که یعنی هم پدر و هم مادر سلیمان زناکار بوده اند!!!
- ۱۲- پسر داوود آمنون بخواهر خود تجاوز عنی کرده! و بی عصمت نموده! و آمنون با خواهرش زنا می‌کند! و عنی کرده بود!!! که این نقشه را عمویش یوناداب!!! که برادر داوود بود! کشیده بود!!! که آمنون با دست برادرش آبشالوم بقتل رسیده است!!!
- ۱۴- داوود مرد خدا بود و فرمان میداد که به خداوند تسبیح بخوانید!!!
- ۱۵- خداوند هر روز شمشیرش را تیز میکند!!! و کمان خود را خواهد کشید!!!
- ۱۶- بنابنوشته کتاب مقدس عهد عتیق!!! و کتاب تورات فعلی!!! داوود!!! و سلیمان خدایان دیگر را پرستش میکردند!!! یعنی بت پرست بودند!!! و احکام یهوه خدای خود را نگاه نداشتند!!! و از امر و فرمان یهوه خدای خود خارج شدند!!! پس در این صورت داوود! و سلیمان مشرک! و کافر! و بت پرست میشوند! نعوذ بالله!!!
- ۱۷- ماسلمانان چنین داوود!!! و سلیمان! کتاب مقدس عهد عتیق!!! و کتاب تورات فعلی را هرگز قبول نداریم!!! زیرا که قرآن کریم که وحی منزل خداوند خلاق جهان هستی رب العالمین است!!! این پدر و پسر را پیام آوران بزرگ و انبیاء عظام و خداوند متعال معرفی فرموده و نوشته است!!! که بنوشته قرآن کریم این پدر و پسر یکتا پرست خالص بودند!!! بهیچگونه کفر و شرک و گمراهی آلوده نشده اند و مؤمن بخداوند! واحد! و بی‌همتا!!! و رحمان! و رحیم خالص شده بودند!!! که در فصل تطبیقی مفصلاً خواهیم نوشت! حتی قرآن کریم نوشته است!!! و قتی که داوود زبور میخواند! با فرمان خداوند پرندگان! و کوهها با داوود هم آواز میشدند!!! و قرآن کریم نوشته است که مرکب سلیمان باد بوده است!!! و سلیمان زبان تمامی پرندگان و اجنه! و ملائکه!!! و حشرات و خزندگان را!!! به امر خداوند خلاق جهان هستی می دانست! که در فصل تطبیقی داوود و سلیمان به استناد!!! از خود قرآن کریم نوشته ایم که مقام این پدر و پسر در پیشگاه خداوند متعال چه بوده است خداوند میداند!!!

بند دوم: زندگی عملکرد داود از کتاب مقدس عهد جدید؛ اناجیل؛ داود پادشاه سلیمان را از زن اوریا آورده است!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل متی باب اول آیه ۷)

نکاتی از مؤلف: جزاین یک آیه در کتاب مقدس عهد جدید؛ اناجیل؛ درباره داود مطلب دیگر نوشته نشده است؛ و وجود ندارد!!!

بند سوم: زندگی داود! در قرآن کریم وحی منزل؛ کتاب آسمانی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الله فرمود: ای محمد در برابر آنچه میگویند: صبر کن!!! بیاد آور بنده ما داود را که دارای قوت بود!!! بدرستیکه او برای مابازگشت و رجوع کننده بود بدرستیکه ما کوهها را مسخر داد و ساختیم!!! که هر شامگاه و صبحگاه با او تسبیح میگفتند: و کلّ پرنندگان را نیز مسخر کردیم تا همراه با او تسبیح خداوند را بگویند: و همه بطرف او بازگشت کننده بودند! و حکومت او را استحکام بخشیدیم علم و دانش هم به او او عطاء کردیم و هم برای او داوری عادلانه دادیم!!! (از قرآن کریم و از سوره ص آیه ۱۷)

خداوند فرمود: ای محمد آیا توجه نکردی بگروهی بنی اسرائیل؟؟؟؟ بعد از موسی زمانی که به پیام آور خودشان!!! گفتند: برای ما پادشاهی انتخاب کن که در راه!!! خداوند جنگ کنیم! پیام آور ایشان گفت: آیامکن است که اگر برای شما جنگ مقرر شود جنگ نکنید؟! گفتند: برای چه در راه خداوند جنگ نکنیم؟! در حالیکه از خانه و کاشانه و خانمان و از فرزندانمان جدا و بیرون کردند؟! پس وقتیکه جنگ برایشان مقرر شده برگشتند! و اعراض کردند! مگر کمی از ایشان به عهد خود وفادار ماندند! و خداوند به عمل ستمگران عالم و دانا است!!! و پیام آور بنی اسرائیل به ایشان گفت: خداوند طالوت را برای شما پادشاه انتخاب کرده!!! گفتند: چگونه برای ما پادشاه میشود؟! در حالیکه ما پادشاهی از او سزاوارتر هستیم؛ زیرا که از او ثروتمند هستیم

که او ثروتی ندارد؟ پیام آورایشان گفت: خداوند اورا بر شما برگزید و پادشاه قرار داد! زیرا که قدرت علم و دانائی و جسمی او از شما بالاتر است!!! و خداوند هر کسی را که بخواهد ملکش را به او میدهد!!! و خداوند گشایش دهنده و دانا است! و پیام آورایشان به آنان گفت: بدرستی که نشانه او این است!!! تابوت عهد که در آن سکینه و آرامش از خداوند صاحب اختیار کلّ شما! که آن تابوت باقی است!!! و بقیه از آنچه خانواده موسی و هارون گذاشته اند که نزد شما بیورد!!! که آن تابوت را فرشتگان حمل مینمایند!!! بدرستی که در آن نشانه معجزه است! برای شما اگر ایمان داشته باشید!!! پس وقتی که طالوت لشگریانش را انتخاب کرد! از شهر بیرون برد گفت: بدرستی که خداوند بانهر شمار امتحان خواهد کرد که بدانید!!! پس هر کسی که از آن نهر بپاشد از من و پیرو من نیست!!! و هر کسی که از آن نهر ننوشد بدرستی که از من و پیرو من است! مگر آن کسی که مشتی از آب بدست خود بردارد! پس بنی اسرائیل از آن نهر آشامیدند مگر اندکی از ایشان نیاشامیدند! پس آنانیکه به طالوت ایمان داشتند از آن گذشتند! چون لشگر جالوت را خیلی زیاد دیدند!!! گفتند: که امروز برای مادر مقابل جالوت و لشگریانش قدرتی پیروزی نیست!!! ولی کسانی که به ملاقات و رحمت خداوند معتقد بودند!!! گفتند: چه بسا گروهی کمی با اراده خداوند بگروهی بسیاری پیروزی یافته اند!!! و خداوند با صبر کنندگان است!!! و وقتی که طالوت و مؤمنین بنی اسرائیل با جالوت!!! و لشگریانش روبرو شده اند!!! گفتند: ای خداوند صاحب اختیار کلّ ما برای ما صبر و شکیبائی و قدرت عطا بفرما!!! و قدمهای ما را ثابت و استوار بدار!!! و ما را برگروه کافران یاری و پیروز بگردان!!! پس با اراده خداوند لشگریان جالوت را متفرق ساختند!!! زیرا که داود جالوت را کشت!!! و خداوند بداد و پادشاهی و علم و حکمت عطا فرمود! و خداوند آنچه را میخواست بداد و آموخت!!! و اگر بعضی از مردم بعضی را جلوگیری نکرده بود!!! بدو نشک روی زمین فاسد شده بود! بلکه خداوند متعال بر جهانیان صاحب رحمت و فضل دارد!!!

(قرآن کریم و از سوره البقره آیات از ۲۴۶ تا ۲۵۱)

نکاتی از مؤلف: داود نوجوانی بود که چوپانی میکرد؛ که پادشاهی طالوت ایمان آورده بود و به لشگراو پیوست!!! و قتیکه جالوت قوی ونیرومند به میدان جنگ آمد و مبارز خواست!!! که همه لشگریان طالوت را ترسناک کرد و ترسانند!!! و داود به میدان جنگ رفت و با جالوت مقابله کرد!!! و با یک سنگ فلاخن به پیشانی جالوت زد! و جالوت بایک سنگ فلاخن بزمین افتاد و کشته شد! و جهنم فرستاده شد! که لشگریان جالوت از ترس جنگ و مرگ فرار کردند!!! که حکومت جالوت بدست پادشاه طالوت و مؤمنین بنی اسرائیل افتاد!!! که در این جنگ نقش اصلی را اراده خداوند خلاق هستی و رب العالمین بازی کرده بود!!! که پادشاه طالوت و مؤمنین و مسلمانان بنی اسرائیل را بوسیله داود بایک سنگ پیروز ساخته بود! خداوند فرمود: ای محمد بدرستی که ما این قرآن را بسوی تو وحی کردیم!!! چنانکه بسوی نوح وحی کردیم!!! و پیام آوران بعد از او وحی کردیم!!! و بسوی ابراهیم! و اسماعیل! و اسحق! و یعقوب! و اسباط! و عیسی! و ایوب! و یونس! و موسی! و هارون! و سلیمان وحی کردیم!!! و زبور را داود دادیم!!! (از قرآن کریم و از سوره النساء آیه ۶۳)

آن کسانی که از بنی اسرائیل کافر شده بودند! و بزبان داود! و عیسی بن مریم لعنت کرده بودند! و این کفر و لعن ایشان بواسطه این بود! که بفرمان خداوند عصیان! و تجاوز میکردند!!! که یکدیگر را منکریکه بجا آورده بودند نهی نمیکردند!!! حقیقت این است که آنچه عمل میکردند کار بدی بود!!! و خداوند گفت: اسحق و یعقوب را به ابراهیم بخشیدیم!!! که هر یکی را هدایت نمودیم!!! و پیش از این نوح را هدایت کرده بودیم!!! و داود از ذریه او بوده است!!! و سلیمان! و ایوب! و یونس! و موسی! و هارون را هدایت کردیم! و این چنین جزاء و پاداش میدهم نیکوکاران را!!!

(از قرآن کریم و از سوره الانعام آیه ۸۴)

الله فرمود: ای محمد! خداوند صاحب اختیار کلّ تو! آنچه را که در آسمانها و زمین وجود دارد! داناتر است! و حقیقت این است! که مابعضی از پیام آوران را از بعضی برتری دادیم؛ و زبور را! و داود عطاء کردیم!!! (از قرآن کریم و از سوره الاسراء آیه ۵۵)

اللّٰه فرمود: ای محمد! بیاد آورد او دو سلیمان را!!! هنگامیکه در آن آبادی و زراعت حکمرانی میکردند!!! و قتیکه گوسفندان آن قوم در آن شبانه چریدند!!! ماگواه و حکم ایشان بودیم!!! پس آن حکم را بسلیمان فهمانیدیم!!! و هر یکی را علم و حکم را عطاء کردیم!!! و کوهها را مسخر کردیم و دستور دادیم که کوهها!!! و پرندگان با داود تسبیح خداوند را بگویند: و با او هم آواز شوند!!! و ساختن لباس جنگی وزره را بدادیم! تا شمار از آسیب شمشیرنگه دارد! پس آيا شما شکر میکنید؟؟؟!!!
(از قرآن کریم و از سوره الانبیاء آیه از ۷۸ تا ۸۰)

خداوند فرمود: و حقیقت این است! که از جانب خود بداد فضیلتی دادیم!!! و گفتیم:
ای کوهها و پرندگان با داود هم آواز شوید!!! و آهن را برای داود نرم کردیم!!! که لباس جنگی وزره های بلند بافت و بساز!!! و آن را اندازه بگیر!!! و عمل شایسته و صالح انجام بدهید! بدرستی که هر کار و عملی را که میکنید! من بیناهستم!!! و باد را برای سلیمان رام کردیم! و مرکب قرار دادیم!!! که سیر بامدادش به اندازه یک ماه بود! و سیر شبانگاهش به اندازه یک ماه بود!!! و چشمه مس را بر سلیمان روان کردیم! و از جن کسانی بودند! فرمان خداوند صاحب اختیار کلشان! در حضور او کار میکردند!!! و هر کسیکه از ایشان از فرمان ماسرپیچی میکرد! از عذاب سوزان به اومی چشانیدیم!!! سلیمان هر چه میخواست برای وی میساختند!!! از قصرها و مجسمه ها و کاسه های که مانند حوضها!!! و دیگرهای ثابت میساختند! و گفتیم: ای خاندان داود! شکرگزاری! عمل صالح کنید! زیرا که کمی از بندگانتان شکر گزار هستند
(از قرآن کریم و از سوره سبأ آیات از ۱۰ تا ۱۳)

خداوند فرمود: حقیقت این است! که بداد او سلیمان علم! و دانشی عطاء کردیم! و گفتند: حمد و ثنات تعریف مخصوص برای خداوندی است!!! که ما را بر بسیار از بندگانش مؤمن خود برتری داده است!!! و سلیمان و قتیکه وارث داود شد!!! و گفت: ای مردم از طرف خداوند منطق الطیر و زبان!!! پرندگان بمن آموخته شد و از هر چیزی به ما داده است!!! بدرستی که این فضیلت و رحمت آشکار خداوند متعال است!!!
(از قرآن کریم و از سوره النمل آیات از ۱۵ و ۱۶)

اللّٰه فرمود: ای محمد! آنچه را که میگویند: صبر کن!!! و بیاد آور بنده ماداود را!!! که دارای قوت بود! بدرستیکه بسیار بازگشت! و رجوع کننده به خداوند بود! بدرستیکه ما کو ههار دستور دادیم و مسخر کردیم!!! که وقت تابش آفتاب!!! و شبانگاه با داود تسبیح بگویند: و پرندگان را در نزد داود آرام و مسخر کردیم! در حالیکه در نزد او جمع شده بودند! و هر یکی به او رجوع میکردند!!! و پادشاهی او را محکم نمودیم و او را علم و حکمت فصل الخطاب عطاء کردیم!!! ای محمد! آیا خبر خصومت کنندگان برای تو آمده است؟ هنگامیکه بر دیوار محراب بالا رفتند؟ و بر نزد داود داخل شدند که او از ایشان ترسید گفتند: مترس مادو خصم یکدیگرم!!! که بعضی ما بر بعضی ستم کرده است!!! پس بین ما بر حق حکم بنماودر داوری و جور مکن!!! و ما را براه راست راهنمایی کن! بدرستیکه این برادر من است که دارای نودونه میش است!!! و مرا یک میش میباشد! پس این برادر من میگوید: آن یک میش را بمن واگذار کن!!! و در خطاب بر من غلبه کرد؛ داود گفت: حقیقت این است!!! که بخواستن میش تو را او بر تو ستم را روا داشته است!!! که به میش های خودش ضمیمه کند! و بدرستیکه بسیاری از معاصرانند که بعضی بر بعضی ستم میکنند!!! مگر آنانیکه ایمان دارند و عمل های شایسته انجام میدهند و ایشان اندک هستند! و داود گمان کرد که خداوند او را امتحان و آزمایش مینماید!!! پس از خداوند صاحب اختیار کلّ خودش آمرزش! و بر روی در افتاد!!! در حال رکوع و سجود و بازگشت بنمود!!! پس آن را برای او آمرزیدیم! و بدرستیکه در نزد خداوند برای او مقامی قریبی!!! بازگشت خوبی بوده است! و خداوند فرمود: ای داود تو را در زمین جانشین قرار دادیم! پس در میان مردم بحق حکم کن!!! و از هوای نفس خود پیروی مکن!!! که تو را از راه خداوند گمراه میکند!!! بدرستیکه آن کسانی که!!! از راه و هدایت خداوند گمراه شوند!!! که برای ایشان عذابی سختی است! زیرا که آنان روز حساب و قیامت را! فراموش کرده اند! و خداوند فرمود: ما آسمانها و زمین و آنچه در میان آنها است! بباطل نیافریدیم!!! این گمان کسانی است که به خداوند کافر شده اند!!! پس وای بر آن کسانی که بر آتش جهنم کافر شده اند!!! آیا آن کسانی که ایمان آورده اند! و عملهای شایسته

انجام داده اندمانند مفسدین قرار خواهیم داد؟! ویا پرهیزکاران رمانند؟! گناهکاران قرار می‌دهیم؟! و خداوند فرمود: ای محمد قرآنی را که بسوی تو نازل کردیم!!! مبارک و بابرکت است! که باید صاحبان عقل و خرد! درباره آیات قرآن تدبیر و تفکر نمایند! تا اینکه پند و نصیحت بگیرند! و سلیمان را بداد و بخشیده ایم که او بنده خوب و مؤمن بوده است! او به خداوند رجوع! و بازگشت کننده بود!!!

(از قرآن کریم و از سوره ص آیات از ۱۷ تا ۳۰)

نکاتی از مؤلف: افتخارات داود خیلی بسیار بزرگ است! یکی این است که خداوند متعال به آهنی دستور داد که در دست داود مثل پنبه نرم شود!!! و ساختن زره را به او خداوند خودش آموخته و یاد داده بود! که قبل از آن کسی در ساختن و درست کردن زره اطلاع نداشت!!! و خداوند متعال بکوهها و پرندگان دستور فرموده!!! که هر وقت داود زبور!!! و نماز بخواند! و یا تسبیح!!! و ذکر برای خداوند بگوید: با او هم آواز شوند!!! این امر خداوند به آهن! و بکوهها! و پرندگان! برای بندگان خدا شناس تعجیبی ندارد! و عجیب!!! و غریب نیست!!! زیرا که خداوند خلاق جهان هستی و ربّ العالمین برای هر کاری! چیزی قادر و توانا بوده و هست!!! خداوند هر کاری را که بخواهد انجام می‌دهد!!! که اگر اراده کند که کاری!!! و یا چیزی بشود می‌شود! و برای انجام هر کاری هیچ مشکلی نیست! زیرا که قادر مطلق! و توانا فقط خداوند خلاق مٔان است! و بس!!!

فصل نهم

تطبیق زندگی و عملکرد سلیمان ابن داود در ادیان
سه گانه یعنی یهودیت؛ و مسیحیت؛ و اسلام

بنداول: زندگی سلیمان از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب تورات فعلی

داود بسلیمان گفت: ای پسر من اراده داشتم خانه برای اسم یهوه خدای خود بنام نمایم! لیکن کلام خداوند بر من نازل شده گفت: چونکه بسیار خون ریخته و جنگهای عظیم کرده ای پس خانه برای اسم من بنام نخواهی کرد!!! چونکه بحضور من بسیار خون بزمین ریخته ای!!! اینک برای تو پسری متولد خواهد شد!!! که مرد آرامی خواهد بود!!! زیرا که من او را از جمیع دشمنانش از هر طرف آرامی خواهم بخشید! چونکه اسم او سلیمان خواهد بود!!! در ایام او بنی اسرائیل را سلامتی!!! و راحتی عطا خواهم فرمود!!! او خانه برای اسم من بنام خواهد کرد!!! و او پسر من خواهد بود! و من پدر او خواهم بود!!! و کرسی سلطنت او را بر بنی اسرائیل تا ابد آباد پایدار خواهم گردانید!!! پس حال ای پسر من خداوند همراه تو باد تا کامیاب شوی! و خانه یهوه خدای خود را چنانکه درباره تو فرموده است بنام نمایی!!!
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول تواریخ ایام بیست و دوم آیات از ۱ تا ۲۷)

داود پادشاه گفت: پسر من سلیمان را خداوند برگزیده است! تا بر کرسی سلطنت خداوند بر بنی اسرائیل بنشیند!!! و بمن گفت: پسر تو سلیمان اوست که خانه مرا!!! و صحن های مرا بنام خواهد نمود! زیرا که او را برگزیده ام تا پسر من باشد و من پدر او خواهم بود!!! و اگر او بجهت بجا آوردن فرایض و احکام من! مثل امروز ثابت بماند!!! آنگاه سلطنت او را تا به ابد استوار خواهم گردانید!!!
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول تواریخ ایام باب بیست و هشتم آیه ۵)

و خداوند بسلیمان در جبعون در خواب شب ظاهر شد! و خداوند گفت: آنچه را که بتو بدهم طلب نما!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول پادشاهان باب سوم آیه ۵)

و واقع شد که چون سلیمان از بنائ نمودن خانه خداوند و خانه پادشاه و از بجا آوردن هر مقصودی! که خداوند خواسته بود فارغ شد!!! **خداوند بار دیگر سلیمان ظاهر شد!!! چنانکه در جبعون بوی ظاهر شده بود! و خداوند وی را گفت: دعا و تضرع تو را که بحضور من کرده ای اجابت نمودم! و این خانه را که بنائ نمودی تا نام من در آن تابه ابد نهاده شود! تقدیس نمودم و چشمان و دل من همیشه اوقات در آن خواهد بود!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول پادشاهان باب نهم آیات از ۱ تا ۴)

و چون ملکه سبا!!! آوازه سلیمان را درباره اسم خداوند شنید!!! آمد تا او را بمسائل بسیار!!! و سنگهای گران بها بار شده بود! به اورشلیم وارد شده بود بحضور سلیمان آمد!!! و با وی از هر چه در دلش بود گفتگو کرد!!! و سلیمان تمامی مسائل را برایش بیان نمود!!! چیزی از پادشاه مخفی نماند که برایش بیان نکرد!!! و چون ملکه سبا تمامی حکمت سلیمان را دید!!! و خانه دید و خانه را بنا کرده بود!!! و طعام سفره او و مجلس بندگانش را و نظام و لباس خادمانش را و ساقیانش! و زینۀ راکه به آن خانه خداوند برمی آید! روح در او دیگر نماند!!! و پادشاه گفت: آوازه که درباره!!! و حکمت تو در ولایت خود شنیدم راست بود!!! اما تا نیامدم و بچشمان خود ندیدم اخبار را باور نکردم! و اینک نصفش بمن اعلام شده بود! حکمت و سعادت مندی تو از خبری که شنیده بودم زیاد است!!! خوشحال مردان تو!!! و خوشحال بحال این بندگانت که بحضور تو همیشه می ایستند!!! و کلمات تو را می شنوند!!! مبارک بادیهوه خدای تو که بر تو غبت داشته!!! تو را بر کرسی بنی اسرائیل نشانیده!!! از این سبب که خداوند بنی اسرائیل را!!! تابه ابد دوست میدارد!!! تو را بر پادشاهی نصب نموده است!!! تا داوری و عدالت را بجا آوری!!! و پادشاه صدوبیست وزنه طلا!!! و عطریات از حدّ زیاده! و سنگهای گران بها داد! و مثل این عطریات که ملکه سبا سلیمان پادشاه داد! هرگز به آن فراوانی دیگر نیامد!!! و کشتی های حیرام نیز

نیز که طلارا! از او قیر آوردند! چوب صندلی از حدّ زیاده و سنگهای گرانبها از او قیر آوردند!!! و پادشاه از این چوب صندلی ستونها بجهت خانه خداوند! و خانه پادشاه و عودها و بریط هابرای مغنیان ساخت!!! و مثل این چوب صندلی تا امروز نیامد و دیده نشده است!!! و سلیمان پادشاه به ملکه سباتمامی اراده اورا که خواسته بود داد! سوای آنچه سلیمان از کرم ملوکانه خویش بوی بخشید!!! پس او با بندگانش بولایت خود توجه نمود رفت!!!

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب اوّل پادشاهان باب دهم آیات از ۱ تا ۱۵)

و سلیمان پادشاه سولی دختر فرعون! و زنان غریب و بسیاری را از موآبیان!!! و عمّونیان! و آدومیان!!! و صدونیان!!! و حتیان را دوست میداشت!!! از امتّهائی که خداوند درباره ایشان بنی اسرائیل فرموده بود!!! که شما با ایشان در نیائید!!! و ایشان باشما در نیایند!!! مبادا دل شمارا بپیروی از خدایان خود مایل گردانند!!! و سلیمان با اینها بمحبّت ملحق شد!!! و او را هفتصد زن بانو و سیصد متعه بود! و زناش دل او را برگردانیدند!!! و در وقت پیری سلیمان واقع شد!!! که زناش او را بپیروی خدایان غریب مایل ساختند!!! و دل او مثل پدرش داود!!! بایهوه خدایش کامل نبود!!! پس سلیمان در عقب عشتورت خدای صیدونیان!!! و در عقب ملکوم رجز عمّونیان رفت!!! و سلیمان در نظر خداوند شرارت ورزیده!!! مثل پدر خود داود خداوند را پیروی کامل ننمود!!! آنگاه سلیمان در کوهی که روبروی اورشلیم است!!! مکانی بلندی بجهت کُموش که رجز موآبیان است!!! و بجهت مولک رجز عمّونیان بناء کرد!!! و همچنین بجهت همه زنان غریب خود!!! که برای خدایان خویش بخور میسوزانیدند!!! و قربانی ها میگذرانیدند عمل نمود! پس خشم خداوند بر سلیمان افروخته شد!!! از آن جهت که دلش از یهوه خدای!!! اسرائیل منحرف گشت!!! که دو مرتبه خدا بر او ظاهر شد!!! او را در همین باب امر فرمود که پیروی خدایان غیر را ننماید!!! اما آنچه خداوند به او فرموده بود بجانی آورد!!! پس خداوند بر سلیمان گفت: چونکه این عمل را نمودی!!! و عهد و فرایض مرا که بتو

امر فرمودم نگاه نداشتی!!! البته سلطنت را از تو پاره کرده آن را ببندۀات خواهم داد!!! لیکن در ایام تو این را بخاطر پدرت داود نخواهم کرد!!! اما از دست پسر ت آن را پاره خواهم کرد!!! ولی تمامی مملکت را پاره نخواهم کرد!!! بلکه یک سبط را بخاطر بندۀام داود!!! و بخاطر اورشلیم برگزیده ام به پسر تو خواهم داد!!! و خداوند دشمنی برای سلیمان برانگیزانید!!! یعنی هدّدِ آدمی را که از ذریت پادشاه آدم بود! زیرا هنگامیکه داود در آدم بود!!! یوآب سردار لشکر بود!!! برای دفن کردن کشتگان رفته بود!!! و تمامی ذکور آن آدم را کشته بود!!! زیرا که یوآب و تمامی بنی اسرائیل شش ماه در آنجا ماندند!!! تا تمامی ذکور آن آدم را منقطع ساختند!!! (از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب اوّل پادشاهان باب یازدهم آیات از ۱ تا ۱۷)

یهوه خدای اسرائیل چنین!!! میگوید: اینک من مملکت را از دست سلیمان پاره میکنم!!! و ده سبط بتو میدهم! و بخاطر بنده من داود! و بخاطر اورشلیم شهریکه از تمامی اسباط بنی اسرائیل برگزیده ام!!! یک سبط از آن او خواهد بود!!! چونکه ایشان مرا ترک کردند!!! و عشتور ت خدای صیدونیان را سجده کردند! و در طریق های مراسم نمودند!!! و آنچه در نظر من راست است بجاتیاوردند!!! و فرایض و احکام مرا مثل پدرش داود!!! نگاه نداشتند!!! لیکن تمام مملکت را از او نخواهم گرفت!!! بلکه بخاطر بنده خود داود که او را برگزیدم! از آن رو که او امر و فرایض مرا نگاه داشته بود!!! او را در تمامی ایام روزهایش سرور خواهم ساخت!!! (کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب اوّل پادشاهان باب یازدهم آیات از ۳۱ تا ۳۵)

و سلیمان پسر داود!!! در سلطنت خود قوی شد! یهوه خدایش با وی میبود!!! و او را عظمت بسیار بخشیده!!! و سلیمان تمامی بنی اسرائیل و سرداران هزاره!!! و صده! و داوران!!! و هر رئیس را که در تمامی بنی اسرائیل بود!!! از رؤسای خاندانهای

آباخوانند!!! و سلیمان با تمامی جماعت بمکان بلندی!!! که در جبعون بود رفتند!!! زیر اخیمه اجتماع خدا که!!! موسی بنده خداوند آن را در بیابان ساخته بود در آنجا بود!!! لیکن داود!!! تابوت خدار از قریه یعاریم بجائی که داود برایش مهیا کرده!!! بود بالا آورد!!! و خیمه برایش در اورشلیم برپانمود!!! و مذبح برنجینیکه بصئیل بن اوری ابن حور ساخته بود!!! در آنجا پیش مسکن خداوند ماند!!! و سلیمان و نزد آن مسئلت نمودند!!! پس سلیمان به آنجا نزد مذبح برنجینیکه در خیمه اجتماع بود بحضور خداوند برآمده!!! هزار قربانی سوختی بر آن گذرانید!!! در همان شب خدا بر سلیمان ظاهر شد!!! و او را گفت: آنچه را که بتو بدهم طلب نما!!! سلیمان بخدا گفت: تو پدیرم داود احسان عظیم نمودی!!! و مرا بجای او پادشاه ساختی!!! حال ای یهوه خدا بوعده خود که پدیرم دادی وفاتما!!! زیرا که تو مرا بر قومی که مثل غبار زمین کثیرند پادشاه ساختی!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم تواریخ ایام باب اول آیات از ۹ تا ۱۹)

پس سلیمان چهل سال در اورشلیم بر تمامی بنی اسرائیل سلطنت کرد!!! و سلیمان با پدران خود خوابید! و او را در شهر پدرش داود دفن کردند!!! و پسرش رحبعام در درجای او پادشاه شد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم تواریخ ایام باب نهم آیه ۳۱)

حکمت خانه را بناء کرده و هفت ستونهای خویش را تراشیده است!!! ذبایح خود را ذبح نموده!!! و شراب خود را مزوج ساخته! و سفره خود را نیز آراسته است!!! کنیزان خود را فرستاده ندا کرده اند!!! بر پشت های بلند شهر هر که جاهل باشد به اینجاییاید!!! و هر که ناقص العقل است او را میگوید: از غذای من بخورید!!! و از شرابی که مزوج ساخته ام بنوشید!!! جهالت را ترک کرده زنده بمانید و بطریق فهم سلوک نمایید!!! هر که استهزاء کننده را تأدیب نماید!!! بر خویشتن رسوائی را تحصیل کند! و هر که شریر را تنبیه نماید برای او عیب میباشد!!! استهزاء کننده را تنبیه منما مباد! از تو نفرت کند!!! اما مرد حکیم را تنبیه نمآکه تو را دوست خواهد

داشت!!! مردحکیم را پندیده که زیادحکیم خواهد شد!!! مرد عادل را تعلیم بده که بعملش خواهد افزود!!! ابتدی حکمت ترس خداوند است!!! و معرفت قدّوس فطانت میباشد!!! زیرا که بواسطه من روزهای تو کثیر خواهد شد! و سالهای عمر از برایت زیاده خواهد گردید!!! اگر حکیم هستی!!! برای خود حکیم هستی!!! و اگر استهزاء نمائی بتنهائی متحمل آن خواهی بود!!! **زن احمق یاوه گواست!!! جاهل است و هیچ نمیداند!!! و نزد درخانه خود می نشیند!!! در مکانهای بلند شهر!!! بر کرسی تا راه روندگان را بخواند!!! آنانی را که براه های خود!!! بر راستی می روند!!! هر که جاهل باشد به این جا بر گردد!!! و ناقص العقل میگوید!!! آبهای دزدیده شده شیرین است!!! و نان خفیفه لذیذ میباشد! و او نمیداند که مردگان در آن جا هستند!!! و دعوت شدگان در عمقهای هاویه میباشند!!!**

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب امثال سلیمان نبیّ تمامی باب هفتم)

نکاتی از مؤلف: آیا این کتاب میتواند کتاب! وحی آسمانی سلیمان پیام آور نبی بزرگ! و انبیاء عظام خداوند خلاق جهان هستی ربّ العالمین بوده باشد؟؟؟؟!!!

از کتاب مقدّس عهد عتیق! و از کتاب غزل! غزلهای سلیمان

غزل! غزلها که از آن سلیمان است!!! او مرا ببوسهای دهان خود ببوسد!!! زیرا که محبت تو از شراب نیکوتر است!!! عطرهاى تو بوی خوش دارد!!! و اسم تو مثل عطریخته شده میباشد!!! بنابراین دوشیزگان تو را دوست میدارند!!! مرا بکش تا در عقب تو بدویم!!! پادشاه مرا بجمله های خود آورد!!! از تو وجد و شادی خواهم کرد!!! محبت تو را از شراب زیاده ذکر خواهم نمود!!! تو را از روی خلوص دوست میدارم!!! ای دختران از اورشلیم!!! من سیه فام امّا جمیل هستم!!! مثل خیمه های قیدار (قیدار پسر دوّم اسمعیل است) و مانند پرده های سلیمان!!! بر من نگاه نکنید چونکه سیه فام هستم!!! زیرا که آفتاب مرا سوخته است!!! پسران مادرم بر من خشم نموده!!! مرا ناطور تا کستانها ساختند! امّا تا کستان خود را دیده بانی نمودم

ای حبيب جان من! مرا خبرده که کجا میچرانی؟؟!! و در ظهر گله را کجا میخوابانی؟! زیر اجرا نزد گله های رفیقانت مثل آواره گردهم؟؟!! ای جمیل تورا از زنان اگر نمیدانی؟؟!! در اثر گله ها بیرون رو!! و بزغاله هایت را نزد مسکن های شبانی بچران!! ای محبوبه من تورا به اسبی که در ارابه فرعون باشد تشبیه داده ام! رخسار هایت بجواهرها! و گردنت بگردن بندها! چه بسیار جمیل است! و زنجیرهای طلا با حبه های نقره برای تو خواهم ساخت!! چون پادشاه بر سفره خود می نشیند!! سنبل من بوی خود را میدهد! محبوب من مرا مثل طلبه مرّاست!! که در میان پستانهای من میخوابد!! محبوب من برایم!! مثل خوشه بان در باغهای جدی میباشد!! اینک تو زیبا هستی!! ای محبوبه من اینک تو زیبا هستی!! و چشمانت مثل چشمان کبوتر است!! اینک تو زیبا و شیرین هستی!! ای محبوب من! و تخت ما هم سبزه است!! تیرهای خانه ما از سرو آزاد است! و سقف ما از چوب صنوبر!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب غزل؛ غزلهای سلیمان تمامی باب اول)

من نرگس شارون! و سوسن و ادیها هستم!! چنانکه سوسن در میان خارها!! هم چنان محبوبه من در میان دختران است!! چنانکه سیب در میان درختان جنگل!! همچنان محبوب من در میان پسران است!! در سایه وی بشادمانی نشستم!! و میوه اش برای کام شیرین بود!! مرا بمیخانه آورد!! و علم وی بالای سر من محبت بود!! مرا بقرصهای کشمش تقویت دهید!! و مرا بسیبهای تازه سازید!! زیرا که من از عشق بیمار هستم! دست چپش در زیر سر من است!! و دست راستش مرا در آغوش میکشد!! ای دختران اورشلیم شما را به غزالها!! و آهوهای صحراء قسم میدهم! که محبوب مرا تا خودش نخواهد بیدار نکند! و بر نیانگیزانید!! آواز محبوب من است! اینک بر کوههای بستان!! و بر دلها خیزان می آید!! محبوب من مانند غزال یا بچه آهواست!! اینک او در عقب دیوار ما ایستاده!! از پنجره هامینگردد!! و آواز شبکه ها خویشتن را نمایان میسازد!! محبوب من مرا خطاب کرده گفت: ای محبوب من!! وای زیبای من بر خیز و بیا!! زیرا که اینک زمستان گذشته! و باران تمام شده و رفته است!! گلها بر زمین ظاهر شده! و زمان

الحنان رسیده!!! و آواز فاخته در ولایت ماشنیده میشود!!! درخت انجیر میوه خود را میرساند!!! و موها گل آورده!!! رایحه خوش میدهد!!! ای محبوبه من! وای زیبای من برخیز و بیا!!! ای کبوتر من که در شکافهای صخره!!! و در ستر سنگهای خارا هستی!!! چهره خود را بمن بنما!!! و آوازت را بمن بشنوان!!! زیرا که آواز تولدینو چهره ات خوش نماست! شغالها!!! شغالهای کوچکتر!!! تا کستانها را خراب میکند!!! برای ما بگیرد! زیرا که تا کستانهای ما گل آورده است!!! محبوبم از آن من است و من از آن وی هستم!!! در میان سوسنها میچرانده!!! ای محبوب من برگرد!!! و تا نسیم روز بوزد! و سایه هابگریزد!!! مانند غزال یا بچه آهو بر کوهها بالاتر باش!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب غزل! غزلهای سلیمان تمامی باب دوم)

شبانگاه در بستر خود او را که جانم دوست میدارد طلبیدم!!! او را جستجو کردم اما نیافتم!!! گفتم: الان برخاسته در کوچه ها!!! شواریح شهرگشته او را که جانم دوست میدارد خواهم طلبید! او را جستجو کردم اما نیافتم! کشیک چینی که در شهرگردش میکنند مرا یافتند!!! گفتم: که آیا محبوب جان مرا دیده اید؟؟؟؟!! از ایشان چندان پیش نرفته بودم!!! که او را جانم دوست میدارد نیافتم! او را گرفته رها نکردم!!! تا بخانه مادر خود!!! بحجره والده خویش در آوردم!!! ای دختران اورشلیم شما رابه غزالها!!! و آهوهای صحراء قسم میدهم!!! که محبوب مرا تا خودش نخواهد بیدار نکند! بر نیانگیزانید! این کیست که مثل ستونهای دوداز بیابان بر میآید؟؟؟؟!! و بمرّ و بخور و بهمه عطریات تاجران معطر است!!! اینک تخت روان سلیمان است!!! که شصت جبار!!! از جباران اسرائیل با طرف آن میباشد!!! همگی ایشان شمشیر هر یک بسبب فوق شب بر رانش بسته است!!! سلیمان پادشاه تخت روانی!!! برای خویشان از چوب لبنان ساخت!!! ستونهایش را از طلا و کرسیش را از ارغوان!!! و وسطش بمحبت دختران اورشلیم معرق بود!!! ای دختران صهیون بیرون آید و سلیمان پادشاه را ببینید!!! تاجی که مادرش! در روز عروسی وی!!! در روز شادی دلش آن را بر سر وی نهاد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب غزل! غزلهای سلیمان تمامی باب سوم)

اینک تو زیبا هستی!!! ای محبوب من اینک تو زیبا هستی!!! و چشمانت از پشت برقع تو! مثل چشمان کبوتر است!!! و موهایت مثل گله بزها است!!! برکه بر جانب کوه جلعاد خوابیده اند!!! دندانهایت مثل گله گوسفندان پشم بریده!!! که از شستن برآمده باشند!!! و همگی آنها توام زائیده!!! و در آنهایی هم نازاد نباشد!!! لبهایت مثل رشته قرمز!!! و دهانت جمیل است! و شقیقه هایت در برقع تو!!! مانند پاره انار است!!! گردنت مثل برج داود است! که بجهت سلاح خانه بنا شده است!!! و در آن هزار سپر!!! یعنی همه سپرهای شجاعان آویزان است!!! دو پستانت مثل دو بچه توام آهو میباشد!!! که در میان سوسنهامیچرند!!! تا نسیم روز بوزد!!! و سایه ها بگریزد!!! بکوه مروبتل کندر خواهم رفت!!! ای محبوبه من تمامی زیبامیباشد!!! در تو عیبی نیست!!! بیابان از لبنان! ای عروس بامن از لبنان بیا!!! از قلعه امانه از قلعه شنیر!!! و حرمون از مغاره های شیرها! و از کوههای پلنگها بنگر!!! ای خواهر و عروس من!!! دلم را بیکی از چشمانت!!! و بیکی از گردن بندهای گردنت ربودی!!! ای خواهر و عروس من!!! محبت هایت چه بسیار لذیذ است!!! محبت هایت از شراب چه بسیار نیکوتر است!!! و بوی عطرهایت از جمیع عطرها!!! ای عروس من لبهای تو عسل را میچکاند!!! زیرا که زبان تو عسل و شیر است!!! بوی لباست! مثل بوی لبنان است!!! ای خواهر عروس من!!! الان باغی بسته شده است!!! چشمه مقفل و منبع مختوم است!!! نهال هایت بوستان انارها!!! با میوه های نفیسه!!! و بان و سنبل است!!! و زعفران و نی و دارچین با انواع درختان کندر مرو عود با جمیع عطرها نفیسه!!! چشمه باغها و برکه آب زنده!!! و نهلهایی که از لبنان جاری است!!! ای باد شمال برخیز! و ای باد جنوب بیا!!! بر باغ موزما تا عطر هایش منتشر شود! ای محبوب من بباغ خود بیا!!! و میوه نفیسه خود را بخور!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب غزل! غزلهای سلیمان تمامی باب چهارم)

ای خواهر و عروس من!!! بیباغ خود آمدم! مرّ خود را با عطرهایم چیدم!!! شانه عسل خود را با عسل خویش خوردم!!! شراب خود را با شیر خویش نوشیدم! ای دوستان بخورید!!! وای یاران بنوشید و بسیری بیاشامید! من در خواب هستم!!! اما دلم بیدار است!!! آواز محبوب من است! که در را میکوبد!!! و میگوید: از برای من باز کن! ای خواهر من!!! ای محبوب من!!! و کیبوترم! وای کامله من زیرا که سر من از شبنم!!! و زلف هایم از ترشحات شب پراست!!! رخت خود را کندم! چگونه آن را بپوشم!!! پایهای خود را شستم!!! چگونه آنها را چرکین نمایم! محبوب من دست خویش را!!! از سوراخ در داخل ساخت!!! احشایم برای وی بجنبش آمد!!! من برخاستم تا!!! در را بجهت محبوبم خود باز کنم!!! و از دستم مرّ واز انگشتانم!!! مرّ صافی بردسته قفل بچکد! بجهت محبوب خود باز کردم! اما محبوبم روگردانیده رفته بود!!! چون او سخن میگفت: جان از من بدر شده بود!!! او را جستجو کردم و نیافتم! او را خواندم و جوابم نداد!!! کشیک چیانی که در شهر گردش میکنند! مرا یافتند و بزدند و مجروح ساختند!!! دیده بانها حصارها برقع مرا از من گرفتند!!! ای دختران اورشلیم شمارا قسم میدهم که اگر محبوب مرا بیابید!!! وی را گوئید: که من مریض عشق هستم! ای زیباترین زنان محبوب تو! از سایر محبوبان چه برتری دارد!!! و محبوب تو را بر سایر محبوبان چه فضیلت است!!! که ما را چنین قسم میدهی!!! محبوب من سفید و سرخ قام است!!! و بر هزارها افراشته شده است!!! سر او طلای خالص است و زلفهایش پیچیده!!! و مانند غراب سیاه قام است!!! چشمانش کبوتران نزد نهرهای آب است!!! با شیر شسته شده!!! و در چشم خانه خود نشسته!!! رخسارهایش مثل باغچه بلسان!!! و پشته های ریاحین میباشد! لبهایش سوسنها است! که از آنها مرّ صافی میچکد!!! دستهایش حلقه های طلاست!!! که بزبرجد منقش باشد!!! و بر او عاج شفاف است!!! که بیاقوت زرد مرّصع بود!!! ساقهایش ستونهای مرمر!!! بر پایه های زرناب مؤسس شده!!! سیمایش مثل لبنان!!! و مانند سروهای آزاد برگزیده است!!! دهان او بسیار شیرین! و تمامی او مرغوبترین است محبوب من!

و این است!!! و یار من ای دختران اورشلیم!!!

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب غزل؛ غزلهای سلیمان؛ تمامی باب پنجم)

محبوب تو کجارتی است ای زیباترین زنان!!! محبوب تو کجا توجه نموده است تا اورا با تو بطلبیم!!! محبوب من بیباغ خویش!!! و نزد باغچه های بلسان فرود شده است!!! تا در باغات بچراند و سوسنها بچنید!!! من از آن محبوب خود و محبوب از آن من است! در میان سوسنها گله را میچراند! ای محبوب من تو مثل ترصه جمیل!! و مانند اورشلیم زیبا!!! و مثل لشگرهای بیدق دار مهیب هستی!!! چشمانت را از من برگردان!!! زیرا که آنها بر من غالب شده است!!! مویهایت مثل گله بزها است!!! که بر جانب کوه جلعاد خوابیده باشد!!! دندانهایت مانند گله گوسفندان است!!! که از شستن برآمده باشند! و همگی آنها تو ام زائیده!!! و در آنها یکی هم نازاد نمیباشد! شقیقه هایت در عقب برقع تو!!! مانند پاره انار است!!! شصت ملکه! و هشادمتعه و!!! دوشیزگان بیشمار هستند!!! اما کبوتر من و کامله من یکی است!!! اورا یگانه مادر خویش!!! و مختاره والده خود میباشند! دختران اورا دیده خجسته گفتند! ملکه هامتعه هابرا و نگریستند! و اورا مدح نمودند!!! این کیست که مثل صبح میدرخشد؟! و مانند ماه جمیل!!! و مثل آفتاب ظاهر! و مانند لشگر بیدق دار مهیب است؟! بیباغ درختان جوز فرود شدم!!! تا سبزیهای وادی را بنگرم و ببینم!!! که آیا موشکوفه آورده! و انار گل کرده است؟! بی آنکه ملتفت شوم؟! که ناگاه جانم مرا! مثل اربه های عمیناداب ساخت!!! بر گردای شولمیت برگرد!!! تا بر تو بنگریم! در لمیت چه میبینی!!! مثل محفل دولشگر!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب غزل؛ غزلهای سلیمان تمامی باب ششم)

ای دختر مرد شریف!!! پایهایت در نعلین چه بسیار زیبا است!!! حلقهای را نهایت مثل زیورها میباشند!!! که دست صنعت گرمیباشند!!! ناف تو مثل کاسه مدور است! و شراب ممزوج در آن کم نباشد!!! بر تو توده گندم است!!! که سوسنها آن را احاطه کرده باشد!!! دوستان تو مثل دویچه توام غزال است! گردن تو مثل برج عاج!!! و چشمانت مثل برکه های حشبون نزد دروازه بیت ربیم!!! بینی تو مثل برج لبنان است!!! که بسوی دمشق مشرف میباشند!!! سرت بر تو مثل کرکس!!! و موی سرت مانند ارغوان است! و پادشاه در طره هایش اسیر میباشند!!! ای محبوبه چه بسیار

زیبا!!! وچه بسیار شیرین بسبب لذتها هستی!!! این قامت تو مانند درخت خرما!!! و پستانهایت مثل خوشه های انگور میباشد!!! گفتم: که بدرخت خرما برآمده!!! شاخه هایش را خواهم گرفت!!! و پستانهایت مثل خوشه های انگور!!! و بوی تو مثل سیبها میباشد!!! و دهان تو مانند شراب بهترین برای محبوبم!!! که بملایمت بمیل است فرورود!!! و لبهای خفتگان را متکلم میسازد!!! من از آن محبوب خود هستم و اشتیاق وی بر من است!!! بیا ای محبوب من بصحراء بیرون برویم!!! و دردهات ساکن شویم!!! و صبح زود بتاکستانها بروی!!! و ببینیم که آیا انگور گل کرده؟! و گلهایش گشوده!!! و انارها گل داده میباشد؟! در آنجا محبت خود را بتو خواهم داد!!! مهر گیاهها بوی خود را میدهد!!! و نزد درهای ما هر قسم میوه نفیس تازه و کهنه هست! که آنها را برای تو ای محبوب من جمع کرده ام!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب غزل؛ غزلهای سلیمان؛ تمامی باب هفتم)

کاشکه مثل برادر من!!! که پستانهای مادر مرا مکید میبودی!!! تا چون تو را بیرون می یافتم تو را میبوسیدم!!! و مرا رسوا نمیساختند! تو را رهبری میکردم!!! و بخانه مادرم در میآوردم!!! تا مرا تعلیم میدادی!!! تا شراب ممزوج و عصیر انار خود را بتو مینوشانیدم!!! دست چپ او زیر سر من میبود!!! دو دست را ستش مرا در آغوش میکشید!!! ای دختران اورشلیم!!! شمارا قسم میدهم!!! که محبوب مرا تا خودش نخواهد بیدار نکند و بر نیانگیزانید!!! این کیست که بر محبوب خود تکیه کرده؟! در آنجا والده تو را درد زه گرفت!!! مرا مثل خاتم بردلت!!! و مثل نگین بر بازویت بگذار!!! زیرا که محبت مثل موت زور آوراست!!! و غیرت مثل هاویه ستم کش میباشد!!! شعله هایش لهیب یهوه است!!! آبهای بسیار محبت تو را خاموش نتواند کرد!!! و سیلها آن را نتواند فرو نشانند!!! اگر کسی تمامی اموال خانه خویش!!! را

برای محبت بدهد!!! آن البته خوار خواهد شمرد!!! ما را خواهر کوچک است که پستان ندارد!!! بجهت خواهر خود روزی که او را خواستگاری کنند چه بکنیم!!! اگر دیوار میبود بر او برج نقره بنا می کردیم! واگردن روزه میبود!!! او را بخته های سر و آزاد می پوشانیدیم!!! من دیوار هستم و پستانهایم مثل برجهاست!!! لهذا در نظر او از جمله یا بندگان سلامت شده ام!!! سلیمان تا کستانی در بعل هامون داشت! و تا کستان را بنا طوران سپرد!!! که هر کس برای میوه اش هزار نقره بدهد!!! تا کستانم که از آن من است!!! پیش روی من میباشد!!! برای تو ای سلیمان هزار و برای ناطوران میوه اش دو یست خواهد بود!!! ای محبوبه که در باغات می نشینی!!! رفیقان آواز تورا می شنوند!!! مرا نیز بشنوان ای محبوب من فرار کن!!! و مثل غزال یا بچه آهو بر کوهها عطریات باش!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب غزل؛ غزلهای سلیمان باب هشتم)

نکاتی از مؤلف: این مطالب زیر درباره سلیمان است! از متن کتاب مقدس عهد

عتیق و از کتاب تورات تحریف شده فعلی میباشد!!!

۱- سلیمان هزار زن داشت!!!

۲- زنان سلیمان عقل او را از خدای خود یهوه برگردانیدند!!! سلیمان به خدایان دیگر قربانی گذرانید!!! و عبادت نموده و سجده کرده است!!! پس در این صورت سلیمان مشرک!!! و بت پرست!!! و کافر شده بود!!! به خداوند متعال پناه میبرم که چنین حرفها را برای یک پیام آور حقیقی! و پاک! و مطهر!!! و مقدس خداوند خلاق جهان هستی مینوسیم!!! که قرآن کریم مسلمانان سلیمان را بری از شرک!!! بت پرستی و گناه! بزه و کفر معرفی مینماید!!! و در همین فصل تطبیقی سلیمان! مفصلاً توضیح خواهیم داد!!! که سلیمان در پیشگاه خداوند متعال!!! چه ارزش و مقامی دارد!!!

۳- در پیش مسکن خداوند!!! سلیمان مذبح بت پرستی ساخته بود!!! به خداوند

متعال پناه میبرم!!! اینکه خداوند مسکن مشخصی داشته باشد!!!

۴- در کتاب مقدس عهد عتیق! بگفته سلیمان نوشته است!!! که زن احمق و جاهل و نادان است!!! و هیچ چیزی نمیداند! و ناقص العقل است!!! به خداوند پناه میبریم از اینکه چنین تهمت را نسبت بزنان پاک و مطهره و مؤمنه! پیام آوران یا خداوند گفته باشند!!! این حرف ها نه مال خداوند است!!! و نه مال سلیمان است!!! بلکه به سلیمان تهمت! افتراء! و دروغ نوشته اند و روا داشتند!!!

۵- ماندانستیم که این غزلهای که در کتاب مقدس عهد عتیق است! شریعت انبیاء بوده است؟! و یا وحی کلام خداوند بوده است!؟!؟! و یا این غزلها را سلیمان خودش سروده است؟! و آیا هزار زن برای سلیمان کافی نبوده است!؟!؟!؟! و یا هزار زن برای سلیمان کم شده بوده است!؟!؟! که بدختران دیگر را عاشق شود غزل سرای بکند؟! که این مطالب از یک کتاب آسمانی خیلی خیلی بعید نمیشد؟! و از یک پیام آور بزرگ و پاک هم همینطور!؟!؟! نعوذ بالله!!! که اگر کتاب آسمانی و یا!؟!؟! انبیاء عظام خداوند چنین بوده باشد؟! که امتش را بشهوترانی تشویق و راهنمایی بکند!؟!؟!؟! نعوذ بالله رب العالمین!?!?!?

۶- در کتاب مقدس عهد عتیق نوشته است!!! که سلیمان گفته است که من از ازل بودم!!! یعنی آسمان و زمین و هیچ چیزی و مخلوقی نبوده من بودم! که باید بدانیم این نوشته!!! کتاب مقدس عهد عتیق یک دروغ شاخدار است!!! زیرا که سلیمان پسر و از نطفه داود است!!! چطور میشود!!! که فرزند میلیونها سال قبل از پدر بوده باشد!?!?!?

ثانیاً انسان بمکان و زمان و هوا و غذا نیازمند است!!! پس سلیمان قبل از همه عالم امکان!!! که هیچ چیزی نبوده چطور زندگی میکرد!?!?!؟! که در حالیکه جز خداوند عالم خالق خلاق جهان هستی رب العالمین!!! هیچ کسی نمیتواند چنین حیاتی و زندگی داشته باشد! زیرا که خداوند خالق متعال به هیچ چیزی و به هیچ کس نیازی ندارد!!! بنا بنوشته کتاب مقدس عهد عتیق!!! اگر سلیمان از ازل بوده باشد! پس سلیمان همان خداوند ازل می باشد!!! هنوز نمرده است!?!?!؟! و نمیتواند پسر داود

بوده باشد!!! با این همه تناقض و کفرگویی کتاب مقدس عهد عتیق!!! این کتاب نمیتواند! کتابهای ویاشریعت ابراهیم! موسی! وداود! و سلیمان بوده باشد!!! که این کتابها صدرصد نوشته انسانهای شیاد!!! و دشمن خداوند متعال! و پیام آوران او میباشد!!! که یعنی کتاب مقدس عهد عتیق! اصل و ناب آیات شیطانی میباشد!!!!!! زیرا که نباید در کتاب آسمانی این قدر ضد و نقیض! و تهمت! و افتراء! و دروغ!!! و اهانت! و شرک! و به خداوند خالق خلاق جهان هستی ربّ العالمین! و پیام آوران و انبیاء عظام!!! و رسولان خداوند رحمان و رحیم وجود داشته باشد!!! که چنین مطالبی و نوشتجاتی!!! افراد مؤمن! و خداشناسی را!!! بی دینی! و کفر! و شرک! و فساد اخلاقی! و بی بندباری! گمراهی خیلی دورسوق میدهد!!! که شاهد به عرایض جامعه اروپا و امریکا و غیره را چنین بی بندبار کرده اند!!! شما خوانندگان محترم را به خداوند! واحد! و یکتا!!! قسم میدهم!!! خودتان بخوانید و قضاوت بکنید!!! که کتاب! وحی منزل خداوند خلاق هستی!!! و پیام آورانش چنین حرفها را میگوید:!!!؟؟ و مینویسد:!!!؟؟ و یا این حرفها!!! اصل! و ناب کتاب آیات شیطانی میباشد:!!!؟؟؟ نعوذ بالله ربّ العالمین! آیا تا اینجا ثابت شده است؟! کتاب مقدس عهد عتیق! و کتاب تورات فعلی! اصل! و اصل! و اصل! و ناب! و ناب! و ناب! آیات شیطانی بوده هست:!!!؟؟؟

بند دوم: زندگی و عمل کرد سلیمان از کتاب مقدس عهد جدید؛ اناجیل!

وداود پادشاه سلیمان را از زن اوریای آورد! و سلیمان رجعام آورد!

(از کتاب مقدس عهد جدید و از انجیل متی باب اول آیه ۷)

نکاتی از مولف: غیر از این یک آیه در کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل!!! در جای

دیگری از سلیمان نوشته و نام برده نشده است!!!

بند سوّم: زندگی سلیمان ابن داود در قرآن کریم وحی منزل الهی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خداوند فرمود: سلیمان را بداد بخشیدیم که سلیمان بنده خوبی بود!!! زیرا که او به خداوند بسیار رجوع و بازگشت کننده بود! هنگامیکه در طرف عصر اسبان تیزرو را برای سلیمان نشان داده شد که برسه پا ایستاده بودند! پس بدوستیکه سلیمان گفت: من اسبان را دوست میدارم! و اسبان را برای این دوست میدارم! که مرا بیاد خداوند صاحب اختیار کلم! می اندازند! و اسبانی که عرضه شده بودند تا در حجاب شدند!!! سلیمان گفت: اسبهارا برای من برگردانید! پس شروع کرد دست کشیدن بساقها و گردنهای اسبها!!! (از قرآن کریم و از سوره ص آیات از ۳۱ تا ۳۳)

حقیقت این است که بداد و سلیمان را علم و دانش عطاء کردیم و گفتند: حمد و ثناء و تعریف و شکر مخصوص برای خداوند است! که ما را از بسیار بندگان خود برتری داده است!!! و سلیمان وارث داود شد و گفت: ای مردم از طرف خداوند منطق الطیرو زبان پرندگان بمن آموخته شد و از هر چیزی بما داده شد! حقیقت این است که این فضیلت آشکار از خداوند است! که سپاهیان سلیمان از جنّ و انس! و پرندگان فراهم شده بود! و آن سپاهیان مرتّب و منظم بودند!!! تا وقتیکه بوادی مورچگان رسید! مورچه از مورچگان گفت: ای مورچگان بمسکن های خود داخل شوید! تا سلیمان و سپاهیانش در حال غفلت شما را در زیر پایمال نکنند! سلیمان از گفتار او و بخندید و خندان شد و گفت: ای الله صاحب اختیار کلّ من! مرا موفق بدار تا نعمتی را که بمن و والدینم عطاء فرموده: سپاسگزار باشم!!! و عملی شایسته را انجام بدهم و آن را بپسندی و مرا برحمت خود داخل بفرما!!! و از بندگان شایسته خود قرار بده!!! و سلیمان جویای مرغ شد و گفت: مرا چه شده که چرا هدهد را نمی بینم!!! و یا مگر که او از غائبین است! بدو نشک او را عذاب سختی میکنم و یا او را ذبح میکنم!!! و یا اینکه دلیل روشنی پیش من بیاورد؟! پس از درنگ کردن او مدت زیادی نگذشته بود که هدهد آمد! و گفت: چیزی را که دانستم که تو نمیدانی! و برای تو از سبب خبریقینی آورده ام!!! و حقیقت این است که من زنی را یافتم که براهل سبا! پادشاهی میکند و همه چیزی به او داده شده است!!! و برای او تختی بزرگی هست! وی و قوم او را یافته ام که برای خورشید سجده میکردند!!! و چرا برای خداوند سجده نمیکردند؟! که شیطان برای ایشان اعمالشان را زینت داده است!!! و از راه خداوند گمراهشان کرده است! پس ایشان هدایت نیافتند! چرا برای خداوند خلاق جهان هستی سجده

نمیکنند؟! و پنهانی هایی و غیب آسمانها و زمین را میداند؟! چیزهای پنهان و آشکار را میداند؟! و آنچه را که مخفی میکنند؟! و آنچه را که آشکار میسازند میداند؟! چرا بر او سجده نمیکنند؟! و خداوندیکه جز او ملجأ و معبودی نیست! و خداوند صاحب اختیار کلّ عرش بزرگی است!! سلیمان گفت: بررسی خواهم کرد که آیا راست میگوئی و یا از دروغگویان هستی؟! سلیمان گفت: این نامه مرا ببر و بیفکن بنزد ایشان! سپس از ایشان دور شو و ببین چه جوابی میگویند: ملکه سبانا مه را خواند و گفت: ای بزرگان بدرستی که نامه گرامی و ارجمندی بسوی!!! من افکنده شد!!! بدرستی که نامه از سلیمان است! و بدرستی که بنام خداوندیکه بامهربانی بخشنده است!!! مطلب نامه این است که گفته است!!! بر من برتری نجوئید و برای من و تسلیم شوید و بنزد من بیایید!!! ملکه سبانا گفت: ای بزرگان در کار برای من رأی بدهید زیرا که من کار بدون حضور شما انجام ندام!!! گفتند: و مادر زمان جنگ صاحبان نیروی جنگ آور و اهل جنگ هستیم! و کار پادشاهی بعهد و اراده تو است! و ببین چه رأی و فرمان میدهی بلقیس گفت: بدرستی که پادشاهان و قتیکه شهر را گرفتند آن را ویران و تباہ میکنند و عزیزانش را دلیل مینمایند! و کارشان در جنگ چنین است! و بدرستی که من بسوی ایشان هدیه میفرستم!!! که ببینم فرستدگان چه خبر می آورند!!! پس و قتیکه قاصدان آن بنزد سلیمان آمدند سلیمان گفت: آیا مرا با مال کمک میدهید؟! پس آنچه را که خداوند متعال بمن داده بهتر از آن است که بشما داده است! شما نیکه بهدیه خود خوشدل میشوید؟! سلیمان گفت: پس شما بسوی ایشان برگردید حتماً شکر یانم را بسوی ایشان می آورم! که نمیتواند بالشگریان من مقابله کند! و حتی انها را از آنجا با دلت بیرونشان خواهم کرد! در حالیکه ایشان حقیر خواهند شد! سلیمان گفت: ای بزرگان کدام یکی شما تخت ملکه سبا را برای من می آورید!!! پیش از آنکه مطیعانه و تسلیم پیش من بیایند؟؟ عفریت از جتیان گفت: پیش از آنکه از جای خود برخیزی من تخت را برای تومی آورم! زیرا که من برای این کار توانا و امین هستم و آن کسیکه در نزد او علم و دانش از کتاب بوده گفت: من آن تخت را پیش از آنکه نظر بسویت برگردد! و یا چشم بهم بزنی می آورم و آن وقت سلیمان تخت را در نزد خود برقرار دید! گفت: این نعمت از فضل و رحمت خداوند صاحب اختیار کلّ من است تا مرا بیازماید که آیا شکر گزارم و یا کفران نعمت میکنم؟! و هر کسیکه شکر کند بنفع خود شکر میکند و هر کسیکه کفران نعمت کند برای خود کفران میکند! پس بدرستی که خداوند صاحب اختیار کلّ من از همه کس و از همه چیزی بی نیاز و کریم است!!! سلیمان گفت: تخت ملکه سبا را برای او تغییر!!! بدهید که ببینم آیا میتواند تختش را بشناسد؟! و یا از کسانی است که هدایت نمیشود؟! و قتیکه ملکه سبا آمد به او گفته

شدکه آیا تخت تو چنین است؟؟!! گفت: گویا تخت من همین است و گفت: پیش از آن معجزه!!! علم و دانش بماعطاء شدکه ما مسلمان و تسلیم بودیم! و ملکه سبا آنچه را که غیر از خداوند را میپرسید!!! و از راه خداوند باز داشته شده بود!!! زیرا که او از گروه کافران بود!!! به او گفته شد که داخل قصر بشو! پس داخل قصر شد! و قصر را دید!!! و پنداشت که در پیش پایش آبی عمیق وجود دارد!!! و ساقهای خود را برهنه کرد دامن خود را بالا کشید!!! سلیمان گفت: ساخت این قصر از شیشه صافی درست شده است!!! آبی نیست ملکه سبا گفت: ای خداوند صاحب اختیار کلّ من!!! من برای خودم ظلم کرده ام! من با سلیمان مسلمان و تسلیم خداوند صاحب اختیار کلّ جهانیان شده ام و اسلام آورده ام!!! (که قصر از شیشه صاف ساخته شده بود!!! که در زیر آب جاری بود! که ملکه سبا خیال کرد که خود آب جاری است!!! که دامنش را بالا کشید!!! از قرآن کریم و از سوره النمل آیات از ۱۵ تا ۴۱)

ای محمد! داود و سلیمان را بیاد آور و هنگامیکه در زراعت حکم میکردند!!! و وقتی که گوسفندان آن قوم در آن شبانه چریدند و ما گواه حکم ایشان بودیم!!! پس آن علم را بسلیمان فهمانیدیم و هر یکی را حکمت علم عطاء کردیم!!! و کوهها و پرندگان را دستور دادیم! که باداود تسبیح بگویند: و ما فاعل و دستور دهنده بودیم! و ساختن لباس جنگ وزره را ما باداود آموختیم!!! برای شما!!! تا شمار از آسیب شمشیر نگهداری کند! پس آیات ما شکر و سپاسگزاری میکنند! و باد را برای سلیمان آرام و مسخر کردیم و مرکب قرار دادیم!!! در حالیکه به امر او تند بوزد و او را بسوی زمینی ببرد! که در آن زمین ایجاد برکت کرده بودیم! و بعضی از شیاطین برای سلیمان به دریا فرو میرفتند و غواصی میکردند!!! و کارها غیر از آن انجام میدادند!!! و ایشان را در زیر دست سلیمان مانگهداری میکردیم!!! (از قرآن کریم و از سوره الانبیاء آیات از ۷۸ تا ۸۲)

و ای محمد! بیاد آور ابراهیم را! و به او اسماعیل! و اسحق! و یعقوب را بخشیدیم که هر یکی را هدایت نمودیم!!! و نوح را پیش از این هدایت کرده بودیم!!! و داود از ذریه اوست!!! سلیمان! و ایوب! و یوسف! و موسی! و هارون! ذریه نوح بودند! و این چنین جزاء و پاداش میدهیم برای صالحان و نیکوکاران را!!! (از قرآن کریم و از سوره الانعام آیه ۸۴)

ای محمد! بدرستی که ما این قرآن را بسوی تو وحی کردیم!!! چنانکه قرآن را بسوی نوح وحی کردیم! و پیام او را بعد از او وحی نمودیم! و بسوی ابراهیم! و اسماعیل! و اسحق! و یعقوب! و اسباط! و عیسی! و موسی! و هارون! و ایوب! و یونس! سلیمان وحی کردیم! و زبور را باداود دادیم! و حقیقت این است که قصه رسولانی را بر تو نازل کردیم و پیش از اینکه رسولانی بودند که قصه آنها را بر تو نازل نکردیم! و خداوند با موسی تکلم کرد و سخن گفت: که خوب سخن گفت: رسولانی که فرستاده شده!!! بشارت

دهنده و ترساننده بودند! رسولانی که فرستاده شد! تا برای مردم! بعد از آمدن رسولان بر خداوند حجّتی و مدرکی نداشته باشند!!! و خداوند عزیز و حکیم است!!! خداوند شاهد است! به این قرآنی را که از علم خود بتونازل کرده است! و ملائکه هم شهادت میدهند! که قرآن از علم خداوند نازل شده است!!! و در حالیکه شهادت خداوند برای خودش کافی میباشد!!! (از قرآن کریم و از سوره النساء آیات ۶۳ تا ۱۶۵)

حقیقت این است! سلیمان را آزمودیم و امتحان کردیم! و بر تخت او جسدی افکندیم (این جسد پسر بیچه سلیمان است که مُرده بود!!! سپس بطرف خداوند بازگشت و رجوع) و گفت: ای خداوند صاحب اختیار کلّ من! مرا بیامرز! و مرا ملکی ببخش که بعد از من برای احدی سزاوار نباشد!!! بدرستی که تویی بخشنده! پس ما باد را برای سلیمان آرام کردیم! که به فرمان او جریان داشت! و هر جا که او میخواست میبرد! و بعضی از شیاطین را برای او آرام و مسخر کردیم!!! که هر یکی آنها برای سلیمان بنّائی و غواصی میکردند!!! و شیاطین دیگر را که در بندها بهم بسته شده بودند! و بسلیمان گفتیم: که عطاء ما این است!!! پس اگر میخواهی آنها را ببخش و بیابدون حساب نگهدار!!! و بدرستی که برای سلیمان در نزد ما مقام قرب و بازگشت خوبی داشته بود!!! (از قرآن کریم و از سوره ص آیات از ۴ تا ۴۰)

نکاتی از مؤلف: سلیمان ابن داود در قرآن کریم که وحی منزل خداوند خلاق جهان هستی و ربّ العالمین میباشد!!! به پیام آور اسلام محمد رسول الله وحی فرستاده شده است!!! سلیمان پیام آور هیچ گناه و عصیان و نافرمانی کوچک و بزرگ بعمل نیاورده است! پاک! مطهروبی گناه است!!! و تسلیم و مسلمان به او امر خداوند خلاق جهان هستی و ربّ العالمین بوده است و بس!!! ما تمامی مسلمانان داود و سلیمان! کتاب مقدس عهد عتیق! و کتاب تورات فعلی!!! را که کتابهای اصل و اصل! و ناب و ناب! آیات شیطانی هستند!!! اصلاً و هرگز قبول نداریم!!! زیرا که بنوشته و دستور کتاب وحی منزلی الهی که خود قرآن کریم میباشد!!! کتاب عهد عتیق و کتاب تورات تحریف شده فعلی است!!! که اصل و اصل و اصل و ناب و ناب و ناب آیات شیطانی میباشد! که سرتاپا! کفر و شرک و گمراهی و دروغ و سفساسی و فساد و فساد اخلاقی و بی بندباری هستند!!! اصلاً و ابداً قبول نداریم!!! و السلام و بس!!! سلام و صلوات الله و ربّ العالمین و خالق خلاق جهان هستی! و ملائکه! و تمام! و مردم جهان برای ابراهیم بُت شکن و قهرمان توحید تاریخ جهان! و اولاد! و ذریه او سلیمان ابن داود و برداود! و آل داود بوده باشد!!!

فصل دهم

تطبیق زندگی و عملکرد یهودیان بنی اسرائیل در
ادیان سه گانه یعنی یهودیت؛ و مسیحیت؛ و اسلام

بنداول زندگی و عملکرد یهودیان بنی اسرائیل؛ در کتاب مقدس عهد عتیق؛ و در کتاب تورات فعلی

و واقع شد در آن زمان که یهودا!!! از نزد برادران خود رفته!!! نزد شخص عدلّامی که حیره نام داشت مهمان شد!!! و در آنجا یهودا دختر مرد کنعانی را که مسمّاءه!!! بشوعه بود دید و او را گرفته بر او درآمد!!! پس آبستن شده پسری زائید!!! و او را عیر نام نهاد!!! و بار دیگر آبستن شده پسری زائید!!! و او را اونان نامید!!! و باز هم پسری زائید و او را شیله نام گذارد!!! و چون او را زائید (یهودا) در کزيب بود!!! و یهودا زنی مسمّاءه بتامار برای نخست زاده خود عیر گرفت!!! و نخست زاده یهودا در نظر خداوند شیر بود!!! و خداوند او را بمیراند!!! پس یهودابه اونان گفت: بزنی برادرت در آیی!!! و حقّ برادر شوهری را بجا آورده!!! تا نسلی برای برادر خود پیدا کن!!! چون که اونان دانست که آن نسل از آن او خواهد بود!!! هنگامیکه بزنی برادر خود در درآمد بر زمین انزال کرد!!! تا نسلی برای برادر خود نهد!!! و این کار از نظر خداوند ناپسند آمد!!! و او را نیز بمیراند!!! یهودا به عروس خود تمار!!! گفت: در خان پدرت بیوه بنشین!!! تا پسرم شیله بزرگ شود!!! زیرا که گفت: مبادا اون نیز مثل برادرانش بمیرد! پس تمار رفته در خانه پدر خود ماند!!! چون روزهای سپری شد! دختر شوعه زن یهودا مرد!!! و یهودا بعد از تعزیت او!!! با دوست خود حیره عدلّامی نزد پشم چینان گله خود بتمنه آمد!!! و بتامار خبر داده!!! گفتند: اینک پدر شوهرت برای چیدن پشم گله خویش بتمنه میآید!!! پس رخت بیوگی را از خویشتن بیرون کرده!!! بر قعی برو کشیده خود را در چادری پوشید!!! بدروازه عینایم که در راه تمناه است بنشست!!! زیرا که دید شیله بزرگ شده است! و او را بوی بزنی ندادند! چون یهودا او را دید!!! وی را فاحشه پنداشت!!! زیرا که روی خود را پوشانیده بود!!! پس از راه بسوی او میل کرده!!! گفت: بیاتاب تو در آیم!!! زیرا که ندانست که عروس اوست! گفت: مرا چه میدی تا بمن در آئی؟؟؟ گفت: بزغاله از کله میفرستم گفت: آیا گرو میدی تا بفرستی؟! گفت: تو را چه گرو بدهم؟؟؟ گفت: مهر و زتار خود و عصائیکه در دست داری!!! پس بوی داد و بدو درآمد!!! و از او آبستن شد!!! و برخاسته برفت و

وبرقع را از خود برداشته!!! رخت بیوگی را پوشید!!! و یهودا بزغاله را بدست عدلّامی خود فرستاد!!! تاگرو را از دست آن زن بگیرد اما او را نیافت!!! و از مردمان آن پرسیده گفت: آن فاحشه که سر راه عینانیم نشسته بود؟! کجاست؟! گفتند: در اینجا نبود!!! پس بنزد یهودا برگشته گفت: او را نیافتم!!! و مردمان آن مکان نیز میگویند: که در اینجا نبود!!! یهودا گفت: بگذار برای خود نگاه دارد!!! مبادا رسوا شویم اینک بزغاله فرستادم و تو او را نیافتی!!! و بعد از سه ماه یهودا را خبر داده گفتند: که عروس تو تamar زنا کرده است!!! و اینک از زنا نیز آستن شده!!! پس یهودا گفت: وی بیرون آید تا سوخته شود!!! چون او را بیرون می آوردند!!! نزد پدر شوهر خود فرستاده گفت: از مالک این چیزها آستن شده ام!!! و گفت: تشخیص کن که این مهر و زنا رو عسا از آن کیست؟! و یهودا آنها را شناخت و گفت: او از من بیگناه تراست زیرا که او را بیسر خود شیله ندادم!!! بعد او را دیگر نشاخت!!! و چون وضع حملش رسید اینک تو امان در رحمش بودند!!! و چون میزاید یکی دست خود را بیرون آورد!!! در حالیکه قابله ریسمانی قرمز گرفته بدستش بست!!! و گفت: این اول بیرون آمد!!! و دست خود را باز کشید و اینک برادرش بیرون آمد!!! و قابله گفت: چگونه شکافتی این شکاف بر تو باد!!! پس او را فارص نام نهاد!!! بعد از آن برادرش که ریسمان قرمز را بردست داشت بیرون آمد!!! و او را زارح نامید!!!

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی سفر پیدایش تمامی باب سی و هشتم)

نکاتی از مؤلف: این یهودا همان یکی از پسران یعقوب!!! یعنی اسرائیل و برادر یوسف بن یعقوب است!!! که با عروسش زنا ی محرمی کرده!!! و پسران دو قلو بنامهای **فارص! و زارح! زنا زاده محرمی بدنیا آورده است!!!** که این یهودا همان جدّ یهودیان صهیون نیزم امروزی میباشد!!! که خودشان! و نسبت خودشان را به آن یهودای زنا کار محرمی میدهند!!! که افتخار هم میکنند!!! که چنین جدّی را دارند!!! که این گروه بهمین جهت بخودشان نام یهودیت را گذاشته اند که امروز بنام!!! یهودیان صهیون نیزم بنی اسرائیل مشهور هستند!!! و اونان پسر یهودای زنا کار!!! با زن بیوه برادر خود زنا ی مقاربتی کرده و بزمین انزال نموده

است!!! یعنی چه آیا این مقاربت زنا بوده است؟؟؟! که یهودای زناکار دستور میدهد که عمل زنا را ارجا آورد! و درست نکردن زناى اوانان؟؟؟! بنظر خداوند اصل و ناب آیات شیطانی کتاب تورات فعلی!!! بدآمده! و خوش نیامده است!!! و اوانان را می میراند؟؟؟! آیا خداوند تورات فعلی هم بزنا کردن راضی بوده است؟؟؟! یعنی چه؟؟؟! و آیا اگر یهودای زناکار نمیدانست که تمار عروس اوست؟؟؟! آیا میدانست که زنا میکند یا نه؟؟؟! و اگر آن زن عروس یهودای زناکار نبوده؟؟؟! آیا مقاربت یهودای زناکار؟! زنا نبوده است؟؟؟! و آن مقاربت حلال و مجاز بوده است؟؟؟! نعوذ بالله ربّ العلمین!!!

کلام خداوند!!! در ایام عزّیا و یوتام و آخاز و حزقیال پادشاه یهودا!!! و در ایام یرعیام بن یوآش پادشاه اسرائیل!!! بر هوشع بن بنیرنازل شد!!! ابتدای کلام خداوند به هوشع و خداوند به هوشع گفت: برو زنی زانیه و اولاد زناکار برای خود بگیر!!! زیرا که این زمین از خداوند برگشته!!! سخت زناکار شده اند!!! پس رفت و جوهر دختر دبلایم را گرفت و او حامله شده!!! پسری برایش زانید!!! و خداوند وی را گفت: او را یزرعیل نام بده!!! زیرا که بعد از اندک زمانی انتقام خون یزرعیل را از خاندان یهودا خواهم گرفت!!! و مملکت خاندان اسرائیل را تلف خواهم ساخت!!! و در آن روز کمان اسرائیل را در وادی یزرعیل خواهم شکست!!! پس بار دیگر حامله شد دختر یزرعیل!!! و او وی را گفت: او را لوروحامه نام بگذار!!! زیرا که بار دیگر برخاندان اسرائیل رحمت نخواهم فرمود!!! بلکه ایشان را از میان بالکل خواهم برداشت!!! لیکن برخاندان یهودا رحمت خواهم فرمود!!! و ایشان را به یهوه خدای ایشان نجات خواهم داد!!! و ایشان را بکمان و شمشیر و جنگ و اسبان و سواران نخواهم رهانید!!! و چون لوروحامه را از شیر باز داشته بود حامله شده پس زانید و او گفت: نام او را لوعمی بخوان زیرا که شما قوم من نیستید!!! و من خدای شما نیستم!!! لیکن شماره بنی اسرائیل مثل ریگ دریا خواهد بود!!! که نتوان پیمود و نتوان شمرد!!! و در مکانی که به ایشان گفته میشد شما قوم من نیستید!!! و در آنجا گفته شد! پسران خدای حیّ میباشید! بنی یهودا و بنی اسرائیل با هم جمع خواهند شد! و یک رئیس بجهت خود نصب نموده از آن زمین بر خواهند آمد!!! زیرا که روز یزرعیل روز عظیمی واحد بود!!! (کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبیّ تمامی باب اول)

خودندگفت: بیرادران خودلو عمی بگوئید: وبخواهران خویش لوروحامه محاجه نماید!!! وبامادر خود محاجه نماید!!! زیراکه او زن من نیست!!! و من شوهر او نیستم!!! لهدا زناکاری خود را از پیش رویش!!! و فاحشگی خویش را از میان پستانهایش رفع بنماید!!! مبادارخت اوراکنده وی رابرنه نمایم!!! واورامثل روز ولادتش گردانیده!!! مانند بیابان واگذارم!!! ومثل زمین خشک گردانیده بتشنگی بگشتم!!! وبرپسرانش رحمت نخواهم فرمود!!! چونکه فرزندان زنا میباشندزیرا مادرایشان زنا نموده!!! و والده ایشان بی شرمی کرده است!!! که گفت: در عقب عاشقان خود!!! که نان و آب وپشم وکتان وروغن وشربت بمن داده اند!!! خواهم رفت!!! بنابراین راه تورابخارها خواهم بست!!! وگرداو دیواربناءخواهم نمود!!! تاراهای خود را نیابد!!! هرچندعاشقان خود را تعاقب نماید!!! به ایشان نخواهد رسید!!! وهرچندایشان رابطلدنخواهدیافت!!! پس خواهدگفت: میروم ونزدشوهر نخستین خود برمیردم!!! زیراکه در آن وقت ازکنون مراخوشر میگذشت!!! اما اونمیدانست! که من بودم که گندم وشیره وروغن را به او میدادم! ونقره وطلائی را که برای بعل صرف میکردند!!! برایش می افزودم!!! پس من گندم خود را درفصلش وشیره خویش رادرموسمش بازخواهم گرفت!!! وپشم وکتان خود را که میبایست!!! برهنگی اورا پیوشاند برخواهم داشت!!! والآن قباحث اورا بنظر عاشقانش منکشف خواهم ساخت!!! واحدی اورا ازدست من نخواهد رها نید!!! تمامی شادی او!!! وعیدها وهلالها وسبت هاوجميع مواسمش راموقوف خواهم ساخت! وموها وانجیرهایش راکه گفته بود اینها اجرت من میباشد!!! که عاشقانم بمن داده اند ویران خواهم ساخت!!! وآنهارا جنگل خواهم گردانید!!! تاحیوانات صحراءآنهارابخورند!!! و خداوند میگوید: که انتقام روزهای بعلیم را از اوخواهم کشید!!! که برای آنها بخور میسوزانید!!! و خویشان را بگوشوارها!!! و زیور

های خود آرایش داده!!! از عقب عاشقان خود میرفت!!! و مرا فراموش کرده بود بنابراین اینک اورا فریفته!!! بیبیابان خواهم آورد!!! و سخنان دلاویز به او خواهم گفت: و تاکستانهایش را از آنجا بوی خواهم داد!!! وادی عَخُور را بدروازه امید مبدل خواهم ساخت!!! و در آنجا مانند ایام جوانیش!!! و مثل روز بیرون آمدنش از زمین مصر خواهد سرائید!!! و خداوند میگوید: که در آن روز مرا!!! ایشی (یعنی شوهر من) خواهد خواند!!! و دیگر مرا بعلی نخواهد گفت: زیرا که نامهای بعلیم را از دهانش دور خواهم کرد!!! که بار دیگر بنامهای خود مذکور نشوند!!! و در آن روز بجهت ایشان با حیوانات صحراء مرغان هوا و حشرات زمین عهد خواهم بست!!! و کمان و شمشیر و جنگ را از زمین خواهم شکست!!! و ایشان را به امنیت خواهم خوابانید!!! و تورا تا به ابد نامزد خود خواهم ساخت!!! و تورا بعدالت و انصاف و رفت!!! و رحمانیت نامزد خود خواهم گردانید!!! و چون تورا به امانت نامزد خود ساختم آنگاه یهوه را خواهی شناخت!!! و خداوند میگوید: من خطاب خواهم کرد آسمانها را خطاب خواهم کرد!!! و آنها زمین گندم!!! و شیره و روغن را خطاب خواهد کرد!!! و آنها زمین را خطاب خواهند کرد!!! و زمین گندم و شیره و روغن را خطاب خواهد کرد!!! و آنها یزرعیل را خطاب خواهند کرد!!! او را برای خود در زمین خواهم کشت!!! و بر لور و حامه رحمت خواهم فرمود!!! و بلوعمی خواهم گفت: توفقم من هستی!!! و او جواب خواهد داد تو خدای من میباشی!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی تمامی باب دوم)

و خداوند مرا!!! گفت: باز دیگر برو زنی را که محبوب شوهر خود وزانیه میباشد!!! دوست بدار! آنانکه خداوند بنی اسرائیل را دوست میدارد! با آنکه ایشان بخدایان غیر مایل میباشد!!! و قرصهای کشمش را دوست میدارند!!! پس او را برای خود بپانزده مثقال نقره!!! و یک حومرونصف حومر جو خریدم!!! و او را گفتم: برای من روزهای بسیار توقف خواهی نمود!!! و ز نامکن و از آن مرد دیگر مباش!!! و من نیز از آن تو خواهم بود!!! زیرا که بنی اسرائیل ایام بسیار بدون پادشاه رئیس!!! و

**بدون قربانی!!! و بدون تمثال و بدون ایفود!!! و ترافیم خواهند ماند!!! بعد از آن
بنی اسرائیل بازگشت نمودیّهوه خدای خویش! و پادشاه خود داود را خواهند طلبید
و در ایام بازپسین بسوی خداوند!!! و احسان او باترس خواهند آمد!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبیّ تمامی باب سوم)

ای بنی اسرائیل کلام خداوند را بشنوید!!! زیرا که خداوند!!! را با ساکنان زمین
محاکمه است!!! چونکه نراستی و نرافت و معرفت خدا در زمین نمیباشد!!! بلکه
لعنت و دروغ و قتل و دزدی و زناکاری!!! و تعدی مینمایند!!! و خونریزی بخونریزی
ملحق میشود!!! بنابراین زمین ماتم میکند!!! و همه ساکنانش با حیوانات صحراء
و مرغان هوا کاهیده میشود!!! و ماهیان دریا نیز تلف میگردد!!! اما احدی مجادله
نمی نماید و احدی توبیخ نمی کند!!! و تودر وقت روزخواهی لغزید!!! و نبی نیز باتو
در وقت شب خواهد لغزید!!! و من مادرتورا هلاک خواهم ساخت!!! قوم من از عدم
هلاک شده اند چونکه تو معرفت را ترک نمودی!!! من نیز تورا ترک نمودم!!! که
برای من کاهن نشوی و چونکه شریعت خدای خود را فراموش کردی!!! من نیز
فرزندان تورا فراموش خواهم نمود!!! هر قدر که ایشان افزوده شدند همان قدر
بمن گناه ورزیدند!!! پس جلال ایشان را بر رسوائی مبدل خواهم ساخت! گناه بنده
مرا خوراک خود ساختند!!! و دل خویش را به عصیان ایشان مشغول نمودند!!! و
کاهنان مثل قوم خواهند بود!!! و عقوبت راههای ایشان خواهم رسانید!!! و جزای
اعمالشان را برایشان خواهم داد!!! و خواهند خورد اما سیر نخواهند شد!!! و زنا
خواهند کرد اما افزوده نخواهد گردید!!! زیرا که عبادت خداوند را ترک نموده اند!!!
زنا و شراب شیره دل ایشان را میرباید!!! قوم من از چوب خود مسئلت میکند!!!
و عصای ایشان بدیشان خبر میدهد!!! زیرا که روح زناکاری ایشان را!!! گمراه
کرده است!!! و از اطاعت خدای خود زنا کرده اند!!! بر قلّه های کوهها قربانی می
گذرانند و بر تلّهای زبرد رخت بلوط!!! و سفید داروون چونکه سایه خوب دارد!!!
بخور میسوزانند!!! از این جهت دختران شما زنا میکند!!! و عروسهای شما فاحشه
گری مینمایند!!! و من دختران شما را حنیکه زنا میکنند!!! و عروسهای شما را
حنیکه فاحشه گری مینمایند!!! سزا نخواهم داد!!! زیرا که خود ایشان بازانیه ها

عزت گزینند!!! و با فاحشه ها قربانی میگذرانند!!! پس قومیکه فهم ندارند خواهند افتاد!!! ای اسرائیل اگر تو ز نامیکنی!!! یهود امر تکب جرم نشود؟؟؟؟ پس بجلجال نروید!!! به آن بر نیائید!!! بحیات یهوَه قسم نخورید!!! بدرستیکه اسرائیل مثل گاو سرکش!!! سرکشی نموده است!!! الآن خداوند ایشان را مثل برّه هادر مرتع وسیع خواهد چرانید!!! افرایم به بُتها ملحق شده است پس او را واگذارید!!! حینیکه بزم ایشان تمام شود مرتکب زنا میشوند!!! و حاکمان ایشان افتضاح را بسیار دوست میدارند!!! باد ایشان را در بالهای خود فرو خواهد پیچید!!! و ایشان از قربانیهای خویش خجل خواهند شد!!! (از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبیّ تمام باب چهارم)

ای کاهنان این را بشنوید!!! و خاندان اسرائیل اصغا نمایند!!! وای خاندان پادشاه هان گوش گیرید!!! زیرا که این فتوی برای شماست!!! چونکه شما در مضیغه دام شدید!!! و توری گسترده نابود شده اید!!! عاصیان در کشتار مبالغه نموده اند!!! پس من همگی ایشان را تأدیب خواهم نمود!!! من افرایم را میشناسم اسرائیل از من مخفی نیست!!! زیرا که حال توای افرایم مرتکب زنا شده!!! و اسرائیل خوشتن را نجس ساخته است!!! کارهای ایشان مانع میشود!!! که بسوی خدا بازگشت نمایند چونکه روح زناکاری در قلب ایشان است!!! و خداوند را نمیشناسند!!! و فخر اسرائیل پیش روی ایشان شهادت میدهد!!! اسرائیل و افرایم در گناه خود می لغزید!!! گوسفندان و گاوان خود!!! را می آورند تا خدا را بطلبند!!! اما او را نخواهند یافت!!! چونکه خود را از ایشان دور ساخته است!!! و خداوند خیانت ورزیده اند!!! زیرا که فرزندان اجنبیّ تولید نموده اند!!! الآن هلالهای ایشان را با ملک های ایشان!!! خواهد بلعید!!! در جیعه کرنا و در راما سر نانبوازید!!! و در بیت آن صدا بزنید!!! در عقب توای بنیامین!!! افرایم در روز عتاب مثل نقل کنندگان حدود میبشد!!! پس خشم خویش را مثل آب بر ایشان خواهم ریخت!!! افرایم مقهور شده در داوری کوفته گریده است! زیرا که بیپروی تقلید خرسند میبشد!!! بنابراین من برای افرایم مثل بید شده ام!!! و برای خاندان یهودا مانند پوسیدگی!!! چون افرایم بیماری خود را و یهودا جراحت خویش را دیدند!!! افرایم به آشور رفته!!! و نزد پادشاهی که دشمن بود فرستاده است!!! اما او شما را!!! شفاء نمیتواند داد!!! و جراحت شما را

**التیام نتواند نمود!!! و من برای افرایم مثل شیرو برای خاندان یهودا مانند!!! شیر
ژیان خواهم بود!!! من خودم خواهم دریدورفته خواهم ربود!!! و رهاننده نخواهد
بود!!! من روانه شده ب مکان خود خواهم برگشت!!! تا ایشان به عصیان خود اعتراف
نموده روی مرا بطلبند!!! در تنگی خود صبح زود مرا خواهند طلبید!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبیّ تمامی باب پنجم)

**بیائید نزد خداوند بازگشت نمائیم!!! زیرا که او دریده است!!! و ما را شفاء خواهد داد!!!
اوزده است و ما را شکسته بندی خواهد نمود!!! بعد از دو روز ما را زنده خواهد کرد
در روز سوّم ما را خواهد بر خیزانید!!! و در حضور اوزیست خواهیم نمود پس خدا
را بشناسیم!!! و بجدّ و جهد معرفت او را!!! تعاقب نمائیم!!! طلوع او مثل فجر یقین
است!!! و بر ما مثل باران و مانند باران آخر که زمین را سیراب میکند خواهد آمد!!!
ای افرایم با تو چه کنم؟! ای یهودا با تو چه کنم؟! زیرا که نیکوئی تو؟!؟! مثل ابرهای
صبح و مانند شبنم است! که بزودی میگذرد و بنا بر این من ایشان را بوسیله انبیاء
نمودم!!! و بسخنان دهان خود ایشان را گذاشتم!!! و داوری من مثل نور ساطع
میشود!!! زیرا که رحمت را پسند کردم!!! و نقرباتی را و معرفت خدا را بیشتر از قربانی
های سوختنی!!! اما ایشان مثل آدم از عهد تجاوز نمودند!!! و در آنجا بمن خیانت
ورزیدند!!! جلعهادشهر گناهکاران و خون آلود است!!! چنانکه راهزنان برای مردم
در کمین میباشند!!! همچنان جمعیت کاهنان در راه شکیم میکشند!!! زیرا که ایشان
مرتکب قباحت شده اند!!! در خاندان اسرائیل عملی هولناک دیدم!!! افرایم در آنجا
مرتکب زنا شده!!! اسرائیل خویشتن را نجس ساخته است!!! و رای تو نیزای
یهودا حصار معین شده است! هنگامیکه اسیری بر قوم خود را خواهم برگردانید!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبیّ تمامی باب ششم)

**چون اسرائیل را شفاء میدادم! آنگاه گناه افرایم و شرارت سامره منکشف گردید
!!! زیرا که مرتکب فریب شده اند!!! دزدان داخل میشوند!!! و راهزنان در بیرون
تاراج مینمایند!!! و در دل خود تفکر نمیکنند!!! که من تمامی شرارت ایشان را بیاد
آورده ام!!! الان اعمال ایشان را احاطه مینماید!!! و آنها در نظر من واقع شده است!
پادشاه را بشرارت خویش!!! و سروران را بدروغهای خود شادمان میسازند!!!**

جمع ایشان زنا کارند!!! مثل تنوری که خبازان را مشتعل سازند!!! که بعد از سرشتن خمیرتا!!! مخمرشدنش از انگیختن آتش باز می ایستد!!! دریوم پادشاه ما سروران از گرمی شراب خود را بیمار ساختند!!! و او دست خود را به استهزاء کنندگان دراز کرد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبیّ باب هفتم آیات از ۱ تا ۶)

اما یهوه صباوت میگوید: که شما از طریق من تجاوز نموده!!! بسیاری را در شریعت لغزش دادید!!! و عهد لاوی را شکستید!!! بنابراین من نیز شما را نزد تمامی قوم خوار و پست خواهم ساخت!!! زیرا که طریق مرا نگاه نداشته!!! و در اجرای شریعت طرفداری نموده اید!!! آیا جمع ما را یک پدر نیست؟؟؟ و آیا یک خدا ما را نیافریده است؟! پس چرا عهد پدران خود را بی حرمت نموده؟! بایکدیگر خیانت می ورزیم؟؟؟ **یهودا خیانت ورزیده است!!! و رجاسات را در اسرائیل و اورشلیم بعمل آورده است!!! زیرا که یهودا مقدس خداوند را که او آن را دوست میداشت بی حرمت نموده!!! دختر خدای بیگانه را بزنی گرفته است!!! پس خداوند هر کس را که چنین عمل نماید!!! و هر کسی را نیز که برای یهوه صباوت هدیه یعقوب منقطع خواهد ساخت!!! و هر کسی را نیز که برای یهوه صباوت هدیه نگذارد!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ملاکی نبیّ باب دوم آیات از ۸ تا ۱۵)

اسرائیل خالق خود را فراموش کرده!!! قصرها بناء میکند!!! و یهودا شهرهای حصاردار بسیار میسازد!!! اما من آتش به شهرهایش خواهم فرستاد!!! که قصرهایش را بسوزاند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبیّ باب هشتم آیه ۱۴)

ای اسرائیل مثل قومها شادی! و جد منما!!! زیرا که از خدای خود زنا نمودی!!! و در همه خرمنها اجرت را دوست داشته!!! (کتاب مقدس عهد عتیق از هوشع نبیّ باب نهم آیه ۱)

خداوند بسموئیل گفت: آواز قوم را!!! در هر چه بتو گفتند: بشنو زیرا که تورا ترک نکردند!!! بلکه مرا ترک کردند! تا برایشان پادشاهی ننمایم! بر حسب همه اعمالی!!! که از روزی که ایشان را از مصر بیرون آوردم بجا آوردند!!! و مرا ترک نموده **خدایان غیر را عبادت نمودند!!! پس باتونیز همچین رفتار مینمایند!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول سموئیل باب هشتم آیه ۸)

وزمین ایشان از نقره و طلا پر شده!!! و خزاین ایشان را انتهائی نیست!!! وزمین ایشان از بُتها پُر است!!! صنعت دستهای خویش را که با انگشتهای خود ساختند سجده مینمایند!!! و مردم خم شده و مردان پست میشوند!!! لهذا ایشان را نخواهی آمرزید!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اشعیا نبی باب دوم آیه ۸)

و افعال ایشان بصدّ خداوند میباشد!!! تا چشمان جلال او را بتنگ آورند! سیمای روی های ایشان بصدّ ایشان شاهد است!!! و مثل سدوم گناهان خود را فاش کرده!!! آنها را مخفی نمیدارند!!! و ای برجانهای ایشان!!! زیرا که بجهت خویشتن شرارت را بعمل آوردند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اشعیا نبی باب سوم آیه ۹)

وامّا توای پسرانسان!!! خداوند یهوه چنین میفرماید: که بهرجنس مرغان و بهمه حیوانات صحراء بگو: جمع شوید و بیایید!!! و نزد قربانی من که آن را برای شما ذبح مینمایم فراهم آئید!!! قربانی عظیمی بر کوههای اسرائیل!!! تا گوشت بخورید بخورید و خون بنوشید!!! گوشت جباران را خواهید خورد!!! و خون رؤسای جهان را خواهید نوشید!!! از قوچها و بره ها و بزها و گاوها که همه آنها!!! از پرواریهای باشان میباشند!!! و از قربانی من که برای شما ذبح مینمایم!!! پیه خواهید خورد تا سیر شوید!!! و خون خواهید نوشید تا مست شوید!!! و خداوند یهوه میگوید: که بر سفره من از اسبان و سواران و جباران!!! و همه مردان جنگی سیر خواهید شد!!! و من جلال خود را در میان امّتها قرار خواهم داد!!! و جمیع امّتها داوری مرا!!! که آن را اجرا خواهم داشت!!! و دست مرا که بر ایشان فرود خواهم آورد!!! مشاهده خواهند نمود!!! و خاندان اسرائیل از آن روز و بعد خواهند دانست!!! که من یهوه خدای ایشان من هستم!!! و امّتها خواهند دانست که خاندان اسرائیل!!! بسبب گناه خودشان جلائی وطن گردیدند!!! زیرا چونکه بمن خیانت ورزیدند!!! من روی خود را از ایشان پوشانیدم!!! و ایشان را بدست ستم کاران ایشان تسلیم نمودم!!! که جمیع ایشان باشمشیر افتادند!!! بر حسب نجاسات و تقصیرات ایشان!!! با ایشان عمل نموده!!! روی خود را از ایشان پوشانیدم!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبی باب سی و نهم آیات از ۸ تا ۲۵)

و کلام خداوند بمن نازل شده!!! گفت: خداوند چنین میفرماید: تکبر یهودا و تکبر عظیم اورشلیم را تباه خواهم ساخت!!! و این قوم شریری!!! که از شنیدن قول من ابا!!! سرکشی دل خود را پیروی مینمایند!!! و در عقب خدایان غیررفته!!! آنها را عبادت و سجده میکنند!!! و مثل این کمربندی که لایق هیچ کار نیست!!! خواهند شد!!! زیرا که خداوند میگوید: چنانکه کمر بند بکمر آدمی میچسبد!!! همچنان تمامی خاندان اسرائیل و تمامی خاندان یهود!!! را بخویشتن چسبانیدم!!! تا برای قوم!!! و اسم فخر!!! و زینت باشند اما نشنیدند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبیّ باب سیزدهم آیات از ۹ تا ۱۲)

و اگر در دل گوئی این چیزها چرا بمن واقع شده است؟؟؟؟!! بدانکه بسبب کثرت گناهانت دامنهایت گشاده شده!!! و پاشنه هایت بزور برهنه گردیده است!!! آیا حبشی پوست خود را تبدیل توان نمود؟؟؟؟!! یا پلنگ پیسه های خویش را؟! **آنگاه شما نیز که ببدی کردن معتاد شده اید!!! نیکوئی نتوانید کرد!!!** و من ایشان را مثل گاه که پیش روی باد!!! صحراء رانده شود پراکنده خواهم ساخت!!! خداوند میگوید: قرعه تو و نصیبی که از جانب من برای تو پیموده شده این است!!! چون که مرا فراموش کردی و بدروغ اعتماد نمودی!!! پس من نیز دامنهایت!!! را پیش روی تو منکشف خواهم ساخت!!! و رسوائی تو دیده خواهد شد!!! فسق و شیهه های تو!!! و زشتی زناکاری تو!!! و رجاسات تو را بر تلّهای بیابان مشاهده نمودم!!! و ای بر تو ای اورشلیم تا یکی دیگر ظاهر نخواهی شد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبیّ باب سیزدهم آیات از ۲۲ تا ۲۷)

و کلام خداوند بر من نازل شده!!! گفت: ای پسرانسان بضدّ انبیاء اسرائیل!!! که نبوت مینمایند!!! نبوت نما و با آنانیکه از افکار خود نبوت میکنند!!! بگو: کلام خداوند را بشنوید! خداوند یهوه چنین میگوید: و ای بر انبیاء!! که تابع روح خویش میباشند و هیچ ندیده اند!!! انبیاء تو مانند روباها در خرابه ها بوده اند!!! شما برخنه هابر نیامدید!!! و دیوار را برای خاندان اسرائیل تعمیر نکردید!!! تا ایشان در روز خداوند بجنگ بتوانند ایستاد!!! رویای باطل و غیب گوئی کاذب می بینند!

و میگویند: خداوند میفرماید: با آنکه خداوند ایشان را نفرستاده است!!! و مردمان را امیدوار میسازند!!! با آنکه کلام تابع خواهد شد!!! آیا رویای باطل ندیدند؟؟؟؟!!! و غیب گوئی کاذب را ذکر نکردید؟؟؟؟!!! چونکه گفتید: خداوند میفرماید: با آنکه من تکلم ننمودم!!! بنابراین خداوند میفرماید: چونکه سخن باطل گفتید: و رویای کاذب دیدید!!! اینک خداوند یهوه میفرماید: من بضد شما خواهم بود!!! پس دست من بر انبیاء که رویای باطل دیدند!!! و غیب گوئی کاذب کردند دراز خواهند شد!!! و ایشان در مجلس قوم من داخل نخواهند شد!!! و در دفتر خاندان اسرائیل ثبت نخواهند گردید!!! و بزمین اسرائیل وارد نخواهند گشت!!! و شما خواهید دانست که من خداوند یهوه میباشم!!! و از این جهت که قوم مرا گمراه کرده!!! گفتند: که سلامتی است!!! درحینیکه سلامتی نبود!!! و یکی از ایشان دیوار را بناء نمود!!! و سائرین آن را بگل ملات مالیدند!!!

(از کتاب مقدس عهدعتیق و از کتاب حزقیال نبیّ باب سیزدهم آیات اغز تا ۱۱)

هرکسی از خاندان اسرائیل بُتهای خویش را!!! در دل خود جای دهد!!! و سنگ مصادم گناه خویش را پیش روی خود بنهد!!! و نزد نبیّ بیاید!!! من که یهوه هستم آن را که میآید! موافق کثرت بُتهایش اجابت خواهم نمود! تا خاندان اسرائیل را در افکار خودشان گرفتار سازم!!! چونکه جمیع ایشان بسبب بُتهای خود از من مرتد شده اند!!! بنابراین خاندان اسرائیل بگو: خداوند یهوه چنین میفرماید: توبه کنید و از بُتهای خود بازگشت نمایید!!! و رویهای خویش را از همه رجاسات خود برگردانید!!! (از کتاب مقدس عهدعتیق و از کتاب حزقیال نبیّ باب چهاردهم آیات از ۶ تا ۴۶)

کلام خداوند بوی نازل شده اورا گفت: ای ایلیا تورا در اینجا چه کار است؟؟؟؟ او در جواب گفت: بجهت یهوه خدای لشگرها غیرت عظیمی دارم! زیرا که بنی اسرائیل عهد تورا ترک نموده!!! مذبح های تورا منهدم ساختند!!! و انبیای تورا با شمشیر کشته اند!!! و من بتنهائی باقی ماندم!!! و قصد هلاکت جان من نیز دارند!!! او گفت: بیرون آئی و بحضور خداوند در کوه بایست!!! و اینک خداوند عبور نمود!!! و باد عظیم سخت کوها را منشق ساخت!!! و صخره ها را بحضور خداوند خرد کرد

اما خداوند در باد نبود!!! و بعد از باد زلزله شد اما خداوند در زلزله نبود!!! و بعد از زلزله آتشی آمد اما خداوند در آتش نبود!!! و بعد از آتش آوازی ملایم و آهسته!!! و چون ایلیا این را شنید روی خود را بار دای خویش پوشانیده بیرون آمد و در!!! دهنه مغاره ایستاد!!! اینک هاتفی به او گفت: ای ایلیا تورا در اینجا چه کار است؟! او در جواب گفت: به جهت یهوه خدای لشگرها غیرت عظیمی دارم!!! زیرا که بنی اسرائیل عهد تو را ترک کرده!!! مذبج های تورا منهدم ساختند!!! و انبیاء تورا باشمشیر کشته اند!!! و من بتنه های باقی مانده ام و قصد هلاکت جان من نیز دارم!!! (کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول پادشاهان باب نوزدهم فیلت از ۹ تا ۱۸)

خداوند چنین گفت: برو؛ و کوزه سفالین از کوزه گریخر!!! و بعضی از مشایخ قوم و مشایخ گهنه را همراه خود بردار!!! و بوادی ابن هئوم که نزد دهنه که دروازه کوزه گران است!!! بیرون رفته سخنانی را که بتو خواهم گفت: در آنجا ندا کن!!! و بگو: ای پادشاهان یهودا!!! و سکنه اورشلیم کلام خداوند را بشنوید: یهوه صباوت خدای اسرائیل چنین!!! میگوید: اینک بر این مکان چنان بلائی خواهم آورد!!! گوش هر کسی که آن را بشنود صدا خواهد کرد!!! زان رو که مرا ترک کردند! و این مکان را خوار شمردند! و بخورد آن برای خدایان غیر که سوزانیدند! و نپدران ایشان و نپادشاهان یهودا! آنها را شناخته بودند بخور سوزانیدند! و این مکان را از خون بیگناهان مملو ساختند!!! و مکانهای بلند برای بعل بناء کردند!!! تا پسران خود را بجای قربانی های سوختنی برای بعل بسوزانند!!! که من آن را امر نفرموده و نگفته و در دلم نگذاشته بود!!! بنابراین خداوند میگوید: اینک ایامی می آید که این مکان بتوفت یا!!! بوادی ابن هئوم دیگر نامیده نخواهد شد!!! بلکه بوادی قتل و مشورت یهودا!!! و اورشلیم را در این مکان باطل خواهم گردانید!!! و ایشان را از حضور دشمنان ایشان!!! و بدست آنانیکه قصد ایشان دارند خواهم انداخت!!! و لاشهای ایشان را!!! خوراک مرغان هوا و حیوانات زمین خواهم ساخت!!! و این شهر را مایه حیرت و سخریه خواهم گردانید!!! بحدی هر که از آن عبور کند!!!

متحیر شده!!! بسبب جمیع بلاهایش سخریه خواهد نمود! گوشت پسران ایشان و گوشت دختران ایشان را ایشان خواهم خورانید!!! در محاصره! تنگیکه دشمنان ایشان!!! و جویندگان جان ایشان را ایشان خواهم آورد! هر کس گوشت همسایه خود را خواهد خورد!!! آنگاه کوزه را!!! بنظر آنانیکه همراه تو میروند بشکن!!! و ایشان را بگو: یهوه صبايوت چنین میگوید: بنوعیکه کسی کوزه! کوزه گرا میشکند!!! و دیگران را اصلاح نتوان کرد!!! همچنان این قوم و این شهر را خواهم شکست!!! و ایشان را در توفت دفن خواهند کرد!!! تا جایی برای دفن کردن باقی نماند!!! خداوند میگوید: به این مکان و ساکنانش چنین عمل خواهم نمود!!! و این شهر را مثل توفت خواهم ساخت!!! و خانه های اورشلیم!!! و خانه های پادشاهان یهودا!!! مثل مکان توفت نجس خواهد شد!!! یعنی همه خانه هایی که بر بامهای آنها بخور برای تمامی لشگر آسمان سوزانیدند!!! هدایای ریختنی برای خدایان غیر ریختند!!! پس ارمیاء از توفت که خداوند او را!!! بجهت نبوت کردن به آنجا فرستاده بود باز آمد!!! و در صحن خانه خداوند ایستاد!!! و تمامی قوم گفت: یهوه صبايوت تمامی بلایاراکه درباره اش گفته ام وارد خواهم آورد!!! زیرا که گردن خود را سخت گردانیده کلام مرا نشنیدند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبی تمامی باب نوزدهم)

و خداوند فرمود: بهمین منوال بنی اسرائیل نان نجس در میان!!! امتهایی که من ایشان را بمیان آنها پراکنده میسازم خواهند خورد!!! پس گفتم: آه ای خداوند یهوه اینک جان من نجس نشده!!! و از طفولیت خود تا بحال میته یا دریده شده رانخورده ام! و خوراک نجس بدهاتم نرفته است! آنگاه بمن گفت: بدانکه سرکین گاورا به عوض سرکین انسان بتو دادم!!! تا نان خود را بر آن خواهی پخت!!! و مرا گفتم: ای پسرانسان اینک من عصای نان را در اورشلیم خواهم شکست!!! و نان را بوزن عسرت خواهند خورد!!! و آب را بپیمایش و حیرت خواهند نوشید! زیرا که محتاج نان او آب خواهند شد!!! و بحیرت بر یکدیگر نظر خواهند انداخت!!! بسبب گناهان خود گداخته خواهند شد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبی باب چهارم آیات از ۱ تا ۱۸)

بنابر این خداوند یهوه چنین میگوید: چونکه شما زیاده از امتّهائی که گرداگرد!!! شما میباشد غوغا نمودید!!! و بفرایض من سلوک نکرده! احکام مرا بعمل نیاوردید!!! بلکه موافق احکام امتّهائی که گرداگرد شما میباشند نیز عمل نمودید!!! لهذا خداوند یهوه چنین میگوید: من اینک بضدّ تو هستم!!! و در میان تو بنظر امتّها!!! داوریهها خواهم نمود!!! و باتو بسبب جمیع رجاسات کارها خواهم کرد!!! که قبل از این نکرده باشم!!! و مثل آنها هم دیگر نخواهم کرد!!! بنابر این پدران در میان تو پسران را خو هند خورد! و پسران پدران خویش را خواهند خورد!!! و بر تو داوریه های نموده تمامی بقیت تورا!!! بسوی هر بادپراکنده خواهم ساخت!!! لهذا خداوند یهوه میگوید: بحیات خودم قسم چونکه تو مقدّس مرا بتمامی رجاسات!!! و جمیع مکروهات خویش نجس ساختی!!! من نیز البتّه تو را منقطع خواهم ساخت!!! و خشم من شفقت نخواهد نمود! و من نیز رحم نخواهم فرمود!!! یک ثلث تو در میانت از وبا خواهد مرد!!! و از گرسنی تلف خواهد شد!!! و یک ثلث!!! به اطرافت!!! با شمشیر خواهد افتاد!!! و ثلث دیگر را بسوی هر بادپراکنده ساخته!!! شمشیر در عقب ایشان خواهم فرستاد!!! پس چون غضب من به اتمام رسیده باشد!!! و حدّت خشم خویش را بر ایشان ریخته باشم!!! آنگاه پشیمان خواهم شد!!! و چون حدّت خشم خویش را بر ایشان به اتمام رسانیده باشم!!! آنگاه خواهند دانست که من یهوه این را در خویش گفتم!!! (کتاب مقدّس عهد عتیق؛ کتاب حزقیال نبیّ باب پنجم آیات از ۱ تا ۴)

و خداوند در آیام یوشیا پادشاه!!! بمن گفت: آیا ملاحظه کردی!!! که اسرائیل مرتدّ چه کرده است؟! چگونه بفراز هر کوه بلند؟! وزیر هر درخت سبزرفته؟؟؟؟!!! آنجا زنا کرده است؟؟؟؟!!! و بعد از آنکه همه این کارها را کرده بود!!! من گفتم: نزد من رجوع نما! ما رجوع نکرد!!! و خواهر خائن او یهودا! این را بدید و من دیدم! با آنکه اسرائیل مرتدّ زنا کرد!!! و از همه جهات او را بیرون کردم!!! و طلاق نامه بوی دادم!!! لکن خواهر خائن او یهودا نترسید!!! بلکه او نیز رفته مرتکب زنا شد!!! و واقع شد که بسبب سهل انکاری او!!! در زنا کاریش زمین ملوث گردید!!! و او با سنگها!!! و جوبها زنا نمود!!! و نیز خداوند میگوید: با وجود این همه خواهر خائن او یهودا!!!

نزد من باتمام دل خود رجوع نکرد!!! بلکه با ریاکاری!!! پس خداوند مرا گفت:
اسرائیل مرتدّ خویشتن را!!! از یهودا خائن عادل تر نموده است!!! لهذا برو! و این
سخان رابوی ندا کرده!!! بگو: خداوند میگوید: ای اسرائیل مرتدّ رجوع نما!!! و بر
تو غضب نخواهم نمود!!! زیرا که خداوند میگوید: من رئوف هستم و تا به ابدخشم
خود را نگاه نخواهم داشت!!! فقط بگناهات اعتراف نما که بر یهوه خدای خود
عاصی شدی!!! و راههای خود را زیر درخت سبزی!!! برای بیگانگان منشعب
ساختی!!! و خداوند میگوید: که شما آواز مرا نشنیدید!!! پس خداوند میگوید: ای
پسران مرتدّ رجوع نمائید!!! زیرا که من شوهر شما هستم!!! و از شما یک نفر از
شهری و دو نفر از قبیله گرفته شما را به صهیون خواهم آورد!!! و بشما شبانان
موافق دل خود خواهم داد!!! که شما را بمعرفت و حکمت خواهند چرانید!!!

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبیّ باب نستم آیالت از ۶ تا ۱۶)

درباره قوم خود و میراث خویش!!! بنی اسرائیل محاکمه خواهم نمود!!! زیرا که
ایشان را در میان امّتها پراکنده ساخته!!! و زمین مرا تقسیم نموده اند!!! و بر قوم
من قرعه انداخته!!! و پسر را در عوض فاحشه داده! و دختری را بشراب فروخته اند
تا بنوشند!!! و حال ای صور و صیدون!!! و تمامی دیار فلسطینیان شمارا!!! با من
چکار است؟! آیا بمن جزاء میرسانید؟؟؟؟! و اگر بمن جزاء بپرسانید من جزای شما
را بزودی هر چه تمام تر بسر شماردّ خواهم کرد!!! چونکه نقره و طلا و نفایس!!!
و زیبای مرا گرفته!!! آنها را بهیکل های خود در آوردید!!! و پسران یهودا و پسران
اورشلیم را بپسران یونانیان فروختید!!! تا ایشان را از حدود ایشان دور کنید!!!

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب یونیل نبیّ باب سوم آیات از ۱ تا ۷)

و قوم من جازم شدند که از من مرتدّ گردیدند!!! و هر چند ایشان را بسوی حضرت
اعلی دعوت نمایند!!! لکن کسی خویشتن را بر نمی افرازد!!!

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبیّ باب یازدهم آیه ۷)

ملعون باد کسی که کار خداوند را با غفلت عمل نماید! ملعون باد کسی که شمشیر خود
را از خون بازدارد!!!

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبیّ چهل و هشتم آیه ۱)

بنابراین خداوند یهوه چنین میگوید: چونکه شما تقصیرهای خویش را منکشف ساخته اید!!! و خطائای خود را!!! در همه اعمال خویش ظاهر نموده!!! عصیان خود را یاد آوراندید!!! پس چون بیاد آورده شدید دستگیر خواهید شد!!! **وتوای رئیس شریر اسرائیل که بزخم مهلک مجروح شده!!! واجل تو در زمان عقوبت آخر رسیده است!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبی باب بیست و یکم آیه ۲۵)

پس در ماه سوم از سال پانزدهم سلطنت آسا در اورشلیم جمع شدند!!! و در آنروز هفتصد گاو! و هفت هزار گوسفند! از غنیمتی که آورده بودند!!! برای خداوند ذبح نمودند و بتمامی دل و جان خود عهد بستند!!! که یهوه خدای پدران خود را طلب نمایند!!! **و هر کسی که یهوه خدای اسرائیل را طلب ننماید! خواه کوچک!!! و خواه بزرگ! و خواه مرد! و خواه زن کشته شود!!! و بصدای بلند آواز شادمانی و کرناها و بوق ها برای خداوند قسم خوردند!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم تواریخ ایام باب پانزدهم آیات از ۱۰ تا ۱۵)

و بنی اسرائیل در آنچه حرام شده بود! خیانت ورزیدند زیرا که عفان بن کرمی ابن زبدی ابن زارح از سبط یهودا! از آنچه حرام شده بود گرفت!!! غضب خداوند بر بنی اسرائیل افروخته شد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب صحیفه یوشع باب هفتم آیه ۱)

پس بنی اسرائیل در میان کنعانیان و حثیان و آموریان و فرزریان و حوایان و یبوسیان ساکن میبودند!!! دختران ایشان را برای خود بزنی میگرفتند!!! و دختران خود را به پسران ایشان میدادند!!! **و خدایان آنها را عبادت مینمودند!!! و بنی اسرائیل آنچه در نظر خداوند ناپسند بود کردند!!! و یهوه خدای خود را فراموش نموده!!! و بتهار عبادت کردند!!! و غضب خداوند بر اسرائیل افروخته شده!!! ایشان را بدست کوشان رشع تایم پادشاه آرام نهرین فروخت!!! و بنی اسرائیل کوشان رشع تایم را هشت سال بندگی کردند!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی سفر داوران سوم آیات از ۹ تا ۱۵)

و تمامی بنی اسرائیل به آنجا در عقب آن زنا کردند!!! و واقع شد بعد از وفات!!!
 جدعون که بنی اسرائیل برگشته!!! در پیروی بعل هازنا کردند!!! و بعل بت را خدای
 خود ساختند!!! و بنی اسرائیل یهوه خدای خود!!! را که ایشان را دست جمیع!!!
 دشمنان ایشان از هر طرف رهائی داده بود بیاد نیاوردند!!!
 (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی سفر داوران باب هشتم آیات از ۸۳ تا ۹۵)

بنی اسرائیل باز در نظر خداوند شرارت ورزیده!!! بعظیم و عشتارت و خدایان آرام
 !!! و خدایان صیدون!!! و خدایان موآب بنی عمون!!! و خدایان فلسطینیان را عبادت
 کردند!!! و یهوه را ترک کرده اورا عبادت نکرده اند!!! و غضب خداوند بر اسرائیل
 افروخته شده!!! ایشان را بدست فلسطینیان و بدست بنی عمون فروخت!!!
 (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی سفر داوران باب دهم آیات از ۸ تا ۱۶)

**و مردان بنی اسرائیل بر بنیامینیان برگشته!!! ایشان را بدم شمشیر کشتند!!! یعنی
 تمام اهل شهر و بهایم و هر چه را که یافتند!!! و همچنین همه شهرهای را که به
 آنها رسیدند با آتش سوزانیدند!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی سفر داوران باب بیستم آیه ۴۸)
 بنی اسرائیل تمامی اوامر یهوه خدای خود را ترک کرده! بتهای ریخته شده! یعنی
 دوگوساله برای خود ساختند!!! و اشیره را ساختند!!! بت تمامی لشگر آسمان سجده
 کردند!!! و بعل را عبادت نمودند و پسران و دختران خود را از آتش گذرانیدند!!! و
 فالگیری و جادوگری نموده خویشان را فروختند!!! تا آنچه در نظر خداوند ناپسند
 بود بعمل آورده!!! خشم او را بهیجان می آورند!!! پس از این جهت غضب خداوند
 بر بنی اسرائیل شدت افروخته شده!!! ایشان را از حضور خود دور انداخت!!! که
 جز سبط یهودا فقط باقی نماند! امایهودا نیز اوامر یهوه خدای خود را نگاه نداشتند
 بلکه بفرایض که اسرائیلیان ساخته بودند سلوک نمودند!!! پس خداوند تمامی
 ذریت بنی اسرائیل را ترک نموده!!! ایشان را ذلیل ساخته!!! و ایشان را بدست
 تاراج کنندگان تسلیم نمود!!! حتی اینکه ایشان را از حضور خود دور ساخت!!!
 زیرا که او بنی اسرائیل را از خاندان داود منشق ساخت!!! و ایشان را بربعام بن نباط
 را پادشاهی خود نصب نمودند!!! و بربعام بنی اسرائیل را!!! از پیروی خداوند

برگردانیده!!! ایشان را مرتکب گناه عظیم ساخت!!! و بنی اسرائیل بمای گناهای که یربعم ورزیده بود سلوک نموده!!! از آنها و اجتناب نکردند!!! تا آنکه خداوند بنی اسرائیل را موافق آنج! بواسطه جمیع بندگان خود انبیاء! گفته بود از حضور خود دور انداخت!!! پس بنی اسرائیل از زمین خود تا امروز به آشور جلائی وطن شدند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب د و م پادشاهان باب هفدهم آیات از ۶ تا ۲۴)

چونکه خداوند میگوید: بنی یهود آنچه در نظر من ناپسند است بعمل آوردند!!! و رجاسات خویش را در خانه که به اسم من مسمی است!!! برپا نموده!!! آن را نجس ساختند!!! و مکانهای بلند خود را در توفت که در وادی ابن هتوم است بناء نمود!!! تاپسران! و دختران خویش را!!! در آتش بسوزانند!!! که من این کار را امر فرموده بودم!!! و بخاطر خویش نیاورده!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبی باب هفتم آیات از ۳۰ و ۳۱)

خداوند چنین میفرماید: تکبر یهودا و تکبر عظیم اورشلیم را همچنین تباه خواهم ساخت!!! و این قوم شریری که از شنیدن قول من ابا نموده!!! سرکشی دل خود را پیروی مینمایند! و در عقب خدایان غیر رفته!!! آنها را عبادت و سجده میکنند!!! مثل کمر بندی که لایق هیچکار نیست خواهند شد!!! زیرا که خداوند میگوید: چنانکه کمر بندی بکمر آدمی می چسبید!!! تمامی خاندان بنی اسرائیل و تمامی خاندان یهودا بخویشتن چسبانیدم! تا برای من قوم واسم و فخر و زینت باشند! اما نشدند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبی باب سیزدهم آیات از ۹ تا ۱۲)

و اگر در دل خود گویی این چیزها؟؟؟؟! چرا بمن واقع شده است؟! برای آنکه کثرت گناهانت!!! دامنهایت گشاده شده!!! پاشنه هایت بزور برهنه گردیده است!!! آیا حبشی پوست خود را تبدیل تواند نمود؟؟؟! یا پلنگ پیسه های خویش را؟؟؟! آنگاه شما نیز که ببدی کردن معتاد شده اید نیکویی نتوانید کرد!!! و من ایشان را مثل گاه که پیش روی باد!!! صحراء رانده شود!!! پراکنده خواهم ساخت!!! خداوند میگوید: قرعه تو!!! و نصیبی که از جانب من پیموده شده این است!!! چونکه مرا فراموش کردی!!! و بدروغ اعتماد نمودی!!! پس من نیز دامنهایت را پیش روی تو منکشف خواهم ساخت! و رسوائی تو دیده خواهد شد!!! فسق و شیبه های تو

**زشتی زناکاری تو!!! ورجاسات تو را برتلهای بیابان مشاهده نمودم!!! وای بر تو
ای اورشلیم تابکی دیگر ظاهر نخواهی شد!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبی بابسیزدهم آیات از ۲۲ تا ۲۷)

که مرا گفت: ای پسرانسان برپایهای خودبایست! تا باتوسخن گویم: و چون این را
بمن گفت: روح داخل من شد مرا برپایهایم برپا نمود! و اورابامن تکلم نمود شنیدم
که مرا گفت: ای پسرانسان من تو را نزد بنی اسرائیل میفرستم یعنی نزد امت فتنه
انگیزیکه بمن فتنه انگیزخته اند!!! ایشان و پدران ایشان تابه امروز بر من عصیان
ورزیده اند! و پسران ایشان سخت رو!!! و قسی القلب هستند و من تو را نزد ایشان
میفرستم! تابه ایشان بگویی خداوندیهوه چنین میفرماید: و ایشان خواه بشنوند و
! خواه نشوند! زیرا که خاندان فتنه انگیز میباشند! خواهند دانست که نبی در میان
ایشان هست! و تو ای پسرانسان از ایشان مترس و از سخنان ایشان بیم مکن!! اگر
چه خارها و شوکها بتو باشد! و در میان عقربها ساکن باشی!!! اما از سخنان ایشان
مترس و از رویهای ایشان هراسان مشو!!! زیرا که ایشان خاندان فتنه انگیز میباشند
شدند! پس کلام مرا به ایشان بگو: خواه بشنوند و خواه نشوند!! چونکه فتنه انگیز
هستند!! و تو ای پسرانسان آنچه راکه من بتو میگویم: بشنو! مثل این خاندان فتنه
انگیز عاصی مشو!!! بلکه دهان خود را گشوده آنچه راکه من بتو میدهم بخور!!!
پس نگریستم و اینک دستی بسوی من دراز شد! و در آن طوماری بود و آن را پیش
من بگشود که رو پیشتش هر دو نوشته بود! و نوحه! و ماتم! و ای! بر آن مکتوب بود
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبی تمامی باب دوم)

و او مرا گفت: ای پسرانسان آیا آنچه را که مشایخ خاندان اسرائیل در تاریکی!!!
و هر کس در حجره های خود!!! بت های خویش را عبادت میکنند!!! دیدی زیرا که
میگویند: که خداوند ما را نمی بیند!!! و خداوند این زمین را ترک کرده است!!! و
بمن گفت: که بازر جاسات عظیم تراز اینهائی که اینان میکنند!!! خواهی دید!!! پس
مرا بدهنه دروازه!!! خانه خداوند که بطرف شمال بود آورد! و اینک در آنجا بعضی
زنان نشسته برای تنبور میگریستند!!! و او مرا گفت: ای پسرانسان!!! آیا این را

دیدی؟! باز رجاسات عظیم تر از اینها خواهی دید!!! پیش مرا! بصحن اندرونی خانه خداوند آورد!!! و اینک نزد دروازه باهیکل خداوند!!! در میان رواق و مذبح بقدر بیست و پنج مرد بودند!!! که رابسوی هیکل خداوند!!! و رویهای خویش رابسوی مشرق داشتند!!! و آفتاب را بطرف مشرق سجده مینمودند!!! و بمن گفت: ای پسر انسان این را دیدی؟؟؟؟ آیا برای خاندان یهودا بجا آوردن این رجاسات؟! که در اینجا بجای آورند سهل است؟؟؟؟ زیرا که زمین را از ظلم مملو ساخته اند!!! برای هیجان خشم من برمی گردند!!! و هان ساخته راببینی خود میگذارند!!!

(کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبی باب هشتم آیات از ۱۲ تا ۱۸)

و خداوند!!! به او (ملائکه) گفت: از میان شهر یعنی از میان اورشلیم!!! بگذر و بر پیشانی کسانی که بسبب همه رجاساتی که در آن کرده میشود!!! آه و ناله میکنند نشانی بگذار!!! و با آنان بسمع من گفت: که در عقب او از شهر بگذرید!!! و هلاک سازید!!! و چشمان شما شفقت نکند و ترحم منماید!!! پیران و جوانان و دختران و اطفال و زنان را تماماً بقتل رسانید!!! اما بهر کسی که این نشان را دارد نزدیک شوید!!! و از قدس من شروع کنید!!! پس مردان پیری که پیش خانه بودند شروع کردند!!! و به ایشان فرمود: خانه را نجس سازید! و صحنهار از کشتگان پُرساخته بیرون آید!!! پس بیرون آمدند و در شهر بکشتن شروع کردند!!! و چون ایشان میکشند و من باقی مانده بودم!!! بروی خود در افتاده استغاثه نمودم!!! و گفتم: آه ای خداوند یهوه آیا چون غضب خود را بر اورشلیم میریزی؟؟؟؟ تمامی بقیه بنی اسرائیل را هلاک خواهی ساخت!!! او مرا جواب داد!!! گناه خاندان!!! بنی اسرائیل و یهودا!!! بی نهایت عظیم است!!! و زمین از خون مملو و شهر از ستم پُراست! زیرا که میگویند: خداوند زمین را ترک کرده است!!! و خداوند نمی بیند!!! پس چشم من نیز شفقت نخواهد کرد!!! من رحمت نخواهم فرمود!!! بلکه رفتار ایشان را بر سر ایشان خواهم آورد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبی باب نهم آیات از ۱ تا ۱۱)

و کلام خداوند!!! بر من نازل شده است!!! گفت: ای پسر انسان آیا داوری خواهی نمود؟! آیا بر شهر خونریز داوری خواهی نمود؟! پس آن را از همه رجاساتش آگاه

ساز!!! و بگو: خداوند یهوه چنین میفرماید: ای شهریکه خون را در میان خودت میریزی تا اجل تو برسد!!! ای که بتهارا بضد خود ساخته خویشان را!!! نجس نموده!!! بسبب خونی که ریخته مجرم شده!!! و بسبب بتهایی که ساخته نجس گردیده لهذا!!! اجل خویش را نزدیک آورده!!! به انتهای سالهای خود رسیده! لهذا تورانزد امتهاعارونزد جمع کشورها!!! مسخره گردانیده ام!!! ای پلیدنام وای پُر فته آنانیکه بتونزدیک و آنانیکه از تو دور اند!!! بر تو سخریه خواهند نمود!!! اینک سروران بنی اسرائیل هر کس بقدر قوت خویش!!! مرتکب خونریزی در میان تو میبودند!!! پدر و مادر را در میان تو اهانت نمودند!!! و غریبان را در میان تو!!! مظلوم ساختند!!! و بریتیمان و بیوه زنان در میان تو ستم نمودند!!! و تو مقدسهای مرا خوار شمرده!!! سبتهای مرا بی عصمت نمودی!!! و بعضی در میان تو بجهت ریختن خون نمایی نمودند!!! و بر کوهها در میان تو غذا میخوردند!!! و در میان تو مرتکب قباحت میشدند!!! و عورت پدران را در میان تو منکشف میساختند! و زنان حایض را در میان تویی عصمت می نمودند!!! یکی در میان تو!!! با زن همسایه خود عمل زشت نمود!!! و دیگری عروس خویش را بجوربی عصمت کرد!!! و دیگری خواهرش یعنی دختر پدر خود را دلیل ساخت!!! در میان تو بجهت ریختن خون رشوه خوردند و سود و ربح گرفتند!!! و تو مال همسایه خود را بزور غصب کردی!!! و مرا فراموش نمودی!!! قول خداوند یهوه است!!! لهذا من بسبب حرص تو که مرتکب آن شده!!! و بسبب خونی که در میان خودت ریخته ای!!! دستهای خود را بهم میزنم!!! پس در ایامی که من بتو مکافات میرسانم!!! آیا دلت قوی و دستهایت محکم خواهد بود؟؟؟؟ من که یهوه هستم تکلم نمودم و بعمل خواهم آورد!!! و تورا در میان امتهای پراکنده و در میان کشورها متفرق ساخته!!! نجاسات تورا از میان نابود خواهم ساخت!!! و بنظر امتهای بی عصمت خواهی شد!!! و خواهی و دانست که من یهوه هستم!!! و کلام خداوند بر من نازل شده گفت: ای پسر پسرانسان خاندان بنی اسرائیل از نزد من دور شده اند!!! و جمیع ایشان مس روی و آهن و سرب!!! در میان کوره و دود نقره شده اند! بنابراین خداوند یهوه چنین میگوید: چونکه همگی شما دود شده اید!!! لهذا من شمارا در میان اورشلیم جمع خواهم نمود! چنانکه نقره و مس و آهن و سرب روی را در میان کوره جمع

کرده آتش بر آنها میدمنداگداخته شوند!!! همچنانکه من شمارا در غضب وحدت خشم خویش جمع کرده!!! در آن خواهم نهاد وشمارا خواهم گداخت!!! وشما را جمع کرده!!! آتش غضب خود را بر شما خواهم دمید!!! که در میان گداخته شوید!!! چنانکه نقره در میان کوره گداخته میشود!!! همچنان شمار میان گداخته خواهید شد!!! و خواهید دانست که من يَهُوه حدت خشم خویش را بر شما ریخته ام!!! و کلام خداوند بر من نازل شده!!! گفت: ای پسرانسان اورا بگو: تو زمینی هستی که ظاهر نخواهی شد!!! و باران در روز غضب بر تو نخواهد بارید!!! فتنه انبیاء آن رامیانش میباشد!!! ایشان مثل شیر غران شکار را میدریدند جانهارا میخورند!!! و گنجاها و نفایس را میبرند و بیوه زنان را در میانش زیاد میسازند!!! و کاهنش با شریعت من مخالفت ورزیده!!! موقوفات مرا حلال میسازند و در میان مقدس و غیر مقدس تمیز نمیدهند!!! و در میان نجس و طاهر فرق نمیگذارند!!! و چشمان خود را از سبتهای من میپوشانند!!! من در میان ایشان بیحرمت گردیده ام! سرورانش مانند گرگان درنده خون میریزند!!! و جانهارا هلاک مینمایند تا سودناحق ببرند!!! و انبیایش ایشان را بگل ملات اندود! رویاهای باطل میبینند!!! و برای ایشان نقال دروغ زده!!! میگویند: خداوند يَهُوه چنین گفته است!!! با آنکه يَهُوه تکلم نموده و قوم زمین بشدت ظلم نموده!!! و مال یکدیگر را غضب کرده اند!!! و بر فقیران و مسکینان جفانموده!!! غریبان را بی انصافی و مظلوم ساخته اند!!! و من در میان ایشان کسی را طلبیدم که دیوار را بناء نماید!!! و برای زمینی بحضور من در!!! شکاف بایستد! تا آن را خراب ننماید! اما کسی را نیافتم!!! پس خداوند يَهُوه میگوید: خشم خود را بر ایشان ریخته ام! و ایشان را به آتش غضب خویش هلاک ساخته ام!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبی تمامی باب بیست و دوم)

اینک من يَهُوه خدای تمامی بشر هستم!!! آیا هیچ امری برای من مشکل میباشد؟؟؟؟ بنا بر این خداوند چنین میگوید: اینک من این شهر را بدست و بدست نبر کدر پادشاه بابل تسلیم میکنم!!! و او آن را خواهد گرفت!!! و گلدانیانی که با

این شهر جنگ میکنند آمده این شهر را آتش خواهند زد!!! و آن را با خانه هائیکه بر بامهای آنها برای بعل بخور سوزانیدند!!! و هدایای ریختی برای خدایان غیر ریخته اند!!! خشم مرا بهیجان آوردند!!! خواه سوزانید!!! زیرا که بنی اسرائیل و بنی یهود از طفولیت خود پیوسته شرارت ورزیدند!!! و خداوند میگوید: که بنی اسرائیل به اعمال دستهای خود خشم مرا دائماً!!! بهیجان آوردند!!! زیرا که این شهر از روزی که آن را بنی اسرائیل بنا کردند تا امروز!!! باعث هیجان خشم و غضب من بوده است! تا آن را از حضور خود دور اندازم! بسبب تمام شرارتی که بنی اسرائیل و بنی یهود ایشان!!! و پادشاهان!!! و سروران! و کاهنان! و مردان یهودا!!! و ساکنان اورشلیم کرده!!! خشم مرا بهیجان آورده اند!!! و پشت بمن داده اند!!! و هر چند ایشان را تعلیم دادم بلکه صبح زود برخاسته تعلیم دادم!!! لیکن گوش نگرفتند و تأدیب نپذیرفتند بلکه رجاسات خود را در خانه که به اسم من مسمی است برپا کرده آن را نجس ساختند!!! و مکانهای بلند بعل را که در وادی ابن هتوم است!!! بنا کردند!!! تا پسران و دختران خود را!!! برای مؤک از آتش بگذرانند!!! عملی که ایشان را امر نفرمودم!!! و بخاطرم خطور ننمود! که چنین رجاسات را بجا آورده!!! یهودا را مرتکب گناه گردانی!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبی باب سی و دوم آیات از ۲۲ تا ۳۵)

بنی اسرائیل در نظر خداوند شرارت ورزیدند!!! و بعل ها را عبادت نمودند!!! و یهوه خدای پدران خود را که ایشان را از زمین مصر بیرون آورده بود!!! پیروی نموده آنها را سجده کردند و خشم خداوند را برانگیختند!!! و یهوه را ترک کرده!!! بعل و عشتاروت را عبادت نموده!!! پس خشم خداوند بر اسرائیل افروخته شده ایشان بدست تاراج کنندگان سپرد! تا ایشان را غارت نمایند! و ایشان را بدست دشمنانیکه به اطراف ایشان بودند فروخت!!! به حدی که دیگر نتوانستند با دشمنان خود مقاومت نمایند!!! و بهر جایکه بیرون میرفتند!!! دست خداوند برای بدی ایشان میبود!!! چنانکه خداوند گفته و چنانکه برای ایشان قسم خورده!!! و بنهایت تنگی گرفتار شدند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی سفر داوودان باب دوم آیات از ۱۱ تا ۱۷)

و آوازه تو بسبب زیباییت در میان امهتا شایع شد!!! زیرا که خداوند یهوه میگوید: که آن زیبایی از جمال من که بر تو نهاده بودم کامل شد!!! اما بر زیبایی خود تو گل نمودی!!! و بسبب آوازه خویش زنا کار گردیدی!!! و زناي خویش را هر رهگذری ریختی و از آن او شد!!! و از لباسهای خود گرفتگی و مکانهای بلند رنگارنگ برای خود ساخته بر آنها زنا نمودی!!! که مثل این کارها واقع نشده و نخواهد شد!!! و زیورهای زینت خود را!!! از طلا و نقره من که بتو داده بودم!!! گرفته تمثال های مردان را ساخته با آنها زنا نمودی!!! و لباس قلابدوزی خود را گرفته!!! به آنها پوشانیدی!!! و روغن و بخور مرابیش آنها گذاشتی!!! و نان مرا که بتو داده بودم!!! و آرد!!! میوه و روغن و عسل را که رزق تو ساخته بود!!! پیش آنها برای هدیه خوشبوئی نهاده و چنین شد!!! قول خداوند یهوه این است!!! و پسران و دختران را که برای من زائیده بودی!!! گرفته ایشان را بجهت خوراک آنها ذبح نمودی!!! آیا زناکاری تو کم بود؟! که پسران مرا نیز کشتی؟! برایشان تسلیم نمودی؟؟؟؟ که برای آنها از آتش گذرانیده شوند؟؟؟! و در تمامی رجاسات و زناي خود ایام جوانی خود را حینیکه عریان و برهنه بودی؟! و در خون خود می غلتیدی بیادنی آوردی؟! و خداوند یهوه میگوید: وای بر تو وای بر تو زیرا که بعد از تمامی شرارت خود!!! خراباتهای برای خود بناء نمودی!!! و عمارات بلند در هر کوچه برای خود!!! ساختی!!! بر سر هر راه عماراتهای بلند!!! خود را بناء نمودی!!! زیبایی خود را مکروه ساختی!!! برای هر راه گذری پایهای خویش گشوده!!! و زنا کاریهای خود را افزودی!!! و با همسایگان خود پسران مصر!!! که بزرگ گوشت میباشند زنا نمودی!!! و زنا کاری خود را افزوده خشم مرابهیجان آوردی!!! لهذا اینک من دست خود را بر تو دراز کرده وظیفه تو را قطع نمودم!!! و تو را به آرزوی دشمنانت یعنی دختران فلسطینیانی که از رفتار قبیح تو خجل بودند تسلیم نموده ام!!! و چونکه سیر نشدی بابنی آشور نیز زنا نمودی!!! و با ایشان نیز زنا نموده سیر نگشتی! و زنا کاریهای خود را از زمین کلدانیان زیاد نمودی!!! و از این هم سیر نشدی!!! خداوند یهوه میگوید: دل تو چقدر ضعیف است!!! که تمامی این اعمال را!!! که کارزن زانیه سلیطه میباشد!!! بعمل آوردی!!! که سر هر راه خرابات خود را بناء نمودی

!!! و در هر کوچه عمارات بلند خود را ساختی!!! و مثل فاحشه های دیگر نبودی!!!
 چونکه اجرت را خوار شمردی!!! ای زن زانیه که غریبان را بجای شوهر خود
 میگری!!! بجمع فاحشه ها اجرت میدهند!!! اما تو بتمامی عاشقانت اجرت میدهی
 !!! و ایشان را اجیر میسازی!! که از هر طرف بجهت زناکاریهایت نزد تو بیایند!!! و
 عادت تو در زناکاریت بر عکس سائر زنان است!!! چونکه کسی بجهت زناکاری
 از عقب تونمی آیند!!! و تو اجرت میدهی و کسی بتو اجرت نمیدهد!!! پس عادت تو
 بر عکس دیگران است!!! بنابراین ای زانیه کلام خداوند را بشنو!!! خداوند یهوه
 چنین میگوید: چونکه نقد تو ریخته شد! و عریانی تو از زناکاریت با عاشقانت!!! و
 با همه بُتهای رجاساتت!!! و از خون پسرانت که به آنها دادی مکشوف گردید!!!
 لهذا من جمیع عاشقانت را!!! که با ایشان متلذذ بودی! و همه آنانیکه دوست
 داشتی!!! با همه کسانیکه از ایشان نفرت داشتی جمع خواهم نمود!!! و ایشان را از
 هر طرف نزد تو فراهم آورده!!! برهنگی تو را با ایشان منکشف خواهم ساخت!!!
 تا تمامی عریانت را ببینند!!! و بر تو فتوای زانی را که زنا میکنند!!! و خونریز
 میباشند! خواهم داد! چون غضب و غیرت را بر تو وارد خواهم آورد! و تو را بدست
 ایشان تسلیم نموده!!! خراباتهای تو را خراب!!! و عمارات بلند تو را منهدم خواهند
 ساخت!!! و لباس تو را از تو خواهند کند! و زیورهای قشنگ تو را خواهند گرفت!!! و
 تو را عریان و برهنه خواهند گذاشت!!! و گروهی را بر تو آورده تو را!!! با سنگها
سنگسار خواهند کرد!!! و باشمشیرهای خود تو را پاره پاره خواهند نمود!!! و خانه
 های تو را با آتش سوزانیده!!! در نظر زنان بسیار بر تو عقوبت خواهد رسانید!!! پس
 من تو را از زناکاری باز خواهم داشت!!! بر دیگر اجرت نخواهی داد!!! و حدت خشم
 خود را بر تو فرو خواهم نشانید!!! و غیرت من از تو نخواهد برگشت!!! و آرام گرفته
 بار دیگر غضب نخواهم نمود!!! چونکه ایام جوانی خود را بیاد نیاورده مرا بهمه
 اینکارها رنجانیدی!!! از این جهت خداوند یهوه میگوید: که اینک نیز رفتارتو را!!!
 مرتکب خواهی شد!!! اینک هر که مثل می آورد!!! این مثل را بر تو آورده خواهد
 گفت: که مثل مادر دخترش میباشد!!! و تو دختر مادر خود هستی!!! که از شوهر!!! و

پسران خویش نفرت میداشت!!! و خواهر خواهران خود هستی!!! که از شوهران!!!
پسران خویش نفرت میدارند!!! مادر شما حتی بود و پدر شما آموری!!! و خواهر
بزرگ تو سامره است!!! که با دختران خود بطرف چپ توساکن میباشد!!! و خواهر
کوچک تو سدوم است!!! که با دختران خود بطرف راست توساکن میباشند!!! اما
تو در طریق های ایشان سلوک نکردی!!! و مثل رجاسات ایشان عمل نمودی!!!
بلکه گویا این سهل بود!!! که تو در همه رفتار خود از ایشان زیاده فاسد شدی!!! پس
خداوند یهوه میگوید: بحیات خودم قسم که خواهر تو سدوم و دخترانش!!! موافق
اعمال تو و دخترانت عمل نمودند!!! اینک گناه خواهرت سدوم این بود که تکبر
و فراوانی نان!!! و سعادت مندی رفاهیت برای او و دخترانش بود!!! و فقیران و
مسکینان را دستگیری نمودند!!! و مغرور شده در حضور من مرتکب رجاسات
گردید!!! لهذا چنانکه صلاح دیدم ایشان را از میان برداشتم! سامره نصف گناهانت
را مرتکب نشد!!! بلکه تو رجاسات خود را!!! از آنها زیاده تر نمودی!!! و خواهران
خود را بتمامی رجاسات خویش!!! که بعمل آوردی مبری ساختی!!! پس تونیز
که بر خواهران خود حکم دادی!!! خجالت خود را متحمل بشو!!! زیرا که بگناهانت
که در آنها بیشتر از ایشان رجاسات نمودی!!! ایشان از تو عادلتر گردیدند!!! لهذا تو
نیز خجل شو و رسوائی خود را متحمل باش چونکه خواهران خود را مبری!!! و
من اسیری ایشان یعنی اسیری سدوم و دخترانش!!! و اسیری سامره و دخترانش
!!! و اسیری اسیران تو را در میان ایشان خواهم برگردانم!!! تا خجالت خود را
متحمل شده از هر چه کرده شرمنده شوی! چونکه ایشان را تسلی داده و خواهرانت
یعنی سدوم و دخترانش بحالت نخستین خود خواهند برگشت! و سامره و دخترانش
بحالت نخستین خود خواهند برگشت!!! و تو و دخترانت بحالت نخستین خود خواهند
برگشت!!! اما خواهر تو سدوم در روز تکبر!!! تو بزبانیت آورده نشد!!! قبل از آنکه
شرارت تو منکشف بشود!!! مثل آن زمانی که دختران آرام مذمت میکردند!!!
کردند!!! و جمیع مجاورانش یعنی دختران فلسطینیاتی که تو را از هر طرف خوار
میشمردند!!! پس خداوند میفرماید: که قباحت و رجاسات خود را متحمل خواهی
شد!!! زیرا که خداوند یهوه چنین میگوید: بنهجیکه تو عمل نمودی من با تو عمل

خواهم نمود!!! زیرا که قسم را خوارشمرده عهد را شکستی!!! لیکن من عهد خود را که در جوانیت باتو بستم بیدخواهم آورد!!! و عهد جاودانی باتو استوار خواهم داشت!!! و هنگامیکه خواهر بزرگ و کوچک خود را پذیرفته باشی!!! آنگاه راههای خود را بید آورده خجل خواهی شد!!! و من ایشان را بجای دختران بتو خواهم داد لیکن نه از عهد تو!!! و من عهد خود را باتو استوار خواهم ساخت!!! خواهی دانست که من یهوه هستم!!! تا آنکه بید آورده خجل بشوی!!! و خداوند یهوه می فرماید: که چون من همه کارهای تورا آمرزیده باشم!!! بار دیگر بسبب رسوائی خویش دهان خود را نخواهی گشود!!!

(از کتاب مقدس عهد عهدعتیق و از کتاب حزقیال نبیّ باب شانزدهم آیات از ۴ تا آخر باب)

و آحاز بیست ساله بود که پادشاه شد!!! و شانزده سال در اورشلیم پادشاهی کرد!!! اما آنچه در نظر خداوند ناپسند بود! موافق پدرش داود بعمل نیاورد!!! بلکه بطریق های پادشاه اسرائیل سلوک نموده!!! تمثالهای نیز برای بعلم ریخت!!! و دروادی این هتوم بخور سوزانید!!! و پسران خود را بر حسب رجاسات امتهائی!!! که خداوند از حضور بنی اسرائیل اخراج نموده بود سوزانید!!! و بر مکانهای بلند و تلهای و زیر هر درخت سبز قربانی ها گذرانید!!! و بخور سوزانید!!! بنابراین یهوه خدایش او را بدست پادشاه آرام تسلیم نمود!!! که ایشان او را شکست داده!!! اسیران بسیاری از او گرفته بدمشق بردند!!! و بدست پادشاه بنی اسرائیل نیز تسلیم شد!!! که او را شکست عظیمی داد!!! و فح بن رملیا صد و بیست هزار نفر را که جمیع ایشان مردان جنگی بودند!!! در یک روز در یهودا کشت!!! چونکه یهوه خدای پدران خود را ترک نموده بودند!!!

(از کتاب مقدس عهدعتیق و از کتاب دوم تواریخ ایام باب بیست و هشتم آیات از ۱ تا ۷)

منسی دوازده ساله بود که پادشاه شد!!! و پنجاه و پنج سال در اورشلیم سلطنت نمود!!! و آنچه در نظر خداوند ناپسند بود!!! موافق رجاسات امتهائیکه خداوند آنها را!!! از حضور بنی اسرائیل اخراج کرده بود عمل نمود!!! زیرا مکانهای بلند را که پدرش حزقیال خراب کرده بود بار دیگر بناء نمود!!! و مذبح ها برای بعلم برپا کرد! و اشیر هابساحت دستهای خود! و بتمامی لشگر آسمان سجده نموده! آنها را عبادت کرد!!! و مذبح ها در خانه خداوند بناء نمود! که درباره اش خداوند گفته

بود اسم من در اورشلیم تا به ابد خواهد بود!!! و مذبح های برای تمامی لشکر آسمان!!! در هر دو صحن خانه خداوند بناء نمود! و پسران خود را در وادی ابن هتوم از آتش گذرانید!!! و فالگیری و افسونگری میکرد و با اصحاب اجنه و جادوگران مرادده مینمود!!! و در نظر خداوند شرارت بسیار ورزیده خشم او را بهیجان آورد و تمثال ریخته شده ببت راکه ساخته بود در خانه خداوند برپا داشت! که درباره اش خداوند بداد و بپسرش سلیمان گفته بود!!! در این خانه و در اورشلیم که آن راز تمامی اسباط بنی اسرائیل برگزیده ام!!! اسم خود را تا به ابد برقرار خواهم داد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم تواریخ ایام باب سی سی و سوم آیات از ۱ تا ۸)

و تودر تمامی این چیزهایی که بر ما وارد شده است! عادل هستی زیرا که تو بر استی عمل نموده اما شرارت ورزیده ایم! و پادشاهان و سروران و کاهنان و پدران ما بشریعت تو عمل نمودند!!! و به او امر و شهادت تو که به ایشان امر فرمودی گوش ندادند!!! و در مملکت خودشان و در احسان عظیمی که به ایشان نمودی! و زمین وسیع و برومند!!! که پیش روی ایشان نهادی!!! تو را عبادت نمودند و از اعمال شنیع خویش بازگشت نکردند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب نحمیا نبی باب نهم آیه ۴۳ تا ۴۸)

نکاتی از مؤلف: مطالب زیر از متن کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات تحریف شده فعلی نوشته میشود!!!

۱- یهودا پسر یعقوب و اسرائیل! با عروس خود بنام تامار زنا کرده! پسران دو قلو زنازاده و حرام زاده بنامهای فارص! و زارح بدنیا آورده!!! که نام یهودیت از همین پسر یعقوب با افتخار به ارث مانده است!!! که از نسل او بنام یهودیت در جهان مشهور میباشند!!!

۲- خداوند کتاب مقدس عهد عتیق!!! و کتاب تورات فعلی!!! تمامی قوم یهودا و بنی اسرائیل را خداناسناس!!! و بت پرست!!! و زناکار! و زنا زاده! و حرام زاده!!! و قاتل انبیاء عظام!!! و غارتگر! و تجاوزکار! و حتی دختران! و عروسان!!! و زنانشان را فاحشه معرفی مینماید!!! و رباخوار! و نجس!!! و بدترین! و شریرترین انسانهای

جهان نوشته و معرفی کرده است!!! که از جای دیگر نیاورده ایم!!! که از کتاب به اصطلاح آسمانی خودشان می باشد!!! پس کتاب با اصطلاح آسمانی ایشان! این قوم یهودیت و بنی اسرائیل را بت پرست و فاسد و بی غیرت معرفی مینماید!!! و یاباید کتاب مقدس عهد عتیق! و کتاب تورات فعلی!!! را قبول نکنند!!! و یا اگر قبول کرده باشند!!! این قوم بت پرست! و فساد!!! و شریر خدانشناس ترین! قوم جهان هستند!!! که فرزندان زنا زاده!!! و حرام زاده فراوان یهودیت بسیار تولید کرده اند!!! که این زنازاده ها!!! و حرام زاده ها!!! یهودیت و بنی اسرائیل!!! در کتاب مقدس عهد عتیق! و در کتاب تورات فعلی!!! برگزیده و قوم و فرزندان خداوند کتاب مقدس عهد عتیق! و کتاب تورات فعلی هستند!!! که این قدرگناه! و بزه! و بت پرستی! و جنایتکار!!! و زناکاری! و قتل! و غارت! و رباخواری! بعمل آورده اند! که اگر این قوم؟؟؟!!! و فرزندان شیطان بودند؟؟؟!!! چه کارهایی میکردند؟؟؟!!!

۳- این یهودا بخدای خود خیانت ورزیده! زیرا که دختر خدای خود را بزنی نگرفته! و دختر خدای دیگر را!!! بزنی گرفته است!!!

۴- پس اسرائیل از خدای خود زنا کرده!!! که چطور و چگونه مانمیدانیم!!! چنین نوشته است؟؟؟!!!

۵- یهودیان بنی اسرائیل خدای خود را ترک کردند! که خدا درد دل بتنگ آمده که بسموئیل توصیه و سفارش مینماید! که با توهم چنین رفتار خواهند کرد! و درد دل خدا برای سموئیل بخاطر این بوده!!! که یکی از خدایان بنی اسرائیل سموئیل بوده!!! که در فصل اول نوشته ایم!!! خدا با خدا درد دل مینماید!!!

۴- خداوند گفت: یهودیان بنی اسرائیل را در جهان پراکنده خواهم کرد!!!

۷- خداوند گفت: انبیاء بنی اسرائیل احمق و مانند روباه هستند!!!

۸- یهودیان بنی اسرائیل انبیاء خداوند را بناحق با شمشیر کشتند!!!

۹- یهودیان بنی اسرائیل پسر را در عوض فاحشه دادند!!! یعنی پسر را با فاحشه عوض کردند!!! و دختران را بشراب فروختند!!! یعنی دختر را دادند برومیان در عوض شراب گرفتند و نوشیدند!!!

۱۰- خداوند یهوه: اسرائیل را رئیس شیران معرفی کرده است!!!

۱۱- کتاب مقدس عهد عتیق! و در کتاب تورات فعلی!!! نوشته است!!! هر کسی که خدای اسرائیل را نخواند و پرستش نکند باید کشته شود!!! خواه مرد باشد! و خواه زن باشد! و خواه پیر باشد! و خواه بچه باشد! باید کشته شود!!!

۱۲- بنی اسرائیل در هر جنگی که پیروز شده بودند! تمام اهل شهر را میکشند! و به صغیر! و کبیر! و حیوانات هم رحم نمیکنند! که مانند امروز در فلسطین چقدر جنایت!!! و خونریزی فراوان بعمل آوردند!!! اگر قدرت داشته باشند!!! در روی زمین غیر از خودشان جنبنده رازنده نمیگذارند!!! بهیچ کسی رحم نخواهند کرد!!! که تا بحال بهیچ کسی رحم نکرده اند!!! چونکه به اصطلاح دینی و فرهنگ آسمانی ایشان!!! چنین حکم را صادر کرده است!!! که غیر از یهود و بنی اسرائیل رازنده نگذارند!!! که مردم جهان باید آگاه و هوشیار باشند!!! که نگذارند این قوم جنایتکار بقدرت! و توانائی کامل برسند! که تمامی مردم اهل جهان را از بین خواهند برد!!! و اگر کسی کتاب مقدس عهد عتیق!!! و کتاب تورات فعلی!!! را خوب و بادقت نخواند این قوم جنایتکار!!! و خون آشام را نخواهد شناخت!!! و اگر دست این قوم جلاد به خداوند عالم هم برسد!!! او را نیز از بین خواهد برد! که این کار هم محال میباشد!!!

۱۳- بنی اسرائیل قبلاً فرزندان خودشان را به بُتها قربانی میکردند! سر میبردند ولی امروزه فرزندان مسلمانان!!! و مسیحیان را!!! برای عید فصح یعنی عید فطیر قربانی میکنند! که در جایش بامدارک کامل نوشتیم!!! تا ثابت شده که چقدر جنایت کار!!! و خون آشامی فراوان در این مورد! انجام داده اند!!!

۱۴- کتاب مقدس عهد عتیق!!! و کتاب تورات فعلی!!! تمامی بنی اسرائیل را خواه پدرانشان!!! و خواه فرزندانشان باشند فاسد!!! و فتنه انگیز! و عصیانگر! و زناکار! و شریروبت پرست!!! و خونخوار نوشته! و معرفی مینماید!!! که در این مورد مؤلف هیچگناهی ندارد!!! زیرا که کتاب آسمانی این طایفه ایشان را چنین معرفی کرده که در متن خود کتابها خوانده اید! که مانوشته ایم!!! اگر کتاب ایشان هم ننوشته بود! باز هم همچنین اخلاق! و خصوصیات! دارند! که تمامی اهل جهان میدانند! و چنین است!!! در جایش بامدرک محکم خواهم نوشت و ثابت خواهم کرد!!! این که قوم خون میخورند! و خون آشام هستند! و گوشت غیر یهود را میخورند!!! و خواهند خورد!!!

۱۵- قوم یهودا! وبنی اسرائیل از اول شرور بودند!!! بخداوند عصیانگرو نافرمانی کرده اند!!! زیرا که هرکاری که خداوند حرام کرده بود!!! بنی یهودا وبنی اسرائیل آن را حلال نمودند!!! ببینید چقدر نادان! و نفهم! و جاهل بودند! که فرزندان خودشان را در مقابل بُتهای!!! که از چوب! و سنگ! و خاک!!! و فلز که با دست خودشان درست کرده بودند! سر بریده و ذبح! و قربانی میکردند!!! از هیچ گناهی! و جنایت روگردان نبودند! و نیستند!!! که این مطالب و این حرفها را که نوشته ایم!!! از متن کتاب به اصطلاح آسمانی خودشان میباشد!!! که بنام کتاب مقدس عهد عتیق!!! و از کتاب تورات فعلی! میباشد!!! آیا شمارا بخدا چنین کتابی را میتوان کتاب آسمانی دانست؟؟؟؟ که تماماً از سکسی! و پایین تراز کم صحبت میکند؟؟؟؟ و زناکاری! و بی بند باری! همجنس بازی را رواج میدهد! بر خداوند خلاق جهان هستی و رب العالمین! و به انبیاء عظام او این قدر تو هین! و تهمت! و اهانت و افتراء نوشته؟؟؟؟ آیا باز هم بگویم: که این کتاب! کتاب آسمانی تورات! و شریعت موسی کلیم الله میباشد؟؟؟؟!! باز هم قضاوت بر عهده خوانندگان گرامی میباشد!!!

درباره زندگی و عملکرد یهودیان بنی اسرائیل در کتاب تلمود (یعنی آئین یهود) انسان نباید یک فریضه دینی را عیناً طبق مقررات تورات انجام دهد!!! بلکه باید جزئیات و نکات اضافی بیشتری به آن بیفزاید تا مطمئن شود که وظیفه خود را بطور کامل! و بنحو احسن انجام داده است!!! از کتاب تلمود ص ۱۶۸

همه کتابهای مقدس دستها را پلید میکند!!! از کتاب تلمود ص ۱۶۸
کتابهای مقدس! غزل! غزلها و جامعه سلیمان! دستها را پلید میکند!!! از کتاب تلمود ص ۱۶۲

متن تورات را تحریف گردیده اند!!! از کتاب تلمود ص ۳۶۵
در قوانین بتورات با آن اشاره شده است! تلمود بکرات توضیح میدهد! که مقصود هم نوع یهودیان است و نه کافران!!! از کتاب تلمود ص ۲۳۳
هر کسی که یک غلام یهودی بخرد برای خود یک ارباب خریده است!!!
از کتاب تلمود ص ۲۱۸

بنی اسرائیل فرزندان ابلهی هستند! وفاداری در ایشان نیست!!! از کتاب تلمود ص ۴

در آینده فرزندان یعقوب در میان ملیت های جهان به غریب و در بدری خواهند افتاد!
از کتاب تلمود ص ۶۶

تمام ملت اسرائیل خواه زن! خواه مرد! خواه پسر! و خواه دختر باشند! همه ملت
اسرائیل پیامبر خواهند شد! که وحی الهی بهمه بنی اسرائیل نازل خواهد شد!!!
از کتاب تلمود ص ۱۴۱

در نظر بنی اسرائیل عبادت و خواندن دعا و نماز ورزش است!!!
از کتاب تلمود ص ۱۰۱

گناه کاری که بجهنم فرود آمده باشد! اگر در آنجا توبه کند او را همچون تیری که
از کمان بجهد! بخارج دوزخ پرتاب میکنند!!! از کتاب تلمود ص ۱۲۷
عالم هستی فقط بخاطر تورات آفریده شد!!! از کتاب تلمود ص ۸۲

زیرا که هستی جهان بوجود تورات بسته است!!! از کتاب تلمود ص ۸۱
موسی برای ما شریعتی امر فرمود! که میراث جماعت یعقوب است!!!
از کتاب تلمود ص ۸۳

فرشتگان بارگاه آسمانی را تشکیل میدهند! و خداوند بدون مشورت با ایشان
کاری را انجام نمیدهد!!! از کتاب تلمود ص ۸۴

مرد زناکار! وزن زانیه البته کشته شود!!! از کتاب تلمود ص ۱۰۹
اگر انسان آفریده نمی شد بهتر بود!!! از کتاب تلمود ص ۱۱۳

نبوت بکلی از میان ملت اسرائیل رخت بست! هنگامی! آخرین پیغمبری یعنی حجی
وز کریا و ملاکی در گذشتند! روح القدس از اسرائیل دور شد!!! از کتاب تلمود ص ۱۴۲
نبوت از پیغمبران گرفته شد! و بدانشمندان عطاء گردید!!! از کتاب تلمود ص ۱۴۲
نبوت از پیغمبران گرفته شد! و بدیوانگان عطاء گردید!!! از کتاب تلمود ص ۱۴۲
رسم زنان چنین است که در خانه بمانند! و روش مردان این است که بکوچه و
بازار بروند! از مردان دیگر کسب اطلاعات دانش نمایند!!! از کتاب تلمود ص ۱۷۴
اگر زن برای اجرای قصد خود پافشاری کند! بدون دریافت مهریه مطلقه میشود
!!! از کتاب تلمود ص ۱۸۸

هرکس تورات را بدختر بیاموزد! چنان است که گویی مطالب بیهوده! زشت را بدو آموخته است!!! از کتاب تلمود ص ۱۹۸

محیط فعالیت زن تنهاخانه او بود! لهادین ترس در میان بود که اگر زن وقت و نیروی خود را صرف تحصیل علم کند! ممکن است به امور خانه داری نرسد او رفاه حال افراد خانواده خود را آن طور که باید فراهم نسازد!!! از کتاب تلمود ص ۱۹۸ یکی از کسانی که روی جهنم را نخواهد دید! مردی است که همسر او بد است!!! از کتاب تلمود ص ۱۹۸

زن نمیتواند وظیفه قضاوت را انجام دهد! و نیز برای شهادت دادن شایسته نیست!!! از کتاب تلمود ص ۳۰۸

شهود کاذب نیز اعدام خواهند شد!!! از کتاب تلمود ص ۳۱۱

در قتل شهود باید از مردان باشند! و نه زنان و کودکان!!! از کتاب تلمود ص ۳۱۰

شهادت یک شاهد مورد قبول نیست!!! از کتاب تلمود ص ۳۱۱

کسی که بدار آویخته شود! ملعون خداوند است!!! از کتاب تلمود ص ۳۲۰

نکاتی از مؤلف: بدون هیچ توضیح این کلمات را از متن کتاب تلمود (یعنی

آئین یهود) در آوردم! که خوانندگان گرامی خودشان تمیز فرمایند!!!

بند دوم: عملکرد بنی اسرائیل از کتاب مقدس عهد جدید: اناجیل
 آنگاه عیسی آن جماعت و شاگردان خود را خطاب کرده گفت: کاتبان و فریسیان بر کرسی موسی نشسته اند!!! پس آنچه که بشما میگویند: نگاه دارید و بجا آورید لیکن مثل ایشان مکنید! زیرا که میگویند: و نمیکند زیرا که بارهای گران و دشوار را!!! میبندند و بردوش مردم مینهند! و خود نمیخواهند آنها را بیک انگشت حرکت دهند!!! و همه کارهای خود را میکنند تا مردم ایشان را ببینند!!! حمایلهای خود را عریض و دامنه‌های قبای خود را پهن میسازند!!! و بالانشستن در ضیافت ها و کرسی های صدر کتاب سرارا دوست میدارند! و تعظیم در کوچه هارا و اینک مردم ایشان را آقا آقا بخوانند!!! لیکن شمار آقا خوانند! لیکن شما آقا خوانده میشوید زیرا که استاد شمایی است! یعنی مسیح و جمیع شما برادرانید!!! و هیچکس را بر زمین پدر خود مخوانید!!! زیرا که پدر شمایی است که در آسمان است!!! و پیشوا خوانده میشوید زیرا که پیشوای شمایی یعنی مسیح!!! و هر که از شما بزرگتر باشد خادم شما بود و هر که خود را بلند کند پست میگردد! و هر که خود را فروتن میسازد سرفراز میگردد و ای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاءکار!!! که در ملکوت آسمان را بر روی مردم میبندید! زیرا که خود داخل آن نمیشوید! و داخل شوندگان را از دخول مانع میشوید! و ای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاءکار! زیرا که خانه های بیوه زنان را میبلعید! و از روی ریاء نماز را طویل میکنید! آن رو عذاب شدیدتر خواهد یافت! و ای بر شما کاتبان و فریسیان ریاءکار زیرا که بر و بحر را میگردد تا مریدی پیدا کنید!!! و چون پیدا شد او را دو مرتبه پست تر از خود! پس جهنم میسازید! و ای بر شما ای راه نمایان کور که میگوئید: هر که بهیكل قسم خورد باکی نیست!!! لیکن هر که بطلای هیكل قسم خورد باید وفا کند!!! ای نادانان و نابینایان آیا کدام افضل است؟! طلای هیكل که طلار اقدس میسازد؟! و هر که بمذبح قسم خورد باکی نیست!!! لیکن هر که بهدیه که بر آن است قسم خورد باید ادا کند!!! ای جهال و کوران کدام افضل است؟! هدیه یا مذبح که هدیه را تقدیس مینماید؟؟؟! پس هر که بمذبح قسم خورد با آن و بهر چه بر آن است قسم خورده است! و هر که بهیكل قسم خورد! با آن به او که در آن ساکن

است قسم خورده است!!! و هر که به آسمان قسم خورد!!! بکرسی خدا به او که بر آن نشسته است قسم خورده باشد! وای بر شما کاتبان و فریسیان ریاء کار که نفع و ثبوت وزیره را عشر میدهید!!! و اعظم احکام شریعت یعنی عدالت و رحمت و ایمان را ترک کرده اید! میبایست آنها را بجا آورید اینها را نیز ترک نکرده باشید! ای راه نمایان کور که پیشه را صافی میکنید! و شتر را فرو میبرید! وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاء کار از آن رو که بیرون پیاله و بشقاب را پاک مینمائید! و درون آنها را مملو از جبر و ظلم است! ای فرسی کوراوّل درون پیاله و بشقاب را! ظاهر سازتا بیرونش نیز ظاهر بشود! وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاء کار که چون قبور سفید شده میباشید!!! که از بیرون نیکو مینمائید! درون آنها از استخوانهای مردگان و سایر نجاسات پر است! و همچنین شماتیز ظاهراً به مردم عدالت مینمائید! لیکن باطناً از ریاء کار و شرارت مملو هستید!!! وای بر شما وای بر شما ای کاتبان! و فریسیان ریاء کار!!! که قبور انبیاء را بناء میکنید!!! و مدفن های صادقان را زینت میدهید!!! و میگوید: اگر در ایام پدران خود میبودیم!!! در ریختن خون انبیاء با ایشان شریک نمیشدیم!!! پس شهادت میدهید که فرزندان قاتلان انبیاء هستید! پس شما پیمانۀ پدران خود را لبریز کنید!!! ای مارافعی زادگان!!! چگونه از عذاب جهنم فرار خواهید کرد!!! لهذا الحال انبیاء و حکماء و کاتبان را نزد شما! میفرستم و بعضی را خواهید کشت و بدار خواهید کشید!!! و بعضی را در کنایس تازیانه زده!!! از شهر به شهر خواهید راند!!! تا خونهای صادقان که بر زمین ریخته شده!!! بر شما وارد آید!!! از خونهای هابیل صدیق! تا خون زکریّا ابن برحیا!!! او را در میان هیکل و مذبح کشتید! هر آینه بشمامی گویم: که این همه بر این طایفه خواهد آمد!!! ای اورشلیم! ای اورشلیم قاتل انبیاء و سنگسار کننده مرسلان خود چند مرتبه خواستم فرزندان تو را جمع کنم!!! مثل مرغی که جوجه های خود را زیر بال جمع میکند و نخواستی!!! اینک خانه شما برای شما ویران گذارده میشود!!! زیرا که بشمامی گویم: از این پس مرا نخواهید دید تابگوئید! مبارک است او که بنام خداوند می آید!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل متی باب بیست و سیم آیات از ۱ تا ۳۹)

وای بر شما ای فریسیان که صدرکنایس!!! و سلام در بازارها را دوست می دارید!
ای وای بر شما ایکاتبان ریاءکار! زیرا که قبورهای پنهان شده هستید!!! که مردم
بر آنها راه میروند و نمیدانند!!! آنگاه یکی از فقهاء جواب داده! گفت: ای معلّم بدین
سخنان ما را نیز سرزنش میکنی؟! گفت: وای بر شما نیز ای فقهاء زیرا که بارهای
گران را بر مردم مینهد! و خود بر آن بارها یک انگشت خود را نمیگذارید!!! وای
بر شما که مقابر انبیاء را بناء میکنید! و پدران شما ایشان را کشتند!!! پس بکارهای
پدران خود شهادت میدهید!!! و از آنها راضی هستید! زیرا که آنها ایشان را کشتند
و شما قبرهای ایشان را میسازید!!! از این رو خدا فرموده است! که بسوی ایشان
انبیاء و رسولان را میفرستیم! و بعضی از ایشان را خواهند کشت و بر بعضی جفاء
خواهند کرد!!! تا انتقام خون جمیع انبیاء!!! که از بنای عالم شد از این طبقه گرفته
شود!!! از خون هابیل تا خون زکریّا که در میان مذبح و هیكل کشته شدند!!! بلی
بشما میگویم: که از این فرقه بازخواست خواهد شد! وای بر شما ای فقهاء زیرا که
کلید معرفت را برداشته اید!!! که خود داخل نمیشوید! و داخل شوندگان را هم مانع
میشوید! و چون او این سخنان را بدیشان میگفت: کاتبان و فریسیان با او بشدت در
آویختند! و در مطالب بسیار سؤال ها از او میکردند! و در کمین او میبودند تا آنکه از
زبان او گرفته مدّعی شوند! (کتاب مقدّس عهد جدید؛ انجیل متی باب بیست و سوم آیات از ۱ تا ۳۹)
پس موسی از این سخن فرار کرده در زمین مدیان غریب اختیار کرد! و دوپسر آورد
! و چون چهل سال گذشت! در بیابان کوه سینا فرشته خداوند در شعله آتش از بوتّه
بوی ظاهر شد!!! موسی چون این را دید از آن رؤیا عجب شد!!! و چون نزدیک
آمد تا نظر کند! خطاب از خداوند بوی رسید!!! که من خدای پدران خدای ابراهیم
! و خدای اسحق! و خدای یعقوب! آنگاه موسی بلرزه در آمد جسارت نکرد که نظر
کند! خداوند بوی گفت: نعلین از پایهایت بیرون کن زیرا جایی که ایستاده ای زمین
مقدّس است!!! همانا مشقت قوم خود را که در مصرند دیدم! و ناله ایشان را شنیدم!!!

و برای رهنایدن نزول فرمودم: الحال بیا تاتو رابه مصر بفرستم! همانا موسی را که ردّ کرده گفتند: که تورا حاکم و داور ساخت! خدا حاکم و نجات دهنده مقرر فرموده! بدست فرشته که در بوته بر وی ظاهر شد فرستاده! و با معجزات و آیاتی که مدتّ چهل سال در زمین! مصر و بحر قلزم و صحراء بظهور می آورد!!! ایشان را بیرون آورد! این همان موسی است که ببنی اسرائیل گفت: **خدا نبیّ مثل از میان برادران شامبعوث خواهد کرد سخن او را بشنوید!** همین است آنکه در جماعت در صحراء با آن فرشته که در کوه سینا بود سخن!!! می گفت: و با پدران ما بود و کلمات زنده! را یافت تا بما برساند! بدو سخن می گفت: که پدران ما نخواستند او را مطیع بشوند! بلکه او را ردّ کرده دل های خود را بسوی مصر گردانیدند! و بهارون گفتند: برای ما خدایان بساز که در پیش بخرامند!!! زیرا این موسی که ما را از زمین مصر بر آورده نمیدانیم او را چه شده است! **پس در آن ایام گوساله ساختند!!! و بدان بُت قربانی گذرانیده! اعمال دستهای خودشادی کردند!** از این جهت روگردانیده ایشان را و گذاشت تاجنود آسمان را پرستش کنند! چنانکه در صحف انبیاء نوشته شده است! که ای خاندان اسرائیل آیامدّت چهل سال در بیابان برای من قربانیهای و هدایای گذرانیدند؟! **خیمه ملوک و کوکب خدای خودمان را برداشتید؟! یعنی اصنامی راکه ساختید تا آنها را عبادت کنید!!!** پس شما را بدان طرف بابل منتقل سازم!!! و خیمه شهادت با پدران ما! در صحراء بود چنانکه امر فرموده بموسی گفت: آن را مطابق نمونه که دیده بساز! و آنها اجداد مایافته همراه یوشع در آوردند! به ملک امتهائی که خدا آنها را از پیش روی پدران ما بیرون افکند تا ایام داود!!! که او در حضور خدا مستفیض گشت و درخواست نمود! که خود مسکنی برای یعقوب پیدا نماید! اما سلیمان برای او خانه بساخت! ولیکن حضرت اعلی در خانه های مصنوع!!! دستها ساکن نمیشود!!! چنانکه گفته است!!! که خداوند میگوید: آسمان کرسی من است و زمین پای انداز من!!! چه خانه برای من بناء میکنید و محلّ آرامیدن من کجا است؟! مگر دست من جمیع این چیزها را نیافرید؟! ای گردنکشان و بدل و گوش

نامختونید!!! شما پیوسته با روح القدس مقاومت میکنید!!! چنانکه پدران شما هم چنین شماست!!! کیست از انبیاء که پدران شما بدو جفاء نکردند؟؟؟!!! و آنانی را کشتند که آمدن عادل که شما بالفعل تسلیم کنندگان و قاتلان او شدید پیش اخبار نمودید!!! که بتوسط فرشتگان شریعت را یافته آن را حفظ نکردید! این را شنیدند دلریش شده بروی دندانهای خود را فشردند! اما او از روح القدس پُر بوده بسوی آسمان نگر است و جلالی خدارا دید! و عیسی را دست راست خدا ایستاده! و گفت: اینک آسمان را گشاده و پسرانسان را بدست راست خدا ایستاده می بینم!!! آنگاه با آواز بلند فریاد برکشیدند! و گوشهای خود را گرفته بیکدل بر او حمله کردند! و از شهر بیرون کشیدن!!! سنگسارش کردند! و شاهدان جامه های خود را نزد پایهای جوانیکه سؤلس نام داشت گذاردند! و چون استیفان را سنگسار میکردند دعا نمود گفت: ای عیسی خداوند روح مرا بپذیر! پس زانورده با آواز بلند ندا در داد! خداوندا این گناه را بر اینها مگیر این را گفت: و خوابید!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید از کتاب اعمال رسولان باب هفتم آیات از ۲۹ تا ۶۰)

زیرا که ای برادران شما اقتدا نمودید! بکلیساهای که در یهودیه را مسیح میباشد زیرا که شما از قوم خود همان زحمات را کشیدید!!! که ایشان نیز از یهود دیدند! که عیسی خداوند و انبیاء خود را کشیدند! و بر ما جفاء کردند و ایشان ناپسند خدا هستند! مخالف جمیع مردم ما را منع میکنند!!! که به امتهای سخن بگوئیم: تا نجات یابند و همیشه گناهان خود را لبریز میکنند! اما امتهای غضب ایشان افزون گرفته است لیکن ما ای برادران چون بقدر ساعتی در ظاهر نه در دل از شما مهجور شدیم!!! به اشتیاق بسیار زیاد کوشیدیم تا روی شما را ببینیم!!! و بدین جهت یک و دو دفعه خواستیم نزد شما بیائیم!!! یعنی من پولس لیکن شیطان ما را نگذاشت!!! زیرا که چیست امید و سرور؟؟؟! و تاج فخر ما گر شما نیستید؟؟؟! در حضور خداوند ما عیسی در هنگام ظهور؟! و زیرا که شما جلال و خوشی ما هستید؟؟?!!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ رساله اول پولس رسول یستالونیکیان باب دوم آیات از ۱۴ تا ۲۰)

و چون عیسی همه این سخنان را به اتمام رسانید!!! بشاگردان خود گفت: میدانید که بعد از دو روز عید فصح است که پسرانسان تسلیم کرده میشود!!! تا مصلوب گردد!!! آنگاه رؤساء کهنه و کاتبان و مشایخ قوم! در دیوان خانه رئیس کهنه که قیافا نام داشت جمع شده!!! شوری نمودند! تا عیسی را بحیله گرفتار ساخته بقتل رسانند اما گفتند: نه در وقت عید مباد آشوبی در قوم برپا شود!!! و هنگامیکه عیسی در بیت عنیاد رخانه شمعون ابرص شد! زنی باشیسه عطر گران بها نزد او آمد چون بنشست! بر سر وی ریخت!!! اما شاگردانش چون این را دیدند غضب نمودند!!! گفتند: چرا این اسراف شده است!!! زیرا که ممکن بود این عطر بقیمت گران فروخته و بفقراء داده شود!!! عیسی این را درک کرده برایشان!!! گفت: چرا بدین زن زحمت میدهید!!! زیرا که کار نیکو بمن کرده است!!! زیرا که فقراء را همیشه در نزد خود دارید اما مرا همیشه ندارید!!! و این زن که این عطر را بر بدنم مالید بجهت دفن من کرده است!!! هر آینه بشما میگویم: هر جایی که در تمام عالم بدین موعظه کرده شود!!! کار این زن نیز بجهت یادگار او مذکور خواهد شد!!! آنگاه یکی از آن دوازده!!! که بیهودا اسخریوطی مسمی بود! بنزد رؤسای کهنه رفته گفت: مرا چند خواهی داد!!! تا او را بشما تسلیم کنم!!! ایشان سی پاره نقره باوی قرار دادند!!! و از آن وقت در صد فرصت شد تا او را بدیشان تسلیم کند!!! پس در در روز اول عید فطیر!!! شاگردانش نزد عیسی آمده گفتند: کجا می خواهی فصح را را آماده کنیم تا بخوری!!! گفت: در شهر نزد فلان کس رفته بدو بگوئید: استاد میگوید: وقت من نزدیک شد! و فصح را در خانه تو باشاگردان خود صرف مینمایم! شاگردان چنانکه عیسی ایشان را امر فرمودند! و فصح را مهیا ساختند!!! و چون وقت شام رسید بآن دوازده بنشست! و وقتیکه ایشان غذا می خوردند!!! او گفت: هر آینه بشما میگویم: یکی از شما مرا تسلیم میکند! پس بی نهایت غمگین شده! هر یکی از ایشان بوی سخنی آغاز کردند!!! که خداوند ایمن آنم؟؟!! او در جواب گفت: آنکه دست بامن در قاب!!! فرو برد همان کس مرا!!! تسلیم می نماید!!! هر آینه پسرانسان بهمان

طور که در باره او مکتوبست رحلت میکند!!! لیکن وای بر آن کسی که پسرانسان بدست او تسلیم شود! آن شخص را بهتر بودی! که تولد نیافتی!!! و یهودا که تسلیم کننده وی به او بجواب گفت: ای استاد آیا من آم؟؟؟؟!!! بوی گفت: تو خود گفتی: و گفتی: و چون ایشان غذا می خوردند عیسی نان را!!! گرفته برکت داد!!! و پاره کرده بشاگردان داد و گفت: بگیرید و بخورید این است بدن من! و پیاله را گرفته شکر نمود و بدیشان داده!!! گفت: همه شما از این بنوشید!!! زیرا که این است خون من است! در عهد جدید که در راه بسیاری بجهت آمرزش گناهان!!! ریخته میشود! اما میگویم: که بعد از این میوه مؤدیگر نخواهید نوشید!!! تا روزی که آن را بشما! در ملکوت پدر خود تازه می آشامم! برای تسبیح خوانند و بسوی کوه زیتون روانه شدند! آنگاه عیسی بدیشان گفت: همه شما امشب درباره من لغزش میخورید! چنانکه مکتوب است که شبان را میزنند و گوسفندان گله پراکنده میشود!!! لیکن بعد از برخاستن پیش شما بجلیل خواهم رفت!!! پطرس در جواب وی گفت: هرگاه در باره تو همه لغزش خورند!!! من هرگز نخواهم خورد!!! عیسی بوی گفت: هر آینه بتو میگویم: که در همین شب قبل از بانگ زدن خروس! سه مرتبه مرا انکار خواهی کرد!!! پطرس بوی گفت: هرگاه مردنم با تو لازم شود هرگز تو را انکار نمیکنم!!! و سایر شاگردان نیز همچنان گفتند: آنگاه عیسی با!!! ایشان بموضعی که مسمی جسمانی بود رسیدند!!! بشاگردان خود گفت: در اینجا بنشینید تا من رفته در آنجا دعا کنم! پطرس و دو پسر زبدی را برداشته بی نهایت غمگین و دردناک شد!!! بدیشان گفت: نفس من از غایت الم مشرف بموت شده است!!! در اینجا مانده بامن بیدار باشید!!! پس قدری پیش رفته بروی در افتاده و دعا کرده!!! گفت: ای پدر من اگر ممکن باشد این پیاله از من بگذرد!!! لیکن نبخواهش من بلکه با اراده تو!!! و نزد شاگردان خود آمد!!! ایشان را در خواب یافت و پطرس گفت: آیا همچنین نمی توانستید یک ساعت بامن بیدار باشید؟؟؟؟!!! دعا کنید تا در معرض آزمایش نیفتید؟! روح راغب است لیکن جسم ناتوان!!! و بار دیگر رفته باز دعا نموده گفت: ای پدر من اگر ممکن نباشد که پیاله بودن نوشیدن! از من بگذرد آنچه اراده توست بشود

وباز آمد ایشان را در خواب یافت زیرا که چشمان ایشان سنگین شده بود!!! پس ایشان را ترک کرده رفت و دفعه سوم بهمان کلام دعا کرد!!! آنگاه نزد شاگردان آمد بدیشان گفت: مابقی را بخوابید و استراحت کنید!!! الحال ساعت رسیده است که پسرانسان بدست گناهکاران تسلیم شود!!! برخیزید برویم اینک تسلیم کننده من نزدیک است!!! و هنوز سخن میگفت: که ناگاه یهودا که یکی از آن دوازده بود!!! با جمعی کثیر بر شمشیرها و چوبها از جانب رؤساء کهنه و مشایخ قوم آمدند!!! و تسلیم کننده او بدیشان نشانی داده گفته بود!!! هر که را بوسه زنم همان است اورا محکم بگیرید! در این ساعت نزد عیسی آمد گفت: سلام یاسیدی!!! عیسی وی را گفت: ای رفیق از بهر چه آمدی؟! آنگاه پیش آمده دست بر عیسی انداخته اورا گرفتند! و ناگاه یکی از همراهان عیسی دست آورده شمشیر خود را از غلاف کشیده! بغلام رئیس کهنه زد و گوشش را از تن جدا کرد!!! آنگاه عیسی وی را گفت: شمشیر خود را!!! غلاف کن!!! زیرا که هر که شمشیر گیرد! بشمشیر هلاک گردد!!! آیا گمان میبری که نمیتوانم الحال از پدر خود درخواست کنم؟! که زیاد از دوازده فوج از ملائکه برای من حاضر سازد؟! لیکن در این صورت کتب چگونه تمام گردد؟! که همچنین تیغها و چوبها بیرون آمدند؟! هر روز با شما در هیکل تعلیم میدادم و مرا نگرفتید؟! لیکن این همه شد کتب انبیاء تمام شود؟! در آن وقت جمیع شاگردان اورا وا گذارند بگریختند آنانیکه عیسی را گرفته بودند!!! اورا نزد قیافا رئیس کهنه جانی که کاتبان!!! و مشایخ جمع بودند بردند!!! اما پطرس از دور در عقب او آمده بخانه رئیس کهنه در آمد! و با خادمان بنشست تا انجام کار را ببیند!!! پس رؤسای کهنه و مشایخ و تمامی اهل شوری!!! طلب شهادت دروغ بر عیسی میکردند تا اورا بقتل برسانند!!! لیکن نیافتند با آنکه چند شاهد دروغ پیش آمدند هیچ نیافتند!!! آخر دونفر آمده!! گفتند: این شخص گفت: میتوانم هیکل خدا را خراب کنم و درسه روزش بناء نمایم!!! رئیس کهنه بر خاسته بدو گفت: هیچ جواب نمیدی؟! چیست که اینها بر تو شهادت میدهند اما عیسی خاموش ماند تا!!! آنکه رئیس کهنه روی بوی کرد گفت: تو را بخدای حی

قسم میدهم مار ابگو: که مسیح پسر خدا هستی یانه؟! عیسی بوی گفت: تو گفتی: و نیز شمارا!!! میگویم: بعد از این پسر انسان را خواهید دید!!! که بردست راست قوت نشسته بر ابرهای آسمان می آید!!! در این ساعت رئیس گهنه رخت خود را چاک زده گفت: کفر گفت: دیگر ما را چه حاجت بشهود است؟! الحال کفرش را شنیدید چه مصلحت می بینید؟ ایشان در جواب گفتند: مستوجب قتل است! آنگاه آب دهان بر رویش انداخته او را طپانچه میزدند! و بعضی سیلی زده می گفتند: ای مسیح بمانبوت کن کیست که تورا زده است؟ اما پطرس در ایوان بیرون نشسته بود که ناگاه کنیز کی نزد وی آمده گفت: تو هم با عیسی جلیلی بودی؟! او بروی همه را انکار نمود گفت: نمیدانم چه میگوئی: و چون بدهلز بیرون رفت کنیزی دیگر او را دیده بحاضرین!!! گفت: این شخص نیز از عیسی ناصری است!!! باز هم قسم خورد انکار نمود که این مرد رانمی شناسم!!! بعد از چندی آنانیکه ایستاده بودند! پیش آمده پطرس را گفتند: البته تو هم از اینها هستی؟ زیرا که لهجه تو بر تو دلالت مینماید! پس آغاز کن کردن و قسم خوردن نمود!!! که این شخص را نمیشناسم و در این ساعت خروس بانگ زد! آنگاه پطرس سخن عیسی را بیاد آورد!!! گفته بود که قبل از بانگ زدن خروس سه مرتبه مرا انکار خواهی کرد! پس بیرون رفته زار زار بگریست!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ و از انجیل متی باب بیست و ششم آیات از ۱ تا ۷۵)

و چون صبح شده همه رؤسای گهنه و مشایخ قوم! بر عیسی شوری کردند که او را هلاک سازند! پس او را ببند نهادند بر دندوبه پنطیوس پیلطس والی تسلیم نمودند در آن هنگام چون یهودا تسلیم کننده او دید که بر او فتوی دادند پشیمان شده! پاره نقره را بر رؤسای گهنه! مشایخ رد کرده گفت: گناه کردم که خون بیگناه را تسلیم نمودم! گفتند: ما را چه خود دانی پس آن نقره را در هیكل انداخته روانه شد و رفته خود را خفه نمود!!! اما رؤسای گهنه نقره را برداشته! گفتند: انداختن این در بیت المال جایز نیست!!! زیرا که خونبها است!!! پس شوری نموده به آن مبلغ مزرعه

کوزه گرا بجهت مقبره غرباء خریدند! از آن جهت آن مزرعه تا امروز تجق الدم مشهور است!!! آنگاه سخنی که بزبان ارمیاء نبی گفته شده بود تمام گشت!!! که سی پاره را برداشتند!!! و بهای آن را قیمت کرده شده که!!! بعضی از بنی اسرائیل بر او قیمت گذاردند! و آنها را بجهت مزرعه گرداند چنانکه خداوند بمن گفت: اما عیسی در حضور والی ایستاده بود پس والی از او پرسیده گفت: آیاتو پادشاه یهود هستی؟؟؟! عیسی بدو گفت: تو میگویی و چون رؤسای کهنه و مشایخ از او شکایت میکردند هیچ جواب نمیداد! پس پلاطس وی را گفت: نمیشنوی چه قدر بر تو شهادت میدهند؟؟؟! اما در جواب وی یک سخن هم نگفت: بقسمی که والی بسیار متعجب شد و در هر عیدی رسم والی این بود! که یک زندانی هر که میخواستند برای جماعت آزاد میکرد!!! در آن وقت زندانی مشهور برابا نام داشتند!!! پس چون مردم جمع شدند پلاطس ایشان را گفت: که را میخواهید؟؟؟! برای شما آزاد کنم؟؟؟! برابارا یا عیسی مشهور بمسیح را؟! زیرا که دانست او را برای حسد تسلیم کرده بودند! چون بر مسندنشسته بود!!! از نش نزد او فرستاده گفت: با این مرد عادل تو را کاری نباشد زیرا که امروز در خواب درباره از او زحمت بسیار بردم!!! اما رؤسای کهنه و مشایخ قوم را بر این ترغیب نمودند که برابارا بخوانید! و عیسی را هلاک سازید! پس والی بدیشان متوجه شده گفت: کدام یکی از این دو نفر را میخواهید؟! بجهت شمارها کنم گفتند: برابارا!!! پلاطس بدیشان گفت: پس با عیسی مشهور به مسیح چه کنم؟! جمعاً گفتند: مصلوب شود والی گفت: چرا چه بدی کرده است؟! ایشان بیشتر فریاد زده گفتند: مصلوب شود!!! چون پلاطس دید که ثمری ندارد بلکه آشوب زیادی گردد! آب طلبید پیش مردم دست خود را شسته گفت: من مبری هستم از خون این شخص عادل شما ببینید! تمام قوم در جواب گفتند: خون او بر ما و فرزندان ما باد! برابارا برای ایشان آزاد کرد! عیسی را تا زیانه زده سپرد تا او را مصلوب کنند! آنگاه سپاهیان والی عیسی را بدیوان خانه تمامی فوج را گردوی فراهم آوردند! و او را عریان ساخته لباس قرمزی بدو پوشانیدند! و تاجی از خار یافته بر سرش گذاردند! و نی بدست راست او دادند! و پیش روی او زانو زده استهزاء کنان او را گفتند: سلام! ای پادشاه یهود! آب دهن بروی افکنده! نی را گرفته بر سرش میزند! بعد از آنکه

اورا استهزاء کرده بودند! آن لباس را از وی کنده جامه خودش را پوشانیده اند!
 و او را بجهت مصلوب نمودن بیرون بردند! چون بیرون میرفتند شخص قیروانی
 شمعون نام را یافته او را بجهت بردن صلیب مجبور کردند! و چون به موضعی که
 بجلجتا یعنی کاسه سرمسمی بود رسیدند!!! سرکه ممزوج بمربجهت نوشیدن بدو
 دادند؛ اما چون چشید نخواست که بنوشد!!! او را مصلوب نموده رخت او را تقسیم
 نمودند!!! و بر آنها قرعه انداختند! تا آنچه بزبان نبی گفته شده بود تمام شود!!! که
 رخت مراد میان خود تقسیم کردند! و بر لباس من قرعه انداختند!!! و در آنجا بنگاه
 بابی او نشستند!!! و تقصیرنامه او را نوشته بالای سرش آویختند!!! که این است
 عیسی پادشاه یهود!!! آنگاه دو دزد یکی بردست راست! و دیگری برچپش باوی
 مصلوب شدند! و راه گذران سرهای خود را جنبانیده کفرگویان! میگفتند: ای کسی
 که هیکل را خراب کرده و درسه روز آن را میسازی خود را نجات بده! **اگر پسر خدا**
هستی از صلیب فرود بیا! همچنین رؤسای کهنه با کاتبان و مشایخ استهزاءکنان
 میگفتند: دیگران رانجات دادا ما نمیتواند خود را برهاند! اگر پادشاه اسرائیل است
 اکنون از صلیب فرود آید تا بدو ایمان آوریم!!! بر خداتو گل نمود او رانجات بدهد! اگر
 بدو رغبت دارد! زیرا که گفت: پسر خدا هستم! و همچنین آن دو دزد نیز باوی مصلوب
 بودند او را دشنام میدادند! و از ساعت ششم تا ساعت نهم تاریکی تمام زمین را فرو
 گرفت!!! و نزدیک به ساعت نهم عیسی با آواز بلند صدازده!!! گفت: ایلی ایلی لَمَا
 سَبَقْتَنِي! یعنی الهی الهی مرا چرا ترک کردی؟! اما بعضی از حاضرین چون این را
 شنیدند گفتند: که او الیاس را میخواند!!! در ساعت یک از مردان دویده اسفنجی را
 گرفت! و آن را پراز سرکه کرده بر سرنی گذارد و نزد او بلند کرد تا بنوشد! و دیگران
 گفتند: بگذار تا ببینیم که آیا الیاس می آید او را برهاند؟! عیسی باز با آواز بلند صیحه
 زده روح را تسلیم نمود! که ناگاه پرده هیکل از سرتاپا دوپاره شد و زمین متزلزل
 و سنگها شکافته گردید! قبرها گشاده شد! و بسیاری از بدنهای مقدسین که آرامیده
 بودند برخاستند! و بعد از برخاستن وی از قبور برآمده بشهر مقدس رفتند و بر بسیاری

ظاهر شدند!!! اما یوزباشی و رفقایش که عیسی را نگاهبانی میکردند چون زلزله و این وقایع را دیدند! بی نهایت ترسان شدند گفتند: فی الواقع این شخص پسر خدا بود!!! (از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل متی باب بیست و هفتم آیات از ۱ تا ۵۵)

باز خواهد گفت: شما را نمی شناسم از کجا هستید؟! ای همه بدکاران از من دور شوید!!! در آنجا گریه و فشار دندان خواهد بود!!! چون ابراهیم و اسحق و یعقوب و جمیع انبیاء را! در ملکوت خدا ببینید و خود را بیرون افکنده یابید! و از مشرق و مغرب و شمال و جنوب آمده در ملکوت خدا خواهند نشست! اینک آخرین هستند! که اولین خواهند! و اولین که آخرین خواهد بود! در همان روز چند نفر از فریسیان آمده بوی گفتند: دور شو و از اینجا برو زیرا که هیرویس می خواهد تو را بقتل رساند!!! ایشان را گفت: بروید و به آن روباه بگوئید: اینک امروز و فردا دیوهارا!!! بیرون میکنم!!! و مریضان را صحت میبخشم و در روز سوم کامل خواهم شد!!! لیکن امروز و فردا پس فردا راه میروم! زیرا که محال است نبی بیرون از اورشلیم کشته شود!!! ای اورشلیم! ای اورشلیم قاتل و سنگسار کننده مرسلین خود هستی! چند کرات خواستم اطفال تو را جمع کنم چنانکه مرغ جوجه های خویش را زیر بالهای خود میگیرد و نخواستید! اینک خانه شما برای شما خراب گذاشته میشود!!! و بشما میگویم: که مرا دیگر نخواهید دید تا وقتی آید بگوئید: مبارک باد او بنام خداوند می آید!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ و از انجیل لوقا باب سیزدهم آیات از ۲۷ تا ۳۵)

سپس تمام جماعت ایشان برخاسته او را نزد پیلطس بردند! و شکایت بر او آغاز نموده گفتند: این شخص را یافته اینک قوم را!!! گمراه میکند! و از جزیه دادن! بقیصر رامنع مینماید و میگوید: که خود مسیح و پادشاه است!!! پس پیلطس از او پرسیده گفت: آیا تو پادشاه یهود هستی؟ او در جواب او گفت: تو میگوئی: آنگاه پیلطس بر رؤسای کهنه و جمع قوم!!! گفت: که در این شخص هیچ عیبی نمیابم!!! ایشان شدت نموده گفتند: که قوم را می شوراند و در تمام یهودیه از جلیل گرفته تا به اینجا

تعلیم میدهد!!! چون پیلطس نام جلیل را شنید پرسید که آیا این مرد جلیلی است؟! و چون مطلع شد و از ولایت هیروودیس است! اورا نزد وی فرستاد چونکه هیروودیس در آن ایام در اورشلیم بود؛ اما هیروودیس چون عیسی را دید بغایت شاد گردید! زیرا که مدت مدیدی بود که میخواست اورا ببیند!!! چونکه شهرت اورا بسیار شنیده بود و مترصد میبود که معجزه از او ببیند!!! پس چیزهای بسیار از او پرسید لیکن او بوی هیچ جواب نداد!!! رؤسای گهته و کاتبان حاضر شده بشدت تمام!!! بروی شکایت مینمودند! پس هیروودیس بالشگریان خود اورا افتضاح نمود و استهزاء کرده! لباس فاخر بر او پوشانید و نزد پیلطس اورا باز فرستاد! و در همان روز پیلطس و هیروودیس! بایکدیگر مصالحه کردند! زیرا که قبلاً از آن در میانشان عداوتی بود! پس پیلطس رؤسای گهته و سرداران و قوم را!!! خوانده به ایشان گفت: این مرد را نزد من آورید که قوم را میثوراند! الحال من اورا در حضور شما امتحان کردم! و از آنچه بر او اداء میکنید اثری نیافتم! و نه هیروودیس هم زیرا که شمار نزد او فرستادم؛ و اینک هیچ عمل مستوجب قتل از او صادر نشده است! اورا تنبیه نموده رها خواهم کرد! زیرا که اورا لازم بود که هر عیدی کسی را برای ایشان آزاد کند!!! آنگاه همه فریاد کرده گفتند: اورا هلاک کن برابرًا برای ما رها فرما! و او شخصی بود که بسبب شورش! و قتلیکه در شهر واقع شده بود در زندان افکنده شده بود!!! باز پیلطس ندا کرده خواست که عیسی را رها کند؟ لیکن ایشان فریاد زده گفتند: اورا مصلوب کن باز هم به ایشان گفت: چرا چه بدی کرده است؟! من در او هیچ علت قتل نیافتم پس اورا گناه کار نیافتم پس اورا تأدیب کرده رها میکنم! اما ایشان بصدای بلند مبالغه نموده خواستند!!! که مصلوب شود و آوازهای ایشان و رؤسای گهته غالب آمد!!! پس پیلطس فرمود که بر حسب خواهش ایشان بشود!!! و آن کس را که سبب شورش و قتل در زندان حبس بود که خواستند رها کرد! و عیسی را بخواهش ایشان سپرد! و چون اورا میبردند شمعون قیروانی که از صحراء می آمد! مجبور ساخته که صلیب را بر او گذارند تا از عقب عیسی ببرد! و گروهی بسیار از قوم! و زنانی که سینه میزدند

و برای اوماتم می‌گرفتند در عقب او افتادند!!! آنگاه عیسی بسوی آن زنان روی گردانیده گفت: ای دختران اورشلیم برای من گریه مکنید بلکه بجهت خود! و اولاد خود ماتم کنید! زیرا اینک ایامی می آید که در آنها خواهند گفت: خوشبحال نازادگان و رحم هائیکه بار نیاوردند!!! پستانهائی که شیر ندارند!!! و در این هنگام بکوهها خواهند گفت: بر ما بیفتید و بتلها که ما را پنهان کنید! زیرا که اگر این کار بچوب ترکردند! بچوب خشک چه خواهد شد! و دو نفر دیگر را که خطا کار بودند نیز آوردند تا ایشان را با او بکشند! و چون بموضعی که آن را کاسه سر میگویند رسیدند او را در آنجا با آن دو خطا کار! یکی بر طرف راست و دیگر بر چپ او مصلوب کردند! عیسی گفت: ای پدر اینهارا بیامرز زیرا که نمیداند چه میکنند! پس جامه های او را تقسیم کردند و قرعه افکندند!!! و گروهی بتماشای ایستاده بودند!!! و بزرگان نیز تمسخرکنان به ایشان میگفتند: دیگران رانجات داد پس اگر او مسیح! برگزیده خدای باشد خود را بر هاند! و سپاهیان نیز او را استهزا می کردند و آمده او را سر که میدادند! میگفتند: اگر تو پادشاه یهود هستی خود را نجات بده! و بر سر او تقصیرنامه نوشتند، بخط یونانی و رومی و عبرانی که این است پادشاه یهود!!! و یکی از آن دو خطا کار مصلوب بروی کفر گفت: که اگر تو مسیح هستی خود و ما را برهان! اما دیگری او را نهیب کرد و گفت: مگر تو از خدانی ترسی چونکه تو نیز زیر همین حکمی! و اما ما به انصاف چونکه جزای اعمال خود را یافته ایم! لیکن این شخص هیچ کار بیجان کرده است! پس به عیسی گفت: ای خداوند ما را بیا دور هنگامیکه بملکوت خودائی عیسی بوی گفت: هر آینه بتو میگویم: امروز با من در فردوس خواهی بود! و تخمیناً از ساعت نهم ظلمت! تمامی روی زمین را فرو گرفت! و خورشید تاریک گشت و پرده از میان بشکافت و عیسی با آواز بلند صدازده گفت: ای پدر بدستهای تو روح خود را میسپارم! اینرا به گفت: و جان را تسلیم کرد! اما یوزباشی چون این ماجرا را دید خدارا تمجید کرد و گفت: در حقیقت این صالح بود! و تمامی گروه که برای این تماشا جمع شده بودند چون

این وقایع را دیدند سینه زنان برگشتند! و جمیع آشنایان از او دور ایستاده بودند! با زنانیکه از جلیل اورا متابعت کرده بودند! تا مور را بیشتر ببینند! و اینک یوسف نام از اهل شوری که مردنیکو و صالح بود! که رای و عمل ایشان مشارکت نداشت! و از اهل رامه بلدی از بلاد یهود بود! و انتظار ملکوت خدارا میکشید! نزدیک پیلطس آمده جسد عیسی را طلب نمود! پس آن را پائین آورده در کتان پیچیده و در قبری که از سنگ تراشیده بود! و هیچکس ابدأ در آن دفن نشده بود سپرد! و آن روز تهیه بود!!! و سبت نزدیک میشد! زنانی که در عقب او از جلیل آمده بودند! از پی او رفتند و قبر و چگونگی گذاشته شدن بدن او را دیدند! پس برگشته حنوط و عطریات مهیا ساختند! و روز سبت را بحسب حکم آرام گرفتند!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ و از انجیلی لوقا باب بیست و سوم آیات از ۱ تا ۵۶)

اما عیسی بکوه زیتون رفت و بامدادان باز بهیکل آمد!!! و چون جمیع قوم نزد او آمدند نشسته ایشان را تعلیم میداد! که ناگاه کاتبان و فریسیان!!! زنی را که در زنا گرفته شده بود پیش او آوردند و او را در میان برپا داشته!!! بدو گفتند: ای استاد این زن در عین عمل زنا گرفته شد! و موسی در تورات بما حکم کرده است که چنین زنان سنگسار شود! اما تو چه میگویی؟! و این را از روی امتحان بدو گفتند: تا ادعا برپا کنند! اما عیسی سر بر زیر افکند به انگشت خود بر روی زمین مینوشت!!! و چون در سؤال کردن الحاج می نمودند!!! راست شده بدیشان گفت: هر که از شما گناه ندارد اول او سنگ اندازد! باز سر بر زیر افکنده بر زمین مینوشت! پس چون شنیدند از ضمیر خود ملزم شده از مشایخ شروع کرده به آخریک یک بیرون رفتند! و عیسی بتنهایی باقی ماند با آن زن که در میان ایستاده بود!!! پس چون عیسی راست شد و غیر از زن کسی راندید!!! بدو گفت: ای زن آن مدعیان تو کجا رفتند آیا هیچکس بر تو فتوی نداد؟؟!! گفت: هیچکس ای آقا عیسی گفت: من هم بر تو فتوی نمیدهم! برو دیگر گناه مکن!!! پس عیسی باز بدیشان خطاب کرده گفت: من نور عالم هستم! کسیکه مرا تابعیت کند در ظلمت سالک نشود نور حیات را مییابد! آنگاه فریسیان بدو گفتند: تو بر

خود شهادت میدهی وشهادت تو راست نیست!!! در جواب ایشان گفت: هر چند من بر خود شهادت میدهم شهادت من راست است!!! زیرا که میدانم از کجا آمده ام و بکجا خواهم رفت! لیکن شما نمیدانید از کجا آمده ام و بکجا میروم!!! شما بر حسب جسم حکم میکنید! اما من بر هیچکس حکم نمیکنم!!! و اگر من حکم دهم حکم من راست است! از آن رو که تنهانیستم بلکه من! پدری که مرا فرستاده! و نیز در شریعت شما مکتوب است که شهادت دو کس حق است! من بر خود شهادت میدهم و پدری که مرا فرستاد نیز برای من شهادت میدهد! بدو گفتند: پدر تو کجا است؟ عیسی جواب داد که نه مرا میشناسید! و پدر مرا! هر گاه مرا میشناختید! و این کلام را در بیت المال گفت: و وقتی که در هیکل تعلیم میداد!!! و هیچکس او را نگرفت!!! بجهت آنکه ساعت هنوز نرسیده بود! عیسی بدیشان گفت: من میروم! مرا طلب خواهید کرد! و در گناهان خود خواهید مرد! و جایی که من میروم شما نمیتوانید آمده! یهودیان گفتند: آیا راه قتل خود را دارید؟ که میگوید: بجای خواهم رفت که شما نمیتوانید آمد! ایشان را گفت: شما از پائین میباشید اما من از بالا!!! شما از این جهان هستید لیکن من از این جهان نیستم! از این جهت شما گفتم: که در گناه خود خواهید مرد!!! زیرا که اگر باور نکنید که من هستم در گناه خود خواهید مرد!!! بدو گفتند: تو کیستی؟! عیسی بدیشان گفت: همانم که از اول بشما گفتم: من چیزهای بسیار دارم که درباره شما بگویم: و حکم کنم لکن آنکه مرا فرستاد حق است!!! و من از او شنیده ام!!! بجهان میگویم: نفهمیدند که بدیشان درباره پدر سخن میگویم: عیسی بدیشان گفت: وقتی که پسر انسان را بلند کردند آن وقت خواهید دانست که من هستم!!! و از خود کاری نمیکنم بلکه به آنچه پدرم مرا تعلیم داد تکلم میکنم!!! و او مرا فرستاد با من است و پدر مرا تنهانگذازده! زیرا که من همیشه کارهای پسندیده او را بجای آورم!!! چون این را گفت: بسیار بدو ایمان آوردند!!! پس یهودیانی که بدو ایمان آوردند گفت: اگر شما در کلام من بمانید فی الحقیقت شاگرد من خواهید شد!!! و حق را خواهید شناخت و حق شمار آزاد خواهد کرد! بدو جواب دادند که! ما اولاد ابراهیم میباشیم! و هرگز هیچکس

را غلام نبودیم پس چگونه تو می‌گویی که آزاد خواهید شد؟! عیسی در جواب ایشان گفت: آمین آمین بشمامی‌گویم: هر که گناه میکند غلام گناه است! و غلام همیشه در خانه نمی‌ماند اما پسر همیشه می‌ماند!!! پس اگر پسر شمارا آزاد کند در حقیقت آزاد خواهید بود! و میدانم که اولاد ابراهیم هستی لیکن می‌خواهید مرا بکشید! زیرا که کلام من در شما جای ندارد! من آنچه نزد پدر خود دیدم می‌گویم: و شما آنچه نزد پدر خود دیده اید می‌کنید!!! در جواب گفتند: که پدر ما ابراهیم است!!! عیسی بدیشان گفت: اگر اولاد ابراهیم می‌بودید اعمال ابراهیم بجای آورید!!! ولیکن می‌خواهید مرا بکشید و من شخصی هستم که باشما برآستی که از خدا شنیدم تکلم میکنم ابراهیم چنین نکرده! شما اعمال پدر خود را بجای آورید!!! بدو گفتند: که ما از زنا زائیده نشدیم! یک پدر داریم خدا می‌باشد! عیسی به ایشان گفت: اگر خدا پدر شما می‌بود دوست می‌داشتید! زیرا که که من از جانب خدا صادر شده آمدم!!! زیرا که من از پیش خود نیامدم بلکه او مرا فرستاده است! برای چه سخن مرا نمی‌فهمید!!! از آن جهت که کلام مرا نمی‌دانید بشنوید! شما از پدر خود ابلیس می‌باشید!!! و خواهشهای پدر خود را می‌خواهید به عمل آورید!!! و از اول قاتل بود و در راستی ثابت نمی‌باشد!!! از آن جهت که در او راستی نیست هرگاه بدروغ سخن می‌گوید: از خود می‌گوید: زیرا که دروغگو پدر دروغ‌گویان است! و اما من از این سبب راست می‌گویم: مرا باور نمی‌کنید!!! کیست از شما که مرا بگناه ملزم سازد پس اگر راست است چرا باور نمی‌کنید؟! کسیکه از خدا است کلام خدا را می‌شنود! و از این سبب شما نمی‌شنوید زیرا که از خدا نیستید! پس یهودیان در جواب او گفتند: آیا ما خوب نگفتیم: که تو سامری هستی و دیو داری؟؟ عیسی در جواب داد که من دیوندارم لکن پدر خود را حرمت میدارم!!! و شما مرا بی حرمت می‌سازید!!! من جلال خود را طالب نیستم کسی هست که می‌طلبد و داوری میکند!!! آمین آمین بشمامی‌گویم: اگر کسی کلام مرا حفظ کند موت راتا به ابد نخواهد دید! پس یهودان بدو گفتند: الان دانستیم که دیوداری ابراهیم انبیاء مُردند!!! و تو می‌گویی

اگر کسی کلام مرا حفظ کند موت راتابه ابد نخواهد دید! گفتند: آیاتواز پدر ما ابراهیم و انبیاء که مُردند بزرگتر هستی؟! خود را بزرگ میدانم؟! عیسی جواب داد اگر خود را جلال بدهم! جلال من چیزی نمیباشد! پدر من آن است که مرا جلال میبخشد! آنکه شما میگویند: خدای ما است! و او را نمیشناسید! اما من او را میشناسم! و اگر بگویم: او را نمیشناسم مثل شما دروغ گو میباشم! لیکن او را میشناسم و قول او را نگاه میدارم! پدر شما ابراهیم شادی کرد برای اینکه روز مرا ببیند! و دید و شادمان گردید! یهودیان بدو گفتند: هنوز پنجاه سال نداری و ابراهیم را دیدی؟! عیسی بدیشان گفت: آمین آمین بشما میگویم: که پیش از آنکه ابراهیم پیدا شود من هستم!!! آنگاه سنگهارا برداشتند تا او را سنگسار کنند! اما عیسی خود را مخفی ساخت! و از میان گذشته از هیکل بیرون شد و همچنین برفت! (از کتاب مقدس عهد جدید؛ از انجیل یوحنا باب هشتم آیه ۱ تا ۵۹)

ای غلاطیان بیفهم کیست که شمار افسون کرد تا راستی را اطاعت نکنید؟! که پیش چشمان شما عیسی مسیح مصلوب شده مبین کردید!!! فقط این را میخواهم از شما بفهمم! که روح را از شریعت یافته اید یا از خبر ایمان؟! آیا این قدر بیفهم هستید؟ که بروح شروع کرده الان بجسم کامل میشود! آیا این قدر زحمات را عبث کشید دید؟ اگر فی الحقیقت عبث باشد؟ پس آنکه روح را بشما عطاء میکند! و قوت در میان! بظهور می آورد آیا از اعمال شریعت یا از خبر ایمان میکند؟! چنانکه ابراهیم بخدا ایمان آورد!!! و برای او عدالت محسوب شد!!! پس آگاهید که در ایمان فرزندان ابراهیم هستید! و کتاب را چون پیش دیده اید که خدا امتها را از ایمان عادل خواهید شمرد! به ابراهیم بشارت داد که جمیع امتها از تو برکت خواهند یافت! بنابراین اهل ایمان با ابراهیم ایمان دارند برکت میابند!!! زیرا که جمیع آنانیکه از اعمال شریعت هستند زیر لعنت میباشند! زیرا که مکتوب است! هر که ثابت نماند! در تمام نوشتههای کتاب شریعت تا آنها را بجا آورد!!! اما واضح است که هیچ کس در حضور خدا از

شریعت عادل شمرده نمیشود! زیرا که عادل به ایمان زیست خواهد نمود! شریعت از ایمان نیست؟! بلکه به آنها عمل میکند در آنها زیست خواهد نمود!!! **مسیح مارا از لعنت شریعت فدا کرد چونکه در راه ما لعنت شد! چنانکه مکتوب است ملعون است هر که بدار آویخته شود! تابرکت ابراهیم در مسیح عیسی بر امتهاید!!!** تا وعده روح بوسیله ایمان حاصل کنیم!!! ای برادران بطریق انسان سخن!! میگوییم: زیرا که عهدراکه از انسان نیز استوار میشود! هیچکس باطل نمیسازد و نمی افزاید اما وعده‌ها به ابراهیم و بنسل او گفته شد! و نمیگوید: بنسلهای که گویا در باره بسیار باشد! بلکه در باره یکی بنسل تو که مسیح است! و مقصود این است عهدراکه از خدا بمسیح بسته شده بود! شریعتی که چهار صد و سی سال! بعد از آن نازل شد باطل نمیسازد بطوری که وعده نیست شود!!! زیرا که اگر میراث از شریعت بودی دیگر از وعده نبودی!!! لیکن خدا آن را به ابراهیم وعده داد! پس شریعت چیست؟! برای تقصیرها بر آن افزوده شد! تا هنگام آمدن آن نسلی که وعده بدو داده شد! و بوسیله فرشتگان بدست متوسطی مرتب گردید!!! اما متوسط از یک نیست اما خدا یک است پس آیا شریعت بخلاف وعده های خداست؟! حاشا زیرا که اگر شریعتی داده میشود تواند حیات بخشد! هر آینه عدالت از شریعت حاصل میشود بلکه کتاب همه چیز را! زیر نگاه بست تا وعده که از ایمان به عیسی مسیح است!!! ایمان داران را عطاء شود! اما قبل از آمدن ایمان زیر شریعت نگاه داشته بودیم! و برای آن ایمانی که می بایست مکشوف شود بسته شده بودیم! پس شریعت لایا مآشدا بمسیح برساند! تا روز ایمان عادل شمرده شویم! لیکن چون ایمان آمد دیگر زیر دست لایا نیستیم! زیرا که همگی بوسیله ایمان در مسیح عیسی پسران خدا میباشید!!! زیرا که که همه شما که در مسیح تعمید یافتید مسیح را در بر گرفتید! هیچ ممکن نیست که یهود باشید!!! یا یونانی و غلام و نه آزادونه مردوزن زیرا که همه شما در مسیح می باشید! اما اگر شما از آن مسیح میباشید! هر آینه نسل ابراهیم و بر حسب وعده وارث هستید!!! (از کتاب مقدس عهد جدید و از ریاله پولیس رسول بغلاطیان باب سوم آیات از ۲۹ تا ۲۹)

بندسوم: زندگی یهودیان و بنی اسرائیل در قرآن کریم وحی منزل

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خداوندگفت: ای یهودیان بیاد آورید وقتیکه بموسی گفتید: که ما هرگز بریک طعام صبر نمیکنیم! که خداوند صاحب اختیار گلّ خود را بخوان! که از زمین روئیدنی های را برای ما بیرون بیاورد! که از آن سبزیجات و خیار و سیروپیا ز را بر ویانند!! موسی گفت: آیا آنچه را که پست تر است تقاضا دارید بجای بهتر؟! و در مصرف خود آید که هر چه خواسته اید! در آنجا برای شما وجود دارد!!! خشم خداوند را با خودشان همراه کردند که بیچارگی بر آنها زده شد! و این خشم بجهد کفر ایشان به آیات خداوند بوده است!!! و بسبب این است که پیام آوران خداوند خلاق جهان هستی ربّ العالمین را بناحق میکشند!!! و برای این است که ایشان در عصیان!!! و تجاوزگری عادت کرده بودند!!!

(از قرآن کریم و از سوره البقره آیه ۶۱)

ای یهودیان بیاد آورید وقتیکه گفتید: ای موسی ما هرگز بتو ایمان نمی آوریم!!! تا خداوند را آشکارا ببینیم!!! پس صاعقه مرگ شمارا گرفت!!! و حال آنکه شما ناظر بوده اید!!! که پس از مردنتان شمارا زنده کردیم!!! تا شاید که شکر گزار باشید!!!

(از قرآن کریم و از سوره البقره آیات ۵۵ و ۵۶)

خداوند فرمود: بنی اسرائیل را از دریا گذرانیم!!! و آمدند بطرف قومیکه!!! بر بت های خودشان معتکف! و عبادت کننده بودند!!! پس بنی اسرائیل گفتند: ای موسی برای ما الهی و معبودی قرار بده!!! چنانکه برای ایشان الهی های هست!!! موسی گفت: بدرستی که شما قوم نادان! و جاهل هستید! و بدرستی که این بت هاتباه! و نابود کننده ایمان است!!! چنانکه خود ایشان تباه و نابود هستند!!! و هر آنچه را که عمل میکنند باطل! و نابود است!!! و موسی گفت: آیا غیر از خداوند خلاق جهان هستی؟؟؟ و صاحب اختیار کل؟؟؟ برای شما الهی های باطل بجویم؟؟؟ و او خداوندی است! که شما را بر جهانیان برتری داده است!!!

(از قرآن کریم و از سوره الاعراف آیات ۳۸ تا ۴۰)

خداوند گفت: و قوم موسی بعد از رفتن او بکوه سینا!!! از زیورهای خودشان گوساله بیجان ساختند!!! و برای خودشان الهی گرفتند!!! که صدای گاوی داشت!!! آیانی دانستند که آن جسد و بیجان است؟؟؟! و با ایشان سخن؟! نمیگویند: و ایشان را برای هدایت نمیکند؟! که آن را الهی گرفتند در حالیکه بر خداوند ظالمان و ستمگران بودند (از قرآن کریم و از سوره الاعراف آیه ۴۸)

پس موسی بسوی قوم خود برگشت! در حالیکه غضبناک بود و تأسف میخورد! گفت:
ای قوم من آیا خداوند صاحب اختیار شما! برای شما وعده نکرده بود؟؟؟! که وعده خوب و نیکو بود؟! آیا آن و عهد الهی بر شما طولانی شده بود؟! و یا خواستید که غضب خداوند صاحب اختیار شما بر شما وارد شود؟! پس شما در وعده گاه من خلاف کردید! گفتند: در وعده گاه تو با اختیار خودمان خلاف نکردیم!!! ولیکن ما بارهائی از زینت این قوم را برداشتیم! پس آنها را بدور انداختیم! پس سامری گوساله را بدین گونه در آورد!!! پس برای ایشان مجسمه را ساخت که صدا دار بود که بیرون آورد!!! و گفتند: این خدای شما و خدای موسی است! که فراموش کرده است! خداوند گفت: پس آیند دیدند که گوساله با ایشان سخن میگوید؟! و جواب نمیدهد؟! و برای ایشان نمالک ضرر است و نمالک خیر است!!! پس چرا گوساله را الهی خود گرفتند؟؟؟؟!!!
 (از قرآن کریم و از سوره طه آیت از ۸۶ تا ۸۹)

آی مسلمانانیکه ایمان آورده اید!!! مانند یهودیان نباشید که موسی را آزار و اذیت کرده اند! و موسی را از آنچه گفتند: و تهمت! و افتراء زده اند!!! خداوند تبرئه کرده و موسی در نزد خداوند آبرو مند بود!!!
 (از قرآن کریم و از سوره الاعراف آیه ۶۹)

و قتیکه موسی برای قوم خودش گفت: ای قوم من برای چه مرا؟؟؟؟! آزار و اذیت میدهد؟! در حالیکه میدانید من رسول! و پیام آور خداوند هستم؟! که بسوی شما آمده ام! و پس قتیکه از او منحرف و گمراه شدند!!! خداوند دلهای و عقل های ایشان را به انحراف و گذاشت!!! و خداوند مردمان فاسق را هدایت نمیکند!!!
 (از قرآن کریم و از سوره الصّاف آیه ۵)

حقیقت این است!!! که هارون از قبل بایشان گفت: ای قوم من بدرستیکه بواسطه این گوساله آزمایش شده! و بفته مبتلا شده اید! و بدرستیکه صاحب اختیار کل شما خداوند رحمان است! پس از من پیروی کنید! و از امر من اطاعت کنید!!! گفتند: از آن گوساله روی نمیگردانیم! و همواره بآن معتکفیم! تا موسی بسوی ما بازگردد!!! و موسی بازگشت و گفت: ای هارون چه مانع تو گردید زمانیکه ایشان گمراه شدند هدایت نکردی؟! و چرا از من متابعت نکردی؟! پس آیا از من عصیان کردی؟! هارون گفت: ای پسر مادر من ریش و سر مرا مکش!!! زیرا که ترسیدم که بگویی در میان بنی اسرائیل تفرقه افکندی! و قول مرا رعایت نکردی!!! موسی گفت: ای سامری از این کار هدف توجه بود؟! سامری گفت: بیناشدم به آنچه ایشان به آن بینانشدند پس مثنی از اثر رسولی گرفتم انداختم! بدین گونه هوای نفسم برای من وانمود کرد!!! موسی گفت: پس برو که برای تو در زندگی دنیا لازم است!!! که بگویی بامن نمیباشید! و حقیقت این است!!! که برای تو وعده گاهی است!!! که هرگز با تو خلاف کرده نمیشود!!! و در تمام روز بمعبودت معتکف شده! و بنگر که بدو نشک آن گوساله را میسوزانم! سپس خاکسترش را بدریا میریزم! و کاملاً پراکنده مینمایم! و حقیقت این است! که جز این نیست! که الهی شما خداوند واحد و یکتا است! و معبودی نیست جز خداوندیکه علم و دانش! او همه چیز را فرا گرفته و احاطه نموده است!!!

(از قرآن کریم و از سوره طه آیات از ۹۰ تا ۹۸)

از همین جهت است! که برای بنی اسرائیل نوشتم!!! هر کسی که در روی زمین قتل و فساد نکرده باشد! بکشید! مثل این است که گویا همه اهل روی زمین را کشتید!!! و آن کسی را که با عدالت زنده گذارید! مثل این است که گویا تمامی مردم روی زمین! را زنده کرده اید!!! و حقیقت این است! که برای بنی اسرائیل رسولانی مابا آیات! و نشانه های روشنی آمدند! سپس بعد از آن بدرستیکه بسیار از ایشان در روی!!! زمین اسراف کار و فاسد شدند!!!

(از قرآن کریم و از سوره المائده آیه ۳۲)

حقیقت این است! که خداوند سخن آن کسانی را شنید!!! که گفتند: خداوند فقیر است و ما اغنیائیم!!! آنچه را که گفتند خواهیم نوشت! و آن کسانی که پیام‌آوران را به ناحق بقتل رسانیدند! و کشتند! نوشتیم! و می‌گوئیم: عذاب دردناک و سوزانی را بچشی! که این عذاب نتیجه کارهای است! که خود کرده اید!!! بدرستی که خداوند نسبت ببند گانش ستمگر نیست! و آنانی که گفتند: خداوند با پیمان بسته است! که بهیچ پیام آوری ایمان نیاوریم!!! تا آنکه برای ما قربانی بیاورد! که آتش آن را بخورد!!! ای محمد بگو: حقیقت این است! که قبل از من پیام آوری با معجزات! و با آیاتی! و آنچه گفتید: آمدند! اگر راست می‌گوئید: پس چرا آنان را کشتید؟؟؟؟ ای محمد پس اگر چه تو را تکذیب کردند! پیام آورانی که قبل از تو که با معجزات! و صحیفه ها و کتاب نور دهنده آمده!!! بودند تکذیب کردند!!! و هر کسی صاحب نفس است چشنده مرگ است!!! و بدرستی که پادشاهای شما در روز قیامت بشما تماماً داده خواهد شد!!! و هر کسی که از آتش جهنم دور است! داخل بهشت خواهد شد! و حقیقت این است! که آن شخص با آرزویش رسیده! کامیاب شده است! آگاه باشید که زندگی دنیا جز فریب و نیرنگ نیست!!!

(از قرآن کریم و از سوره آل عمران آیات از ۱۸۱ تا ۱۸۵)

پس بواسطه پیمان شکنی یهودیان! و کفر کردن ایشان با آیات خداوند!!! و یهودیان پیام آوران خداوند را بقتل رسانیده! و بناحق کشتند!!! و گفتند: که در دل‌های ما غلافی است! که چیزی نمی‌فهمیم! بلکه خداوند بر دل‌های ایشان مهر زده است! که بسبب کفر کردنشان! پس یهودیان ایمان نمی‌آورند! و بسبب کفر کردنشان مگر اندکی! که بمریم مقدس تهمت بزرگی رازده اند!!! و گفتند: که عیسی مسیح پسر مریم رسول الله را ما کشتیم! و حال آنکه او را نکشتند! و به دار و به صلیب نیاویختند!!! ولیکن برای ایشان مشتبه! و اشتباه شده بود! و یهودیانی که در قتل او اختلاف کردند!!! بدرستی که در قتل آن شک میکنند!!! و برای یهودیان به آن علمی نیست! مگر این که پیروی! ظن! گمان کردند! و یقیناً عیسی پسر مریم را نکشتند! بلکه خداوند خالق! عیسی مسیح! او را بسوی خود بالا برد! و خداوند غالب و چیره و حکیم است! و از اهل

کتاب احدی نیست!!! مگر اینکه پیش از مرگ خود به پیام آور عیسی مسیح ایمان آورده باشد! در روز قیامت بر یهودیان گواه میباشد! و آنایکه یهودی بودند بسبب ظلم! و ستم کردن ایشان! چیزهای که برایشان حلال شده بود! برایشان حرام کردیم!!! و بسبب بازداشتن بسیار مردم را! از راه خداوند چیزهای حلال را برایشان حرام کردیم! و حقیقت این است! که یهودیان از رب گرفتار نهی شده بودند!!! که رب گرفتار و ایشان اموال مردم را بباطل میخوردند! و از راه خداوند بازداشتند! و بسبب این کارهای ایشان! و برای یهودیانی که کافر شدند!!! عذاب دردناک مهیا کردیم!!!

(از قرآن کریم و از سوره النساء آیات از ۵۵ تا ۶۱)

خداوند فرمود: وقتیکه از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم! جز خداوند خلاق جهان هستی و ربّ العالمین! هیچ کسی! و هیچ چیزی را نپرسید!!! و عبادت نکنید! و بوالدین!!! و خویشاوندان! و یتیمان! و فقیران را احسان نمائید! و بر مردم سخن خوب بگوئید: نماز را برپا دارید و زکات را بدهید! سپس روی گردانیده اید جز عده قلیلی از شما!!! در حالیکه از او امر خداوند اعراض میداشتید!!! بنی اسرائیل و بیاد آورید وقتیکه از شما پیمان گرفتیم! که خون خودیهای را نریزید!!! و خودیهای را از خانه هایشان خارج نکنید! سپس اقرار کردید! و خود شما گواهی دادید! سپس شما همانها هستید! که خودیهای را میکشید! و هم دیگر را از خانه خود خارج میساختید! و برای گناه! و تجاوز! و دشمنی پشتیبان یکدیگر شدید! و اگر کسانی که اسیر شما شدند! فدیّه طلبید!! و حال آنکه بیرون! و اسیر کردن ایشان برای شما حرام بوده است! آیا بعضی از آیات احکام کتاب خداوند را ایمان می آورید؟! و بعضی دیگر را کافر میشوید؟؟؟؟!!! کسانی که از شما چنین میکنند!!! جزای او خواری در دنیا است! و در روز قیامت بشدیدترین عذاب الهی گرفتار خواهد شد! و خداوند از اعمال! و کردار شما غافل نیست!! و کسانی هستند که دنیا را در عوض آخرت خریدند! پس برای ایشان در عذاب آخرت تخفیف داده نمیشود! و یاری! و کمک برای ایشان وجود ندارد! و حقیقت این است که کتاب تورات! را بموسی دادیم! و از پی او پیام آوران دیگری را فرستادیم! و به عیسی پسر مریم دلیل ها و حجّت های روشنی دادیم! و او را بروح القدس تأیید نمودیم

پس آیا هر پیام آوران دیگری که از طرف خداوند ستوری برخلاف میل شما؟! آورد
 اعراض و تکبر مینمایید؟! پس گروهی از پیام آوران را تکذیب! و گروهی را میکشتید!
 و بقتل میرسانیدید؟! و یهودیان گفتند: که دل‌های مادر پرده غفلت است! و چیزی از
 سخن وارد دل‌های!!! و عقل‌هایمان نمیشود!!! چنین نیست بلکه خداوند ایشان را
 بسبب کفرشان از رحمت خود دور! و لعنت کرده است!!! که از ایشان اندکی ایمان
 می‌آورند! کتاب قرآن از نزد خداوند بسوی ایشان آمد که تصدیق کننده کتاب تورات
 آنان است! و برای ایشان چنین عادت بود که قبل از نزول قرآن! امید بر رسول خداوند
 که بر کافران فتح! و غلبه می‌جستند! پس قرآن آمد! و آن را شناختند!!! پس به قرآن
 هم کافر شدند!!! پس لعنت خداوند بر کافران باد! و با خود معامله بد کردند که آنچه
 خداوند نازل فرموده بود کافر شدند!!! که برای حسد و عداوت که چرا خداوند به
 فضل و رحمت خود!!! برای بنده از بندگانش کتابی نازل کرده است!!! پس از روی
 حسد بخشی علاوه بر خشم سابق خودشان مبتلا شدند!!! و برای کفار عذابی است
 خوار کننده! و وقتی که بیهودیان گفته شده قرآنی که خداوند نازل کرده ایمان بیاورید!
 گفتند: آنچه بر ما نازل شده ایمان آوردیم!!! و بعد از آن کافر می‌شویم!!! در صورتی
 قرآنی که نازل شده حق است! و کتاب تورات را تصدیق میکند! ای محمد بگو: اگر
 بر سخن خودتان ایمان دارید؟! پس چرا پیام آوران که قبلاً از طرف خداوند؟! از نژاد
 ابراهیم آمده بودند بقتل رسانیدید! و میکشتید!؟؟؟؟ و حقیقت این است! که موسی
 با معجزاتی روشنی برای شما آمده بود!!! پس چرا گوساله پرستی را شما انتخاب
 کردید!؟؟؟؟ که موسی را نادیده گرفتید! و شما ظالم! و ستمگر هستید!!! ای یهودیان
 بیاد آورید که از شما پیمان گرفتیم! و کوه طور را برفراز شما برافراشتیم! که بانروی
 ایمان و کتابی که برای شما آمده با قوت محکم بگیرید! و شما بطور مسخره گفتید:
 شنیدیم و عصیان کردیم!!! و عقل! و دل‌های ایشان بواسطه کفرشان که بدوستی و
 پرستش گوساله آبیاری شده بود!!! ای محمد بگو: ایمانتان شما را برای بد فرمان

میده که اگر ایمان داشته باشید؟! ای محمدبگو: اگر خانه آخرت در نزد خداوند فقط بشما اختصاص دارد نسایر مردم که اگر راست میگوید: آرزوی و تمنای مرگرا کنید؟! که بسعدت برسید؟! و هرگز نمیتوانید آرزوی و تمنای مرگ کنید! زیرا که بسبب کار های زشتی که بادت خودتان انجام داده اید! و خداوند بحال ظالمین! و ستمگران عالم و دانا است!!! بدون شک یهودیان را حریص ترین مردم به اموال و زندگی دنیا میبینی و حریصتر از کسانی که شرک آورده اند!!! بطوری که هر یکی از یهودیان دوست دارد! که هزار سال عمر کند! که این عمر او را از عذاب نرهاند و خلاص نمی کند! و هر کاری و عملی را که انجام میدهند خداوند بینا و بصیر است!!! ای محمد بگو: آیا چکسی دشمن جبرئیل است؟؟؟! در صورتی که جبرئیل قرآن را به فرمان خداوند بر عقل تو نازل کرده است!!! قرآنی که کتابهای آسمانی قبل را تصدیق و تأیید میکند! و برای مؤمنین هدایت! بشارت دهنده است! هر کسی که با خداوند عداوت کند!!! و با فرشتگان! و رسولان! و جبرئیل! و میکائیل او کافر شود!!! پس بدرستی که خداوند دشمن کافران است!!!

(از قرآن کریم و از سوره البقره آیات از ۸۳ تا ۹۸)

و هر کسی که مؤمن به خداوند را عمدآبکشد! پس جزای او فقط جهنم است!!! که در آن دوزخ همیشه و جاوید است!!! و خداوند بر او غضب! و لعنت کرده است!!! و برای او عذابی بزرگی را آماده و مهیا نموده است!!!

(از قرآن کریم و از سوره النساء آیه ۹۳)

خداوند خودش شهادت داده است! که خدای و معبود و ملجائی نیست! جز او که خداوند خلاق جهان هستی و ربّ العالمین!!! و فرشتگان!!! و دانشمندان توحید نیز شهادت دادند!!! که جز او معبود! و ملجائی پناهی نیست!!! و او خداوند غالب! و حکیم است که عدالت را برپا دارید! بدرستی که دین در نزد خداوند فقط اسلام است! آنانی که به ایشان کتاب داده شده اختلاف نکردند مگر! پس از آمدن علم! و دانش دینی! برای ظلم و ستمی بین خودشان اختلاف کرده بودند! و هر کسی که به آیات خداوند کافر شود! بدرستی که خداوند سریع الحساب است! و بحساب او رسیدگی خواهد کرد! ای محمد

پس اگرچه باتومحاجه وجدل کردند!!! بگو: من خود را برای خداوند تسلیم نمودم
 و اسلام آورده ام! و هر کسی که پیرو من است! او نیز برای خداوند تسلیم شده است!
 ای محمد بیهودیان و بی سوادان بگو: آیا شما به خداوند اسلام آورده اید؟! پس اگر
 اسلام آورده اند و خداوند تسلیم شده اند؟! پس حقیقت این است که هدایت خداوند
 رایافته اند! و اگر اعراض کردند! پس این است! جز این نیست!! که فقط بر عهده تو
 ابلاغ کردن آیات خداوند است! و خداوند ببندگان خود بینا! و بصیر است! بدرستی که
 آنانی که بآیات خداوند کافر شدند! و پیام آوران را بناحق میکشند! و بقتل میرسانیدند
 و آمرین مردم به عدالت را بقتل میرسانیدند! پس برای ایشان عذاب دردناک را
 بشارت! مزده بده! و آنان از آن گروه هستند! که در دنیا و در آخرت اعمال خیر ایشان
 نابود و هدر شده است! و برای ایشان هیچ کمک! و یآوری نیست! ای محمد! آیا کسانی
 را که بهره از کتاب الهی داده شدند دیدی؟؟؟!! که بکتاب خداوند دعوت میشوند تا
 بین ایشان حکم کنی؟! اولی گروهی از آنان روی میگردانند!!! و اعراض ایشان به
 این سبب است! که میگویند: هرگز آتش جهنم بمانمی رسد جز چند روزی!!! و آنچه
 را بدین گونه بخودشان دروغ بسته!!! و ایشان افتراء میگویند: و خودشان را گول
 زده اند! و حال ایشان پس چگونه میشود؟! و قتیکه خداوند برای روزیکه ایشان
 را جمع میکند؟! که در آن روز قیامت هیچ شکی نیست! و جزای هر کسی را که هر چه
 کسب و عملی کرده به او تمام داده میشود!!! و به آنان هیچ ظلم! و ستمی نمیشود!
 (از قرآن کریم و از سوره آل عمران آیات ۸ تا ۲۵)

و قتیکه موسی بقوم خود گفت: نعمت خداوند را بخودتان بیاد آورید!!! هنگامیکه در
 میان شما پیام آوران قرار داده!!! و برای شما سلطنت عطاء کرد! و آنچه را که شما
 داده به احدی از جهانیان نداده است!!! ای قوم من بزمین مقدس اورشلیم داخل
 شوید که خداوند بر شما مقرر داشته است! و به عقب خود برنگردید که از زیانکاران
 خواهید شد! گفتند: ای موسی بدرستی که در آن قوم جبار و سرکشی هستند! حقیقت

این است که ماهرگز داخل آن نمیشویم! تا ایشان از آنجا خارج شوند! پس اگر از آن خارج شدند ما داخل آن خواهیم شد! دو مرد از آنانیکه از خداوند میترسیدند! که خداوند به آنان نعمت ایمان داده بود گفتند: شما داخل شوید به آن!!! هرگاه که از دروازه شهر داخل شوید! حقیقت این است! که پیروز میشوید! و بر خداوند توکل کنید که اگر ایمان آورده اید! گفتند: ای موسی بدرستی که ما ابداً داخل نخواهیم شد! مادامیکه در شهر هستند! پس تو و خدای تو بروید کارزار و جنگ کنید که مادر این جانشسته ایم موسی گفت: ای خدای من بدرستی که من مالک اختیار نیستم! مگر بر خودم و برادرم! پس ای خداوند صاحب اختیار کل من!!! بین ما و بین این قوم فاسد و ناپاک جدائی بینداز!!! خداوند گفت: این زمین چهل سال برای این!!! قوم حرام شده است!!! و در آن حیران و سرگردان خواهند شد!!! پس ای موسی برای این قوم فاسد و ناپاک!!!

افسوس مخور!!! (از قرآن کریم و از سوره المائده آیات از ۲۰ تا ۲۶)

خداوند فرمود: یهودیان هر جا بوده باشند! از طرف خداوند برای ایشان ذلت و خواری!!! مقرر شده است!!! مگر اینکه بکتاب خداوند قرآن چنگ بزنند! و برشته مردم و بخشم خداوند مبتلا شده اند!!! و برای ایشان بیچارگی و درماندگی زده شده است! زیرا که پیوسته به آیات خداوند کافر شده اند!!! و پیامآوران خداوند را بناحق بقتل میرسانیدند و میکشتند!!! و نافرمانی و عصیان میکردند! و حدود خداوند تجاوز می کردند و از حد میگذشتند!!!

(از قرآن کریم و از سوره آل عمران آیه ۱۱۲)

خداوند فرمود: وقتی که موسی بسوی قوم خود در حال!!! غضب و تأثیر برگشت و به هارون گفت: جانشینی تو برای من بد شده است!!! که شما بعد از من در امر خداوند صاحب اختیار کل خودتان! تعجیل کرده اید!!! و الواح را افکند! که موسی سر برادرش!!! را گرفت و بسوی خود کشید! برادرش گفت: ای پسر مادر من بدرستی که این قوم! مرا ضعیف شمردند و نزدیک بود که مرا بکشند!!! پس دشمنان مرا بشمادت من شاد مکن!!! و مرا با گروه ستمکاران و ظالمان قرار داده!!! موسی گفت: ای خداوند صاحب اختیار کل من! مرا و برادرم را بیمار زو مرا برحمت خود داخل کن! توئی رحم کننده ترین رحم کنندگان! بدرستی که آن کسانی که گوساله را خداوند! و معبود خود

گرفتند!!! بزودی خشمی و ذلتی در زندگی دنیا!!! از خداوند صاحب اختیار کل ایشان به ایشان خواهد رسید! که برای دروغ سازان چنین کیفر را خواهم داد!!!
(از قرآن کریم و از سوره الاعراف آیات از ۱۵۰ تا ۱۵۲)

خداوند فرمود: حقیقت این است! که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم! و پیام آورانی را که بسوی ایشان میفرستیم!!! که از پیام آوران اطاعت و پیروی کنند! هر زمانیکه رسولی برخلاف میل ایشان برای ایشان آمده بود! گروهی را میکشند و بقتل می رسانیدند! و گروهی را تکذیب میکردند!!! گمان میکردند که آزمایش و عذاب برای تکذیب کردن و بقتل انبیاء نیست! پس کور و کر دل شدند! سپس خداوند توبه ایشان را قبول کرد!!! و باز هم بسیاری از ایشان کور و کر دل شدند!!! هر عملی را که انجام میدهند خداوند بینا! و بصیر است!!! (از قرآن کریم و از سوره المائد آیات از ۷۰ و ۷۱)

نکاتی از مؤلف: در هر سه کتاب ادیان توحیدی!! کتاب دینی یهودیت! و کتاب دینی مسیحیت! و کتاب دینی اسلام که قرآن وحی منزل میباشد! که هر سه کتاب یهودیان! بنی اسرائیل را خدا ناشناس!!! و بُت پرست!!! و پیمان شکن و زناکار!!! را باخوار و جنایتکار! و قاتلین انبیاء عظام نوشته اند و معرفی مینمایند! و باین اخلاق و خصوصیات که از چهره جنایت پیشه! خون خوری! و خون آشامی ایشان پرده برداشته اند!!! بجهان و جهانیان هشدار دادند! که از دست این قوم درنده! در امان نیستند! باید چاره جویی نمایند!! و الأجان! و مال! و ناموس! و دین!!! و همه چیزشان در دست این قوم بدتر حیوانات درنده!!! ناپود خواهد شد!!! و ارزش انسان! و انسانیت! و بشریت را از بین خواهند برد!!! دالّ بر اینکه تاریخ برای شهادت! و عرایض!!! را هنمایی شفاف مانند خورشید! نمایانگر میباشد! معرفی مینماید که این قوم تنها قوم هستند! که کتاب دینی خودشان اینها را قوم بُت پرست! و رباکار! و فاسد! و شرور! و عهد شکن و قاتلین پیغمبران!!! و رسولان و انبیاء عظام خداوند خلاق جهان هستی و ربّ العالمین می باشند!!! و تنها قومی هستند! که خون! و گوشت انسانهای غیر یهودی را خوردند! و میخورند! و خواهند خورد! و کتاب دینی خودشان این قوم را ضدّ خداوند! خدا ناشناس نوشته است! که شدیدترین حيله گرونی رنگ باز میباشد! این قوم نادان! و جهال!!! اگر چه کتابهای دینی مسیحیت! و کتاب دینی اسلام! و قرآن را قبول ندارند! ولی باید

کتاب دینی خودشان را که حتماً قبول دارند! و ایمان آورده اند که بنوشتجات! و مطالب
 و کلمات تورات فعلی دینی خودشان را چه جواب میدهند؟! و چه میگویند:؟؟!! که
 جز این چاره ندارند؟؟؟؟!! که باید کتاب دینی خودشان را قبول کنند! و اگر هم قبول
 نکنند!! باز هم خدا ناشناس!! و بیدین بودند و هستند!! بنابنوشته کتاب مقدس
 عهد عتیق! و کتاب تورات فعلی! یهودیان صهیون نیزم!! بدترین! و فاسدترین قوم
 این جهان هستند پس در این صورت از حیوانات گمراه تر و پست تر بوده! و هستند
 زیرا که حیوانات خدا ناشناس! و بت پرست! و جنایتکار! و قاتل انبیاء خداوند نیستند
 و از یهودیان صهیون نیزم خدا ناشناس! و بت پرست! و جنایتکار و شرور خواهشمند
 هستیم! که مؤلف: رادشمن خودشان ندانند! زیرا که اینجانب هیچ تقصیر و گناهی ندارم
 برای اینکه این نوشتجات!! مطالب و کلمات را از کتاب بسیار مقدس عهد عتیق
 و از کتاب تورات فعلی! یهودیت نوشته!! و بتحریر در آوردم!! و اگر هم بهمه عالم
 یهودیت صهیون نیزم بنی اسرائیل توهین شده باشد که نشده است! تقصیر کار به
 اصطلاح کتابهای دینی! و آسمانی خودشان میباشد!! و عملکرد ایشان هم از کتاب
 به اصطلاح آسمانی خودشان تورات فعلی!! سرچشمه گرفته است!! و باید قبول
 فرمایند! که چنین صفاتی را دارا هستند! یا باید کتاب مقدس عهد عتیق! و کتاب تورات
 فعلی را قبول نکنند! بجهان و جهانیان اعلام نمایند که چنین کتابهای سرتاپا کفر و
 شرک! و گمراهی! و سکسی! و رکیک! و فاسد را قبول نداریم! و یا اگر مهر تأیید گذاشته
 باشند! و باید قبول فرمایند که چنین کتاب سرتاپا ضد و نقیض و حرفهای کفر و شرک
 و گمراهی! و زنده! و سکسی! و رکیک! و دروغ و افتراء دارند!! و افعال و کردار و
 خصوصیات جنایت پیشه! درنده خویی این قوم بدتر از حیوانات درنده وحشی از
 آن کتابها اصل و ناب آیات شیطانی سرچشمه گرفته میباشد!! و این قوم ملعون
 یهودیت صهیون نیست! خودشان را نژاد! و فرزندان و برگزیده و وارث خدا میدانند!
 به این سبب است که خودشان را مال!! و صاحب اختیار کل مال! و جان! و ناموس
 جهان جهانیان میدانند! نباید این قوم کفار! و مشرک جنایتکار و خون آشام بقدرت
 زیادی برسند!! هر طوری که شده باید جلو قدرت!! این قوم نادان! و جاهل گرفته
 شود! و الا جهان و جهانیان را برده و بنده خواهند ساخت!! پناه بر خداوند خلاق
 جهان هستی رب العالمین! پایان جلد دوم سرچشمه آیات شیطانی!!

تألیف و گردآوری:

عزیزاله اصغری

تاریخ هجری قمری ۱۴۲۷

تاریخ هجری شمسی ۱۳۸۵

پایان

